هجدهمین همایش ملی
توسعه صادرات غیر نفتی کشور

تبریز - ۱۹ و ۲۰ مهرماه ۱۳۹۱

گزیده مقالات

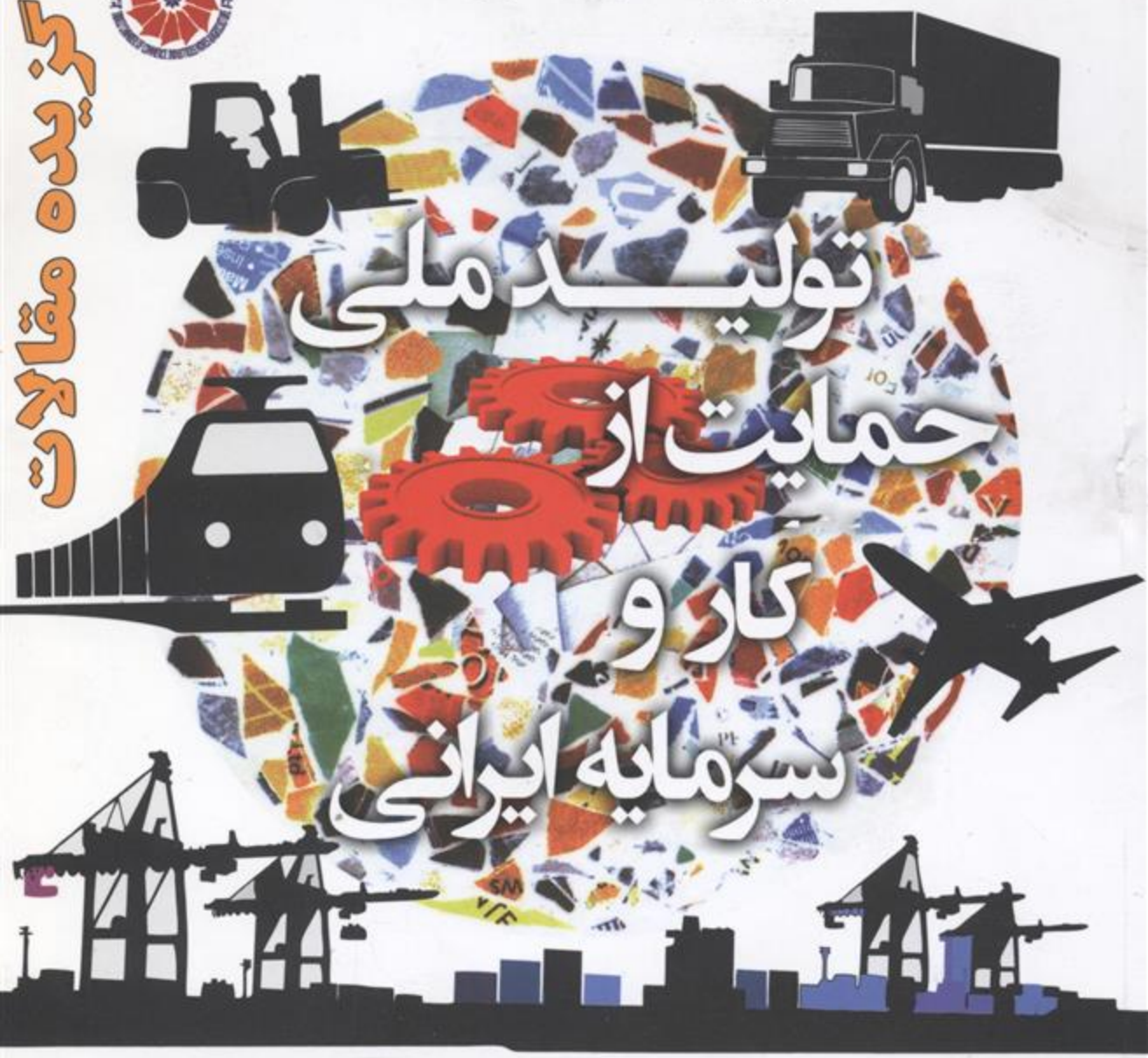

The 18th National Conference on
NON-OIL EXPORT
Development Tabriz-IRAN
10-11 Oct.2012

18

برگزار کنندگان:
استانداری آذربایجان شرقی
اتاق بازرگانی ، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز
سازمان صنعت، معدن و تجارت استان آذربایجان شرقی
منطقه آزاد صنعتی - تجاری ارس
با همکاری دانشگاه های تبریز

بسم الله الرحمن الرحیم

مجموعه گزیده مقالات

هجدهمین همایش ملّی توسعه صادرات غیرنفتی کشور

تبریز ـ مهر ماه ۱۳۹۱

با محوریت :

حمایت از تولید ملی ـ کار و سرمایه ایرانی

برگزار کنندگان :

استانداری آذربایجان‌شرقی

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی تبریز

سازمان بازرگانی استان

و با همکاری دانشگاه تبریز

هجدهمین همایش ملّی توسعه صادرات غیرنفتی کشور
دبیرخانه دائمی همایشهای ملّی توسعه صادرات غیرنفتی کشور

تبریز ـ خیابان ارتش شمالی ـ شماره ۶۵ ـ اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی تبریز
تلفن: ۵۲۶۴۱۱۱ ـ ۵۲۶۴۱۱۲ فاکس: ۵۲۶۴۱۱۵

انتشارات ستوده ، شماره ۲۵ ، خیابان ارک جدید ، خیابان طالقانی ، تبریز
کدپستی ۵۱۳۷۷۷۸۷۷۱ تلفن ۵۵۶۷۸۱۸ فاکس ۵۵۴۵۸۰۴
E-mail:sotodeh.pub@gmail.com

چاپ اوّل ۱۳۹۱
چاپ ترقّی ـ تبریز ـ تلفن ۵۲۶۳۵۸۵
۶۰۰ جلد
شماره نشر ۱۴۹

سرشناسه :	همایش‌ملی توسعه صادرات غیرنفتی کشور (هجدهمین : ۱۳۹۱ : تبریز)
عنوان و نام پدیدآور :	مجموعه گزیده مقالات هجدهمین همایش ملی توسعه صادرات غیرنفتی کشور / گردآورنده دبیرخانه دائمی همایشهای ملی توسعه صادرات غیرنفتی کشور
مشخصات نشر :	تبریز: ستوده ، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری :	۳۶۸ ص .
شابک :	۹ ـ ۰۱۰ ـ ۳۲۵ ـ ۶۰۰ ـ ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی :	فیپا
موضوع :	صادرات غیرنفتی -- ایران -- کنگره‌ها
موضوع :	صادرات و واردات -- ایران -- توسعه و ترویج -- کنگره‌ها
شناسه افزوده :	همایش ملی توسعه صادرات غیرنفتی کشور ، دبیرخانه دائمی
رده بندی کنگره :	ب ۱۳۹۱ ۸ هـ۵ی/HF۳۷۷۰/۲
رده‌بندی دیویی :	۳۸۲/۶۰۹۵۵
شمارهٔ کتابشناسی ملّی :	۳۲۶۵۹۱۷

همه حقوق محفوظ و متعلق به دبیرخانه دائمی همایش‌های ملی توسعه صادرات غیرنفتی کشور می‌باشد

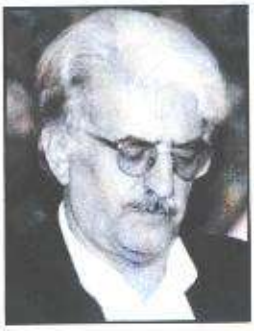

کتابی که پیش‌رو دارید مجموعه‌ای از مقالات برگزیده از بین مقالات ارسالی به هجدهمین همایش ملی توسعه صادرات غیرنفتی با محوریت حمایت از تولید ملی ، کار و سرمایه ایرانی می‌باشد .

استقبال گسترده اساتید دانشگاه ، کارشناسان ، اقتصاددانان ، دانشجویان دوره کارشناسی ارشد و دکترا به حدی است که فراتر از یکصد مقاله به دبیرخانه همایش واصل شده است . این مسئله بیانگر آن است که بخش کارشناسی کشور به مسائل اقتصاد ملی از جمله صادرات غیرنفتی توجه ویژه داشته و می‌کوشد که در رفع معضلات و مشکلات از جمله تحریم‌های نظام سلطه مؤثر باشد لذا بر همه به ویژه مسئولان فرض است که به بخش کارشناس در تمام سطوح ارج گذاشته و بکوشند توسعه پایدار کشور را بر مبنای دانش و آگاهی تداوم بخشند . توجه باید کرد که علم نوری از انوار الهی است و بدون حرکت در روشنائی آن نمی‌توان به تاریکی و عقب ماندگی‌های تحمیلی غلبه کرد .

برگزاری همایش هجدهم مصادف با تشدید تحریم‌های نظام سلطه بر کشور و طراحی « اقتصاد مقاومتی » توسط مقام فرزانه رهبری شده است . من یقین دارم که کشور و مدیران خواهند توانست در پناه انوار الهی به همه دشواریهای آفریده دشمنان توسعه پیشرفت این آب و خاک مقدس غلبه نمایند . یکی از راههای حذف تحریم‌ها و خنثی نمودن آنها کوشش در افزایش کمی و کیفی صادرات غیرنفتی می‌باشد .

با احترام
دکتر محمد باقر صدری
دبیر همایش



در سالی که به سال « تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی » توسط مقام معظم رهبری مزین شده است راهکارهای افزایش تولیدملی مورد توجه ویژه سیاستگذاران و برنامه‌ریزان ملی و منطقه‌ای قرار گرفته است که در این میان یکی از متغیرهای موثر و چند وجهی تأثیرگذار بر افزایش سطح تولید ملی و ایجاد ثروت ملی و رفاه اجتماعی توسعه صادرات غیر نفتی و بهبود تراز بازرگانی کشور می‌باشد که باتوجه به نقش تأثیرگذار آن بر سایر متغیرهای کلان اقتصادی مانند سرمایه‌گذاری تورم واشتغال وغیره موجبات تحرک اقتصادی ورشد وپویایی اقتصادملی و منطقه‌ای رافراهم می‌آورد.

با توجه به این که سال ۱۳۹۱ اولین سال ادغام وزارت بازرگانی و صنایع و معادن و اولین سال تشکیل سازمان صنعت و معدن و تجارت در استان آذربایجان‌شرقی می‌باشد لذا تکمیل زنجیره تولید و صادرات و تولید صادرات محور از طریق توانمند سازی بنگاههای تولیدی استان برای حضور در بازارهای صادراتی و کاهش قیمت تمام شده محصولات تولیدی برای ارتقاء توان رقابت‌پذیری بنگاههای تولیدی استان و توسعه روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای هدف سرلوحه برنامه‌های سازمان صنعت و معدن و تجارت استان آذربایجان‌شرقی قرار گرفته است .

همایش‌های ملی توسعه صادرات غیرنفتی تبریز خوشبختانه جزو همایش‌هایی است که پیشنهادات سیاستگذاری‌های ملی و منطقه‌ای مستخرج از مقالات علمی ارائه شده در این همایش‌ها همواره مورد اقبال مسئولین ارشد و سیاستگذاران قرار گرفته است . امید آن است این همایش‌ها بتوانند با غنای هر چه بیشتر مقالات علمی و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی در راستای تکمیل حلقه اتصال تولید و صادرات و دستیابی به تولیدات صادرات محور مؤثر واقع گردد .

محمد جعفر عظمایی
رئیس سازمان صنعت ، معدن و تجارت
و دبیر کارگروه توسعه صادرات غیرنفتی استان آذربایجان‌شرقی



کتابی که پیش‌روی دارید مقالات برگزیدهٔ هجدهمین همایش ملّی توسعه صادرات غیرنفتی کشور می‌باشد که در مهر ماه ۱۳۹۱ در تبریز برگزار گردیده . این همایش با بهره‌گیری از فرمایش مقام فرزانه رهبری که سال ۱۳۹۱ را مزین به (سال حمایت از تولید ملّی ، کار و سرمایه ایرانی) فرمودند با همین محورّیت برنامه‌ریزی و به مرحلهٔ اجرا درآمد . مقالات زیادی از اقصی نقاط کشور وسیله اندیشمندان و اقتصاددانان برجسته به دبیرخانه همایش واصل گردید که از بین آنها تعداد ۱۶مقاله وسیلهٔ کمیته علمی همایش گزینش و در صحن همایش ارائه گردید . در طی ۱۸ سال برگزاری بدون وقفه دبیرخانهٔ دائمی همایشهای ملّی توسعه صادرات غیرنفتی مستقر در اتاق بازرگانی ، صنایع ، معادن و کشاورزی استان آذربایجان‌شرقی به این نتیجه رسیده است که این همایش در این مدت در راستای تعالی بخشیدن به صادرات غیرنفتی رسالت خود را بنحو احسن انجام داده و به نتایج از پیش تعیین شده دست یافته است و به همین منظور ادامهٔ برگزاری آنرا در برنامه‌های سالانه خود قرار داده است . علاوه از آن این همایش محفلی اقتصادی علمی شده است تا مدیران اقتصادی دولت جمهوری اسلامی ایران، هیئت‌های رئیسه اتاقهای بازرگانی سراسر کشور ، اعضاء هیئت‌های علمی دانشگاههای کشور در اقتصاد ، صادرکنندگان موفق ، مدیران واحدهای تولیدی صادرات‌گرا و ... گرد هم بیایند و مسائل اقتصادی وصادراتی کشور را به چالش بکشند و راهکارهای مناسب و قابل اجرا را ارائه نمایند .

قطعنامه‌های صادره این همایش که برگزیده مطالب ارزشمند سخنرانان ، مدیران اجرائی اقتصادی و اندیشمندان اقتصادی دانشگاههای کشور می‌باشد به تمام نقاط تصمیم گیرنده ارسال و پیگیری می‌شود و با یقین می‌توان اعلام نمود که اکثر تصمیم‌گیریهای اقتصادی کشور در دولت و مجلس شورای اسلامی از قطعنامه‌های همایش بهره گرفته است .

در خاتمه ضمن قدردانی از تمام مهمانان ارجمند همایش از اقصی نقاط میهن اسلامی امیدوارم این همایش‌ها که از اهم فعالیتهای اتاق بازرگانی تبریز می‌باشد وظایف خود را بنحو احسن به انجام برساند و به آرزوی دیرینهٔ ملت شریف ایران که همانا رسیدن به جایگاه واقعی ایران عزیز در صادرات غیرنفتی می‌باشد دست یابد.

رحیم صادقیان
رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی
تبریز

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
بررسی تأثیر نرخ تورم ، درجه بازبودن اقتصاد وبهره وری نیروی کار روی ...	۹
مدیریت تامین مالی صادراتی ـ عاملی استراتژیک در جهت توسعه تولید صادرات محور	۲۵
بررسی مزیت رقابتی صادرات صنایع مختلف ایران طی دوره ۱۳۷۶ ـ ۱۳۸۶	۴۳
تاثیر سیاستهای پولی ، بهره وری نیروی کار و سرمایه در توسعه صادرات غیر نفتی	۵۷
بررسی تأثیر حمایت از تولید ملی و اشتغال در توسعه‌ی صادرات غیرنفتی با استفاده از ...	۶۹
بررسی رابطه پویا میان نرخ ارز، درآمد ملی و صادرات غیر نفتی در اقتصاد ایران	۸۳
بررسی تاثیر موقعیت مکانی بر تصمیم صادراتی بنگاه‌های صنعتی ایران	۱۰۱
بررسی رابطه‌ی بین صادرات غیرنفتی، سرمایه‌گذاری خارجی و رشد اقتصادی در ...	۱۱۹
بررسی آثار احتمالی فرایند الحاق به WTO بر صنایع غذایی منتخب در راستای ...	۱۳۵
بررسی راهکارهای ارتقا کارایی سیستم ملی نوآوری ایران در جهت حمایت از تولید ملی	۱۴۹
بررسی تاثیر نوسانات نرخ ارز برروی متغیرهای کلان اقتصادی ایران	۱۶۵
نقش بسترها و زیر ساخت های بازارچه های مرزی در گسترش مبادلات تجاری با عراق	۱۸۵
بررسی تاثیر رابطه مبادله بر رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت در ایران	۲۰۳
سنجش اثرات سیاست‌ها و متغیرهای پولی بر توسعه صادرات غیرنفتی در ایران	۲۱۹
نقش کنسول گری ها و رایزن‌های بازرگانی در ایجاد مزیت رقابتی در بازاریابی برای صنایع در ...	۲۳۳
بررسی پاسخ مولفه‌های تجاری بخش کشاورزی نسبت به شوک‌های ارزی با تأکید بر ...	۲۴۹
اثرات انباشت دانش روی صادرات صنایع چرم و محصولات شیمیایی ایران در ...	۲۶۷
بسترهای تحقق تولید ملی ، حمایت از کار و سرمایه ایرانی و ...	۲۸۵
اثر سیاست پولی و نرخ ارز در توسعه صادرات غیر نفتی با ...	۳۰۷
حمایت از تولید ملی با تأکید بر نقش بهره وری عوامل تولید	۳۲۹
نقش سیاستهای اقتصادی وزارت امورخارجه و کنسولگریها و رایزنیهای بازرگانی	۳۴۹

بررسی تأثیر نرخ تورم ، درجه بازبودن اقتصاد وبهره وری نیروی کار روی سرمایه گذاری بخش خصوصی در ایران

دکتر رویا آل عمران[1] ـ سپیده طهماسبی زاد[2]

۱ ـ مقدمه

سرمایه گذاری و انباشت سرمایه ناشی از آن کلید رشد اقتصادی هر کشور به شمار می آید. سرمایه گذاری در اغلب کشورها به ویژه در کشورهای در حال توسعه، توسط بخش خصوصی و دولتی انجام می گیرد. سرمایه گذاری بخش خصوصی نه تنها به عنوان جزئی از تقاضای کل بلکه مهم تر از آن، منبع رشد و فرصت های شغلی در آینده هست. دارنده ی سرمایه هنگام اخذ تصمیم برای سرمایه گذاری به دو اطمینان نیاز دارد . نخست، اطمینان از سود آوری پروژه ای که سرمایه گذار تأمین مالی کرده است، دوم، اطمینان از عدم تعرض سیاسی ، نظامی حقوقی،فرهنگی و... به سرمایه ی تأمین مالی شده در شکل ساختمان و ماشین آلات . این مقاله به تخمین تابع سرمایه گذاری در ایران با در نظر گرفتن اثر متغیرهایی مانند بهره وری نیروی کار درجه ی باز بودن اقتصاد و نرخ تورم پرداخته است.در این مقاله برای تخمین اثر عوامل فوق بر سرمایه گذاری بخش خصوصی از داده های سریهای زمانی ۱۳۵۹- ۱۳۸۸ و از الگوی خود توضیح برداری با وقفه های گسترده (ARDL) در نرم افزار مایکروفیت استفاده شده است. برای منابع آماری ، از داده های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، بانک آمار و اطلاعات بازار کار استفاده شده است. بعد از مقدمه در بخش دوم مبانی نظری تابع سرمایه گذاری و عوامل مؤثر بر آن بیان می شود در بخش سوم پیشینه ی تحقیق شامل مطالعات انجام شده در داخل و خارج از کشور معرفی می شود در بخش چهارم به تجزیه و تحلیل داده ها پرداخته می شود و جمع بندی و نتیجه گیری و آزمونها در بخش پنج و شش ارائه می شود.

۲ ـ مبانی نظری

۲ - ۱) سرمایه گذاری

کلاسیکها پس انداز و سرمایه گذاری را تابعی از میزان بهره می دانند واز شرط برابری آنها در اشتغال کامل یک میزان بهره ی انعطاف پذیر را بدست می آورند. آنان معتقدند که این تعادل خود به خود در اقتصاد به وجود می آید و نیز بر این باورند که سرمایه گذاری تابعی از نرخ بهره

---

۱ ـ استادیار وعضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز
۲ ـ دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

است و هر چه میزان بهره افزایش یابد، تقاضا برای سرمایه گذاری کاهش می یابد. کینزین ها معتقدند که معیار کارایی نهایی سرمایه نقش بسیار مهمی در تصمیمات سرمایه گذاران دارد. در تحلیل کینز [1]، میزان واقعی بازدهی سرمایه گذاری، مقداری است که ارزش تنزیل شده درآمدهای انتظاری خالص ناشی از سرمایه گذاری در یک پروژه خاص را با هزینه ی اولیه ی سرمایه گذاری در آن پروژه برابر می کند.این میزان ،کارایی نهایی سرمایه گذاری نامیده می شود . تصمیم به سرمایه گذاری بر اساس نظریه ی کینز به دو عامل بستگی دارد: نخست میزان بازدهی داخلی ناشی از سرمایه گذاری که در واقع همان کارایی نهایی سرمایه گذاری است و دوم، میزان بهره که معیار ارزیابی هزینه های فرصت ذخایر موجود می باشد و در کل می توان گفت سرمایه گذاری عبارت است ازجریان مخارجی که صرف افزایش یا تثبیت حجم سرمایه واقعی می شود و می توان گفت فراگردی است که در آن، کالاهای سرمایه‌ای برای تولید کالاها و یا خدمات دیگر به‌کار می روددر این تحقیق از مجموع سرمایه گذاری ناخالص درماشین آلات و ساختمان به عنوان سرمایه گذاری بخش خصوصی استفاده شده است.

۲ - ۲) بهره وری نیروی کار

برای اندازه گیری بهره وری نیروی کار در سطح یک بخش از اقتصاد ، می توان از نسبت ارزش افزوده به تعداد شاغلان استفاده کرد. ودر این تحقیق از نسبت تولید ناخالص ملی هر سال به جمعیت شاغل سال مورد نظر استفاده شده است. تغییرات بهره وری نیروی کار به دلایل مختلفی نظیر تغییر سطح کیفی نیروی کار به واسطه ی آموزش ، کسب تجربه و تخصص در کار تغییر شرایط کار، مهارت در مدیریت و ... است. شناسایی علت یا علل تغییر بهره وری نیروی کار از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا از این طریق می توان روند تغییر بهره وری نیروی کار را در جهت دلخواه تغییر داد. از نگاه تئوریک ، رشد بهره وری نیروی کار از دو منبع رشد سرمایه‌ی سرانه و ارتقای بهره وری کل عوامل به دست می آید تکنیک های تولید سرمایه بر ، بهره‌وری نیروی کار را افزایش داده و بهبود بهره وری کل عوامل تولید ، به افزایش بهره وری نیروی کار کمک می کند. بهبود بهره وری کل عوامل تولید می تواند در نتیجه ی عواملی نظیر مدیریت بهتر منابع تولید، افزایش سرمایه انسانی ، افزایش انگیزه ی نیروی کار در کار بیشتر و بهتر ، خلاقیت و نوآوری، اصلاح ساختار سنی- جنسی و شغلی نیروی کار و پیشرفت فن آوری، رخ دهد. تکنیک های تولید کاربر نیز بهره وری سرمایه را افزایش داده و بهبود بهره وری کل عوامل تولید به افزایش بهره وری سرمایه کمک می کند. مهم ترین و عمده ترین عامل کاهش بهره وری منابع انسانی نا متوازن بودن درآمد و هزینه و نا امنی شغلی است که مهم ترین عامل در انگیزش منابع

1 - Keynes

انسانی است. در بخش خصوصی چون بیشینه کردن سود بنگاه بیش از هر چیز مد نظر سهامداران و مدیران است، بیشترین استفاده ممکن از نهادها در جهت کسب سود بیشتر صورت می گیرد و از آن جایی که سیستم عملکردی بخش خصوصی به واسطه ی شرایط حاکم بر این بخش تا حد زیادی بر اساس اقتصاد رقابتی شکل گرفته است و در اقتصاد رقابتی نهادها به اندازه ی بهره‌وری حاشیه ای خود دستمزد دریافت می کنند، نیروی کار نیز در این بخش تقریبا به اندازه‌ی بهره‌وری خود و در واقع به اندازه ی میزان ارزشی که خدمات وی برای سازمان یا بنگاه داشته است حقوق دریافت می کند در نتیجه بخش خصوصی بدون کمکهای دولتی و خارج سازمانی نتایج بهتری کسب می کند.بهره وری و دستمزد دارای رابطه ای دو سویه هستند، بگونه ای که از یک طرف افزایش دستمزد از یک طرف موجب ترغیب کارگران به تلاش بیشتر می شود و از طرف دیگر افزایش بهره وری بنگاهها را وادار به جبران کارگران کاراتر می کند. در این راستا و در تعیین این رابطه ی دو سویه ، نقش تحصیلات حائز اهمیت هست با بهبود بهره وری نیروی کار در صنعت ایران ، دستمزد نیروی کار افزایش یافته است .

۲ – ۳) درجه ی باز بودن اقتصاد

درجه‌ی باز بودن اقتصاد به عنوان شاخص جهانی شدن می باشد در ادبیات کاربردی ساده ترین معیار درجه ی باز بودن تجاری ، بر مبنای جریانات تجاری است که در آن نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی و یا نسبت واردات و یا صادرات یا نرخهای رشد آنها به تولید ناخالص داخلی، مدنظر می باشد. برخی دیگر از محققین ، برای اندازه‌گیری درجه‌ی باز بودن تجاری و تأثیر آن بر روی رشد، اختلاف قیمت کشورهای در حال توسعه را نسبت به قیمتهای جهانی اندازه گیری کردند و مشاهده نمودند که رشد بلند مدت ، در کشورهای دارای درجه ی پایین باز بودن تجاری، وجود دارد و با اختلافات قیمتی اندک ، همراه است. نظریه‌های جدید تجارت بین الملل بر این اساس استوار است که تجارت و باز بودن فضای تجاری برای کشورهایی که دارای مزیت نسبی در صنایع با پتانسیل کم هستند ، کاهنده ی رشد است . البته باید توجه داشت که رشدهای کاهنده ، لزوماً عامل کاهنده‌ی رفاه اقتصادی نیستند زیرا عامل تخصص گرایی و رابطه ی مبادله در تجارت ، کشورهای با سطح تکنولوژی پایین را قادر می سازد که کالاهای با سطح فناوری بالا را با قیمت ارزان وارد نمایند . از طرف دیگر مشاهده می شود که تئوری های جدید از تحلیل های سنتی مزیت نسبی ، درباره ی منافع مؤثر آزادسازی تجاری در کشورهای در حال توسعه حمایت می کنند . در این تحقیق نسبت حاصل جمع صادرات و واردات کالاها و خدمات به تولید ناخالص ملی مد نظر است. درجه ی باز بودن تجاری بسته به‌نوع کالای صادراتی ووارداتی می‌تواند در افزایش و یا کاهش سرمایه گذاری مؤثر باشد و از این طریق تأثیر بسزایی در رشد اقتصادی خواهد داشت.

۲-٤) نرخ تورم

تورم از نظر علم اقتصاد به معنی افزایش سطح عمومی قیمت ها در طول یک زمان مشخص است. نرخ تورم برابر است با تغییر در یک شاخص قیمت که معمولا شاخص قیمت مصرف کننده است. دیدگاه کینزی دو دلیل عمده برای تورم ذکر می‌کند: کاهش عرضه کل یا افزایش تقاضای کل. دیدگاه پول‌گرایان رشد عرضه پول مازاد بر رشد اقتصادی راعمده‌ترین دلیل تورم می‌داند. به عبارت دیگر، تورم تناسب نداشتن حجم پول در گردش با عرضه خدمات و کالاهاست. تقریبا تمام اقتصاددان‌ها بر این نکته متفق‌القولند که تورم پایدار و دراز مدت ریشه‌ای جز عرضه پول و افزایش نقدینگی ندارد . هر چه میزان تورم بیش تر شود ، قدرت خرید یک واحد پول کم تر می گردد. می توان گفت :

تأمین کسری بودجه از طریق استقراض دولت ازبانک مرکزی و یا از طریق فروش درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت به بانک مرکزی باعث افزایش پایه پولی و نقدینگی می‌گردد و افزایش نقدینگی در افزایش سطح عمومی قیمت‌ها (تورم) ظاهر می‌شود.

عوامل ساختاری ناشی از عدم هماهنگی‌های بخشی، تنگناهای زیرساختی و چسبندگی عرضه در بخش‌های کلیدی مانند صنعت و کشاورزی که باعث کشش‌ناپذیری عرضه در این بخش‌ها گردیده است؛ به طوری که که در شرایط رشد سریع تقاضا، امکان افزایش متناسب وهم‌زمان عرضه وجود ندارد و منجر به تورم می‌شود.

۳ ـ پیشینه ی تحقیق (داخلی و خارجی)

رهبر و دیگران(۱۳۸٦) موانع سرمایه گذاری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران را تحلیل کرده اند. در این مطالعه تلاش شده است تا تأثیر امنیت سرمایه گذاری بر رشد اقتصادی ایران بررسی شود و مدل رشد اقتصادی با در نظر گرفتن متغیر امنیت سرمایه گذاری ارائه شده است و مدلهای اقتصاد سنجی رشد اقتصادی ، با استفاده از متغیرهای اثرگذار بر رشد اقتصادی مانند امنیت سرمایه گذاری ، در کنار عوامل تولید سنتی نیروی کار ،سرمایه گذاری، مورد برازش قرار گرفته و مدل منفاوتی از رشد اقتصادی ارائه شده است و نتایج به دست آمده با تئوری های اقتصادی سازگار بوده و از معنی آماری برخوردارند و نشان می دهند که متغیر امنیت سرمایه گذاری بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معنی دار دارد.

برومند(۱۳۸۷) فساد ، سرمایه گذاری بخش خصوصی و رشد اقتصادی در ایران را بررسی کرده است . این مقاله اثر فساد را بر رشد اقتصادی ایران از طریق اثرات آن بر سطح و ترکیب مخارج دولت و سرمایه گذاری بخش خصوصی تحلیل می کند. بعد از محاسبه ی شاخص فساد به روش PCA ، با استفاده از روشهای WLS و OLS ، روابط بین متغیرها برآورد شده است.

نتایج نشان می دهد که فساد اثرات منفی بر رشد اقتصادی کشور دارد. همچنین دیگر نتایج حاکی از آن است که یک رابطه ی بسیار قوی بین سطح فساد و سطح سرمایه گذاری خصوصی و اندازه ی بخش عمومی در اقتصاد ایران وجود دارد.

موسوی جهرمی وعبادتی فرد(۱۳۸۷) اثر سرمایه گذاری دولت در زیر ساخت حمل و نقل را بر سرمایه گذاری بخش خصوصی و رشد اقتصادی در ایران بررسی کرده اند. در این مطالعه از مدل شتاب انعطاف پذیر برای تابع سرمایه گذاری بخش خصوصی و از الگوی رشد سولو همراه با تعدیلاتی برای رشد اقتصادی استفاده شده است. در مدل رشد ،دو متغیر سرمایه گذاری دولت در بخش حمل و نقل و سایر بخش ها به عنوان یکی از نهاده های تولید در کنار نیروی کار و سرمایه گذاری خصوصی وارد تابع تولید شده است. و برای تخمین از روش OLS استفاده شده است .نتایج نشان می دهند که یک رابطه ی قوی بین سرمایه گذاری در زیر ساخت حمل‌ونقل و سرمایه گذاری بخش خصوصی وجود دارد همچنین با توجه به کشش مثبت به دست آمده برای سرمایه گذاری در حمل ونقل ، سرمایه گذاری در این زیرساخت اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشور دارد بدین ترتیب افزایش سرمایه گذاری دولت در زیر ساخت حمل و نقل پیشنهاد می شود.

سامتی و دیگران (۱۳۸۷) کسری بودجه ی دولت بر سرمایه گذاری بخش خصوصی در ماشین آلات و ساختمان را در اقتصاد ایران بررسی کرده اند در این راستا کسری بودجه ی دولت ناشی از عدم هماهنگی بین دریافتی ها و پرداختی های دولت، مورد توجه قرار گرفته است مدل مورد استفاده در این تحقیق سیستم معادلات همزمان است. این مدل با استفاده از روش حداقل مربعات دو مرحله ای تخمین زده شده است . و بر اساس نتایج بدست آمده ، با افزایش کسری بودجه‌ی دولت،ضمن کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی درماشین‌آلات، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان افزایش داشته است.

یوسفی و عزیزنژاد(۱۳۸۸) به بررسی عوامل تعیین کننده ی سرمایه گذاری خصوصی در ایران پرداخته اند و با استفاده از روش تجزیه واریانس و خودتوضیح برداری ، تأثیر متغیرهای تولید ناخالص داخلی ، سرمایه گذاری دولتی،نرخ تورم و نقش نهادهایی مثل امنیت ، حقوق مالکیت،قوانین و مقررات ، فساد اداری و امنیت اجتماعی بر روی سرمایه گذاری خصوصی ایران معین شده است. نتیجه ی مطالعه نشان می دهد در حالی که تولید ناخالص داخلی و زیرساختها تأثیر مثبت بر سرمایه گذاری خصوصی داشته اند ،مهمترین عامل بازدارندگی سرمایه گذاری خصوصی در ایران ، مربوط به مسائل حقوقی و قضایی، نبودن امنیت سرمایه گذاری ، حقوق مالکیت و فساد و رانت بوده است.

ایردن و هالکومب[1](۲۰۰۵) به بررسی تأثیر سرمایه گذاری عمومی روی سرمایه گذاری بخش خصوصی در اقتصادهای در حال توسعه پرداخته اند منابع موجود درباره ی بررسی اثر سرمایه گذاری عمومی بر اقتصادهای در حال رشد نتیجه ی یکسانی را در خصوص اینکه آیا موجب افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی یا بر عکس ،باعث کاهش آن می شود ، ارائه نکرده اند.این مقاله با بررسی تعدادی اقتصاد در حال رشد از سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۷ و با به کار بردن‌برخی‌مدلهای موجودبه این نتیجه می‌رسد که سرمایه‌گذاری عمومی‌موجب‌رونق سرمایه‌گذاری خصوصی به نحوی می شود که به ازای هر ۱۰ درصد افزایش آن ۲ درصد افزایش در مورد دوم خواهیم داشت. نتایج همچنین نشان می دهند که سرمایه گذاری های خصوصی از طریق دسترسی به وام های بانکی هم در ارتباطند. در ادامه با اعمال مدل یکسان بر روی کشورهای توسعه یافته این مقاله به این نتیجه رسید که در این کشورها سرمایه گذاری دولتی موجب خروج سرمایه ی بخش خصوصی می شود و نهایتا نشان می دهد که فاکتورهایی که سرمایه گذاری خصوصی از آن تبعیت می کند در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته متمایزند .

فاروک آیسان[2] و دیگران (۲۰۰۵) سرمایه گذاری دولتی و خصوصی را درخاورمیانه و آفریقای شمالی بررسی کرده اند. در این مقاله به مسأله کم بودن سرمایه گذاری بخش خصوصی در ناحیه ی منا پرداخته شده است و نیز توجهی ویژه به عامل دولت و حکومتی دارد. انواعی از سیستم های دولتی را که برای کارآفرینان مضراند را نیز دسته بندی کرده اند و به تخمین همزمان سرمایه گذاری بخش خصوصی و کیفیت مدیریت دولتی به نحوی که سایت های مالی موجب سازگاری هر دو عامل شوند پرداخته شده است . نتایج تجربی نشان می دهد که دولت نقش اساسی را در جذب سرمایه دارد. این نتایج بطور قوی با کیفیت مدیریت ، کنترل فساد ، کیفیت بروکراسی ، قانون ، نظم و ثبات سیاسی در توافق اند همچنین تغییرات اساسی در ساختار حکومت و بهتر شدن آن موجب افزایش سرمایه گذاری می شود .

چاد هوری[3] و دیگران (۲۰۰۵) در مقاله ای اندازه و توسعه ی اقتصاد پنهان را با استفاده از اطلاعات ایالتی از هندوستان بررسی کرده اند.تحلیل های موجود نشان می دهد که پس از آزادی اقتصاد در سال ۱۹۹۱، رشد اقتصاد پنهان به یک مقدار میانگین کاهش یافته است. مقدار افزایش اقتصاد پنهان در دوره های انتخابات ٤ درصد کمتر از میزان افزایش در وضعیت قبلی بوده است . همچنین رشد اقتصاد پنهان بطور محسوس در ایالت هائی که دولت ائتلافی سرکار است ، کمتر است یعنی افزایش در تعداد روزنامه های آزاد و مطبوعات به معنی دولت شفاف بوده و موجب مقدار ناچیز فعالیت های اقتصاد سایه در اقتصاد است.

1 - Erden&Holcombe
2 - Faruk Aysan
3 - Chaudhuri

لیسوتلو[1] (۲۰۰۶) یک بررسی درباره ی عوامل تعیین کننده ی سرمایه گذاری خصوصی در بوتسوانا انجام داده است. سرمایه گذاری خصوصی در بوتسوانا در یک دوره همانند تولید ناخالص داخلی کاهش را از سالهای ۱۹۷۶ تا ۲۰۰۳ نشان می دهد. با در نظر گرفتن ارتباط رشد سرمایه گذاری و رشد اقتصادی، یک تضاد در مورد این کشور ملاحظه می شود و یافتن عاملی که سرمایه گذاری بخش خصوصی را تعیین می کند مسأله ی اساسی تحقیق می باشد. برخی مطالعات به اهمیت اقتصاد کلان مانند نرخ ارز، سرمایه گذاری دولتی، تورم و غیره می پردازند. این مقاله نیز با همین زمینه و داده های موجود در رابطه با رکود به بررسی می پردازد.

بوساری و امولس[2] (۲۰۰۸) در مقاله ای رفتار سرمایه گذاری و سیاست بازرگانی در نیجریه را بررسی می کند.این مطالعه به بررسی وجود پشتیبانی عملی برای تسلیم اعتبار بر اساس سرمایه گذاری های ثابت شرکتی و همچنین به بررسی عوامل تعیین کننده در سطح شرکت بر روی سرمایه گذاری در نیجریه با تأکید بر نرخهای مبادله سیاست اقتصادی از سال ۱۹۸۶ می پردازد. این مقاله به طور مستقیم میزانی را از سیاست مبادله ای اعتباری بدست نمی دهد. لیکن ضرائب بدست آمده ی اقتصاد کلان می توانند به عنوان مفسر اعتبار منحنی استفاده شوند در کنار آن عوامل دیگری هم باید دخیل شوند مثلا واضح است که عدم ثبات اقتصاد کلان می تواند موجب نا آرامی شود که لزوما به بحران اعتبار ختم نمی شود .

٤ ـ تجزیه و تحلیل داده ها (روش تحقیق ـ معرفی مدل)

٤ ـ ١) روش تحقیق

برای جمع آوری امار و اطلاعات مرتبط با تخمین مدل ازسری های زمانی بانک مرکزی مرکز آمار ایران، بانک آمار و اطلاعات بازار کار استفاده شد کلیه داده ها بر حسب سال پایه ۱۳۷٦ و برای سالهای ۱۳۸۸-۱۳۵۹ می باشد.با توجه به این که نتایج اقتصاد سنجی سری های زمانی ناایستا به پدیده ی رگرسیون کاذب می انجامد، بنابراین قبل از برآورد مدل، به بررسی ایستایی متغیرهای الگو پرداخته شده است. و تکنیک اقتصاد سنجی تخمین معادلات، با توجه به وجود ریشه واحد در اکثر سری های زمانی، به روش خود توضیح برداری با وقفه های گسترده (ARDL)[3]می باشد. این روش نسبت به درجه هم جمعی متغیرها حساس نبوده و علاوه بر تخمین بلند مدت ، الگوی ECM[4] را نیز به منظور بررسی چگونگی تعدیل بی تعادلی کوتاه مدت به بلند مدت ارائه می دهد.همچنین این روش برای حجم نمونه های کوچک نیز کاربرد دارد.از طرفی تأثیر وقفه های متغیر وابسته را علاوه بر متغیرهای مستقل بر خود وابسته نشان می دهد.

1 - Lesotho
2 - Busari &Omoice
3 - Autoregressive Distributed Lags
4 - Error Correction Model

٤ - ۲) معرفی مدل

مدل مورد بررسی در این پژوهش برگرفته از قسمتی از مقاله ی آندری و استانکو (۲۰۰۸) می باشد که با کمی تعدیل به صورت زیر درآمده است :

LPVI=f(LPRLB+LOPNE+LNTA)+C

متغیرهای مدل به صورت زیر تعریف می شوند :

LPVI : لگاریتم سرمایه گذاری بخش خصوصی

LPRLB: لگاریتم بهره وری نیروی کار

LOPNE : لگاریتم درجه باز بودن اقتصاد

LNTA : لگاریتم نرخ تورم

C : عرض از مبدأ

۵) نتایج حاصل ازآزمونها و تخمین مدل

۵ - ۱) آزمون ایستایی[1] (پایایی) متغیرها

یکی از آزمونهایی که برای بررسی پایایی متغیر های سری زمانی مورد استفاده قرار می گیرند آزمون ریشه واحد است . برای بررسی ایستایی متغیرها در مطالعه ی حاضراز آزمون ریشه ی واحد تعمیم یافته ی دیکی ـ فولر[2]و با استفاده از نرم افزارEviews انجام شده است طبق (جدول ۵-۱).

جدول(۵ ـ ۱) آزمون دیکی فولربرای متغیرهای مدل

متغیر	با عرض از مبدأ	با روند زمانی	آمارهADF	مقدار بحرانی در سطح ۱٪	مقدار بحرانی در سطح ۵ ٪	مقدار بحرانی در سطح ۱۰٪	نتیجه
LPVI	c	T	-2.2698	-4.3239	-3.5806	-3.2253	ناپایا
LPRLB	_	_	-0.5847	-2.6569	-1.9544	-1.6093	ناپایا
LOPNE	c	_	-2.1681	-3.6998	-2.9762	-2.6274	ناپایا
LNTA	c	_	-3.2581	-3.6793	-2.9677	-2.6229	پایا

منبع : محاسبات تحقیق

1 - Static Test
2 - dickey - fuller

با بررسی جدول بالا نتیجه می گیریم طی آزمون دیکی فولر که تمامی متغیرها در سطح (LEVEL) ناپایا می باشند به جز متغیر نرخ تورم که در سطح ۹۵ ٪ پایا می باشد.

حال آزمون دیکی فولر تعمیم یافته[1] را در سطح تفاضل مرتبه ی اول برای متغیر های ناپایا انجام می دهیم طبق (جدول ۵-۲) .

جدول(۵-۲) آزمون دیکی فولر تعمیم یافته برای متغیر های موجود در مدل

متغیر	با عرض از مبدأ	با روند زمانی	آماره ADF	مقدار بحرانی در سطح ۱٪	مقدار بحرانی در سطح ۵ ٪	مقدار بحرانی در سطح ۱۰٪	نتیجه
D(LPVI)	_	T	-5.9039	-4.3560	-3.5950	-3.2334	پایا
D(LPRLB)	C	T	-4.9329	-4.3560	-3.5950	-3.2334	پایا
D(LOPNE)	_	_	-4.6288	-2.6501	-1.9533	-1.6097	پایا
D(LNTA)	_	_	-4.7341	-2.6534	-1.9538	-1.6095	پایا

منبع : محاسبات تحقیق

همانطور که در جدول بالا مشاهده می شود، طی آزمون دیکی فولر تعمیم یافته پایا بودن متغیرها به اثبات می‌رسد و همچنین متغیرنرخ تورم،پس ازیک بارتفاضل‌گیری نیز ساکن می شود.

۵ ـ ۲) تخمین مدل بر اساس الگوی خود توضیح برداری با وقفه های گسترده (ARDL) و نتایج حاصل از آن :

الف) بررسی نتایج حاصل از تخمین مدل پویا (کوتاه مدت) :

بر اساس ضابطه ی شوارتز ـ بیزین، وقفه ی مدل،۲ انتخاب می شود.علت استفاده از این ضابطه این است که معیار شوارتز ـ بیزین در تعیین وقفه ها صرفه جویی می کند .

طبق جدول (۵-۳) نتایج الگوی پویا نشان می دهد که تمامی متغیرها در سطح ۹۵٪معنی دار هستند. همچنین با توجه به آماره ی F می توان گفت کل مدل معنی دار هست .

1 - Augmented Dickey- Fuller Test

جدول(۵-۳)نتایج حاصل از آزمون همگرایی الگوی پویای تابع سرمایه گذاری بخش خصوصی

نام متغیر	ضرایب برآورد شده	انحراف معیار	(احتمال)آماره t
LPVI(-1)	0.35520	0.089335	3.9760(0.001)
LPRLB	2.5709	0.32215	7.9804(0.000)
LOPNE	0.70991	0.21023	3.3769(0.003)
LOPNE(-1)	0.075129	0.29279	0.25659(0.800)
LOPNE(-2)	-1.1550	0.21856	-5.2846(0.000)
LNTA	-0.10912	0.051983	-2.0992(0.048)
C	16.7067	2.0837	8.0178(0.000)
R^2=0.96510	$R^{2'}$=0.95513	DW=2.4541	F=96.7890

منبع : محاسبات تحقیق

ب) بررسی وجود رابطه بلند مدت و نتایج تخمین بلند مدت

از آزمون همگرایی ارائه شده توسط بنرجی دولادو مسترآماره محاسباتی ۷/۲۱۸- بدست می‌آید که وجود رابطه بلندمدت را تصدیق می کند نتایج بلندمدت به صورت زیر(جدول ۵-٤) است :

جدول (۵-۴) نتایج به دست آمده از برآورد الگوی بلند مدت

متغیر	ضرایب برآوردشده	انحراف معیار	(احتمال)آماره t
LPRLB	3.9871	0.33852	11.7781(0.000)
LOPNE	-0.57374	0.20136	-2.8494(0.010)
LNTA	-0.16923	0.07539	-2.2445(0.036)
C	25.9097	1.4331	18.0792(0.000)

منبع : محاسبات تحقیق

طبق جدول ۵ ـ ۳ و ۵ ـ ٤ نتیجه می گیریم بهره‌وری نیروی کار در بلندمدت و کوتاه‌مدت رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد زیرا که افزایش بهره‌وری نیروی کار موجب افزایش تولید با هزینه‌ی تولید کم می شود و سرمایه‌گذاران را تشویق به افزایش سرمایه‌گذاری می‌کند. (دراین حالت بنگاهها برای افزایش تولید نیاز به نیروی کار اضافی ندارند)

درجه ی باز بودن اقتصاد در بلند مدت رابطه ی منفی و در کوتاه مدت رابطه ی مثبت و معنی داری با سرمایه گذاری بخش خصوصی دارد زیرا که عمده صادرات کشور ایران صادرات نفتی می باشد که این صادر کننده بودن در کوتاه مدت موجب افزایش درآمد کل و افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی می شود ولی در بلند مدت رفته رفته در مقابل صادرات واردات کالا هم زیاد شده و کشور در قبال صادرات نفتی کالاهای مورد نیاز خود را از طریق واردات تأمین می کند و واردات کالاهای مصرفی باعث می شودتولید داخلی کاهش یابد به دنبال آن سرمایه گذاری بخش خصوصی کاهش می یابد.

نرخ تورم نیز در بلندمدت و کوتاه مدت رابطه منفی و معنی داری با سرمایه گذاری بخش خصوصی دارد.یعنی با افزایش قیمتها تقاضا برای کالاهای مصرفی و سرمایه ای کاهش می یابد و به دنبال آن تولید و سرمایه گذاری بخش خصوصی کاهش می یابد.

چون روابط به صورت لگاریتمی هست می توان در بلندمدت نتیجه گرفت :

کشش سرمایه‌گذاری نسبت به‌بهره‌وری نیروی کار برابر با ۳/۹۸ می‌باشد یعنی با ۱٪ افزایش در بهره‌وری نیروی کاردر بلندمدت، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ۳/۹۸٪ افزایش می یابد.

کشش سرمایه گذاری نسبت به درجه ی باز بودن اقتصاد برابر با ۰/۵۷- می باشد یعنی با ۱٪ افزایش در درجه‌ی باز بودن اقتصاد در بلندمدت ، سرمایه گذاری بخش خصوصی ۰/۵۷٪ کاهش می یابد.

کشش سرمایه گذاری نسبت به نرخ تورم برابر با ۰/۱٦- می باشد یعنی با ۱ ٪ افزایش در نرخ تورم در بلندمدت ، سرمایه گذاری بخش خصوصی ۰/۱٦ ٪ کاهش می یابد.

ج) بررسی الگوی تصحیح خطای مدل

الگوی تصحیح خطای مدل که در(جدول۵-۵) آمده است نشانگر این هست که در هر دوره چند درصد از عدم تعادل متغیر وابسته به سمت رابطه ی بلند مدت تعدیل می شود. در این تخمین میزان این ضریب ۰/٦٤٤۸- بدست آمده که منفی و از یک کوچکتر هست و از نظر آماری معنی دار می باشدو منفی بودن آن حاکی از این است که هر عدم تعادلی در الگو ، در بلندمدت به سمت تعادل حرکت می‌کندودرهر دوره تقریباً ٦٤ ٪ از عدم تعادل های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بر طرف می شودو می توان گفت حدود ۱/۵ دوره طول می کشد تا خطای تعادل کوتاه مدت تصحیح گردد و مدل به تعادل بلند مدت باز گردد.

جدول (۵ - ۵) نتایج حاصل از برآورد الگوی تصحیح خطای مدل

نام متغیر	ضرایب بدست آمده	انحراف معیار	(احتمال)آماره t
dLPRLB	2.5709	0.32215	7.9804(0.000)
dLOPNE	0.70991	0.21023	3.3769(0.003)
dLOPNE(1)	1.1550	0.21856	5.2846(0.000)
dLNTA	-0.10912	0.05198	-2.0992(0.047)
dC	16.7067	2.0837	8.0178(0.000)
ECM(-1)	-0.64480	.08933	-7.2178(0.000)

منبع : محاسبات تحقیق

۵ ـ ۳) آزمون های تشخیصی

مایکروفیت همچنین یکسری آزمونهای تشخیصی برای چک کردن انحراف از فروض کلاسیک ارایه می کند که نتایج حاصل از این آزمونها در جدول (۵ - ٦) نشان داده شده است.

جدول (۵ ـ ۶) نتایج حاصل از آزمونهای تشخیصی

Test Satistics	LM – Version
Serial Correlation	3.0727(0.080)
Functional Form	1.3490(0.245)
Normality	0.3961(0.820)
Heteroscedasticity	3.2855(0.070)

منبع : محاسبات تحقیق

آزمونهای تشخیصی همگی از لحاظ اقتصاد سنجی قابل قبول می باشند و بیانگر این مطلب هستند که جملات اختلال همبستگی سریالی ندارند و مدل بدرستی تصریح شده است و جملات پسماند به طور نرمال توزیع شده اند و مشکل ناهمسانی واریانس ندارند .

۶ ـ نتیجه گیری کلی و ارائه پیشنهادات

با بررسی اثر متغیرهای بهره وری نیروی کار ، درجه باز بودن اقتصاد و نرخ تورم بر سرمایه گذاری بخش خصوصی ، نتیجه می گیریم در بلندمدت بهره وری نیروی کار اثر مثبت و درجه بازبودن اقتصاد و نرخ تورم اثر منفی و معنی داری بر سرمایه گذاری بخش خصوصی دارد. بنابراین می توان اقدامات زیر را جهت بهبود سرمایه گذاری بخش خصوصی اتخاذ کرد:

۱. سیاست های مناسب بخش بازرگانی که موجب کنترل درجه ی باز بودن اقتصاد از طریق کاهش واردات علی الخصوص واردات کالاهای مصرفی و افزایش صادرات غیر نفتی و به دنبال آن افزایش تولید داخلی و افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی می شود اتخاذ شود.
۲. همه اقدامات لازم از جمله افزایش دستمزد و یا تأمین امنیت شغلی برای بالا بردن بهره وری نیروی کارصورت بگیرد. در واقع بالا بردن انگیزه روانی افراد برای کار کردن می تواند بهره وری نیروی کار را افزایش دهد.
۳. می توان با ایجاد تعادل میان درآمدها و هزینه‌های دولت و به دنبال آن افزایش درپس انداز دولت و همچنین با اتخاذ صحیح سیاست‌های پولی مناسب یعنی رشد باثبات و پیش‌بینی شده حجم پول ، تورم را مهار کرد زیرا که هر واحد پولی که وارد چرخه اقتصاد کشور می‌شود، به نسبت خود کالا و خدمات تولید نکند، اثرات تورمی خواهد داشت. همچنین دولت می‌تواند با عرضه بیشتر کالاهای مصرفی و کاستن از قیمت‌ها باعث مهار نرخ تورم شود. هزینه مسکن و در نتیجه افزایش اجاره بهای آن از دلایل مهم تاثیر گذار بر نرخ تورم می باشد لازم است تا دولت از طریق مهار قیمت‌ها در بخش اجاره‌بها از بالارفتن نرخ تورم جلوگیری کند.

پس می‌توان گفت جلوگیری از رشد نقدینگی، انتشار اوراق مشارکت به عنوان یک سیاست انقباضی، کاهش قیمت‌ها، دخالت دولت در بازگرداندن قیمت کالاهایی که با افزایش قیمت روبرو بودند به قیمت قبلی و جلوگیری از افزایش خدمات دولتی نظیر آب، برق و غیره می‌تواند از افزایش نرخ تورم جلوگیری کند.

منابع و مآخذ

۱. اچ.برانسون ، ویلیام ـ « تئوری و سیاست های اقتصاد کلان » ـ ترجمه عباس شاکری ـ نشر نی ـ صفحات ۳۶۹-۳۷٤ ـ ۱۳۸۲ .

۲. تشکینی ، احمد ـ « اقتصادسنجی کاربردی به کمک مایکروفیت، موسسه ی فرهنگی هنری دیباگران تهران » ـ صفحات ۱٤٥ ـ ۱٦۷ ـ ۱۳۸٤ .

۳. گجراتی، دامودار و حمید ابریشمی ـ « مبانی اقتصادسنجی » ـ جلد اول و دوم ـ انتشارات دانشگاه تهران ـ ۱۳۸٥ .

٤. نوفرستی ، محمد ـ « ریشه‌ی واحد و همجمعی در اقتصاد سنجی » ـ موسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا ـ ۱۳۷۸.

٥. برومند، شهزاد ـ «فساد،سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ورشداقتصادی در ایران » ـ فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری ـ شماره ۲ ـ صفحات ۱۲۹-۱۰۷ ـ ۱۳۸۷.

٦. رحیمی بروجردی ، علیرضا ـ « بررسی نظری و تجربی پیرامون تأثیر متغیرهای درون زا و برون زا بر فرار سرمایه و سرمایه گذاری خارجی » ـ موسسه ی تحقیقات پولی و بانکی ۱۳۷۷ .

۷. رهبر ، فرهاد ، فرشید مظفری خامنه ، شاپور محمدی ـ « موانع سرمایه گذاری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران » ـ مجله ی تحقیقات اقتصادی ـ شماره ی۸۱ ـ صفحات ۱۳۸ ـ ۱۱۱ ۱۳۸٦.

۸. سامتی ، مرتضی، مجید صامتی و زهره شیرانی فخر ـ « بررسی اثر کسری بودجه ی دولت بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ماشین آلات و ساختمان در اقتصاد ایران » ـ فصلنامه ی بررسی های اقتصادی ـ شماره ی۱ ـ صفحات ۱٥۸-۱۳٥ ـ ۱۳۸۷ .

۹. سوری ،علی ، محسن ابراهیمی، احسان حسینی دوست ـ « رابطه ی بهره وری و دستمزد، با تأکید بر تحصیلات نیروی کار » ـ پژوهشنامه ی اقتصادی ـ شماره ی ۳۱ ـ ۱۳۸۹.

۱۰. صامتی، مجید ،بیتا فرامرزپور ـ « بررسی موانع سرمایه گذاری خصوصی در بخش کشاورزی ایران » ـ اقتصاد کشاورزی و توسعه ـ شماره ی٤٥ ـ صفحات ۹۱-۱۱۲ ـ ۱۳۸۳.

۱۱. موسوی جهرمی ، یگانه ، منصوره عبادتی فرد ـ « اثر سرمایه گذاری دولت در زیر ساخت حمل ونقل بر سرمایه گذاری بخش خصوصی و رشد اقتصادی در ایران » ـ پژوهشنامه ی حمل و نقل ـ شماره ی ۲۰ ـ ۱۳۸۷.

۱۲. یوسفی ، محمد قلی ، صمد عزیزنژاد ـ « بررسی عوامل تعیین کننده ی سرمایه گذاری خصوصی درایران با روش خود توضیح‌برداری » ـ فصلنامه‌ی‌پژوهشهای اقتصادی ـ شماره ی اول ـ صفحات ۱۰-۷۹ ـ ۱۳۸۷.

13. Andrei,Tudorel(2008),StelianStancu ,"Econometric Methods Used to Study The Informal Economy and Regional Development ",RevistaIn for matica Economica,3(47).
14. Busari,Dipot(2008),Dakar,Senegal&Phillip c.omoke,"Private Investment Behaviour and Trade policy Practice In Nigeria",Aerc,177.
15. Chaudhuri, Kausik(2005),Friedrich Schneider & Sumana Chattopadhyay , "The Size And Development of The Shadow Economy: An Empirical Investigation From States of India ",J.Deprintread,35(3).
16. Erden,Lutfi(2005) ,Randall G.holcombe,"The Effects of Public Investment On Private Investment in Developing Economies", Public Finance Review ,5,575-602.
17. Faruk Aysan , Ahmet (2005) , Mustapha Kamel Nabil & Marie - AngeVeganzones,"Governance and Private Investment in The Middle East and North Africa" ,Not for Quotation,5(78)
18. Iesotlho,Patrick(2006),"Investigation of The Determinants of Private Investiment , The case of Botswana.

مدیریت تامین مالی صادراتی
عاملی استراتژیک در جهت توسعه تولید صادرات محور

علی اشرف احمدیان[1] ـ عیس ذوقی خبوشان[2]

مقدمه

یکی از مهمترین بخش های حمایتی اثرگذار بر توسعه پایدار اقتصاد هرکشور سیستم بانکی است . به عبارت ساده تر بانکها و مکانیزم تامین مالی بعنوان یک نهاد حمایتی قوی با برنامه‌ریزی سیستمی ، بازار محور و اثربخش در زمینه تخصیص مناسب سرمایه شناخته شده و اثرات چشمگیری در توسعه عملکرد بنگاهها بویژه در کشورهای دارای سیستم بانکی تخصصی داشته است.این فرایند اثرگذاری در کشوری مانند چین بوضوح قابل اندازه گیری است .

مهمترین چالش های صادرکنندگان ایرانی بویژه تولیدکنندگان صادرکننده در حوزه تامین مالی صادراتی را می توان زمان بر بودن فرایند اعتبارسنجی و اعطای تسهیلات ، وثایق درخواستی بانکها ، نرخ سود بالای تسهیلات و سقف های اعتباری محدود عنوان کرد.

از طرف دیگر همواره یکی از دغدغه های مهم و کلیدی سیستم بانکی در ارایه تسهیلات اعتباری ، برازش و اندازه گیری رتبه اعتباری و ریسک گیرنده تسهیلات است.

رتبه اعتباری در واقع از نتایج اعتبارسنجی مشتریان سیستم بانکی است .فرایند اعتبارسنجی بر مبنای داده کاوی بنیان نهاده شده و با بررسی شاخص های مختلفی، صورت می گیرد. رتبه یا امتیاز بدست آمده، در واقع نمایانگر اعتبار مالی مشتری است که بانک و موسسه مالی و اعتباری می تواند بر اساس آن، نسبت به ارایه خدمات به مشتری، سریع تر و دقیق تر، تصمیم گیری کند.

در تعیین رتبه اعتباری شاخص های بسیاری اثرگذارند اما آنچه در این زمینه از اهمیت بالایی برخوردار است این است که در مدل های مختلفی که تاکنون در این حوزه معرفی شده چند شاخص کلیدی و مشترک وجود دارد که معمولا بیشترین اثرگذاری را دراین حوزه دارند . مهمترین شاخص های معرفی شده برساس یافته های پژوهشی شامل : شاخص های مالی شاخص های بانکی و فاکتورهای مدیریتی است.

موضوع مهم دیگر اینکه بنگاههای صادرکننده در یک محیط رقابتی و بین المللی فعالیت می کنند و زمان در پروسه کاری آنها یک متغیر بسیار مهم بشمار می رود به طوریکه عدم پاسخگویی به موقع به سفارشات دریافتی خارجی می تواند به خروج آنها از یک بازار خارج

---

۱ ـ کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی ـ کارشناس ارزیابی اعتبارات صندوق ضمانت صادرات ایران
۲ ـ کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی ـ مدرس دانشگاه

شود . در یک چنین شرایط کسب و کاری انتظار می رود صادرکننده به محض احساس نیاز به سرمایه در گردش صادراتی بتواند در یک زمان کوتاهی آن را از سیستم بانکی دریافت نماید. اما براساس شواهد موجود در ایران چنین نیست و فرایند تامین مالی صادراتی کاری پیچیده و دشوار است.

بنابراین پژوهش حاضر درصدد است ضمن بررسی مدیریت تامین مالی صادراتی درسیستم بانکی ایران ،مهمترین چالش های آن را در بخش های مختلف معرفی نموده و با ارائه راهکارهایی عملیاتی ضمن پر کردن بخشی از شکاف پژوهشی موجود ،راهگشایی برای سیاستگذاران حوزه صادرات ، بانکداری ، بنگاههای صادرکننده و پژوهشگران این حوزه باشد.

مبانی نظری تحقیق

سیستم بانکی هر کشور یکی از مهمترین بخش های مهم و اثرگذار در توسعه اقتصادی بوده و نقش غیر قابل انکاری در این زمینه ایفا می کند. از طرف دیگر همواره یکی از دغدغه های مهم و کلیدی این بخش در ارایه تسهیلات اعتباری ، برازش و اندازه گیری ریسک اعتباری گیرنده تسهیلات است .

به عبارتی یکی از مهم ترین دلایل معوقات بالای سیستم بانکی ایران را می توان نبود مکانیزم اعتبارسنجی علمی در این حوزه برشمرد.

مدیریت تامین مالی فرایند حساس سنجش توان و ظرفیت بنگاههای اقتصادی جهت استفاده از منابع مالی سیستم بانکی و سایر نهادهای پولی ومالی این حوزه در جهت گسترش فعالیت بنگاه ، ورد به بازارهای جدید توسعه اشتغالزایی و در نهایت رونق اقتصادی می باشد.این فرایند اثرگذار با اعتبارسنجی متقاضی شروع می شود.

از طرفی مرحله اول در بررسی اعتبار مشتریان، شناسایی عوامل اصلی اثرگذار بر ریسک اعتباری می باشد. تعاریف و شاخص های متفاوتی جهت بررسی میزان ریسک مشتری در سطح دنیا شناخته شده است که در زیر به معرفی برخی از آنها پرداخته می شود.

معیار 5c

این معیار، نخستین بار در سال ۲۰۰۱، توسط برایانت[1]، جهت بررسی ریسک تسهیلات کشاورزی، مورد استفاده قرار گرفته است. در معیار 5c خواسته شده، جهت بررسی کیفیت اعتباری مشتریان، پنج شاخص زیر را مورد ارزیابی قرار دهند :

1 - Bryant

شخصیت[1] : یعنی بررسی تعهدپذیری و نحوه عملکرد در فعالیت های مالی گذشته، شهرت اجتماعی. (در ارزیابی مشتریان حقوقی علاوه بر سازمان، شخصیت مدیریت سازمان نیز باید مورد بررسی قرار گیرد.)

ظرفیت[2] : بررسی توان متقاضی در ایجاد درآمد و مدیریت کسب و کار جهت عمل به تعهدات.

سرمایه[3] : بررسی میزان سرمایه متقاضی و وضعیت صورت های مالی.

وثیقه[4] : دارائی هایی که از جانب مشتری، جهت پوشش زیان ناشی از عدم ایفای تعهدات ، نزد بانک سپرده می شود.

شرایط[5] : بررسی شرایط محیطی اثرگذار بر عملکرد متقاضی که خارج از کنترل می باشد.

اخیرا یک شاخص دیگر به این مجموعه افزوده شده، که معیار 5c را به 6c تبدیل کرده است. این شاخص :شرایط و ضوابط اعطاء تسهیلات یا اعتبارات[6]، که عبارت از میزان، هدف از دریافت و دوره بازپرداخت اعتبارات مورد نظر است.

معیار 5p

اجزای این معیار به طور خلاصه عبارتند از :

مردم[7] : بررسی و ارزشیابی نظرات مردم در خصوص واحد اقتصادی، شامل: کارایی در امر تولید تجارت و سن مدیران، پوشش های بیمه ای، سود حاصل از سرمایه و دارایی ها، ارزیابی و کنترل دارایی ها، تمایل به ایفای تعهدات، جایگاه در صنعت یا بخش اقتصادی می باشد .

محصول[8] : در این مبحث سودآوری، کمیت و کیفیت ارزش، در دسترس بودن ، اهداف بازاریابی پوشش های بیمه ای و ... بررسی و ارزیابی می شوند.

حمایت[9] : در این قسمت سوالاتی همچون: آیا حمایت های داخلی بر اساس صورت های مالی وجود دارد یا خیر؟ نقدینگی یا سایر وثایق موجود است؟ آیا حمایت خارجی مانند ضمانت بانکی، ظهر نویسی اسناد مالی و ... وجود دارد؟ بررسی می گردد.

پرداخت‌ها[10] : در این قسمت مواردی مانند آیا مشکل اعتبارات پرداخت نشده وجود دارد یا خیر؟ بررسی اطلاعات مربوط به پرداخت های گذشته و ... مورد بررسی قرار می گیرد.

1 - Character
2 - capacity
3 - capital
4 - conlateral
5 - condition
6 - condition or terms of loans
7 - people
8 - product
9 - protection
10 - payments

چشم انداز کلی آینده[1] : بررسی اینکه، آیا شرکت برای آینده، استراتژی و برنامه خاصی دارد یا در این زمینه مبتدی است؟ و نیز بررسی سود ناشی از فروش در قبال احتمالات بازار در خصوص نوسانات قیمت ، از جمله مسایل مطرح ، در این بخش می باشد .

با انجام این بررسی ها و ارزشیابی ها، تصمیم گیرندگان اعتباری قادر خواهند بود، تا در خصوص اعطای تسهیلات و چگونگی سقف اعتبار و شیوه های کنترل آن و نیز مدت و شیوه بازپرداخت اظهار نظر نمایند .

معیار LAPP

از دیگر معیارهای ارزشیابی وضعیت اعتباری متقاضی ، استفاده از معیار LAPP می باشد که به طور خلاصه، موارد زیر را شامل می شود :

نقدینگی[2] : در کوتاه مدت میزان نقدینگی مشتری، یعنی دسترسی وی به وجوه نقد یا توانایی وی در تامین این وجوه به منظور تامین نیازهای جاری، از جمله پرداخت تعهدات کوتاه مدت، مانند اصل و سود تسهیلات و یا اعتبارات دریافتی، از اهمیت خاصی برخوردار است که گاهی نقدینگی از سود اهمیت بیشتری پیدا می کند و در نتیجه از نسبت های نقدینگی در بررسی این معیار استفاده می شود .

فعالیت[3] : این معیار نوع و حجم فعالیت، دوره گردش عملیات و ... را بررسی می کند.

سودآوری[4] : این معیار میزان سودآوری سود ناویژه و سود ناخالص در مقایسه با فروش و قیمت تمام شده را بررسی می کند.

توان بالقوه یا پتانسیل[5] : استمرار فعالیت یک واحد اقتصادی در بازار بستگی مستقیم به توان بالقوه یا پتانسیل آن دارد. از این رو در این معیار، مسایلی چون وضعیت کارایی مدیریت، ترکیب نیروی انسانی، محصولات، منابع مالی، نفوذ در بازار و ارتباطات و ... تحلیل می شود .

مدل ریتان

ریتان طی تحقیقی ضمن معرفی فاکتورهای مهم جهت ارزیابی تسهیلات، توانایی کارشناسان در تعیین ارزش و چگونگی هر فاکتور، مربوط به پروژه را اندازه گیری کرده و با مقایسه آنها و مقدار اهمیت هر فاکتور، به بررسی دلایل غیر دقیق بودن بعضی از فرآیندهای ارزیابی می پردازد. ایشان ٤٢ معیار را در ٦ گروه زیر تقسیم بندی کرده است.

---

1 - prespective
2 - liquidity
3 - activity
4 - profitability
5 - potential

۱. شخصیت مدیر
۲. تجربه مدیر
۳. مشخصات کالا یا خدمات
٤. شرایط و مشخصات بازار
٥. مشخصات سازمان
٦. جنبه های مالی

از ویژگی های بارز یک سیستم تامین مالی بازار محور و صادراتی می توان به نظارت پایدار و مداوم بر تخصیص اعتبارات بانکی، توسعه بازارهای مالی ، نرخ سود پایین و توسعه سبدهای مختلف تامین مالی برای صادرکنندگان اشاره کرد .

به عنوان نمونه یکی از مهمترین دلایل نرخ رشد بالای چین برخورداری از سیستم تامین مالی بازار محور عنوان شده است . مکانیزم تامین مالی این کشور در حوزه صادرات به گونه ای است که نرخ بهره وتسهیلات بانکی نزدیک به صفر است . به عبارت دیگر ، به دلیل پایین بودن نرخ بهره ، تولید صادراتی در چین در واحد اقتصادی مقرون به صرفه است.

بر اساس یافته های پژوهشی متعدد ، از مهمترین ویژگی های سیستم تامین مالی کارا و هدفمند در حوزه صادرات می توان موارد زیر را برشمرد :

- تخصیص بهینه اعتبارات با دیدگاه صادرات و بازار محور
- شناسایی تولیدکنندگان صادرکننده‌ودادن امتیاز اعتباری بیشتر به آنها نسبت به بنگاههای بازرگانی
- شناسایی نوع کالا و خدمات تولیدی صادراتی و نوع صنعت
- محاسبه عملکرد صادراتی و روند آن
- شناسایی استراتژیهای بازاریابی و جایگاه یابی بنگاه
- بررسی وضیت تحقیقات بازارو نحوه بازارشناسی
- شناسایی کشورهای هدف صادراتی
- تشخیص میزان سرمایه در گردش مورد نیاز برای دستیابی به اهداف صادراتی شرکت
- بررسی صورتهای مالی بنگاه بویژه دارایی ها و بدهی های بنگاه
- بررسی وضعیت بدهی های کوتاه مدت و بلندمدت شرکت
- بررسی وضعیت مالی شرکت نسبت به صنعت
- بررسی مفاد قراردادهای شرکت با طرف های خارجی
- تعیین سقف اعتباری مناسب برای شرکت
- شناسایی ریسک بازارهای هدف و کمک به شرکت در جهت کاهش ریسک
- درک اهمیت زمان در ارائه اعتبار به بنگاههای صادرکننده
- پیش بینی نوسانات نرخ ارز و کنترل آن

بطور کلی مدیریت تأمین مالی صادراتی ؛ می تواند به ایجاد یک مزیت رقابتی پایدار برای صادرکننده تبدیل گردد. زیرا برخورداری از سرمایه در گردش صادراتی مناسب می تواند قدرت بنگاه را جهت تهیه به موقع مواد اولیه مورد نیاز و پاسخگویی به موقع به سفارشات بازارهای بین المللی افزایش دهد. از طرفی چنانچه بنگاه اقتصادی مشکلی در زمینه سرمایه در گردش نداشته باشد می تواند در بازارهای هدف فروش اعتباری محصولات و خدمات را جزء برنامه های خود قرار داده و سفارشات بیشتری را به خود اختصاص دهد .

موضوع مهم دیگر در این زمینه آن است که برخورداری صادرکننده از تسهیلات صادراتی با نرخ سود کم می تواند بنگاه را به سمت استراتژی رهبری هزینه در بازارهای خارجی سوق دهد. برخورداری از چنین سرمایه ای در کنار بازارشناسی صادراتی می تواند به برنده شدن بنگاهها بویژه صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی در مناقصات بین المللی کمک شایانی نماید .

زمان اعطای تسهیلات صادراتی مقوله مهم دیگری است که بر عملکرد صادراتی نقش غیر قابل انکاری دارد. حذف مقررات دست و پاگیر و بورکراسی های اداری و کوتاه کردن زمان اعطای تسهیلات می تواند در این زمینه مثمر ثمر باشد. درک اهمیت زمان در فرایند اعطای تسهیلات صادراتی خود می تواند کمک فوق العاده ای به پاسخگویی به موقع صادرکنندگان به تعهدات بین المللی نماید .

تولید کنندگان صادر کننده ای که در مراحل اولیه عمر خود قرار دارند معمولا دارای بدهی‌های بیشتری نسبت به سایر بنگاهها به سیستم بانکی هستند. مشکل اصلی این بنگاهها در حوزه تأمین مالی صادراتی آن است که برخی بانکها و نهادهای مالی با لحاظ کردن بدهی های قبلی محدودیت هایی را در سقف اعتبار صادراتی و همچنین وثایق لحاظ می کنند که در اکثر موارد بنگاهها قادر به تهیه آن نیستند .

در صورتی که نادیده گرفتن این موضوع در موارد بسیاری تأثیر زیادی در رشد عملکرد صادراتی بنگاهها داشته است .

مشوق های صادراتی که به نوعی همه دولت ها به صادرکنندگان خود اعطا می کنند از عوامل مهم و اثرگذار در توسعه عملکرد صادراتی به شمار می رود .

بالا بودن نرخ مشوق ها از یک طرف می تواند به افزایش حاشیه سود بنگاه کمک کند و از طرف دیگر به افزایش قدرت رقابت پذیری بنگاه در بازارهای بین المللی منجر شود. این مهم معمولا از طریق رقابت قیمتی که در شرایط فعلی اقتصاد جهانی شرط اول حضور پایدار در بازار به شمار می رود قابل دست یابی است .

سقف اعتبار صادراتی که نهادهای تأمین مالی این حوزه برای صادرکنندگان در نظر می‌گیرند مقوله‌ای پیچیده ، حساس و تعیین کننده است. چنانچه نتایج پژوهش های میدانی حوزه بانکداری و تأمین مالی نیز نشان می دهد هرجا اعتبارسنجی مناسب صورت گرفته و با توجه به ظرفیت ، توان و برنامه های پیش روی بنگاه سقف اعتباری مناسبی برای آن لحاظ شده است

نتایج مثبت آن در عمل به موقع بنگاه به تعهدات مالی خود و ارتقا عملکرد صادراتی به وضوح دیده شده است .

از طرفی توزیع نادرست اعتبارات و ارائه سقف های خارج از توان بنگاهها در بسیاری از موارد به معوق شدن تعهدات و حتی ورشکستگی بنگاهها منجر شده و نمونه های بسیاری در این زمینه مشاهده شده است .

متدولوژی تحقیق

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق بنگاههای صادرکننده ایران بوده و نمونه آماری از طریق پایگاه داده های سیستم بانکی ایران انتخاب می شود. در این تحقیق بر اساس اطلاعات موجود در بانک اطلاعات مشتریان سیستم بانکی ، اطلاعات ۳۰۰ پرونده در بازه زمانی سال ۱۳۸٤تا ۱۳۹۰ استخراج و تجمیع گردیده است .

آمار توصیفی

برخی ازمهمترین متغیرهای موردبررسی درتحقیق حاضردرجدول زیر تشریح گردیده است:

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرها

متغیر	معیارها	تعداد	درصد فراوانی
اندازه شرکت	کوچک	۱۲۸	٤۲.٦
	متوسط	۸۷	۲۹
	بزرگ	۸۵	۲۸.٤
سالهای حضور در محل کار	۱ تا ۳ سال	۱۰۱	۳۳.۷
	٤ تا ٦ سال	۱۰۰	۳۳.۳
	۷ تا ۱۰ سال	۷۹	۲٦.٤
	بیش از ۱۰ سال	۲۰	٦
صنعت	مواد غذایی و نوشیدنی ها	۷٦	۲۵.۳
	فرش و صنایع دستی	۷٤	۲٤.۷
	حیوانات زنده و محصولات آن	٤۹	۱٦.۷
	مواد معدنی	٤۹	۱٦.۳
	خودرو	٤۰	۱۳
	سایر	۱۲	٤
نوع فعالیت	تولیدی	۱۸۹	٦۳
	بازرگانی	۹۹	۳۳
	خدمات فنی مهندسی	۱۲	٤

فرضیه های تحقیق

۱- بین ویژگی های بنگاه و رتبه اعتباری آن در سیستم بانکی رابطه وجود دارد .

این فرضیه در قالب فرضیه های فرعی زیر صورت بندی می شود :

۱-۱ بین اطلاعات مالی بنگاه و رتبه اعتباری آن رابطه معنی داری وجود دارد.

۱-۲ بین وضعیت اعتباری بنگاه و رتبه اعتباری آن رابطه معنی داری وجود دارد.

۱-۳ بین ویژگی های مدیریت بنگاه و رتبه اعتباری آن رابطه معنی داری وجود دارد.

۱-٤ بین استمرار فعالیت بنگاه و رتبه اعتباری آن رابطه معنی داری وجود دارد.

۲- بین زمان اعطای تسهیلات صادراتی و عملکرد صادراتی بنگاه رابطه معنی داری وجود دارد.

۳- بین نرخ سود تسهیلات صادراتی و عملکرد صادراتی بنگاه رابطه معنی داری وجود دارد.

٤- بین وثایق نوع اول تسهیلات صادراتی و عملکرد صادراتی بنگاه رابطه معنی داری وجود دارد.

۵- بین رتبه اعتباری بنگاه و عملکرد صادراتی آن رابطه معنی داری وجود دارد.

در مورد فرضیه اول با توجه به مقیاس متغیرها برای آزمون فرضیه از آنالیز واریانس استفاده گردید . به منظور استفاده از آنالیز واریانس شرط نرمال بودن متغیر فاصله ای آزمون شد و مورد تایید قرار گرفت . و هم چنین شرط همگون بودن واریانس ها در گروه های نمونه مورد آزمون قرارگرفت . نتایج حاصل از آزمون همگون بودن واریانس ها در جدول ۲ ارائه شده است .

جدول۲: نتایج آزمون همگونی واریانس رتبه اعتباری بر مبنای ویژگی های بنگاه

نام متغیر	مقدارLev	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی‌داری
رتبه اعتباری	۱/۰۳٦	۲	۲۹٦	۰/۵۳٤

با توجه به سطح معنی دار(۰.۵۳٤) نتیجه می گیریم واریانس گروه های مختلف همگون هستند . بنابراین شرط استفاده از آنالیز واریانس فراهم می باشد . جدول ۳ آزمون آنالیز واریانس سطح رتبه اعتباری بر اساس ویژگی های بنگاه را نشان می دهد.

جدول ۳ : نتایج آزمون آنالیز واریانس رتبه اعتباری بر اساس ویژگی های بنگاه

نام متغیر		جمع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌دار
رتبه اعتباری	بین گروه‌ها	۳.۷۵۰	۲	۱.۸۷۵	۳.۳۸۱	۰.۰۳۵
	درون گروه‌ها	۱٦۳.۵٦۵	۲۹۵	۰.۵۵٤		
	کل	۱٦۷.۳۱۵	۲۹۷			

نتایج جدول نشان می دهد میانگین متغیر رتبه اعتباری براساس شاخص های مختلف بنگاه در سطح معنی دار ۵٪ = α معنی دار است. به عبارت دیگر بین ویژگی های بنگاه و رتبه اعتباری شرکت رابطه وجود دارد .

برای آزمون فرضیه های فرعی این فرضیه ، با توجه به نوع و مقیاس متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.نتایج آزمون در جدول زیر ارائه شده است :

جدول ۴ : خلاصه نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون

شماره فرضیه	فرضیه	سطح معنی دار	همبستگی	نتیجه
۱-۱	بین اطلاعات مالی بنگاه و رتبه اعتباری آن رابطه معنی داری وجود دارد.	۰.۰۱۸	۰.۱۴۸	ردH0
۱-۲	بین وضعیت اعتباری بنگاه و رتبه اعتباری آن رابطه معنی داری وجود دارد.	۰.۰۰۳	۰.۵۵۷	ردH0
۱-۳	بین ویژگی های مدیریت بنگاه و رتبه اعتباری آن رابطه معنی داری وجود دارد.	۰.۰۰	۰.۲۸۷	ردH0
۱-٤	بین استمرار فعالیت شرکت و رتبه اعتباری آن رابطه معنی داری وجود دارد.	۰.۰۱	۰.۲۷۹	ردH0

در مورد فرضیه دوم پژوهش نیز با توجه به نوع متغیرها و مقیاس آن از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.نتایج آزمون در جدول زیر ارائه شده است :

جدول ۵ : خلاصه نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون

شماره فرضیه	فرضیه	سطح معنی دار	همبستگی	نتیجه
۲	بین زمان اعطای تسهیلات صادراتی و عملکرد صادراتی رابطه معنی داری وجود دارد.	۰.۰۲۱	-۰.۰۶۷۹	ردH0

همانگونه که نتایج جدول نشان می دهد فرضیه مورد تایید قرار گرفته است.به عبارت بهتر بین زمان اعطای تسهیلات صادراتی و عملکرد صادراتی بنگاه رابطه منفی وجود دارد . در مورد فرضیه سوم پژوهش نیز با توجه به نوع متغیرها و مقیاس آن از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج آزمون در جدول زیر ارائه شده است :

جدول ۶ : خلاصه نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون

شماره فرضیه	فرضیه	سطح معنی دار	همبستگی	نتیجه
۲	بین نرخ سود تسهیلات صادراتی و عملکرد صادراتی رابطه معنی داری وجود دارد.	۰.۰۰	۰.۷۱٤	ردH0

همانگونه که نتایج جدول نشان می دهد فرضیه مورد تایید قرار گرفته است . به عبارت بهتر بین نرخ سود تسهیلات صادراتی و عملکرد صادراتی بنگاه رابطه منفی وجود دارد . در مورد فرضیه چهارم پژوهش نیز با توجه به نوع متغیرها و مقیاس آن از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد . نتایج آزمون در جدول زیر ارائه شده است :

جدول ۷ : خلاصه نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون

شماره فرضیه	فرضیه	سطح معنی دار	همبستگی	نتیجه
۲	بین وثایق نوع اول تسهیلات صادراتی و عملکرد صادراتی رابطه معنی داری وجود دارد.	۰.۰۰۳٤	-۰.۵۳۹	ردH0

همانگونه که نتایج جدول نشان می دهد فرضیه مورد تایید قرار گرفته است . به عبارت بهتر بین وثایق نوع اول تسهیلات صادراتی و عملکرد صادراتی بنگاه رابطه منفی وجود دارد . در مورد فرضیه پنجم پژوهش نیز با توجه به نوع متغیرها و مقیاس آن از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد . نتایج آزمون در جدول زیر ارائه شده است :

جدول ۸ : خلاصه نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون

شماره فرضیه	فرضیه	سطح معنی دار	همبستگی	نتیجه
۲	بین رتبه اعتباری بنگاه و عملکرد صادراتی رابطه معنی داری وجود دارد.	۰.۰۰	۰.٦۱۸	ردH0

همانگونه که نتایج جدول نشان می دهد فرضیه مورد تایید قرار گرفته است . به عبارت بهتر بین رتبه اعتباری بنگاه و عملکرد صادراتی بنگاه رابطه مثبت وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر به بررسی مدیریت تامین مالی صادراتی و نحوه اثرگذاری آن بر عملکرد صادراتی پرداخت .

در مرحله اول عوامل موثر بر رتبه اعتباری صادراتی مشتریان سیستم بانکی ایران مورد بررسی قرار گرفت .براساس یافته های تحقیق ؛ شاخص های مالی ، وضعیت اعتباری متقاضی فاکتورهای مدیریتی و استمرار فعالیت شرکت بر رتبه اعتباری شرکت موثر است .

نتایج فرضیه اول که حاکی از وجود رابطه معنی دار بین ویژگی های بنگاه (اطلاعات مالی وضعیت اعتباری ،ویژگی های مدیریتی و استمرار فعالیت شرکت) و رتبه اعتباری شرکت می باشد ، با نتایج اکثر پژوهش های این حوزه سازگاراست .

از جمله مهمترین معیارهای ارزیابی عملکرد بنگاه‌ها دردنیای رقابتی امروز، صورتهای مالی شرکت است.برخورداری از اطلاعات مالی شفاف از یک طرف می تواند به مدیران سازمان در تصمیم گیری های مالی کمک نماید و از طرف دیگر برای دریافت تسهیلات اعتباری از سیستم بانکی نیزاین شاخص‌ها همواره از متغیرهای موثر درتعیین سقف ورتبه اعتباری به حساب می‌آیند.

در بین شاخص های مالی معمولا مهمترین شاخص های موثر بر رتبه اعتباری شامل سرمایه ثبت شده ، فروش ،وضعیت نقدینگی، سودآوری و گردش عملیات می باشد . براساس نتایج پژوهش حاضر بین چهار متغیر اول و رتبه اعتباری شرکت رابطه معنی دار و مثبت وجود دارد . به عبارتی برخورداری از سرمایه ثبت شده بالاتر ، نقدینگی بالاتر ، عملکرد فروش بهتر و سودآوری بالاتر همگی نشان از ظرفیت و توان مالی شرکت و همچنین عملکرد روبه رشد آن است و همین امر دلیل قوی برای ارائه رتبه اعتباری بالاتر به بنگاه است .

وضعیت اعتباری بنگاه در قالب دو متغیر مانده تسهیلات نزد سیستم بانکی و گردش سالانه حسابهای شرکت در بانکها بررسی شده است.هرچه مانده تسهیلات شرکت به سیستم بانکی بالاتر باشد نشان دهنده آن است که از یک طرف بنگاه بخشی از نیازهای مالی خود را از سیستم دریافت نموده و از طرف دیگر در شرایط برابر بدهی بالاتر خود به معنای رتبه اعتباری پایین‌تر است.

میزان گردش حسابهای شرکت نزد سیستم بانکی نیز حاکی از عملکرد و فعالیت بهتر شرکت و شفاف بودن اطلاعات مالی آن است و به همین جهت اثر مثبت بر رتبه اعتباری شرکت دارد . ویژگی های مدیریتی در قالب سه شاخص اصلی شخصیت مدیریت ، تجربه مدیریت و تحصیلات دانشگاهی مدیریت مورد بررسی قرار گرفت و نتایج حاکی از اثر مثبت این متغیرها بر رتبه اعتباری شرکت ها می باشد.این یافته ها با نتایج پژوهش های این حوزه سازگار است .

شخصیت مدیریت بیانگر توان علمی و عملی وی در رساندن سازمان به کارایی و اثربخشی است ومعمولا درقالب میزان بازارگرایی و بازارشناسی ، مشتری محوری ، ریسک پذیری و دانش مالی وی نمایان می شود.به عبارت بهتر هرچه مدیریت ارشد بنگاه در این حوزه ها موثرتر عمل کنند عملکرد شرکت و در نتیجه رتبه اعتباری آن ارتقا می یابد .

تجربه مدیریت به سن مدیریت و سالهای فعالیت در بازار و شرکت فعلی بر می گردد . هرچه تجربه مدیران سازمان بالاتر باشد ، به ارتقا شاخص های عملکرد شرکت کمک نموده و در نتیجه رتبه اعتباری آن را افزایش می دهد .

سطح تحصیلات دانشگاهی مدیران عالی شرکت نیز متغیری مهم به شمار می رود . زیرا تحصیلات بالاتر بویژه تحصیلات حوزه های اقتصاد ، مالی و بازار به ارتقا مزایای رقابتی شرکت در حوزه مالی و همچنین ارائه شفاف اطلاعات مالی و شکار فرصت های سرمایه گذاری در حوزه های مختلف و همچنین پیش بینی روند های بازارها کمک نموده و درالبته ترکیب این عامل با تجربه و شخصیت مناسب مدیریت به ارتقا رتبه اعتباری شرکت کمک شایانی خواهد کرد و این امر حاکی از اثرات مثبت مدیریت در دنیای رقابتی امروز است .

در مورد رابطه بین استمرار فعالیت شرکت و رتبه اعتباری آن ،نتایج حاکی از مثبت و معنی دار بودن این رابطه است.به عبارت بهتر هرچه یک شرکت در منحنی عمر خود به جلوتر حرکت کند با در نظر گرفتن روند گذشته و درس گرفتن از تجارب قبلی هم آینده بازار را بهتر پیش بینی می کنند و هم به دنبال ارتقا عملکرد مالی و داشتن رفتار اعتباری بهتر نزد سیستم بانکی هستند و این امر عاملی مثبت در تعیین رتبه اعتباری خواهد بود .

به طور کلی در اثر گذشت زمان رتبه اعتباری بنگاههای ایرانی در صورت ارتقا عملکرد و ایفا به موقع تعهدات قبلی همواره روبه رشد و بهبود خواهد بود .

نتایج فرضیه دوم تا چهارم پژوهش نشان می دهد بین بین زمان اعطای تسهیلات صادراتی،نرخ سود تسهیلات صادراتی و وثایق نوع اول تسهیلات صادراتی و عملکرد صادراتی رابطه منفی وجود دارد. براساس یافته های تحقیق اولا اکثریت صادرکنندگان نمونه آماری فرایند تامین مالی صادراتی در ایران را بسیار طولانی و در مواردی بی اثر دانسته اند.ثانیا نرخ سود تسهیلات صادراتی را بالا ارزیابی نموده و اعلام کرده اند بخش بالایی از هزینه های بنگاه را هزینه های تامین مالی تشکیل می دهد و تاثیر بسیار زیادی در بالا بودن قیمت تمام شده کالاهای صادراتی دارد .

صادرکنندگان نمونه آماری مساله مهم دیگر در بحث تامین مالی صادراتی را بالا بودن وثایق نوع اول درخواستی از طرف سیستم بانکی (نظیر ملک سهل البیع ، ضمانت نامه بانکی سپرده بانکی ، سهام و ...) عنوان کرده اند.این کار از یک طرف بسیار زمان بر (در مواردی کار

وثیقه سپاری حدود دوتا سه ماه به طول انجامیده است) بوده و از طرف دیگر خود هزینه های بالایی به همراه دارد.این موضوع در مورد شرکت های تولیدی و شرکت های خدمات فنی مهندسی نمونه آماری نمود بیشتری داشته است.بطوریکه یکی از بزرگترین مشکلات خود را درصد بالای وثایق درخواستی و سهل البیع بودن وثائق عنوان کرده و اعلام داشته اند حتی بانکها محل کارخانه و پروژه ها را بعنوان وثیقه برای اعطای سرمایه درگردش نمی پذیرند.

نتایج فرضیه پنجم حاکی از وجود رابطه مثبت بین رتبه اعتباری بنگاه و عملکرد صادراتی آن است . به عبارت بهتر هر چه رتبه اعتباری بنگاه ارتقا یابد تسهیلات صادراتی بیشتر و با وثایق نوع اول کمتر دریافت خواهد نمود و در نتیجه خواهد توانست به موقع به تعهدات صادراتی خود عمل نماید که این امر باعث ارتقا عملکرد صادراتی خواهد شد .

در کل یافته های تحقیق نشان می دهد مدیریت تامین مالی صادراتی یک عامل استراتژیک بوده و در صورت اصلاح مشکلات موجود و حرکت به سمت سیستم علمی و متناسب با شرایط فعلی اقتصاد ایران و جهان می توان بخش زیادی از مشکلات فعلی صادرکنندگان ایرانی را حل و فصل نماید . براساس یافته های تحقیق راهکارهای عملیاتی این پژوهش برای چالش تامین مالی صادراتی بویژه در شرایط فعلی اقتصاد ایران در سه بخش زیر ارائه می گردد :

۱. نخست سیاستگذران حوزه تولید و صادرات کشور بایستی با در نظر گرفتن محدودیت منابع بانکی به فکر راههای جایگزین برای تامین مالی صادراتی بنگاههای صادرکننده باشند . ایجاد زیر ساخت های لازم برای تامین مالی صادراتی از طریق بازار سرمایه ، تامین مالی از طریق انتشار اوراق مشارکت و در کنار اینها استفاده از سایر منابع دولت نظیر صندوق توسعه ملی و ذخائر ارزی کشور می تواند چاره ساز و راهگشا باشد . البته این کار بایستی با کار کارشناسی و مطالعه علمی همه جوانب کار همراه باشد به نحوی که عامل زمان و هزینه در فرایند دیده شده و مکانیزم های علمی برای ارائه عادلانه تسهیلات لحاظ گردد .
۲. شورای عالی صادرات ، شورای پول و اعتبار و سیستم بانکی بایستی از یک طرف اهمیت صادرات در اقتصاد کشور را به درستی درک نموده و در فرایندهای اعتبارسنجی ، نرخ سود تسهیلات صادراتی و وثایق نوع اول خود تجدید نظر نماید . یک راهکار مناسب در این زمینه آن است که جوایز صادراتی بنگاهها بعنوان وثیقه نوع اول در سیستم بانکی مورد پذیرش قرار گیرد و به صورت قانون به کلیه بانکها ابلاغ گردد.البته بایستی ابتدا تفاهم لازم بین وزارت صنعت ،معدن و تجارت و سیستم بانکی ایجاد و در مورد ریسک بانکها در این زمینه چاره اندیشی گردد.موضوع مهم دیگر در این زمینه ایجاد بسترهای لازم برای کاهش زمان فرایند تامین مالی صادراتی است که البته بخش زیادی از آن با حل مشکل وثایق نوع اول کاهش خواهد یافت .بورکراسی موجود در سیستم بانکی نیز می تواند با کار کارشناسی

کاهش یابد . به عنوان مثال بخش زیادی از مدارک مورد نیاز سیستم بانکی به استعلام از سایر سازمان ها نظیر سازمان امور مالیاتی ، گمرک و بانکها برمی گردد .اگر با ایجاد تفاهم بین سازمان‌های مذکو و سایر سازمانهای درگیر در این حوزه این استعلامها بصورت الکترونیکی و از طریق خودسیستم بانکی انجام گیرد میتوان کاری را که تاکنون حداقل ۲۰روز طول می‌کشید را در یک ساعت تا حداکثر یک روز انجام داد و درزمان صرفه جویی زیادی نمود .

۳. یک موضوع مهم دیگر در این زمینه به خود بنگاههای صادرکننده برمیگردد و آن ایجاد سازوکارهای لازم برای ارتقا رتبه اعتباری خود نزد سیستم بانکی است.اگر بنگاههای صادرکننده تلاش کنند تا اولا به تعهدات صادراتی خود به سیستم بانکی به موقع عمل کنند و ثانیا شاخص های موثر بر رتبه اعتباری (نظیر شاخص های مالی ، وضعیت اعتباری و سایر شاخص های مدنظر سیستم بانکی) را ارتقا دهند گام بسیار مهمی در جهت ارتقا عملکرد صادراتی خود برداشته اند .

٤. نکته خیلی مهم و اثرگذار دیگر اینکه بنگاههای تولیدی صادرکننده با استفاده از تجربیات خود و سازمانهای موفق صنعت اصل سازمان یادگیرنده را شعار واقعی بنگاه خود در همه سطوح قرار دهند و با استفاده از آن در جهت کاهش هزینه ها و ارتقا کیفیت محصولات خود گام بردارند که همین استراتژی می تواند نیاز بنگاه را به سیستم بانکی کاهش دهد . زیرا قیمت کمتر و کیفیت بالاتر دو راهبرد اثرگذار در جهت فروش نقد محصول در بازارهای خارجی بوده و حتی در مواردی برخی خریداران خارجی حاضرند بهای کالای مورد تقاضا را قبل از ارسال پرداخت نمایند در نتیجه نیاز کمتری به تامین مالی خواهند داشت و هزینه های بالای تامین مالی نیز برآنها تحمیل نخواهد شد .

منابع و مآخذ

۱- عرب مازیار ، عباس و پونه رویین تن (۱۳۸۵) ، « عوامل موثر بر ریسک اعتباری مشتریان سیستم بانکی » ـ مطالعه موردی بانک کشاورزی ـ دوفصلنامه جستارهای اقتصادی .

۲- مهرآرا محسن (۱۳۸۸) ـ « امتیازدهی ریسک اعتباری مشتریان صندوق ضمانت صادرات ایران با استفاده از روش های هوشمند » ـ طرح پژوهشی دانشگاه تهران .

3 - Andersson, S., Gabrielsson, J., Wictor, I. (2004), "International activities in small firms: examining

4 - factors influencing the internationalization and export growth of small firms", Canadian Journal of Administrative Sciences, Vol. 21 No.1, pp.22-34

5 - Aulakh, P.S., Kotabe, M. and Teegen, H. (2000), "Export strategies and performance of firms from emerging economies: evidence from Brazil, Chile, and Mexico" Academy of Management Journal,Vol. 43 No. 3, pp. 342-61.

6 - Aziz , J. , Duenwald , C., 2002. "Growth – financial intermediation nexusin China '.Discussio paper No.02/194 ,International Monetary Fund..

7 - Berkowitz, J., White, M.J., (2004) "Bankruptcy and small firms' access to credit",The Rand Journal of Economics 35: 69-84.

8 - Bryant. B, 2001; "ALEES: an Agricultural Loan Evaluation Expert System", Expert System with Application 21, PP. 75-85.

9 - Debray, G. (2003). Financial intermediation and growth: Chinese style, Available at

10 - Christoph j. (2004), "Express Credit And Bank fault Risk An Application Of Default Predictions Models To Banks From Emerging Market Economics", International Conference On

11 - Emerging Market And Global Risk Management, University Of Westminster, London, UK.

12 - Deakin E.B., (1972), "A Discriminate analysis of predictors of business failure", Journal Of Accounting Research, 10(1).

13 - Feldman Ron, (1997), Bank and a Big Change in Technology Called Credit Scoring, The Region Federal Reserve Bank of Minneapolis.

14 - Fredrick E. Mwesigye (2006), "The role of government in supporting small rural producers reach new

15 - markets and supply chains": The experience of Uganda; UNCTAD expert meeting
16 - Greuning H; Bratanovic, S.B. (2003). Analyzing and Managing Banking Risk, the World Bank, Washington, D.C.
17 - Longenecker Justin G., Carlos W., Moore & J. William Petty., (2002), Credit Scoring and the Small Business: A Review and the Need for Research, Baylor University, Hankamer School of Business.
18 - Treacy, William F (1998) "Credit Risk Rating Systems At Large U.S. Bank, " Gournal of Banking and Finance, 24 (1-2), 167-201.
19 - Verde, Mariarosa, 2003, "Recovery Rates Return to Historic Norms," FITCH Ratings,September.
20 - Wilson, Thomas C., 1998, "Portfolio Credit Risk", Federal Reserve Board of New York, Economic Policy Review, October, 71-82.
21 - Zhou, Chunsheng, 2001, "The Term Structure of Credit Spreads with Jump Risk", Journal of Banking & Finance 25, 2015-2040.
22 - Yang Lui., (2001), New Issues In Credit Scoring Applications, George August,University Gottingen, Institute For Wirtschafts informatics , P:3.
23 - Altman EI, (1968) ,"Financial ratios discriminate analysis and the prediction of corporate Bankruptcy", The Journal of finance, XXIII (4).
24 - Anderson ,T.W. (1984), An Introduction to Multivariate Analysis, 2th Edition. Basel committee on Banking Supervision (1999), Credit Risk Modeling: Current Practices and Applications, Basle: Basle Committee Publications.
25 - Beaver W.H. (1967), "Financial ratios as Predictors of Failure",Journal Of Accounting Research, No: 4.
26 - Behr Patrick, Andre Guttler & Dankwart Plattner (2004), "Credit Scoring and Relationship Lending : The Case of German SME" University of Frank Furt, www.Finance.uni-Frankfurt.
27 - De Boggess W.B. (1967), Screen-Test Your Credit Risks, Harvard Business Review.
28 - Bridges Sarah & Richard Disney, (2001), "Modeling Consumer Credit and Default: The Research Agenda" www.nottingham.ac.uk/economics/ExCEM
29 - Cair, Dean; Kossmann, Robert (2003), "Credit Scoring: Is It Right for your Bank?", Bannock Consulting of Technical Assistance, www.Bannock.co.uk

30 - Jarreau, J. and Poncet, S., (2011). Export performance and Credit Constraints in China. [Online] Available : http://ces.univ-paris1.fr/membre/Poncet/Perso/Finance_Jarreau.pdf.
31 - Jiao.Y, Syaub. Y-R, Lee.E.S, 2007; "Modelling Credit Rating by Fuzzy Adaptive Network", Mathematical and Computer Modelling, 45, PP 717-73.
32 - Kealhofer,Stephen,1993,portfplio management of default risk,working paper , Kmv,corporation. Vasicek,Oldrich,1984,credit valuation, working paper , Kmv,corporation,internet Mustafa Yurdakul,Yusuf Tansel,2004,AHP approach in the credit evaluation of the manufacturing firms in turkey ,int.j.production economics 269-289.
33 - Cheol Soopark,ingoo han,2002,A , Case based reasoning whit the feature weights derived by analytic hierarchy process for bankruptcy prediction, Expert Systems with Applications.
34 - Benito, A. (2005). "Financial Pressure, Monetary Policy Effects and Inventories: Firm-level Evidence from a Market-based and a Bank-based Financial System." Economica, 72, 201-224.
35 - Blalock, G. and S. Roy (2006). "A Firm-Level Examination of the Exports Puzzle: Why East Asian Exports Didn't Increase After the 1997-1998 Financial Crisis?" The World Economy (forthcoming).
36 - Guariglia, A. and S. Mateut (2005). "Inventory Investment, Global Engagement and Financial Constraints in the UK: Evidence from Micro Data." GEP Research Paper 05/23, Leverhulme Centre for Research on Globalization and Economic Policy, University of Nottingham.
37 - Cavusgil ST, and Naor J. Firm and Management Characteristics as Discriminators of Export
38 - Berger, A.N., Udell, G.F., (2002), "Small business credit availability and relationship lending": The importance of Bank organizational structure, Economic Journal 112: F32-F53
39 - Berkowitz, J., White, M.J., (2004) "Bankruptcy and small firms' access to credit",The Rand Journal of Economics 35: 69 - 84.
40 - Debray,G.(2003),"Financial intermediation and growth : Chinesestyle Policy Re. search Working Paper No.3027, WorldBank.
41 - Li,H.,LingshengM.,QianW.andLi-AnZ.(2007),"Political connections , financing and firm performance:EvidencefromChineseprivatefirms", JournalofDEvelopmentEconomics. 299 – 87,283 .

42 - Manova,K.2008a,"CreditConstraints,EquityMarketLiberalizationsandInternational Trade", JournalofInternationalEconomics 76,p.33-47.

43 - Manova,K.2008b,"CreditConstraints,HeterogeneousFirmsandInternationalTrade",NBER WorkingPaper1453.

44 - Gupton, Greg M., Daniel Gates and Lea V. Carty, 2000, "Bank Loan Loss Given Default", Moody's Investors Service, Global Credit Research, November.

45 - Guariglia,A.,X.LiuandL.Song,2010,"Internal Finance and Growth : Microeconometric Evidenceon Chinese Firms", Journal of Development Economics forthcoming

46 - Bakshi, G., Dilip Madan, Frank Zhang, 2001, "Understanding the Role of Recovery in Default Risk Models: Empirical Comparisons and Implied Recovery Rates", Beck, T., Levine R. and Loayza N. 2000, "Finance and the sources of Growth", Journalof Financial Economics, 58, 261-300

47 - Kroszner,D.,Laeven,L.andR.Klingebiel,2007,"Banking Crises,Financial Dependence,and Growth", Journalof FinancialEconomics 84(1),p. 187-228 .

48 - Basel Committee on Banking Supervision, 2003, "The New Basel Capital Accord", Consultative Document, Bank for International Settlements, April.

49 - Barro,R.J.andJ.W.Lee1996,"International Measures of Schooling Years and Schooling Quality", AmericanEconomicReview, 86, 218-23.

50 - Raddatz,C.,2006,"Liquidity needs and vulnerability of inancial underdevelopment", Journal Of Financial Economics, 80, 677-722

51 - Altman, E., R. Haldeman and P. Narayanan, 1977, "ZETA Analysis: A New Model to Identify Bankruptcy Risk of Corporations," Journal of Banking & Finance, Vol. 1, No. 1, July, pp. 29-54.

بررسی مزیت رقابتی صادرات صنایع مختلف ایران طی دوره ۱۳۷۶ ـ ۱۳۸۶ (رویکرد تغییر سهم)

دکتر حسین اصغرپور[۱] ـ امینه شیبانی[۲]

۱ ـ مقدمه

مزیت رقابتی از موضوعات مهمی است که در سال‌های اخیر در ادبیات مدیریت و بازاریابی استراتژیک مورد تاکید قرار گرفته است. مزیت رقابتی به عنوان قابلیت یک شرکت در عملکرد بهتر نسبت به صنعتی که در آن کار می‌کند تعریف می‌شود .

نظریات در این زمینه به دو قسمت اصلی تقسیم می شوند : نظریات سنتی و نظریات مدرن . نظریات سنتی نظریاتی هم چون نظریه مزیت نسبی و مدل هکشر ـ اوهلین را دربر می‌گرفت. بر اساس آزمون‌های مکرری که درباره فروض و کارکردهای نظریات سنتی انجام شد نظریه‌های مدرن به تدریج جایگزین آن‌ها گردید. نظریه مزیت رقابتی یکی از نظریات مدرن است که در سال ۱۹۹۰ توسط مایکل پورتر مطرح گردید. بر این اساس، نظریه‌های مزیت نسبی و مدل هکشر ـ اوهلین هیچ کدام نمی‌تواند چگونگی استفاده از نوآوری و خلاقیت در تولید کالاها و خدمات و نیز نحوه تولید این کالاها در یک فضای بین‌المللی با استفاده از منابع داخلی را توضیح دهد. به نظر پورتر (۱۹۹۰)، مزیت رقابتی ملل که متکی بر ظرفیت نوآوری، خلاقیت و ابتکار کشورها است می‌تواند شرایط کنونی را توضیح دهد .

امروزه یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های یک اقتصاد سالم، برخورداری آن از تراز حساب جاری مثبت است. تراز حساب جاری که از دو بخش کالا و خدمات تشکیل گردیده، بیانگر میزان اختلاف میان ستانده‌ها و داده‌های کالا و خدمات یک کشور می‌باشد. از میان دو بخش کالا و خدمات در تراز حساب جاری، صادرات کالایی کشورها یکی از اصلی‌ترین راه‌های بهره‌مندی از تراز تجاری مثبت به شمار می‌آید. کشورهای جهان با توجه به سطح رشد یافتگی‌شان کالاهای متنوعی را صادر می‌نمایند. در جوامع صنعتی به صادرات کالاهای صنعتی و فرآوری شده، که از ارزش افزوده بالایی نیز برخوردارند، اهمیت فراوانی داده می‌شود. این در حالی است که کشورهای در حال گذاری نظیر ایران، بیشتر به صادرات کالاهای کشاورزی و معدنی اشتغال دارند . بررسی صنایع در دنیا بیانگر آن است که کشورهای پیشرفته، مانند آمریکا، آلمان و

---

۱ ـ دانشیار اقتصاد دانشکده اقتصاد، مدیریت و بازرگانی دانشگاه تبریز.
۲ ـ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه تبریز

ژاپن هرکدام در صنایع خاصی دارای مزیت رقابتی هستند. به عنوان مثال، ژاپن در صنعت اتومبیل و صنایع الکترونیک مصرفی، آلمان در صنعت شیمیایی و اپتیک و آمریکا در گروهی از خدمات مشاوره مالی و صنایع پزشکی چنین موقعیتی دارند . این موضوع بیانگر جهت‌گیری استراتژی‌های توسعه صنعتی این گونه کشورها است. تجارب موجود، حکایت از اهمیت استراتژی توسعه صنعتی در رقابت‌پذیری صنایع ملی کشورها دارد. مهمترین نقش استراتژی توسعه صنعتی هماهنگی موثر بین فعالیت‌های مختلف صنعتی و تعیین نحوه و میزان تخصیص منابع به صنایع مختلف است. با توجه به مطالب بیان شده و نیز با توجه به مفهوم مزیت رقابتی، سئوال مهمی که در پژوهش حاضر مطرح بوده و به دنبال پاسخ گویی آن هستیم، این است که کدامیک از گروهها و یا زیربخشهای صنایع کشور در زمینه‌ی صادرات و اشتغالزایی دارای مزیت رقابتی است ؟

در یک نگاه اجمالی، پژوهش حاضر در پی شناسایی صنایعی از کشور ایران می‌باشد که در امر صادرات دارای مزیت رقابتی باشند. از اینرو در ادامه، پس از بیان مبانی نظری موضوع برخی از مطالعات پیشین صورت گرفته در زمینه مزیت رقابتی مورد بررسی قرار می‌گیرند. سپس با معرفی روش تحقیق، مزیت رقابتی صنایع کشور ایران مورد بررسی واقع می‌شوند و صنایع با مزیت رقابتی در امر صادرات مشخص می‌شوند. در نهایت، بخش پایانی به خلاصه و نتیجه‌گیری اختصاص یافته است .

۲ ـ ادبیات موضوع

۲ ـ ۱ ـ مزیت رقابتی

بحث رقابت‌پذیری یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های تجارت و فعالیت در محیط پویا و رقابتی امروز است. جستجوی راه‌های جدید جهت رقابت در بازارهای رقابتی جوهره اصلی تفکر استراتژیک و استراتژی است. این موضوع که از دیرباز مورد توجه صاحبنظران و اندیشمندان علم اقتصاد بوده، در دهه‌های اخیر مورد توجه صاحبنظران مدیریت نیز قرار گرفته است. در این حوزه اندیشمندان اقتصاد به دنبال بررسی و شناسایی مزیت ملل در تولید و عرضه محصولا بوده‌اند. چرا که به اعتقاد آن‌ها برای استفاده کارآمد از منابع جهان و بهبود رفاه در جوامع، کشورها می‌بایست به تولید محصولاتی بپردازند که در تولید آن‌ها نسبت به سایر ملل دارای مزیت می‌باشند .

مزیت رقابتی ، وضعیتی است که یک بنگاه را قادر می‌سازد با کارایی بالاتر و بکارگیری روش‌های برتر، محصول را با کیفیت بالاتر عرضه نماید و در رقابت با رقبا سود بیشتری را برای بنگاه فراهم آورد. یک واحد اقتصادی زمانی دارای مزیت رقابتی است که بتواند به دلایل خاص که ناشی از ویژگی‌های آن واحد است (مانند وضعیت مکانی، تکنولوژی، پرسنلی و ...) به طور مدام تولیدات خود را نسبت به رقبایش با هزینه پایین‌تر و کیفیت بالاتر عرضه کند .

از دید مایکل پورتر ، شرایط عوامل تولید، شرایط تقاضا، صنایع مرتبط و پشتیبان و راهبرد ساختار و رقابتمندی شرکت ، چهار عاملی هستند که می‌توانند محیط فعالیت و کسب و کار برای شرکت‌ها را به محیطی مشوق و یا بازدارنده تبدیل نمایند. وی از این عوامل به عنوان عوامل کلیدی جهت دستیابی یک کشور به مزیت یا موفقیت بین‌المللی در صنعت یا صنایع خاصی نام برده و به آن عنوان « الماس ملی » داده است. الماس پورتر، یک سیستم تقویت دوطرفه است که تاثیر هر عامل بر مزیت رقابتی ملی در هر صنعت خاص، به وضعیت و شرایط سایر عوامل وابسته است . رویدادهای اتفاقی (شانس) و دولت، دو عامل دیگر تاثیرگذار بر مزیت رقابتی ملی می‌باشند. رویدادهای اتفاقی که خارج از کنترل شرکت و حتی دولت بوده و می‌تواند با تحول ساختاری در صنعت، موجب جابجایی مزیت رقابتی در صنایع گردد. تاثیر دولت نیز بر مزیت رقابتی از طریق تصویب و اجرای قوانین مرتبط می‌باشد که می‌تواند منجر به بهبود یا افول مزیت رقابتی شود .

۲ـ۲ـ پیشینه تحقیق

طی دهه‌های اخیر به مقوله‌ی مزیت رقابتی توجه ویژه‌ای شده است که در ادامه به برخی از مطالعات داخلی و خارجی صورت گرفته در این زمینه اشاره می‌شود .

کردنائیج و همکاران (۱۳۸٤) در مطالعات خود رابطه‌ی بین ابعاد مزیت رقابتی و عملکرد صادراتی شرکت‌های ایرانی صادرکننده‌ی سنگ‌های تزئینی را مرود بررسی قرار داده‌اند که از جمله نتایج این تحقیق، وجود رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری بین ابعاد مزیت رقابتی با عملکرد صادراتی این شرکت‌ها می‌باشد. قره چه و ابوالفضلی (۱۳۸٦)، در مطالعه‌ای عوامل راهبردی داخلی برای کسب مزیت رقابتی شرکت ایران خودرو را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده اند. حسینی و پناهی (۱۳۸٦) نیز در مقاله خود با عنوان ایجاد مزیت رقابتی در صنعت با رویکرد عوامل کلیدی موفقیت با استفاده از معیار هزینه منابع داخلی به بررسی مزیت نسبی صنعت کاشی ایران پرداخته و سپس با استفاده از تکنیک DEMATEL به شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر بر مزیت رقابتی شرکت‌های این صنعت پرداختند. از جمله نتایج این تحقیق حاکی از آن بوده است که بهبود و سرمایه گذاری به عنوان اولویت‌های سرمایه‌گذاری صنعت شناسایی شدند . راسخی و ذبیحی لهرمی (۱۳۸۷) ، در مطالعه‌ی خود به بررسی مزیت رقابتی صنعت پتروشیمی ایران طی دوره ۱۳۸۱ ـ ۱۳۸۵ پرداخته‌اند . از جمله نتایج بدست آمده حاکی از آن است که ایران در بیش‌تر کالاهای صادراتی پتروشیمی دارای مزیت نسبی می‌باشد و بر اساس بررسی شاخص سهم ثابت بازار، عملکرد رقابتی این گروه کالاهای ایران در بازارهای هدف منفی برآورد شده‌اند . قره چه و مرادی (۱۳۸۸) به بررسی الگوی بهینه دستیابی به مزیت

رقابتی در صادرات صنعت کفش و دمپایی با توجه به راهبردهای رقابتی پورتر پرداخته است. دولت آبادی و همکاران (۱۳۹۰) ، در مطالعه‌ی خود به بررسی میزان تدثیر هوشمندی رقابتی بر مزیت رقابتی شرکت‌های موجود در شهرک علمی تحقیقاتی شهر اصفهان پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن بوده است که یک برنامه‌ی هوشمندی رقابتی سبب دستیابی به مزیت رقابتی نسبت به رقبا می‌شود و تضمین کننده‌ی بقای سازمان است. فاریابی و همکارن (۱۳۹۰) در مطالعه‌ی جداگانه‌ای به بررسی رابطه بازار محوری و مزیت رقابتی در گروه صنایع تراکتورسازی ایران پرداخته‌اند. مطالعه‌ی فرزین و نادعلی‌پور (۱۳۹۰)، به بررسی عوامل موثر بر مزیت رقابتی مقصدهای گردشگری منطقه چابهار اختصاص یافته است .

از جمله مطالعات خارجی می‌توان به مطالعات ایرانمنش و تامسون[1] (۲۰۰۸) در زمینه‌ی مزیت رقابتی با تنظیم ویژگی‌های طراحی برای برآوردن اهداف هزینه، مطالعه‌ی نوردین[2] (۲۰۰۸) ارتباط بین سرویس تصمیمات استراتژیک منابع و رقابت شرکت های کسب و کار، ناوارو و همکاران[3] (۲۰۱۰)، در زمینه‌ی بررسی مفاهیمی از درک مزایای رقابتی، اقتباس از تاکتیک های بازاریابی و تعهد صادرات بر عملکرد صادراتی ۱۵۰ بنگاه صادرکننده، مطالعات بومن و تامس[4] (۲۰۱۰) با عنوان حسابداری برای مزیت رقابتی: دیدگاه مبتنی بر منابع شرکت و نظریه ارزش کار و همچنین مطالعه‌ی لیانگ و همکاران[5] (۲۰۱۲) با عنوان بین المللی کردن شرکت‌های خصوصی چین . مقایسه‌ی اثرات مزیت رقابتی و غیررقابتی با رقبای بازارهای داخلی اشاره نمود .

مطالعه‌ی حاضر نیز به بررسی مزیت نسبی صنایع کشور ایران در امر صادرات می‌پردازد . بدین منظور ۲۳ زیربخش موجود در بخش صنعت کشور طی دوره‌ی زمانی ۱۳۷٦ ـ ۱۳۸٦ مورد بررسی قرار گرفته و جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل تغییر- سهم[6] بهره برده می‌شود .

۳ ـ روش تحقیق

رشد و توسعه‌ی آینده‌ی مناطق یک کشور از مهم‌ترین مسائلی است که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران دولتی باید به آن توجه داشته باشند. بدین منظور شناخت استراتژی‌های توسعه‌ی مناسب بسیار حائز اهمیت می‌باشد. در نتیجه برنامه‌ریزان محلی باید قدرت و ضعف اقتصاد محلی را بشناسند. برنامه‌ریزان توسعه‌ی اقتصادی محلی باید بدانند که گسترش فعالیت‌ها در منطقه چگونه بوده است و منطقه‌ی مورد مطالعه در چه بخشی از مزیت یا قدرت رقابتی برخوردار است. مدل‌های تحلیلی ضرائب مکان، تغییر سهم، تکنیک‌های داده - ستانده، ضرایب

1 - Iranmanesh and Thomson
2 - Nordin
3 - Navarro and et. all
4 - Bowman and Toms
5 - Liang and et. all
6 - Shift and Share

منطقه‌ای پایه اقتصاد و روش‌های مرتبط دیگر، ابزار اصلی استنباط اقتصادی منطقه‌ای را از لحاظ تأثیر فعالیت‌های مختلف اقتصادی دربرگیرنده‌ی آن فراهم می‌آورد. به‌علاوه، این روش‌ها و تکنیک‌های تحلیلی به ارزیابی فعالیت‌های مذکور در ارتباط با یکدیگر و مقایسه با فعالیت‌های مشابه در مناطق دیگر کمک می‌کند. همچنین این مدل‌ها روشی برای شناسایی و تعیین فرصت‌ها و امکانات جهت تغییر ساختار اقتصاد منطقه در زمینه‌ی بهبود عملکرد آن فراهم می‌کند .

یکی از روش‌های کاربردی در علوم منطقه‌ای، مدل تغییر سهم می‌باشد که در راستای درک عدم تعادل در سطوح مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. اساس این مدل بر محور مقایسه‌ی تغییرات در دو سطح متفاوت (یکی خرد و دیگری کلان) است. این مدل در علوم مختلف جغرافیا، اقتصاد و علوم منطقه‌ای کاربرد فراوان دارد(ضرابی و همکاران، ۱۳۸۸). مدل تغییر سهم یک روش عمومی برای درک ارتباط میان ساختار صنعتی و رشد اقتصادی را فراهم می‌کند و همانند تحلیل‌های داده- ستانده به عنوان ابزاری برای تحلیل ارتباط صنایع و بخش‌های مختلف یک منطقه با صنایع و بخش‌های ملی به کار می‌رود. علی‌رغم انتقاداتی که به این روش وارد است به علت ساده بودن و نیاز به آمار و اطلاعات محدود ، جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است .

در این روش، تغییرات متغیرهای اقتصادی به سه جزء تفکیک می‌شود. جزء اول ، رشد ناشی از سهم ملی ، جزء دوم، رشد ناشی از ساختار (ترکیب) فعالیت‌ها و جزء سوم، رشد ناشی از مزایای رقابت منطقه‌ای در فعالیت‌ها .

جزء مربوط به رشد ملی، سهم منطقه از رشد ملی است. این جزء، درجه تغییر در رشد یک منطقه را که مرتبط با ناحیه بزرگتر است را می‌سنجد. در حقیقت، این نوع تغییرات رشد یا رکودی است که با فرض ثبات سایر عوامل، در نتیجه‌ی تغییرات و تحولات کشور بوجود آمده و یا تحت تاثیر آن قرار گرفته است. بدین ترتیب، اگر یک فعالیت اقتصادی در کل کشور افزایش یا کاهش یابد ، انتظار می‌رود که این مساله اثرات مشابه مثبت و یا منفی بر روی رشد در سطح منطقه داشته باشد .

جزء مربوط به تغییرات ناشی از ساختار (ترکیب) فعالیت‌ها، اثر ترکیب فعالیت‌های یک منطقه در مقایسه با کل کشور را مورد توجیه قرار می‌دهد. یک فعالیت اقتصادی مشخص، ممکن است دارای نرخ رشد یا رکود متفاوت از سایر فعالیت‌ها داشته باشد. منطقه‌ای که در آن فعالیت‌هایی با نرخ رشد بالا را در خود متمرکز کرده باشد، دارای ساختار فعالیت‌های مثبت بوده و برعکس، منطقه‌ای که در آن فعالیت‌هایی با رشد کم متمرکز شده است، با اثر منفی بر ساختار فعالیت‌ها مواجه خواهد بود .

جزء سوم ، تغییرات ناشی از ساختار رقابتی و مزایای نسبی یک فعالیت را در مقایسه با همان فعالیت در سطح کل کشور اندازه‌گیری می‌کند.ممکن است برخی فعالیت‌های اقتصادی در

یک منطقه سریع‌تر یا کندتر از فعالیت مشابه در سطح کشور، بدلیل وجود شرایط خاص اقتصادی رشد کنند. این عوامل می‌توانند شامل زیرساخت‌های خوب، زمین، آب و هوا، منابع طبیعی و نیروی کار باشد. از اینرو، این جزء بنحوی قدرت رقابتی بهتر و یا امتیازات مکانی بهتر یک منطقه را نسبت به سایر مناطق نشان می‌دهد .

بر اساس مطالب بیان شده ، مدل تغییر سهم برای بخش صادرات کشور ایران را می‌توان به صورت زیر بیان داشت :

(۱) سهم ملی :
$$NS_i = e_i^{t-1}\left(E^t/E^{t-k} - 1\right)$$

(۲) ترکیب بخشی :
$$IM_i = e_i^{t-1}\left(E_i^t/E_i^{t-k} - E^t/E^{t-k}\right)$$

(۳) انتقال منطقه‌ای یا سهم رقابتی :
$$RS_i = e_i^{t-1}\left(e_i^t/e_i^{t-k} - E_i^t/E_i^{t-k}\right)$$

که در این رابطه ،

e_i : صادرات در صنعت

i، E_i : صادرات ملی در بخش i

و E : صادرات کل کشور می‌باشد.

$t-k$: سال ابتدای دوره (در این تحقیق سال ۱۳۷۶)

و t : سال انتهای دوره (در این تحقیق سال ۱۳۸۶) می‌باشد .

حال می‌توان رابطه فوق را بر اساس میزان رشد صادرات نوشت :

(٤) سهم ملی:
$$NS_i = e_i^{t-k}(g_E)$$

(٥) ترکیب بخشی:
$$IM_i = e_i^{t-k}(g_{Ei} - g_E)$$

(٦) انتقال منطقه‌ای یا سهم رقابتی:
$$RS_i = e_i^{t-k}(g_{ei} - g_{Ei})$$

که در آن ،

g_E : میزان رشد صادرات کل اقتصاد ملی ،

g_{Ei} : میزان رشد صادرات کل بخش صنعت در اقتصاد ملی ،

و g_{ei}: میزان رشد صادرات هر زیربخش در صنعت می‌باشد. بطور اجمالی می‌توان چنین نوشت:

$$e_i^t - e_i^{t-k} = NS_i + IM_i + RS_i \qquad (۷)$$

در این مدل، تغییرات صادرات در یک صنعت به سه دسته :

۱ ـ اثر رشد ملی

۲ ـ اثر ترکیب ملی

۳ ـ اثر رقابتی تقسیم می‌شود.

در این مدل فرض بر آن است که ساختار رشد اقتصادی منطقه تقریبا مطابق با رشد ملی است. مگر اینکه منطقه دارای مزیت رقابتی نسبت به منطقه‌ی مرجع باشد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که اثر رقابتی شامل اختلاف بین تغییر واقعی در صادرات منطقه و تغییر مورد انتظار[1] می‌باشد.

شایان ذکر است که کلیه آمار و اطلاعات تحقیق از سایت مرکز آمار جمع آوری شده است. همچنین باید اشاره کرد که داده های مربوطه به نتایج نمونه گیری از کارگاههای صنعتی تا سال ۱۳۸٦ بوده و داده های بعد از سال ۱۳۸٦ منتشر نشده است و این یکی از محدودیتهای اصلی تحقیق بوده است .

٤ ـ تحلیل یافته‌های تحقیق

در این بخش، به تجزیه و تحلیل رشد صادرات بخش صنعت کشور ایران طی سال‌های ۱۳۷٦ ـ ۱۳۸٦ با استفاده از روش تغییر سهم پرداخته می‌شود. همانگونه که بخش قبل نیز بیان شد کل تغییرات صادرات بخش صنعت کشور ایران به سه جزء تقسیم می‌شوند که عبارتند از سهم از رشد ملی ، تغییرات ساختاری و سهم رقابتی. نتایج تحلیل تغییر سهم برای صادرات ۲۳ زیر بخش برای بخش صنعت کشور ایران برای سال‌های مورد بررسی در جدول شماره (۱) آورده شده است .

۱ ـ انتظار بر آن است که رشد صادرات در هر از بخش صنعت، بر اساس میزان رشد ملی باشد .

جدول شماره (۱) : نتایج محاسبات تغییر سهم صادرات بخش صنعت کشور طی دوره ۱۳۷۶- ۱۳۸۶ (میلیارد ریال)

صنعت	۱۳۷۶	۱۳۸۶	تغییرات کل	سهم از رشد ملی	تغییرات ساختاری	سهم رقابتی
صنعت	۱٤۲۲٥/٥۲۹	۹۲۲٦۱/۲۲۱	۷۸٤۳٥/٦۹۲	-		
صنایع مواد غذایی و آشامیدنی	۱۲۸۱/۰۰۳	٥٦۰٦/٥۸٦	٤۳۲٥/٥۸۳	۱۰۳۲٥/۰۷۰	-۳۲٦۱/۹٦۸	-۲۷۳۷/٥۱۹
تولید محصولات از توتون و تنباکو	٤/۱۸۸	۰	-٤/۱۸۸	۳۳/۷٥٦	-۱۰/٦٦٤	-۲۷/۳۷۹
تولید منسوجات	٤۷٦/۱٥۱	۱۱۸۳/۱۷٤	۷۰۷/۰۲۳	۳۸۳۷/۸٤٦	-۱۲۱۲/٤۷۹	-۱۹۱۸/۳٤٤
تولید پوشاک ـ عمل آوردن و رنگ کردن پوست خزدار	۱۰/۷۲۲	۳۸/۸۳٦	۲۸/۱۱٤	۸٦/٤۲۱	-۲۷/۳۰۳	-۳۱/۰۰٤
دباغی و عمل آوردن چرم و ساخت کیف و ...	۱٦٥/۰۸۷	۸٤۲/۱۷۷	٦۷۷/۰۹	۱۳۳۰/٦۲٥	-٤۲۰/۳۸۰	-۲۳۳/۱٥٥
تولید چوب و محصولات چوبی و چوب پنبه و ...	۷/۳٥٦	۲۳/۰٦٦	۱٥/۷۱	٥۹/۲۹۰	-۱۸/۷۳۱	-۲٤/۸٤۹
تولید کاغذ و محصولات کاغذی	٥/۳٤۲	۱۱٥/٥۱٤	۱۱۰/۱۷۲	٤۳/۰٥۷	-۱۳/٦۰۳	۸۰/۷۱۸
انتشار و چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده	۱/۰۳۷	۱/۰٦	۰/۰۲۳	۰/۲۹۸	-۰/۰۹٤	۰/۸۱۹
صنایع تولید زغال کک، پالایشگاه‌های نفت وسوخت‌هسته‌ای	۱۷۹/۸۸	٥۲۷٥/۷٤۸	٥۰۹٥/۸٦۸	۱٤٤۹/۸٥۹	-٤٥۸/۰٥۰	٤۱۰٤/۰٥۹
صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی	٦٤۱۸/۷۹۸	٥۱۲۰۹/٤۳۹	٤٤۷۹۰/٦٤۱	٥۱۷۳٦/٤٤۲	۱٦۳٤٤/۹۳۸	۹۳۹۹/۱۳۷
تولید محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۳۰٤/٤٦۸	٦٦٥/٤۷٥	۳٦۱/۰۰۷	۲٤٥٤/۰٥٦	-۷۷٥/۳۰۳	۱۳۱۷/۷٤۷
تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی	۸۸۱/٤۹٥	۲٤۲۷/۲۸۸	۱٥٤٥/۷۹۳	۷۱۰٤/۹۷۷	-۲۲٤٤/٦٥٤	۳۳۱٤/٥۳۰
تولید فلزات اساسی	۳٦۰٤/۸۷٤	۱٦۷۹۳/۸۹۳	۱۳۱٤۹/۰۱۹	۲۹۰٥٥/۸۰۷	-۹۱۷۹/٥۱٤	٦۷۲۷/۲۷٤
تولید محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات	۲۱۰/۰٤۱	٦٤٦/٦۹۳	٤۳٦/٦٥۲	۱٦۹۲/۹٦۱	-٥۳٤/۸٥۲	۷۲۱/٤٥۷
تولید ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۱۳۹/۳۱۸	۱۱۷٦/۸٦۲	۱۰۳۷/٥٤٤	۱۱۲۲/۹۲۳	-۳٥٤/۷٦۲	۲٦۹/۳۸۲
تولید ماشین‌آلات اداری و حسابگر و محاسباتی	۰/۱۷۲	۱/۲٦۸	۱/۰۹٦	۱/۳۸٦	-۰/٤۳۸	۰/۱٤۸
تولید ماشین‌آلات مولد و انتقال برق و ...	۱۳٥/۳۷٦	۲۱۰۲/٥۲٦	۱۹٦۷/۱٥	۱۰۹۱/۱٥۰	-۳٤٤/۷۲٤	۱۲۲۰/۷۲٤
تولید رادیو و تلویزیون و ...	٥۱/۸٥۸	۳۷/۷۱٦	-۱٤/۱٤۲	٤۱۷/۹۸۳	۱۳۲/۰٥۲	-۳۰۰/۰۷۳
تولید ابزار پزشکی و ابزار اپتیکی و ...	۱۰/۲	۲٤/٦۲۳	۱٤/٤۲۳	۸۲/۲۱۳	-۲٥/۹۷۳	٤۱/۸۱۷
تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم تریلر	۲۳۳/۱۸۷	٤۲۰۰/۸۲٦	۳۹٦۷/٦۳۹	۱۸۷۹/٥۲۱	-٥۹۳/۷۹۱	۲٦۸۱/۹۰۹
تولید سایر وسایل حمل و نقل	۹۱/٤۳۸	۳۱۷/۹۸۳	۲۲٦/٥٤٥	۷۳۷/۰۰٤	-۲۳۲/۸۳۹	-۲۷۷/٦۱۹
تولید مبلمان و مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۱٤/٥۳۷	۱۰۷/٤٦۸	-٤/۰٦۹	۱۱۷/۱۷۰	-۳۷/۰۱۷	-۸٤/۲۲۲
بازیافت	۰	۰	۰	۰	۰	

منبع : محاسبات تحقیق

همانگونه که از جدول فوق بدست می‌آید، صادرات در تمام بخش‌ها به‌جز بخش‌های تولید محصولات از توتون و تنباکو، تولید رادیو و تلویزیون و نیز تولید مبلمان و مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر دارای رشد مثبت بوده است. به‌طوری که طی دوره مورد بررسی صادرات کل بخش صنعت در سال ۱۳۸٦ به ۹۲٦٦۱/۲۲۱ میلیارد ریال افزایش یافته است. بیشترین رشد صادرات با ٤٤۷۹۰/٦٤۱ میلیارد ریال، به صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی اختصاص داشته است.

حال به منظور تعیین عوامل موثر بر رشد صادرات بخش صنعت کشور، نتایج تغییر سهم مورد بررسی قرار می‌گیرد. مقایسه نتایج بدست آمده در جزء سهم ملی (رشد مورد انتظار) با رشد تحقق یافته (تغییرات صادرات) حاکی از آن است که در زیربخش‌های تولید کاغذ و محصولات کاغذی، انتشار و چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده، صنایع تولید زغال کک، پالایشگاه‌های نفت و سوخت هسته‌ای، تولید ماشین‌آلات مولد و انتقال برق و ... تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم تریلر، رشد تحقق یافته بیشتر از رشد مورد انتظار بوده است و در سایر بخش‌ها، رشد صادرات کمتر از مقدار مورد انتظار می‌باشد. همچنین صادرات مورد انتظار برای تولیدات رادیو و تلویزیون ٤۱۷/۹۸۳ بوده است و حال آنکه صادرات این بخش منفی می‌باشد. صادرات بخش صنعت، در تمام زیربخش‌ها به‌جز دو زیربخش توتون و تنباکو و تولیدات رادیو و تلویزیون دارای رشد مثبت بوده است، هرچند که این رشد کمتر از میزان مورد انتظار می‌باشد و این امر منجر به آن شده است که در مجموع، صادرات صنعت کشور ایران دارای تغییرات مثبت باشد. ملاحظه نتایج مربوط به تغییرات ساختاری طی دوره مورد بررسی نشان از تغییرات ساختاری منفی در تمام زیربخش‌های صنعت کشور دارد. ترکیب فعالیت‌های اقتصادی و شرایط محیطی فعالیت‌های اقتصادی از عوامل مهم و تاثیرگذار بر تغییرات ساختاری فعالیت‌ها می‌باشد. از اینرو می‌توان استدلال کرد که در مجموع، فعالیت بخش صنعت در مقایسه با فعالیت سایر بخش‌های کشور دارای رشد و تحرک کندتری بوده است. با این وجود، بررسی نتایج سهم رقابتی زیربخش‌های بخش صنعت حاکی از وجود مزیت رقابتی در زیربخش‌های تولید کاغذ و محصولات کاغذی انتشار و چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده، صنایع تولید زغال کک، پالایشگاه‌های نفت و سوخت هسته‌ای، صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی، تولید ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر، تولید ماشین‌آلات اداری و حسابگر و محاسباتی، تولید ماشین‌آلات مولد و انتقال برق و تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم تریلر می‌باشد و بقیه‌ی فعالیت‌ها دارای محیط مناسب رشد در کشور ایران نمی‌باشد. از آنجا که صادرات در بیشتر این زیر بخشهای دارای مزیت رقابتی، بویژه زیربخش‌های صنایع تولید زغال کک، پالایشگاه‌های نفت و سوخت هسته‌ای، صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی، تولید ماشین‌آلات مولد و انتقال برق و تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم تریلر دارای رشد چشم‌گیری نسبت به سایر فعالیت‌های بخش صنعت داشته‌اند، می‌توان چنین استدلال نمود که این چهار زیربخش، از توان رقابتی

بالاتری نسبت به سایر فعالیت‌های بخش صنعت برخوردار بوده‌اند. از اینرو، در ادامه به بررسی میزان اشتغال‌زایی و ارزش افزوده ایجاد شده توسط این چهار زیربخش پرداخته می‌شود. نتایج به ترتیب در جداول شماره (۲) و (۳) ارائه می‌گردد.

همانگونه که از نتایج جدول شماره (۲) ملاحظه می‌گردد، طی دوره مورد بررسی اشتغال در بخش صنعت افزایش یافته است بطوری‌که با ۲۲۷۳۲۸ نفر افزایش، در انتهای دوره اشتغال در بخش صنعت به ۱۱۰۲۸۵۶ نفر رسیده است. از این چهار زیربخش، اشتغال در فعالیت‌های تولید ماشین‌آلات مولد و انتقال برق و تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم تریلر دارای رشدی فراتر از میزان مورد انتظار بوده است. تغییرات ساختاری در همه‌ی فعالیت‌ها مقداری منفی بوده و از اینرو در این بخش‌ها، اشتغال دارای رشد ساختاری نبوده است. با این حال، بجز فعالیت صنایع تولید زغال کک، پالایشگاه‌های نفت و سوخت هسته‌ای، صنعت در سایر بخش‌ها دارای مزیت رقابتی می‌باشد.

جدول شماره (۲): نتایج محاسبات تغییر سهم اشتغال چهار زیربخش صنعت کشور طی دوره ۱۳۷۶-۱۳۸۶

صنعت	۱۳۷۶	۱۳۸۶	تغییرات کل	سهم از رشد ملی	تغییرات ساختاری	سهم رقابتی
صنعت	۸۷۵۵۲۸	۱۱۰۲۸۵۶	۲۲۷۳۲۸	-	-	-
صنایع تولید زغال کک، پالایشگاه‌های نفت و سوخت هسته‌ای	۱۶۸۵۷	۱۷۴۶۷	۶۱۰	۶۸۳۰/۹۴۹	-۲۴۵۴/۰۸۳	۳۷۶۶/۸۶۵
صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی	۶۰۲۴۸	۷۹۸۷۹	۱۹۶۳۱	۲۴۴۱۴/۲۴۹	-۸۷۷۱/۰۵۲	۳۹۸۷/۸۰۳
تولید ماشین‌آلات مولد و انتقال برق و ...	۳۱۱۲۵	۴۹۱۶۴	۱۸۰۳۹	۱۲۶۱۲/۷۵۹	-۴۵۳۱/۲۵۴	۹۹۵۷/۴۹۵
تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم تریلر	۳۹۷۵۰	۱۲۷۳۹۹	۸۷۶۴۹	۱۶۱۰۷/۸۶۱	-۵۷۸۶/۹۰۳	۷۷۳۲۸/۰۴۲

منبع : محاسبات تحقیق

در مورد وضعیت ایجاد ارزش افزوده در این فعالیت‌ها، با توجه به جدول شماره (۳) می‌توان چنین اظهار نمود که طی مدت مورد بررسی، صنعت در تمام این چهار فعالیت ارزش افزوده ایجاد کرده است و در تمام زیربخش‌ها بجز فعالیت تولید ماشین‌آلات مولد و انتقال برق رشد تحقق یافته‌ی ارزش افزوده بیشتر از رشد مورد انتظار بوده است. تمام این فعالیت‌ها همچنان دارای ترکیب ساختاری منفی می‌باشند. با این حال، همه فعالیت‌ها در ایجاد ارزش افزوده دارای مزیت رقابتی هستند.

جدول شماره (۳) : نتایج محاسبات تغییر سهم ارزش افزوده چهار زیربخش صنعت کشور طی دوره ۱۳۷۶ ـ ۱۳۸۶

صنعت	۱۳۷۶	۱۳۸۶	تغییرات کل	سهم از رشد ملی	تغییرات ساختاری	سهم رقابتی
صنعت	۱۳۹۰٤	۳۳۸۱۵۹/۲	۳۲٤۲۵۵/۲	-	-	
صنایع‌تولید زغال کک،پالایشگاه‌های نفت و سوخت هسته‌ای	۵۸	۳٦۱۰٦/۸	۳٦۰٤۸/۸	۱۸۸۸/٤۲۷	-۵۳۵/۸۰۹	۳٤٦۹٦/۱۸۲
صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی	٦٦۹	٦۰۹۱٦٦	٦۰۲٤۷/٦	۲۱۷۸۲/۰۳٤	-٦۱۸۰/۲۸٤	٤٤٦٤۵/۸۵۰
تولید ماشین‌آلات مولد و انتقال برق و ...	۳٤۰	۹۵۲٤	۹۱۸٤	۱۱۰۷۰/۰۹۲	-۳۱٤۰/۹۵۲	۱۲۵٤/۸٦۰
تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم تریلر	۲۷۳	٤۷۲۷۱/۵	٤٦۹۹۸/۵	۸۸۸۸/٦۳۳	-۲۵۲۲/۰۰۰	٤۰٦۳۱/۸٦۷

منبع : محاسبات تحقیق

۵ ـ خلاصه و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت توجه برنامه‌ریزان و سیاستمداران دولتی به امر رشد و توسعه‌ی آینده‌ی مناطق کشور و طرح‌ریزی استراتژی مناسب توسعه‌ای؛ و همچنین با توجه به اینکه تلاش جهت دستیابی به راه‌های جدید جهت رقابت در بازارهای رقابتی جوهره اصلی تفکر استراتژیک و استراتژی است، مقوله‌ی مزیت رقابتی مناطق مورد توجه قرار می‌گیرد. از طرفی نیز امروزه یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های یک اقتصاد سالم، برخورداری آن از تراز حساب جاری مثبت است و صادرات کالایی کشورها یکی از اصلی‌ترین راه‌های بهره‌مندی از تراز تجاری مثبت به شمار می‌آید. با توجه به اینکه در جوامع صنعتی به صادرات کالاهای صنعتی و فرآوری شده، که از ارزش افزوده بالایی نیز برخوردارند، اهمیت فراوانی داده می‌شود، پژوهش حاضر در پی بررسی مزیت رقابتی صنعت کشور ایران در امر صادرات می‌باشد. بدین منظور، مزیت رقابتی ۲۳ زیربخش صنعتی کشور در امر صادرات، طی دوره ۱۳۷٦ ـ ۱۳۸٦ با استفاده از مدل تغییر سهم مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل بیانگر آن است که به‌جز فعالیت‌های تولید توتون و تنباکو و همچنین تولیدات رادیو و تلویزیون، در سایر بخش‌ها صنعت دارای رشد صادراتی بوده است و از میان این بخش‌ها، صنایع تولید زغال کک، پالایشگاه‌های نفت و سوخت هسته‌ای، صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی، تولید ماشین‌آلات مولد و انتقال برق و صنعت تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم تریلر دارای بیشترین میزان رشد صادراتی طی دوره مرود بررسی بوده‌اند و مزیت رقابتی نیز در این فعالیت‌ها بالاتر از سایر فعالیت‌های بخش صنعت می‌باشد. از این‌رو ، در

ادامه‌ی تحقیق مزیت رقابتی این چهار صنعت در اشتغال‌زایی و ایجاد ارزش افزوده مورد بررسی واقع شد. نتایج حاکی از آن می‌باشد که به‌جز زیربخش صنایع تولید زغال کک، پالایشگاه‌های نفت و سوخت هسته‌ای، سایر بخش‌ها در اشتغال‌زایی دارای مزیت رقابتی بوده‌اند. همچنین بررسی مزیت رقابتی این چهار صنعت در امر ایجاد ارزش افزوده، بیانگر وجود مزیت رقابتی در این صنایع می‌باشد که این دلالت بر این دارد که این سرمایه گذاری در این گونه صنایع می تواند در تحقق شعار امسال(تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی) نقش بسیار اساسی ایفا نماند .

در یک برداشت کلی، با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان چنین استدلال نمود که صنعت کشور ایران در چهار زیربخش صنایع تولید زغال کک، پالایشگاه‌های نفت و سوخت هسته‌ای صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی؛ تولید ماشین‌آلات مولد و انتقال برق؛ و تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم تریلر؛ در امر صادرات، اشتغال‌زایی و همچنین ایجاد ارزش افزوده نسبت به سایر فعالیت‌های بخش صنعت کشور دارای مزیت رقابتی می‌باشند . از اینرو لازم است سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها در اولویت‌های سیاست‌گذاری دولتمردان کشور قرار گیرد .

منابع و مآخذ

۱. حسینی ، سیدشمس الدین و احسان احتیاطی(۱۳۸۵) ـ « مزیت رقابتی و اندازه‌گیری آن » مطالعه موردی متانول ایران ـ پژوهشهای اقتصادی ایران ـ ۸(۲۸) ـ ۱۶۹ ، ۱۹۳ .

۲. حسینی ، سیدمحمود و منیره پناهی (۱۳۸٦) ـ « ایجاد مزیت رقابتی در صنعت با رویکرد عوامل کلیدی موفقیت (مطالعه موردی صنعت کاشی ایران) » ـ پژوهشنامه بازرگانی ۱۲(٤٥) ـ ۱٤۷ ، ۱۷۸ .

۳. راسخی، سعید و المیرا ذبیحی لهرمی(۱۳۸۷) ـ « مزیت رقابتی در صنعت پتروشیمی ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۱ ـ ۱۳۸۵ » ـ تحقیقات اقتصادی ـ ٤۳ (۸٤) ـ ۹۳ ، ۱۱۷ .

٤. رضایی دولت آبادی ، حسین، زهرا زینلی، زهرا شکرچی زاده (۱۳۹۰) ـ « بررسی میزان تاثیر هوشمندی رقابتی درایجاد مزیت رقابتی » ـ چشم‌انداز مدیریت بازرگانی ـ ۵ (۳۸) ـ ۹ ، ۲۵.

۵. ضرابی، اصغر، مسعود تقوایی و رضا مختاری ملک آبادی (۱۳۸۸) ـ « برنامه‌ریزی کاربردی اراضی فرهنگی ـ تفریحی مناطق شهری اصفهان و نقش ICT در تعادل بخشی منطقه‌ای » جغرافیا و توسعه ـ ۱۸ ـ ۱۳۵ ، ۱۵۸ .

٦. فاریابی، محمد، رعنا تجویدی، مینا تجویدی (۱۳۹۰) ـ « بررسی رابطه بازار محوری و مزیت رقابتی در گروه صنایع تراکتورسازی ایران » ـ فراسوی مدیریت ـ ۱۷(۵) ـ ۱۳۱ ، ۱٦۰ .

۷. فرزین، محمدرضا و زهرا نادعلی‌پور (۱۳۹۰) ـ « عوامل موثر بر مزیت رقابتی مقصدهای گردشگری در ایران » ـ (مورد مطالعه: منطقه چابهار) ـ فصلنامه مطالعات گردشگری ـ ۱٤ ، ٤۱ ، ٦۷ .

۸. قره چه، منیژه و ابوالفضل ابوالفضلی (۱۳۸٦) ـ « بررسی تجزیه و تحلیل عوامل راهبردی داخلی برای کسب مزیت رقابتی » ـ مطالعه موردی ، شرکت ایران خودرو ـ پیام مدیریت ۲۵ ـ ۳۳ ، ٦۵ .

۹. قره چه، منیژه و رضا مرادی (۱۳۸۸) ـ « بررسی لگوی بهینه دستیابی به مزیت رقابتی در صادرات صنعت کفش و دمپایی » ـ چشم انداز مدیریت ـ ۳۱ ـ ۹۹ ، ۱۱۷ .

۱۰. کردنائیج، اسداله، علی اصغر رستمی و سعید دهیادگاری (۱۳۸٤) ـ « بررسی رابطه بین ابعاد مزیت رقابتی و عملکرد صادراتی شرکت‌های ایرانی صادرکننده سنگ‌های تزئینی » پژوهشنامه بازرگانی ـ ۱۰(۳۷) ـ ۱۳۳ ، ۱۵۲ .

۱۱. مهری، علی و سید حمید خداداد حسینی (۱۳۸۳) ـ « طراحی مدل مزیت رقابتی برای صنعت خودرو ایران » ـ پژوهش‌های مدیریت در ایران ـ ۲٤ ـ ۱۸۹ ، ۲۱۲ .

۱۲. مصری‌نژاد، شیرین و لیلا ترکی (۱۳۸۳) ـ « تجزیه و تحلیل ساختار اشتغال در بخش‌های عمده‌ی اقتصادی مناطق شهری ایران در طی دوره‌ی (۱۳۷۲-۱۳۸۲) » ـ (رهیافت تغییرسهم و شاخص LQ) ـ پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی ـ ۱۵(٤) ـ ۱۰۹ ، ۱۲۸ .

۱۳. مهرگان، نادر و اصغرپور حسین (۱۳۸٦) ـ « شناسایی و تعیین اقدامات اولویت‌دار برای گسترش مشاغل نوین در بخش‌های استان مرکزی » ـ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان مرکزی ـ گزارش نهایی طرح پژوهشی .

14. Bowman, C., Toms, S., (2010), Accounting for Competitive Advantage The Resource-Based View of The Firm and The Labour Theory of Value, Critical Perspectives on Accounting, 21(3), 183 -194 .

15. Iranmanesh, Hossein, Vince Thomson, (2008), Competitive advantage by adjusting design characteristics to satisfy cost targets, International Journal of Production Economics, 115(1), 64 - 71 .

16. Liang, Xiaoya, Xiongwen Lu and Lihua Wang, (2012), Outward Internationalization of Private Enterprises in China: The Effect of Competitive Advantages and Disadvantages Compared to Home Market Rivals, Journal of World Business, 47(1), 134 - 144.

17. Nordin, Fredrik, (2008), Linkages between Service Sourcing Decisions and Competitive Advantage: A Review, Propositions, and Illustrating Cases, International Journal of Production Economics, 114(1) , 40 - 55.

18. Navarro, Antonio and et. all, (2010), Implications of perceived competitive advantages, adaptation of marketing tactics and export commitment on export performance, Journal of World Business, 45 (1) 49 – 58 .

تاثیر سیاستهای پولی ، بهره وری نیروی کار و سرمایه در توسعه صادرات غیر نفتی (یک رهیافت همجمعی)

دکتر عباس امینی فرد[1] ـ سارا استدلال[2]

مقدمه

به دنبال نام گذاری سال ۹۰ با عنوان جهاد اقتصادی، سال ۱۳۹۱ نیز سال حمایت از تولید ملی نام گرفت که به نظر می رسد پیرو نام گذاری سال های قبل با عنوان هـای اصـلاح الگـوی مصرف ، جهاد اقتصادی و اجرای سیاست های طرح تحول و هدفمنـدی یارانـه هـا و... نیازمنـد توجه به تولید ملی است. اماحالا فرصتی فراهم شده کهتولید داخلی بتواند خود را در برابر کالای خارجی نشان دهد ودر شرایط تحریم بانکی ونفتی و رشد نرخ ارز، این تولید داخلـی اسـت کـه اقتصاد کشور را در شرایط تحریم و ... به پیش خواهد برد . برای دستیابی به این هدف مهم بایـد سیاستهای اقتصادی صحیح اتخاذ گردد که از آن جمله سیاستهای پولی و ارزی است کـه توسـط بانک مرکزی تعیین و تبیین می شود .

سیاست پولی مجموعه ای از تصمیمات و اقداماتی است که به وسیله مقامات پولی به منظورتحت تأثیر قرار دادن فعالیت های اقتصادی به کار گرفته می شود. این سیاست معمولاً در جهت تنظیم و کنترل تقاضای کل مطرح شده و سطح کل فعالیت های اقتصادی را به وسیله تغییر در حجم پول ، نرخ بهره و یا هر دو تحت تأثیر قرار می دهند[3].به طور کلی این سیاست می تواند سیاستگذاران رادر رسیدن به اهداف کلان اقتصادی از جمله تثبیت قیمت‌ها ، افزایش در صادرات و کاهش در واردات یاری دهند .

در زمان اعمال این سیاست ، شوک‌های غیر قابل پیش بینی ای بر سیستم های اقتصادی وارد شده و باعث شکل گیری نوسانات متغیرهای کلیدی از جمله نرخ ارز گردیده که این مسأله توجه اقتصاددانان و محققین بسیاری را به خود جلب کرده است. طبق مدل جهش بی حد نرخ ارز دورنبوش(۱۹۷۶)، چنانچه اقتصاد در معرض شوک های پولی غیر منتظره قرار گیرد، نرخ ارز در کوتاه مدت از مقدار بلند مدت خود فراتر رفته و مجدداً در بلند مدت به آن سطح باز می گردد. جهش اولیه ی نرخ ارز پدیده ای کوتاه مدت است و اصولاً از یکسان نبودن سرعت تعدیل در

---

۱ ـ دانشگاه آزاداسلامی، واحد شیراز، گروه اقتصاد، شیراز، ایران
۲ ـ دانشگاه آزاداسلامی، واحد شیراز، گروه اقتصاد، شیراز، ایران
۳ ـ ولی الله ، عزت ، (۱۳۷۶)

بازارهای کالاها و دارایی‌ها ناشی می‌شوند[1]. شوک های مختلف اقتصادی در نتیجه اعمال سیاستهای داخل و خارج، بر نرخ اسمی ارز، جریان سرمایه و ارزش پول داخل اثر می گذارند. از میان متغیرهای اقتصادی، متغیری که بیش از همه در ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با بخش خارجی اقتصاد قرار دارد و رابطه ی میان پول کشورهای مختلف را با یکدیگر نشان می دهد و تغییر و نوسانات در آن تأثیرات اقتصادی مهمی در پی دارد نرخ ارز می باشد. از آنجا که این متغیر یکی از مهمترین متغیرها در تعیین قیمت کالاهای صادراتی و وارداتی می باشد، تغییرات آن باعث تغییراتی در قیمت کالاهای صادراتی و وارداتی شده و در نتیجه حجم تجارت خارجی را تغییر می دهد[2]. همانطور که می دانیم قراردادهای کالاهای صادراتی براساس ارزش پول داخل و قراردادهای کالاهای وارداتی براساس ارزش پول خارج نوشته می شوند، بنابراین در بخش تجارت خارجی کشورهایی که به دنبالبهبود وضعیت تراز تجاری خود هستند، آگاهی از اینکه نوسانات نرخ ارز تا چه اندازه می تواند قیمت کالاهای تجاری را تحت تأثیر قرار دهد می‌تواند بسیار مفید باشد[3].

روند تغییرات نرخ ارز و نوسانات آن قیمت کالاهای داخلی و وارداتی را تحت تأثیر قرار می دهد و از این طریق تولید، تورم، تراز تجاری، صادرات و نیز ترکیب سبد های مصرفی کالا های داخل و خارج را متأثر می سازند .

مکانیزم تاثیر گذاری بهره وری بر صادرات : الگوی ملیتز (۲۰۰۳)[4]

در دهه۱۹۹۰ الگوهای مختلفی ارائه شد که براساس آن تجارت با افزایش تنوع و کیفیت نهاده‌های واسطه‌ای، انتقال و گسترش دانش، آثار یادگیری ضمن خدمت و افزایش اندازه بازارها باعث افزایش رشد اقتصادی و بهره وری می شود. الگوهای مذکور پیش‌بینی می‌کند که آزادسازی تجاری از طریق افزایش رشد بهره‌وری آثار مثبتی بر رشد اقتصادی دارد. در این الگوها نشان داده شده است که کشورهای نوظهور صنعتی درمسیررشد وتوسعه، چهارمرحله زیرراتجربه نموده اند :

۱. مرحله خودکفایی صنعتی یا جایگزینی واردات از طریق سرمایه گذاری مبتنی بر تکنولوژی نسبتاً ساده در تولید کالاهای مصرفی .
۲. مرحله توسعه صادرات محصولات کاربر که تقاضا برای آنها در بازارهای جهانی وجود داشته و بخش عمده ای از این تولیدات مرحله نخستین ولی با کیفیت بالاتر بوده است .
۳. مرحله ایجاد صنایع سنگین . صنایع شیمیایی و پتروشیمی و حرکت تدریجی از صنایع واسطه ای سرمایه بر به صنایع تکنولوژی بالا .

---

1 - Rudiger, Dornbusch
2 - Soung, kim

۳ ـ وحید، شقاقی شهری (۱۳۸۴)

4 - Melitz

۴. مرحله آزادسازی و حرکت به سمت تولیدات مبتنی بر روش های پیشرفته و ورود به عرصه رقابت گسترده صادراتی در بازارهای بین المللی .

در هریک از مراحل چهارگانه مذکور بهبود بهره‌وری مورد توجه بوده است. مندی[1] (۲۰۰۷) نشان می دهد که واردات تکنولوژی باعث می شود کشورها به سادگی بهره وری خود را افزایش دهند زیرابنگاه‌ها با به کاربردن تکنولوژی جدید میانگین بهره وری خود را افزایش داده و ممکن است رقابت بین بنگاه ها ایجاد شود که منجر به بقای کاراترین بنگاه می شود .

تجارت بین‌الملل وسیله‌ای مهم برای انتقال فناوری است. لذا گسترش تجارت، کشورهای در حال توسعه را قادر می سازد تا به بهره وری بیشتری دست یابند. تاثیر تجارت بر بهره وری از طریق دو مکانیزم می باشد. اول اینکه تماس با نمایندگان خارجی از طریق صادرات به انتقال سریعتر دانش فنی خارجی منجر خواهد شد. دوم، دسترسی بیشتر به محصولات خارجی از طریق واردات، مشابه سازی در داخل کشور را میسر می سازد. این دو مکانیسم به این معنی است که انتقال فناوری و در نتیجه افزایش بهره وری عوامل در یک بخش تا حد زیادی به حجم تجارت خارجی در داخل همان بخش بستگی دارد.همچنین این امکان وجود دارد که تجارت در یک بخش بهره وری در بخش دیگر را از طریق روابط برون داد و درون داد افزایش دهد. برای مثال واردات بیشتر نهاده های واسطه ای و تجهیزات تولیدی و صنعتی می تواند باعث افزایش دستیابی به پیشرفت و فناوری های خارجی شود که در این کالاها نمود یافته است ودر نتیجه موجب تولید محصولات نهایی گردد. اهمیت نسبی صادرات و واردات در انتقال فناوری به مکانیسم موجود بستگی دارد .

یانگ[2] (۱۹۹۱) معتقد است کشورهایی که بر اساس یادگیری حین کار و تجارت فعالیتهای تولیدی خود را انجام می دهند، در این تولیدات تخصص کسب کرده و لذا با آزادسازی تجاری نه تنها از صحنه بین المللی خارج نمی شوند بلکه با ورود نهاده های واسطه ای تولیدی کارآمدتر، بهره وری تولید آنها افزایش و به تبع آن رشد اقتصادی بیشتری خواهند داشت .

مطالعات گراسمن و هلپمن (۱۹۹۱)، ریورا ـ باتیز و رومر[3] (۱۹۹۰) بیانگر این است که تجارت خارجی چهار اثر مهم خواهد داشت. اولین اثر تسهیل در دسترسی به تکنولوژی است. اثر دیگر ایجاد صرفه های اقتصادی قابل ملاحظه ای در بخش تحقیق و توسعه است. اثر سوم افزایش سود کارآفرین و اثر آخر بی نیازی کشورها از تکرار و دوباره کاری تحقیق و توسعه می باشد. در مطالعات تجربی استدلال شده است که انتقال بین المللی فناوری به جریان بازرگانی ارتباط دارد. هرچه بخش های بیشتری ازاقتصاد درمعرض رقابت بین المللی قرارگیرند، میزان

1 - Mendi
2 - Young
3 - Rivra – Batiz and Romer

برخورداری از فناوری برتر و فشار برای اتخاذ و تطبیق فناوری به منظور حفظ قدرت رقابتی بیشتر می شود. رومر(۱۹۹۰) نشان می دهدکه انحرافات تجاری عاملی بازدارنده برای ارائه محصولات جدید، استفاده از نهادههای وارداتی و جذب تکنولوژی های جدید بوده و بدین‌ترتیب آثار مخربی بر کارآیی تولید می‌گذارد. اگر به دنبال آزادسازی تجاری رشد بهره‌وری افزایش یابد منافع حاصل ازآن ممکن است بیش ازمنافع ایستای حاصل ازکارایی درتئوری سنتی تجارت باشد.

در این تحقیق از الگوی ملیتز (۲۰۰۳) اقتباس شده است. در این الگو بنگاه ها به چهار گروه تقسیم می شوند: گروه اول که دارای بیشترین کارایی بوده و با صادراتی که انجام می دهند هم سهم بازار و هم سود بیشتری کسب می کنند. گروه دوم شامل بنگاه هایی است که کارائی پائین تری داشته و با انجام صادرات سهم بازاری خود را افزایش می دهند اما با کاهش سود مواجه می شوند. گروه سوم برخی از بنگاه های کمتر کارا را می باشد که همچنان در صنعت می‌مانند اما صادرات انجام نمی دهند و لذا هم سهم بازاری و هم سود از دست می دهند. در نهایت بنگاه های که پائین ترین کارائی را دارند از صنعت خارج می شوند .

در اینجا دوبحث اصلی وجود دارد. اول اینکه افزایش رقابت دربازار همراه باتجارت است به گونه ای که بنگاه ها با افزایش تعداد رقابت کننده مواجه می شوند به طور اخص این رقابت با بنگاه های خارجی همراه است و به طور متوسط با افزایش تولید نسبت به بنگاه های داخلی رقابت صورت می گیرد. در این مدل تمام اثر تجارت برتوزیع بنگاه ها بوسیله مکانیزم دوم از طریق بازار عوامل داخلی یعنی رقابت بنگاه ها برای نیروی کار نشان داده می شود. زمانی که ورود به بازار صادراتی هزینه بر است مواجه شدن با تجارت تنها به بنگاه های با بهره وری بالاتر که توانایی پوشش دادن هزینه ورود را داشته اند، امکان به دست آوردن گزینه های جدید سود را خواهد داد. این موضوع همچنین موجب ورود بنگاه های جدید به صنعت می شود که افزایش تقاضا برای نیروی کار به وسیله بنگاه ها با بهره وری بالاتر و اعضا جدید، دستمزد واقعی را افزایش داده و باعث خروج بنگاه های با سطح بهره وری پائین تر می شود .

ارائه الگو

در تحلیل های مالیه بین الملل عمدتا صادرات را تابعی از نرخ ارز، قیمت های داخلی و درآمد خارجیان فرض می کنند و بسیاری از پیش شرطهای نهادی، فنی و تکنولوژی را داده شده فرض می کنند. اما در کشورهای که هنوز بهره وری و رقابت پذیری نهادینه نشده است باید متغیرهای غیر قیمتی مانند بهره وری و رقابت پذیری را در کنار متغیرهای قیمتی در نظر گرفت. برای کشور کوچکی مانند ایران که صادراتش در گرو حداقل رقابت پذیری است درآمد خارجیان تاثیر چندانی بر صادرات غیرنفتی ما نخواهد داشت. از اینرو صادرات غیر نفتی (XNO) تابعی از نرخ ارز، حجم پول، بهره وری نیروی کار و سرمایه در نظر گرفته شده است. انتظار می رود که با

افزایش بهره وری (نیروی کار و سرمایه) بر اساس الگوی ملیتز بنگاه های جدید وارد بازار شده و صادرات افزایش یابد. همچنین با افزایش حجم پول از طریق اثر جهش نرخ ارز صادرات رونق یافته و نیز نرخ ارز واقعی نیز تحت تاثیر قرار دهد و در نتیجه صادرات غیر نفتی با افزایش مواجه شود .

$$XNO = f(M_2 , ER , LP , KP)$$

وارد کردن حجم پول در معادله فوق علاوه بر اینکه می تواند اثر تورمی را نشان دهد می تواند به عنوان یک متغیر سیاستی نیز مطرح شود .

شاخص بهرهوری نیروی کار از تقسیم ارزش افزوده به تعداد شاغلین حاصل می شود. در صورتی که در کشوری اطلاعات نفر ماه ، نفر روز و یا نفر ساعت کار انجام شده یا پرداخت شده شاغلین در دسترس باشد دراین صورت در مخرج کسر شاخص بهره وری نیروی کار، به جای تعداد شاغلین از این اطلاعات استفاده خواهد شد. بدیهی است که این نوع شاخص ، بهره‌وری نیروی کار را با دقت بالاتری نشان می دهد. واحد این شاخص ریال بر شاغل ، یا نفرماه ، یا نفر روز، و یا نفر ساعت می باشد. این شاخص نشان می دهد که هر شاغل در یکدوره بررسی چه میزان ارزش افزوده ایجاد کرده است .

شاخص بهرهوری سرمایه از تقسیم ارزش افزوده بر ارزش موجودی اموال سرمایه‌ای ثابت حاصل می شود. در محاسبه این شاخص برخی مواقع به جای ارزش اموال سرمایه‌ای ثابت از ارزش دارایی های ثابت یا ارزش کل دارایی ها استفاده می شود. این شاخص نشان می دهدکه به ازای یک واحد از ارزش موجودی اموال سرمایه چند واحد ارزش افزوده ایجاد میشود. واحد این شاخص نسبت می باشد .

در این تحقیق برای بررسی اثر رقابت پذیری بر صادرات غیر نفتی از شاخص نرخ ارز موثر واقعی استفاده شده است. این متغیر در تحقیقات دیگر نظیر آلوارز (۲۰۰۵)[1]، برنارد(۲۰۰۷)[2] و مجرد و رازینی استفاده شده است. البته شاخص رقابت پذیری بر اساس شاخص های دیگری مانند اندازه بازار، ثبات اقتصاد کلان و ... توسط مجمع جهانی اقتصاد محاسبه می شود که اطلاعات این شاخص در طی زمان وجود ندارد و به همین دلیل از نرخ موثر واقعی ارز استفاده شده است[3].

1 - Alvarez
2 - Bernard

۳ ـ بر اساس آخرین گزارش مجمع جهانی اقتصاد ، رتبه جهانی اقتصاد ایران بر اساس شاخص رقابت‌پذیری برای سال ۲۰۱۱ ـ ۲۰۱۰ در رتبه ۶۹ قرار گرفته است. از لحاظ مقایسه در منطقه پس از کشورهایی چون قطربارتبه ۱۷، عربستان با رتبه ۲۱، امارات با رتبه ۲۵، عمان با رتبه ۳۴، کویت با رتبه ۳۵، بحرین با رتبه ۳۷ و اردن با رتبه ۶۵ قرار دارد. بر اساس این گزارش ۱۲ رکن اصلی شامل اندازه بازار، ثبات اقتصاد کلان، بهداشت و آموزش مقدماتی، نوآوری، زیرساخت ها، نهادها، آموزش عالی و حرفه ای، پیشرفته بودن بنگاه ها، آمادگی تکنولوژیک، کارایی بازار کالا، پیشرفته بودن بازار مالی و کارایی بازار نیروی کار برای اندازه گیری رقابت پذیری مورد توجه قرار گرفته است که در مورد ایران کارایی بازار نیروی کار در رتبه ۱۳۵ از بین ۱۳۹ کشور قرار دارد.

برآورد مدل

در این مطالعه از روش برآورد هم تجمعی یوهانسن – ژوسیلیوس (که از این بعد به اختصار یوهانسن آورده شده است) استفاده شده است. در این روش پس از آزمون ساکن پذیری و تعیین وقفه بهینه، بر اساس آزمون حداکثر مقادیر ویژه و اثر، تعداد بردارهای بلندمدت برآورد و در ادامه بر اساس مدل تصحیح خطا، رابطه کوتاه مدت برآورد خواهد شد .

آزمون ساکن‌پذیری

برای بررسی متغیرها از نظر ساکن‌پذیری از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته استفاده شده است. بر اساس این آزمون تمام متغیرها پس از یکمرتبه تفاضل گیری ساکن می شوند به عبارت دیگر همگی (۱) هستند .

تعیین درجه الگوی خود رگرسیون برداری

در روش یوهانسن در ابتدا درجه الگوی خود رگرسیون برداری تعیین می شود. برای این منظور از معیار شوارتز بیزین و آکائیک استفاده شده است و کمترین مقدار این آزمون در هر درجه‌ای که رخ داد همان به عنوان درجه بهینه الگوی خود رگرسیون برداری در نظر می‌گیریم .

نتایج تعیین درجه خود رگرسیون برداری براساس آماره آکائیک و شوارتز بیزین درجه سه است زیرا مقدار حداقل آماره شوارتز بیزین و آکائیک در این درجه اتفاق افتاده است .

جدول۱ ـ نتیجه آزمون تعیین وقفه بهینه خود رگرسیون برداری

وقفه	آماره آکائیک	آماره شوارتز بیزین
۰	-۰/٤٤	-۰/۷
۱	-۸/٦	-٦/۷
۲	-۹/۹	-٦/٤
۳	-۱۲/۸	-۷/۷

تعیین تعداد بردارهای همجمعی

تعدادبردارهای‌همجمعی براساس‌آزمون‌حداکثرمقدارویژه وآزمون اثرمشخص می‌شود. نتایج حاصله در جدول ۲ آمده است و همان‌طور که مشاهده می شود براساس هم آزمون اثر و هم آزمون حداکثر مقدار ویژه می‌توان چهار بردار همجمعی برای مجموعه متغیرهای در نظر گرفت .

جدول۲ ـ نتایج حاصل از آزمون تعیین تعداد بردارهای همجمعی

فرضیه H_0	آزمون اثر		آزمون حداکثر مقدار ویژه	
	آماره محاسباتی	آماره جدول در سطح ۵٪	آماره محاسباتی	آماره جدول در سطح ۵٪
r=۰	۲۷۶/۲	۹۵/۸	۱۲۸/۳	٤۰/۱
≤r۱	۱٤۷/۸	٦۹/۸	٦۰/۱	۳۳/۹
≤r۲	۸۷/۷	٤۷/۹	۵۰/۵	۲۷/٦
≤r۳	۳۷/۲	۲۹/۸	۲۹/۹	۲۱/۱
≤r٤	۷/۳	۱۵/۵	٦/۸	۱٤/۳
≤r۵	۰/۵	۳/۸	۰/۵	۳/۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق

برآورد بردارهای همجمعی بلندمدت

در این مرحله برای مجموعه متغیرهای مدل به کمک آزمون یوهانسن چهار بردار همجمعی برآورد شده است . این بردارها به صورت نرمال شده در جدول ۳ آورده شده است .

جدول ۳ ـ بردارهای همجمعی نرمال شده به روش یوهانسن

متغیرمستقل	بردار اول	بردار دوم	بردار سوم	بردار چهارم
LKP	-۰/۳۸	۲/۳	-۰/۲۲	-۰/۰۱۱
LLP	۲/۲	۰/٤۷	۳/۵	-۰/۵۹
LM2	-۰/۵	٤/۳	۲/۳	۰/۵۸
LRER	۰/۳۹	۰/۷۹	۰/۳٤	۰/۱٤

مأخذ: یافته‌های تحقیق

انتخاب بردار مناسب

برای اینکه از بین بردارهای همجمعی مناسب‌ترین بردار انتخاب شود، از معیار بهمنی اسکویی و بروک و همچنین مجموع مجذور خطا استفاده شده است. در این روش نزدیک‌ترین بردار به متغیر مشاهده شده، بردار شماره دو می‌باشد. از طرفی میانگین مجذور خطا برای هر یک از بردارها محاسبه شده و کمترین آن مربوط به بردار دو است .

نتایج حاصل از تخمین دومین بردار همجمعی به صورت زیر می‌باشد :

$$LXNO = 10 + 2/3LKP + 0/47LLP + 4/3LM_2 + 0/79LRER$$

نتایج فوق نشان می دهد که افزایش بهره وری سرمایه بیش از بهره وری نیروی کار بر صادرات غیرنفتی اثردارد. این نتیجه درکنار تاثیر قابل توجه سیاستهای پولی حاکی ازاین است که تاثیرسیاستهای پولی ازطریق افزایش بهره وری سرمایه بیش از افزایش بهره وری نیروی کار است.

برآورد رابطه کوتاه‌مدت بین متغیرها با استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری (ECM)[1]

در صورت وجود همجمعی بین مجموعه متغیرهای اقتصادی از الگوی تصحیح خطای برداری می‌توان استفاده کرد، که نوسانات کوتاه‌مدت متغیرها را به مقادیر تعادلی بلندمدت آن‌ها ارتباط می‌دهد. نتایج حاصل از انجام آزمون تصحیح خطای برداری در جدول٤ آمده است همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌کنید ضریب تصحیح خطا برابر ۰/۲- شده است .

این ضریب نشان می‌دهد که هر سال ۰/۲ از عدم تعادل در ارزش افزوده صنعت تعدیل می‌شود ، به عبارت دیگر اگر شوکی به مدل وارد شود تقریباً به پنج سال زمان نیاز دارد تا اینکه بتواند به تعادل برسد .

جدول ۴ : نتایج تخمین به کمک الگوی تصحیح خطای برداری

متغیر مستقل	ضریب	آماره t
عرض از مبدأ	۰/۰٤٤	۰/۷٦
Dlxno(-۱)	۰/۱۷	۱/۸
Dlxno (-۲)	۰/۰۰۰٤	٤
Dkpl (-۱)	۰/۸	۱/۸
Dlkp (-۲)	۰/٤	۷/۵
Dllp (-۱)	۰/۰٦	۱/۲
Dllp (-۲)	۰/۰۷	۱/۷
Dlm2 (-۱)	۰/۹	۲/۸
Dlm2 (-۲)	۰/۲۳	۰/٦٤
Dler (-۱)	-۰/۰۷	-۲/۲
Dler (-۲)	-۰/۱٦	-۱/۸
ECM (-۱)	-۰/۲۲	-٤/۸
$\bar{R}^2$	۰/۸۵	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

1- Error Correction Model

نتیجه گیری و پیشنهادات

حمایت از کار و سرمایه با ارتقاء بهره وری همیشگی خواهد بود. توجه به این مقوله در مطالعات متعددی نشان داده شده است. ارتقاء بهره وری باعث افزایش کیفیت محصولات داخلی در بازارهای جهانی خواهد شد و از طرف دیگر هزینه تولید را کاهش می دهد. در این تحقیق پس از بررسی نحوه چگونگی اثر گذاری بهره وری بر صادرات، اثر سیاست پولی در کنار بهره وری نیروی کار و سرمایه و نرخ موثر واقعی ارز (به عنوان شاخصی از رقابت پذیری) بر صادرات غیر نفتی مورد بررسی قرار گرفته است.پس از برآورد مدل به روش یوهانسن، رابطه بلندمدت حاکی از تاثیر پذیری قابل ملاحظه سیاست پولی و بهره وری سرمایه بر صادرات غیر نفتی دارد. علت این امر ارتباط نزدیک اعطای وام و چگونگی جذب آن برای صادرکنندگان است. بطوریکه اگر سیاستهای پولی بتواند باعث احیاء و نوسازی سرمایه در بخش تولید شود آنگاه می توان انتظار داشت که صادرات غیرنفتی با جهش مواجه شود. در حال حاضر مهمترین مشکل تولیدکنندگان و صادرکنندگان ایرانی عدم دسترسی راحت به منابع پولی ارزان قیمت است که این مسئله باعث کندی و رخوت در جریان گردش نقدی آنان شده و به ناچار مجبور به تامین مالی از طریق بازارهای غیررسمی خواهند شد که این معضل باعث افزایش هزینه های مالی آنان و به دنبال آن کاهش رقابت پذیری محصولات ایرانی در بازارهای جهانی خواهد شد .

الف ـ منابع و مآخذ

۱. امینی فرد ، عباس و سارا استدلال (۱۳۸۲) ـ « ارزیابی سیاستهای تجاری و ارزی در توسعه صادرات غیرنفتی درایران با استفاده از یک رهیافت هم تجمعی و آزمون علیت » ـ نهمین سمینارتوسعه صادرات غیرنفتی ـ مهر ماه ۱۳۸۲ ، تبریز .

۲. حقیقت، جعفر (۱۳۷۹) ـ « تحلیل کارآمدی ابزارهای بانک مرکزی برای کنترل حجم پول و تورم » ـ مجموعه مقالات دهمین کنفرانس سالانه سیاست‌های پولی و ارزی ـ تهران ـ بانک مرکزی ج. ا. ا . ـ مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی. صص ۲۵۵ ـ ۲۱۳ .

۳. شفاقی شهری، وحید (۱۳۸٤) ـ « بررسی متغیرهای کلان اقتصادی مؤثر بر کسری حساب جاری ایران » ـ جستارهای اقتصادی ـ شماره۳ ـ صفحه ۱٤۳ ـ ۱۷۵ .

٤. عرب، ولی ا... (۱۳۷٦) ـ « توانایی سیاست‌های پولی و مالی در شرایط وجود تنگناهای ساختاری در ایران۷۰ ـ ۱۳٤۰ » ـ پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی سیستمهای اقتصادی دانشگاه شیراز .

۵. قطمیری، محمد علی، عباس، امینی فرد (۱۳۸۱) ـ « بررسی تاثیریکسان سازی نرخ ارز بر صادرات غیر نفتی در ایران با استفاده از تابع واکنش ضربه‌ای تعمیم یافته » ـ هشتمین سمینار توسعه صادرات غیرنفتی ـ مهر ماه ۱۳۸۱ ـ تبریز .

٦. مجتهد، احمد (۱۳۷۹) ـ « سیاست‌های پولی و ارزی مطلوب جهت مقابله با تورم و بیکاری در ایران » ـ مجموعه مقالات دهمین کنفرانس سالانه سیاست‌های پولی و ارزی ـ تهران بانک مرکزی ج. ا. ا. ـ مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی ـ صص ٤۲۲ ـ ٤۱۳ .

۷. مجرد، محمد جعفر و ابراهیم علی رازینی (۱۳۸٦) ـ « رقابت پذیری مبتنی بر نرخ ارز موثر واقعی در ایران » ـ پژوهشنامه اقتصادی ـ شماره ۷ ـ صفحه ۱۷۹ ـ ۱۳۱ .

۸. ولی‌زاده زنوز ، پروین (۱۳۸۸) ـ « بهره‌وری نیروی کار ، سرمایه و عوامل تولید » مجموعه پژوهش‌های اقتصادی ـ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران .

۹. هادیان ،ابراهیم و مرتضی خورسندی (۱۳۸۷) ـ « شناسایی منابع نوسان نرخ حقیقی ارز در ایران » ـ پژوهشهای اقتصادی ایران ـ شماره ۳۵ ـ صفحه ۳۱ ـ ۵۰ .

۱۰. یاوری، کاظم (۱۳۷۹) ـ « معیارهای انتخاب نظام ارزی مناسب با شرایط اقتصاد ایران رقابت تورم » ـ مجموعه مقالات دهمین کنفرانس سالانه سیاست‌های پولی و ارزی ـ تهران بانک مرکزی ج. ا. ا. ـ مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی ـ صص۲۸۶ ـ ۲۵۷ .

11. Alvarez, Roberto, and Ricardo A. Lpez, (2005) "Exporting and Performance: Evidence from Chilean Plants" Canadian Journal of Economics, vol.38, no.4, pp.1384-1400.
12. Aw, Bee Yan, Sukkyun Chung and Mark J. Roberst.(2000). "Productivity and turnover in the export market: micro-level evidence from the republic of Korea and Taiwan (China)." World Bank Economic Review. Vol.14, no.1, pp:65–90.
13. Bernard, Andrew B., and J. Bradford Jensen, (2007) "Firm Structure, Multinationals, and Manufacturing Plant Deaths" Review of Economics and Statistics, vol.89, no.1, pp: 1-11
14. Bernard, A.B., Eaton, J., Jensen J.B., Kortum, s., (2007) "Comparative Advantage and Heterogeneous Firms" Review of Economic Studies, Vol.74, No.1, PP: 31–66
15. Dornbusch, R. (1976)."Expectations and Exchange Rate Dynamics". Journal of Political Economy.Vol.84, No. 6, Pp:1161-1176.
16. Edwards,S. (1998). "Openness, Productivity and Growth: What Do We Really Know?", The Economic Journal , vol. 108 , PP: 383-398
17. Fernandes, Ana M (2007). "Trade policy, trade volumes and plant level productivity in Colombian Manufacturing industries", Journal of international Economics, vol.71, PP.52-71
18. Ferreira,P and J.Rossi. (2003)." New Evidence from Brazil on Trade Liberalization and Productivity Growth", International Economic Review,Vol.44, No. 4 , PP.1383-1405 .
19. Gene M. Grossman and Elhanan Helpman (1991). "Comparative Advantage and Long-Run Growth",NBER Working Papers 2809, National Bureau of Economic Research, Inc .
20. Gene M. Grossman and Elhanan Helpman (2004)."A Protectionist Bias in Majoritarian Politics", NBER Working Papers 11014, National Bureau of Economic Research.Inc
21. Helpman, Elhanan. (1990). "The Noncompetitive Theory of International Trade and Trade Policy."In World Bank, Proceedings of

the World Bank Annual Conference on Development Economics, 1989.Washington, D.C.

22. Kim, E. (2000). "Trade liberalization, and productivity growth in Korean manufacturing industries", Journal of Development Economics, vol.62, PP.55-83 .
23. Mendi, P (2007), "Trade in disembodied technology and total factor productivity in OECD countries", Research Policy, Vol.36, PP: 121-133
24. Melitz, M. (2003). "The Impact of trade on intra-industry reallocations and aggregate industry productivity", Econometrica, vol.71, PP. 1695 – 1725 .
25. Rivera-Batiz, L., Romer, P., (1991b). "International trade with endogenous technological change", European Economic Review vol.35, 715–721.
26. Romer, C. D., D.H. Romer. (1994)."Monetary Policy Matters".Journal of Monetary Economics. Vol. 34, Iss.1, Pp: 75-88.
27. Yeaple, S. R. (2005). "A simple model of firm heterogeneity, international trade, and wages" Journal of International Economics. Vol(65), PP: 1–20.
28. Young, A., (1991). "Learning by doing and the dynamic effects of international trade." The Quarterly Journal of Economics, Vol,106, PP: 369 – 405.

بررسی تأثیر حمایت از تولید ملی و اشتغال در توسعه‌ی صادرات غیرنفتی با استفاده از تحلیل هم‌جمعی ـ مطالعه موردی ایران

دکتر محمدمهدی برقی اسگویی[1] ـ اتابک شهباززاده خیاوی[2]

مقدمه

توسعه صادرات معرف گرایش به آزادی در تجارت بین‌الملل است. این سیاست نشان می‌دهد یک ملت تا چه حدود متوجه بازار خارجی و تابع نیازهای آن است. سیاست توسعه صادرات باعث تقویت تجارت آزاد می‌شود، تجارت خارجی آزاد نیز باعث هدایت تولید و تخصیص منابع در جهتی می‌شود که بنا به نظر اقتصاددانان کلاسیک، کشور در آن جهت نسبت به دنیای خارج دارای مزیت نسبی است. تخصیص منابع در کارآمدترین رشته‌های تولید باعث چنان افزایشی در تولید داخلی و درآمدهای صادراتی می‌گردد که گویا جز از راه تجارت خارجی تأمین آن‌ها امکان پذیر نیست .

امروزه نقش صادرات بیش از آن که از جنبه ارز آوری برای کشور مهم باشد، از جنبه اشتغال، افزایش سطح تولید ملی، رشد اقتصادی و ...مهم می‌باشد. از طرفی برای صادرات بایستی تولیدی مازاد بر مصرف داخلی داشت و این امر مستلزم تولید بیشتر است. در کشورهای کمتر توسعه یافته که از لحاظ سرمایه‌گذاری کمبود آن احساس می‌شود و یا روند سرمایه‌گذاری به کندی صورت می‌گیرد لزوم سرمایه‌گذاری دولت در بخش‌های زیر ساختی اقتصاد کشور برای جذب سایر سرمایه‌گذاری‌ها در جهت افزایش تولید ملی دیده می‌شود که این امر منجر به فراهم آمدن زمینه برای تولید بیشتر می‌شود و به دنبال آن تولید بیشتر منجر به صادرات بیشتر می‌شود .

هدف این تحقیق بررسی عوامل مؤثر بر توسعه‌ی صادرات غیر نفتی با تأکید بر تولید ملی اشتغال، تورم و تسهیلات بانکی در ایران است. بررسی و شناخت تأثیر یک سیاست تجاری مستلزم شناخت تأثیر این سیاست همراه با دیگر عوامل است تا با شناخت جهت تأثیر آن‌ها بر روند صادرات غیر نفتی سعی در تقویت عوامل مثبت و تضعیف عوامل منفی به عمل آید. لذا این تحقیق با استفاده از روش هم‌انباشتگی جوهانسون ـ جوسلیوس و آمار سری زمانی سال‌های (۱۳۹۰ ـ ۱۳۵۹) سعی در رسیدن به اهداف مذکور را دارد .

---

۱ ـ استادیار گروه اقتصاد دانشگاه تبریز
۲ ـ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه تبریز

این مقاله در چهار قسمت سازماندهی گردیده است به طوری که در قسمت اول روند صادرات غیرنفتی کشور در سه دههٔ گذشته مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش دوم مروری بر مطالعات تجربی دارد. بخش سوم، شامل برآورد الگوست و بخش آخر به جمع‌بندی و پیشنهادات اختصاص می‌یابد.

۱ ـ روند صادرات غیر نفتی در سیاست‌های تجاری کشور طی سه دههٔ گذشته

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست‌های بازرگانی خارجی کشور با تأکید بر کاهش اتکا به دنیای خارج و با هدف صرفه‌جویی در منابع محدود ارزی و تأمین نیازهای جنگ تحمیلی در قالب تجدید واردات و الزام پیمان سپاری در بخش صادرات غیر نفتی اعمال شد. طی سالهای ۵۹ ـ ۱۳۵٦ ارزش صادرات غیر نفتی به طور متوسط سالانه ۳/۲ درصد افزایش داشت.در سال ۱۳٦۰ میزان صادرات غیرنفتی نسبت به سال قبل ٤۷ درصد و در سال ۱۳٦۱ نسبت به سال ۱۳٦۰ حدود ۱٦ درصد کاهش یافت. به این ترتیب، علی رغم اقدامات دولت در جهت تشویق صادرات غیرنفتی، از جمله افزایش مهلت واریز پیمان ارزی با نرخ ترجیهی جهت صدور کالا روند صادرات غیرنفتی کشور سیر نزولی پیدا کرد.

در سال ۱۳٦۲ اقدامات تشویقی جدیدی جهت افزایش صادرات غیر نفتی کشور صورت گرفت، از جمله اینکه از تاریخ هجدهم خرداد ۱۳٦۲مقرر گردید صادرکنندگانی که در بانک‌ها دارای حساب ارزی هستند در صورتی که پیمان‌نامه ارزی واریز شده در بانک نداشته باشند، مجاز خواهند بود که موجودی ارزی حساب خود را در بانک فروخته و اعلامیه خرید ارز را قبل از صادرات، جهت صدور کالای مجاز دریافت نمایند. در نتیجهٔ این سیاست، صادرات غیرنفتی بر خلاف روند نزولی سال گذشته، در سال ۱۳٦۲ حدود ۲۵/۷ درصد افزایش پیدا کرد. در سال ۱۳٦۳ از طرف دولت اقدامات جدیدی از جمله برقراری جایزه ریالی جهت تشویق صادرات صورت گرفت و در نتیجه باز هم صادرات غیرنفتی ۱/۲ درصد افزایش یافت.

در سال ۱۳٦٤ حدود ٤۵۹ هزار تن کالا به ارزش ٤٦۵ میلیون دلار از کشور صادر گردید که از نظر وزنی و از نظر ارزش به ترتیب ۷۰/٦ درصد و ۲۹ درصد نسبت به سال ۱۳٦۳ افزایش نشان می‌داد. تداوم سیاست‌های تشویقی دولت جهت گسترش صادرات غیرنفتی که از سال‌های قبل آغاز گردیده بود، از جمله معافیت برخی کالاهای صادراتی از سپردن تمام یا بخشی از پیمان ارزی و اعطای تخفیف‌های ارزی به صادرکنندگان، عملاً موجبات افزایش صادرات را طی این سال‌ها فراهم آورد. لذا در سال ۱۳٦۵ میزان صادرات غیرنفتی در مقایسه با صادرات آن در سال ۱۳٦٤، از نظر وزنی ٤۲/۵ درصد و از لحاظ ارزش ۹٦ درصد افزایش داشت.

در سال ۱۳٦٦ نیز ارزش صادرات با ۲٦/۸ درصد افزایش نسبت به سال ۱۳٦۵، به یک میلیارد و ۱٦۱ میلیون دلار بالغ گردید. در این سال، دولت با محدود کردن لیست کالاهای قابل ورود به ارز صادراتی و کنترل توزیع و قیمت‌گذاری آن‌ها در نتیجه سقوط قیمت واریز نامه در بازار آزاد، بانک‌های را مجاز کرد که هر دلار واریز نامه (صادراتی) را ۳۵۰ ریال علاوه بر نرخ رسمی خریداری نماید. در سال ۱۳٦۷ میزان صادرات غیرنفتی ۸ درصد افزایش یافت، اما ارزش صادرات غیرنفتی به میزان ۱۰/۷ کاهش یافت. این امر به دلیل آن بود که در سال ۱۳٦۷ علیرغم ادامه سیاست‌های تشویقی برای توسعه صادرات غیرنفتی، به دلیل تنزیل نرخ واریز نامه (ارز صادراتی) که به دنبال اجرای سیاست جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمت آن از اواسط سال ۱۳٦٦ اتخاذ شده بود و نیز به واسطه‌ی نوسانات شدید نرخ ارز بازار آزاد بعد از پذیرش قطنامه‌ی ۵۹۸ و انتظارات جدید در مورد سیاست‌های بازرگانی خارجی، عملاً صادرات برخی از اقلام مهم صادراتی، نظیر فرش، تنزل یافت و در نهایت موجب کاهش ارزش صادرات غیرنفتی در سال مذکور گردید.

در سال ۱۳٦۸ همزمان با پایان جنگ تحمیلی و آغاز برنامه پنج ساله اول و پیگیری تعدیل اقتصادی، تحولات عمده‌ای در سیاست ارزی و بازرگانی کشور جهت آزاد سازی تجارت خارجی به وقوع پیوست که از جمله می‌توان به این موارد اشاره نمود :

۱) حذف تدریجی محدودیت در واردات بسیاری از کالاهای سرمایه‌ای ؛

۲) ایجاد صندوق پشتیبانی ارزی صادرات غیرنفتی ؛

۳) اعلام آزادی ورود برخی اقلام مهم بدون انتقال ارز ؛

با توجه به تحولات عمده در سیاست ارزی و بازرگانی کشور، صادرات غیرنفتی در سال ۱۳٦۸ نسبت به سال پیش، از نظر وزنی حدود ۱۸/۹ درصد و از نظر ارزش حدود ۰/۸ درصد افزایش یافت.

این بخش از صادرات در سال ۱۳٦۹ به میزان ۱۲٤۱ هزار تن و به ارزش یک میلیارد ۳۱۲ میلیون دلار بوده که از نظر وزنی حدود ۱٤ درصد کاهش نشان می‌دهد. در سال ۱۳۷۰ صادرات غیرنفتی ، هم از لحاظ وزن و هم از لحاظ ارزش نسبت به سال قبل، از رشد بالایی برخوردار بوده و ارزش صادرات آن تقریبا ۲ برابر بیشتر از صادرات سال قبل می‌باشد. در این سال، معافیت اقلام صادراتی از سپردن پیمان ارزی و ایجاد تسهیل در امر صدور، سبب شده است که صادرات غیرنفتی به رشد چشمگیری دست یابد.

در سال ۱۳۷۱ سیاست ارزی و بازرگانی خارجی کشور به هدف تصحیح نرخ ارز و تخصیص بهینه‌ی منابع ارزی و دستیابی به نرخ ارز تعادلی و آزاد سازی تجارت خارجی در چارچوب سیاست تعدیل اقتصادی همچنان ادامه یافت و با افزایش تعداد کالاهای قابل ورود با

ارز شناور و محدود شدن لیست کالاهای قابل ورود به نرخ‌های رسمی و رقابتی، زمینه‌ی لازم برای یکسان شدن نرخ ارز بیش از پیش مهیا گردید. همزمان با اقدامات مذکور گام‌های مهم دیگری نیز در زمینه‌ی آزاد سازی تدریجی تجارت خارجی و اصلاح روش‌ها و بهبود مقررات موجود در بخش تجارت خارجی و تشویق هرچه بیشتر صادرات غیرنفتی برداشته شد .

از اوایل ۱۳۷۱ در راستای سیاست‌های تشویق و توسعه صادرات غیرنفتی و به منظور ایجاد تسهیلات بیشتر برای صادرکنندگان، سیاست واردات در مقابل صادرات مورد توجه بیشتری قرار گرفت اتخاذ تصمیمات فوق به همراه ادامه سیاست خرید ارز حاصل از صادرات غیرنفتی به نرخ شناور و فروش ارز به نرخ مذکور به صادرکنندگان جهت ابطال پیمان ارزی آن‌ها توسط سیستم بانکی موجب شد تا روند صعودی صادرات غیرنفتی همچنان ادامه یابد، به‌طوری‌که ارزش صادرات غیرنفتی کشور در این سال، رشدی معادل ۱۲/۸درصد داشت .

از ابتدای سال ۱۳۷۲ با اعمال سیاست یکسان سازی نرخ ارز و اعلام نظام ارزی شناور هدایت شده و همچنین اعلام نرخ شناور به عنوان نرخ رسمی ارز، تحولات عمده‌ای در بخش بازرگانی خارجی کشور به وقوع پیوست و ارزش صادرات غیرنفتی ۲۵/٤ درصد افزایش یافت . در سال ۱۳۷۳ بخش خارجی اقتصاد با حل و فصل بدهی‌های سررسید و معوقه و بهبود موقعیت اعتبار خارجی کشور از یکسو و با تضعیف مداوم دلار در بازارهای بین‌المللی از سوی دیگر مواجه شد. در این سال با برقراری مجدد کنترل‌های ارزی، امکان ایجاد مازاد تجاری و پرداخت بخشی از بدهی‌های خارجی و نیز جلوگیری از نوسانات شدیدتر ارز در بازار آزاد فراهم شد. در زمینه صادرات، در نیمه اول سال ضمن سلب امتیاز واگذاری حق واردات در مقابل صادرات به دیگر اشخاص، واردات توسط خود صادرکننده نیز منوط به معرفی ارز به سیستم بانکی شد و در نهایت سیاست لزوم بازگرداندن ۵۰ درصد ارز صادراتی به اجرا گذارده شد. ترکیب صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۷۳ نشان می‌دهد که ارزش صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی رشدی معادل ۲۹/۵ درصد داشته که عملا ناشی از رشد صادرات فرش می‌باشد .

در سال ۱۳۷٤ صادرات غیرنفتی به شدت کاهش یافت. از علل عمده‌ی کاهش ارزش صادرات غیرنفتی در این سال برقراری پیمان ارزی معادل ۱۰۰ درصد ارزش کالای صادراتی بود. پیمان ارزی که اواخر سال۱۳۷۳ معادل۵۰ درصد ارزش کالای صادراتی تعیین شده بود، در اردیبهشت ماه ۱۳۷٤ به ۱۰۰ درصد افزایش یافت. ضمناً صادرکنندگان ملزم به فروش ارز حاصل از صادرات به بانک‌ها به نرخ صادراتی گردیدند .

به‌طور کلی، سیاست‌های محدود کننده‌ی ارزی که از ابتدای سال ۱۳۷٤ به مورد اجرا گذاشته شد ، از قبیل اخذ پیمان ارزی و الزام صادرکنندگان به برگرداندن ارز حاصل از صادرات به سیستم بانکی و همچنین تثبیت نرخ خرید ارز صادراتی به میزان هر دلار معادل ۳۰۰۰ ریال. در

کاهش ارزش صادرات غیرنفتی در این سال نقش تعیین کننده‌ای داشته است. اما نرخ تورم شدید سال ۷٤ و نوسانات شدید نرخ ارز در بازارهای غیر رسمی و فاصله قابل توجه آن با نرخ ارز شناور به همراه افزایش بی‌رویه سطح عمومی قیمت‌ها باعث شد سیاست‌های ارزی و تجاری تثبیتی و کنترلی به عنوان جایگزین سیاست تعدیل مورد توجه قرار گیرد که با اعمال کنترل نرخ ارز در اردیبهشت ۷٤ تکمیل شد. همچنین پیمان سپاری ارزی و الزام صادرکنندگان به واریز ۱۰۰ درصد ارز حاصل به سیستم بانکی، سلب امتیاز واردات در مقابل صادرات و ... به مرحله اجرا درآمد. مجموعه این سیاست‌ها که بنابر ضرورت موجود و بر خلاف خط مشی برنامه اجرا شد موجب گردید تا ارزش کالاهای صادراتی با یک روند نزولی تا سال ۱۳۷٦ مواجه شود .

در سال ۱۳۷۵ به منظور حمایت از صادرات غیرنفتی، اقدامات نظیر افزایش مهلت ایفای تعهدات ارزی صادرکنندگان به بانک‌ها، اعطای مجوز ورود کالا از محل ارز حاصل از صادرات غیرنفتی و پرداخت جوایز ریالی صورت گرفت که موجب کندی روند نزولی صادرات غیرنفتی در کل و افزایش سریع صادرات محصولات صنعتی گردید، به طوری که به دنبال صادرات غیرنفتی، ۳ میلیارد و ۱۰٦ میلیون دلار ارز وارد کشور شد .

در سال ۱۳۷٦ بروز مشکلات خاص در زمینه صادرات برخی از اقلام صادراتی کشور، در کاهش ارزش صادرات غیرنفتی نقش مهمی داشته و لازم به توضیح است که علاوه بر مسائل سیاسی ـ اقتصادی فراروی ایران در بازارهای جهانی، بحران پولی کشورهای جنوب شرقی آسیا و کاهش ارزش پول این گروه از کشورها و کاهش بهای اغلب محصولات صادراتی آن‌ها موجب تعدیلات قیمتی در سایر بازارها شده و این تحولات طبعاً بر قیمت محصولات صادراتی ایران و قدرت رقابت آنها نیز مؤثر بوده است. از ابتدای مرداد ماه سال ۱۳۷٦ امکان انتقال مجوز واردات در مقابل صادرات (واریز نامه) به شخص ثالث از طریق بورس اوراق بهادار فراهم گردید . علاوه بر آن ، مهلت واریز پیمان ارزی برای صادرات کلیه کالاها به ۸ ماه افزایش یافت و مجوز ورود کالا برای صادرکنندگان فرش ۱۰۰ درصد و برای صادرکنندگان سایر کالاها ۵۰ درصد تعیین گردید .

در سال ۱۳۷۷ سیاست‌های ارزی و بازرگانی در جهت تشویق و گسترش صادرات غیرنفتی اتخاذ گردید. در این سال، سیاست‌های اعتباری سیستم بانکی در جهت تأمین مالی صادرکنندگان با استفاده از نرخ‌های سود ترجیحی ادامه یافت. همچنین تسهیلات مختلفی به منظور افزایش اختیارات صادرکنندگان در مدیریت منابع ارزی ناشی از صادرات در نظر گرفته شد. در سال مورد بررسی به منظور کاهش وابستگی اقتصاد به دلار، استفاده از یورو در مبادلات خارجی ، ایجاد صادرکنندگان به انتقال ۱۰۰ درصد صادراتی به صورت معامله واریزنامه در بورس یا ورود کالا مجاز گردیدند و صدور کالا از طریق گشایش اعتبار اسنادی معتبر، همچنین

خروج کالا برای عرضه در نمایشگاه‌های خارج، از سپردن پیمان ارزی معاف شدند. مجموعه این عوامل موجب افزایش ٦٦/٤ درصدی در مقدار و ٤/٨ درصدی در ارزش این بخش صادراتی شد. در سال ۱۳۷۸ نرخ پیمان سپاری برخی از کالاها کاهش یافت و به تدریج روند صادرات غیرنفتی کشور رشد فزاینده‌ای به خود گرفت. طی سال‌های ۸۳-۱۳۸۲ صادرات غیرنفتی کشور از مرز ٦ میلیارد دلار گذشت و در سال ۸٤ نیز رقمی معادل ۱۰ میلیارد و ٤٧٤ میلیون دلار را تجربه کرد. سیاست‌های ارزی و تجاری سال‌های گذشته در راستای مقررات‌زدایی و تشویق و تسهیل مبادلات خارجی در سال ۱۳۸۵ نیز دنبال شد. برآیند تحولات اقتصادی و رشد و توسعه طبیعی اقتصاد کشور توام با شرایط مساعد بازار جهانی اغلب کالاهای صادراتی کشور، موجب شد روند رو به رشد تجارت خارجی در سال ۱۳۸۵ نیز تداوم یابد. براساس صادرات غیرنفتی از گمرکات کشور در سال ۱۳۸۵، میزان صادرات غیر نفتی نسبت به سال گذشته از رشدی معادل ٢٤/١ درصد برخوردار بود و برای نخستین بار از پیش‌بینی برنامه چهارم فراتر رفت و این روند افزایشی در سال ۱۳۸٦ نیز ادامه یافت[1].

۲ ـ مروری بر مطالعات تجربی

در بررسی پیشینه‌ی تحقیق، در رابطه با تأثیر متغیرهای تولید ملی، نرخ بیکاری، تورم و تسهیلات بانکی بر صادرات غیرنفتی، با مطالعاتی در این زمینه مواجه می‌شویم که این مطالعات از نظر مفاهیم تئوریک، تعریف داده‌ها و دوره زمانی متفاوت هستند. نکته قابل توجه این است که بیشتر مطالعات از مقادیر حقیقی به جای مقادیر اسمی استفاده کرده‌اند. بنابراین، می‌توان در این زمینه به مطالعات زیر اشاره نمود :

اسپنسر و همکاران[2] (۱۹۸۸)، بیان می‌کنند که بنیان‌گذاران سیاست استراتژیک تجاری در اوایل دهه ۱۹۸۰ تدوین استراتژی تجاری را طی دو مرحله انتخاب صنایع راهبردی و هدف‌گذاری صنایع انتخاب شده از طریق ابزارهای سیاست استراتژیک تجاری و صنعتی امکان‌پذیر دانسته‌اند. به نظر ایشان مهم‌ترین عامل انتخاب صنایع راهبردی در کشورهای در حال توسعه سودآوری است. یعنی صنایعی که دارای سودآوری بیشتری می‌باشند از الویت بالاتری برخوردار خواهند شد و حمایت از آن‌ها انگیزه تولید و صادرات را تقویت می‌کند و تولید و صادرات پایدارتری را همراه خواهند داشت.

---

۱ ـ اطلاعات و امار این قسمت برگرفته از داده‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و آمارنامه بازرگانی خارجی گمرک طی سال‌های مختلف بوده و روند و درصد تغییرات ارائه شده در آن براساس محاسبات تحقیق می‌باشد

2 - Espencer et al

شرما[1] (۲۰۰۳) ، در مقاله‌ای به بررسی عوامل تعیین کننده‌ی صادرات هند پرداخته است. این مقاله با استفاده از آمار سالیانه طی دوره‌ی زمانی (۱۹۸۰ ـ ۱۹۷۰) و با استفاده از سیستم معادلات همزمان انجام شده است. نتایج مطالعه وی نشان داده است. که افزایش قیمت به طور معکوس بر عملکرد صادرات هند تأثیر می‌گذارد .

سی یوم[2] (۲۰۰۶) ، در مقاله‌ای به بررسی عملکرد تجاری آمریکا و عملکرد صادرات کشورهای توسعه یافته با استفاده از داده‌های تابلویی ۱۲۰ کشور توسعه یافته طی سال‌های (۱۹۹۰ ـ ۱۹۶۵) پرداخته است . نویسنده به این نتیجه می‌رسد که عملکرد کلی صادرات آمریکا تأثیر معنی‌دار و مثبتی بر صادرات بخش‌های ذینفع و گروه‌های تولیدی در آمریکا دارد. از طرفی ضرورت شناخت ارتباط بین دریافت اعتبارات بانکی می‌تواند به افزایش عملکرد صادراتی آمریکا کمک کند ، زیرا این موضوع می‌تواند تأثیر به سزایی بر صادرات داشته باشد .

نور و همکاران[3] (۲۰۰۷) در مقاله‌ای به تخمین تابع تقاضای صادرات بنگلادش با استفاده از داده‌های سری زمانی سال‌های (۲۰۰٤ ـ ۱۹۷۳) پرداخته‌اند. نویسندگان با استفاده از آزمون هم‌جمعی انگل و گرنجر به یک رابطه‌ی تعادلی بلندمدت بین بنگلادش و هریک از ۵ کشور عمده تجاری می‌رسند و این گونه بیان می‌کنند که کشش درآمدی صادرات برای کشورهای فرانسه آلمان و ایالات متحده، مثبت و با کشش بوده و برای کشورهای انگلستان و بلژیک مثبت اما بی‌کشش بوده است. کشش قیمتی صادرات نیز برای هر ۵ کشور به جز فرانسه منفی بوده است .

اختر حسین[4] (۲۰۰۸)، با بهره‌گیری از اطلاعات سالیانه ۱۹٦۳ تا ۲۰۰۵ به بررسی تابع تقاضای صادرات اندونزی پرداخت و از متغیرهای ارزش صادرات، سطح درآمد جهانی و نسبت قیمت‌ها (نسبت شاخص قیمت صادراتی در اندونزی نسبت به سطح قیمت صادراتی در آسیا) به صورت لگاریتمی بهره جست، وی با استفاده از روش هم‌انباشتگی جوهانسون ـ جوسلیوس و همچنین روش ARDL وجود رابطه‌ی بلندمدت را در میان متغیرها اثبات نمود. برطبق یافته محقق، درآمد جهانی تأثیر مثبت و نسبت قیمت‌ها تأثیر منفی بر صادرات اندونزی گذاشته است .

نعمتی‌زاده و تقوی (۱۳۸۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان « اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر صادرات غیرنفتی در اقتصاد ایران » ، اثر متغیرهایی مانند نرخ ارز، تورم و تولید ناخالص داخلی را بر صادرات غیرنفتی بررسی کردند. دوره‌ی زمانی مورد مطالعه آنها ۸۰ ـ ۱۳۵۰ بود و از مدل VAR و OLS برای برآورد معادلات استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از این است که تولید ناخالص داخلی و نرخ ارز، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر صادرات دارند ؛ در حالی که تأثیر تورم بر صادرات غیرنفتی بی معنی است .

1 - Sharma
2 - Seyuom
3 - Nur et al.
4 - Akhtar Hossein

۳ ـ مدل اقتصادسنجی و روش‌شناسی تحقیق

با توجه به اینکه هدف از مطالعه‌ی حاضر بررسی تأثیر حمایت از تولید ملی و اشتغال بر صادرات غیر نفتی در ایران طی سال‌های ۱۳۹۰ ـ ۱۳۵۹ می‌باشد ، بنابراین با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی ، شبیه سازی تابع صادرات غیرنفتی تخمین زده می‌شود. برای بررسی اثرات سایر متغیرهای کلان اقتصادی بر صادرات غیرنفتی الگوی زیر تبین گردیده است :

$$RX = F(NI, LP, LB, NE) \quad (۱)$$

$$LnRX_t = \alpha_0 + \alpha_1 lnNI_t + \alpha_2 lnLP_t + \alpha_3 lnB_t + \alpha_4 lnU_t + \varepsilon_{it} \quad (۲)$$

که در آن :

LRX : لگاریتم صادرات واقعی غیرنفتی (میلیون دلار)

LNI : لگاریتم تولید ملی (میلیون دلار)

LP : لگاریتم نرخ تورم

LB : لگاریتم تسهیلات بانکی (میلیارد ریال)

LU : لگاریتم نرخ بیکاری

ε : جملهٔ اختلال تصادفی

در این مقاله ابتدا به معرفی داده‌های تحقیق و ویژگی آن‌ها (از نظر مانایی یا نامانایی) می‌پردازیم و سپس با استفاده از روش هم‌انباشتگی جوهانسون ـ جوسلیوس (۱۹۸۹)، وجود و یا عدم وجود روابط بلندمدت بین متغیرهای مدل بررسی می‌شود. لازم به ذکر است که دراین راستا از نرم افزار اقتصادسنجی Stata11 استفاده شده است .

در مطالعه حاضر، داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده، از سایت بانک مرکزی استخراج شده است . همه‌ی این متغیرها به صورت لگاریتمی در مدل مورد استفاده قرار گرفته‌اند. برای تعیین و تبیین روابط بلندمدت بین چند متغیر، روش‌های متعددی مطرح شده است. روش انگل ـ گرنجر.روش خودرگرسیونی باوقفه‌های گسترده ویاروش معروف جوهانسون ـ جوسلیوس نمونه‌هایی از این روش هاست. ترتیبی که بیان شده است به صورت زمان بندی شده و تاریخی است . بدین معنی که ابتدا روش انگل- گرنجر مطرح شد ولی بدلیل در نظر نگرفتن واکنش‌های پویای کوتاه‌مدت موجود بین متغیرها، این روش اعتبار لازم را نداشت، چرا که برآوردهای حاصل از آن بدون تورش نبود و در نتیجه، انجام آزمون فرضیه با استفاده از آماره‌های آزمون معمول بی‌اعتبار خواهد بود. به همین دلیل استفاده از الگوهائی که پویایی‌های کوتاه‌مدت را در خود داشته باشند ومنجر به برآورد ضرایب دقیق‌تر از الگو شوند ، مورد توجه قرار می‌گیرند. مدل و

الگوی اتو رگرسیون با وقفه گسترده، مدلی بود که معرفی شده و با محاسبه رابطه بلندمدت و واکنش‌های کوتاه مدت به طور مکرر در مقالات علمی مورد استفاده قرار گرفته است. اما ممکن است بین چند متغیر سری زمانی بیش از یک بردار هم‌انباشتگی بلندمدت وجود داشته باشد که در آن صورت ، روش‌هایی مثل انگل ـ گرنجر و ARDL نمی‌توانند بدون هیچ پیش فرضی از جانب تحلیل‌گر، این بردارها را تعیین کنند. جوهانسون و جوسلیوس با فرموله کردن روشی برای هم‌انباشتگی برداری که در تعیین بردار هم‌انباشتگی از طریق حداکثر راستنمایی انجام می‌گیرد توانستند نقایص روش‌های فوق را حل کنند و آزمونی را برای تعیین تعداد بردارهای بلندمدت و هم‌چنین از طریق آن، تعیین واکنش‌های کوتاه مدت معرفی کنند .

در این مقاله از روش سوم برای تعیین وجود یا عدم وجود رابطه بلندمدت بین سه متغیر مهم و تأثیرگذار بر اقتصاد بین الملل استفاده خواهیم کرد. در صورت تأیید وجود رابطه بلندمدت ضمن تبین آن رابطه به استخراج معادله تصحیح خطای برداری حاصل از این رابطه بلندمدت می‌پردازیم .

۳ ـ ۱ ـ آزمون ریشه واحد و تعیین مرتبه بهینه‌ی مدل VAR

از آن‌جایی که بیش‌تر متغیرهای کلان اقتصادی نامانا هستند و در مدل هم‌انباشتگی جوهانسون ـ جوسلیوس ، همه‌ی متغیرهای مدل بایستی انباشته از مرتبه‌ی اول باشند تا بتوان از این روش استفاده کرد ، لذا ابتدا نشان می‌دهیم که تولید ملی، نرخ بیکاری، تسهیلات بانکی و تورم دارای این ویژگی هستند و استفاده از روش فوق بلامانع است. جدول (۱)، نتایج مربوط به آزمون دیکی ـ فولر تعمیم یافته (ADF) را برای متغیرهای مدل نشان می‌دهد. همان طوری‌که ملاحظه می‌شود ، هر چهار متغیر در سطح اطمینان ۹۹ درصد نامانا هستند و با یک‌بارتفاضل گیری این مشکل حل و متغیرها مانا می‌شوند. بنابراین نتیجه‌گیری می‌شود که هر پنج متغیر فوق I(1) بوده و استفاده از روش جوهانسون ـ جوسلیوس در این مدل بلامانع است .

جدول ۱ ـ آزمون ایستایی متغیرهای مدل

متغیر	آزمون دیکی- فولر سطح متغیرها		آزمون دیکی- فولر تفاضل مرتبه اول متغیرها	
	آماره آزمون	p-value	آماره آزمون	p-value
LRX	-۰/۶۰	۰/۵۴۶	-۳/۱۷	۰/۰۰۱
LNI	-۱/۳۸	۰/۱۶۹	-۷/۷۱	۰/۰۰۰
LP	-۱/۲۰	۰/۲۳۰	-۴/۳۵	۰/۰۰۰
LB	-۱/۳۱	۰/۲۵	-۲/۸۶	۰/۰۰۸
LU	-۰/۹۸	۰/۶۶	-۴/۲۱	۰/۰۰۰

منبع: نتایج تحقیق

درادامه ، ابتدادرجه بامرتبه‌ی بهینه‌ی الگوی خودرگرسیون برداری (VAR) تعیین و سپس وجود یا عدم وجود بردار بلندمدت بین متغیرها با روش هم‌انباشتگی جوهانسون ـ جوسلیوس بررسی می‌شود. باتوجه به این‌که حجم نمونه مورد بررسی در این مطالعه نسبتاً زیاد می‌باشد، لذا برای تعیین مرتبه بهینه‌ی مدل VAR از معیار شوارتز ـ بیزین استفاده شده است و با توجه به این معیار، مرتبه‌ی بهینه VAR ، دو تعیین شده است. جدول (۲) ، مرتبه تعیین شده‌ی الگوی VAR را با توجه به معیار شوارتز ـ بیزین نشان می‌دهد :

جدول ۲ ـ تعیین تعداد وقفه‌های بهینه‌ی مدل VAR

مقدار شواتز ـ بیزین (SBC)	تعداد وقفه
-۱٤/٦٥٦٧	٤
-۱۸/٦۹۲٤	۳
*-۱۸/۷۳۰٦	۲
-۱۸/۷۱۱	۱
-٤/۷۹۸۸٦	۰

منبع: نتایج تحقیق

۳ ـ ۲ ـ بررسی بردار هم‌گرایی

نتایج حاصل از آزمون ایستایی متغیرها، حاکی از آن است که تمام متغیرها با یک مرتبه تفاضل‌گیری ایستا شده‌اند، لذا برای تعیین بردارهای هم‌گرایی یا روابط بلندمدت از روش هم‌انباشتگی جوهانسون ـ جوسلیوس استفاده می‌شود .

جدول ۳ ـ آزمون ماتریس اثر (λ_{trace})

فرضیه‌ی صفر	فرضیه‌ی مقابل	آماره‌ی آزمون	مقدار بحرانی در سطح ۹۵٪
۰r=	۱r≥	۳۲/۱۰۸	۲۹/٦۸
۱r=	۲r≥	۱۰/۷۳۹	۱۵/٤۱
۲r=	۳r≥	۰/۲٤۲	۳/۷٦
۳r=	٤r≥	----	----

جدول ۴ ـ آزمون حداکثر مقادیر ویژه (λ_{max})

فرضیه‌ی صفر	فرضیه‌ی مقابل	آماره‌ی آزمون	مقدار بحرانی در سطح ۹۵٪
r= ۰	r= ۱	۲۷/۳۶۸	۲۰/۹۷
r≤ ۱	r= ۲	۱۰/۴۹۷	۱۴/۰۷
r≤ ۲	r= ۳	۰/۲۴۲	۳/۷۶
r≤ ۳	r= ۴	----	----

نتایج حاصل از روش ماتریس اثر و روش حداکثر مقادیر ویژه، در جدول (۳) و جدول (۴) حاکی از آن است که نمی‌توان وجود یک رابطه‌ی بلندمدت در سطح اطمینان ۹۵ درصد را رد کرد . لذا به راحتی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که فرضیه‌ی صفر مبنی بر عدم وجود رابطه‌ی هم‌انباشتگی بین متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد قبول واقع نمی‌شود. همان‌طوری که جدول فوق نشان می‌دهد، در هر دو آزمون اثر و حداکثر مقادیر ویژه، ملاحظه می‌شود که مقدار آماره‌ی محاسبه شده به ترتیب برابر۱۰/۷۳۹ و ۱۰/۴۹۷ است . لذا با توجه اطلاعات جدول (۳) و جدول (۴) می‌توان وجود یک رابطه‌ی بلندمدت بین متغیرهای مدل را تأیید کرد . از این رو رابطه‌ی بلندمدت بین متغیرهای مدل به صورت جدول (۵) است .

جدول ۵ ـ تخمین بردار هم‌انباشتگی

متغیر	ضریب	مقدار آماره آزمون	p-value
LRX*	۱	-----	----
LNI	۰/۱۱	۸/۲۵	۰/۰۰۰
LP	-۰/۰۸	-۲/۴۳	۰/۰۱۲
LB	۰/۰۲	۳/۷۴	۰/۰۰۰
LU	-۰/۰۴	-۲/۲۶	۰/۰۲۱

* بردار هم‌انباشتگی نسبت به متغیر LER نرمالایز شده است . منبع : نتایج تحقیق

در مرحله بعد ، رابطه‌ی بلندمدت بین متغیرهای مدل، تخمین زده شده و بردار نرمال شده نسبت به متغیر درون‌زای اول انتخاب می‌شود. بردار بهینه‌ی انتخاب شده در این مطالعه در جدول (۵) گزارش شده است .

همان طوری که ملاحظه می‌شود ، بردار نرمال شده (۱، ۰/۱۱ ، ۰/۰۸-، ۰/۰۲ و ۰/۰۴-) ضرایب بلندمدت رابطه بین صادرات غیرنفتی، تولید ملی، نرخ تورم، تسهیلات بانکی و نرخ بیکاری را نشان می‌دهد. بنابراین رابطه‌ی بلندمدت به صورت معادله (۳) استخراج می‌شود :

$$LRX = -۲/۰۷ + ۰/۱۱LNI - ۰/۰۸LP + ۰/۰۲LB - ۰/۰٤LU \quad (۳)$$

با توجه به نتایج جدول (۵) و معادله‌ی (۳)، می‌توان چنین بیان کرد که ضریب متغیر تولید ملی (۰/۱۱)، مثبت و در تمامی سطوح احتمال، معنی‌دار می‌باشد. به‌عبارت دیگر به ازای یک واحد افزایش در متغیر تولید ملی، صادرات غیرنفتی، (۰/۱۱) واحد افزایش می‌یابد. همچنین ضریب متغیر نرخ تورم (۰/۰۸-) است به طوری که به ازای یک واحد افزایش در نرخ تورم صادرات غیرنفتی ۰/۰۸ واحد کاهش می‌یابد. تأثیر منفی و معنی‌داری تورم بر صادرات غیرنفتی با مطالعات داخلی نعمتی‌زاده و تقوی و همچنین مطالعات خارجی تجربی نظیر اختر حسین و شرما نیز سازگار است. همانطوری که در معادله (۳)، قابل مشاهده است متغیر تسهیلات بانکی دارای ضریب (۰/۰۲) است به طوری‌که به ازای یک واحد افزایش در تسهیلات بانکی صادرات غیرنفتی ۰/۰۲ واحد افزایش می‌یابد. تأثیر مثبت و معنی‌داری تسهیلات بانکی برروی صادرات غیرنفتی با مطالعات خارجی نظیر سی یوم نیز سازگار است. همچنین براساس معادله (۳)، نرخ بیکاری بر صادرات غیرنفتی تأثیر منفی و معنی‌داری دارد به عبارت بهتر به ازای یک واحد افزایش در نرخ بیکاری ، صادرات غیرنفتی در بلندمدت ۰/۰٤ واحد کاهش می‌یابد .

نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

با توجه به ارتباط تنگاتنگ صادرات غیرنفتی با سیاست‌های حمایت از تولید ملی و اشتغال و نقش حساسی که سیاست‌های مذکور در افت و خیز صادرات ایفا می‌کنند، در این مقاله بر آن شدیم که به بررسی تأثیر سیاست‌های حمایت از تولید ملی و اشتغال بر صادرات غیرنفتی درخصوص ایران بپردازیم. بدین‌منظور بابکارگیری از روش هم‌انباشتگی جوهانسون ـ جوسیلیوس و با استفاده از داده‌های آماری سالانه ، طی دوره‌ی (۱۳۹۰ ـ ۱۳۵۹) ، مدلی برای صادرات غیرنفتی کشور تخمین زده شده است. نتایج پژوهش حاضر حامی از آن است که کشش صادرات غیرنفتی نسبت به متغیرهای تولید ملی و تسهیلات بانکی به ترتیب برابر ۰/۱۱ و ۰/۰۲ است به عبارت دیگر، به ازای یک درصد افزایش در متغیرهای فوق صادرات غیرنفتی به ترتیب ۰/۱۱ و ۰/۰۲، درصد افزایش می‌یابند. همچنین کشش صادرات غیرنفتی نسبت به نرخ تورم و بیکاری به ترتیب برابر ۰/۰۸ و ۰/۰٤ است به طوری‌که به ازای یک درصد افزایش در متغیرهای فوق صادرات غیرنفتی به ترتیب ۰/۰۸ و ۰/۰٤، درص کاهش می‌یابند. بنابراین با توجه به یافته های مطالعه حاضر،توصیه‌های سیاستی به شرح زیر ارائه می گردد :

- از آنجایی که اثر تولید ملی بر صادرات غیرنفتی مثبت است؛ بنابراین نگرش به تولید ملی باید صادرات محور باشد، به عبارت دیگر تولید نه فقط برای مصرف داخلی و صادرکردن مازاد آن بلکه باید به صورت یک عامل مستقل، تولید را برای صادرات انجام داد. در این راستا می‌توان

کلیه موانعی را که ممکن است تولید کنندگان با آن مواجه شوند، از قبیل کمبود نقدینگی و ارز، محدودیت واردات مواد اولیه و... از مرتفع گردند .

- تدوین استراتژی بازرگانی مناسب مبتنی بر حمایت از تولیدات داخلی مزیت دار یا تولیدات در شرف دسترسی به مزیت نسبی از طریق سیاستهای تعرفه ای و تشویق صادرات .
- خلق مزیت رقابتی برای تولیدات کشوراز طریق پشتیبانی نهادهای دولتی و تقبل بخش عمده‌ای از هزینه های مربوط به هزینه های معرفی تولیدات مزیت دار کشور در بازارهای بین المللی .
- با توجه به اینکه قسمتی از تورم مربوط به تورم عادی است و در اکثر اقتصادهای دنیا وجود داشته و قسمت دیگری از تورم در ارتباط با ارزش واقعی نرخ ارز است. بنابراین راهکارهایی در جهت افزایش تولید ناخالص داخلی و حرکت به سمت نرخ ارز واقعی و همچنین سرمایه‌گذاری و افزایش عرضه کل سبب کاهش تورم و متعاقب آن افزایش صادرات غیرنفتی می‌شود .
- اعمال سیاست‌های پولی مناسب در جهت تولید ملی چرا که افزایش تولید ملی منجر به افزایش اشتغال و صادرات غیرنفتی می‌شود .

منابع و مآخذ

۱. آمارنامه‌ی بازرگانی گمرک جمهوری اسلامی ایران ـ سال‌های مختلف .

۲. اخوی ، احمد (۱۳۷۳) ـ « تجارت بین‌الملل ، استراتژی بازرگانی و توسعه‌ی اقتصادی » مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی .

۳. شاکری ، عباس (۱۳۸۳) ـ « عوامل تعیین کننده‌ی صادرات غیرنفتی ایران ، پژوهش‌های اقتصادی ایران » ـ شماره‌ی ۲۱ ـ صفحات ۵۰ ـ ۲۳ .

٤. گزارشات و آمارهای منتشره بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ـ سال‌های مختلف .

٥. گزارشات و آمارهای منتشره بانک جهانی ، سال‌های مختلف .

٦. نعمتی‌زاده ، سینا و تقوی، مهدی (۱۳۸۳) ـ « اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر صادرات غیرنفتی در ایران » ـ پژوهشنامه اقتصادی ـ شماره‌ی ۱۳ ـ صفحات ۹٦ ـ ۷۱ .

۷. نوفرستی ، محمد ؛ (۱۳۷۸) ـ « ریشه واحد و همجمعی اقتصادسنجی » ـ مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا ـ چاپ سوم ـ تهران .

8. Akhtar, H. (2008), "Structural change in the export demand function for Indonesia: Estimation analysis and policy implication", Journal of Policy Modelling, in press.
9. Brander, James A. and Barbara J. Spencer, 1988, "Unionized Oligopoly and International Trade Policy," Journal of International Economics, Vol. 24, No. 3/4, May, 217-234.
10. Dickey, D.A and Fuller, W.A;(1988), "Distribution of the estimation for autoregressive time series with a unit root", J Am Stat Assoc, 74 427 – 31.
11. Johansen, S and Juselius, K;(1990), "Maximum likelihood estimation and inference on cointegration: with applications to the demand for money", Oxford Bulletin of Economics and Statistics, 52, 169–210.
12. Johansen, S;(1988), "Statistical Analysis of Cointegration Vectors", Journal of Economic and Dynamics and Control, 12, 231–254.
13. Nur, M.and et al,(2007)," Estimation of the Export Demand Function using Bilateral Trade Data: The Case of Bangladesh", South Asia Economic Journal, Vol 8, pp:249:264.
14. Seyoum, B.(2006), "US trade preference and export performance of developing countries: Evidance from the generalized system of performance", International Business Review, Vol 15, pp:68-83.
15. Sharma,K.(2003),"Factores determining India's export performance", Journal of Asian Economics, Vol 14, pp:435-446.

بررسی رابطه پویا میان نرخ ارز
درآمد ملی و صادرات غیر نفتی در اقتصاد ایران

داود بهبودی[1] ـ فرانک باستان[2] ـ امیر شاهویردی دولت آباد[3]

۱ ـ مقدمه

امروزه در دنیا، توجه به صادرات و تلاش در جهت توسعه آن یکی از اهداف اصلی و اساسی همه دولت‌ها در عرصه اقتصادی است. یکی از دلایل این اهمیت به خاطر نقش صادرات در ایجاد اشتغال و همچنین ایجاد ارزش افزوده و رشد تولید ملی است که در نهایت می‌تواند منجر به توسعه اقتصادی و افزایش رفاه اقتصادی اعضای یک جامعه شود .

مشکلات ناشی از اقتصاد تک محصولی و اتکای بیش از حد به درآمدهای نفتی ، اقتصاد کشور ما را به شدت تحت تاثیر عوامل خارجی از جمله نوسانات بهای جهانی نفت قرار داده است . کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی در بعضی مواقع به روشنی اثرات منفی اتکای بیش از حد اقتصاد کشور به درآمدهای نفت را نشان داده و در واقع هشدارهای صاحبنظران اقتصادی کشور را بر جسته ساخته است. بی تردید عدم تحقق درآمدهای پیش بینی شده دولت از محل صادرات نفت نه تنها بر اجرای طرحهای مختلف و اقتصاد کشور تاثیر خواهد گذاشت، بلکه بر آینده اقتصاد و برنامه ها و طرحها اثرات منفی مضاعفی خواهد داشت .

درنتیجه موجب بروز مشکلات عدیده در بخش های مختلف اقتصاد کشور خواهد گردید . از طرفی یکی از عوامل مهم دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار ، رونق صادرات است که مهمترین هدف سیاستگذاری در بخش تجارت خارجی را تشکیل می دهد .

در اقتصاد ایران با توجه به اهمیت کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت خام ، نقش صادرات غیر نفتی در کاهش این وابستگی و نیز جایگاه آن در برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور ، بررسی عوامل تعیین کننده صادرات غیر نفتی و ارائه راهکارهای لازم برای توسعه آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بدین منظور کنترل تغییرات نرخ ارز به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده صادرات غیر نفتی در جهت رونق صادرات غیر نفتی گامی مهم در مسیر رشد و توسعه اقتصادی کشور تلقی می گردد. از طرفی بر پایه بسیاری از مطالعات انجام شده آشفتگی و نوسان در رفتار نرخ واقعی ارز تاثیر منفی بر دیگر بخش‌های

---

۱ ـ دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه تبریز
۲ ـ کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشگاه تبریز
۳ ـ دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی دانشگاه تبریز

اقتصادی از جمله صادرات دارد. از این رو در تحلیل رفتار نرخ واقعی ارز و بررسی عوامل تعیین کننده آن برای تعدیل این شاخص به منظور افزایش درجه رقابت بین المللی کشور و در نتیجه رونق صادرات همواره بخش قابل توجهی از مطالعات اقتصادی را به خود اختصاص داده است .

بر این اساس در این مقاله سعی شده است که ارتباط بین صادرات غیر نفتی، درآمد ملی و نرخ واقعی ارز مورد بررسی قرار گیرد. این تحقیق شامل پنج بخش است که در بخش دوم به مروری بر ادبیات موضوع و نظریات مربوط به تأثیر تغییرات نرخ ارز بر تراز تجاری و صادرات غیر نفتی و پیشینه مطالعات پرداخته شده و در بخش سوم با استفاده از مبانی نظری به ارائه الگو و مدل می‌پردازد و در بخش چهارم تخمین مدل و در بخش پنجم نتایج ارائه شده است .

۲ ـ مروری بر ادبیات موضوع

۲ ـ ۱ ـ مبانی نظری

اتکا به صادرات نفتی و تاکید بر واردات از ویژگی‌های خاص اقتصاد ایران به‌ویژه از سالهای ۱۳۵۰به بعد بوده و طی سالیان متمادی، وابستگی به درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت وجود داشته است. مورد مذکور همراه با عوامل دیگر، در مجموع سبب گردیدند که اقتصاد کشور دچار مشکلات گوناگونی گردد که جز با اصرار و تأکید به رهایی از اقتصاد تک‌محصولی سر و سامان نگیرد. بنابراین رهایی از اقتصاد تک‌محصولی به‌عنوان یک هدف اصلی در راه رسیدن به استقلال سیاسی و اقتصادی مطرح گردید که این کار نیازمند تنوع‌سازی در تولید کالا و بازاریابی برای این کالاها به منظور افزایش روزافزون صادرات کالاهای غیرنفتی است .

نظریات مربوط به تأثیر تغییرات نرخ ارز بر تراز تجاری و صادرات غیر نفتی

۱ ـ مارشال ـ لرنر

طرفداران کاهش ارزش پول معتقدند که کاهش ارزش پول ، موجب افزایش صادرات تولیدات و در نتیجه ، بالا رفتن اشغال و سطوح درآمدی و همچنین کاهش واردات می‌گردد . در نتیجه تراز تجاری را بهبود بخشیده و کسری تراز پرداخت‌ها را جبران می‌کند. از بین بردن مازاد تقاضا بستگی به کشش منحنی عرضه و تقاضا برای ارز دارد. اگر عرضه و تقاضا برای ارز از حساسیت بالایی برخوردار باشد کاهش ارزش پول تقاضا برای ارز را کاهش و عرضه آن را افزایش می‌دهد و در نتیجه مازاد تقاضا از بین خواهد رفت .

آلفرد مارشال اقتصاددان انگلیسی در ارتباط با این موضوع به نتایجی دست یافت. بر طبق گفته مارشال ، تراز حساب جاری زمانی در مقابل کاهش ارزش پول کشور بهبود می‌یابد که مجموع قدر مطلق کششهای تقاضا برای صادرات و کشش تقاضا برای واردات بزرگتر از یک

باشد. در ادامه اقتصاددان دیگری به نام لرنر[1]، ادعاهای مارشال را مورد بررسی و اثبات قرار داد و به همین دلیل این رابطه در ادبیات اقتصادی به شرط مارشال ـ لرنر معروف گردید .

موارد مذکور ، در صورتی صادق است که: اولا،کشورها در موقع کاهش ارزش پول دچار کسری تجاری نبوده و ثانیا کشش عرضه صادرات و واردات برابر بی‌نهایت باشد .

۲ ـ منحنی جی (j)

طبق این نظریه زمان ، نقش مهمی در درجه و نحوه اثرگذاری تغییر ارزش خارجی پول ملی دارد . برای این منظور می‌توان سه دوره زمانی بسیار کوتاه‌مدت، کوتاه‌مدت و بلندمدت را در نظر گرفت . بر طبق این نظریه هنگامی که ارزش پول ملی کاهش یابد در این حالت نحوه اثرگذاری این سیاست بر تراز حساب جاری طی دوره‌های مزبور بدین صورت خواهد بود که در دوره بسیار کوتاه مدت سیاست مذکور به بدتر شدن تراز حساب جاری منجر می‌گردد . دلیل این مساله‌کوچک بودن کششهای قیمتی تقاضای واردات و صادرات در دوره زمانی بسیار کوتاه مدت می‌باشد و به بیان ساده‌تر فردی که مشاهده می‌کند کالای موردنظر وی در بازار گران شده است فورا نمی‌تواند مقدار خرید خود را کم کند ولی با گذشت زمان به تدریج خود را با شرایط جدید وفق می‌دهد. این نظریه در ادبیات اقتصادی به منحنی جی معروف است .

کروگر[2] پدیده جی را ناشی از این ضعف می‌داند که در هنگام تغییر نرخ ارز بسیاری از کالاها که در مرحله واردات می‌باشند یا قراردادهایی خریداری شده‌اند و تکمیل این معامله تغییرات کوتاه‌مدت در تراز تجاری را موجب می‌شود و در واقع تراز تجاری بدتر می‌شود. در واقع وی بیان می‌کند یک دسته از قراردادها برای صادرات و واردات قبل از کاهش ارزش پول بسته شده‌اند. از این‌رو با کاهش ارزش پول قادر به تغییر آنها نیستیم و در نتیجه این امر هزینه کالاهای وارداتی افزایش و درآمدهای صادراتی کاهش یافته و تراز تجاری بدتر می‌شود .

۳ ـ روش جذب

روش کشش به‌عنوان معیاری برای بررسی مؤثر بودن تغییرات نرخ ارز بر تراز پرداخت‌ها مورد انتقاد زیاد اقتصاددانان قرار گرفته است.بر طبق گفته وی، اینکه حساسیت تراز پرداخت‌ها بستگی به کشش‌های خاصی دارد،فقط یک جنبه نظری محقق می‌باشد مگر اینکه کشش‌ها به‌طور مستقل مشخص گردیده و ماهیت توابعی که کشش‌ها را می‌دهدروشن گردد.ت وابع ممکن است طوری مشخص گردند که کشش‌ها جزئی و در حقیقت نشانگر چگونگی حساسیت مقادیر صادرات و واردات نسبت به قیمتهای خود باشند زمانی که قیمتهای دیگر و درآمد ملی بدون تغییر

1 - Aba Lener
2 - Kreuger

می‌ماند. در حقیقت تعدیلات نرخ ارز نمی‌تواند سایر متغیرها را بدون تغییر بگذارد. بنابراین در روش جذب می‌خواهیم به‌طور همزمان اثرات تغییر نرخ ارز درآمدها و قیمتها را روی تراز پرداخت‌ها و صادرات نشان دهیم .

Y-C+I+G+X-M
X-M-BP

الکساندر،این مجموعه(C+I+G)رادر یک جمله A ، که او آن را جذب نامیده است ، می گنجاند.

C+A+G-A
Y-A+B-B-Y-A

تراز بازرگانی با تراز پرداخت‌ها مساوی با کل محصول تولید شده در اقتصاد Y منهای جذب محصول در اقتصاد توسط تقاضای داخلی می‌باشد. اگر قرار باشد تنزل ارزش پول ملی تراز پرداخت‌های یک کشور را بهبود بخشد باید به نحوی تولید ملی را نسبت به جذب افزایش داده و یا جذب را نسبت به تولید ملی کاهش دهد . C تابعی از درآمد بوده و A تابعی از درآمد کل است ؛ پس هر قدر درآمد کل افزایش یابد، مخارج نیز افزایش می‌یابد اما افزایش مخارج کمتر از افزایش درآمد است .

۲ ـ ۲ ـ پیشینه پژوهش

خان و نایت [1] (۱۹۸۹) ، در مطالعه تجربی به بررسی رابطه محدودیت وارداتی و عملکرد صادرات ۳٤ کشور در حال توسعه پرداخته اند. در این مطالعه عرضه صادرات در هر دوره تابعی از متغیرهای واردات ، تولید ناخالص داخلی ، نسبت قیمت کالاهای صادراتی به قیمت کالاهای داخلی آن دوره و عرضه صادرات دوره قبل در نظر گرفته شده است. همچنین متغیرهای درآمد کشورهای وارد کننده ، شاخص قیمت صادراتی کشور صادر کننده ، شاخص قیمت کالاهای جانشین در کشورهای وارد کننده وارزش صادرات دوره قبل به عنوان متغیرهای توضیحی برای تابع تقاضای صادرات معرفی شده‌اند .

سوژه [2] (۱۹۹۵) ، عکس العمل نرخ های واقعی ارز در مقابل تکانه های مختلف اقتصادی را بررسی کرده است ، در این تحقیق نرخ واقعی ارز به عنوان تابعی از متغیرهای قیمت جهانی نفت، مخارج دولت ، اختلاف در بهره وری وعرضه پول در نظر گرفته شده است. نتایج این تحقیق بیانگر عدم کارایی سیاست های پولی در تغییر روند بلند مدت نرخ واقعی ارز به منظور تحت تاثیر قراردادن بخش واقعی اقتصاد است .

1 - Khan & Knight
2 - Su Zhou

سکات و وارودا‌کیس[1] (۲۰۰۰)، نرخ موثر واقعی ارز را به عنوان تابعی از متغیرهای رابطه مبادله بازرگانی (تجاری) ، نسبت تولید ناخالص داخلی به مجموع صادرات و واردات، جریان خالص، مازاد توسعه اعتبارات داخلی و درصد تغییرات نرخ رسمی ارز و صادرات به عنوان تابعی از متغیرهای نسبت ارزش افزوده کالاهای صنعتی به GDP ، نرخ موثر واقعی ارز ، نوسان در نرخ موثر واقعی ارز و شاخص اندازه گیری انحراف نرخ واقعی ارز از حالت تعادلی آن در نظر گرفته اند .

اجرت و زاماکرو[2] (۲۰۰۵) ، رابطه بین نرخ ارز و صادرات غیر نفتی را در ۱۰ کشور اروپای شرقی و مرکزی مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از مطالعه‌ای که توسط این دو محقق امجام شد نشان می‌دهد که تاثیرات نرخ ارز بر صاردات متغیر است و به دوره‌ای که کشور در آن قرار دارد و نیز به نوع رژیم ارزی بستگی دارد .

بالوگا و دل[3] (۲۰۰۷) ، در مطالعه‌ای تاثیر نرخ ارز و تولید بر صادرات را در ۵ کشور آفریقایی مورد بررسی قرار داده‌اند . نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که نرخ ارز اثر مثبت بر صادرات داشته و افزایش آن منجر به افزایش صادرات خواهد شد. همچنین تاثیر درآمد بر صادرات نیز مثبت است .

عسلی (۱۳۷۵) ، یک الگوی اقتصاد سنجی با انتظارات عقلایی و کنترل سرمایه را برای ایران برآورد نموده است . در این تحقیق ، متغیرهای نرخ واقعی ارز، درآمد کشورهای OECD و صادرات دوره قبل به عنوان مهم‌ترین عوامل تعیین کننده صادرات معرفی شده است .

ولدخانی (۱۳۷۶)، صادرات را به عنوان تابعی از متغیرهای نرخ ارز بازار آزاد، مجموع ارزش افزوده بخش کشاورزی، صنعت و معدن و حمل و نقل و ارتباطات و درجه باز بودن اقتصاد در نظر گرفته شده است. نتایج این مطالعه نشان می دهد که رابطه بلند مدتی بین صادرات کالاهای غیر نفتی و متغیرهای مذکور وجود دارد، به طوری که این متغیرها تاثیر مثبت بر صادرات غیر نفتی دارند .

فتحی (۱۳۷۷) ، کشش پذیری صادرات غیر نفتی نسبت به تغییرات نرخ ارز را بررسی کرده است. در این مطالعه صادرات غیر نفتی تابعی از نرخ موثر ارز، تولید ناخالص داخلی شاخص قیمت کالاهای صادراتی، شاخص قیمت عمده فروشی و صادرات غیر نفتی دوره قبل در نظر گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد که کشش صادرات غیر نفتی نسبت به تغییرات نرخ ارز تنها در صادرات صنعتی بیش از واحد می‌باشد .

1 - Sekkat k. and Varoudakis A
2 - Egert & Zumaquero.
3 - Balogu & Dele

نعمتی‌زاده و تقوی(۱۳۸۳) ، در مقاله‌ای تحت عنوان « اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر صادرات غیرنفتی در اقتصاد ایران » ، اثر متغیرهایی مانند نرخ ارز،تورم و تولید ناخالص داخلی را بر صادرات غیرنفتی بررسی کردند . آنها از مدل VAR و OLS برآورد معادلات استفاده شده است . نتایج تحقیق حاکی از این است که تولید ناخالص داخلی و نرخ ارز ، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر صادرات دارند؛در حالی‌که تأثیر تورم بر صادرات غیرنفتی بی‌معنی است .

اله وردیزاده (۱۳۸۷) ، در مطالعه‌ای تحت عنوان « بررسی نرخ ارز و تولید ناخالص داخلی در توسعه صادرات غیر نفتی در ایران » به بررسی رابطه این سه متغیر با استفاده از تکنیکهای OLS پرداخته‌اند . به طور کلی نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ارتباط مثبت و معنی داری بین صادرات غیر نفتی و نرخ ارز وجود دارد لذا اتخاذ سیاست های مناسب در جهت تعدیل نرخ ارز می‌تواند نقش بسزایی در رونق و توسعه صادرات غیر نفتی داشته باشد .

سحابی و همکاران (۱۳۹۰) ، در مطالعه‌ای تحت عنوان « تأثیر نرخ ارز بر صادرات غیر نفتی ایران به کشورهای منتخب خاورمیانه (ترکیه، امارات، عربستان، کویت، پاکستان) » به بررسی رابطه بین این دو متغیر پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که نرخ ارز در کشورهای مذکور تاثیر مثبت و معنی‌داری بر صادرات غیر نفتی داشته است .

۳ ـ ساختار الگو و روش برآورد

در این بخش ابتدا با بهره گیری از مبانی نظری و مطالعات تجربی انجام شده ، ساختار نظری الگوی صادرات مورد بررسی و بحث قرار می گیرد .

۳ ـ ۱ ـ الگوی صادرات غیرنفتی

به لحاظ نظری ، تابع صادرات در یک سطح معین تقاضای کل و قیمت های خارجی عمدتاً به شکل X=F(p,e) در نظر گفته می‌شود. که P , e به ترتیب بیانگر سطح قیمت داخلی و نرخ ارز است. با افزایش سطح قیمت داخلی و با فرض ثابت بودن سایر شرایط، انتظار می‌رود که صادرات کاهش یابد. در مقابل، چنانچه نرخ ارز (ارزش یک واحد پول خارجی در برابر واحد پول داخلی) افزایش یابد، انتظار بر این است که به دلیل کاهش قیمت کالاهای داخلی نسبت به کالاهای مشابه خارجی، میزان صادرات افزایش یابد .

بلابالاسا[1] (۱۹۹۰)، در مطالعه خود برای استخراج تابع صادرات، ابتدا آن را به دو جزء تقاضا و عرضه تفکیک کرده است. سپس با استفاده از شرط تعادل (برابری عرضه و تقاضای صادرات)، تابع واحدی برای صادرات معرفی کرده است. به عقیده وی تقاضای خارجیان برای

1 - Bella Balassa

صادرات یک کشور مشخص (XF) تحت تاثیر رقابت بین المللی و تولید آنها قرار دارد. لذا تابع تقاضای صادرات را به شکل زیر در نظر گرفته است .

$$XF = f (R.P\ F / P\ D , YF) \qquad (1)$$

در رابطه 1 متغیرهای به ترتیب نشان دهنده نرخ اسمی ارز، قیمت کالاهای تجاری در کشورهای خارجی و قیمت کالاهای تجاری در داخل است .

از طرف دیگر ، وی معتقد است که عرضه صادرات هر کشور (XD) متاثر از وضعیت کالاهای تجاری در مقابل کالاهای غیر تجاری است. برای نشان دادن چنین وضعیتی ، معمولاً از شاخص قیمتهای نسبی داخلی که از نسبت شاخص قیمت داخلی برای کالاهای تجاری و شاخص قیمت داخلی برای کالاهای غیر تجاری بدست می‌آید، استفاده می شود .

ظرفیت داخلی(CD) نیز به عنوان یکی از عوامل موثر بر عرضه صادرات در نظر گرفته شده است .

از این رو ، بالاسا تابع عرضه صادرات را به شکل زیر در نظر گرفته است :

$$XD = g(P\ T/ P\ N, CD) \qquad (2)$$

در شرایط تعادل می‌توان نوشت :

$$XD=XF \qquad (3)$$

بالاسا برای تخمین تابع بالا به منظور رفع خود همبستگی بین متغیرهای صادرات و ظرفیت داخلی ، نسبت صادرات به تولید را به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته است . بنابراین با در نظر گرفتن مطالب مذکور و نیز مطالعه تجربی ارائه شده ، تابع صادرات به صورت کلی زیر قابل ارائه است :

$$X=F(Y, P, RER, Mk+I, Yf, TOT,X(-1)) \qquad (4)$$

که در رابطه بالا Y سطح تولید داخلی ، p سطح قیمت داخلی ، RER نرخ واقعی ارز ، Mk+I مجموع واردات سرمایه‌ای و واسطه‌ای، Yf درآمد خارجیان،TOT رابطه مبادله تجاری و X(-1) صادرات دوره قبل می‌باشد .

اصل «قلت متغیرهای توضیحی» و جلوگیری از خطای تورش ناشی از حذف متغیرهای مهم و وارد کردن متغیرهای غیر ضروری حکم می‌کند، متغیرهای کلیدی و مهم را بر مبنای چارچوب تئوریک و تحلیل نظری در مدل وارد نمود و تمام اثرات تصادفی و جزئی را به جزء اخلال مدل (Ut) محول کرد .

برای آنکه رابطه بین متغیرهای موجود را بررسی کنیم، صادرات غیر نفتی را تابعی از نرخ ارز و درآمد ملی در نظر گرفته‌ایم . علاوه بر تاثیر این عوامل بر صادرات غیر نفتی ، متغیرهای دیگری با توجه به ماهیت و شرایط ساختار اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی معنی پیدا می کنند که همواره بر مقدار صادرات غیر نفتی تاثیر گذار هستند. بنابراین در ارزیابی عوامل موثر بر مقدار متغیر وابسته توجه به عوامل کلی و استاندارد نظیر نرخ ارز و تولید ناخالص داخلی در نظر گرفته و بررسی شده است. لذا مدل نهایی به کار گرفته شده در این مطالعه به صورت زیر است :

$$EX = f(NER\frac{P^*}{P}, NI)$$

که در آن EX ارزش صادرات غیر نفتی، $NER\frac{P^*}{P}$ نرخ ارز واقعی و NI درآمد ملی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ می‌باشد. تخمین مدل با استفاده از لگاریتم طبیعی متغیرهای طرفین تساوی انجام شده است. برای محاسبه نرخ ارز حقیقی از نرخ ارز اسمی استفاده شده است. بدین ترتیب که نرخ ارز اسمی را نسبت به شاخص قیمت‌های داخلی و خارجی تعدیل نموده‌ایم .

$$RER = NER\frac{P^*}{P}$$

که RER نرخ ارز حقیقی، NER نرخ ارز اسمی، P^* شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی کشور ایالات متحده و P شاخص بهای کالاهای مصرفی ایران است .

برای انجام این تحقیق از داده‌های سری زمانی ایران در فاصلهٔ سالهای ۱۳۸۷ ـ ۱۳۵۵ استفاده شده است. در این مطالعه برای انجام آزمون هم‌انباشتگی[1] و تخمین مدل از الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده[2](ARDL) استفاده شده است. دلیل این انتخاب مزیت‌های زیادی است که روش ARDL نسبت به سایر روش‌های مشابه مانند انگل ـ گرنجر[3](۱۹۸۷) و جوهانسن ـ جوسلیوس (۱۹۹۰) داشته و لذا به طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد . مهمترین مزیت این روش ، قابلیت استفاده از آن برای بررسی روابط بین متغیرها، صرف نظر از مانا بودن یا نبودن آن‌هاست. هم چنین در این روش، علاوه بر امکان محاسبه روابط بلندمدت بین متغیرها امکان محاسبه روابط پویا و کوتاه‌مدت وجود دارد. ضمن آن که سرعت تعدیل عدم تعادل کوتاه‌مدت در هر دوره، برای رسیدن به تعادل بلندمدت نیز قابل محاسبه است. همچنین روش ARDL برخلاف سایر روشها حتی در نمونه‌های کوچک هم نتایج قابل اعتمادی دارد .

1 - Cointegration
2 - Autoregressive Distributed Lag
3 - Engel & Granger

٤ ـ تخمین مدل و تحلیل نتایج

قبل از انجام آزمون هم‌انباشتگی باید مطمئن شد که متغیرهای مورد بررسی، دارای درجه انباشتگی بیشتر از یک (۱)I ، نیستند. در حالتی که متغیرها انباشته از درجه دو (۲)I یا بیشتر باشند مقدار آماره F محاسبه شده توسط پسران و شین (۲۰۰۱) ، قابل اعتماد نخواهد بود . روش‌های گوناگونی برای انجام آزمون ریشه واحد وجود دارد که در این مطالعه از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته (ADF)[1] استفاده شده است .

جدول (۱) نتایج این آزمون را ارائه می‌کند. نتایج حاصل از بررسی پایایی متغیرهای مدل نشان می‌دهد که هر سه متغیر در سطح ناپایا می‌باشند . برای این منظور لازم است آزمون پایایی متغیرها در تفاضل مرتبه اول آنها انجام شود. نتایج آزمون پایایی متغیرها بیانگر آن است که هر سه متغیر با یک مرتبه تفاضل گیری ، پایا شده‌اند و (1)I می‌باشند. بدین ترتیب یکی از شروط مهم برآورد الگوی مورد نظر برآورد شده است .

جدول (۱) ـ نتایج آزمون پایایی متغیرهای مدل

متغیر	آماره آزمون	مقدار بحرانی در سطح ۵٪	رد یا عدم رد فرضیه صفر	پایایی و ناپایایی متغیر
LEX	-2/11	-3/57	عدم رد فرضیه صفر	ناپایا
LNI	-2/22	-3/57	عدم رد فرضیه صفر	ناپایا
LRER	-2/51	-3/57	عدم رد فرضیه صفر	ناپایا
D(LX)	-4/03	-2/98	رد فرضیه صفر	پایا
D(NI)	-5/84	-2/98	رد فرضیه صفر	پایا
D(LRER)	-5/49	-2/98	رد فرضیه صفر	پایا

مأخذ : یافته‌های تحقیق

در برآورد رابطه بین متغیرها بر اساس روش ARDL ، ابتدا برآورد الگوی پویای کوتاه مدت ارائه شده و سپس با استفاده از آزمون همگرایی بنرجی، دولادو و مستر[2] (۱۹۹۲) بر اساس آماره t وجود رابطه هم انباشتگی (همگرایی) و یا به بیان دیگر ، وجود رابطه بلندمدت میان متغیرها بررسی می‌شود .

1 - Augmented Dickey-Fuller (ADF)
2 - Banerjee, Dolado and Mester (1992)

جدول(۲).نتایج برآورد الگوی کوتاه مدت
مدل (2,1,0)ARDL

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال
Lex (-1)	۱/۲۹	۷/۰۲	۰/۰۰۰
Lex (-2)	-۰/۳٦۷٦	-۱/۸۷	۰/۰۷
Lrer	-۰/۱۳۸۸	-۱/۵۷	۰/۱۲۸
Lrer(-1)	-۰/۰۰٦	-۰/۰۷	۰/۹
Lni	۰/۵۷٤۸	۲/۳٤	۰/۰۲
C	-۲/۲۹	-۲/۱٤	۰/۰٤
ecm(-1)	-۰/٤٤٦۲	-٤/۳٤	۰/۰۰۰
F(۵ ,۲۵)= ۱٤۱[۰,۰۰۰]	D.W=۱/۹۵		R^2 = ۹٦/٤۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج برآورد الگوی کوتاه‌مدت ، نشان دهنده اینست که نرخ ارز حقیقی، تاثیر منفی بر میزان صادرات غیرنفتی داشته که ضریب آن برابر ۰/۱۳۸۸- است. درآمد ملی نیز تاثیر مثبت و معنی دار بر صادرات غیرنفتی دارد .

همچنین جمله تصحیح خطا برای مدل اول منفی و معنی‌دار و حدود ۰/٤٤- می‌باشد و نشان می‌دهد در صورت وارد شدن شوک و انحراف از تعادل، در هر دوره ٤٤ درصد از عدم تعادل کوتاه‌مدت برای رسیدن به تعادل بلندمدت تعدیل می‌شود .

ضریب تعدیل شده الگوی کوتاه‌مدت برابر ۰/۹٦ درصد بوده و آماره کلی F برای این الگو کاملاً معنادار و آماره دوربین- واتسن (DW) برابر ۱/۹۵ است. همچنین ، در الگوی کوتاه‌مدت ، آزمون فرضیه وجود خودهمبستگی سریالی[1] و ناهمسانی واریانس[2] با استفاده از آزمون ضرایب لاگرانژ انجام می‌شود. آماره آزمون برای خودهمبستگی سریالی و واریانس ناهمسانی واریانس به ترتیب برابر ۰/۰۰۳ و ۰/۲۷ بوده و از نظر آماری معنی‌دار نمی‌باشد. از این رو فرضیه وجود خود همبستگی سریالی و ناهمسانی واریانس رد می‌شود .

برای آزمون همگرایی ارائه شده توسط بنرجی، دولادو و مستر (۱۹۹۲)، باید مجموع ضرایب وقفه‌های متغیر وابسته از یک کسر شده و بر مجموع انحراف معیار آنها تقسیم شود (آزمون t). اگر قدر مطلق آماره محاسباتی کمتر از مقدار بحرانی جدول بنرجی، دولادو و مستر باشد، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه تعادلی بلندمدت پذیرفته می‌شود .
بر اساس این آزمون داریم :

1 - Serial Correlation
2 - Heteroscedasticity

$$t = \frac{\sum \hat{\alpha} - 1}{\sum \hat{s}} = -3.92$$

از آنجا که کمیت بحرانی ارائه شده توسط بنرجی، دولادو و مستر (۱۹۹۲)، در سطح اطمینان ۹۵ درصد برابر۳/۸۲- بوده و قدرمطلق آماره محاسبه شده بزرگتر از مقدار بحرانی است فرضیه نبود رابطه همگرایی رد می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که یک رابطه تعادلی بلندمدت میان متغیرها وجود دارد .

معادله زیرکه مدل پویایی بلند مدت را نشان می‌دهد، حاکی از وجود یک رابطه مثبت بین صادرات غیر نفتی و نرخ ارز و درآمد ملی می‌باشد .

$$Lex = \underset{(-۳.۳۹)}{-9.05\ C} + \underset{(۱.٤٤)}{0.33Lrer} + \underset{(۳.٥٦)}{2.07Lni}$$

۵ ـ ساختار پویایی الگو

اکنون با توجه به وجود الگوی کوتاه‌مدت و تایید رابطه تعادلی پویای آن با بلندمدت در الگوی ARDL که در قسمت قبل ارائه شد، به بررسی پویایی های کوتاه‌مدت می‌پردازیم. این روش‌ها که در واقع جایگزینی برای تحلیل‌های سنتی مانند تعدیل جزئی و ... هستند به توابع عکس العمل آنی و تجزیه واریانس معروفند .

۶ ـ تابع عکس العمل آنی

از آنجا که تفسیر ضرایب الگوی تصحیح خطا به طور انفرادی مشکل است ، از معیار تابع عکس العمل آنی استفاده می‌شود. این معیار پویایی آثار متقابل بین متغیرها را به وسیله تابع عکس‌العمل نشان می‌دهد. به طوری که اثر مشخص یکسری را روی سری‌های دیگر ترسیم می‌کند. برای این منظور انتخاب طول وقفه بهینه جهت الگوی تصحیح خطای برداری (VAR) بر اساس ضابطه شوارتز بیزین و آکاکیک انجام یافته و با وقفه بهینه یک ، مدل VAR تخمین زده شده است. نمودارهای زیر عکس العمل سایر متغیرها را نسبت به یک انحراف معیار نرخ ارز حقیقی و درآمد ملی نشان می‌دهد. با توجه به شکل شماره ۱ اثر یک انحراف معیار تکانه نرخ واقعی ارز صادرات غیر نفتی افزایشی بوده و در نهایت به تعادل می‌رسد. همچنین اثر یک انحراف معیار شوک بر صادرات غیر نفتی افزایش تدریجی ملایم داشته و به تعادل می‌رسد .

شکل (۱) ـ نمودار توابع عکس العمل آنی

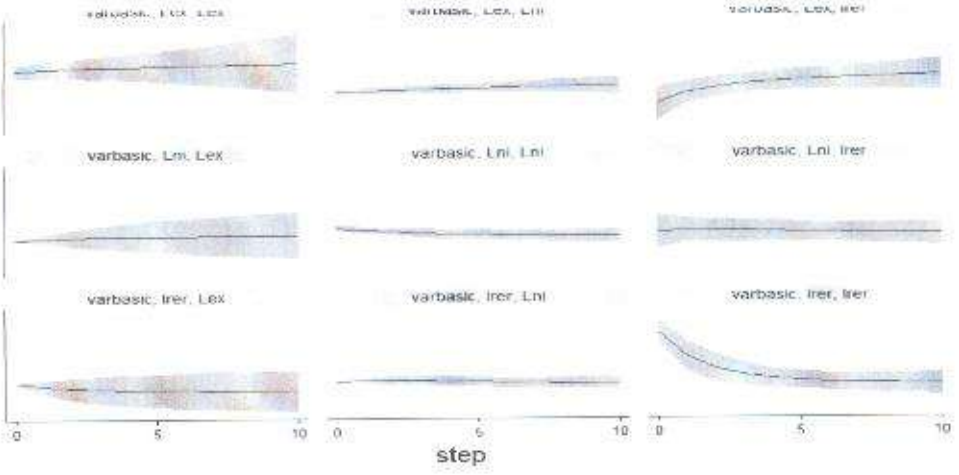

۷ ـ تجزیه واریانس

تجزیه واریانس به عنوان معیاری برای عملکرد پویای‌های کوتاه‌مدت قادر به تعیین سهم بی‌ثباتی هر متغیر در مقابل تکانه وارده به هریک از متغیرهای دیگر الگوست .

بنابراین برای تعیین سهم بی‌ثباتی ایجاد شده در صادرات غیرنفتی توسط هر یک از متغیرهای الگو از تجزیه واریانس استفاده می‌شود که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است .

در این جدول خطای پیش بینی متغیرهای مربوط طی دوره‌های مختلف نشان داده شده است. به علت اینکه خطای پیش بینی هر سال روی خطای پیش بینی سال بعدش تاثیر می‌گذارد و آن را افزایش می‌دهد، طی دوره زمانی، با گذشت زمان خطای پیش بینی در حال افزایش است. بر اساس این جدول حدود درصد واریانس خطای صادرات غیر نفتی توسط خود متغیر توضیح داده می‌شود. در حالی که در همین دوره متغیر نرخ ارز حقیقی و درآمد ملی به ترتیب و درصد از واریانس خطای متغیر وابسته را توضیح می‌دهد .

همان طور که ملاحظه می‌شود در دوره های مختلف تجزیه واریانس، صادرات غیر نفتی بیشترین توانایی را برای توضیح دهندگی متغیر وابسته (خودش) دارد. بدین ترتیب سهم توضیح دهندگی نرخ ارز و درآمد نفتی دوره‌های اولیه به میزان اندکی بوده و مقدار کمتری از بی‌ثباتی الگو را بیان می‌کنند. بنابراین براساس این معیار منبع اصلی تغییرات صادرات غیر نفتی در کوتاه‌مدت ، توسط خودش توضیح داده می‌شود ولی در میان مدت و بلندمدت سهم متغیر نرخ واقعی ارز و درآمد ملی افزایش می‌یابد .

جدول (۳) ـ تجزیه واریانس متغیرها

Results from varbasic

step	(1) fevd	(1) Lower	(1) Upper	(2) fevd	(2) Lower	(2) Upper	(3) Fevd	(3) Lower	(3) Upper
0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
1	1	1	1	.098631	.09753	.294792	.077038	-.083825	.1379
2	.987033	.94363	1.03041	.137206	-.08704	.361453	.022098	-.057211	.101407
3	.973545	.885285	1.0618	.187938	-.072422	.448298	.035907	-.038361	.110175
4	.963089	.8399/7	1.0862	.217748	-.050854	.546351	.065605	-.046445	.177694
5	.955448	.806693	1.1042	.312134	-.020749	.644977	.10567	-.057578	.268917
6	.949877	.782321	1.11743	.376553	.017823	.735284	.151108	-.060303	.362518
7	.945749	.764231	1.12727	.437651	.063199	.812102	.198385	-.053764	.450533
8	.942622	.750542	1.1347	.493368	.112766	.87397	.245273	-.039722	.530268
9	.9402	.739964	1.14044	.542861	.163768	.921954	.290466	-.020325	.601258
10	.938281	.73162	1.14494	.586104	.21388	.958328	.333256	.002516	.663996

step	(4) Fevd	(4) Lower	(4) Upper	(5) fevd	(5) Lower	(5) Upper	(6) fevd	(6) Lower	(6) Upper
0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
1	0	0	0	.901369	.705208	1.09753	.015887	-.068898	.100672
2	.00081	-.006	.007619	.857693	.637052	1.07815	.03002	-.083768	.143809
3	.001858	-.014978	.018695	.804015	.554474	1.05356	.043717	-.098747	.186182
4	.002869	.024766	.030503	.744094	.462141	1.02605	.054431	-.1101/9	.219036
5	.00378	-.034515	.042076	.680835	.365825	.995845	.061532	-.116571	.239635
6	.004589	-.043854	.053032	.61732	.27284	.9618	.065487	-.118653	.249627
7	.005304	.052614	.063223	.556774	.189189	.92336	.067081	-.117734	.251896
8	.005939	-.060728	.072605	.499597	.11706	.881134	.067041	-.11502	.249101
9	.006502	-.068183	.081187	.448285	.05962	.83695	.065931	-.111423	.243286
10	.007004	.074995	.089003	.402614	.013041	.792188	.06416	-.107572	.235891

step	(7) Fevd	(7) Lower	(7) Upper	(8) fevd	(8) Lower	(8) Upper	(9) Fevd	(9) Lower	(9) Upper
0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
1	0	0	0	0	0	0	.957075	.819671	1.09448
2	.012158	-.029229	.053544	.0051	-.026086	.036297	.947882	.810684	1.08508
3	.024599	-.059618	.108816	.008047	-.048409	.064503	.920376	.759447	1.0813
4	.034042	-.083677	.151761	.008158	-.057495	.073811	.879964	.681742	1.07819
5	.040771	-.101906	.183449	.007051	-.054536	.068639	.832798	.595866	1.06973
6	.045534	-.115784	.206853	.006127	-.043253	.055507	.783405	.511648	1.05516
7	.048947	-.126551	.224445	.006075	-.028101	.040251	.734535	.433417	1.03565
8	.051439	-.135095	.237973	.007035	-.016117	.030187	.687686	.362843	1.01253
9	.053298	-.142028	.248624	.008854	.018891	.036598	.643602	.300215	.98699
10	.054715	-.147767	.257197	.011281	-.031219	.053782	.602583	.245093	.960076

95% lower and upper bounds reported
(1) irfname = varbasic, impulse = Lex, and response = Lex
(2) irfname = varbasic, impulse = Lex, and response = Lmi
(3) irfname = varbasic, impulse = Lex, and response = Lrer
(4) irfname = varbasic, impulse = Lmi, and response = Lex
(5) irfname = varbasic, impulse = Lmi, and response = Lmi
(6) irfname = varbasic, impulse = Lmi, and response = Lrer
(7) irfname = varbasic, impulse = Lrer, and response = Lex
(8) irfname = varbasic, impulse = Lrer, and response = Lmi
(9) irfname = varbasic, impulse = Lrer, and response = Lrer

۸ ـ بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی این مطالعه بررسی رابطه پویا و بلندمدت بین درآمد ملی و نرخ واقعی ارز و صادرات غیر نفتی در ایران طی دوره ۱۳۵۵ – ۱۳۸۷ بوده است. نتایج نشان می‌دهد در بلندمدت تاثیر درآمد ملی و نرخ واقعی ارز بر صادرات غیر نفتی مثبت می‌باشد. بررسی پویایی‌های کوتاه‌مدت که از توابع عکس‌العمل آنی و تجزیه واریانس استفاده شد نشان داد که نخست تکانه‌های وارده از طرف نرخ ارز حقیقی و درآمد ملی بر صادرات غیر نفتی در بلندمدت به تعادل می‌رسد. دوم دربین‌متغیرهای بکار رفته در مدل، صادرات غیر نفتی بیشترین سهم توضیح دهندگی را از اختلالات وارد بر خود دارد و درآمد ملی سهم اندکی را در توضیح دهندگی اختلالات دارد. از آنجا که سال ۹۱ به عنوان سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی نامگذاری شده است به نظر می‌رسد یکی از راه‌های اصلی حمایت از سرمایه و کار ایرانی علاوه بر فرهنگ‌سازی در

جهت مصرف کالای ایرانی و معرفی توانمندی‌های داخلی به هم میهنان تلاش در جهت افزایش صادرات کالاهای ایرانی می‌باشد که علاوه بر حمایت از تولید داخلی می‌تواند پیامدهای مثبت بسیاری برای اقتصاد کشور به همراه داشته باشد .

با توجه به رابطه مثبت نرخ ارز، درآمد ملی و صادرات غیر نفتی، از یک طرف در شرایط فعلی به نظر می‌رسد هدفمندی یارانه‌ها و در نتیجه اصلاح چرخه تولید در کشور در یک سال گذشته بسیاری از صنایع را با افزایش بهره‌وری و همچنین ایجاد ارزش افزوده بالا همراه کرده است و از طرف دیگر افزایش نرخ ارز در بازار به رغم اینکه بعضا باعث تورم ۱۰ تا ۱۵ درصدی و افزایش قیمت مواد اولیه وارداتی شد، ولی این فرصت طلایی را در اختیار تولیدکنندگان و صادرکنندگان ایرانی قرار داد که بتوانند با افزایش درآمد ناشی از فروش ارز صادراتی در بازار داخلی، انگیزه بیشتری برای افزایش صادرات داشته باشند و در نتیجه شاهد رشد چشمگیر و معنی دار در صادرات غیرنفتی کشور در سال ۹۰ تا سقف ٤٤ میلیارد دلار بر خلاف تحریم‌های بین‌المللی و مشکلات نقل‌وانتقال پول به داخل کشور بودیم. در حالی که از طرف دیگر شاهد کاهش میزان واردات به ٦۰ میلیارد دلار در سال ۹۰ بودیم که نشان از تنظیم رابطه بین واردات و صادرات و به معنای دیگر مدیریت واردات و افزایش صادرات و تغییر در تراز تجاری کشور به سمت مثبت شدن است .

آنچه مسلم است این است که نمی‌توان اثرات سوء تحریم‌ها بر اقتصاد کشور را نفی کرد اما باید تلاش کنیم تا اثرات تحریم‌ها بر کشور را کاهش دهیم و این آسیب‌ها را به حداقل ممکن برسانیم .

به هر حال دیر یا زود ما باید وارد فضای جهانی شویم و به جای حمایت غیرمنطقی از تولید غیررقابتی با منطقی کردن نرخ ارز هم تولیدات صادرات‌گرا را حمایت کنیم و هم با بالا رفتن هزینه واردات در نهایت تولیدکنندگان داخلی فضای مناسب‌تری در بازار داخلی برای فعالیت خواهند داشت و هم از طرف دیگر شاهد کاهش قاچاق کالا از مجاری غیررسمی و جلوگیری از ضربه زدن به تولید ملی خواهیم بود که در نهایت منجر به تشویق در انتقال سرمایه‌های ایرانیان خارج از کشور و به تبع آن رشد سرمایه گذاری خارجی در کشور می‌شود خواهیم بود .

به طور خلاصه مزایای واقعی شدن نرخ ارز در رابطه با تولید ملی و صادرات را می‌توان به شرح ذیل برشمرد :

۱ . بالا رفتن هزینه واردات و افزایش فضا برای تولیدکنندگان داخلی
۲ . تشویق صادرات به دلیل مقرون به صرفه بودن و در نتیجه جهش در صادرات
۳ . توسعه اشتغال در نتیجه توسعه صادرات

٤. کاهش قاچاق کالا به داخل کشور به دلیل غیراقتصادی شدن آن
٥. کم اثر شدن تحریم‌ها به‌دلیل کاهش وابستگی به درآمد نفت
٦. تنظیم تراز تجاری کشور و مثبت شدن آن که به معنی قطع وابستگی به نفت می‌باشد
٧. حذف رانت موجود بین قیمت مصوب و قیمت آزاد ارز
٨. رونق تولید داخلی و ایجاد ارزش افزوده حاصل از صادرات
٩. رقابتی شدن فضای تولید در کشور و آمادگی برای ورود گسترده به بازارهای جهانی
١٠. انتقال سرمایه ایرانیان مقیم خارج به داخل کشور و رشد سرمایه گذاری خارجی در کشور و
١١. فشار به تولیدکنندگان داخلی جهت کاهش هزینه‌های تولید و افزایش بهره‌وری به منظور رقابت با تولیدات خارجی.

منابع و مآخذ

۱. اله وردیزاده، سهیلا (۱۳۸۷) ـ « بررسی نرخ ارز و تولید ناخالص داخلی در توسعه صادرات غیر نفتی در ایران » ـ اولین همایش ملی توسعه فعالیتهای اقتصادی .

۲. تشکینی، احمد (۱۳۸٤) ـ « اقتصادسنجی کاربردی به کمک مایکروفیت (Microfit) » تهران ـ انتشارات دیباگران .

۳. رحیمی بروجردی . علیرضا (۱۳۷۷) ـ « ارز و صادرات غیرنفتی » ـ تهران ـ مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی .

٤. رسیدگان ، شهره (۱۳۸۰) ـ « بررسی پدیده منحنی جی در ایران » ـ پایان‌نامه کارشناسی ارشد ـ دانشگاه تهران .

۵. سحابی، بهرام، صادقی، حسین و شوره کندی، علی اکبر (۱۳۹۰) ـ « تأثیر نرخ ارز بر صادرات غیر نفتی ایران به کشورهای منتخب خاورمیانه (ترکیه، امارات، عربستان، کویت پاکستان) » ـ مجله پژوهشهای اقتصادی ـ شماره ۱ .

٦. عبداله میلانی، مهنوش، فرخ مسجدی و تیمور محمدی (۱۳۷۵) ـ « بررسی رابطه نرخ ارز بابرخی متغیرهای کلان اقتصادی در ایران » ـ مجله برنامه و بودجه ـ سال اول ـ شماره ۱۰ .

۷. عسلی، مهدی (۱۳۷۵) ـ « برآورد یک مدل اقتصادسنجی با انتظارات عقلایی و کنترل سرمایه برای ایران » ـ مجله برنامه و بودجه ـ سال اول ـ شماره ۹ .

۸. فتحی، یحیی (۱۳۷۷) ـ « بررسی کشش پذیری صادرات غیرنفتی نسبت به تغییرات نرخ ارز» پژوهشنامه بازرگانی ـ شماره ۸ .

۹. گرجی، ابراهیم(۱۳۷۹) ـ « تئوری و سیاستگذاری‌های اقتصادی » ـ تهران ـ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی .

۱۰. نعمتی‌زاده، سینا و تقوی، مهدی(۱۳۸۳) ـ « اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر صادرات غیرنفتی در اقتصاد ایران » ـ پژوهشنامه اقتصادی ـ شماره ٦۹ .

۱۱. ولدخانی عباس (۱۳۷٦) ـ « عوامل تعیین کننده صادرات غیرنفتی در ایران با استفاده از روشهای همگرایی انگل گرنجر و یوهانسن » ـ مجله برنامه و بودجه ـ شماره ۲۲ .

12. Ang, J.B (2007). "Co2 Emissions, Energy Consumption, and Output in France", Energy Policy, No.10, PP.4772 - 4778 .

13. Balassa B. (1990). "Incentive Policies and Export Performance in Sub-Saharan Africa", World Development, Vol. 18 , pp.383 – 91 .

14. Banerjee, A, Dolado, J & Mester, R (1992). "On Some Simple Test for Cointegration: The Cost of Simpilicity", Bank of Spain Working Paper, No. 9302 .

15. Balogu and Dele, Emmanuel.(2007)."Exchange Rate Policy and Export Performance of WAMZ countries", MPRA parer, Vol.15, pp. 23 – 44 .
16. Edwards, S. (1986). "Commodity Export Prices and the Real Exchange Rate in Developing Countries; Coffee in Colombia" , in S. Edwards and L. Ahamed, eds., Economic Adjustment and Exchange Rate in Developing Countries, Chicago,University of Chicago Press.
17. Edwards, S. (1988). "Real and Monetary Determinants of Real Exchange Rate Behavior: Theory and Evidence from Developing Countries", Journal of Development Economics, Vol. 29,pp. 311 – 341 .
18. Edwards, S. (1989). Real Exchange Devaluation and Adjustment Exchange Rate Policy in Developing Countries, Cambridge, Massahussets: MIT Press)
19. Egert, B. and Zumaquero, A. M. (2005). "Exchange Rate Regimes, Foreign Exchange Volatility and Export Performance in Central and Eastern Europe", Review of Development Economics , Vol. 12 , pp. 577–593
20. Khan, Mohsin and Maclom D. Knight (1989). "Import Compression and Export Performance in Developing Countries", The Review of Economics and Statistics, Vol.70, pp.315 – 321 .
21. Sekkat K. and Varoudakis A. (2000). "Exchange Rate Management and Manufactured Exports in Sub Saharan Africa", Journal of Development Economics, Vol.61, pp. 237 – 253 .
22. Singh T. (2002). "India's Trade Balance: The Role of Income and Exchange Rates", Journal of Policy Modeling, Vol.24 , pp. 437 – 452 .
23. Zhou S. (1995). "The Response of Real Exchange Rates to Various Economic Shocks", Southern Economic Journal, April,Vol.61 , pp. 936 -954 .

بررسی تاثیر موقعیت مکانی بر تصمیم صادراتی بنگاه‌های صنعتی ایران

دکتر محسن پورعبادالهان کویچ[1] ـ دکتر پرویز محمدزاده[2]
مجتبی همتی[3] ـ اکرم اکبری[4]

مقدمه

صادرات ، که از فروش تولیدات یا خدمات به کشورهای دیگر به منظور کسب درآمد ارزی حاصل می شود، در برقراری موازنه تجاری و ایجاد تعادل اقتصادی کمک شایانی نموده و لازمه رشد و توسعه اقتصادی هر کشوری است. در حال حاضر، برخی از کشورهای در حال توسعه همچون ایران، به شدت متکی به درآمد حاصل از صادرات مواد اولیه نظیر نفت خام هستند. به منظور برون‌رفت از وابستگی اقتصاد به درآمدهای حاصل از مواد اولیه ، بایستی صادرات دیگر محصولات همچون محصولات صنعتی بیشتر مورد توجه قرار گیرد . بنگاه‌های صادرکننده به سه دلیل زیر به عنوان بنگاه‌های با بهره‌وری بالا در نظر گرفته می‌شوند :

۱) بازارهای بین‌المللی رقابتی‌تر از بازارهای داخلی هستند و این مسأله بیانگر آن است که تنها بنگاه‌های با کارایی بالا می‌توانند در بازارهای بین‌المللی دوام بیاورند .

۲) زمانی که بنگاه‌های صادراتی در بازارهای خارجی فروش دارند هزینه‌های حمل و نقل و معاملات بیشتری را متقبل می‌شوند. از این رو تنها بنگاه‌های با بهره‌وری بالا می‌توانند بر این هزینه‌ها غلبه کرده و به صادرات مبادرت ورزند .

۳) ورود در بازارهای بین‌المللی این موقعیت را برای بنگاه فراهم می‌کند که از نوآوری‌ها و توسعه فن‌آوری در بازارهای خارجی آگاهی یافته و با شبیه‌سازی دانش جدید، موقعیت خود را در بازارهای داخلی و خارجی تقویت نمایند، در نتیجه بنگاه‌های صادراتی بهره‌وری بیشتری خواهند داشت .

دلایل فوق نشان‌دهنده اهمیت صادرات برای بنگاه‌ها می‌باشد، چرا که رسیدن به سطح بهره‌وری بالا مستلزم آن است که بنگاه‌ها حائز یک سری ویژگی‌های مطلوب شوند تا بدین ترتیب

---

۱ ـ استادیار گروه اقتصاد دانشگاه تبریز
۲ ـ استادیار گروه اقتصاد دانشگاه تبریز
۳ ـ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی گروه اقتصاد دانشگاه تبریز
۴ ـ دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی گروه اقتصاد دانشگاه تبریز

بتوانند در مرحله بعد اقدام به صادرات نمایند و خود صادرات ، دوباره منجر به افزایش ویژگی‌های مطلوب مذکور و به عبارت بهتر باعث هم‌افزایی بیشتر بنگاه خواهد شد .

در خصوص پاسخ به این سؤال که آیا بنگاه‌های با ویژگی مطلوب، صادرکننده می‌شوند یا اینکه بنگاه‌های صادرکننده‌ها بهره‌وری بالایی کسب می‌کنند؟ محققینی همچون تایبوت (۱۹۹۸)[1] برنارد و جنسن (۱۹۹۹)[2] ، رابرتس و چانگ (۲۰۰۲)[3] بررسی‌هایی در مناطق مختلف انجام داده و دریافتند که عمدتاً بنگاه‌های با ویژگی‌های مطلوب صادرکننده می‌شوند و شواهد کمی در حمایت از این موضوع که بنگاه‌های صادراتی به بنگاه‌های با بهره‌وری بالا تبدیل می‌شوند، وجود دارد .

در هر حال، ارتباط نزدیکی بین موفقیت بنگاه و صادراتی بودن آن وجود دارد. بنگاه‌ها به مرور زمان درمی‌یابند که رشدمداوم درآمد آنها ازطریق فروش خارجی محصولات آنها امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر بنگاه‌های مختلف برای موفقیت دیگر نمی‌توانند صرفاً به بازارهای داخلی متکی باشند و باید تولیدات خود را به بازارهای خارجی توسعه دهند. هرچند برای شروع صادرات این بنگاه‌ها باید ابتدا عملکرد خود را بهبود بخشند تا بتوانند از پس هزینه‌های اضافی برآمده و بر رقابت فزاینده غلبه کنند. برای موفقیت در ورود به بازارهای خارجی از طریق صادرات، عوامل مختلفی مؤثر می‌باشند. این عوامل به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم‌بندی می‌شوند که عوامل داخلی مربوط به خود بنگاه بوده و عوامل خارجی در سطح کلان مورد بررسی قرار می‌گیرند .

در فرایند جهانی‌سازی تولیدات و تجارت، برخی بنگاه‌ها وارد بازارهای خارجی می‌شوند تا فرصت‌های کسب و کار را شناسایی کرده و کاهش فروش داخلی را از این طریق جبران نمایند. با این وجود و علیرغم جاذبه‌های بسیار بازارهای بین‌المللی، بسیاری از بنگاه‌ها حاضر به ورود به بازارهای بین‌المللی و بررسی فرصت‌های کسب و کار در بازارهای خارجی نیستند. علت عمده این مسئله را باید در هزینه سرمایه‌گذاری ثابت ورود به صادرات جستجو کرد. بنگاه‌ها برای ورود اولیه به بازارهای خارجی نیازمند اطلاعات خاصی هستند. محققینی همچون دیویدسون (۱۹۸۰)[4] و ارامیلی (۱۹۹۱)[5] عنوان می‌کنند که تجربه یک عامل حیاتی است که باعث موفقیت بنگاه در امر صادرات می‌شود. تجربه صادراتی بنگاه‌های مجاور در منطقه و صنعت خاص، با کاهش هزینه‌های برگشت‌ناپذیر ورود[6]، کمک مؤثری برای بنگاه‌هایی که برای نخستین بار وارد بازارهای بین‌المللی می‌شوند می‌کند. از لحاظ جغرافیایی، بنگاه‌هایی که به بازارهای خارجی نفوذ می‌کنند ، هزینه‌های ورود را برای صادرکنندگان بالقوه کاهش می‌دهند. مخصوصاً فعالیت‌های

1 - Tybout
2 - Bernard & Jenson
3 - Roberts & Chung (2002)
4 - Davidson (1980)
5 - Erramilli (1991)
6 - Sunk cost

صادراتی یک بنگاه، هزینه دسترسی به بازارهای خارجی را برای بنگاه‌های موجود در صنعت مشابه و منطقه مجاور کاهش می‌دهد. تمرکز جغرافیایی صادرکنندگان باعث به وجود آمدن زیرساخت‌های لازم برای حمل و نقل همچون امکان انبارداری، خطوط راه‌آهن و ... گردیده و به خصوص دستیابی به اطلاعات درباره محصولات مورد علاقه مشتریان را آسان می‌سازد. بدین ترتیب، تمرکز جغرافیایی صادرکنندگان در یک صنعت خاص، یک پتانسیل بالقوه از دانش و اطلاعات برای سایر بنگاه‌های موجود در آن صنعت و آن منطقه فراهم می‌کند. مطالب فوق بیانگر اهمیت تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی در تصمیم صادراتی بنگاه‌ها است که در تحقیق حاضر مورد مطالعه قرار خواهد گرفت .

هدف این تحقیق بررسی عوامل مؤثر بر تصمیم صادراتی بنگاه‌ها است. برای این منظور با استفاده از اطلاعات کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر ایران در سال ۱۳۸۶، عوامل مؤثر بر تصمیم صادراتی این بنگاه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. از مهمترین متغیرهای مؤثر بر تصمیم صادراتی بنگاه‌های مذکور می‌توان به اندازه بنگاه، بهره‌وری نیروی کار، شدت سرمایه انسانی اشاره کرد. در کنار عوامل مزبور، موقعیت مکانی بنگاه نیز یکی از مهمترین عوامل مؤثر برتصمیم صادراتی بنگاه‌ها در نظر گرفته می‌شود. تأکید و نیز تمایز این پژوهش با سایر مطالعات مشابه در نظر گرفتن شاخص تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی است. دلیل این مسئله نیز در آن است که مهمترین مشکل‌بنگاه‌ها برای ورودبه بازارهای خارجی و آغاز صادرات، هزینه ورود می‌باشد که با صادرات بنگاه‌های مجاور در صنعت مزبور و افزایش تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی ، هزینه ورود به بازارهای خارجی برای دیگر بنگاه‌ها نیز کاهش یافته و بر تصمیم صادراتی آنها تأثیر مثبت می‌گذارد .

مروری بر ادبیات تحقیق

مطالعات بسیاری در زمینه تأثیر عوامل مختلف بر تصمیم صادراتی بنگاه‌ها انجام شده است، امامطالعات اندکی موقعیت مکانی بنگاه را به عنوان عوامل مؤثر بر تصمیم صادراتی بنگاه‌ها در نظر گرفته‌اند .

پیشتوانه نظری پدیده ایجاد تمرکز یا تجمیع جغرافیایی صنایع را اولین بار مارشال[1] در نظریه صرفه‌های اقتصادی ناشی از تجمیع بیان کرد. در چارچوب این نظریه شرکت‌های کوچک درعین حال که رقبای طبیعی همدیگرند، اعضای داخل یک شبکه مستقل هستند. آثار ناشی از تجمیع آنقدر می‌تواند محسوس باشد که مزایای رقابت صرفاً درچارچوب این تجمع می تواند معنا پیدا کند. مفهوم تمرکز یا تجمیع جغرافیایی صنایع به علت تازه بودن و عدم استحکام کافی در نظریه پردازی هنوز دارای ابهاماتی در تعریف و کاربرد است .

1 - Marshal

مطالعاتی که بر روی اهمیت صادرات بنگاه‌های همسایه بحث می‌کنند، بیان می‌کنند که فعالیت‌های صادراتی سایر بنگاه‌های همسایه از لحاظ جغرافیایی و صنعتی، هزینه بنگاه را برای دستیابی به بازارهای صادراتی کاهش می‌دهند و برای غلبه بر هزینه‌های ورود به بازارهای خارجی کمک مؤثری می‌کنند. مطابق این مطالعات، بنگاه‌هایی که در بازارهای بین‌المللی فعالیت می‌کنند دانش و فن‌آوری و اطلاعات لازم را به دست می‌آورند که نه تنها بازخور مثبتی بر روی دانش و فن‌آوری خود بنگاه‌های مزبور دارد بلکه برای بنگاه‌هایی که در صنایع و مناطق مشابه فعالیت می‌کنند نیز مفید بوده و تأثیر مهمی در تصمیم صادراتی آنها دارد. فلذا وجود بنگاه‌های صادراتی در یک منطقه و صنعت خاص تأثیر بسزایی در تمایل سایر بنگاه‌های غیر صادراتی موجود در آن منطقه و صنعت برای صادرات دارد، چرا که تجربه سایر بنگاه‌های آن صنعت در منطقه مزبور باعث کاهش هزینه‌های ورود آنها شده و بدین ترتیب، موفقیت بنگاه‌های صادراتی تمایل به صادرات را در سایر بنگاه‌ها تقویت می‌کند.

صرفه‌های اقتصادی مربوط به مکان را به مارشال (۱۹۲۰)[1] نسبت می‌دهند. او معتقد بود که همواره صرفه‌های بیرونی برای بنگاه‌ها در یک مکان و صنعت خاص وجود دارد و صرفه‌های مکانی به ویژگی‌های منطقه‌ای و تمرکز در یک صنعت خاص مربوط می‌شود. مارشال بیان می‌دارد که این ویژگی‌های منطقه‌ای ـ صنعتی باعث جریان بالقوه دانش و اطلاعات برای بنگاه‌ها در یک صنعت خاص می‌شود.

هندرسون (۱۹۸٦)[2] بیان می‌دارد که اثر تمرکز جغرافیایی بنگاه‌های صادراتی به دلیل جریان دانش و اطلاعات درباره بازارهای خارجی است.

رابرتس و تایبوت (۱۹۹۷)[3] یک مدل پویا از تصمیم صادراتی بنگاه‌ها ارائه داده‌اند که در آن، هزینه‌های اولیه به عنوان یک مانع برای صادرات مطرح گردیده بود.

آیتکن و همکاران (۱۹۹۷)[4] از لحاظ جغرافیایی امکان دستیابی بنگاه‌ها به اطلاعات و دانش محلی از طریق صادرکنندگان بین‌المللی و داخلی را بررسی نموده و به این نتیجه رسیدند که صادرکنندگان، اطلاعات و دانش مفیدی برای بنگاه‌های غیر صادراتی مجاور فراهم می‌کنند که این اطلاعات می‌تواند بر روی تصمیم صادراتی بنگاه‌های غیر صادراتی تأثیر مثبت گذارد.

مالمبرگ و همکاران (۲۰۰۰)[5] به بررسی تأثیر صرفه‌های مکانی برروی عملکرد بنگاه‌های صادراتی سوئد در سال ۱۹۹٤ پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیدند که صرفه‌های مکانی بر روی رفتار صادراتی بنگاه‌های منطقه مؤثر است. ایشان یافتند که صرفه‌های اقتصادی و شهری از اثرات

1 - Marshal (1920)
2 - Harrison (1997)
3 - Roberts & Tybout (1997)
4 - Aitken (1997)
5 - Mallemberg (2000)

صنعتی جدا بوده که از جمله عوامل موثر بر صادرات می‌باشند . عملکرد بالای صادراتی با صرفه‌های فزاینده عملیات مرتبط است. از اندازه بنگاه هم به عنوان یک عامل مهم در عملکرد بنگاه‌های صادراتی می‌توان نام برد. ایشان همچنین به اثرات سرریز بنگاه صادراتی رهبر در محل اشاره دارند که نشاندهنده مقیاس فزاینده عملیات می‌باشد .

بچتی و روسی (۲۰۰۰) [1] با بررسی داده‌های مربوط به ۳۸۰۰ بنگاه تولیدی ایتالیایی بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۱ به این نتیجه رسیدند که تمرکز جغرافیایی بنگاه در صنایع مورد بررسی شدت صادرات را تا ٤ درصد افزایش می‌دهد .

کارلسن (۲۰۰۵)[2] با مطالعه بنگاه‌های چینی دریافت که تمرکز جغرافیایی بنگاه‌ها در یک صنعت باعث جذابیت بیشتر صادرات و ترغیب سایر بنگاه‌ها برای شروع صادرات می‌شود .

لاولی و همکاران(۲۰۰۵)[3] با استفاده از داده‌های مربوط به بنگاه‌های مادر آمریکا در سال ۲۰۰۰ به آزمون فرضیه‌ایی پرداختند که بیان می‌کرد بنگاه‌ها برای کاهش هزینه کسب اطلاعات ویژه صادراتی باید در منطقه‌ایی که تمرکز بنگاه‌های صادرکننده بیشتر است: قرار بگیرند و به این نتیجه رسیدند که تمرکز جغرافیایی فعالیت‌های صادراتی بنگاه‌های صادرکننده در مناطق مختلف باعث بالا رفتن نسبت صادرات به کشورهای با محیط تجاری پیچیده می‌شود .

میتلستید (۲۰۰٦)[4] معتقد است که صرفه‌های مربوط به تمرکز جغرافیایی بنگاه‌ها، احتمال صادرات برای بنگاه‌های کوچک جنوب شرقی ایالات متحده را افزایش می‌دهد. وی به این نتیجه رسید که بدلیل تمرکز جغرافیایی بیشتر در یک صنعت، احتمال تصمیم به صادرات در بنگاه‌های کوچک و متوسط منطقه افزایش می‌یابد.نتایج به دست آمده با اندازه بنگاه یکسان است و همگام با انتظارات که از جغرافیای اقتصادی مطرح است، باعث منفعت بردن بنگاه‌های کوچک از این تمرکز صنایع در منطقه می‌شود. بنگاه‌های کوچک و متوسط از نیروی کار متخصص بهره برده و این باعث می‌شود که بنگاه به احتمال زیاد تصمیم به صادرات بگیرد. برای بنگاه‌هایی که نزدیک سایر بنگاه‌های هم‌گروه هستند، توانایی صادرات به بهره بردن از فرصت‌های مربوط به صرفه‌های مکانی بستگی دارد .

آلوارز (۲۰۰۷)[5] عوامل تعیین‌کننده در عملکرد و موفقیت صادراتی در مورد بنگاه‌های کشور شیلی را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که علاوه بر مهارت‌های نیروی‌کار و نوآوری‌های تکنولوژیکی که تأثیر مثبت بر روی صادرات بنگاه دارند، تجربه صادراتی گذشته و افزایش در بهره‌وری نیز بر روی صادراتی بودن بنگاه تأثیر مثبت می‌گذارد .

1 - Becchetty & Rossi (2000)
2 - Carlson (2005)
3 - Lovely (2005)
4 - Mittelstaedt (2006)
5 - Alvarez (2007)

جوهانسون (۲۰۰۹)[1] در پژوهشی به بررسی تاثیر ویژگی‌های سطح بنگاه، تجربه صادراتی بنگاه‌ها و متغیر مکانی بر تصمیم صادراتی بنگاه‌های تولیدی در کشور سوئد پرداخت. وی سه نوع تصمیم صادرات برای بنگاه‌های تولیدی در نظر گرفت: صادرکننده دائمی، صادرکننده موقت بدون تصمیم صادراتی. وی همچنین به بررسی و تحلیل تصمیم بنگاه در مورد توسعه فعالیت‌های صادراتی از جنبه محصول و بازارهای جدید جغرافیایی پرداخت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قرارگرفتن بنگاه در منطقه‌ایی که تمرکز بنگاه‌های صادراتی با محصولات مشابه در آن بالاست احتمال اینکه بنگاه به صادرکننده موقت یا دائمی تبدیل شود افزایش می‌یابد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که تصمیم صادراتی بنگاه در سال‌های گذشته، احتمال دائمی شدن صادرات بنگاه در دوره جاری را افزایش می‌دهد. بررسی‌های وی درباره توسعه فعالیت‌های صادراتی بنگاه نشان می‌دهد که بنگاه با شدت سرمایه انسانی بیشتر و تجربه صادراتی از دوره‌های گذشته باعث می‌شود که بنگاه محصولات جدیدی را روانه بازارهای صادراتی کند. وی همچنین به این نتیجه رسید که احتمال تصمیم حضور در بازارهای جغرافیایی جدید صادراتی با بهره‌وری نیروی کار در سطح بنگاه و تجربه صادراتی، رابطه مستقیمی دارد .

در زمینه مطالعات داخلی، اگرچه مطالعات چندی به بررسی عوامل مختلف مؤثر بر صادرات بنگاه‌ها پرداخته‌اند، اما هیچکدام از آنها نقش تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی را در نظر نگرفته‌اند و نقطه تمایز مطالعه حاضر با سایر مطالعات مشابه داخلی نیز در همین مسئله در نظر گرفتن متغیر جغرافیایی ـ صنعتی به عنوان یک عامل مؤثر در تصمیم صادراتی بنگاه‌ها می‌باشد .

پیراسته و صامتی (۱۳۸۰) با استفاده از یک مدل پانل آماری سهم صادرات هر زیر بخش را برای ۸۱۸ مشاهده برای متغیرهای مختلف در هر معادله، از جمله درصد کالاهای دارای مهر استاندارد ، سهم مواد اولیه و لوازم بسته‌بندی خارجی، هزینه های تحقیق و توسعه، بهره وری نیروی کار،ستانده صنعت،نرخ ارز، مزیت نسبی آشکار، نسبت کارگران غیر ماهر به کل شاغلان و درصد کارگاه‌های صنعت با مدیریت بخش خصوصی برازش کردند. نتایج آن ها نشان می‌دهد هزینه‌های تحقیق توسعه تأثیر مثبت بر سهم صادرات هر بخش داشته، در حالی که بهره وری نیروی کار تأثیر منفی بر آن دارد. به علاوه هر چه سهم بنگاه‌ها با مدیریت خصوصی افزایش می‌یابد ، سهم صادراتی کاهش می یابد .

رحمان سرشت و صنوبر، (۱۳۸۰)، در پژوهشی به بررسی رابطه استراتژی، کارایی و عملکرد صادرکنندگان ایرانی پرداختند. ایشان از این پژوهش به این نتیجه رسیدند بین راهبرد محصول با کارایی و نرخ رشد صادرات رابطه مثبت و بین نوع راهبرد بازار و حجم صادرات و

1 - Johansson (2009)

نرخ رشد صادرات رابطه مثبت و ضعیف وجود دارد. به عبارتی این پژوهش نشان‌دهنده رابطه مثبت معنادار بین راهبرد محصول و عملکرد از نظر نرخ رشد صادرات است .

کریمی و پیراسته (۱۳۸۳) با استفاده از روش سیستم معادلات همزمان به ارزیابی و تحلیل اثرات متقابل بهره‌وری نیروی انسانی، هزینه‌های تولید و صادرات کالاهای صنعتی در ایران پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که آموزش و مهارت نیروی انسانی، تأثیر مثبت و معنی داری بر روی صادرات صنعتی طی دوره ۱۳۷۳ ـ ۱۳۷۸ داشته‌اند .

بهبودی و ممی پور(۱۳۸٦) درمقاله‌ایی باعنوان «تجارت بین‌الملل،سرریز دانش و بهره‌وری کل عوامل تولید در ایران» به بررسی اثرهای سرریز دانش ناشی از تجارت بین‌الملل روی بهره‌وری کل عوامل تولید در ایران به تفکیک بخش‌های اقتصادی و با استفاده از روش داده‌های تابلویی پرداختند. نتایج به دست آمده حاکی از رابطهٔ مثبت و معنادار هزینه‌های تحقیق و توسعه داخلی و واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای با بهره‌وری کل عوامل تولید است ؛ همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایهٔ انسانی نیز از عوامل مؤثر دیگر در ارتقای بهره‌وری عوامل تولید هستند .

روش‌شناسی تحقیق

به منظور بررسی تاثیر موقعیت مکانی بنگاه‌های صنعتی در کنار سایر متغیرهای سطح بنگاه (همچون اندازه بنگاه، بهره‌وری نیروی کار و شدت سرمایه انسانی)، بر تصمیم صادراتی بنگاه‌ها از روش‌های رگرسیونی گسسته استفاده خواهد گردید. بر همین اساس و با توجه به مطالعاتی همچون جانسون (۲۰۰۹)[1] ، مدل تحقیق به صورت زیر ارائه می‌گردد :

$$Y_i = \beta_0 + \beta_1 APL_i + \beta_2 SIZE_i + \beta_3 HCI_i + \beta_4 GCI_i + U_i$$

$$Y_i = \begin{cases} 1 & \text{اگر بنگاه i صادر کننده باشد} \\ 0 & \text{در غیر این صورت} \end{cases}$$

که در آن APL بهره‌وری نیروی کار ، HCI شدت سرمایه انسانی ، SIZE اندازه بنگاه و GCI تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی بوده و اندیس i نشان‌دهنده بنگاه می‌باشد. این متغیرها به صورت زیر تعریف عملیاتی می‌شوند :

1 - Johansson (2009)

بهره وری نیروی کار

بهره‌وری نیروی کار از تقسیم میزان ارزش افزوده هر کارگاه صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر بر تعداد کارکنان آن کارگاه به دست می‌آید .

شدت سرمایه انسانی

برای به دست آوردن شدت سرمایه انسانی، ابتدا میزان سرمایه انسانی برای هر کارگاه صنعتی محاسبه شده و سپس بر تعداد کارکنان کارگاه صنعتی مزبور تقسیم می‌شود. سرمایه انسانی هر کارگاه صنعتی نیز از جمع کارکنان دارای تحصیلات عالی(فوق دیپلم به بالا) به دست می‌آید .

اندازه بنگاه

در این پژوهش از میزان فروش هر کارگاه صنعتی به عنوان اندازه بنگاه استفاده شده است.

تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی

شاخص تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی مهمترین متغیر تحقیق است که نشان‌دهنده موقعیت مکانی بنگاه بوده و برای به دست آوردن آن از کدهای نشان‌دهنده مکان جغرافیایی بنگاه‌ها استفاده گردیده است. برای این منظور، بنگاه‌های صادراتی و غیرصادراتی هر منطقه جغرافیایی و صنعت خاص از یکدیگر تفکیک گردیده‌اند. تفکیک صنایع از هم با توجه به کدهای ISIC صورت گرفته است. سطح بررسی مکانی نیز در سطح استان تعیین گردیده است. با توجه به مطالعات آیتکن و همکاران (۱۹۹۷)، آلوارز (۲۰۰۷) و باریوس (۲۰۰۳)[1]، متغیر تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی به صورت زیر محاسبه می‌شود :

$$\text{تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی} = \frac{\frac{\text{تعداد بنگاه های صادر کننده در یک صنعت و منطقه خاص}}{\text{کل صادرکنندگان کشور در صنعت مزبور}}}{\frac{\text{تعداد بنگاه ها در یک صنعت و منطقه خاص}}{\text{کل بنگاه های کشور در صنعت مزبور}}}$$

شاخص تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی می‌تواند اعداد صفر و بزرگتر از صفر را به خود بگیرد. اگر در یک منطقه خاص (استان) هیچ بنگاه صادراتی از صنعتی خاص موجود نباشد شاخص مذکور صفر خواهد شد. بنابراین وجود حداقل یک بنگاه صادراتی در منطقه که مربوط به صنعتی خاص می‌باشد، باعث بزرگتر شدن این شاخص می‌گردد. به عنوان مثال اگر در صنعت مواد غذایی ۱۰۰ بنگاه بالای ده نفر کارکن در کشور وجود داشته باشد که از این ۱۰۰ بنگاه ۱۵

1 - Barrios (2003)

بنگاه در استان آذربایجان شرقی وجود دارد ، از طرفی کل بنگاه‌های صادرکننده در این صنعت ۱۰ می‌باشد ، یعنی ۱۰ درصد کل بنگاه‌های مربوط به صنایع غذایی کشور صادرکننده هستند حال اگر از این ۱۰ بنگاه ۲ بنگاه در استان آذربایجان شرقی قرار داشته باشد، شاخص تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی قابل محاسبه خواهد بود که در این مثال به عدد ۱/۳۳ می‌رسیم که نشان می‌دهد استان آذربایجان شرقی در صنعت مواد غذایی مزیت متوسطی دارد . در جدول ۱ تقسیم‌بندی مزیت‌های صادراتی استان‌ها در صنایع مختلف با توجه به شاخص عددی تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی آمده است .

جدول ۱ ـ تقسیم‌بندی مزیت صادراتی

شاخص تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی	نوع مزیت
۰	عدم مزیت
۰-۱	مزیت کم
۱-۱/۵	مزیت متوسط
۱/۵-۲	مزیت زیاد
بزرگتر از۲	مزیت خیلی زیاد

داده‌ها

جدول ۲ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. مقایسه آمار توصیفی بنگاه‌های صادراتی و غیرصادراتی در جدول یک نشان می‌دهد که تقریباً ۸/۸ درصد بنگاه‌ها، صادراتی بوده و از نظر متغیرهای مربوط به اندازه شرکت، شدت سرمایه انسانی، بهره‌وری نیروی کار و تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی تأیید کننده یافته‌های قبلی می باشد. در این جدول میانگین و میانه متغیرهای مختلف به تفکیک شرکت‌های صادراتی و غیرصادراتی به دست آمده است. همان طور که مشاهده می‌شود از فروش به عنوان اندازه شرکت استفاده شده است که تفاوت زیادی بین شرکت‌های صادراتی و سایر شرکت‌ها وجود دارد، این مطلب بیانگر این است که شرکت‌های صادراتی دارای اندازه بزرگتری می‌باشند.در مورد شدت سرمایه انسانی هم شرکت‌های صادراتی میانگین و میانه بالاتری را دارند، که نشاندهنده این مطلب است که شرکت های صادراتی از نیروهای تحصیل کرده بیشتری استفاده کرده‌اند که حداقل مدرک آنها فوق دیپلم می‌باشد.در مورد بهره‌وری نیروی کار نیز وضع به همین منوال است و شرکت‌های صادراتی از نیروی کار با بهره‌وری بالا برخوردار است . در مورد متغیر تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی هم به وضوح معلوم است که تراکم شرکت‌های صادراتی باعث بالاتر بودن میانگین و میانه این متغیر در شرکت‌های صادراتی شده است .

جدول۲ ـ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	واحد	میانگین	میانه	انحراف معیار	بزرگترین	کوچکترین
تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی	درصد	۰/۹۹۸۲۲۵	۰/۹۰۹۱۳	۰/۸۳۳۸۸۸	۱۶	۰
بهره‌وری نیروی کار	میلیارد ریال	۲۰/۵	۶۰	۵۳۴	۱۴۰۰۰	۰
شدت سرمایه انسانی	درصد	۰/۱۰۵۹۹۳۴	۰/۱	۰/۰۸۰۶۲۸۲	۰/۲۷۲۷۲۷	۰
اندازه (فروش)	میلیارد ریال	۲۱/۶	۴/۳۵	۵۰/۲۴۸	۲۶۰	۰

با نگاهی به جدول ۳ ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا میانگین شاخص تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی برای بنگاه های غیرصادراتی با توجه به اینکه این متغیر بیانگر تراکم بنگاه‌های صادراتی در منطقه و صنعت است، صفر نمی‌باشد؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت چون شاخص مذکور در سطح منطقه برای تک تک بنگاه‌ها محاسبه شده است و با توجه به روش محاسبه این متغیر، اگر در آن منطقه صادرکننده‌ای وجود داشته باشد، شاخص مذکور هم برای بنگاه های صادرکننده و هم برای بنگاه‌های غیر صادراتی رقم یکسانی بوده و بزرگتر از صفر می باشد و لذا متوسط شاخص تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی حتی برای بنگاه‌های غیرصادراتی لزوماً صفر نبوده و می تواند عددی مثبت باشد .

جدول ۳ ـ مقایسه آمار توصیفی بنگاه‌های صادراتی و غیرصادراتی متغیرهای تحقیق

تعداد شرکت‌ها		غیر صادراتی		صادراتی	
		۱۲۰۵۸		۱۱۷۴	
متغیر	واحد	میانگین	میانه	میانگین	میانه
اندازه (فروش)	میلیارد ریال	۳۵۷۳	۶۰۹۰	۳۹۴۹۷۸	۴۰۲۱۰
شدت سرمایه انسانی	درصد	۰/۱۶۲	۰/۱۳۸	۰/۳۱۹	۰/۱۶۵
بهره وری نیروی کار	میلیارد ریال	۱۳/۲	۷۹	۲۸/۶	۱۳۶
تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی	درصد	۰/۸۴۷	۰/۴۷۷	۲/۷	۱/۷

مورد قابل ذکر دیگری هم که می‌توان بدان اشاره نمود این است که میانگین شاخص تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی برای بنگاه‌های صادراتی بیشتر از بنگاه‌های غیرصادراتی است چراکه در زمان محاسبه این متغیر برای بنگاه های صادراتی می‌توان از وجود حداقل یک صادرکننده در

منطقه مطمئن شد در نتیجه هرگز احتمال صفر شدن این متغیر برای بنگاه‌های صادراتی وجود ندارد در حالی که این احتمال برای شرکت‌های غیرصادراتی وجود داشته و با توجه به اینکه اغلب مناطق بنگاه‌های غیرصادراتی را در بردارد درنتیجه میانگین این شاخص برای بنگاه‌های صادراتی بزرگتر ازبنگاه‌های غیرصادراتی است .

هدف از پژوهش حاضر ، بررسی تأثیر موقعیت مکانی بر تصمیم صادراتی بنگاه است. بنابراین متغیر وابسته موهومی بوده، دو حالت تصمیم به صادرات یا عدم تصمیم به صادرات دارد. مدل‌هایی که این گونه متغیرها در آن‌ها لحاظ شده باشد، مدل‌های انتخاب گسسته نامیده می‌شوند که اساساً غیر خطی می‌باشند. یکی از پرکاربردترین این مدل‌ها، مدل پروبیت است. این مدل برای حالاتی مناسب است که هدف آن پیش بینی وقوع یا عدم وقوع یک متغیر بر حسب متغیرهای دیگر است. در این مطالعه با استفاده از نرم افزار STATA به تخمین مدل رگرسیون پروبیت پرداخته و نتایج حاصل از آن گزارش و تفسیر خواهد شد .

پیش از بررسی مدل، لازم است نکویی مدل برازش شده ارزیابی گردد. در رگرسیون پروبیت با استفاده از دو معیار نکویی برازش مدل ارزیابی می‌گردد که مهمترین آن‌ها LR است. این معیار مانند آماره F در رگرسیون معمولی عمل می‌کند. مقدار chi2 مربوط به این آماره با درجه آزادی ٤ برابر ٦٨٨/٣٨ است و احتمال مربوط به آن صفر است. بنابراین، فرض عدم معناداری مدل رد می‌شود و مدل معنادار و قابل تکیه است. معیار دیگری که برای ارزیابی به کار می‌رود Log likelihood است. مقدار این آماره منفی است و هر چه قدرمطلق آن بزرگتر باشد حاکی از مناسب بودن مدل است. مقدار به دست آمده برای این مدل عدد ٣٦١٩/٨٠٢١ – است بنابراین، بر اساس این معیار نیز مدل معنادار و قابل اعتماد است .

جدول ۴ ـ نتایج نهای تخمین مدل پروبیت

نام متغیر	ضریب (β)	انحراف استاندارد	مقدار Z	احتمال	اثرات نهایی
تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی	۰/۳۱۲۸	۰/۰۱٦۹۱	۱۸/۵۰	۰/۰	۰/۰٤٥۲۸
بهره‌وری نیروی کار	۰/۱۸۵۵	۰/۰۲۳٤۹	۷/۹۰	۰/۰	۰/۰۲٦۸٦
شدت سرمایه انسانی	۰/۷۹۷٦	۰/۱۱۳۹	۷/۰۰	۰/۰	۰/۱۱۵٤
اندازه (فروش)	۰/۰۰۰۳۵۱۸	۰/۰۰۰۰۳٤۵	۱۰/۱۹	۰/۰	۰/۰۰۰۰۵۰۹
LR chi2(4)= 688.38 Prob chi2 = 0.000 Log likelihood = -3619.8021					

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج برآورد مدل پروبیت در جدول، متغیرهای تحقیق در سطح معنی داری یک درصد بر تصمیم صادراتی بنگاه تأثیرگذار می‌باشند. در الگوهای پروبیت ضریب‌های برآورد شده اولیه فقط علایم تاثیر متغیرهای توضیحی را روی احتمال پذیرش متغیر وابسته نشان می‌دهد ولی تفسیری ندارد. در این حالت از اثر نهایی متغیرها استفاده می‌شود.

با مراجعه به نتایج مدل اصلی می‌توان نتایج مربوط به آزمون Z را مشاهده نمود. مقدار آماره متغیر تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی۱۸/۵ است. این مقدار بیش از مقدار Z مربوط به جدول توزیع احتمال است و تاثیرگذاری این متغیر بر متغیر وابسته تایید می‌شود. بنابراین در سطح معنی داری ۱، ۵ و ۱۰درصد این متغیر بر احتمال تصمیم صادراتی بنگاه‌ها اثرگذار است. علامت ضریب برآورد شده متغیر تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی مثبت به دست آمده است (همانطوری که انتظار می‌رفت) که نشان می‌دهد، اگر تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی بنگاه‌ها افزایش یابد، احتمال تصمیم بنگاه‌ها برای صادرات افزایش می‌یابد. اثر نهایی مربوط به این متغیر نشان می‌دهد که افزایش یک درصد در تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی بنگاه باعث می‌شود که احتمال تصمیم به صادرات بنگاه‌ها ۰/۰۴۵درصد افزایش یابد .

مقدار آماره مربوط به آزمون Z برای متغیر بهره‌وری نیروی‌کار۷/۹۰ است که با مقایسه مقدار Z با مقدار Z جدول توزیع احتمالات، تعیین می‌شود که این متغیر بر مدل اثرگذار است. با توجه به اثر نهایی این متغیر و علامت مثبت آن می‌توان گفت که افزایش در بهره‌وری نیروی کار باعث افزایش احتمال تصمیم به صادرات بنگاه‌های صنعتی خواهد شد. در واقع با توجه به جدول می‌توان گفت که افزایش یک درصد در بهره‌وری نیروی کار باعث افزایش احتمال تصمیم به صادرات بنگاه‌ها به میزان ۰/۰۲۶درصد می‌شود .

متغیر بعدی که مورد بررسی قرار می‌گیرد ، شدت سرمایه انسانی است. مقدار آماره مربوط به Z این متغیر ۷ می‌باشد که در سطح معنی‌داری ۱درصد و در سطح اطمینان ۹۵٪ بر متغیر وابسته اثرگذار است. علامت مثبت آن نیز بیانگر تاثیر مثبت متغیر شدت سرمایه انسانی بر متغیر تصمیم صادراتی است. ضریب نهایی مربوط به این متغیر در جدول نشان می‌دهد که با افزایش یک درصد در شدت سرمایه انسانی، احتمال تصمیم به صادرات بنگاه‌ها بیش از ۰/۱۱ درصد افزایش می‌یابد .

در نهایت به بررسی متغیر اندازه بنگاه می‌پردازیم. مقدار آماره مربوط به Z این متغیر۱۰/۱۹ است. با توجه به احتمال آن، می‌توان نتیجه گرفت که در سطح معنی‌داری ۱درصد این متغیر بر تصمیم صادراتی بنگاه به عنوان متغیر صادراتی موثر است. علامت مثبت آماره Z و اثر نهایی مربوط به این متغیر نشاندهنده تاثیر مثبت اندازه بنگاه بر متغیر وابسته است و بیانگر این است که هرچه اندازه بنگاه بزرگتر باشد، احتمال تصمیم به صادرات بنگاه‌ها نیز افزایش می‌یابد. در واقع با توجه به نتایج تخمین مدل، افزایش یک درصد در اندازه شرکت، باعث افزایش احتمال تصمیم به صادرات به میزان ۰/۰۰۰۵۱ می‌شود که با نتایج تجربی سایر مطالعات هم‌خوانی دارد.

خلاصه نتایج

ایجاد ظرفیت های جدید در جهت توسعه صادرات غیر نفتی همواره از جمله راهبردهای بلند مدت کشور در عرصه اقتصاد در طول سالهای اخیر بوده است. چگونگی ایجاد جریان اطلاعات به روزبا نگاهی به تحولات جهانی درحوزه تصمیم سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، مهارتهای فنی و تخصصی مورد نیاز صادرات، مدیریت ریسک در امر صادرات غیر نفتی، بنگاه‌ها را در توسعه صادرات یاری می‌رساند .

هدف این پژوهش بررسی تاثیر موقعیت مکانی بر تصمیم صادراتی بنگاه‌های صنعتی ایران بررسی است. برای این منظور از اطلاعات کلیه بنگاه‌های صنعتی ایران در سال ۱۳۸٦ استفاده شده و تصمیم صادراتی این بنگاه‌ها بر روی متغیر تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی (به عنوان شاخص موقعیت مکانی) و متغیرهای سطح بنگاه (همچون اندازه بنگاه ، شدت سرمایه انسانی و بهره‌وری نیروی کار) تخمین زده شد. برای تخمین مدل از مدل رگرسیون چند متغیره پروبیت استفاده گردید. از مجموع کلیه بنگاه‌های صادراتی حدود ۸/۸ درصد بنگاه‌ها صادراتی بودند که بر سایر بنگاه‌های غیر صادراتی اثر گذاشته و محرکی برای شروع صادرات در این بنگاه‌ها می‌باشد .

همه متغیرهای مدل تاثیر مثبتی بر تصمیم صادراتی بنگاه‌ها دارند که نتایج این پژوهش بیانگر آن می‌باشد . در سطح معنی داری ۱درصد و سطح اطمینان ۹۵٪ بر متغیر وابسته اثر گذار بودند . از میان متغیرهای مورد بررسی متغیرهای تمرکز جغرافیایی ـ صنعتی و شدت سرمایه انسانی تاثیر بیشتری در متغیر تصمیم صادراتی داشتند، با اینکه تاثیر تمامی متغیرهای مدل بر متغیر تصمیم صادراتی مثبت می‌باشد. نتایج این مطالعه مشابه با نتایج مطالعات لاولی و همکاران (۲۰۰۵) در آمریکا، مالمبرگ و همکاران(۲۰۰۰) در سوئد، میتلستید(۲۰۰٦) در آمریکا، بچتی و روسی ، (۲۰۰۰) در ایتالیا، آلوارز (۲۰۰۷) در شیلی می‌باشد .

انجام این تحقیق در شرایط حاضر گام مهمی برای افزایش صادرات غیرنفتی کشور می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که برخی از استان‌های کشور در صادرات صنایع خاصی فعال بوده و در این صنعت مزیت صادراتی دارند. با توجه به هدف پژوهش، قرار گرفتن بنگاه غیرصادراتی در استان‌هایی که در صنایع خاصی مزیت صادراتی دارند باعث افزایش تمایل این بنگاه‌ها به صادرات می‌شود. علاوه بر این با افزایش تعداد صادرکنندگان در یک استان باعث افزایش رقابت پذیری بنگاه‌های صادراتی در صنعت و استان معینی می‌شود. بنابراین برای افزایش صادرات باید موقعیت مکانی بنگاه‌ها را به عنوان یک عامل بسیار مهم درنظر گرفت و بنگاه‌هایی که در استان‌های با مزیت صادراتی قرار دارند مورد توجه قرار داد .

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

این پژوهش با توجه به داده‌های مقطعی تصمیم به صادرات را در بنگاه‌های صنعتی مورد بررسی قرار داد. در پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که از داده‌های سری زمانی استفاده شده و به بررسی این موضوع پرداخته شود که در طول سال‌های مختلف کدام بنگاه‌ها صادرکننده دائمی یا موقت هستند و درباره عوامل موثر بر آنها بحث گردد. یا اینکه کدام بنگاه‌ها در امر صادرات ناموفق بوده و تمرکز خود را دوباره بر روی بازارهای داخلی قرار می‌دهند و علل موثر بر آن بررسی شود .

منابع و مآخذ

۱. گجراتی ، دامور؛ (۱۳۷۸) ـ « مبانی اقتصاد سنجی » ـ ترجمه حمید ابریشمی ـ موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ـ ج ۲ ـ چ ۲ .

۲. پیراسته، حسین؛ سامتی، مرتضی ؛ (۱۳۸۰) ـ « تحلیلی پیرامون عوامل موثر بر صادرات کالاهای صنعتی در ایران » ـ پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی ـ سال نهم ـ شماره ۲۰ .

۳. رحمان سرشت، حسین؛صنوبر، ناصر؛ (۱۳۸۲) ـ «بررسی رابطه راهبرد های بازار ـ محصول و عملکرد صادرکنندگان ایرانی » ـ فصلنامه مطالعات مدیریت ـ شماره ۳۹ و ٤٠ صص ۹۸ ـ ٦۹ .

٤. طیبی، سید کمال ؛ (۱۳۸۳) ـ « اثرات ارتقاء آموزش عالی بر عرضه صادرات صنعتی در ایران » ـ مجله تحقیقات اقتصادی ـ شماره ٦٤ ـ صص ٥٤ ـ ۲۹ .

۵. پیراسته، حسین؛ کریمی، فرزاد؛ (۱۳۸۳) ـ « ارزیابی و تحلیل تأثیرات متقابل بهره‌وری نیروی انسانی ، هزینه‌های تولید و صادرات کالاهای صنعتی در ایران » ـ مجله تحقیقات اقتصادی ـ شماره ٦۵ ـ صص ۷۵ ـ ۳۳ .

٦. بهبودی، داوود و ممی پور، سیاب ؛ (۱۳۸٦) ـ « تجارت بین‌الملل، سرریز دانش و بهره‌وری عوامل کل تولید در ایران » ـ فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین ـ شماره ۹ صص۵۵ ـ ۳۳ .

۷. مرکز آمار ایران (سال‌های ۱۳٦۷ ـ ۱۳۸٦) ـ « نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر » ـ تهران مرکز آمار ایران .

8. Aitken, B., G. H. Hanson and A. E. Harrison (1997), "Spillovers, Foreign Investment and Export Behavior", Journal of International Economics, Vol. 43, pp. 103 – 132.
9. Alvarez, R. (2007), "Explaining Export Success: Firm Characteristics and Spillover Effects", World Development, Vol. 35, pp. 377-393.
10. Andersson,M. (2007), "Disentangling Trade Flows – Firms, Geography and Technology", JIBS Dissertation Series, No. 36, Jönköping.
11. Andersson, M. and B. Johansson (2006), "Product Innovation, Export and Location of Entrepreneurship", in Johansson, I. (ed) (2006) Uddevalla Symposium, University West, Kungälv.
12. Becchetti, L. and Rossi, S.P.S. (2000), "The Positive Effect of Industrial District on the Export Performance of Italian Firms", Review of Industrial Organization, 16(1), 53 – 68 .
13. Bernard, A. B. and J. B. Jensen (1999), "Exceptional Exporter Performance: Cause, Effect, or Both?", Journal of International Economics, Vol. 47, pp. 1 – 25.
14. Bernard, A. B., J. Eaton, J. B. Jensen and S. S. Kortum (2003), "Plants and Productivity in International Trade", American Economic Review, Vol. 93, pp. 1268 –1290.

15. Bernard, A. B. and J. B. Jensen (2004), "Why Some Firms Export?", Review of Economics and Statistics, Vol. 86, pp. 561 – 569.
16. Calof, J. L. (1993), "The Impact of Size on Internationalization", Journal of Small Business Management, Vol. 4, pp. 60–69.
17. Carlsson, J., A. Nordengren and F. Sjöholm (2005), "International Experience and the Performance of Scandinavian Firms in China" International Business Review, Vol. 14, pp. 21 – 40.
18. Clerides, S. K., S. Lach and J. R. Tybout (1998), "Is Learning by Exporting Important? Micro-Dynamic Evidence from Colombia Mexico and Morocco", Quarterly Journal of Economics, Vol. 113, pp. 903 – 947.
19. Dixit, A. (1989), "Hysteresis Import Penetration Exchange Rate Pass-Through", Quarterly Journal of Economics, Vol. 104, pp. 205 – 228.
20. Girma, S., D. Greenaway and R. Kneller (2004), "Does Exporting Increase Productivity? A Microeconometric Analysis of Matched Firms", Review of International Economics, Vol.12, pp. 855 – 866.
21. Greenaway, D. and Kneller, R. (2007): "Firm Heterogeneity, Exporting and Foreign Direct Investment", The Economic Journal, 117(February), F134-F137
22. Gu W. (2003), "Export Market Participation and Productivity Performance in Canadian Manufacturing", Canadian Journal of Economics, Vol. 36, pp. 634 – 57.
23. Henderson, J. V. (1995), "Industrial Development in Cities", Journal of Political Economy, Vol. 103, pp. 1067-1090.
24. Javalgi, R. G., D. Lawsonb, A. C. Grossa and D. S. Whitec (1998), "Firm Characteristics and Export Propensity: A Comparison of Manufacturers and Manufacturing-Based Service Providers", International Business Review, Vol.7, pp. 521–534.
25. Johanson, S. (2009), "Market Experiences and Export Decisions in Heterogeneous Firms", Centre of Excellence for Science and Innovation Studies (CESIS), No.196
26. Johansson, S. and C. Karlsson (2007), "R&D Accessibility and Regional Export Diversity", Annals of Regional Science, Vol. 41, pp. 501 – 523.
27. Johansson, B. and C. Karlsson (2001), "Geographic Transaction Costs and Specialisation Opportunities of Small and Medium-Sized Regions", in Johansson, Karlsson and Stough (2001) (Eds.), pp. 150 – 180.
28. Krugman,P.(1989),"Exchange-Rate Instability", MIT Press, Cambridge.
29. Krugman, P. (1991), "Increasing Returns and Economic Geography", Journal of Political Economy, Vol. 99, pp. 483 – 499
30. Lovely, M., S. Rosenthal and S. Sharma,(2004), "Information, Exporting and the Agglomeration of U.S.Manufacturing Headquarters", Regional Science and Urban Economics, forthcoming.

31. Majocchi, A., E. Bacchiocchi and U. Mayrhofer (2005), "Firm size, Business Experiences and Export Intensity in SMEs: A Longitudinal Approach to Complex Relationships", International Business Review, Vol. 14, pp. 719 – 738.
32. Roberts, M. J. and J. R. Tybout (1997), "The Decision to Export in Colombia: An empirical Model of Entry with Sunk Costs", American Economic Review, Vol. 87, pp. 545 – 564.
33. Rajshekhar G. J., D. Lawsonb, A. C. Grossa, D. S. White (1998), "Firm Characteristics and Export Propensity: A Comparison of Manufacturers and Manufacturing-Based Service Providers", International Business Review, Vol. 7, pp. 521–553.
34. Rajshekhar G. J., D. S. White and O. Lee (2000), "Firm Characteristics Influencing Export Propensity: An Empirical Investigation by Industry Type", Journal of Business Research, Vol. 47, pp. 217–228.
35. Sjöholm, F. (1999), "Exports, Imports and Productivity: Results from Indonesian Establishment Data", World Development, Vol. 27, pp. 705 – 15.
36. Wagner,J. (2007), "Exports and Productivity: A Survey of the Evidence from Firm-Level Data", The World Economy, Vol. 30, pp. 60 – 82 .
37. Yi, J. and C. Wang (2011), "The Decision to Export: Firm Heterogeneity, Sunk Costs, and Spatial Concentration", International Business Review, Available Online 23 September 2011.

بررسی رابطه‌ی بین صادرات غیرنفتی ، سرمایه‌گذاری خارجی و رشد اقتصادی در کشورهای منطقه‌ی منا

زهرا جلیلی[1] ـ محمدرضا پاکروان[2]

مقدمه

دستیابی به رشد و توسعه‌ی اقتصادی به دلیل تأثیر مستقیم بر رفاه اجتماعی یکی از اهداف مهم کلان اقتصادی هر کشور محسوب می‌گردد. رشد اقتصادی ظرفیت‌های تولیدی را طی زمان افزایش داده ومنجر به ایجاد فرصت‌های بیشتروبهتر برای شکوفایی اقتصادی و ورودبه عرصه‌های تازه و نو می‌شود. عوامل بسیاری برای نیل به هدف رشد و توسعه‌ی اقتصادی تاکنون مورد تاکید قرار گرفته‌اند و تحلیل‌گران اقتصادی بر موضوع توسعه‌ی صادرات به عنوان استراتژی موفق برای رسیدن به نرخ رشد اقتصادی بالا تأکید دارند . صادرات از طریق تأثیر مطلوب بر کارایی و تخصیص منابع ، صرفه‌های ناشی از مقیاس، تغییرات تکنولوژیکی، ایجاد اشتغال و بهره‌وری کل عوامل در تسریع رشد و توسعه‌ی اقتصادی بسیار مؤثر است . توسعه‌ی صادرات سبب تخصیص مجدد منابع از بخش‌ها و صنایع با بهره‌وری پایین و غیرکارا به صنایع با بهره‌وری بالا شده و منابع را به سوی فعالیت‌هایی هدایت می سازد که بیشترین عملکرد را داشته و از این طریق، بهره‌وری کل عوامل تولید و رشد اقتصادی افزایش می‌یابد . درآمدهای صادراتی نه تنها برای کشورهای درحال توسعه، بلکه برای کشورهای توسعه‌یافته نیز از اهمیت زیادی برخوردارند. اصلی‌ترین صادرات کشورهای پیشرفته مربوط به کالاهای نهایی و سرمایه‌ای است، در حالیکه بخش اصلی صادرات کشورهای درحال توسعه شامل مواد خام و اولیه به خصوص نفت می‌باشد . از جمله کشورهای در حال توسعه، کشورهای منطقه‌ی منا هستند که بخش اعظمی از درآمد صادراتی آنها از صادرات نفت خام به دست می‌آید. به دلیل نوسانات قابل توجه در بهای نفت، عایدی ارزی حاصل از این صادرات با نوسانات عمده‌ای روبرو شده و بی‌ثباتی در درآمدهای حاصل، اثر منفی بر کل اقتصاد داشته و اختلال در اجرای برنامه‌های رشد و توسعه‌ی اقتصادی کشورها را به دنبال دارد. در پی پیامدهای نامطلوب اقتصادی، توجه به توسعه‌ی بخش غیرنفتی و افزایش صادرات غیرنفتی می‌تواند یکی از اهداف مهم اقتصادی تلقی شود. همچنین با توجه به محوریت تجارت در فرآیند رشد و توسعه، کشورهای در حال توسعه، برای رفع معضلات اقتصادی خود که ناشی

---

۱ ـ کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه ارومیه
۲ ـ دانشجوی دکتری سیاست و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران

ازکمبود سرمایه است، ورودسرمایه‌های خارجی را در اولویت قرار داده و از آن استقبال می‌کنند . سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی[1] از مجرای گوناگون برروی رشداقتصادی مؤثر می‌باشد. محتمل‌ترین روش برای اثرگذاری FDI بر روی رشد اقتصادی از طریق ایجاد سرریزهای بهره‌وری است . بر اساس مدلهای رشد درونزا، جذب FDI به واسطه‌ی انتقال فناوری باعث رشد اقتصادی می‌گردد . در واقع FDI به واسطه‌ی انتقال تکنولوژی و پیامدهای حاصل از آن نظیر؛ افزایش کارایی سرمایه، تشویق سرمایه‌گذاری داخلی، آموزش نیروی انسانی و توسعه‌ی سرمایه‌ی انسانی، بهبود شیوه‌های مدیریتی ، افزایش رقابت در بازار داخلی و افزایش بهره‌وری بر روی رشد اقتصادی مؤثر واقع می‌شود . با توجه به تأثیر و اهمیت بسزای صادرات غیرنفتی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر روی رشد اقتصادی، در مطالعه‌ی حاضر به بررسی رابطه‌ی میان این دو متغیر با رشد اقتصادی می‌پردازیم. تا کنون در زمینه اثرگذاری سرمایه گذاری خارجی و صادرات غیرنفتی بر رشد اقتصادی به صورت توام و مجزا مطالعات مختلفی صورت گرفته است. به طور مثال احمدی و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای به بررسی علیت گرنجری میان رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداختند. برای این منظور از داده‌های تابلویی برای ۱۱۲ کشور از سه گروه درآمدی طی دوره‌ی ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۶ استفاده شد نتایج نشان داد که بین هر سه گروه از کشورها یک ارتباط مثبت و معنیدار میان رشد اقتصادی و FDI وجود دارد. هادی زنوز و کمالی (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی اثر FDI بر رشد اقتصادی کشورهای میزبان منتخب و با استفاده از مدل رشد اقتصادی رومر ـ منکیو ـ ویل در قالب داده‌های تابلویی برای سال‌های ۲۰۰٤ ـ ۱۹۹۸ پرداختند نتایج نشان داد که FDI ، رشد اقتصادی کشورهای میزبان را تقویت می سازد و اثر مثبتی بر آن دارد . در مورد کشورهای در حال توسعه‌ی نفت‌خیز نیز علاوه بر FDI ، صادرات نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد این کشورها دارد. آذربایجانی و همکاران (۱۳۹۰) طی مقاله‌ای به بررسی اثر متنوع‌سازی صادرات بر بهره‌وری کل عوامل تولید و رشد اقتصادی در گروه کشورهای D8 طی دوره‌ی ۲۰۰۷ ـ ۱۹۹۹پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که کاهش وابستگی به درآمد حاصل از صادرات یک محصول خاص و متنوع‌سازی صادرات تأثیر مثبت و معناداری بر روی رشد اقتصادی دارد. میرجمالی و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی اثرات صادرات نفتی و غیرنفتی بر روی رشد اقتصادی در اقتصاد ایران با استفاده از روش VAR برای داده‌های سری زمانی، دوره‌ی ۲۰۰۷ ـ ۱۹۷۳ پرداختند . نتایج نشان داد که متغیرها دارای اثر مثبت بر روی رشد اقتصادی بوده و همچنین آزمون هم‌انباشتگی نیز رابطه‌ی تعادلی بلندمدت را بین سه متغیر نشان می‌دهد . هسیائو و هسیائو[2] (۲۰۰٦) با استفاده از داده‌های سری زمانی و تابلویی طی دوره‌ی ۲۰۰٤ ـ ۱۹۸٦ ، به بررسی رابطه‌ی علیت گرنجری مابین GDP ، صادرات و FDI برای چین

1 - Foreign Direct Investment (FDI)
2 - Hsiao and Hsiao

کره‌جنوبی، تایوان، هنگ‌کنگ، سنگاپور، مالزی، فیلیپین و تایلند پرداختند. نتایج علیت در داده‌های تابلویی نشان می‌دهد که یک اثر علی یکطرفه‌ای به صورت مستقیم از FDI بر GDP وجود دارد و همچنین اثر علی یکطرفه‌ی موجود مابین FDI و صادرات ، نشانگر اثر غیرمستقیم این متغیر از طریق (کانال) صادرات بر روی GDP است. رابطه‌ی علیت دو طرفه بین صادرات و GDP نیز از نتایج گزارش شده‌ی این تحقیق بود . یائو[1] (۲۰۰۶) به مطالعه‌ی اثر صادارت و FDI بر عملکرد اقتصادی چین پرداخت . نتایج نشان داد که صادرات و FDI دارای اثر مثبت و قوی بر روی رشد اقتصادی چین بوده که از طریق اتخاذ سیاست‌های توسعه‌ی صادرات و اقتباس از تکنولوژی روز دنیا و شیوه‌های کسب و کار این مهم نایل شده است. هالیکیوگلو و هالیکیوگلو[2] (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه‌ی بین FDI و رشد اقتصادی در بعضی کشورها در دوره ۱۹۹۰ ـ ۲۰۰۱ پرداخته‌اند. آنها مدارک تجربی تازه‌ای در مورد رابطه‌ی بین این دو متغیر با استفاده از مدل تک معادله‌ای و مدل چند معادله‌ای برای ۱۴۰ کشور ارائه می‌دهند. نتایج نشان می‌دهد که FDI تاثیر مثبت و معنی‌داری بر روی رشد سرانه GDP داشته ، در حالیکه رابطه‌ی بین صادرات به GDP و FDI بی معنی است . میرزا[3] (۲۰۰۷) به بررسی رابطه‌ی میان صادرات نفتی و غیرنفتی بر روی رشد اقتصادی برای اقتصاد کویت پرداخت. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که بین دو بخش از صادرات (نفتی و غیرنفتی) و رشد اقتصادی ، فرضیه‌ی ELG برقرار است. آزمون هم‌انباشتگی وجود رابطه‌ی بلندمدت بین متغیرها را نشان می‌دهد و آزمون گرنجر، حاکی از رابطه‌ی علی دو سویه‌ای بین صادرات غیرنفتی و رشد اقتصادی است. الجراح[4] (۲۰۰۸) با استفاده از روش معادلات همزمان برای سال‌های ۲۰۰۴ ـ ۱۹۷۰ به بررسی رابطه‌ی بین صادرات غیرنفتی و رشد اقتصادی در عربستان سعودی پرداخت. وی به این نتیجه رسید که رابطه‌ی مثبت و معناداری بین صادرات غیرنفتی و رشد اقتصادی در این کشور وجود دارد. همچنین رشد صادارت غیرنفتی اثر مثبتی بر روی سرمایه‌گذاری و تولید این کشور دارد. سدنی و همکاران[5] (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای تحت عنوان « سرمایه گذاری مستقیم خارجی، بی ثباتی اقتصاد کلان و رشد اقتصادی در کشورهای منا » به بررسی امکان تاثیرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر روی رشد اقتصادی در کشورهای عضو منا پرداخته‌اند. نتایج تحقیق با استفاده از روش GMM و 2SLS بیان کننده‌ی آن است که تاثیرپذیری رشد از FDI به درجه باز بودن تجاری و درآمد سرانه بستگی ندارد. اما، تاثیرات مثبت FDI بر روی رشد اقتصادی به ثبات اقتصادی کشورها بستگی دارد. الایولا و اکدوآ (۲۰۰۹) با استفاده از داده‌های سری زمانی برای کشور نیجریه ، به

1 - Yao
2 - Halicioglu and Halicioglu.
3 - Morza
4 - Aljarrah
5 - Sadni et al

مطالعه‌ی فرضیه‌ی ELG در این کشور پرداختند. نتایج مطالعه حاکی از این است که این فرضیه برای دوره‌ی مورد مطالعه ۲۰۰۷ ـ ۱۹۸۰ تأیید نمی‌شود. رابطه‌ی پویای بین FDI ، صادرات غیرنفتی و رشد اقتصادی با استفاده از تجزیه واریانس و تابع عکس‌العمل بررسی شده که نتایج مطالعات پیشین را تأیید کرده و علیت بلندمدتی را از رشد اقتصادی و صادرات غیرنفتی به FDI نشان می‌دهد .

با توجه به مطالب و مطالعات گسترده‌ای که در زمینهی ارتباط بین صادرات غیرنفتی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد اقتصادی صورت پذیرفته ، اهمیت این موضوع بیش از پیش نمایان می‌شود که در مطالعهی حاضر این موضوع در منطقهی منا، به عنوان یک منطقه استراتژیک اقتصادی ـ تجاری و اهمیت جایگاه ایران در این منطقه، با استفاده از داده‌های تابلویی و برای دوره‌ی زمانی ۲۰۱۰ ـ ۲۰۰۰ مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. متغیرهای مورد استفاده در مطالعه ؛ تولید ناخالص داخلی ، صادرات غیرنفتی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌باشند که از منابع آماری همچون Sesric[1] ، UNCTAD[2] جمع‌آوری شده‌اند .

روش تحقیق

در مدل‌های اقتصادسنجی رابطه‌ی پویایی به وسیله‌ی وارد شدن وقفه یا وقفه‌هایی از متغیر وابسته به عنوان متغیر توضیحی در مدل مشخص می‌شود. آنچه که در این مدل‌ها مهم می‌باشد این است که حتی اگر ضریب وقفه‌ی متغیر وابسته چندان مورد نظر و مهم نباشد ، حضور این متغیر باعث خواهد شد که ضرایب سایر متغیرها به درستی برآورد شوند .

مدل‌های خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی به شکل زیر نشان داده می‌شود :

$$y_{it} = \alpha y_{i,t-1} + \beta x_{it} + (\eta_i + v_{it}) \qquad i = 1,2,\ldots, N \qquad t = 2,3,\ldots, T \qquad (1)$$

y_{it} مشاهداتی برای مقاطع i و دوره‌های t بوده و $y_{i,t-1}$ نیز مشاهداتی برای مقاطع یکسان در یک دوره قبل را نشان می‌دهد . x_{it} برداری از متغیرهای توضیحی در سطح و یا وقفه‌های آن است. η_i اثر مشاهده نشده‌ی مقطعی خاص در دوره‌ی زمانی ثابت است که ناهمگنی سری y_{it} در میان مقاطع از آن نشأت می‌گیرد و v_{it} نیز جزء اخلال معادله است . فرض اساسی و کلیدی ، استقلال v_{it} در بین مقاطع می‌باشد . اثرات مقاطع (η_i) تصادفی بوده و با وقفه‌ی متغیر وابسته ($y_{i,t-1}$) همبسته‌اند. با این فرضیات ، تخمین‌زن‌های حداقل مربعات معمولی (OLS) از α در معادلات سطح (۱) ناسازگار هستند. ناسازگاری تخمین‌زن‌ها به دلیل همبستگی مثبت بین $y_{i,t-1}$ و جزخطای

1 - http://www.sesric.org
2 - http://unctad.org

(η_i+v_{it}) می‌باشد. η_i منبع ناسازگاری تخمین‌زن‌هاست و برای حذف آن ، از معادله‌ی اولیه تفاضل گرفته شده و متغیرها به عنوان انحراف از میانگین مقاطع در مدل باقی خواهند ماند . از آنجائی که میانگین η_i با خودش برابر می‌باشد، درنتیجه‌ی تفاضل‌گیری نیز از معادله حذف شده و منبع ناسازگاری تخمین‌زن‌های OLS حذف خواهند شد. اما تفاضل‌گیری از معادله‌ی اولیه همبستگی غیرقابل اغماضی را بین وقفه‌ی متغیر وابسته و جزء خطای تبدیل شده، فراهم می‌آورد. همزمان با افزایش تعداد مقاطع در نمونه، همبستگی اشاره شده بین اجزاء تبدیل شده در مدل از بین نرفته و در نتیجه این تخمین‌زن‌ها که به تخمین‌زن‌های درون‌گروهی[1] معروفند نیز ناسازگار هستند. برای رفع مشکل ناسازگاری تخمین‌زن‌ها در مدل‌های پانل دیتا با حضور وقفه‌ای از متغیر وابسته به عنوان متغیر توضیحی، تخمین‌زن‌های حداکثر راستنمایی تعریف شدند. ولی به دلیل فرضیات متفاوتی که در مورد شرایط اولیه در این مدل در نظر گرفته می‌شود، نتایج تخمین حداکثر راستنمایی در صورتیکه شرایط اولیه به اشتباه تصریح شده باشند، ممکن است ناسازگار باشند. برای بهبود ناسازگاری برآوردگرها، روش برآورد دومرحله‌ای 2SLS توسط اندرسون و هسیائو[2] (۱۹۸۱، ۱۹۸۲) ارائه شد. تخمین‌زن‌های متغیرهای ابزاری نیازمند فرضیات کمتری در موردشرایط اولیه می‌باشند و همین ویژگی این تخمین‌زن‌ها را جذاب می‌سازد. تبدیلات تخمین‌زن دیفرانسیل از مرتبه‌ی اول حداقل مربعات دومرحله‌ای (2SLS)، اثرات مقاطع یعنی η_i را از مدل حذف می‌کند :

$$\Delta y_{it} = \alpha \Delta y_{i,t-1} + \Delta v_{it} \qquad |\alpha| < 1 ; \quad i = 1,2,\ldots,N ; \quad t = 3,4,\ldots,T \qquad (۲)$$

تفاوت مهم این تخمین‌زن با تخمین‌زن‌های درون‌گروهی این است که دیفرانسیل از مرتبه‌ی اول همه‌ی جز اخلال‌ها را در جمله‌ی خطای معادله‌ی تبدیل شده برای t دوره وارد نمی‌سازد آنچه که در جمله‌ی خطا باقی می‌ماند $v_{i2}, v_{i3}, \ldots, v_{iT}$ می‌باشند . نتایج تخمین‌زن 2SLS در حالت N بزرگ و T ثابت برای ضریب α حداقل برای مشاهدات در سه دوره‌ی زمانی و بیشتر به صورت سازگار در دسترس است $(T \geq 3)$. مدل برای $t>3$ بیش از حد مشخص می‌باشد و جز خطای Δv_{it} در معادله‌ی دیفرانسیل از مرتبه‌ی اول دارای میانگین متحرکی از مرتبه‌ی اول بوده که نشان از وجود همبستگی سریالی است. در حالت وجود همبستگی سریالی بین جز خطاها تخمین‌زن‌های 2SLS به صورت مجانبی کارا نخواهند بود حتی اگر مجموعه کاملی از متغیرهای ابزاری برای هر معادله در دسترس باشد و جز اخلال‌های v_{it} همسانی واریانس داشته باشند .

1 - Within Groups estimator
2 - Anderson and Hsiao

البته به گفته‌ی ماتیاس و سوستر[1] (۱۹۹۲) برآورد 2SLS ممکن است به دلیل مشکل در انتخاب ابزارها ، واریانس‌های بزرگ برای ضرایب به دست دهد و برآوردها از لحاظ آماری معنی‌دار نباشد . روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) توسط هانسن[2] (۱۹۸۲) توسعه یافت که چارچوب راحتی را برای به دست آوردن تخمین‌زن‌هایی با کارایی مجانبی فراهم می‌سازد . تخمین‌زن دیفرانسیل از مرتبه‌ی اول GMM نیز توسط آرلانو و باند[3] (۱۹۹۱) ارائه شد. در روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) آرلانو[4] (۱۹۹۳) و آرلانو و باند (۱۹۹۱) که جز برآوردگرهای متغیرهای ابزاری است، از محدودیت گشتاوری خطی برای حصول به تخمین‌های سازگار استفاده می‌شود. در این روش، تفاضل مرتبه‌ی اول متغیرهای از پیش‌تعیین‌شده و درونزا ابزارهایی هستند که با وقفه‌ای از سطوح خودشان وارد مدل می‌شوند. در این روش از ماتریس متغیرهای ابزاری به شکل زیر استفاده می‌شود :

$$z_i = \begin{bmatrix} y_{i1} & 0 & 0 & \dots & 0 & \dots & 0 \\ 0 & y_{i1} & y_{i2} & \dots & 0 & \dots & 0 \\ \dots & \dots & \dots & \dots & \dots & \dots & \dots \\ 0 & 0 & 0 & \dots & y_{i1} & \dots & y_{i,T-2} \end{bmatrix} \qquad (۳)$$

جائیکه سطرهای ماتریس فوق برابر با معادلات دیفرانسیلی از مرتبه‌ی اول برای دوره‌های t=3,4,...,T برای مقاطع i می‌باشد ، گشتاورهای شرطی به صورت زیر استخراج می‌شوند :

$$E[\acute{z}_i \Delta v_i] = 0 \qquad \text{For } i = 1, 2, \dots, N \qquad (٤)$$

Δv_i نیز به این صورت تعریف خواهد شد: $\Delta v_i = (\Delta v_{i3}, \Delta v_{i4}, \dots, \Delta v_{iT})'$.

تخمین‌زن‌های GMM که به‌صورت مجانبی کارا هستند براساس مجموعه‌ای از گشتاورهای شرطی ، معیار زیر را حداقل می‌کنند :

$$J_N = \left(\frac{1}{N}\sum_{i=1}^{N} \Delta \acute{v}_i Z_i\right) W_N \left(\frac{1}{N}\sum_{i=1}^{N} \acute{Z}_i \Delta v_i\right) \qquad (۵)$$

این حداقل‌سازی با استفاده از ماتریس وزنی زیر انجام می‌گیرد :

1 - Matyas and Sevestre
2 - Hansen
3 - Arellano and Bond
4 - Arellano

$$W_N = \left[\frac{1}{N}\sum_{i=1}^{N}\left(\acute{Z}_i\widehat{\Delta v}_i\widehat{\Delta v}_i Z_i\right)\right]^{-1} \qquad (٦)$$

وقتی $T>3$ باشد مدل بیش از حد مشخص بوده و اعتبار فروض بایستی از طریق آماره‌ی آزمون سارگان بررسی شود. آماره‌ی این آزمون به صورت مجانبی دارای توزیع X^2 با درجه‌ی آزادی برابر با تعداد محدودیت‌های بیش از حد مشخص برخوردار است. فرضیه صفر همبسته بودن پسماندها با متغیرهای ابزاری را رد می‌کند و اعتبار متغیرهای ابزاری بکار گرفته شده را تأیید می‌کند . همچنین برای تشخیص اینکه همبستگی سریالی در جز اخلال‌های v_{it} وجود ندارد آزمون عدم وجود همبستگی سریالی از مرتبه‌ی دوم، بر روی باقیمانده‌های معادله‌ی دیفرانسیل از مرتبه‌ی اول صورت می‌گیرد. این آزمون از آن جهت که سازگاری تخمین‌زن‌های GMM بر فرض $E[\Delta v_{it}\ \Delta v_{i,t-2}] =0$ استوار است ، بسیار مهم می‌باشد .

تفاوت در گشتاورهای شرطی در دسترس، به فروضی که در مورد همبستگی میان x_{it} و دو جز از جمله‌ی اخلال در نظر گرفته می‌شود، مرتبط است. با توجه به اینکه x_{it} عدد بوده یا درونزا باشد و یا از پیش‌تعیین‌شده در نظر گرفته شود، متغیرهای ابزاری به کار گرفته شده در مدل متفاوت خواهند بود. بلاندل و باند[1] (۱۹۹۸) به دلیل اهمیتی که شرایط اولیه در به دست آوردن تخمین‌زن‌های کارا دارند، به بررسی دوباره‌ی آنها در مدل‌های پویای پانل دیتا پرداختند. آنها نشان دادند که تخمین‌زن‌های معادلات دیفرانسیلی از مرتبه‌ی اول به دلیل ضعف در متغیرهای ابزاری تورش‌دار بوده و دقت کمتری دارند. همچنین آرلانو و باور[2] (۱۹۹۵) و بلاندل و باند (۱۹۹۸) این مسأله را یادآور شدند که در صورت اینکه متغیرها پایایی از درجات بالا داشته باشند وقفه‌ی متغیرها در سطح ابزار بسیار ضعیفی خواهند بود. بنابراین گشتاورهای شرطی اضافی به شرطی که دیفرانسیل وقفه‌ی متغیر وابسته بر جملات اخلال عمود باشند، در نظر گرفته می‌شود. به این دلایل بلاندل و باند (۱۹۹۸) تخمین‌زن‌های سیستمی GMM را که توسط آرلانو و باور (۱۹۹۵) ارائه شده بود ، توسعه دادند. در این روش، دیفرانسیل وقفه‌های y_{it} به عنوان ابزاری برای معادله‌ی سطح و وقفه‌ی y_{it} در سطح به عنوان ابزاری برای معادله‌ی دیفرانسیل از مرتبه‌ی اول بکار می‌روند. در این حالت تخمین‌زن‌های سیستمی GMM کارایی چشمگیری را نشان می‌دهند. بلاندل و همکاران[3] (۲۰۰۰) نشان دادند که اگر حتی تخمین‌زن‌های سیستمی GMM دقت تخمین‌ها را بالا نبرند، حداقل تورش را کم می‌کنند. هان[4] (۱۹۹۹) شرایط اولیه وضع شده بر

1 - Blundell and Bond
2 - Arellano and Bover
3 - Blundell et al.
4 - Hahn

تخمین‌زن‌های سیستمی GMM به وسیله‌ی بلاندل و باند (۱۹۹۸) را بررسی کرد و دریافت که کارایی این تخمین‌زن‌ها می‌تواند قابل توجه باشد .

در مطالعه حاضر از مدل مقاله‌ی یانو (۲۰۰۶) ، که به صورت رابطه (۷) می‌باشد ، بهره گرفته شد .

$$\text{Log GDP}_{it} = \alpha + \beta_1 \text{Log GDP}_{i,t-n} + \beta_2 \text{Log Non-oil Exports}_{it} + \beta_3 \text{Log FDI}_{it} + \delta D_t + \varepsilon_{it} \quad (۷)$$

Log GDP_{it} لگاریتم تولید ناخالص داخلی کشور i در دوره‌ی زمانی t به واحد میلیون دلار می‌باشد . با وارد شدن وقفه‌ای از لگاریتم تولید ناخالص داخلی به عنوان متغیر توضیحی به سمت راست معادله ، در واقع رشد اقتصادی دوره‌ی جاری به صورت تابعی از رشد اقتصادی دوره‌های پیشین در نظر گرفته شده است. انتظار بر این است که ضریب این متغیر برای مدل مثبت باشد. متغیرهای توضیحی دیگر مدل، لگاریتم صادرات غیرنفتی و لگاریتم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند که براساس مبانی نظری علامتی مثبت برای ضرایب این متغیرها مدنظر است. D_t نیز برداری از متغیرهای مجازی است که وارد مدل شده است. پسماندهای مدل نیز با ε_{it} نشان داده شده‌اند .

نتایج و بحث

قبل از هرگونه تخمین مانایی تمام متغیرها مورد آزمون قرار می گیرد بدین منظور از آزمون لوین، لین و چو (LLC) و همچنین آزمون ایم، پسران و شین (IPS) استفاده شد. نتایج آزمون مانایی در جدول ۱ حاکی از آن است که بر طبق آزمون LLC لگاریتم هر سه متغیر تولید ناخالص داخلی ، صادرات غیرنفتی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سطح مانا بوده و ریشه واحد ندارند، اما بر طبق آزمون IPS تنها لگاریتم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سطح مانا می‌باشد و دو متغیر لگاریتم تولید ناخالص داخلی و صادرات غیرنفتی با یکبار تفاضل‌گیری مانا می‌شوند .

جدول۱ ـ آزمون مانایی

متغیرها	chu lu- Levin-		Im, Pesaran, Shin	
	Level	1st difference	Level	1st difference
تولید ناخالص داخلی	-٤/٦٤٠٤٦***	-٦/٩٥٥٠٨***	-٠/٠١٠٨٤	-٤/١٣٠٦٨***
صادرات غیرنفتی	-٣/١٤٧٢٢***	-٣/٩٧٠٧٤***	٠/٣٣٣٠٠	-٤/٧٩٨٢٥***
سرمایه گذاری مستقیم خارجی	-٧/٤٩٢٩٦***	-٥/٨٥٠١٧***	-٢/٣٩٤٨٠***	-٣/٩٦٥٨٥***

منبع : یافته‌های تحقیق. علائم ***، ** و * به ترتیب رد فرضیه صفر در سطح معنی‌داری ۱، ۵ و ۱۰ درصد را بیان می‌کنند.

از آنجائی که متغیرهای ملحوظ در مدل بر طبق آزمون‌های مانایی جواب یکسانی در مورد مانایی متغیرها گزارش نمی‌دهند ، برای پرهیز از وجود مشکل رگرسیون ساختگی در تخمین‌ها بایستی هم‌انباشتگی بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گیرد. به این منظور از آزمون هم‌انباشتگی پدرونی استفاده می‌شود. نتایج آزمون هم‌انباشتگی پدرونی مبتنی بر هفت آماره می‌باشد که در جدول زیر گزارش شده‌اند. همانگونه که نتایج نشان می‌دهند، برای اکثر آماره‌های آزمون پدرونی که فرضیه‌ی صفر آن عدم وجود ارتباط بلندمدت میان متغیرهای مدل است ، در سطح معناداری ۱، ۵ و یا ۱۰ درصد رد می‌شود و می‌توان از نتایج به دست آمده وجود رابطه‌ی هم‌انباشتگی بین متغیرهای مدل را نتیجه گرفت .

جدول ۲ ـ آزمون هم‌انباشتگی پدرونی

	آماره‌های محاسباتی
Panel-v	۲/۱۵۹۰۷٤***
Panel-ρ	٤/۹۰٤۷٤٤
Panel-pp	-۹/۲٥۳۳۷۱***
Panel-ADF	-٦/٦۰۳۱۸٦***
Group-ρ	٦/٦۲۸۰۰۸
Group-pp	-۳/٦٦۲۷۰٤***
Group-ADF	-۳/۷۱٤۸٤۰***

منبع: یافته‌های تحقیق. علائم *** ، ** و * به ترتیب رد فرضیه صفر در سطح معنی‌داری ۱، ۵ و ۱۰ درصد را بیان می‌کنند.

جدول ۳ نتایج حاصل از تخمین مدل دیفرانسیلی و سیستمی Panel - GMM را برای گروه کشورهای منطقه‌ی منا گزارش می‌دهد. براساس نتایج آزمون والد، فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن تمام ضرایب در سطح معناداری ۱ درصد در هر دو مدل تخمینی رد شده و در نتیجه اعتبار ضرایب برآوردی تأیید می‌شود. آماره‌های آزمون سارگان نیز فرضیه‌ی صفر مبنی بر همبسته بودن پسماندها با متغیرهای ابزاری را رد می‌کند. در نتیجه اعتبار نتایج جهت تفسیر تأیید می‌شود. آماره‌های به دست آمده برای AR(1) و AR(2) عدم وجود همبستگی سریالی بر روی باقیمانده‌های مدل را نشان می‌دهند . نتایج حاصل از تخمین برای مدل دیفرانسیلی و سیستمی Panel - GMM نشان می‌دهد که رشد اقتصادی در دوره‌های گذشته بیشترین اثر را بر روی رشد اقتصادی دوره‌ی حاضر داشته است. ضرایب صادرات غیرنفتی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مثبت و معنادار می‌باشند و ضرایب معنادار متغیرهای مجازی نیز برای سال‌های مختلف در مدل‌های تخمینی با علامت منفی ظاهر شده‌اند. با توجه به اینکه متغیرها به صورت لگاریتم وارد مدل شده‌اند ، ضرایب آنها بیانگر کشش می‌باشند. در مدل دیفرانسیلی GMM ضریب مثبت و

معنادار متغیر صادرات غیرنفتی مطابق انتظارات تئوریک بوده و نشان می‌دهد که در صورت تغییر ۱ درصدی در صادرات غیرنفتی، رشد اقتصادی به اندازه‌ی ۱۵ درصد افزایش می‌یابد. در مدل سیستمی تخمین زده شده نیز علامت مورد انتظار برای این متغیر به دست آمده، که نشان می‌دهد در صورت افزایش ۱ درصدی در صادرات غیرنفتی، افزایش ۳۲ درصدی در رشد اقتصادی حاصل خواهد داشت. تأثیر مثبت صادرات غیرنفتی بر رشد اقتصادی را می‌توان به دلیل ارتقای کارایی در تخصیص مجدد منابع تولید به سمت فعالیت‌هایی با بهره‌وری بالا، افزایش حجم تولید و انباشت سرمایه دانست. از سویی دیگر افزایش دسترسی به سرمایه و تکنولوژی خارجی از طریق دسترسی بیشتر به ارز خارجی، صرفه‌های ناشی از مقیاس و گسترش بازارهای داخلی را نیز می‌توان از دلایل تأثیر مثبت صادرات غیرنفتی بر رشد اقتصادی تفسیر کرد. اثرات خارجی صادرات غیرنفتی که به صورت اشاعه‌ی تکنیک‌های پیشرفته‌تر، نیروی‌کار ماهرتر و ارتقای مهارت‌های مدیریتی به دلیل رقابت شدیدی که صادرکنندگان در بازارهای جهانی با آن روبرو می‌شوند. از جمله عوامل مهم دیگر در تأثیرگذاری مثبت آن بر رشد اقتصادی است. نتایج حاصل از برآورد مدل تأثیر مثبت متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را بر رشد اقتصادی نشان می‌دهد. ضریب مثبت و معنادار این متغیر در مدل دیفرانسیلی نشان می دهد که با افزایش ۱ درصدی در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رشد اقتصادی ۲ درصد افزایش می‌یابد. بر طبق نتایج مدل سیستمی نیز با افزایش ۱ درصدی در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رشد اقتصادی حدود ۱ درصد افزایش خواهد یافت. ورود سرمایه‌های خارجی با ایجاد شرایط رقابتی بیشتر برای شرکتهای داخلی، همراه با ورود مدیریت کارا و تکنولوژی پیشرفته بوده و اشاعه‌ی آن به سایر بخش‌های تولیدی منجر به افزایش کارایی شرکت‌های داخلی و بهره‌وری فعالیت‌های اقتصادی می‌شود و به این ترتیب رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد. با وجود معناداری این متغیر در مدل‌های تخمینی ضریب به دست آمده چندان بزرگ نیست که می‌تواند به دلیل کارایی کم و عدم استفاده‌ی بهینه از ظرفیت تولیدی، مشکلات موجود در فضای کسب و کار و همچنین مهیا نبودن زمینه‌های لازم در کشورها برای استفاده‌ی مناسب از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باشد.

جدول ۳ ـ نتایج تخمین مدل برای گروه کشورهای منطقه‌ی منا

نتایج تخمین مدل سیستمی GMM		نتایج تخمین مدل دیفرانسیلی GMM	
ضرایب	متغیرهای توضیحی	ضرایب	متغیرهای توضیحی
۰/۳۹٦۷٥٦۷۰۰۰	وقفه اول تولید ناخالص داخلی	۰/۱٥٤۸۹۳۲۰۰۰	وقفه اول تولید ناخالص داخلی
۰/۳۳٤۸۹٦۰۰۰	وقفه دوم تولید ناخالص داخلی	۰/۱۳٥٥۰۹۳۰۰۰	وقفه دوم تولید ناخالص داخلی
۰/۳۲٥۲۷٦۳۰۰۰	صادرات غیرنفتی	۰/۱٥٤۷۲۸۲۰۰۰	صادرات غیرنفتی
۰/۰۰۹۷۲۸٦٥	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۰/۰۲٤۳۱٦٤۰۰۰	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۰/۱۲۷۸۳۱۳۰۰۰	متغیر مجازی سال ۲۰۰٥	-۰/۰۷۳٦۲۲۹۰۰۰	متغیر مجازی سال ۲۰۰۳
-۰/۱۳۰۷۰۸٦٥۰۰	متغیر مجازی سال ۲۰۰٦	٦/۰٤۲۸۸۹۰۰۰	عرض از مبدأ
-۰/۱۲۳۸٤۱۹۰۰۰	متغیر مجازی سال ۲۰۰۷		
-۰/۱٤۱٤۹٦٥۰۰	متغیر مجازی سال ۲۰۰۸		
-۰/۱۱٦۷۸٤۸۰۰۰	متغیر مجازی سال ۲۰۰۹		
-۰/۱٦٥۲۲۳۹۰۰۰	متغیر مجازی سال ۲۰۱۰		
	آزمون‌های تشخیصی		آزمون‌های تشخیصی
۲/۲٦e +۰۷ (p= ۰/۰۰۰۰)	آزمون والد	۳۱۱۳/۷۳ (p= ۰/۰۰۰۰)	آزمون والد
۱۱/۰۸۱۱۹ (p= ۱/۰۰۰۰)	سارگان	۱٥/۷٦۸۸۷ (p= ۱/۰۰۰۰)	سارگان
-۱/۰۱۷۲ (p= ۰/۳۰۹۱)	AR(1)	-۱/۰۰٦٥ (p= ۰/۳۱٤۲)	AR(1)
-۰/۹۷٥٥۳ (p= ۰/۳۲۹۳)	AR(2)	-۰/۹٦٥٥۷ (p= ۰/۳۳٤۳)	AR(2)

منبع : یافته‌های تحقیق. علائم ***، ** و * به ترتیب رد فرضیه صفر در سطح معنی‌داری ۱، ۵ و ۱۰ درصد را بیان می‌کنند.

جمع‌بندی و پیشنهادات

در مقاله‌ی حاضر ، رابطه‌ی بین صادرات غیرنفتی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با رشد اقتصادی با استفاده از رهیافت داده های تابلویی برای داده‌های سالیانه دوره‌ی ۲۰۱۰ ـ ۲۰۰۰ برای ۱۸ کشور منطقه‌ی منا مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که رشد اقتصادی دوره‌های گذشته بیشترین اثر را بر روی رشد اقتصادی دوره‌ی حاضر داراست. همچنین یافته‌ها حاکی از تأثیر مثبت صادرات غیرنفتی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر روی رشد اقتصادی است که با نتایج تحقیقات قبلی بررسی شده در بخش پیشینه‌ی تجربی نیز هماهنگی دارند. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که صادرات غیرنفتی نقش تعیین‌کننده‌ای بر روی رشد اقتصادی دارد. این نتیجه بیانگر این مطلب است که توسعه و متنوع‌سازی صادرات غیرنفتی با توجه به مزیت‌های نسبی بالفعل و به کارگیری ظرفیت‌های بالقوه در تجارت خارجی باید مورد توجه‌قرارگیرد،چون عایدی‌های صادرات غیرنفتی می‌تواندزمینه‌های مناسبی رابرای برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت در مقایسه با درآمدهای بی‌ثبات صادرات نفتی فراهم کرده و گام مؤثری برای کاهش اتکا به درآمد نفتی و ایجاد شرایط به نسبت با ثبات‌تری برای تمامی بخش‌های

اقتصادی محسوب شود و در نتیجه رشد اقتصادی بالاتری را رقم بزند. در اقتصادهای تک محصولی و متکی به درآمدهای حاصل از صادرات نفت، به علت عدم ثبات درآمدهای ارزی توسعه‌ی بخش صادرات اجتناب‌ناپذیر است. همچنین به منظور توسعه‌ی صادرات غیرنفتی پیشنهاد می‌شود که ساختار تولیدی داخلی به شیوه‌ی مناسبی تغییر یابد به گونه‌ای که محصولات توان رقابت در بازارهای جهانی را داشته باشند یعنی در ساختار تولید، به زمینه‌هایی که کشور علاوه بر مزیت نسبی دارای مزیت رقابتی نیز هست توجه شود. همچنین نتایج تحقیق حاکی از این است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز دارای اثر مثبتی بر رشد اقتصادی است و از این روی باید به عنوان ابزاری برای افزایش رشد اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. لذا با توجه به اینکه موجودی سرمایه عامل بسیار مهمی در ایجاد زمینه‌ی مناسب برای افزایش توان تولیدی داخلی بوده ورشد اقتصادی بیشتر رامهیا می‌سازد،تشویق سرمایه‌گذاران خارجی و شناساندن موقعیت‌های سرمایه‌گذاری و فراهم کردن بستر مناسب برای جذب سرمایه‌های خارجی به منظور گسترش موجودی سرمایه فیزیکی و ارتقای بهره‌وری کل و در نتیجه افزایش رشد اقتصادی ضروری به نظر می‌رسد. به این منظور بایستی توجه ویژه‌ای به رفع موانع جذب این نوع سرمایه‌گذاری خارجی شود و در کنار وضع قوانین جدید، شرایطی نیز جهت ایجاد بسترهای مناسب و امنیت لازم برای جذب آن فراهم شود .

منابع و مآخذ

۱. آذربایجانی، کریم ؛ مولود راکی و همایون رنجبر (۱۳۹۰) ـ « تأثیرتنوع‌سازی صادرات بر بهره‌وری کل عوامل تولید و رشد اقتصادی (رویکرد داده‌های تابلویی در کشورهای گروه دی هشت) » ـ فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی ـ سال اول شماره سوم ـ صص ۲۰۱ ـ ۱۶۵ .

۲. احمدی، علی‌محمد؛جلال دهنوی وامین حق‌نژاد (۱۳۹۰) ـ « رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی درکشورهای درحال توسعه ـ یک تجزیه و تحلیل مبتنی بر داده‌های پانلی » پژوهشنامه اقتصادی ـ سال یازدهم ـ شماره دوم ـ صص ۱۸۰ ـ ۱۵۹ .

۳. رازینی، ابراهیم علی و نسرین قبادی (۱۳۸۳) ـ « بررسی و تحلیل اثر صادرات بر رشد اقتصادی » ـ وزارت بازرگانی ـ معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی ـ دفتر مطالعات اقتصادی .

٤. رحمن، محمد سعید (۱۳۷۸) ـ « عوامل تعیین‌کننده در صادرات غیرنفتی ایران » ـ پایان‌نامه کارشناسی ارشد ـ دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی ـ دانشگاه شهید چمران اهواز .

۵. نجارزاده ، رضا و مهران ملکی (۱۳۸٤) ـ « بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد اقتصادی با تأکید بر کشورهای صادر کننده نفت » ـ فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران سال هفتم ـ شماره ۲۳ ـ صص ۱٦۳ ـ ۱٤۷ .

٦. هادی زنوز، بهروز و پروانه کمالی دهکردی (۱۳۸۸) ـ « اثر FDI بر رشد اقتصادی کشورهای میزبان » ـ فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران ـ سال سیزدهم ـ شماره ۳۹ صص ۱۳٦ ـ ۱۱۳ .

۷. یاوری، کاظم و سید حمیدرضا اشرف‌زاده (۱۳۸٤) ـ « یکپارچگی اقتصادی کشورهای در حال توسعه ـ کاربردمدل جاذبه با داده‌های تلفیقی به روشGMM و همگرائی » ـ فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی ـ شماره ۳٦ ـ صص ۲۸ ـ ۱ .

8. Aljarrah, Mohammed. A. (2008). "Non-Oil Export Growth and Economic Development in Saudi Arabia: A Simulation Equations Approach". Journal of the Gulf and Arabian Peninsula Studies Volume 34, Issue 129.

9. Arellano,Manuel. (1993). "On Testing of Correlation Effects With Panel Data". Journal of Econometrics, Volume 59, Issue 1, PP : 87 – 97 .

10. Arellano, Manuel and Stephen Bond. (1991). "Some Test of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and an Application to Employment Equations". Review of Economic Studies, Volume 58. Issue 2 , PP : 277 – 297 .

11 . Arellano, Manuel and Olympia Bover. (1995). "Another Look at the Instrumental-Variable Estimation of Error-Component Models". Journal of Econometrics, volume 68, Issue 1, PP : 29 – 52 .
12 . Baltagi, Badi. H. (2005). "Econometric Analysis of Panel Data". John Wiley & Sons Ltd, The Atrium, Southern Gate, Chichester, West Sussex PO198SQ, England.
13 . Blundell, Richard and Stephen Bond. (1998). "Initial Conditions and Moment Restrictions in Dynamic Panel Data Models". Journal of Econometrics, Volume 87, Issue 1, PP : 115 – 143 .
14 . Blundell, Richard., Stephen Bond and Frank Windmeijer. (2000). "Estimation in dynamic panel data models: Improving on the performance of the standard GMM estimator". Advances in Econometrics, Volume 15, PP : 53 – 91 .
15 . Bond, Stephen. (2002). "Dynamic Panel Data Models: A Guide to Micro Data Methods and Practice". Cemmap Working Paper Series No.CWP09/02, The Institute for Fiscal Studies Department of Economics, UCL .
16 . Drukker, David. M. (2008). "Econometric analysis of dynamic panel-data models using Stata". StataCorp, Summer North American Stata Users Group meeting July 24 – 25 .
17 . Hahn, Jinyong. (1999). "How informative is the initial condition in the dynamic panel model with fixed effects?". Journal of Econometrics, volume 93, Issue 2, PP : 309 – 326 .
18 . Halicioglu, Anita and Ferda Halicioglu. (2006). "Foreign direct investment and economic growth : some evidence from across the world". Munich personal RePEc archive (MPRA). Online at http://mpra.ub.uni-muenchen.de/3563/.
19 . Hansen, Lars Peter. (1982). "Large sample Properties of Generalised Method of Moment Estimators". Econometrica. Volume 50, Issue 4, PP: 1029 – 1054 .
20 . Hasanov, Fakhri and Ilaha Samadova. (2010). "The Impact of Real Effective Exchange Rate on the Non-oil Export: The Case of Azerbaijan". Forthcoming 2nd issue of ECO Economic Journal.
21 . Hsiao, Frank S.T. and Mei-Chu W. Hsiao. (2006). "FDI, exports, and GDP in East and Southeast Asia-Panel data versus time-series causality analyses". Journal of Asian Economics, Volume 17,Issue 6, PP: 1082 – 1106 .
22 . 38- Merza, Ebrahim. (2007). "Oil Exports, Non-Oil Exports and Economic Growth: Time Series Analysis for Kuwait (1970-2004)". P.h.D. dissertation. Kansas State University.
23 . Mirjamali Mehrabadi, Monir Sadat., Ebrahim Nabiuny and Hamed Etemad Moghadam. (2012). "Survey of Oil and Non-oil Export Effects on Economic Growth in Iran". Greener Journal of Economics and Accountancy, Volume 1, Issue 1, PP : 008 – 018 .

24 . Olayiwola, Kolawole and Henry Okodua. (2009). "Foreign Direct Investment, Non-Oil Exports, and Economic Growth in Nigeria: A Causality Analysis". 14th Annual Conference of the AES on Econometric Modelling for Africa, University of Ibadan and the Nigerian Econometric Society.
http://www.africametrics.org/conference-papers09.html.
25 . Sadni Jallab, Mustapha., Monnet Benoit Patrick Gbakon and Rene Sandretto. (2008). "Foreign direct investment, macroeconomic instability and economic growth in MENA countries". GATE groupe d'analyse et de theorie economique, UMR 5824 duCNRS, Working Paper, W.P. 08 – 17 .
26 . Yao, Shujie. (2006). "On economic growth, FDI and exports in China". Applied Economics, Volume 38, Issue 3, PP: 339-351. Online at http://www.mendeley.com/research/economic-growth-fdi-exports-china/#page-1.

بررسی آثار احتمالی فرایند الحاق به WTO بر صنایع غذایی منتخب در راستای شناسایی تهدیدها و فرصت های تولید ملی

محمد خداوردیزاده[1] ـ محمد کاوسی کلاشمی[2] ـ یحیی فتحی[3]
مریم حسینی[4] ـ هادی تیزهوش تابان[5]

مقدمه

درآمدهای حاصل از نفت و فراورده‌های آن همواره دستخوش تغییر و ناپایداری بوده است . وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای حاصل از فروش نفت خام و محدود بودن ذخایر نفتی چرخش به سمت اقتصاد چند محصولی در صادرات را محور تلاش‌های دولتمردان در سال‌های اخیر نموده است. تحقق این امر مستلزم شناخت فرصت‌های موجود در صادرات غیرنفتی و عملیاتی نمودن آن می‌باشد . توسعه صادرات غیرنفتی، علاوه بر افزایش درآمدهای ارزی و بهبود تراز پرداخت‌ها ، می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر اشتغال در کشور بگذارد. به منظور رشد و توسعه صادرات غیرنفتی در بلندمدت باید اتخاذ سیاست‌های پایه‌ای و بنیادی مد نظر برنامه‌ریزان قرار گیرد . یکی از پیامدهای احتمالی آینده بحث حضور در سازمان تجارت جهانی می باشد که برنامه‌ریزیهای ممکن قبل از عضویت در ان باید صورت بگیرد. با گسترش سازمان جهانی تجارت بررسی تبعات آن یکی از دغدغه های کشورهای عضو و غیر عضو می باشد. کشورهای عضو در سازمان جهانی تجارت باید با یک برنامه زمان بندی مشخص ضمن کاهش تعرفه ها، نسبت به حذف محدودیتها و حمایتهای غیر تعرفه ای اقدام نمایند. لذا قبل از الحاق به سازمان تجارت جهانی بررسی و شناسایی محصولات دارای مزیت نسبی و قابل رقابت در بازارهای جهانی در هر یک از سه بخش صنعت ، کشاورزی و خدمات گام اولیه مهمی در توسعه صادرات غیر نفتی محسوب میشود. الحاق به سازمان جهانی تجارت را باید عنصری کلیدی در مسیر اجرای اهداف سیاست های توسعه ای تجارت ملی به شمار آورد. بر اساس تجربیات کشورهای مورد بررسی این اهداف می باید به روشنی قبل از شروع جریان الحاق تعریف شده باشند. اگر قرار باشد الحاق با شرایط متعادلی انجام گیرد، منافع ملی با حساسیت بیشتری دنبال شود و حتی الامکان از بروز

۱ ـ دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس
۲ ـ دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی
۳ ـ معاون پژوهشی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی تهران
۴ ـ کارشناس ارشد دانشگاه تبریز
۵ ـ رئیس اتاق بازرگانی گیلان

شوک به صنایع و بخش های داخلی جلوگیری شود، باید از قبل آمادگی کامل و هماهنگی تام بین نهادهای دولتی و توافق همه گیر سیاسی در کشور به وجود آمده و به خوبی دانسته شود که مذاکرات الحاق جریانی مشکل، پیچیده و زمان بر است .

از لحاظ جنبهٔ کیفی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی عملاً باعث می شود که ایران در راستای پذیرفتن موافقتنامه های سازمان تجارت جهانی الزاماً باید اصلاحاتی را در ساختار حقوقی، مالی و اقتصادی خود بپذیرد که این امر میتواند سبب بهبود ساختار اقتصاد ایران شود. از طرف دیگر حرکت ایران با جهت حرکت اقتصاد جهان همسو خواهد شد که در بلند مدت آثار حسن زیادی بر اقتصاد ایران خواهد گذاشت. الحاق به سازمان تجارت جهانی باعث می شود که واحدهای کارا فعال شده و بنگاههای غیرکارا از صحنهٔ رقابت خارج شوند و به توسعهٔ آن دسته از تولیدات داخلی که دارای مزیت نسبی صادراتی است منجر می شود .

ایار و همکاران (۲۰۰۷) در مطالعه ای تحت عنوان « آثار اقتصادی الحاق اوکراین به سازمان جهانی تجارت ـ ارزیابی رقابت قیمتی » اقدام به مقایسه شاخص هایی از جمله نرخ تعرفه واردات، نرخ تفاوت قیمت داخلی و بین المللی، نرخ تعرفه تثبیتی مورد انتظار برای کالاهای کشاورزی و صنعتی در دو حالت الحاق و عدم الحاق به WTO نمودند. نتایج این مطالعه نشان داد که بیشتر محصولات کلیدی صنعتی و کشاورزی اوکراین توان رقابت قیمتی خود را پس از الحاق حفظ می کنند و حتی اگر اصلاحات نهادی و اقتصادی این کشور ادامه پیدا کند و بنگاهها نیز اصلاحاتی را در جهت تطابق با روشهای کسب و کار نوین[1] انجام دهند، این توان رقابتی قابلیت افزایش نیز دارد. یانو (۱۹۹۷) با استفاده از ماتریس تحلیل سیاستی در تایلند نشان داد که برنج در مقایسه با سویا و نخود دارای سودآوری اجتماعی است، اما کشاورزان به دلیل اینکه یارانه بیشتری به سویا و نخود سبز پرداخت می‌شود، کشت سویا و نخود سبز را بر برنج ترجیح می‌دهند. گونزالس[2] و همکاران (۱۹۹۳) با استفاده از معیار هزینه منابع داخلی، نرخ حمایت اسمی و موثر و سودآوری خالص اجتماعی به بررسی مزیت نسبی پنج محصول عمده کشاورزی اندونزی شامل برنج، ذرت، سویا، شکر و آرد کاساوا پرداختند. نتایج نشان داد که اندونزی در تولید برنج و ذرت در مقایسه با واردات آنها دارای مزیت نسبی است، اما مزیت نسبی ذرت از برنج بیشتر است. سروش زنگنه و همکاران(۱۳۸٤) به بررسی مزیتنسبی میگو در استان سیستان و بلوچستان پرداختند. آنها با استفاده از شاخصهای هزینه منابع داخلی، نرخ حمایت اسمی از نهاده نرخ حمایت اسمی محصول و نرخ حمایت موثر در غالب ماتریس تحلیل سیاستی مزیت نسبی میگو را اندازه‌گیری کردند و به این نتیجه رسیدند که تولید میگو در این استان دارای مزیت نسبی

---

۱ ـ مانند توسعه تولید کالاها و خدمات جدید، بهبود کیفیت و کاهش هزینه های عملیاتی.

2 - Gonzales

میباشد و به رغم حمایت دولت از این محصول در بازار نهاده حمایت منفی دولت در بازار محصول در کل عدم حمایت از این محصول را منجر شده است .

ثاقب (۱۳۸٤) با استفاده از روش ماتریس تحلیل سیاستی آثار سیاست‌های دولت بر تولید کیوی در ایران را طی دوره ۸۱ ـ ۱۳۷۸ مورد بررسی قرار داد. بر این اساس، مجموع اثرات مداخله دولت در فرآیند تولید کیوی به نفع تولیدکنندگان در بازار داخلی بوده است. از سوی دیگر، سود خالص اجتماعی تولید کیوی و مزیت نسبی این محصول در دوره مورد مطالعه روندی نزولی داشته است .

مواد و روشها

روش ماتریس تحلیل سیاستی PAM

با توجه به سیاستها و مداخله های دولت در تولید محصولات کشاورزی و با توجه به اینکه قیمت عوامل تولید و محصولات نیز تحت تاثیر این سیاستها به صورت غیر واقعی تعیین شده‌اند، به منظور برآورد شاخصهای مزیت نسبی باید از روشی استفاده کرد که بتوان با استفاده از آن در کنار محاسبه مقادیر شاخصهای مزیت نسبی به تحلیل سیاستهای حاکم بر تولید محصولات پرداخت. ماتریس تحلیل سیاستی یکی از جامع ترین روشهای اندازه گیری مزیت نسبی میباشد که قابلیتهای فوق را نیز دارا میباشد. این روش علاوه بر محاسبه مزیت نسبی به ارزیابی سیاست های دولت در مورد بخش یا محصولی خاص نیز می پردازد. ماتریس تحلیل سیاستی اساساً یک تکنیک حسابداری مضاعف است که اطلاعات بودجه بندی فعالیتهای درون مزرعه و برون مزرعه‌ای را به طور خلاصه ارائه می‌نماید. چارچوب ماتریس تحلیل سیاستی برای هر محصول و در هر شرکت یا محصول به صورت زیر می‌باشد .

جدول شماره ۱ ـ چارچوب ماتریس تحلیل سیاستی

مبنای محاسبه	درآمد	هزینه نهاده‌ها		سود
		قابل تجارت	غیر قابل تجارت	
خصوصی (بر حسب قیمتهای بازاری)	A	B	C	D
اجتماعی (بر حسب قیمتهای سایه‌ای)	E	F	G	H
تفاوت (اثر سیاست)	I	J	K	L

ماخذ: (شوجی بانو، ۱۹۹۷)

رهیافت ماتریس تحلیل سیاستی (PAM) محاسبه سه گروه شاخص‌های مزیت نسبی یا طرف عرضه شامل شاخص هزینه منابع داخلی (DRC) ، شاخص هزینه به منفعت اجتماعی

(SCB) و شاخص سودآوری خالص اجتماعی (NSP)، شاخص‌های حمایت شامل شاخص ضریب حمایت اسمی از نهاده (NPCI)، شاخص ضریب حمایت اسمی از محصول (NPCO) و شاخص ضریب حمایت مؤثر (EPC) و شاخص‌های توان رقابت هزینه‌ای شامل شاخص توان رقابت داخلی (Uc_d) و شاخص توان رقابت صادراتی (Uc_x) را مد نظر دارد .

۱ـ شاخص هزینه منابع داخلی (DRC)

DRC عبارت از مقدار هزینه منابع داخلی است، که در فعالیت تولیدی مورد استفاده قرار گرفته تا یک واحد ارز خارجی به دست آید یا در یک واحد ارز خارجی صرفه جویی شود. DRC نسبت ارزش سایه‌ای داده‌های خالص داخلی به ارزش سایه‌ای ستانده‌های خالص مبادله شده می‌باشد .

فرمول محاسباتی DRC را با توجه به رهیافت ماتریس تحلیل سیاستی می‌توان به صورت زیر بیان می‌شود :

$$DRC = \frac{G}{E - F} \qquad (۱)$$

اگر مقدار DRC کوچکتر از یک باشد، به مفهوم آن است که خالص ارز استحصالی بیشتر از هزینه سایه‌ای نهاده‌های داخلی است، پس تولید در داخل از واردات آن ارزانتر خواهد بود و در این حالت صرفه‌جویی ارزی محقق شده، لذا می‌بایست تولید آن کالا جانشین واردات گردد. زمانی که مقدار DRC برابر یک بوده، خالص ارز استحصالی معادل هزینه سایه‌ای نهاده‌های داخلی است. به عبارت دیگر، صرفه‌جویی ارزی و اسراف ارزی صفر می‌باشد و سیاستگذار برای پاسخگویی به تقاضای داخلی می‌تواند اقدام به تولید یا واردات کالا نماید .

۲ـ شاخص هزینه به منفعت اجتماعی (SCB)

این معیار سود حاصل از تولید محصول را با به کارگیری قیمتهای سایه‌ای محصول و نهاده‌های تولید داخلی و خارجی محاسبه می‌کند. این شاخص از نسبت هزینه‌های سایه‌ای به درآمد سایه‌ای بدست می‌آید. پس از تشکیل ماتریس PAM معیار SCB را می‌توان به صورت زیر محاسبه کرد :

$$SCB = \frac{F + G}{E} \qquad (۲)$$

مقادیر بین صفر و یک شاخص مذکور بیانگر مزیت و سودآوری تولید و صادرات محصول مورد نظر بوده، مقادیر بزرگتر از واحد این شاخص عدم مزیت و سودآوری تولید و صادرات را نشان می‌دهد و برابری مقدار شاخص SCB با یک به مفهوم نقطه سر به سر است. این روش به دلیل استفاده از قیمت‌های سایه‌ای، پیش نگر محسوب می‌شود .

۳ ـ شاخص سودآوری خالص اجتماعی (NSP)

این معیار سود حاصل از تولید محصول را با به کارگیری قیمتهای سایه‌ای محصول و نهاده‌های تولید داخلی و خارجی محاسبه می‌کند. اگر NSP بزرگتر از صفر باشد، در تولید محصول مزیت نسبی وجود دارد و در غیر این صورت، فعالیت تولیدی فاقد سودآوری اجتماعی و مزیت نسبی است. رابطه محاسباتی NSP را در چارچوب ماتریس تحلیل سیاستی می‌توان به صورت زیر تعریف کرد :

$$NSP = (E - F - G) \qquad (۳)$$

٤ ـ شاخص ضریب حمایت اسمی از نهاده[1] (NPCI)

مقدار شاخص ضریب حمایت اسمی از نهاده چگونگی حمایت از نهاده‌های قابل تجارت یا مبادله را در فرایند تولید این محصول نشان می‌دهد. این شاخص از تقسیم هزینه نهاده‌های قابل تجارت به قیمت بازار بر هزینه نهاده قابل تجارت به قیمت سایه‌ای به دست می‌آید. اگر مقدار شاخص NPCI کوچکتر از یک باشد به تولیدکننده در به کارگیری نهاده‌های قابل تجارت یارانه غیرمستقیم پرداخت شده است. در مقابل اگر مقدار این شاخص بزرگتر از واحد باشد به معنای پرداخت مالیات غیرمستقیم از سوی تولیدکننده با مصرف این نهاده‌ها در فرایند تولید محصول می‌باشد . ضریب حمایت اسمی از نهاده در چارچوب ماتریس PAM به صورت زیر محاسبه می‌شود :

$$NPCI = \frac{B}{F} \qquad (٤)$$

۵ ـ شاخص ضریب حمایت اسمی از محصول[2] (NPCO)

این معیار از تقسیم درآمد بازاری به درآمد سایه‌ای حاصل شده و مقادیر بزرگتر از واحد آن بیانگر برخورداری بازار محصول از حمایت و پرداخت یارانه غیرمستقیم به تولیدکننده بوده در حالی که مقادیر کمتر از واحد این شاخص، عدم حمایت از بازار محصول و تحمیل مالیات غیرمستقیم بر تولیدکننده را نشان می‌دهد. رابطه ریاضی مورد استفاده برای محاسبه NPCO در چارچوب ماتریس PAM به صورت زیر می‌باشد :

$$NPCO = \frac{A}{E} \qquad (۵)$$

1 - Nominal Protection Coefficient on Inputs
2 - Nominal Protection Coefficient on Outputs

۶ـ ضریب حمایت مؤثر[1] (EPC)

از نسبت ارزش افزوده تولید محصول بر حسب مقادیر بازاری به ارزش افزوده تولید بر حسب قیمت‌های سایه‌ای حاصل می‌شود. کمتر از واحد بودن این معیار بیانگر آن است که مجموع آثار مداخله دولت در بازار نهاده و محصول به زیان تولیدکننده است و بزرگتر از واحد بودن آن نیز نشان می‌دهد که مجموع آثار مداخله دولت در بازار نهاده و محصول به نفع تولیدکننده می‌باشد. در چارچوب ماتریس PAM به صورت زیر محاسبه می‌شود :

$$EPC = \frac{A - B}{E - F} \qquad (۶)$$

۷ـ توان رقابت داخلی (UC_d)

این شاخص مبین آن است که آیا تولیدکننده در شرایط فعلی و با وجود انحراف در قیمت کالا و عوامل تولید می تواند در بازارهای داخلی رقابت کند یا خیر. روش محاسبه این شاخص به صورت زیر است :

$$UC_d = \frac{B + C}{A} \qquad (۷)$$

در این حالت اگر این شاخص کوچکتر از یک باشد، تولید کننده در تولید کالاهای خود دارای توان رقابت هزینه ای داخلی است. ولی اگر بزرگتر از یک باشد، تولید کننده دارای توان رقابت هزینه ای داخلی نیست .

۸ـ توان رقابت صادراتی (UC_x)

این شاخص بیان می کند که آیا کالاهای تولید کننده در شرایط فعلی و با صرف نهاده ها با قیمت های داخلی که ممکن است شامل یارانه و مالیات غیر مستقیم باشند، می توانند در بازارهای بین المللی رقابت کنند یا خیر. نحوه محاسبه شاخص توان رقابت صادراتی به صورت زیر است :

$$UC_x = \frac{B + C}{E} \qquad (۸)$$

اگر این شاخص از یک کوچکتر باشد، تولید کننده در تولید محصول خود دارای توان رقابت هزینه ای صادراتی است. اگر مقدار این شاخص برابر یک شود، تولید کننده در بازارهای بین المللی در نقطه سر به سر است .

1 - Effective Protection Coefficient

نتایج و بحث

با توجه به نقش و اهمیت اقتصادی و اجتماعی محصولات کشاورزی از جمله صنایع غذایی در اقتصاد ملی، استعدادهای بالقوه کشور برای ارتقاء کمی و کیفی این گروه از محصولات و با در نظر گرفتن رقابت های جهانی در زمینه بازار محصولات کشاورزی و پتانسیل بالای محصولات صنایع غذایی از بعد صادرات و تولید، نیاز به انجام تحقیقات اقتصاد کشاورزی در زمینه مزیت نسبی تولید، رقابت جهانی ضروری به نظر می رسد. کشور ایران به عنوان یکی از مهمترین قطب های کشاورزی جهان با توجه به شرایط اقلیمی و همچنین جایگاه ویژه ساختار کشاورزی مختص خودش که در تولید بسیاری از محصولات از جمله محصولات صنایع غذایی دارد انجام مطالعه ای در زمینه شناسایی محصولات صنایع غذایی مزیت دار و با توان بالای رقابتی ضرورت دارد. جهت نیل به این هدف مهم شاخص های حاصل از ماتریس تحلیل سیاستی (PAM) در جدول شماره ۲ برای محصول ماست چکیده موسیر پرچرب ۵۰۰ گرمی منتخب شرکت لبن دشت چوپان محاسبه و مقایسه و تحلیل شدند .

با توجه به اهداف مدنظر در پژوهش حاضر محاسبه سه گروه شاخص‌های مزیت نسبی یا طرف عرضه، شاخص‌های حمایت و شاخص‌های توان رقابت هزینه‌ای صورت گرفت. نتایج محاسبه سه گروه شاخص یادشده برای محصول ماست چکیده موسیر پرچرب ۵۰۰ گرمی در جدول شماره ۲ فوق ارائه شده است .

جدول ۲ ـ نتایج محاسبه شاخص‌های مزیت ، حمایت و توان رقابت هزینه‌ای ماست چکیده موسیر پرچرب ۵۰۰ گرمی

نوع شاخص	شاخص	مقدار شاخص	خلاصه وضعیت
مزیت نسبی	DRC	۰/۴۵	مزیت در تولید و تجارت
	SCB	۰/۵۹	مزیت در تولید و تجارت
	NSP	۱۰۳۵۳	مزیت در تولید و تجارت
حمایت	NPCI	۱/۱۹	عدم حمایت از بازار نهاده
	NPCO	۰/۶۳	عدم حمایت از بازار محصول
	EPC	۰/۴۶	مداخله دولت به ضرر تولیدکننده
توان رقابت	Uc_d	۰/۶۹	وجود توان رقابت هزینه‌ای داخلی
	Uc_x	۰/۴۴	برخورداری از توان رقابت هزینه‌ای صادراتی

ماخذ: یافته‌های پژوهش

مقدار شاخص هزینه منابع داخلی محصول ماست چکیده موسیر پرچرب ۵۰۰ گرمی کوچکتر از یک و برابر با ۰/۴۵ می باشد که نشان می هد که برای کسب هر واحد ارز خارجی مقدار ۰/۴۵ واحد هزینه در منابع داخلی (غیرقابل تجارت) تولید باید صرف شود. به بیان دیگر با تولید ماست چکیده موسیر پرچرب ۵۰۰ گرمی در داخل کشور ۵۵ درصد در منابع داخلی صرفه جویی میشود و به جای هزینه کردن ۱۰۰ واحد ارز خارجی به منظور وارد کردن ماست چکیده موسیر پرچرب ۵۰۰ گرمی، تنها ۴۵ واحد ارز خارجی از منابع داخلی هزینه میشود. به بیان دیگر هزینه سایه‌ای نهاده‌های داخلی در تولید این فراورده لبنی کمتر از ارز صرف شده می باشد بنابراین تولید آن در داخل به دلیل وجود صرفه‌جویی ارزی، اقتصادی‌تر از واردات آن است. در نتیجه کشور ایران در تولید ماست چکیده موسیر پرچرب ۵۰۰ گرمی دارای مزیت نسبی می باشد و کشور میتواند با تولید این محصول و تجارت آن منتفع شود .

مقدار شاخص SCB برای ماست چکیده موسیر پرچرب ۵۰۰ گرمی معادل با ۰/۵۹ است. از این رو، به ازای هر واحد درآمد سایه‌ای حاصل از تولید این محصول ، ۰/۵۹ واحد هزینه صرف منابع و نهاده‌های قابل مبادله و غیر قابل مبادله در تولید این فراورده لبنی می‌شود لذا تولید کننده ۰/۴۱ منتفع می شود. با عنایت به بیشتر بودن درآمد حاصل از هزینه‌های سایه‌ای صرف شده، تولید و صادرات ماست چکیده موسیر پرچرب ۵۰۰ گرمی در شرایط رقابت آزاد سودآور بوده و مزیت نسبی دارد .

مقدار شاخص سودآوری خالص اجتماعی (NSP) معادل با ۱۰۳۵۳ ریال بوده که بیانگر کوچکتر بودن مجموع هزینه سایه‌ای نهاده‌های قابل مبادله و غیر قابل مبادله صرف شده در تولید این محصول لبنی از درآمد سایه‌ای آن است. به عبارت دیگر، در صورتیکه هیچ گونه دخالتی در بازار نهاده و محصول وجود نداشته باشد (شرایط رقابت آزاد) ، مقدار سود تولید کننده برابر ۱۰۳۵۳ ریال خواهد بود. با توجه به مقادیر مثبت شاخص NSP برای ماست چکیده موسیر پرچرب ۵۰۰ گرمی، این فعالیت تولیدی دارای سودآوری اجتماعی و مزیت نسبی است .

دومین گروه شاخص‌های مورد بررسی برای این محصول لبنی، معیارهای حمایت از بازارهای نهاده و ستانده می‌باشد. نخستین شاخص مورد بررسی در این گروه، معیار ضریب حمایت اسمی از نهاده (NPCI) بوده که مقدار آن برای ماست چکیده موسیر پرچرب ۵۰۰ گرمی برابر با ۱/۱۹ است. از این رو، هزینه سبد تجمیع شده نهاده‌های قابل تجارت در تولید این محصول بر حسب مقادیر بازاری یا مشاهده شده در داخل، ۱/۱۹ برابر هزینه سبد تجمیع شده این نهاده‌ها برحسب مقادیر سایه‌ای یا رقابتی می‌باشد. به بیان دیگر، تولیدکننده با مصرف این نهاده‌ها در تولید فراورده لبنی مذکور ۱۹ درصد بیش از ارزش واقعی نهاده ها پول می پردازد و به نوعی به میزان ۱۹ درصد مالیات غیرمستقیم پرداخت می نماید. مقدار شاخص NPCI عدم حمایت از

بازار نهاده‌های قابل تجارت صرف شده در تولید ماست چکیده موسیر پرچرب ۵۰۰ گرمی را نشان می‌دهد .

مقدار شاخص ضریب حمایت اسمی از محصول (NPCO) برای ماست چکیده موسیر پرچرب ۵۰۰ گرمی معادل با ۰/٦۳ بوده که نشان می‌دهد درآمد هر واحد محصول بر حسب مقادیر بازاری و مشاهده شده ۰/٦۳ درآمد بر حسب مقادیر سایه‌ای یا رقابت آزاد بوده و عدم حمایت در بازار فروش محصول وجود دارد. به عبارت دیگر درآمد بازاری تولید کننده به میزان ۳۷ درصد کم تر از میزان واقعی و جهانی آن می باشد. به عبارت دیگر سیاستهای دولت در مورد این محصول باعث شده است قیمت در داخل کشور کمتر از قیمت مرزی در نرخ سایه ای ارز باشد که به نحوی حاکی از اعمال مالیات ضمنی بر تولید کنندگان در داخل کشور می باشد .

مقدار شاخص ضریب حمایت مؤثر (EPC) برای ماست چکیده موسیر پرچرب ۵۰۰ گرمی معادل با ۰/٤٦ بوده که بیانگر آن است که مجموع مداخله دولت در بازار نهاده و ستانده (سیاستهای دولت) این محصول به ضرر تولیدکننده می‌باشد و تولید کنندگان در بازار فروش محصول مالیات می پردازند. در واقع مداخله دولت در بازار این محصول باعث شده تا تولیدکنندگان سود کمتری از تولید این محصول نسبت به حالت بازار آزاد داشته باشند. این نتیجه با توجه به حمایت منفی از بازار نهاده و محصول که در نتایج شاخص‌های NPCI و NPCO مشخص شده قابل پیش‌بینی بود .

سومین گروه شاخص‌های مورد مطالعه برای این محصول لبنی، شاخص‌های توان رقابت هزینه‌ای شامل شاخص توان رقابت داخلی (Uc_d) و توان رقابت صادراتی (Uc_x) می‌باشد. مقدار شاخص توان رقابت داخلی (Uc_d) برای ماست چکیده موسیر پرچرب ۵۰۰ گرمی برابر با ۰/٦۹ بوده که که نشان می‌دهد مقدار درآمد محصول بر حسب مقادیر بازاری بیشتر از مجموع هزینه نهاده‌ها بر حسب مقادیر بازاری است که بیانگر این است که تولیدکننده قادر به رقابت با سایر تولیدکنندگان داخلی این محصول می‌باشد .

مقدار شاخص توان رقابت صادراتی (Uc_x) برای ماست چکیده موسیر پرچرب ۵۰۰ گرمی معادل با ۰/٤٤ بوده که نشان می‌دهد مقدار درآمد محصول بر حسب مقادیر سایه‌ای بیشتر از مجموع هزینه نهاده‌ها بر حسب مقادیر بازاری است. از این رو، تولیدکننده این محصول دارای توان رقابت در بازارهای جهانی می‌باشد .

نتیجه گیری و توصیه های سیاستی

جنبه‌های کمی آثار الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر بازرگانی خارجی و صادرات غیر نفتی منتخب از یک منظر مهم قابل بررسی است. این منظر از اثر اعمال قیمتهای جهانی و حذف یارانه ها بر عوامل تولید داخلی و نتیجتاً بهای تمام شدهٔ محصولات بر قابلیت رقابت کالاهای داخلی و خارجی پیدا می شود. در این تحقیق به اندازه گیری این اثر اساسی مهم الحاق

به سازمان تجارت جهانی بر صنایع غذایی منتخب پرداختیم. بطور خلاصه هدف ما بررسی این موضوع بود که آیا صنایع غذایی تولیدی منتخب ایران پس از الحاق به سازمان تجارت جهانی توان رقابت بین المللی با تولیدکنندگان صنایع غذایی را دارد یا خیر؟ چه سیاست هایی را باید در هر راهبرد به کار برد؟ برای این کار شرکت لبن دشت چوپان را به عنوان نمونه انتخاب نمودیم تا با کمک معیارهای مهم ماتریس تحلیل سیاستی مشخص نماییم که آیا محصولات منتخب صنایع غذایی شرکت لبن دست چوپان دارای مزیت نسبی بین المللی می باشند یا نه؟ با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهادات ذیل توصیه می گردد :

- با توجه به کم تر از یک بودن شاخص DRC در محصول ماست چکیده موسیر پرچرب ۵۰۰ گرمی هزینه سایه‌ای نهاده‌های داخلی در تولید این فراورده لبنی کمتر از ارز صرف شده در صورت واردات آن می‌باشد بنابراین تولید آن در داخل به دلیل وجود صرفه‌جویی ارزی اقتصادی‌تر از واردات آن است و تولید این محصول با مزیت نسبی همراه می باشد. لذا تولید آن در داخل نه تنها سبب صرفه جویی ارزی می گردد بلکه به دلیل تولید محصول در داخل کشور سبب ایجاد بازار کار و اشتغال در کشور می گردد که این نتیجه بدست آمده در راستای حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی و حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی می باشد. لذا پیشنهاد می گردد که محصولات مختلف سایر شرکت ها از لحاظ وجود مزیت نسبی بررسی و سیاست مناسب تری متناسب با هر کدام اتخاذ گردد .
- مقدار شاخص DRC برای محصولاتی که نزدیک به مقدار واحد باشد در آستانه نقطه سر به سر مزیت نسبی قرار دارند. از این رو، مدیریت اقتصادی و استفاده از فناوری صرفه‌جویانه در فرایند تولید این محصولات و سایر محصولات با مزیت نسبی مشابه می‌تواند از دست رفتن مزیت نسبی در تولید و صادرات این محصولات لبنی را منتفی و تولید آنها را در داخل با صرفه جویی ارزی معنی دار را ممکن سازد تا با تولید اقتصادی در داخل هم مانع از خروج ارز شده و هم با حمایت از تولید ملی اشتغال نیز در داخل کشور افزایش یابد .
- مقدار شاخص سوآوری خالص اجتماعی(NSP) برای محصول مورد مطالعه مثبت می باشد . لذا تولید محصول لبنی مورد مطالعه در شرایط رقابت آزاد با توجه به سودآوری اجتماعی آن تاکید می گردد. لذا با توجه به سودآوری تولید این محصول در داخل بازار کار هم در کشور فعال می گردد .
- مقدار شاخص ضریب حمایت اسمی از نهاده (NPCI) برای محصول مورد مطالعه نشان داد که تولید کنندگان این محصول بیش از ارزش واقعی نهاده‌ها پول می پردازند که به نوعی مالیات غیرمستقیم پرداخت می نمایند. عدم حمایت از بازار نهاده‌ها در بلندمدت خسارت شایان توجهی را به سامانه تولید این محصول لبنی وارد آورده و با ایجاد انحراف در بازار سبب تخصیص ناکارای نهاده‌های تولیدی و جهت‌گیری نامناسب در تولید محصولات فراوری شده کشاورزی از جمله محصولات لبنی می‌شود. لذا دولت بایستی با اجرای برنامه هایی در

جهت کاهش هزینه های تولید این محصولات به تولید اقتصادی آنها در جهت نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی کمک نماید .

- مقدار شاخص ضریب حمایت اسمی از محصول (NPCO) برای محصول مورد مطالعه نشان داد که قیمت این محصول کم تر از ارزش جهانی و واقعی آنها می باشد و سیاستهای دولت در مورد محصول مورد مطالعه باعث شده است قیمت در داخل کشور کمتر از قیمت مرزی در نرخ سایه ای ارز باشد که به نحوی حاکی از اعمال مالیات ضمنی بر تولید کنندگان در داخل کشور می باشد. بدیهی است ادامه این شرایط در میان‌مدت می‌تواند انگیزه‌های تولید را در این بخش از بین برده و تبعات نامناسبی برای امنیت غذایی کشور ایجاد نماید. در شرایطی که بهینه‌سازی سیاستی در راستای مداخله مثبت و به نفع تولیدکننده در بخش کشاورزی سرلوحه سیاست‌گزاری در اکثر کشورهای پیشرفته و در حال توسعه دنیا محسوب شده، ادامه این روند در خصوص محصول لبنی مورد مطالعه به هیچ عنوان مطلوب و مورد قبول نمی‌باشد. بازنگری در سبد سیاست‌های مرتبط با بازار نهاده و قیمت‌گزاری ستانده از جمله اولویت‌های اصلی در خصوص اصلاح وضعیت موجود بر شمرده می‌شود .
- مقادیر شاخص توان رقابت صادراتی (Uc_x) برای محصول مورد مطالعه نشان داد که تولیدکننده مورد مطالعه در محصول مورد بررسی توان رقابت هزینه‌ای با رقبای جهانی را دارا می‌باشد. لذا با مدیریت و کاهش هزینه های تولید محصول مورد مطالعه می توان توان رقابت صادراتی آن را بالا برده و تولید صادرات محور را افزایش داد .
- وزارت جهاد کشاورزی به عنوان متولی بخش تولید محصولات مختلف کشاورزی و صنایع غذایی موظف است با به کارگیری بهینه نهاده ها و در نتیجه افزایش بهره وری و کارایی حاصل از هر نهاده ها، استفاده از فناوری‌های نوین سبب کاهش هزینه‌های تولید، افزایش انگیزه های تولید کنندگان، افزایش قدرت رقابتی محصول در عرصه صادراتی و در نهایت سبب افزایش مزیت نسبی شود .
- کاهش تدریجی تعرفه ها و یارانه های صادراتی، قرار دادن تدریجی محصولات مختلف در معرض رقابت‌ها ی جهانی در بلندمدت جهت ورود محتاط به سازمان تجارت جهانی .
- تجدید ساختار بخش های تولیدی دارای ساختارهای هزینه ای نامناسب .
- تشکیل کمیته‌ای تخصصی در تمامی زمینه ها از جمله صنایع غذایی برای مدیریت استراتژیک فرآیند الحاق در مراحل قبل از مذاکرات، حین مذاکرات و پس از الحاق با هدف مدیریت آگاهانه، هوشمندانه و مشارکت جویانه.
- حمایتهای دولت به صورت هدفمند از محصولاتی که مزیت نسبی بالاتری دارند بیشتر شده تا علاوه بر توسعه این محصولات و به تبع آن استفاده بهینه از منابع و عوامل تولید شرایطی فراهم آید تا در هنگام مواجه با فرآیند ادغام تجاری تولید کنندگان از توان رقابت پذیری بالایی برخوردار باشند و بادستیابی به بازارهای بزرگتر از فرایند ادغام تجاری سود ببرند .

منابع و مآخذ

۱. ابریشمی، ح. گرجی، ا. احراری، م و نجفیان، ف. (۱۳۸۸) ـ « اثرات جهانی شدن بر صادرات غیر نفتی ایران » ـ فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی ـ شماره ۵۱ ـ صص ۲۴ ، ۱ .

۲. بیدآباد، بیژن (۱۳۸۳) ـ « آثار عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی بر صنعت سیمان » دفتر برنامه ریزی و تحقیقات سیمان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ـ ۲۱۷ صفحه .

۳. ثاقب، ح. (۱۳۸٤) ـ « بررسی سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی با استفاده از ماتریس تحلیل سیاستی ـ مطالعه موردی کیوی در شمال ایران » ـ فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی ـ شماره ۳۵ ـ ص ۱۷٦ ، ۱۵۳ .

٤. رحیمی بدر، ب. و مبارک، ا. (۱۳۸۸) ـ « بررسی تجربیات کشورهای منتخب در فرآیند الحاق به WTO (اوکراین و ویتنام) » ـ فصلنامه بررسی‌های بازرگانی ـ ۳۹ ـ ۱۷ ، ۳۱ .

۵. سروش زنگنه، م و همکاران، (۱۳۸٤) ـ « بررسی مزیت نسبی تولید میگو استان سیستان و بلوچستان » ـ مجموعه‌مقالات پنجمین کنفرانس دوسالانه اقتصادکشاورزی وتوسعه، زاهدان .

٦. صفوی، ب. و احمدی، ف. (۱۳۸٤) ـ « ظرفیت سنجی توانمندی‌های تولیدی و صادراتی محصولات باغی استان کردستان » ـ فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه ـ شماره ۵۲ ص ۱٤۵ ، ۱۳۳ .

۷. مهدوی عادلی، م.ح. نوروزی، ر و مطهری، محب الله. (۱۳۸۸) ـ « نقش سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر صادرات غیرنفتی در اقتصاد ایران » ـ مجله دانش و توسعه ـ شماره ۲۷ صص ۱۸۱ ، ۱٦۱ .

۸. نجارزاده، ر. و رضاقلی زاده، م. (۱۳۸۷) ـ « بررسی توان رقابت هزینه ای صنعت فرش دستباف درصورت پیوستن ایران به WTO با استفاده از ماتریس تحلیل سیاست (PAM) » مجلهٔ تحقیقات اقتصادی ـ ۸٤ ـ ۲٦۰ ، ۲۳۱ .

9. Bayar, A., I. Kobouta, E. Shkarban, V. Zhygadlo and O. Shevtsov (2007), Economic Impacts of WTO Accesstion by Ukrain: Assessment of Price Competitiveness, UNDP Blue Ribon Analetical and Advisory Centre, Kyiv.

10. Bruno M.(1972). "Domestic Resource Cost and Effective Protection Clarification and Svnthesis". Journal of Political Economy.80,p 16-33.

11 . Fane, U. (1995). The average and marginal domestic resource cost of foreign exchange, Oxford Economic Paper, No.47, pp: 663-675.
12 . Gonzales.L.A, Fkasrino.N.D. Peres and M.W Rosegrant (1993) "Economics incentive and comparative advantage in Indonesian food production", International Food Policy Research Institute, No.93. Washington D.C.
13 . Pearson, S., Gotsch, C. and Bahri, S. (2003). Applications of the Policy Analysis Matrix in Indonesian Agriculture , Available at : www.macrofoodpolicy.com
14 . Shujie Yao (1997); "Comparative Advantage and Crop Diversification: A Policy Analysis. Matrix for Thai Agriculture", Journal of Agricultural Economics, 48(2), pp. 211-222.

بررسی راهکارهای ارتقا کارایی سیستم ملی نوآوری ایران در جهت حمایت از تولید ملی

امید علی خوارزمی[1] ـ امین ندایی[2] ـ نازی جوادی نژاد[3]

۱ ـ مقدمه

با توجه به سند چشم انداز بیست ساله، ایران در سال ۱۴۰۴ کشوری توسعه یافته برمبنای دانش می‌باشد . یکی از راه های دستیابی به چنین توسعه ای تشویق نوآوری و کارآفرینی در کشور است. برای رسیدن به این مهم ارتقا کارایی سیستم ملی نوآوری در کشور یکی از ملزومات اصلی می باشد. ارتقا سیستم ملی نوآوری در کشور، همان طور که تجربه بسیاری از کشورهای توسعه یافته نشان می دهد، می تواند یکی از موثرترین سیاستهای حمایت از تولید ملی باشد.این سیستم می تواند توان تولید رقابتی را بر مبنای نوآوری افزایش داده و در نتیجه موجب توسعه صادرات غیر نفتی در کشور گردد.از ارکان اصلی سیستم نوآوری در کشور میتوان به دانشگاه ها صنایع و دولت اشاره کرد که ارتباط موثر این سه نهاد می تواند کارایی این سیستم را در راستای افق ۱۴۰۴ بهبود ببخشد .

بر طبق گزارشات جهانی در سال ۲۰۱۱ کشورهای توسعه یافته ایی که نوآوری در آنها در سطح بالایی قرار دارد، پیوند مناسب بین صنعت و دانشگاه زمینه را برای نوآوری فراهم آورده است. اما درکشورهای در حال توسعه که سطح نوآوری در آنها پایین تر است لزوم بوجود آوردن بستری‌مناسب برای ارتباط بهتردانشگاه وصنعت و در نتیجه ارتقا سطح نوآوری احساس می شود .

۲ ـ بیان مسئله

برای حمایت از تولید ملی ، کار و سرمایه ایرانی و با توجه به سند چشم انداز بیست ساله توسعه که ایران را کشوری پیشرفته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه در نظر گرفته است و با تاکید بر ارتباط موثر بین دانشگاه و مراکز پژوهشی با صنعت در سیاستهای کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و لزوم توجه کافی به برقراری صحیح و کارای این رابطه، محیا کردن بستری مناسب به منظور تقویت این رابطه برای رسیدن به توسعه پایدار به چشم می خورد . یکی از فاکتورهای اصلی دستیابی به توسعه پایدار نوآوری

---

۱ ـ نویسنده مسئول: دکترا توسعه منطقه ای استرلینگ اسکاتلند ، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد
۲ ـ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت شهری دانشگاه فردوسی مشهد
۳ ـ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت شهری دانشگاه فردوسی مشهد

است . کشورهای توسعه یافته با ایجاد شرایط مناسب برای بهبود رابطه دولت،صنعت و دانشگاه فعالیت نوآورانه را تسهیل میکنند. در این کشورها دانشگاه مکانی برای تامین نیازهای تحقیقاتی صنعت در نظر گرفته شده و صنعت محملی است برای کاربردی کردن ایده های حاصل از تحقیقات دانشگاهی و در این بین دولت با بهبود رابطه بین این دو نهاد نقش کاتالیزور را برعهده دارد. کشورهای در حال توسعه مانند ایران نیز میتوانند با استفاده از تجربیات کشورهای توسعه یافته و ایجاد زیرساختهای لازم متناسب با فرهنگ و شرایط محیطیشان تعامل سازنده رابین ۳ بخش اصلی اقتصاد (دولت ـ صنعت ـ دانشگاه) برقرار کنند . و توسعه اقتصادیشان را تسریع بخشند ، حال این سوال مطرح می شود که چه عواملی باعث بهبود رابطه ۳گانه بین دولت صنعت و دانشگاه می شود تا توسعه پایدار شکل گیرد .

۳ ـ پیشینه تحقیق

درباره نوآوری تحقیقات گسترده ای انجام شده و هر یک از محققان به جنبه خاصی از آن توجه کرده اند. درسطح کلان (۲۰۰۳) Lundvall و Nelson سیستم ملی و منطقه ای نوآوری را مطرح کردند و سه سطح سیاستگذاری کلان را برای رسیدن به نوآوری مورد توجه قرار دادند و در نتیجه کارایی این سه سطح را در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بررسی کرده و تفاوتهای آنها را بر شمردند. عباسی و حاج حسینی(۲۰۰٤) نیز در باره شاخص های عملکردی سیستم نوآوری در ایران بحث کرده و لزوم ارتقای این شاخص ها را متذکر شدند. همچنین درباره تاثیر نوآوری در اقتصاد نیز افرادی مثل(۲۰۱۱) Robrt ، (۲۰۱۲) Atkinson (۱۹۹۲) Klark و (۱۹۹۲) Juma مطالعاتی را انجام داده اند . یکی از مطالعات مربوط به سیستم نوآوری ارتباط دانشگاه، صنعت و دولت برای توسعه ملی می باشد ، که در این مورد میتوان به مدل Triple helix که توسط (۲۰۰۵) Saad و Zawdie و مطالعات (۲۰۱۱) Kaymaz ، Eryigit ، (۲۰۱۰) Rouis، Sattari peighambari ، (۲۰۰۷) Woolgar ترشیزی و نوبخت(۱۳۸۵) ، آراسته(۱۳۸۳) و قلی پور(۱۳۸۰) انجام شده اشاره کرد . افرادی مانند (۲۰۰٦) Irmati و (۱۹۹۲)parker نیز این ارتباط سه گانه را در کشورهای در حال توسعه بررسی کرده و به چالش های آن در این کشورها پی بردند. درباره نقش ارتباط سه گانه دولت ـ دانشگاه ـ صنعت با توسعه نیز افرادی مثل(۲۰۰٦) Muller، (۲۰۰٤)gunasekara (۲۰۰٤) inzelt و بالازاده (۱۳۸۷) تحقیقاتی را انجام داده‌اند . و در نهایت (۲۰۰۰) Carayannis و (۲۰۰۹) Morris به یکی از عوامل موثر در ارتقا سیستم نوآوری که همان عامل فرهنگ می باشد اشاره نمودند .

٤ ـ مبانی نظری

٤ـ١ : سیستم های ملی منطقه ای نوآوری (National and Reginal innovation system) :

عباسی و حاج حسینی (٢٠٠٤) سیستم‌های ملی منطقه ای نوآوری را اینگونه تعریف می‌کنند ، مجموعه‌ای از نهادها وسازمانهایی است که برای دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی مشخص تشکیل شده‌اند و به صورت متقابل بر هم اثر می‌گذارند و عناصر اصلی نوآوری را ترکیب کرده و تعاملات بین آنها را مشخص می کنند و از افراد نوآور و کارآفرین بعنوان عامل ایجاد توسعه پایدار بر مبنای دانش استفاده می کنند .

بر خلاف عقیده ی بسیاری از سیاستگذاران در کشورهای در حال توسعه نوآوری مجرد و خطی نیست بلکه ترکیبی است و باعث ایجاد پیچیدگی در تعاملات اشخاص، سازمانها و محیط عملیاتی شده است. بعبارت دیگر روابط بین اشخاص سازمانها و محیطهای عملیاتی خطی نبوده و به صورت پویا و دینامیک میباشد .

شاخصهای عملکردی سیستمهای ملی منطقه ای نوآوری که توسط کمیسیون اروپا بعنوان شاخصهای این سیستم بیان شده است عبارتند از منابع انسانی، ایجاد دانش، انتقال کاربرد دانش سرمایه‌ی نوآوری (بودجه نوآوری) .

عباسی و همکاران (٢٠٠٤) نیز شاخص های زیر را در دو دسته شاخصهای ورودی و شاخصهای خروجی به عنوان شاخصهای عملکردی این سیستم در ایران بیان نموده اند که شاخص های ورودی عبارتست از حضور اندیشمندان و مهندسان در تحقیق و توسعه، هزینه تحقیق و توسعه، سرمایه گذاری مستقیم خارجی، میزان نهادهای حمایت کننده تحقیق و توسعه و شاخص های خروجی عبارتند از حق ثبت مالکیت اختراع، سرمایه گذاری مستقیم خارجی، میزان تولیدات و صادرات، میزان صادرات تکنولوژی های روز .

تشریح مدل

در کشورهای توسعه یافته سه سطح برای سیستمهای ملی منطقه ای نوآوری تعیین شده است. اولین سطح این سیستم و هسته ی اصلی آن خوشه های صنعتی در یک کشور است که شامل تولیدکنندگان، خریداران و عرضه کنندگان می باشد. سطح دوم شامل نهادها و موسساتی است که در تعامل با خوشه های صنعتی (سطح اول) قرار دارند و پروسه ی یادگیری را در خوشه های صنعتی تقویت می کنند. این سازمانها شامل دانشگاهها، نهادهای پولی، زیرساختهای فیزیکی و حمایتهای تکنولوژیکی است. تبادل دانش و اطلاعات بین این سطح با خوشه های صنعتی منجر به یادگیری تعاملی می شود. سطح سوم دربرگیرنده ی دانش جهانی و مجموعه سیاستهایی است که فرآیند یادگیری بین خوشه های صنعتی و نهادهای واقع در لایه دوم را

تقویت می کند. این سیاستها شامل اندازه های محیط سیاسی و اقتصاد کلان جامعه بازرگانی نظامهای تجاری ، نظامهای مالیاتی و قوانین است .

اعتماد به عنوان یک عنصر مهم سرمایه ی اجتماعی در تقویت روابط بین شرکتها و دولت و همچنین شرکتها و موسسات تحقیقاتی موثر است . بنابراین دولتها موظف هستند تا محیطی با سطح اعتماد بالا ، اشتراک گذاری دانش ، حمایتهای دولتی و کارآفرینی بالا ایجاد کنند .

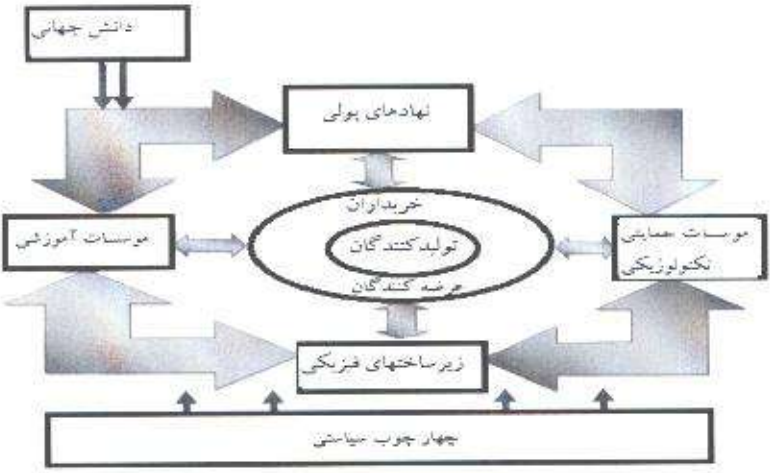

نگاره ۱ ـ ۱ ـ ٤ : (Regional and National Innovation System,Wignaraja,2003)

۲ ـ ٤ : سیستم تریپل هلیکس (Triple helix)

مدل تریپل هلیکس « مدل حلزونی نوآوری است ، که قادر است ارتباطات دو طرفه ی چندگانه ایی را در سطوح مختلف برای سرمایه گذاری دانش برقرار کند » . هدف مدل تریپل هلیکس این است که تعاملات و ارتباطات را ما بین بخشهای مختلف (دولت ـ صنعت ـ دانشگاه) برقرارکند ، که این امرمنجر به ایجادتوافقات جدیدسازمانی می شود. هدف این مدل افزایش سطح نوآوری یک کشور یا یک منطقه میباشد . در این مدل ارتباط موثر بین دولت ـ صنعت ـ دانشگاه هنگامی اتفاق می افتد که فعالیتها، منابع و بخش های اصلی بصورت موثری با هم در ارتباط باشند (نگاره ۱-۲-٤) . در این مدل فعالیتها شامل فعالیتهای سازمانی، تبلیغاتی و دیگر فعالیت‌ها می‌شود که می‌تواند بر عملکرد دانشگاه‌ها ، صنایع و دولت تاثیر بگذارد. منابع نیز عبارتند از منابع فنی ، مادی ، دانش ، تجهیزات ، منابع انسانی و مالی که کیفیت روابط بین این سه بخش را تحت تاثیر قرار می دهند. تعاملات ما بین بخش‌ها نیز منجر به ایجاد اعتماد مضاعف و هم نیرو بخشی در روابط می شود . که در واقع این به عنوان عاملی اثر گذار در موفقیت این سیستم درنظر گرفته می شود . مدل تریپل هلیکس دارای سه خصیصه‌ی اساسی می‌باشد :

۱. این مدل نقش عمده و اساسی را برای دانشگاه یا مؤسسات تحقیقاتی ـ پژوهشی عمومی در نوآوری قایل می‌شود .
۲. این مدل‌حرکتی به سمت ارتباطات مشترک میان سه بخش اصلی (دولت ـ دانشگاه ـ صنعت) است که نوآوری خروجی حاصل از تعاملات این سه بخش می باشد تا یک دستورالعمل مشخص از طرف دولت یا بخشی از صنعت .
۳. در این مدل این سه بخش نه تنها وظایف سنتی خود را انجام می دهند، بلکه قادرند وظایف دیگر بخش ها را نیز به عهده بگیرند .

یکی دیگر از ویژگی‌های مدل تریپل هلیکس کنار هم قرار دادن بخش‌های مختلف است تا برروی تعاملات آنها برای ارائه مفهومی جامع‌تر ازروند نوآوری وعوامل کلیدی آن سرمایه‌گذاری کند. مدل تریپل هلیکس خلاقیت را به عنوان محصولی از مجموعه فعالیتهای غیر خطی و پیچیده می داند که شامل تعاملات درونی و مابین بازیگران اصلی می باشد . در این مدل تاکید اصلی بر روی پیوندهای خارجی و همکاری هایی است که بین شرکت ها، دانشگاه ها و موسسات دولتی می تواند باعث انتقال و فراگیری دانش و گسترش خلاقیت و نوآوری شود. این مدل نه تنها تاکید زیادی بر روی کسب دانش از طریق نزدیکی و همکاری بین عوامل اصلی دارد، بلکه علاوه بر تاکید روی روابط درون سازمانی یا بین سازمانی بر روابط فرا سازمانی نیز تاکید می ورزد .

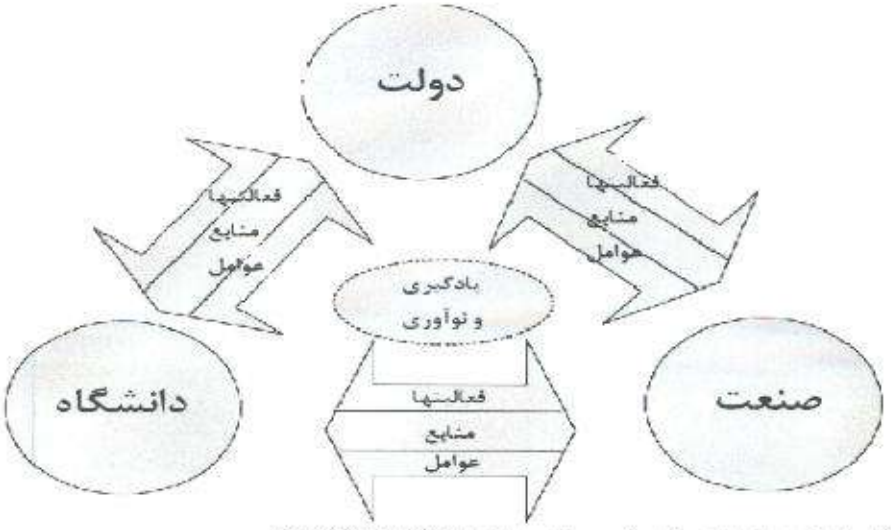

نگاره ۱ ـ ۲ ـ ٤ : ارتباطات و یکپارچگی در مدل تریپل هلیکس(Saad&Zawde,2005)

بر طبق (Etzkowitz (2003,p302 مراحل گذر تریپل هلیکس از سه موقعیت کاملاً متضاد تشکیل می‌شود :

مدل تریپل هلیکس ۱

این مدل مدلی کاملاً خطی و ثابت بوده که در آن دولت مرکزی، دانشگاه و صنعت را در برمی گیرد و روابط بین آنها را هدایت می کند . مشخصه اصلی این مدل این است که دولت در این مدل نقش اصلی را بازی می کند. دولت به طور همزمان هم دانشگاه و صنعت را به نوآوری تشویق می‌کند و هم بر روی فعالیت ها و برنامه های این دو سازمان نظارت و کنترل اعمال می‌کند . در ضمن در این مدل صنعت به عنوان سازمان ملی برتر شناخته می شود، در حالی که نقش دانشگاه تنها به بستری برای آموزش و انجام تحقیقات دانشگاهی تقلیل می یابد . در این مدل صنعت و دولت قادر نیستند از فعالیتها و پتانسیل علمی دانشگاهها، که از اهداف آنها بسیار دور هستند، بهره بگیرند و همچنین دانشگاه نیز تمایلی به تجاری سازی تحقیقات و پژوهشهای خود ندارد . نوآوری در کشورهایی که در این مرحله هستند در پایین ترین سطح قرار دارد. یک نمونه بارز از این مدل اتحاد جماهیر شوروی سابق و کشورهای اروپای شرقی است .

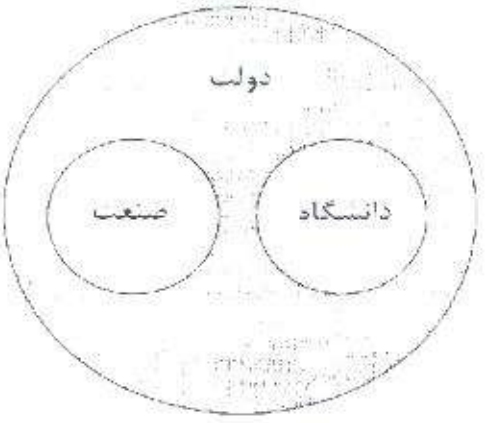

نگاره ۲ ـ ۲ ـ ٤ : مرحله اول از مدل تریپل هلیکس(Etzkowitz & Leydesdorff , 2000)

مدل تریپل هلیکس۲

که به این مدل ، مدل مبتنی بر بازار آزاد تریپل هلیکس نیز گفته می شود. این مدل شامل محدوده‌های سازمانی مجزا از یکدیگر با مرزهای کاملا واضح می باشد که این سه محدوده را از یکدیگر جدا می کند. در این مدل سازمانها در روابط رقابتی کاملاً مجزا از یکدیگر عمل کرده و تنها از طریق فشارهای بازار با یکدیگر در ارتباطند. نقش دولت نیز تنها به ر سیدگی به مسایلی که مرتبط با ضعف بازار است محدود می شود . در این مدل صنعت نقش اصلی را بازی می کند و دو سازمان دیگر نقش ساختارهای حمایتی فرعی را بر عهده دارند . در این مدل رابطه بین

دولت و دانشگاه و صنعت ارتقا پیدا کرده و نوآوری نسبت به مدل قبلی بیشتر تشویق می شود ولی هنوز در سطح آرمانی خود قرار ندارد، با توجه به گزارشات سوئد در این مرحله قرار دارد .

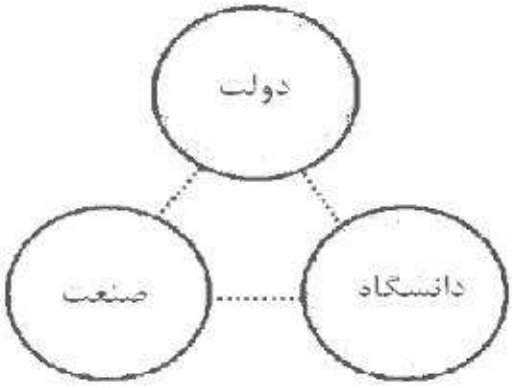

نگاره ۳ ـ ۲ ـ ٤ : مرحله دوم از تکامل مدل تریپل هلیکس(Etzkowitz & Leydesdorff,2000)

مدل تریپل هلیکس ۳

که به آن مدل چند گانه ی تریپل هلیکس نیز گفته می شود که در این مرحله با توجه به سیاستگذاری مناسب دولت ها و وجود تعامل مناسب بین ۳ عنصر دولت، دانشگاه و صنعت و همچنین ایجاد زیرساختهای دانش از طریق ادغام محدوده‌های سازمانی ، سازمانها می توانند با برعهده گرفتن نقش سازمانهای دیگر سازمانهای چندگانه را بوجود آورده و نوآوری را افزایش دهند . در این مدل هر سه محدوده می توانند برای ارتقای فعالیتهای نوآورانه ی خود با یکدیگر تعامل و همکاری داشته و همچنین برای رسیدن به اهداف استراتژیک بلند مدت خود از نقاط قوت دیگری استفاده کنند. اما مشکل و نقطه ضعف مدل تریپل هلیکس ۳ این است که رسیدن به این مرحله نیاز به طی کردن روندی کاملاً پیچیده دارد و مبتنی بر سطوح بالای تعهد، تفاهم، توافق و اعتماد بین این سه محدوده می باشد .

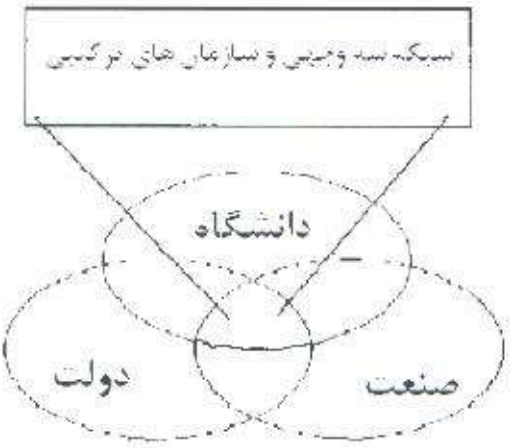

نگاره ٤ ـ ۲ ـ ٤ : مرحله آخر از تکامل مدل ترپیل هلیکس(مدل تکامل یافته) (Etzkowitz & Leydesdorff,2000)

اغلب کشورها تمایل دارندبه مدل۳برسند،هدف مشترک‌همگی تشخیص محیط های نوآوری است که شامل موسسات جانبی دانشگاهی، ابتکارات سه جانبه در توسعه اقتصادی مبتنی بر دانش واتحاد استراتژیک مابین موسسات آزمایشاگاهی دولتی و گروههای تحقیقاتی دانشگاهی می‌باشد .

۳ ـ ٤ ـ انتقادات وارد بر دو مدل بالا

گرچه این سیستمها در کشورهای پیشرفته موفق بوده اند، اما انتقاداتی نیز بر آنها وارد است در این مدلها فرهنگ بصورت عامل ذاتی درنظر گرفته شده و مکانیزم بین فرهنگ با عوامل مختلف بیان نشده است. با توجه به تفاوت فرهنگ بین کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه برای استفاده از این مدلها در کشورهای در حال توسعه باید فرهنگ کشور بصورت عامل خارجی در مدل لحاظ شود .

یک ضعف اساسی در این مدلها، ارتباطات ضعیف بین نهادهاست که به ویژه در کشورهای در حال توسعه بسیار مشهود است. به گونه ای که ارتباط ناکارا بین این نهادها می تواند به دلایل مختلفی از عملکرد مناسب این سیستم ها جلوگیری کند .

تحقیقات تجربی نشان می‌دهد در کشورهای در حال توسعه شبکه های میان دانشگاه صنعت و آژانس‌های دولتی ناقص و جزئی است و در سطح کلان این سیستم بسیار ضعیف عمل می‌کند و فاقد شبکه های صنعتی و سرمایه ای اجتماعی که لازمه ی خلق دانش و نوآوری است می‌باشد .

بنابر این توسعه بر مبنای دانش در کشورهای در حال توسعه با چالش جدی مواجه است و نیازمند ارائه یک مدل متناسب است .

٤ـ٤ـ بررسی عوامل موفقیت در مدلهای نوآوری

همانطور که در قسمت قبلی اشاره شد عوامل مختلفی را می توان برای موفقیت رابطه دولت ـ دانشگاه ـ صنعت به عنوان عوامل کلیدی معرفی نمود ، ضعف این عوامل در کشورهای در حال توسعه مانع از رسیدن به مرحله تریپل هلیکس ۳ می باشد .

۱ـ زیرساختها

الف) حقوق مالکیت معنوی(قوانین کلی و قوانین حمایتی)
ب) منابع مالی(سرمایه گذاران ریسک پذیر)
ج) آمادگی فناورانه شرکتها و سرمایه گذاری در R&D
د)خصوصی سازی و ایجاد رقابت

۲ـ مکانیزم ها

الف) سیاستهای تشویقی برای تقویت رابطه صنعت و دانشگاه
ب) وجود سازمانهای واسطه مانند پارک های علم و فناوری
ج) وجود کنسرسیوم های تحقیقاتی برای ارتقا رابطه دانشگاه و صنعت
د) ارتقا عملکرد دفاتر ارتباطی صنعت و دانشگاه
ه) دادن آزادی عملکردی بیشتر به دانشگاه ها در ارتباط با صنایع

۳ـ عوامل فرهنگی

الف) تعهد
ب) اعتماد
ج) مشارکت

٥ـ٤ـ مدل مفهومی

با سیاستگذاری مناسب و ایجاد زیرساختهای مناسب مانند ایجاد قوانین حقوق مالکیت معنوی ، منابع مالی(سرمایه گذاران ریسک پذیر)، آمادگی فناورانه شرکت ها ، خصوصی‌سازی ... و همچنین ایجاد مکانیزم های مختلف مانند سیاستهای تشویقی دولت برای بهبود رابطه صنعت و دانشگاه، سازمانهای واسطه مانند پارک های علمی و فناوری، ایجاد کنسرسیوم های تحقیقاتی برای ارتقا رابطه دانشگاه و صنعت، بالا بردن عملکرد دفاتر ارتباطی صنعت و دانشگاه و دادن آزادی عمل بیشتر به دانشگاه ها برای ارتباط با صنایع زمینه را برای ایجاد و تقویت عوامل فرهنگی مانند تعهد، اعتماد و مشارکت محیا می کند. زمانی که این سه عامل اصلی در سطح ایده

الی باشند برقراری رابطه بین صنایع، دولت و دانشگاه بهبود خواهد یافت که این به نوبه خود باعث بالا رفتن نوآوری و در نتیجه توسعه یافتگی اقتصادی خواهد شد .

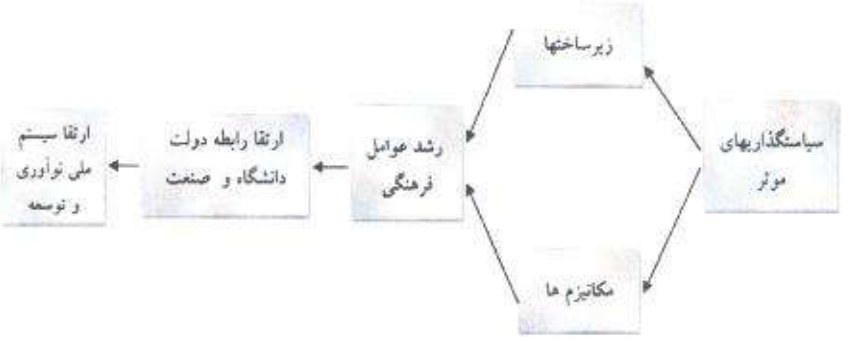

نگاره ۵ ـ ٤ ـ مدل مفهومی

۵ ـ روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله بر مبنای مطالعات اسنادی می باشد و بر طبق گزارشات ، آمارها و اسناد داخلی و خارجی قصد در سنجش مدل مفهومی ارائه شده با توجه به شرایط ایران دارد. در این مقاله سیستم های ملی و منطقه ای نوآوری مورد بررسی قرار گرفت، انتقادات مطرح شد و فاکتورهای اساسی موفقیت سیستم ملی نوآوری و ارتباط دانشگاه و صنعت و دولت مطرح و یک مدل مفهومی برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شد. این مقاله سعی دارد با مطالعات اسنادی مدل مفهومی را بر اساس شرایط ایران مورد ارزیابی قرار دهد و راهکارها و چالش های رسیدن به مدل۳ تریپل هلیکس را مورد بررسی قرار دهد تا بر اساس آن بتوان سیاستهای کلان را در جهت رسیدن به افق ایران ۱٤۰٤ را تدوین نمود .

۶ ـ ارزیابی شرایط ایران بر اساس مدل مفهومی

کشور ما در حال گذار از تریپل هلیکس ۱ به تریپل هلیکس ۲ است برای تسریع در این امر نیاز به ایجاد زیرساختها و به کارگیری مکانیزمهای مختلفی است ولی قبل از آن بررسی چالشها و ضعف ها در رسیدن به این هدف الزامی است. طبق گزارش اجلاس جهانی اقتصاد ایران علیرغم برتری‌هایی که در حوزه‌های اقتصاد کلان وسهم بازار دارد نتوانسته در زمینه زیرساختها و مکانیزم های لازم برای تقویت رابطه دولت ـ دانشگاه ـ صنعت به منظور ایجاد

نوآوری در سطح کلان عملکرد مناسبی داشته باشد.بر طبق این گزارش ایران در در حقوق مالکیت معنوی در رتبه ۱۱۱ ، در ایجاد رقابت ۹۵ ،درآمادگی فناورانه در رتبه ۱۰٤ و در سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه (R&D) در رتبه ۱۰۲ قرار دارد . حال به طور تفصیلی به بررسی چالشهای موجود درایران با توجه به عوامل ارائه شده بر اساس مدل مفهومی می پردازیم .

۱. ایران فاقد قانون حقوق مالکیت معنوی یکپارچه و جامع است و قوانین فعلی آن از پشتوانه اجرایی مناسبی برخوردار نیستند این باعث می شود محققین دانشگاهی که دارای ایده جدیدی می باشند نتوانند با اطمینان کامل فرآیند تجاری سازی ایده خود را تکمیل کنند. از جهت دیگرصنایع نیز که درصدد ارتباط با دانشگاه ها می باشند(به عنوان مثال بهبود فرآیندهای محصول)نمی توانند با اعتماد کامل با دانشگاه هیان قرار داد تحقیقاتی امضا کنند.ضعف قوانین حقوق مالکیت معنوی در نهایت باعث کاهش اعتماد و در نتیجه کاهش مشارکت و همکاری دانشگاه و صنعت می گردد .

۲. با وجود سیاستگذاری‌ها در جهت تشویق سرمایه گذاران ریسک پذیر تا کنون شرایط مطلوب فعالیت برای سرمایه گذاران ریسک پذیر خصوصی به صورت مطلوب وجود ندارد.این عامل باعث می شود که فرآیند تبدیل ایده به محصول با چالش جدی مواجه شود .

۳. به دلیل عدم تناسب تحقیقات با نیازهای کشور،ضعف در اطلاع رسانی و فقدان ارزیابی مناسب، سرمایه گذاری شرکتها در تحقیق و توسعه(R&D) از کارایی لازم برخوردار نیست. بنابر این نتیجه این موضوع باعث می شود که شرکت توانایی جذب تکنولوژی و فناوری جدید را از دست داده و همچنین در ارتباط با دانشگاه ها در غالب پروژه های تحقیق و توسعه مشترک و قراردادهای تحقیقاتی با مشکل مواجه شوند .

٤. خصوصی سازی به دلیل کند بودن این فرایند ، عدم کشش پذیری بازار برای سهام عرضه شده دولت ، واگذاری واحدهای زیان ده به بخش خصوصی و نبود زیرساختهای فیزیکی،اجرایی و مالی در بخش خصوصی برای انجام طرحها در سطح کلان ناکارآمد است .

۵. دفاتر صنعت و دانشگاه به دلیل کمبود امکانات و تجهیزات،کمبود نیروی انسانی متخصص ناتوانی در ارتباط با محققین،کمبود تجهیزات اطلاع رسانی ، عدم حمایت مناسب از این دفاتر از طرف دانشگاه و صنعت و نداشتن بودجه کافی از کارایی لازم برخوردار نیست این عامل باعث می شود که در قراردادهای مشترک بین صنعت و دانشگاه تعهد لازم وجود نداشته باشد و در نتیجه سطح اعتماد بین طرفین پایین بیاید .

٦. پارکهای علمی و فناوری به دلیل، ساختار دست و پا گیر اداری، دولتی بودن آنها، شتابزدگی در ایجاد این مراکز، بی اعتنایی به نخبگان غیر دانشگاهی و عدم توجه به کسب و کارهای غیر دانایی محور از اثربخشی لازم برخوردار نیستند .

۷. برای رفع این چالشها باید هم ساختارها اصلاح شود و هم مکانیزمهای مناسبی به کار گرفته شود تا ایران با سرعت بیشتری به سمت تریپل هلیکس ۲ و ۳ حرکت کند.در این بخش به عوامل تقویت کننده زیرساختها و مکانیزم ها پرداخته می شود.

۱ـ۶ـ زیرساختها:

۱. حقوق مالکیت معنوی ـ برای رفع مشکلات در این زمینه می توان از راهکارهایی مثل تربیت متخصصین حقوق مالکیت فکری و قضات ورزیده در این زمینه ، تسریع و توسعه مبادلات و همکاریهای بین‌المللی در زمینه حقوق مالکیت فکری، کمک به استقرار نظام مدیریت دارایی فکری (در سطح ملی و سازمانی) از طریق مطالعه و طراحی آن ، ایجاد بانک‌های تخصصی اختراعات و نوآوریها و آثار علمی و ادبی و هنری و طرحهای صنعتی در دانشگاهها حمایت علمی و فنی از نوآوران دانشگاهی از مرحلهٔ ایده پردازی تا تولید محصول و تجاری سازی آن ، ارزیابی علمی و تخصصی اختراعات قبل از ثبت استفاده کرد .

۲. سرمایه گذاری ریسک پذیر ـ سرمایه گذاری ریسک پذیر به تامین منابع مالی شرکتهای نوپا و تازه تاسیس که به هزینه های ابتدایی کسب و کار خویش نیاز دارند مربوط می شود.این نوع سرمایه گذاری پارامترهای مختلفی از ریسک را دارا هستند مانند ریسک مدیریت ، محصول فناوری، بازار، مالی ... و درکشور ما به دلیل نداشتن قوانین مناسب در این زمینه و ضعف‌های موجود در فضای کسب وکار ریسک های ذکر شده بیشتر نمود می یابند. برای رفع این ریسکها می توان از این راهکارها استفاده کرد:شگل گیری بازارهای ثانویه برای تسهیل نقدینگی سرمایه گذاران ،اعطای تسهیلات و تقبل مخاطره از سوی دولت و بانک ها ، معرفی طرحها و شرکتهای سرمایه پذیر ،کاهش نرخ مالیات برای سرمایه گذاران ریسک پذیر... این سرمایه گذاری می تواند متناسب با توانایی و مهارت سر مایه گذاران.ساختار قانونی و نهادی کشور ایجاد نوآوری را هم در بخش خصوصی و هم در بخش دولتی فراهم کند .

۳. سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه (R&D) ـ برای رفع مشکلات در این زمینه نیازمند راهکارهایی است مانند انجام تحقیقات با توجه به نیازهای کشور،اطلاع رسانی هدفمند ساختار اقتصادی نامناسب کشور، وجود عوامل انگیزشی مانند معافیتهای مالیاتی برای تحقیقات کاربردی و تقویت سیستم کنترل و ارزیابی که با بهبود این عوامل سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه توسط شرکت ها با اطمینان بیشتری انجام می شود .

٤. خصوصی‌سازی ـ مشکلات خصوصی سازی در ایران با ایجاد فضای امن اقتصادی، افزایش شفافیت درامور واگذاری‌ها،اصلاح نحوه واگذاری ها و سود آور شدن تولید مرتفع می شود .

۲ ـ ۶ ـ مکانیزمها

۱. اعمال سیاستهای تشویقی ـ از این جمله سیاستها می توان به معافیتها و تخفیفهای مالیاتی برای صنایعی که با دانشگاهها در رفع تنگناهای صنعتی مشارکت دارند اشاره کرد و همچنین ایجاد موقعیت جدید صنعتی و دانشگاهی توسط دولت که مبتنی بر نیازهای جامعه طراحی شده باشد نه توانایی ها و پتانسیل موجود دانشگاه و صنعت .

۲. دادن آزادی عمل بیشتر به دانشگاه ها ـ این عمل به منظور تطبیق دادن فعالیتهای دانشگاهی با نیازهای ویژه صنعت است که به نوبه خود می تواند به دانشگاه ها کمک کند تا منابع شان را به برنامه‌های صنعتی خاصی تخصیص دهند.این موضوع همچنین باعث برانگیخته شدن تقاضای کمپانی های صنعتی می شود تا از دانشگاه ها مشاوره بگیرند و از فارق التحصیلان دانشگاهی استفاده کنند .

۳. کنسرسیوم‌های تحقیقاتی ـ تشکیل کنسرسیوم های تحقیقاتی به کارا شدن تحقیقات دانشگاهی کمک می کند که این نیاز به کار تیمی، استقلال در تصمیم گیریها و همچنین تطابق تخصصها دارد .

٤. دفاتر ارتباطی صنعت و دانشگاه ـ برای ارتقای کارایی این دفاتر باید امکانات و تجهیزات را افزایش داد ، اختیارات دفاتر را افزایش داد ، مشکلات اداری و قانونی را مرتفع کرد و و بودجه کافی برای حمایت از پژوهشگران را در اختیار این دفاتر گذاشت .

۵. پارکهای علمی وفناوری ـ باتوجه به مشکلاتی که پارکهای علمی وفناوری در ایران دارند برای رفع آنها باید مواردی را لحاظ کرد مانند اینکه پارکها باید خصوصی شوند البته با نظارت دولتی،استفاده از متخصصین دانشگاهی و غیر دانشگاهی،ارتباط پارک ها با هم و با سایر مراکز تحقیقاتی و در نهایت اولویت دادن به نیاز های صنایع در تحقیقاتشان .

با ایجاد زیرساختهای مناسب و استفاده کردن از مکانیزمهای کارا و اثربخش بستر برای بوجود آمدن فضای اعتماد محیا می شود و در پی آن صنعت و دانشگاه تمایل بیشتری برای همکاری با هم دارند و در نتیجه نسبت به این همکاری متعهدتر می شوند که در نهایت موجب تقویت رابطه دانشگاه و صنعت شده و نوآوری و رشد اقتصادی را ایجاد می کند .

نتیجه گیری

حمایت از تولید ملی یکی از راههای رسیدن به توسعه پایدار می باشد.تقویت سیستم ملی نوآوری در کشور می تواند به عنوان یکی از راهکارهای موثر در جهت حمایت از تولید ملی مطرح باشد.سه نهاد اصلی در سیستم ملی نوآوری شامل دانشگاه ـ صنعت و دولت است که ارتباط موثر بین آنها می تواند سیستم ملی نوآوری در کشور را تقویت نماید .

نتایج این تحقیق نشان می دهد رابطه دولت – دانشگاه و صنعت در ایران هنوز درسطح مطلوبی قرار ندارد و برای تقویت سیستم ملی نوآوری در کشور و حرکت به سمت ترپیل هلیکس ۳ باید مکانیزم های موثر و زیرساختهای کارآمد تعریف شود.این تحقیق نشان می دهد برای ارتباط موثر بین این ۳ نهاد باید سیاستگذاری هایی در جهت تقویت زیرساختها شامل حقوق مالکیت معنوی ،سرمایه گذاری ریسک پذیر ،آمادگی فناورانه شرکتها و خصوصی سازی و همچنین مکانیزم های شامل سیاستهای تشویقی دولت،پارکهای علمی و فناوری ،کنسرسیوم های تحقیقاتی ،ارتقا عملکرد دفاتر ارتباط دانشگاه و صنعت و دادن آزادی عمل به دانشگاه ها انجام شود تا در پی آن عوامل فرهنگی مانند مشارکت ،تعهد و اعتماد ارتقا یابند و در نتیجه سیستم ملی نوآوری در کشور تقویت شود. ایجاد و تقویت این مکانیزم ها و زیرساختها می تواند ایران را در رسیدن به اهداف افق ۱۴۰۴ یاری نماید .

منابع و مآخذ

۱. خسروی ،ک.حدیدی ، ح .خدابنده ، ل. قیومیان، ع. (۱۳۸۲) ـ « آسیب شناسی مراکز رشد و پارکهای فناوری ایران در برقراری ارتباط مابین دانشگاه و صنعت » ـ هفتمین کنگره سراسری همکاریهای دولت ، دانشگاه و صنعت برای توسعه ملی .

۲. سیروس، م، (۱۳۸۸) ـ « راهکارهای اجرای خصوصی‌سازی در ایران » ـ سایت رسمی روزنامه اطلاعات .

۳. صفارزاده، غ ، (۱۳۸۱) ـ « موانع خصوصی سازی در ایران » ـ مجله تدبیر شماره ۱۲۹ .

٤. مشمولی،(۱۳۸۹) ـ « ضرورت تعامل دانشگاه و صنعت »

http://mashmoli.blogfa.com/post-57.aspx

۵. مهدوی ، محمدتقی(۱۳۷۸) ـ « دانشگاه و صنعت ـ مکانیزم‌های ارتباط با صنعت » ـ تهران پژوهشکده مطالعات و تحقیقات تکنولوژیکی ـ ص ۱۳ ـ ۱۵ .

٦. ولیداد ، محمدعلی (۱۳۷۷) ـ « تغییر نگرش در نقش سه گانه دانشگاه ، صنعت و دولت پذیرفته شده دراولین کنگره بین‌المللی وچهارمین کنگره سراری همکاری دولت » ـ دانشگاه و صنعت برای توسعه ملی در دانشگاه امیر کبیر ۱۳۷۷ .

۷. نوروزی ، ع (۱۳۸۱) ـ « حقوق مالکیت فکری ، حق مولف و مالکیت صنعتی » ـ تهران نشر چاپا .

8. Abbasi , h . hajhoseini , h. (2004) , evaluate Iranian national innovation system ,international development research center of Canada,
9. Chung, S. (2002) , "Building a National Innovation System through Regional Innovation System", Technovation, 22 (8), pp 485 – 491 .
10. Dutta.s.(2011) , The Global Innovation Index 2011, Accelerating Growth and Development,www. INSEAD.com
11. Etzkowitz, H. (2005) , "The renewal of venture capital: toward a Counter - cyclical model" , Technology Analysis and Strategic Management, 17 (1) , pp 73 – 78 .
12. Etzkowitz, H., Leydesdorff, L. (Eds.), (1997). Universities and the Global Knowledge Economy : A Triple Helix of University – Industry - Government Relations. Pinter, London.
13. Etzkowitz, H. and Leydesdorff, L. (2000) , "The dynamics of innovation: from national system and mode ۲ to a triple helix of university –industry - government relations", Research Policy,Vol. 29, pp. 109 .
14. Etzkowitz, H (2003), 'Innovation in Innovation: The Triple Helix of University – Industry - Government Relation' , Social Science Information,42 (3) , 293 – 338 .

15. H. Hakansson and I. Snehata (Eds), Developing Relationships in Business Networks, DevelopingRelationships in Business Networks (London, Routledge, 1995)
16. Lundvall, B. (Ed.), (1992), National Innovation Systems: Towards a Theory of Innovation and Interactive Learning, Frances Pinter
17. Nelson, R. (1993), National Innovation Systems: a Comparative Analysis, Oxford University Press.
18. Ney, S.(1999), "Culture and National S&T Performance: A Framework for Analyzing Socio-institutional Factors in RTD Policy Making", Innovation, 12 (3) , pp 353 – 375 .
19. Niosi, J. (2002), "National systems of innovations are "x-efficient" (and x-effective): Why some are slow learners", Research Policy, 31 (2) , pp 291 – 302 .
20. Oba, J.(2006). Incorporation of National Universities in Japanese and its Impact upon Institutional Governance. In: Paper Prepared for the OCE International Seminar, RIHE, Hiroshima University .
21. Salami, S.R. Goodarzi, M. (2006), "The Role of Intellectual Property Rights (IPRs) in Technological Development, Some Suggestions and Policy Implications from Iran's experience for other Developing Countries",University of Allameh, Tehran.
22. Yokakul., N. and Zawdie, G.(2009), "Triple Helix system for promoting innovation network and technological capability development in the Thai SME sector: the case of Thai dessert industry", Paper presented in Triple Helix 7th Biennial International Conference on University Industry and Government Linkages .
23. Saad,M. (2004), Issues and challenges arising from the application of innovation strategies based on the triplehelix culture — experience of the incubation system in Algeria, International Journal of Technology Management & Sustainable Development, 3(1) , pp. 19 – 36 .
24. Saad, M. (2004), 'Issues and Challenges arising from the application of innovation strategies based on the triple helix culture:Experience of the Incubation system in Algeria,' International Journal of Technology Management and Sustainable Development, 3(1) , 17 – 35 .
25. Saad.M,Zawdie.G.(2005) , frome technology transfer to the emergence of a triple helix culture,Technology analysis&strtegie management , vol 17 ,No.1 , 89 – 103 .
26. Sarkissian.A.(2008)intellectual property rights for developing contries lessons from Iran , technovation 28 (2006) 798 – 786 .
27. www.elsevier.com/locate/technovation.
28. www.iasp.ws .

بررسی تاثیر نوسانات نرخ ارز بر روی متغیرهای کلان اقتصادی ایران
(تورم ، تولید کل و صادرات غیر نفتی)

دکتر علی سلمان پور[1] ـ مرتضی شکرزاده[2] ـ الهوردی صمدی[3]

مقدمه

نرخ ارز و نوسانات آن اثرات مختلفی بر متغیرهای کلان اقتصادی داشته و همواره میزان و نحوه اثرگذاری آن مورد اختلاف اقتصاددانان و سیاست‌گذاران بوده است. در کشورهای در حال توسعه تغییرات نرخ ارز از حیث سیاستگذاری بسیار مهم بوده و بعنوان یک ابزار اقتصادی مهم همواره مورد توجه سیاستگذاران اقتصادی این کشورها جهت حصول تولید و اشتغال بیشتر بوده است. بدین جهت بحث سیاستهای ارزی و اثرات آن بر متغیرهای کلان اقتصادی یکی از مهم‌ترین بحث‌های دامنه‌دار در اقتصاد این کشورها محسوب می‌شود، بدلیل اینکه در کشورهای در حال توسعه نرخ ارز تحت تأثیر شوکهای داخلی و خارجی قرار می‌گیرد، بنابراین نرخ ارز دچار نوسانات بیشتری می‌باشد. نوسانات نرخ ارز تقاضای کل اقتصاد را از طریق واردات صادرات ، تقاضای پول و عرضه اقتصاد را از کانال هزینه کالاهای واسطه‌ای وارداتی تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و برآیند این دو اثر بستگی به شرایط اولیه اقتصاد کشورها دارد .

نوسانات وسیع و گسترده نرخ ارز می‌تواند نتایج مثبت و منفی در پی داشته باشد که یکی از این عواقب می‌تواند تورم‌های بسیار شدید و لجام گسیخته باشد . این موضوع نیز خود پیامدهای گسترده دیگری در دو بخش عرضه و تقاضای کل اقتصاد خواهد داشت. تغییر بافت‌های تولید و سرمایه‌گذاری، تغییر وضعیت بازارهای داخلی و خارجی، تحت تأثیر قرار گرفتن بخش تجارت خارجی (صادرات و واردات) همه می‌توانند از این عواقب بی‌شمار باشند. از طرف دیگر به دلیل وجود ارتباط ساختاری بین همه متغیرهای کلان اقتصادی نوسانات نرخ ارز می‌تواند از طُرق مختلف سطح قیمت ها، تولید و صادرات را متاثر سازد. لذا بررسی نوسانات‌نرخ ارز واثرات آن برتولید،سطح عمومی قیمت‌ها وصادرات غیرنفتی بسیارحائز اهمیت بوده و می‌تواند توصیه‌های سیاستی مناسبی برای مدیریت تقاضای اقتصاد کشور ارائه نماید .

در اقتصاد کشور ما از یک طرف دولت انحصار درآمدهای ارزی و در نتیجه قیمت‌گذاری هر واحد ارز را در اختیار دارد و از سوی دیگر بدلیل وابستگی اقتصاد کشور به

---

۱ ـ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سرند
۲ ـ مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین المللی جلفا
۳ ـ کارشناس ارشد علوم اقتصادی

این درآمدها ، میزان منابع ارزی و نرخ تعیین شده برای آن از طریق تأثیر آن بر عرضه و تقاضای کل بر متغیرهای اقتصادی تأثیر می‌گذارد .

بنابراین توفیق سیاستهای تجاری به موفقیت سیاستهای ارزی بستگی دارد. یک رژیم ارزی صحیح که با ساختار اقتصادی کشور سنخیت داشته باشد و یک نرخ ارز منطقی که نمایانگر تغییرات واقعی متغیرهای کلان اقتصادی در کشور باشد، می‌تواند سیاستهای تجاری و فعالیت‌های اقتصادی داخلی را تضمین کند. نرخ ارز بصورت نسبی، رابطه قیمت داخلی و خارجی را بیان می‌کند با فرض ثابت بودن سایر عوامل تغییر در نرخ ارز، قیمت کالاهای داخل را برحسب پولهای خارجی تحت تأثیر قرار می‌دهد . برای مثال کاهش ارزش پول داخلی با فرض ثبات در قیمت‌ها باعث افزایش قدرت رقابتی کالاهای داخلی نسبت به کالاهای خارجی می‌شود و بدین ترتیب رقابت‌پذیری کالاهای داخلی را افزایش می‌دهد. به نحوی که صادرات را افزایش داده وواردات را کاهش می‌دهد. در نتیجه تحرکی در تولید کشور صورت می‌پذیرد .

بررسی روند تحولات سیاستهای ارزی و متغیرهای کلان اقتصادی در ایران

نظام ارزی حاکم بر اقتصاد کشور در سالهای قبل از انقلاب همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه کم و بیش بر پایه نظام ارز ثابت بوده است. بر این اساس تقریباً در تمام سالها مواجه با ارزش‌گذاری بیش از حد ریال بوده‌ایم. بر اساس آمار موجود در این سالها نرخ ارز رسمی حاکم بر کشور در حدود ۷۵ ریال در مقابل هر دلار آمریکا تثبیت شده بود. این نظام برای مدت‌های طولانی بر اقتصاد کشور حاکم بوده، بطوریکه تا سالهای پایانی جنگ نرخ ارز رسمی از نوسانات اندکی برخوردار بوده است .

بعد از انقلاب عواملی همانند کاهش درآمدهای نفتی، فرار سرمایه از کشور، بلوکه شدن حسابهای خارجی ایران توسط آمریکا، بروز جنگ تحمیلی توسط عراق، تورم، افزایش جمعیت و سایر عوامل طبیعی و اقتصادی سبب بروز کمبود منابع ارزی در کشور گردید. کمبود منابع ارزی از یک سو سبب گسترش سریع بازار موازی ارز و افزایش قاچاق صادرات کالا گردیده و از سوی دیگر با توجه به نیاز دولت به ارزهای خارجی، بانک مرکزی، در سال ۱۳۵۸ نرخ ارز رسمی ترجیحی برای کالاهای صادراتی غیرنفتی و مسافرتی، که حدود ۱۱ درصد بالاتر از نرخ ارز رسمی در آن زمان بود، اعلام نمود، این سیاست اگر چه سبب شد تا صادرات غیر نفتی از ۵۴۲ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷ به ۸۱۱ میلیون دلار در سال ۱۳۵۸ افزایش پیدا کند اما به خاطر بروز جنگ و نیز کاهش نرخ ترجیحی در مقایسه با نرخ بازار موازی، که در آن زمان بالاتر از نرخ ارز رسمی بود ، دوباره کاهش یافت .

در این سالها عملاً سیستم نرخ ارز حاکم بر اقتصاد کشور سیستم نرخ ارز چندگانه بود. در کنار این سیستم نرخ ارز چندگانه در سال ۱۳۶۱ دولت به منظور تشویق صادرات غیرنفتی

همچون فرش و کالاهای کشاورزی نرخ ارز قراردادی را اعمال نمود. سیاست نظام نرخ ارز چندگانه و تشویق صادرات غیر نفتی تا اواخر جنگ ادامه پیدا کرد. عواملی همانند وجود مازاد تقاضای ارز برای واردات و عدم توانایی دولت در تأمین این تقاضا بر اساس نرخ ارز رسمی و وجود تفاوت فاحش میان نرخ ارز رسمی و بازار سیاه به همراه کاهش قیمت نفت از ۲۱ دلار به ۱۶ دلار سبب گردید تا در سال ۱۳۶۸ دولت نرخ ارز رسمی رقابتی را به سیستم نرخ ارز چندگانه اضافه نماید. این نرخ رقابتی در مقایسه با سایر نرخ‌های ارز رسمی به نرخ ارز بازار موازی نزدیکتر بوده و برای کالاهای وارداتی بخش خصوصی که شامل کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بودند، بکار گرفته شده است .

الف) بررسی روند نرخ ارز بازار آزاد و رسمی در ایران

نمودار (۱) روند تغییرات نرخ ارز بازار آزاد و رسمی طی سالهای مختلف را نشان می‌دهد. همانطور که در نمودار نیز مشخص شده است نرخ ارز بازار آزاد از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ در یک سطح ثابتی بوده و از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۱ با نرخ افزایشی روبرو شده و از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۷ این نرخ افزایشی شدت یافته است اما از سال ۱۳۷۸ با نرخ کاهنده‌ای روند خود را طی نموده و این روند با یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ به روند خود ادامه می‌دهد. اما در همین سالها نرخ ارز رسمی روند ثابت خود را طی سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۱ حفظ نموده و در سال ۱۳۷۱ با افزایش سطح خود این سطح را تا سال ۱۳۸۰ بطور ثابت حفظ نموده و نهایتاً در سال ۱۳۸۱ مجدداً این سطح افزایش می‌یابد و با یکسان‌سازی نرخ ارز، این دو نرخ ارز به همدیگر نزدیک می‌شوند و با هم یکسان می‌شوند.

نمودار (۱) روند نرخ ارز بازار آزاد و رسمی طی سالهای مختلف (۸۴-۱۳۴۵)

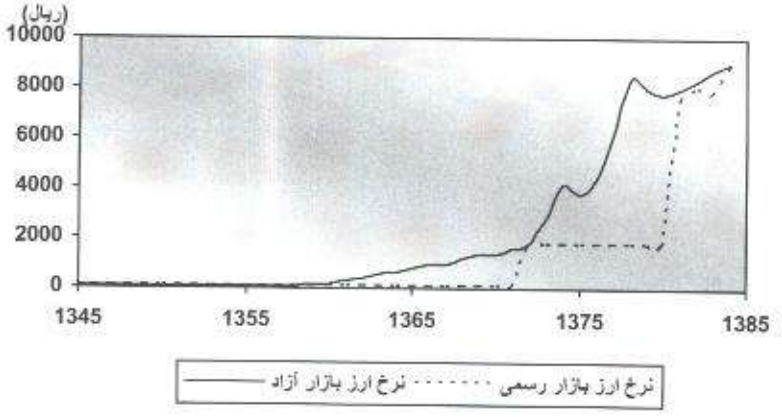

بطور کلی نگاهی اجمالی به نرخ ارز (برابری ریال ـ دلار) طی سالهای ۱۳۸۵ ـ ۱۳۳۸ موید آن است که در سالهای قبل از انقلاب نرخ ارز رسمی و آزاد اولاً تفاوت چشمگیری از یکدیگر ندارند و ثانیاً نرخ‌های مزبور حدوداً در دامنه ۷۰ الی ۹۸ ریال در نوسان بوده است. نرخ ارز رسمی تا سال ۵۱ حدود ۷۶ ریال و نرخ آزاد در دامنه ۹۸ ـ ۷۰ ریال در نوسان بوده است که البته نرخ مزبور تا سال ۵۱ تقریباً از یک روند کاهشی برخوردار بوده است. از سالهای ۵۱ به بعد، نرخ رسمی حول و حوش ۷۰ ریال و نرخ آزاد در دامنه ۸۰ ـ ۷۰ ریال نوسان کرده است .

در سالهای بعد از انقلاب، نرخ ارز تحت عناوین مختلفی تغییر کرده است به عنوان مثال نرخ‌های ارز ترجیحی (۱۳۵۸)، صادراتی (واردات در مقابل صادرات در سال ۶۱)، رقابتی (۱۳۶۸)، شناور (۱۳۷۲)، صادراتی ۳۰۰۰ ریال (۱۳۷٤)، واریزنامه‌ای (۱۳۷۶)، نرخ گواهی سپرده‌ای ارزی در ابتدای سال ۷۹ و نرخ ارز یکسان شده تحت عنوان نرخ بازار بین بانکی از سال ۱۳۸۱ تا کنون نمونه‌هایی از آنها می‌باشند .

ب) بررسی روند تورم در ایران

با توجه به نمودار (۲) که نشان‌دهنده روند تغییرات نرخ تورم در سالهای مختلف می‌باشد . در کشور ما در اوایل دهه پنجاه و به طور مشخص از سال ۱۳۵۲ به بعد بدنبال تحولات بازار جهانی نفت تورم شدت گرفت، به گونه‌ای که در این سالها نرخ آن به عدد دو رقمی ۱۱/۲ درصد تبدیل شد و پس از آن کم و بیش با آهنگ فزاینده‌ای به رشد خود ادامه داد و در سال ۱۳۵۶ به ۲٤/۹ درصد افزایش یافت. در این دوران (۱۳۵۲ ـ ۱۳۵۶) افزایش درآمدهای ارزی ناشی از افزایش شدید قیمت نفت، منجر به افزایش نقدینگی و تقاضای داخلی و نهایتاً بدلیل نبود ظرفیت در کشور برای جذب دلارهای نفتی و عدم تعادل بین عرضه و تقاضای کل، تورم شدیدی ایجاد شد .

نمودار (۲) روند تغییرات نرخ تورم را در سالهای مختلف نشان می‌دهد.

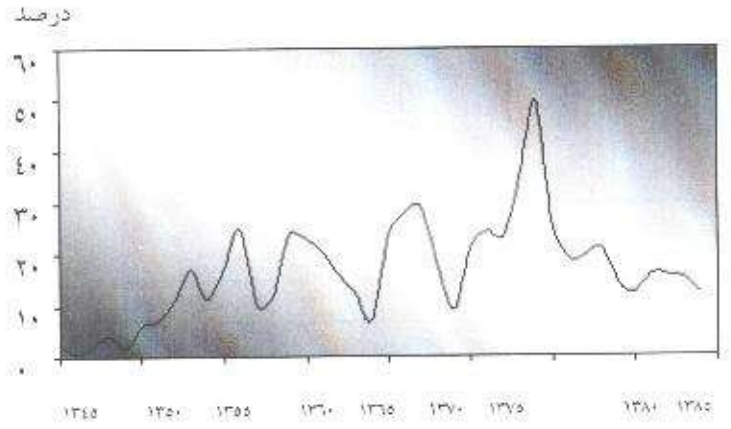

در سال ۱۳۵۷ بروز انقلاب و اعتصابات سیاسی تبعات رکودی خاص داشت اما با این حال نرخ تورم در حدود ۱۰/۱ درصد بود ، ولی همانطور که در نمودار (۲) نشان داده شده است ، این نرخ نسبت به سالهای قبل کاهش یافته بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نرخ تورم به روند صعودی خود ادامه داد و در سال ۱۳۵۹ با شروع جنگ تحمیلی و انتظارات روانی حاصل از آن به همراه آثار تورمی ناشی از کسری بودجه دولت و اختلالات سیستم توزیع، نرخ تورم یکباره از ۱۱/۹ درصد در سال ۱۳۵۸ به ۲۳/٦ درصد در سال ۱۳۵۹ افزایش یافت. طی سالهای ۱۳٦۱ ـ ۱۳٦٤ نرخ تورم با روند نزولی همراه بوده است .

تثبیت نظام سیاسی ـ اقتصادی، بهبود درآمدهای ارزی و افزایش واردات و اعمال سیاستهای سهمیه‌بندی موجب شد که از سرعت نرخ تورم کاسته شود و به ٦/۹ درصد در سال ۱۳٦٤ محدود گردد. سقوط قیمت نفت در بازارهای جهانی در سال ۱۳٦۵ و تبعات آن در اقتصاد ایران به شکل افزایش شدید کسری بودجه دولت و کاهش تولید ناخالص داخلی باعث شد که شکاف عرضه و تقاضا وسیع‌تر شده و نرخ تورم از ٦/۹ درصد در سال ۱۳٦٤ به ۲۳/۸ درصد در سال ۱۳٦۵ افزایش یابد، تداوم شرایط فوق در سالهای ٦٦ ـ ۱۳٦۷ باعث شد که روند صعودی قیمت‌ها ادامه پیدا کند و نرخ تورم دو سال به ترتیب به ۲۷/۷ و ۲۸/۹ درصد افزایش یابد. پس از خاتمه جنگ و شروع برنامه اول توسعه اقتصادی در سال ۱۳٦۸ دولت سیاستهای تعدیل اقتصادی خود را اعلام کرد. این مسئله بویژه سیاست تعدیل دولت موجب کاهش کسری بودجه دولت شد و از فشارهای تورمی کاست. همانطور که مشاهده می‌شود نرخ تورم در سالهای ٦۸ و ٦۹ کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته و به رقم ۱۷/٤ و ۹ درصد برای این دو سال تنزل یافته است .

گرچه مقدمات اجرای سیاست‌های جدید اقتصادی دولت در سال‌های ٦۸ و ٦۹ موجب کاهش نرخ تورم شد ولی عدم مدیریت مناسب در بخش ارزی کشور، شوک عرضه ناشی از کاهش ارزش اسمی ریال، عکس‌العمل جبرانی مقامات پولی به تقاضای اعتبار به منظور حفظ تولید و افزایش هزینه‌های دولتی به موازات افزایش درآمد دولت -که بواسطه اعمال سیاستهای جدید ارزی ایجاد گردید - باعث تداوم تورم شد، بطوریکه نرخ تورم در سالهای ۷۰ و ۷۱ به ترتیب ۲۰/۷ و ۲٤/٤ درصد افزایش یافت .

در سال ۱۳۷۲ و پس از اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز فشار بر سطح عمومی قیمت‌ها و انتظارات تورمی افزایش یافت و نرخ تورم از ۲۲/۹ درصد در سال ۱۳۷۲ به ۳۵/۳ درصد در سال ۱۳۷۳ افزایش یافت. پس از این شرایط و افزایش شدید نرخ ارز در بازار آزاد و همزمان کاهش ارزش نرخ ریال، میزان تورم به سطح بالاتری رفت به گونه‌ای که در سال ۱۳۷٤ میزان تورم به ٤۹/٤ درصد برای این سال رسید و در سال ۱۳۷۵ اجرای سیاست تثبیت نرخ ارز

کنترل اداری قیمت‌ها ، تهدید واردات و کنترل صادرات منجر به کاهش سطح تورم به ۲۵/۳ درصد شد.

سطح عمومی قیمت‌ها که در سال ۱۳۷٦ به پایین‌ترین میزان خود طی سالهای اخیر رسیده بود، مجدداً در سال ۱۳۷۷ رو به افزایش گذاشت. مطابق نمودار (۲ ـ ۳) بالا از سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۸۰ تورم با نرخ شدیدی کاهش و به پایین‌ترین حد خود در دهه ۷۰ رسید. اما مجدداً بعد از سال ۱۳۸۰ روند افزایشی به خود گرفت و این روند در سالهای ۱۳۸۱ و بعد از آن با نرخی ملایم و کمتر از دهه ۷۰ ادامه یافت. و اما از سال ۱۳۸۲ به بعد روند کاهش به خود گرفته است .

ج) بررسی روند تحولات تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی کشور[1]

همان‌طور که در نمودار (۳) نشان داده شده است، از سال ۱۳٤٥ تا ۱۳۵۲ تولید ناخالص داخلی با رشد ملایمی افزایش یافته است، اما اقتصاد ایران در سال ۱۳۵۲ که اولین سال اجرای برنامه عمرانی پنجم بود، از رشد بی‌سابقه‌ای برخوردار گردید. رشد تولید ناخالص داخلی در این سال فزاینده بوده و میزان تولید ناخالص داخلی در این سال به قیمت ثابت سال پایه ۱۳۷٦ به رقم ۱۷٤٦٦۸/٤ میلیارد ریال رسید. از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۵ همه فعالیتهای اقتصادی کشور بدلیل افزایش فوق‌العاده درآمدهای حاصل از فروش نفت رشد سریعی یافتند و تولید ناخالص داخلی کشور با رشد فزاینده‌ای تا سال ۱۳۵۵ همراه بود به هر حال این روند فزاینده سالهای گذشته ، از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳٦۰ با نرخی کاهنده روبرو شد. به گونه‌ای که در سال ۱۳۵۹ سطح تولید ناخالص داخلی کشور با احتساب قیمت سال پایه ۱۳۷٦ معادل ۱۷۸۱٤۹ میلیارد ریال شد.

نمودار (۳) نشان‌دهنده روند تغییرات تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶

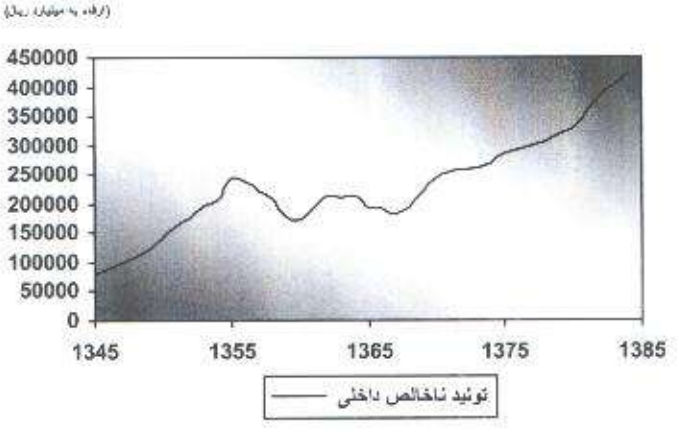

۱ ـ تمامگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طی سالهای مختلف

اما سطح تولید ناخالص داخلی از سال ۱۳۶۰ به بعد برای نخستین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی سیر نزولی خود را از دست داد و با ۲/۲ درصد افزایش نسبت به سال قبل روندی صعودی به خود گرفت. طبق نمودار ارائه شده تولید ناخالص داخلی کشور طی سالهای ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۷ با روند کاهنده‌ای روبرو شد که این امر ناشی از کاهش ارزش افزوده برخی از بخش های اقتصاد کشور و سقوط شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی بود و اقتصاد کشور را وارد مرحله تازه‌ای از بحران اقتصادی می‌کرد. بعد از رکود سالهای (۱۳۶۲ ـ ۱۳۶۷) اقتصاد ایران در سال ۱۳۶۸ عملکرد متفاوت داشت، و سال مذکور را می‌توان به عنوان نقطه عطفی در اقتصاد کشور بعد از رکود نسبی سالهای فوق دانست. مطابق نمودار بالا از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۸٤ روند تولید ناخالص داخلی افزایشی بوده، هر چند که برخی از سالها این روند افزایشی کند می‌شود. برای نمونه عملکرد ضعیف برخی از بخش‌های اقتصادی در سال ۱۳۷۰ روند افزایش را در این سال نسبت به سال قبل کندتر کرده است .

اقتصاد ایران در سال ۱۳۷٤ که اولین سال اجرای برنامه دوم توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور بوده، رشدی مثبت و فزاینده نشان داد. بررسیهای انجام شده نشان می‌دهد که در این سال تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل با ٤/٥ درصد افزایش نسبت به سال قبل رشد مناسبی را نشان داده است، شایان ذکر است که تولید ناخالص داخلی بدون نفت نیز در این سال از رشدی معادل ٥/٤ درصد برخوردار بوده است. این روند رشد در سالهای بعد برنامه نیز حفظ شده و روند رشد ادامه می‌یابد .

اما نهایتاً در سال ۱۳۷۷ که چهارمین سال برنامه دوم توسعه اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شد، مشکلات ساختاری موجود در اقتصاد ایران موجب گردید که رشد اقتصادی در پایین‌ترین حد خود یعنی ۱/٦ درصد پس از جنگ تحمیلی قرار گیرد. با این وجود روند رشد فزاینده تولید ناخالص داخلی تا سال ۱۳۸٤ که آخرین سال مورد بررسی ما در این پایان‌نامه است، ادامه یافت .

د) بررسی روند صادرات غیرنفتی در ایران[1]

در سالهای آغازین قرن حاضر، صادرات غیر نفتی کشور با تمام افت و خیزهای آن همواره در سطح نازلی قرار داشته است. بین سالهای ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۹، ارزش صادرات غیرنفتی بین حداقل ۳۷۰ میلیون ریال در سال ۱۳۱۷ و حداکثر ۹٤۰ میلیون ریال در سال ۱۳۱۹ در نوسان بوده است. طی سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۸، ارزش صادرات غیرنفتی با ۲۲۰ درصد افزایش از ۸۲٦ میلیون ریال در سال ۱۳۲۰ به ۱۷۸۵ میلیون ریال در سال ۱۳۲۸ رسید بین سالهای ۱۳۲۸ تا

۱ ـ نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طی سالهای مختلف

۱۳۳۳ وقایع بسیار مهم و سرنوشت‌سازی در کشور رخ داد. در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ صنعت نفت ملی اعلام شد . دولت انگلستان در واکنش به این رویداد تاریخی و حفظ موقعیت خود در ایران ، انواع و اقسام فشارهای سیاسی ـ اقتصادی را به دولت وقت تحمیل کرد. از جمله نتایج این فشارها ، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با تمام آثار و پیامدهای منفی آن بر شرایط اقتصادی ـ سیاسی ـ اجتماعی کشور می‌باشد. ولی در ارتباط با صادرات غیرنفتی کشور باید گفت که در این سالها فشارهای خارجی موجب شد که مقامات ذیربط و دست‌اندرکاران صادرات غیرنفتی کشور توجه بیشتری به این مهم مبذول دارند. بنابراین ارزش صادرات غیر نفتی کشور از ۱۷۸۵ میلیون ریال در سال ۱۳۲۸ به ۱۰۲۸۸ میلیون ریال در سال ۱۳۳۳ افزایش یافت (افزایشی معادل ۵/۷ برابر نسبت به سال ۱۳۲۸) . شایان توجه است که این افزایش فوق‌العاده در صادرات غیرنفتی موجب شد که برای اولین بار تراز تجاری کشور با مازاد روبرو گردد .

نمودار (٤) روند صادرات غیرنفتی کشور طی سالهای ۱۳٤٥ الی ۱۳۸٤ را نشان می‌دهد بر اساس این نمودار صادرات غیر نفتی ایران در طول دوره زمانی مورد بررسی نوسانات زیادی داشته و از سیاستهای دولت تأثیر فراوانی پذیرفته است .

نمودار (۴) روند صادرات غیرنفتی طی سالهای ۱۳۴۵-۱۳۸۴

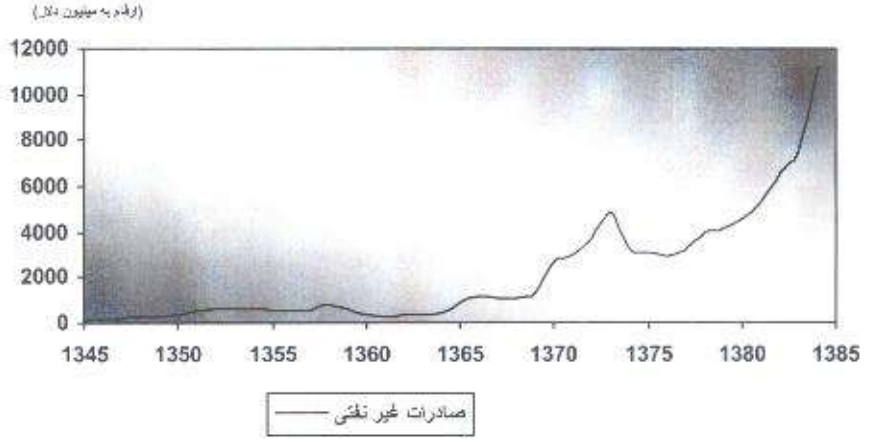

از آنجا که اتخاذ سیاستهای پولی و نیز تغییرات نرخ ارز از عوامل مهم موثر بر صادرات غیرنفتی ، در ایران می‌باشند، برحسب نیاز در سالهای مختلف توضیحاتی در این مورد ارائه می‌شود. اولین نکته‌ای که از مشاهده مقادیر صادرات غیرنفتی در طول سالهای ۱۳٤٥ تا ۱۳۸٤ بدست می‌آید ، افزایش مقدار ، به همراه نوسانات پیاپی می‌باشند این نوسانات به گونه‌ای است که نمودار رشد صادرات غیرنفتی تقریباً بصورت سینوسی به نظر می‌رسد .

تدوین الگوی نظری :

به منظور تدوین الگوی مناسب برای نمایش اثر تغییرات نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی (صادرات غیر نفتی، تولید کل و تورم) با توجه به مشخصات ذکر شده در اقتصاد ایران، از یک الگوی اقتصاد کلان استفاده می‌شود که دارای دو بخش عرضه و تقاضای کل می‌باشد. معادلات این الگو با توجه به مطالعات تجربی صورت گرفته و تئوریهای اقتصادی، با اتکا به مقاله گلیفاسون و رادتزکی (۱۹۹۱) و با استناد به سایر مقالات در این زمینه تصریح شده است. حتی‌المقدور سعی می‌شود مفروضات الگوی کلان مزبور با شرایط اقتصاد ایران هماهنگ گردد، تا بتوان در چارچوب آن تأثیر نوسانات نرخ ارز را به طور مستقیم و غیر مستقیم (از طریق تورم و تولید کل) بر صادرات غیر نفتی محاسبه نمود .

۱ ـ عرضه کل اقتصاد

تولیدحقیقی و سطح قیمت‌های تعادلی در اقتصاد متأثر از دو طرف عرضه و تقاضای کل می‌باشد بطوریکه در غیاب هر کدام از آنها، الگوی تحلیلی ناقص بوده و نمی‌توان در خصوص تولید حقیقی و سطح قیمت تعادلی اقتصاد بحث کرد. به همین منظور در ادامه بحث، عرضه کل اقتصاد که از تعادل بازار کار و تابع تولید بدست می‌آید مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد .

از آنجائی که محدودیت ارزی در اقتصاد،یکی از ویژگی‌های مهم اقتصاد ایران است منحنی عرضه کل با دو فرض وجود و عدم وجود محدودیت ارزی استخراج می‌شود .

۱ ـ ۱ : استخراج عرضه کل بدون محدودیت ارزی

در شرایطی که استخدام عوامل تولید N و L با هیچ‌گونه محدودیتی مواجه نباشد ، توابع تقاضای نهاده‌ها با حداکثر کردن تابع سود و با استفاده از شرایط مرتبه اول بدست می‌آیند و در نهایت تابع عرضه کل بدین صورت بدست می‌آید :

$$P = P(Y, e, W) \qquad \frac{\partial P}{\partial Y} > 0 \ , \ \frac{\partial P}{\partial e} > 0 \ , \ \frac{\partial P}{\partial W} > 0 \qquad (1)$$

بنابراین ، هر گونه افزایش در نرخ ارز، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها را به دنبال دارد و می‌تواند موجب تورم شود .

۱ـ۲: استخراج عرضه کل با محدودیت ارزی

در این قسمت فرض می‌شود که اقتصاد در زمینه واردات با محدودیت ارزی مواجه است. در این شرایط توابع تقاضای نهاده با حداکثر کردن تابع سود استخراج می‌شوند و در نهایت بر حسب سطح عمومی قیمت‌ها، تابع عرضه کل بدین صورت بدست می‌آید.

$$P = P\left(e, \frac{B_0\bar{q}}{R}, W, Y\right) \qquad (۲)$$

در این تابع خواهیم داشت:

$$\frac{\partial P}{\partial e} > 0, \frac{\partial P}{\partial w} > 0, \frac{\partial P}{\partial y} > 0$$

۲ـ تقاضای کل اقتصاد

از مباحث اقتصاد کلان یاد گرفتیم که تقاضای کل اقتصاد با استفاده از تغییر قیمت و بررسی نقاط تعادل منحنی‌های IS - LM بوجود می‌آید.[۱] به عبارت دیگر، زمانی که سطح قیمت تغییر یابد و هر دو بازار پول و کالا در تعادل باشند تقاضای کل بدست می‌آید. چنانچه سطح قیمت‌ها کاهش یابد، ابتدا موجب تغییر عرضه حقیقی پول شده که این امر موجب انتقال منحنی LM به سمت راست شده و با فرض ثابت بودن منحنی IS، تلاقی این دو منحنی نقطه تعادل جدیدی از تقاضای حقیقی در سطح قیمت‌های جدید را ارائه خواهد داد که در آن سطح تقاضای حقیقی نسبت به سطح اولیه افزایش می‌یابد لذا تقاضای کل اقتصاد با سطح قیمت‌ها رابطه عکس دارد. در واقع کاهش سطح قیمت‌ها باعث افزایش تقاضای حقیقی شده و افزایش آن موجب کاهش تقاضای حقیقی می‌شود و از لحاظ ریاضی می‌توان تقاضای اقتصاد را به شکل زیر نشان داد.

تقاضای کل (هزینه ناخالص داخلی) به معادله زیرتبدیل می‌شود:

(۳)

$$Y^D = E\left(\frac{YP}{V}, \frac{M_0 + m(a - \lambda\theta)\bar{q}e}{V}, \frac{T + e\bar{q}\theta + BD}{V}, a\frac{e}{P}\bar{q} + x_1\left(\frac{e}{P}, Y^*\right) - Z\left(\frac{EV}{P}, \frac{e}{P}\right) - \frac{B_0 e\bar{q}}{P}\right)$$

۱ـ برانسون ۱۳۸۱

۳ ـ عرضه و تقاضای کل

تعادل اقتصاد زمانی بدست می‌آید که تعادل همزمان در طرف عرضه و تقاضای اقتصاد وجود داشته باشد. به عبارت دیگر تعادل کلان اقتصادی زمانی برقرار است که عرضه و تقاضای کل برابر هم باشند در این صورت تعادل در اقتصاد برقرار شده و متغیرهای کلان (تولید حقیقی و سطح قیمت‌ها) بطور ذاتی هیچ تمایلی به تغییر ندارند. بنابراین، تعادل اقتصاد ایجاب می‌کند که عرضه و تقاضا برابر هم باشند. در قسمت‌های قبل، معادلات عرضه کل با محدودیت ارزی (۲) و تقاضای کل (۳) به صورت زیر استخراج شده‌اند.

عرضه کل ،

$$Y^S = Q\left(\frac{W}{P}, \frac{B_0\bar{q}}{R}\right) - \frac{e\bar{q}B_0}{P}$$

تقاضای کل ،

$$Y^D = E\left(\frac{Y_P}{V}, \frac{M_0 + mt\left(a - \lambda\theta\right)\bar{q}e}{V}, \frac{T + eq\theta + BD}{V}\right) + a\frac{e}{P}\bar{q} + x_1\left(\frac{e}{P}, Y^*\right) - Z\left(\frac{EV}{P}, \frac{e}{P}\right) - \frac{B_0\bar{e}q}{P}$$

با در نظر گرفتن شرط تعادل خواهیم داشت :

$$Y^d = Y^s$$

لذا سطح تولید و قیمت تعادلی به صورت توابع زیر بدست می‌آیند .

$$Y = Y\left(P, e, XO\$, G, M_2R\right)$$
$$P = P\left(Y, e, M_2R, G\right)$$

در معادلات بالا :

G : مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری واقعی دولت

XO$: صادرات نفت و گاز

M_2R : حجم نقدینگی واقعی جامعه

Y : تولید ناخالص داخلی

e : نرخ ارز موزون

P : شاخص ضمنی تولید ناخالص داخلی می‌باشد .

تابع صادرات غیر نفتی طبق معادله و با توجه به مطالعات تجربی صورت گرفته و تئوریهای اقتصادی تابعی از نرخ ارز واقعی $\left(\frac{e}{p}\right)$ ، تولید ناخالص داخلی کشورهای خارجی

(Y^*) و متغیر تولید ناخالص داخلی (GDP) به عنوان شاخصی برای بیان ظرفیت تولیدی کشور وارد مدل می‌شود. این متغیر بیان می‌کند که در صورت افزایش ظرفیت تولیدی کشور رشد تولید در صنایع مختلف، از جمله بخش‌های صادراتی نیز افزایش می‌یابد. شاخص ضمنی تولید ناخالص داخلی نیز از دیگر متغیرهای مستقلی می‌باشد که در تابع صادرات غیر نفتی آمده است ، از آنجا که سطح و میزان صادرات غیر نفتی علاوه بر سطح قیمت‌های داخلی به سطح قیمت‌های خارجی یا کشورهای طرف مقابل در تجارت خارجی نیز بستگی دارد ، به همین دلیل شاخص قیمت‌های کشورهای عضو OECD به عنوان کشورهای طرف تجاری در تابع صادرات غیر نفتی گنجانده شده است .

با توجه به مطالب بیان شده نهایتاً تابع صادرات غیر نفتی به صورت زیرتعریف می‌شود :

$$X_1 = X_1\left(e, Y, Y^*, P\right)$$

در معادله بالا :

p : شاخص ضمنی تولید ناخالص داخلی

Y^* : میزان تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو OECD طرف مقابل در تجارت بین‌المللی

Y : تولید ناخالص داخلی

X_1 : صادرات غیرنفتی

e : نرخ ارز موزون می‌باشد .

معرفی مدل تحقیق :

یک مدل هیچ گاه قادر به توصیف دقیق واقعیت (آن طور که هست) نمی باشد. برای توصیف واقعیت نباید مدل پیچیده ارائه شود که فاقد ارزش علمی باشد. ساده سازی و تجرید در هر مدل برای دست یابی به نتایج منطقی امری ضروری است. در این رابطه اصل «قلت متغیرهای توضیحی» حکم می کنند که یک مدل تا حد امکان ساده در نظر گرفته شود. از سوی دیگر لازم است برای جلوگیری از خطای تورش تصریح، متغیرهای کلیدی و مهم را بر مبنای چارچوب تئوریک و تحلیل نظری در مدل وارد نمود و تمام اثرات تصادفی و جزئی را به جزء اخلال مدل محول کرد .

معادلات این الگو با توجه به مطالعات تجربی صورت گرفته و تئوریهای اقتصادی و نیز شرایط اقتصادی ایران تصریح شده تا بتوان در چارچوب آن تاثیر نوسانات نرخ ارز را به طور مستقیم و غیر مستقیم (از طریق تورم و تولید کل) بر صادرات غیرنفتی محاسبه نمود. با

استخراج عرضه کل ضمن لحاظ کردن محدودیت ارزی و تقاضای کل و در نظر گرفتن شرط تعادل سطح تولید و قیمت تعادلی به صورت توابع زیر بدست می آیند .

$$Y = Y(P, e, Xo\$, G, M_2R, ...)$$
$$P = P(Y, e, M_2R, G, ...)$$

تابع صادرات غیر نفتی نیز بصورت زیر تعریف می شود .

$$XNo = XNo(e, Y, Y^*, p, ...)$$

در معادلات بالا :

p : شاخص ضمنی قیمت تولید ناخالص داخلی

e : نرخ ارز موزون اسمی

XO$: صادرات نفت و گاز

G : مخارج مصرفی و سرمایه گذاری واقعی دولت

M_2R : حجم واقعی نقدینگی جامع

Y : تولید ناخالص داخلی

*Y : تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو OECD طرف مقابل در تجارت بین المللی می‌باشد .

لذا با توجه به موارد فوق ، شکل نهایی مدل تورم ، تولید کل و صادرات غیر نفتی به شکل لگاریتمی بصورت زیر برآورد خواهد شد .

$$LGDP_{76} = \alpha_0 + a_1 LGDP_{76}(-1) + a_2 LPGDP + \alpha_3 LNWER + \alpha_4 LXO + \alpha_5 LGICR + \alpha_6 LM_2R + \varepsilon_t$$

$$LPGDP = \beta_0 + \beta_1 LPGDP(-1) + \beta_2 LGDP_{76} + \beta_3 LNWER + \beta_4 LM_2R + \beta_5 LGICR + \varepsilon_t$$

$$LXNO = \lambda_0 + \lambda_1 LXNO(-1) + \lambda_2 LNWER + \lambda_3 LGDP_{76} + \lambda_4 LYOECD_2 + \lambda_5 LPGDP + \varepsilon_t$$

متغیرهای مورد استفاده در معادلات بالا بشرح ذیل می باشد :

GDP76 : تولید ناخالص داخلی واقعی به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶

NWER : نرخ ارز موزون اسمی

M_2R : حجم واقعی نقدینگی جامعه

GICR : مخارج سرمایه گذاری و مصرفی واقعی دولت.

PGDP : شاخص ضمنی قیمت تولید ناخالص داخلی

$YOECD_2$: تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو(OECD) به قیمت های ثابت سال ۲۰۰۰ میلادی

XNO : صادرات غیر نفتی واقعی به میلیون دلار.

XO : صادرات نفت و گاز واقعی به میلیون دلار.

علاوه بر متغیرهای یاد شده بسته به مورد در هر یک از معادلات کلان برآورد شده متغیرهای مجازی نیز بر اساس سالهای مورد نظر در معادلات گنجانده شده است .

برآورد مدل و تحلیل نتایج :

در بررسی حاضر آزمون پایایی متغیرهای الگو به وسیله آزمون متداول دیکی ـ فولر تعمیم یافته در سطح متغیرها با وجود متغیرهای برون زای عرض از مبداء و روند زمانی صورت می گیرد .

نرم افزار Microfit امکان انتخاب تعداد وقفه های بهینه برای از بین بردن همبستگی پیاپی در پسماندها را بصورت خودکار فراهم ساخته است . بطوریکه با اعمال یک حداکثر طول وقفه توسط کاربر، نرم افزار مایکروفیت تعداد وقفه ها را به کمک معیارهای آکائیک شوارتز ـ بیزین و حنان ـ کوئین تعیین می کند. در مطالعه حاضر حداکثر طول اعمال شده به منظورتعیین طول وقفه بهینه، دو وقفه ومعیار تعیین کننده طول وقفه بهینه، معیار شوارتز ـ بیزین می باشد که در تعداد وقفه ها صرفه جویی می کند. در مرحله بعد آزمون پایایی برای مقادیر تفاضل اول متغیرهای سری زمانی الگو صورت خواهد گرفت. این آزمون درسطح و تفاضل مرتبه اول برای کلیه متغیرهای مدل آورده شده است و فرض وجود ریشه واحد برای متغیرها در سطح تایید می شود و اکثر متغیرها به غیر از متغیر LXO (صادرات نفت و گاز) در سطح داده‌ها در حالت با عرض از مبدا و بدون روند ناپایا هستند و لذا تکرار آزمون در مورد تفاضل مرتبه اول داده هانشان می دهد که کلیه متغیرها به غیر از نرخ ارز، مخارج سرمایه گذاری و مصرفی دولت و صادرات غیرنفتی پایا می شوند بنابراین طبق آزمون مذکور همه متغیرهای موجود در مدلها بغیر از LXNO, LGICR, LNWER جمعی از درجه یک می باشند .

نتایج حاصل از تخمین مدلها بصورت زیر می باشد :

۱ـ مدل تولید ناخالص داخلی

Regressor	Coefficient	Standard Error	T-Ratio[Prob]
LGDP76(-1)	.36169	.12407	2.9152[.007]
LGDP76(-2)	-.33800	.097004	-3.4845[.002]
LPGDP	-.18764	.049751	-3.7716[.001]
LNWER	.12238	.027870	4.3912[.000]
LXO	.060651	.015973	3.7971[.001]
LGICR	.37780	.063468	5.9526[.000]
C	6.2297	.72734	8.5651[.000]
T	.035248	.0070036	5.0329[.000]
D81	.058901	.027735	2.1238[.043]
D5967	-.066107	.019957	-3.3124[.003]

در معادله فوق کلیه ضرایب در سطح حداقل ۹۵٪ معنی دار و مخالف صفر می باشند و آماره های آزمون $\overline{R}^2, R^2, DW, F$ حاکی از قابل اعتماد بودن برازش است .

- با توجه به معنی دار بودن لگاریتم نرخ ارز موزون اسمی و ضریب مثبت آن بیانگر این نکته است که در بلند مدت یک واحد افزایش در نرخ ارز موزون اسمی، ۰/۱۲ درصد سطح تولید ناخالص داخلی را افزایش می‌دهد .
- از آنجا که متغیر لگاریتم شاخص ضمنی تولید ناخالص داخلی در بلند مدت معنی دار و با ضریب منفی می باشد. لذا در بلند مدت یک واحد افزایش در شاخص ضمنی تولید ناخالص داخلی، ۰/۱۸- درصد سطح تولید ناخالص داخلی کاهش می یابد .
- متغیرهای لگاریتم صادرات نفت و گاز و مخارج سرمایه گذاری و مصرفی واقعی دولت در بلند مدت معنی دار بوده و اثر مثبت روی تولید ناخالص داخلی دارند. یعنی اگر یک درصد هر یک از این متغیرها افزایش یابد در بلند مدت به ترتیب ۰/۰۶، ۰/۳۷ درصد سطح تولید ناخالص داخلی را افزایش خواهند داد .
- متغیر روند T و سایر متغیرهای مجازی موجود در این معادله D5967, D81 در بلند مدت معنی دار بوده و به ترتیب با ضرایب مثبت، مثبت، منفی اثرات ناشی از وقایع سیاسی ـ اقتصادی مانند یکسان سازی نرخ ارز و جنگ در سالهای مذکور را روی متغیر وابسته نشان می‌دهند .
- با مشاهده نتایج ارائه شده دراین جدول ملاحظه می شود که ضریب جمله تصحیح خطا ۰/۹۷- برآورد شده است که نشان می دهد در هر سال ۰/۹۷ از عدم تعادل یک دوره در تابع تولید ناخالص داخلی در دوره بعد تعدیل می شود .

۲ ـ مدل شاخص ضمنی تولید ناخالص داخلی

$$LPGDP=-0.53LGDP_{76}+0.27LNWER+0.43LGICR+0.39LPGDP(-1)$$
$$t: \quad (-2.99) \quad (2.90) \quad (2.79) \quad (2.49)$$

$$R^2=0.99 \qquad \overline{R}^2=0.99 \qquad DW=1.76$$
$$F=311$$

در این معادله نیز کلیه ضرایب در سطح حداقل ۹۵٪ معنی دار و مخالف صفر می باشد و مدل از هر لحاظ قابل اعتماد می باشد.

- با توجه به معنی دار بودن متغیر لگاریتم نرخ ارز موزون اسمی و ضریب مثبت آن بیانگر این نکته است که درکوتاه مدت یک واحد افزایش در نرخ ارز موزون اسمی، ۰/۲۷ درصد شاخص ضمنی تولید ناخالص داخلی را افزایش می دهد .

- متغیر لگاریتم تولید ناخالص داخلی نیز معنی دار بوده و با ضریب منفی می باشد لذا در کوتاه مدت به ازای یک واحد افزایش در تولید ناخالص داخلی ۰/۵۳درصد شاخص ضمنی تولید ناخالص داخلی کاهش می یابد .
- متغیر مخارج سرمایه گذاری و مصرفی دولت نیز معنی دار بوده و با ضریب مثبت می باشد. لذا در کوتاه مدت یک واحد افزایش در مخارج سرمایه گذاری و مصرفی دولت ۰/۴۳ درصد شاخص ضمنی تولید ناخالص داخلی را افزایش می دهد .
- متغیر روندT نیز در سطح اطمینان۹۵درصد معنی دار بوده و ضریب آن مثبت می‌باشد و ضریب جمله تصحیح خطا ۰/۶۰- برآورد شده است که نشان می‌دهد در هر سال ۰/۶۰ از عدم تعادل یک دوره در تابع شاخص ضمنی تولید ناخالص داخلی در دوره بعد تعدیل می شود .

۳ ـ مدل صادرات غیر نفتی

$$LXNO=-40.31+0.56LNWER+0.84LGDP76+3.21LYOECD2$$
$$t: \quad (-3.90) \quad (5.47) \quad (3.21) \quad (3.30)$$

$$-0.99LPGDP+0.27D7074+0.29D81+0.68LXNO(-1)$$
$$(-4.92) \quad (2.61) \quad (1.96) \quad (8.02)$$

$$R^2 = 0.94 \qquad \overline{R}^2 = 0.92 \qquad DW = 2.58$$
$$F = 68$$

در معادله فوق نیز کلیه ضرایب در سطح حداقل ۹۵٪ معنی دار و مخالف صفر می باشند و آماره های آزمون نیز حاکی از قابل اعتماد بودن برازش است .

- از آنجا که متغیر لگاریتم نرخ ارز موزون اسمی معنی دار بوده و ضریب آن هم مثبت می‌باشد لذا در کوتاه مدت یک واحد افزایش در نرخ ارز موزون اسمی ۰/۵۶ درصد صادرات غیر نفتی را افزایش می دهد .
- متغیر لگاریتم تولید ناخالص داخلی نیز معنی‌دار بوده و با ضریب مثبت می باشد لذا در کوتاه مدت‌یک‌واحدافزایش درتولید ناخالص‌داخلی۰/۸۴درصدصادرات غیرنفتی راافزایش می‌دهد .
- متغیر لگاریتم تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو OECD نیز معنی دار بوده و با ضریب مثبت می باشد و لذا در کوتاه مدت افزایش یک درصد در تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو OECD، ۳/۲۱ درصد صادرات غیر نفتی را افزایش می دهد .
- متغیر لگاریتم شاخص ضمنی تولید ناخالص داخلی نیز معنی دار بوده و ضریب آن منفی می باشد لذا در کوتاه مدت یک درصد افزایش در شاخص ضمنی تولید ناخالص داخلی ۰/۹۹- درصد صادرات غیر نفتی را کاهش می دهد .

- متغیرهای D81, D7074, C نیز معنی دار بوده و ضرایب آنها به ترتیب منفی، مثبت، مثبت می باشد و متغیرهای مجازی نام برده در مدل فوق به ترتیب اثر سیاستهای خاص تشویقی دولت در این سالها مبنی بر عدم الزام صادرکنندگان به بازگرداندن ارز حاصل از صادرات (که موجب افزایش چشم گیر صادرات شد) و یکسان سازی نرخ ارز را روی متغیر وابسته نشان می دهند .

نتایج مربوط به برآورد ضرایب الگوی تصحیح خطا در معادله صادرات غیر نفتی نشان می دهد که ضریب جمله تصحیح خطا ۳۱/- برآورد شده است که نشان می دهد در هر سال ۰/۳۱ از عدم تعادل یک دوره در تابع صادرات غیر نفتی در دوره بعد تعدیل می شود .

در نهایت پس از تحلیل اثرات مستقیم نوسانات نرخ ارز بر روی تورم، تولید کل و صادرات غیر نفتی، تاثیر غیر مستقیم نوسانات نرخ ارز بر صادرات غیر نفتی از طریق تابع تورم و تولید کل به صورت زیر محاسبه می شود .

$$\frac{\partial LXNO}{\partial Le} = \frac{\partial LP}{\partial Le} \cdot \frac{\partial LXNO}{\partial LP} = (۰/۲۷)(-۰/۹۹) = \% -۰/۲۶۷۳$$

$$\frac{\partial LXNO}{\partial Le} = \frac{\partial LY}{\partial Le} \cdot \frac{\partial LXNO}{\partial LY} = (۰/۱۲)(۰/۸٤) = \%۰/۱۰۰۸$$

همانطور که نتایج محاسبه شده در بالا نشان می‌دهد با افزایش یک درصد نرخ ارز صادرات غیرنفتی به دلیل افزایش قیمت ها ۰/۲٦ درصد کاهش یافته و همچنین به دلیل افزایش تولید ۰/۱۰ درصد افزایش می‌یابد و در مجموع اثرات غیرمستقیم افزایش نرخ‌ارز به میزان یک درصد،صادرات غیرنفتی را به میزان ۰/۱٦ درصد کاهش می‌دهد ولی چون اثرمستقیم افزایش نرخ ارز به میزان یک درصد، صادرات غیر نفتی را ۰/٥٦درصد افزایش می‌دهد بنابراین نتیجه می‌گیریم که اثر مستقیم براثرات غیر مستقیم غلبه نموده و صادرات غیرنفتی افزایش می‌یابد .

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون فرضیات تحقیق مشاهده می شود که متغیر نرخ ارز با تولید و تورم و صادرات غیر نفتی رابطه مثبت دارد که تئوریهای اقتصادی نیز بر آن تاکید دارند. اما همانطور که در مبانی نظری و ادبیات تحقیق در ایران نیز به آن اشاره شد چون بیشتر واردات کشور را کالاهای سرمایه ای و واسطه ای تشکیل می دهد (بیش از ۸۰٪) لذا انتظار می رود با افزایش نرخ ارز طبق تئوریهای اقتصادی واردات کاهش یافته و در نتیجه تولید نیز به تبع آن کاهش یابد اما از آنجا که افزایش نرخ ارز باعث افزایش تورم نیز می شود و تورم بر

روی تولید کل هم می تواند اثر مثبت داشته و هم اثر منفی. لذا در این تحقیق اثر مستقیم بر اثرات غیر مستقیم غلبه نموده و افزایش نرخ ارز باعث افزایش صادرات غیر نفتی شده است .

مهم ترین راهکارهای توسعه صادرات غیر نفتی کشور به طور خلاصه عبارتند از :

۱. تشویق سرمایه گذاری خارجی و داخلی در راستای سیاست آزادسازی اقتصاد و دروازه های باز
۲. افزایش تولید برای کاهش هزینه های تولید و رقابت با تولید کنندگان خارجی
۳. تثبیت سیاستهای ارزی و کنترل روند آن جهت ایجاد اطمینان
٤. تدوین سیاستهای مالی، پولی و ارزی مناسب
٥. واگذاری صد درصد ارز حاصل از صادرات به صادرکنندگان
٦. حذف پیمان ارزی
۷. توسعه مناطق آزاد تجاری همسو با آزاد سازی تجاری و...

منابع و مآخذ

۱. ابریشمی،ح. (۱۳۷۵) ـ اقتصاد ایران ـ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ـ تهران .

۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ـ اداره بررسیهای اقتصادی ـ خلاصه تحولات اقتصادی کشور ـ سالهای مختلف .

۳. یاوری ، کاظم (۱۳۷۹) ـ «معیارهای انتخاب نظام ارزی مناسب با شرایط اقتصاد ایران، رقابت تورم» ـ مجموعه مقالات دهمین کنفرانس سالانه سیاست‌های پولی و ارزی ـ تهران بانک مرکزی ـ ج ۱. ۱ ـ ص ۲۸٦ ، ۲۵۷ .

٤. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ـ گزارش اقتصادی و تراز نامه سالهای مختلف تهران ـ انتشارات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران .

۵. بهمنی اسکویی، م.، (۱۳۷۳) ـ « اثرات کلان اقتصادی کاهش ارزش خارجی ریال ایران » گزارش سومین سمینار سیاست‌های پولی و ارزی ـ صص ۷۸ ، ۱۲۰ .

٦. تشکینی، ا. (۱۳۸٤) ـ « اقتصاد سنجی کاربردی به کمک Microfit » ـ موسسه فرهنگی هنری دیباگران .

۷. دکتر سلمان پور ،ع.. و رهبر سعادت،ع. (۱۳۸٤) ـ « بررسی تاثیر نرخ ارز در روند توسعه صادرات » ـ مجموعه مقالات برگزیده یازدهمین همایش توسعه صادرات غیر نفتی کشور .

۸. رحیمی بروجردی، ع. (۱۳۷٦) ـ « ارز و صادرات غیر نفتی » ـ موسسه تحقیقات پولی و بانکی ـ پژوهشکده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران .

۹. ضرغامی، ب. (۱۳۷۵) ـ « ارزیابی تاثیر نظام نرخ ارز شناور بر واردات، صادرات غیر نفتی و سطح عمومی قیمت‌ها » ـ پایان نامه کارشناسی ارشد ـ دانشگاه تربیت مدرس .

۱۰. کلامی، م.(۱۳۸۵) ـ « بررسی اثرات تغییرات نرخ ارز واقعی بر تولید و سطح عمومی قیمت در اقتصاد ایران » ـ پایان نامه کارشناسی ارشد ـ دانشگاه آزاداسلامی واحد تبریز .

۱۱. نوفرستی، م. (۱۳۷۸) ـ « ریشه واحد و همجمعی در اقتصاد سنجی » ـ انتشارات چشمه تهران سال اول .

12. Agenor, P-R., 1991, out put, devaluation and the real exchange rate in developing countries, weltwirtschaftliches Archive 127, 18 - 41.

13. Bahmani oskooee ,M, and malixi ,M., 1992, In flationary effects of change in effective Exchange rates: LDCs Experience, Applied Economics, Vol 24, PP.445 - 471.

14. Bahmani Oskooee ,M., and Orhan Kara, 2000, Exchange rate overshooting in Turkey, Economics letters, No 68, PP. 89 - 93.

15. Balassa, B., 1985, Export policy choices and Economic Growth in Developing Countries ofter 1973 oil shock, journal of Development Economic, 18, PP. 23 - 35.

16. Boyd, D., 1996, The Impact of Exchange Rate Adjustment on out put Jamaica 1960-90, Applied Economic Letters. No 3, PP. 409 - 411.
17. Edwards,S., 1989, Real Exchange Rates Devaluation and Adjustment, London: The MIT press.
18. Gylfason, T., and M., Schmid, 1984, Does Devaluation cause stagflation Canadian journal of Economics, No 4. PP 647 - 654.
19. Imf (various years) and OECD (Various years)
20. Kandil, M., 2000, Asymmetric Effect of Exchange rate fluctuation: Theory and Evidence from developing countries, IMF worleing paper.
21. 20-Pick,D.H andVallrath,I.L.,1994,Real Exchange Rate Misalignment and Agricultu Export Performance in Developing countries Exon, Devel and Cult Change Vol 42, No 3
22. Steve ,B.K,and John, H.R .,2000, out put and the real exchange rate in developing countries: an application to Mexico, Journal of Development Economics, Vol. 61, PP, 85 - 109.

نقش بسترها و زیر ساخت های بازارچه های مرزی
در گسترش مبادلات تجاری با عراق
(مطالعه موردی ـ بازارچه های مرزی استان کرمانشاه)

بهزاد سلمانی[1] ـ زینب جامه شورانی[2]

۱ ـ مقدمه

از زمانهای بسیار دور، مبادلات مرزی بین ساکنین نقاط مرزی در تمام قلمرو سیاسی هر کشور، با ساکنین کشورهای همسایه در آن نقاط، معمول و متداول بوده است. پیش از شکل گیری تجارت رسمی در سطح جهان، مردم کشورهای مختلف (به خصوص مرز نشینان) تامین مایحتاج و یا فروش کالاهای مازاد مصرف خود را از راه مبا دلات کالائی که مشتمل بر مجموعه ای از کالاهای سنتی و محصولات غذایی بود از طریق مبادلات مرزی انجام می داده اند. در این دوران نوعی داد و ستد ساده اولیه به دور از هر گونه سود جوئی های کلان و فعالیت های انحرافی که صرفا جهت امرار معاش روزانه مرز نشینان بود رواج داشت .

تاریخ تحولات تجاری در اکثر کشورهای در حال توسعه نشان می دهد که بعد از تکوین دولت‌ها ، مبادلات مرزی شکل رسمی و قانونی به خود گرفت و دولت ها به منظور حمایت از اقتصادهای درون مرزی و کسب درآمد ، مبادلات مرزی را با وضع یک مجموعه قوانین و مقررات به نفع بازرگانی داخلی هدایت کرده اند .

بی‌گمان ایجاد بازارچه مرزی تجربه‌ای بسیار امیدوار کننده برای کسب تبحر در زمینه تجارت خارجی برون مرزی است. در راستای حمایت از مبادلات مرزی و ایجاد امکانات لازم برای مبادلات مرزی توسط مرزنشینان، تعاونیهای آنان و پیله وران در ماده ۱۱ قانون و مقررات صادرات و واردات[3] به دولت اختیار داده شده است تا در هریک از مناطق مرزی که ایجاد بازارچه مرزی را سودمند تشخیص می دهد با رعایت اولویت هائی چون استعداد محلی، ضرورت اشتغال و ضرورت توسعه روابط تجاری با کشور همسایه به ایجاد آن دست زند .

کشور عراق با توجه به وجود مرزهای مشترک، مشترکات دینی و قومی و مذهبی بالقوه با استان‌های غربی من جمله استان کرمانشاه یک فرصت برای حرکت به سمت اقتصادهای منطقه‌ای

---

۱ ـ دانشیار و عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه تبریز
۲ ـ دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه تبریز
۳ ـ مصوب ۱۳۷۲/۷/۴ مجلس‌شورای اسلامی

و توسعه روابط تجاری تلقی می شود که البته بازارچه های مرزی در این زمینه نقش بسیار مهمی را ایفا می کنند. اما آنچه سوال برانگیز است این است که، با توجه به سهم پنجاه درصدی کرمانشاه در صادرات به عراق، آیا بسترها و زیرساخت های موجود در بازارچه های این استان توانسته اند به نحو احسن در گسترش هر چه بیشتر این مبادلات، تاثیر خود را بر جای بگذارند ؟

بنابراین در ضرورت انجام این مطالعه می توان گفت، با وجود فرصت ها و پتانسیل های زیاد جهت گسترش تجارت مرزی بین ایران و عراق و وجود بازارچه های مرزی استان کرمانشاه به عنوان یک فرصت برای گسترش بیشتر این مبادلات و با عنایت به اینکه قبلا در این زمینه مطالعه ای صورت نگرفته است، این مطالعه می تواند به سیاستگذاران، نهادها و ارگانهای متولی امرصادرات و واردات از جمله گمرک، سازمان صنعت،معدن وتجارت، اتاق بازرگانی، استانداری و همچنین تجار، بازرگانان و پیله وران در جهت شناخت هر چه بیشتر عواملی که از طریق بازارچه ها برگسترش تجارت مرزی با عراق تاثیر گذاراند یاری رساند تا با برطرف ساختن مشکلات مربوط به بازارچه های مرزی بتوانیم گامی هرچند کوچک در جهت گسترش هرچه بیشتر تجارت مرزی با کشور عراق برداریم .

۱ ـ مبانی نظری

درادامه مبانی نظری تحقیق ارائه می‌شود که ابتدا مقوله تجارت مرزی و سپس مبانی نظری موجود راجع به بازارچه های مرزی علی رغم عدم وجود مبانی نظری کافی در این زمینه بیان می شود .

۱ - ۱: تجارت مرزی

مبادلات تجاری مرزی یکی از شاخص های اصلی در برقراری ارتباط بین کشورهای همسایه ونیز امرار معاش مردم مرز نشین می باشد . ازطریق این مبادلات مردم ساکن در نواحی مرزی کشورهای همسایه می توانند در کنار هم و با هم از فرصتها و منابع مشترک استفاده نمایند که این امر می تواند منجر به استمرار و پایداری دوستی و تفاهم طرفین، امنیت و رونق اقتصادی و توسعه . ایجاد فرصتهای شغلی و شکل گیری یک نوع مزیت نسبی در مناطق مرزی گردد .

امروزه اکثر دولت‌ها بر آنند که مبادلات مرزی را جهت دهی کرده و به سوی کانال‌های رسمی هدایت کنند، بطوریکه اخیراً موضوع تجارت مرزی و همکاری‌های منطقه‌ای به طور جدی در دستور کار بسیاری از دولت‌ها و سازمان‌های مختلف کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است . مبادلات تجاری مرزی به طرق مختلفی از جمله گسترش همکاری‌های بین مناطق در ایجاد و گسترش بازارها، برقراری صلح و ثبات در نواحی مرزی، کاهش قاچاق کالا، ایجاد ثبات در قیمت‌ها و تامین عرضه مورد نیاز مناطق مرزنشین، ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و بهبود امنیت غذایی در اقتصاد مناطق مرزنشین تاثیر گذار می‌باشند. علی رغم فواید اقتصادی که برای مبادلات

مرزی برشمردیم این مبادلات دارای آثار و پیامدهای اقتصادی منفی نیز هستند که از جمله می توان به کاهش درآمدهای گمرکی دولت، تحت تاثیر قرار دادن تجارت رسمی کشور ، افزایش رانت خواری و سوء استفاده های تجاری و ... اشاره کرد .

۲ـ۱: بازارچه مرزی

عده ای بر آثار بازارچه های مرزی بر گسترش تجارت منطقه ذیربط و رونق اشتغال ناحیه بازارچه تاکید می ورزند و در مقابل عده ای با برشمردن مشکلاتی چون ورود و صدور کالاهای نامرغوب، عدم داشتن جایگاه نظری در تجارت بین الملل به ویژه توجه به فرآیند جهانی شدن اقتصاد و تجارت و قاچاق کالا در ادامه فعالیت بازارچه های مرزی تردید می کنند . به لحاظ نظری برای بازارچه های مرزی نمی توان مبانی مستقلی پیدا کرد اما می توان گفت ایجاد بازارچه‌های مرزی در کشورهای درحال توسعه فرصتی است تا در آن استان های مرزی بتوانند به تولید کالاهائی بپردازند که در آن دارای مزیت نسبی هستند و عوامل تولید آن کالا را با هزینه کمتری به دست بیاورند و سپس به مبادله آن کالاها در قالب مبادلات مرزی با یکدیگر بپردازند .

بازارچه‌های مرزی درحال حاضر یک فرصت برای سرمایه گذاری است اما این بازارچه ها به طور کلی در شاخص بازارهای توسعه یافته گنجانده نشده اند. اسپیدل و کرون[1] (۲۰۰۷) بر این باورند که این بازارها همان مسیر بازارهای دو دهه گذشته را دنبال می‌کنند . ایجاد بازارچه مرزی در واقع تلاشی بوده است که اقتصادهای بسته برای تجارت آزاد به شکل ابتدایی دنبال نموده‌اند . ایجاد بازارچه‌ها برای این گروه از کشورها به عنوان دریچه‌ای برای صادرات و واردات با موانعی کمتر تلقی می‌شوند.در مجموع کشورهای محدودی از ایده ایجاد بازارچه مرزی پیروی نموده‌اند .

ایجاد بازارچه‌های مرزی را می‌توان در راستای گسترش همکاریهای منطقه‌ای تلقی کرده و به عنوان بخشی از یک راه حل اقتصادی برای کاهش بحرانهای منطقه‌ای، ایجاد کننده ثبات در مناطق مرزی و گسترش فعالیت‌های تولیدی و تجاری به حساب آورد به این طریق می‌توان رفاه حاصل از تجارت را در این نواحی که از محرومیتی مضاعف نسبت به سایر نقاط کشور برخوردارند فراهم کرد. این امر در صورتی تحقق می‌یابد که عملکرد بازارچه‌ها هدفمند بوده و در نهایت منتهی به گسترش تولید، اشتغال و صادرات شود در غیر این صورت می‌تواند آثار زیان باری برای اقتصاد کشور به همراه داشته باشد . لازم به تذکر است باتوجه به اینکه بازارچه‌های مرزی در تعداد معدودی از کشورها و به خصوص کشورهای در حال توسعه رونق دارد ، لذا مبانی تئوریکی چندانی در مورد آنها و جود ندارد .

1 - Speidell and Krohne

۲ ـ پیشینه تحقیق

۱ ـ ۲ : مطالعات خارجی

با توجه به اینکه کشورهای معدودی ایجاد و گسترش بازارچه‌های مرزی را در برنامه های خود دنبال می‌کنند و همچنین با توجه به پیشینه مورد بررسی تحقیق ، مطالعه گستردهای در میان مطالعات خارجی راجع به بازارچه‌های مرزی وجود ندارد اما می‌توان به مطالعاتی راجع به تجارت مرزی اشاره کرد .

کاتابازی[1](۱۹۹۵) در مطالعه خود تجارت مرزیکشورهای جنوب افریقا را مورد بررسی قرار می دهد. نتایج تحقیق نشان می دهد که آزادسازی تجارت مرزی با تعدیل چشمگیر قیمت ها همگام بوده و پس از رهاسازی تعیین قیمت ها به وسیله نیروهای بازار، قیمت بسیاری از کالاهای مصرفی ضروری در تعادل میان مدت کاهش یافته است .

پیتر (۲۰۰۱) در مطالعه خود به بررسی تجارت برون مرزی در منطقه شاخ آفریقا پرداخته است که در آن تجارت برون مرزی جزو فعالیت های بزرگ اقتصادی است و بدون هیچ گونه سیاست رسمی و پشتیبانی انجام می شود به دلیل وجود یکسری ویژگی‌های طبیعی و موانع اقتصادی و سیاسی از نوع تشابهات قومی، نژادی و زبانی در نواحی مرزنشین، عدم دسترسی آسان به تسهیلات حمل و نقل و خدمات بازرگانی و بالاخره دور بودن این مناطق از بازارهای عمده داخلی ، تجارت رسمی در نواحی مرزنشین شکل نگرفته و به همین دلیل مبادلات تجاری به کانال‌های دیگر هدایت شده‌اند .

لیبانوپه[2]و همکارانش (۲۰۰٤) درمطالعه ای به بررسی اثرات اقتصادی ـ اجتماعی تجارت مرزی و تأثیر آن درافزایش استانداردهای سطح زندگی مردم در سه ایالت کشور لائوس می‌پردازند این گزارش به بررسی چارچوب های سیاسی تجارت و اقتصاد در نواحی مرزی، کالای تولید شده در منطقهٔ مورد مطالعه و چگونگی صادر شدن آن و تجزیه و تحلیل اثرات تجارت مرزی بر روی استانداردهای سطح زندگی مردم این نواحی می پردازد. که نتایج این تحقیق حاکی از تاثیر مثبت تجارت مرزی بر افزایش سطح استانداردهای زندگی مردم آن مناطق دارد .

تانجا[3] (۲۰۰٦) در مطالعه خود با عنوان تجارت بین هند و پاکستان به بررسی موانع و مشکلات تجارت مرزی بین دو کشور می پردازد. در این راستا این مطالعه به بررسی شناسائی مناطق تجارت و همکاری های سرمایه گذاری در زمینه تجارت مرزی بین دو کشور می پردازد. به همین منظور یک نظرسنجی در سه شهر دهلی، بمبئی و امریتسار به بررسی ویژگی‌های شرکت‌های درگیر در تجارت هند پرداخته است. تانجا اشاره می کند که لینک های حمل و نقل بین دو کشور

1 - Katabaazi
2 - Leebouapao
3 - Taneja

ناکافی هستند و باید مسرهای ریلی و جاده ای جدید باز شود همچنین هزینه معاملات تجاری مرزی بین هند و پاکستان بسیار زیاد است که می توان با به کار گیری اقدامات و سیاست های ساده تجاری به رفع این مشکل کمک کرد .

تیام[1](۲۰۰۷) در مقاله خود به بررسی تجارت مرزی بین کشور هند با کشورهای همسایه خود ، با یک تمرکز ویژه بر تجارت هند با میانمار می پردازد. تقاضای زیاد در میانمار برای محصولات تولیدی هندوستان می تواند تجارت مرزی بین دو کشور را به طور قابل ملاحظه ای افزایش دهد که همین امر به طور همزمان تجارت غیر قانونی و غیر رسمی را در سراسر مرزهای این دو کشور کاهش می دهد. بهبود روابط تجاری بین هندو میانمار (با امضای توافقنامه FTA بین هند و کشورهای آسه آن[2]) ناشی از کاهش تعرفه‌ها وهمچنین انتقال تجارت از کانال‌های غیررسمی به کانال های رسمی و در قالب تجارت مرزی و بهبود زیرساخت های مربوطه در هر دو طرف مرز بوده است. همچنین ایجاد اتصالات ریلی می تواند نقش به سزائی در بهبود روابط تجاری این دو کشور داشته باشد .

لسر و مویس لیمان[3](۲۰۰۹) در مقاله خود با عنوان تجارت مرزی رسمی و اصلاحات تسهیل تجارت برای کشورهای جنوب صحرای افریقا اشاره می کند که تجارت بخش غیر رسمی حدود ۴۳٪ از GDP را تشکیل می دهد که تقریبا برابر با بخش رسمی اقتصاد آن می باشد . نویسندگان مقاله همچنین مقررات و الزامات مورد نیاز مربوط به تجارت و سیاست که برای افزایش انطباق با مقررات تجارت بین المللی مورد نیاز است را بر شمرده و علاوه بر آن برخی اقدامات مکملی دیگر مانند خدمات تدارکات و پشتی بانی برای کسب و کار موثر تجار و افزایش مذاکره و تبادل نظر بین تجار و سازمان های مرزی که می توانند به تشویق هر چه بیشتر افراد در امر تجارت مرزی رسمی کمک کنند اشاره شده کرده‌اند .

۲ ـ ۲ : مطالعات داخلی

محمودی (۱۳۷۹) در مطالعه خود تحت عنوان موانع ومشکلات بازارچه های مرزی در توسعه منطقه‌ای مورد شمال غرب کشور با استفاده از ابزار پرسشنامه نتیجه گرفت که قوانین و مقررات دست و پاگیر ، واگذاری اداره امور بازارچه‌ها به ارگان‌های سیاسی و تاکید عمده آنها به مسایل سیاسی امنیتی ، برخوردهای بروکراتیک وتشریفات قانونی از عمده‌ترین موانع توسعه بازارچه‌ها می‌باشند .

کاشفی (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان بررسی راههای توسعه بازارچه‌های مرزی استان کردستان با استفاده از ابزار پرسشنامه و انجام مصاحبه با کارشناسان و افراد فعال در بازارچه‌ها

1 - Thiyam
2 – (ASEAN) Association of Southeast Asian Nations
3 - Lesser and Moisé-Leeman

نتیجه گرفت که عدم برخورداری از زیرساخت ها و راههای مناسب، نگاه سیاسی و امنیتی شدید تعدد مراکز تصمیم‌گیری، عدم ثبات در قوانین ومقررات، پر رنگ بودن مسایل سیاسی ـ امنیتی در مدیریت بازارچه‌ها از عمده‌ترین موانع موفقیت بازارچه‌ها در امر صادرات می‌باشند .

محمودی (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان ساختار مبادلاتی بازارچه‌های مرزی و نقش آن در بازرگانی و اقتصاد مناطق مرزنشین عمده‌ترین مشکلات این مناطق را نبود مهارت‌های لازم و کمبوداطلاعات تجاری مردم مرزنشین،فقدان امنیت مالی درمبادلات، ضعف مدیریت ناظر و فقدان موسسات رسمی تامین کننده منابع مالی (بانکها و صندوق های ضمانتی و اعتباری) بر می‌شمرد .

محمدی و فاطمی (۱۳۸٤) در مقاله خود با عنوانقش بازارچه های مرزی در توسعه فضائی مناطق روستائی (که بازارچه مرزی باجگیران در خراسان را مورد مطالعه قرار می دهد) از جنبه فرایند برنامه ریزی، توسعه و آمایش سرزمین به بررسی مناطق مرزی و بازارچه های مرزی می پردازند و اشاره می کنند که توسعه اقتصادی روستاهای مرزنشین می تواند تحولی بنیادین در ایجاد شغل، تثبیت جمعیت مرزنشین، افزایش درآمد و در نهایت توسعه ای پایدار رابه ارمغان آورد. ایشان که با روش اسنادی و کتابخانه ای به بررسی موضوع پرداخته اند با توجه به موفق عمل نکردن بازارچه ها در این مناطق بازنگری مجدد در تمامی زمینه ها در این بازارچه ها را ضروری می دانند .

اسماعیل‌زاده (۱۳۸۵) در مطالعه ای تحت عنوان مطالعه انسان شناختی بازارچه‌های مشترک مرزی با رویکرد انسان شناسی اقتصادی با انجام مطالعه موردی بر روی روستاهای مرزنشین شهرستان سردست، عملکرد بازارچه ها و نقش و جایگاه آنها را در رفاه اقتصادی و وضعیت معیشتی مرزنشینان مورد مطالعه قرار می دهد وی که با ابزار پرسشنامه به انجام این تحقیق پرداخته است نتیجه گرفت که هرچند مبادلات، علی رغم غیر رسمی و محلی بودن دارای نقش پراهمیتی می باشند و باعث بهبود در زندگی ساکنان نقاط مرزی، ایجاد صلح و ثبات در مناطق مرزنشین و افزایش امنیت می شوند اما در بسیاری جنبه ها نیز موفق عمل نکرده اند .

با مروری بر مطالعات انجام گرفته پیشین و به خصوص مطالعات داخلی می توان گفت که تحقیق حاضر از لحاظ دوره زمانی، مکان انجام تحقیق و مدل تحقیق با مطالعات پیشین متفاوت است. این تحقیق در سال ۱۳۹۱ در بازارچه های مرزی استان کرمانشاه به انجام رسیده است این مطالعه دارای یک مدل مفهومی می باشد که بر اساس مبانی نظری موجود به طراحی ابعاد و شاخص های مورد نیاز در مدل پرداخته شده و در انجام تحلیل ها از نرم افزار SPSS ویرایش ۱۸ و رسم نقشه مکان مورد مطالعه از نرم افزارها Arc GIS ویرایش ۹.۳ استفاده شده است. همچنین در بخش تحلیل های آماری وجود یا عدم وجود تفاوت بین نظر افراد پاسخگو (بررسی تفاوت بین نظر تجارو پیله وران با نظر کارشناسان) در مطالعه حاضر لحاظ شده است .

۳ ـ تحلیل توصیفی بازارچه های مرزی

۳ ـ ۱ : سابقه شکل گیری بازارچه های مرزی

با کمی دقت در اکثر نواحی مرزی که هم اکنون در آن بازارچه های مرزی افتتاح شده است ویژگی‌های خاصی برای این مناطق و نواحی مرزی می توان برشمرد : قرار گرفتن این نواحی در فهرست مناطق محروم، دور افتادگی جغرافیایی، حاکمیت فرهنگ سنتی که در سایر فعالیت های اقتصادی نظیر کشاورزی و صنعت و... نیز می توان مشاهده کرد. بازارچه های مرزی در واقع بخشی از بازرگانی خارجی کشور می باشد که برای مبادلات مرزی مردم منطقه مرز نشین در نظر گرفته شده است.به همین منظور در سال های۱۳۳۱، ۱۳٤٤و ۱۳٤۸، مبادلات مرزی در قالب یک لایحه قانونی در قانون مبادلات مرزی ایران در نظر گرفته شد ولی استفاده مرز نشینان از مفاد این قانون بدلیل محدودیت های مالی و عدم آگاهی به اصول بازرگانی خارجی تا سالهای بعد از انقلاب به تعویق افتاد. در پی محدودیت های اقتصادی ناشی از جنگ تحمیلی و محاصره اقتصادی‌که مشخصا بر عرصه بازرگانی و اقتصادی کشور اثر می گذاشت، از سال ۱۳۷۳ مبادلات مرزی در قالب بازارچه های مرزی و تعاونی های مرزنشینی رونق یافت و صدور کالاهای غیر نفتی مزیت‌دار و ورود کالاهای مورد نیاز مرزنشینان در دستور کار این واحدها قرار گرفت .

۳ ـ ۲ : اهداف و کارکردهای بازارچه مرزی

بازارچه‌های مرزی با دو هدف گسترش روابط تجاری با کشورهای همسایه و ایجاد اشتغال در مناطق مرزی تاسیس شده‌اند . در کنار اهداف فوق ، هدف ضمنی که در تاسیس این بازارچه‌ها مؤثر بوده ، ارتقاء امنیت در مناطق مرزی بوده است زیرا با ایجاد تجارت انگیزه لازم برای حضور مردم در این نواحی بوجود می‌آید و در نتیجه حضور مردم و ایجاد شغل و درآمد در این نواحی ، امنیت حفظ میشود .

تاسیس بازارچه های مرزی و توسعه مبادلات از طریق این واحدها عمدتا به استناد ماده ۱۱ قانون مقررات صادرات و واردات با اهداف زیر صورت می گیرد :

- ایجاد زمینه‌های اشتغال ؛
- تامین نیازهای کالائی مردم مناطق مرزی ؛
- کاهش قاچاق ؛
- تثبیت جمعیت مرزنشین در نواحی مرزی در راستای افزون سازی ضریب امنیت ملی در نقاط استراتژیک ؛
- رونق بخشیدن به اقتصاد مناطق مرزنشین ؛
- وقوف بر امکانات بالقوه تجاری کشورهای همسایه و گشودن باب مراودات تجاری با آنها ؛

۳ـ۳ : مروری بر بازارچه های مرزی استان کرمانشاه

بیشترین مجوز تاسیس بازارچه ها در مرز عراق صادر شده است و تعداد این بازارچه‌ها ۱۲ مورد می‌باشد. از میان آن ها ٤ بازارچه در استان کرمانشاه واقع شده است که البته بازارچه تیله کوه در حال حاضر غیر فعال می باشد. فهرست این بازارچه ها در جدول شماره۱ و موقعیت مکانی استان کرمانشاه و همچنین شهرستان‌های محل بازارچه‌های مورد مطالعه . در نقشه‌های شماره ۱ و ۲ ارائه شده است .

جدول شماره۱: بازارچه های مرزی استان کرمانشاه

ردیف	نام بازارچه	شهرستان محل بازارچه	استان محل بازارچه	منطقه طرف مبادله
۱	شوشمی	پاوه	کرمانشاه	شمال عراق
۲	شیخ صله	ثلاث بابا جانی(جوانرود)	کرمانشاه	شمال عراق
۳	پرویزخان	قصرشیرین	کرمانشاه	شمال عراق
٤	تیله‌کوه	سرپل‌ذهاب	کرمانشاه	دولت مرکزی عراق

نقشه شماره ۱ : موقعیت بازارچه‌های مورد مطالعه

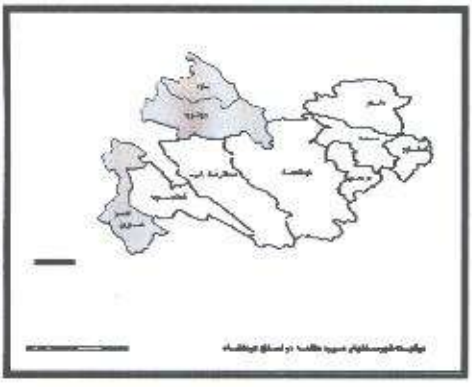



۳ـ۳ـ۱: بازارچه مرزی پرویز خان

بازارچه مرزی پرویز خان در در فاصله ۵ کیلومتری شمال غربی شهرستان قصر شیرین در نقطه صفر مرزی ایران و عراق واقع شده است و به جهت هم جواری با روستای مرزی پرویز خان در کشور عراق به این نام شناخته می شود. این بازارچه دارای ٤٦ غرفه پیله وری در دو باب ساختمان ، یک باب ساختمان اداری ، خط تلفن ثابت ، آب ، برق ، بانک ، امکانات پزشکی و رستوران بوده و در فضایی بیش از ٦٧ هکتار قرار دارد. و در نظر است تا ۳۳۰ هکتار گسترش داده شود . بازارچه مرزی پرویز خان (که در آینده نزدیک به یکی از بزرگترین پایانه‌های صادراتی کشور و مرز رسمی تبدیل خواهد شد)، از جمله مبادی خروجی استان کرمانشاه محسوب می گردد که روزانه بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ کامیون را جهت خروج به مقصد عراق خدمات رسانی می نماید .

این بازارچه امکان ارتباط کشورمان را با بخش شمال عراق (کردنشین) و حتی با بغداد (بخش عرب نشین) فراهم می نماید. فاصله این بازارچه تا شهر سلیمانیه (به عنوان مرکز استان و مرکز اصلی اتحادیه میهنی کردستان) حدود دو ساعت می باشد. گفتنی است که شهر کرمانشاه از طریق پرویز خان تا شهر سلیمانیه ۳۲۰ کیلومتر فاصله دارد و بنابراین با توجه به مسافت های کوتاه استفاده از پرویز خان به دلیل کاهش هزینه و زمان مبادلات از توجیه اقتصادی مناسبی برخوردار می باشد .

۳ ـ ۳ ـ ۲ : بازارچه مرزی شیخ صله

ثلاث باباجانی که در خرداد سال ۱۳۸۱ به عنوان شهرستان موجودیت یافت از طرف غرب با کشور عراق هم مرز است و ۷۵ کیلومتر مرز مشترک با آن کشور دارد از مهمترین کوههای این شهرستان بمو می باشد که به عنوان مرز محسوب می گردد. بازارچه مرزی شیخ صله (شیخ صالح) در نقطه صفر مرزی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عراق، در ٤٥ کیلومتری شهرستان ثلاث بابا جانی و در نزدیکی روستائی به همین نام در اواخر سال ۱۳۷۵ با توافق دو کشور ایران و عراق تاسیس گردید که از اوایل سال ۱۳۷٦ شروع به فعالیت نموده است و بدلیل فاصله طولانی از شهر تازه آباد (مرکز شهرستان ثلاث باباجانی) و همچنین نبود جاده نامناسب و سخت و کوهستانی بودن این منطقه از امکانات رفاهی و خدماتی اولیه برخوردار نمی باشد. هم اکنون این بازارچه دارای امکاناتی از جمله بانک، چندین ساختمان اداری، یک رستوران و۲۰ غرفه می باشد که نماینده های سازمان صنعت، معدن و تجارت، فرمانداری و گمرک مدیریت آن را بر عهده دارند .

۳-۴-۳: بازارچه مرزی شوشمی

بازارچه کوله پری مرزی پاوه با هدف ارتقای وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم و رونق تجارت و کسب و کار درسال ۱۳۷۱ در شهرستان پاوه افتتاح گردید. این بازارچه در زمینی به مساحت حدود سه هزار متر مربع احداث شده و در فاصله ۱۹۵ کیلومتری مرکز استان ، ۴۵ کیلومتری شهرستان پاوه و ۵ کیلومتری شهر نوسود واقع شده است. در این بازارچه امکانات زیادی وجود ندارد و نمایندگان بانک ها و سازمان های ذیربط در ساعات مشخصی امورات بانکی و اداری پله وران را انجام می دهند. همان طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می شود بیشترین میزان صادرات در سال ۱۲/۶ به بازارچه پرویز خان اختصاص دارد که این میزان به ترتیب کاهش یافته و در مقابل سهم بازارچه شوشمی روند افزایشی داشته است .

جدول شماره۲ : سهم هریک از بازارچه ها از مجموع آنها در صادرات کالاهای غیر نفتی
(ارقام داخل جدول به درصد می باشند)

سال بازارچه	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
پرویز خان	۷۹/۳۸	۸۹/۳۰	۸۳/۲۵	٤٤/٦۲	۵
شیخ صله	۱/۸۵	۱/۹٤	۰/۲٦	۱/۰۷	۰
شوشمی	۱۸/۷۷	۸/۸٦	۱٦/۵۰	۵٤/۳۰	۹۵
مجموع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

ماخذ: گمرک استان کرمانشاه

بر اساس آمار اعلام شده از سوی گمرکات استان کرمانشاه، سهم این استان از صادرات به کشور عراق ۵۰٪ کل صادرات کشور می‌باشد که در جدول ذیل آمار مقایسه‌ای صادرات این استان در سال ۱۳۹۰ به تفکیک گمرکات و بازارچه های مرزی ارائه شده است .

جدول شماره ۳: آمار مقایسه ای صادرات استان کرمانشاه در سال ۱۳۹۰
به تفکیک گمرکات و بازارچه های مرزی

گمرک/ بازارچه	سال ۱۳۸۹		سال ۱۳۹۰		درصد تغییرات	
	وزن(هزارتن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن(هزارتن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن	ارزش
گمرک کرمانشاه	۵۹۷/۸	۱۹۹/۳	۱۵۶۷/۸	۴۴۳	۱۶۲	۶۷
گمرک خسروی	۶۴/۷	۶۶/۶	۲۳۷/۴	۱۰۳/۶	۲۶۷	۵۵
گمرک پرویز خان	۱۰۲۱/۴	۶۰۶/۳	۱۶۶۲/۹	۹۷۱/۶	۶۳	۶۱
جمع گمرکات	۱۶۸۳/۹	۸۷۲/۳	۴۴۶۸/۱	۱۴۱۳/۴	۱۰۶	۶۳
بازارچه پرویز خان	۵۷/۶	۲۱/۲	۵/۴	۱/۲	- ۹۱	- ۹۲
بازارچه شوشمی	۱۹/۳	۲۵/۸	۲۲/۹	۲۹	۱۸	۱۲
بازارچه شیخ صله	۰/۷۶۳	۰/۵۱۰۰۲۴	۰/۳۲	۰/۴۳۸۴	- ۹۶	=۹۹
جمع بازارچه ها	۷۷/۸	۴۷/۶	۲۸/۴	۳۰/۲	- ۶۳	- ۳۰

مأخذ: سازمان بازرگانی استان کرمانشاه، گزارش عملکرد بخش تجارت خارجی استان طی سال ۱۳۹۰

با توجه به جدول شماره ۳ ملاحظه می گردد که میزان صادرات از طریق بازارچه های مرزی درصد خیلی کمی از صادرات را نسبت به گمرکات استان به خود اختصاص داده اند به طوری که مجموع صادرات غیر نفتی استان کرمانشاه در سال ۱۳۹۰ از طریق گمرکات استان معادل ۴۴۶۸/۱ هزار تن به ارزش ۱۴۱۳/۴ میلیون دلار می باشد که نسبت به سال قبل دارای درصد تغییرات مثبتی بوده است در حالی که میزان صادرات از طریق بازارچه های مرزی برابر با ۷۷/۸ هزارتن و به ارزش ۳۰/۲ میلیون دلار است که نسبت به سال قبل دارای درصد تغییرات منفی بوده است.در مجموع نمی توان نقش تجارت از طریق بازارچه های مرزی استان کرمانشاه علی رغم نوسانات آن در سال های مختلف را نادیده گرفت. البته عوامل چندی بر میزان این نوسانات در سال های اخیر تاثیر گذاراند که از جمله آن می توان به بالا رفتن هزینه های حمل کاهش جواز صادراتی از ۳٪ به ۱٪ در سال های اخیر و حتی تاخیر در پرداخت این جوایز و ... را نام برد. بحث جوایز صادراتی تاثیر زیادی بر روی میزان صادرات از طریق این بازارچه ها گذاشته است به نحوی که اکثر پیله وران منطقه، کالای خود را از طریق گمرکات کرمانشاه خسروی و مهران اظهار می نمایند (با توجه به عدم پرداخت جایز صادراتی در این بازارچه ها و به دلیل اینکه اکثر پیله وران دارای کارت بازرگانی نیز می باشند. لذا از طریق گمرکات کرمانشاه خسروی و مهران کالای خود را صادر نموده و تمایل چندانی به تجارت از طریق بازارچه ها ندارند). با وجود اینکه آماری از میزان تجارت در بازارچه های مورد نظر در سال ۱۳۹۱ برای

ارائه در این تحقیق به دست نیامد اما متولیان امر تجارت و کارشناسان، مدعی افزایش میزان تجارت در سال جاری هستند که البته برگزاری جلسات متعدد در استانداری و سازمان صنعت معدن و تجارت استان کرمانشاه، نشست استانداران استان های مرزی دو کشور ایران و عراق و امضای تفاهم نامه های متعدد در این زمینه و ساخت و ساز های جدید در فضای بازارچه ها علی الخصوص بازارچه پرویز خان بر میزان افزایش این مهم تاثیر گذار بوده اند.

هدف از انجام این پژوهش بررسی تاثیر بسترها و زیر ساخت های بازارچه های مرزی درگسترش مبادلات تجاری با عراق (مطالعه موردی: بازارچه های مرزی استان کرمانشاه) می‌باشد. بدین منظور در این پژوهش با شیوه توصیفی ـ تحلیلی و به صورت اسنادی(کتابخانه ای) و میدانی این سوال مورد ارزیابی قرار گرفته است : آیا بسترها و زیرساخت های موجود در بازارچه‌های در گسترش مبادلات تجاری با عراق تاثیر دارند؟

٤ ـ روش تحقیق

در تحقیق حاضر برای گردآوری داده ها از روش پرسش نامه استفاده شده است. به همین منظور بر اساس پیشینه تحقیق و مطالعات محمودی(۱۳۷۸)، ربانی(۱۳۸۸) و افتخاری و همکاران(۱۳۸۸) شش شاخص طراحی شده است که بسترها و زیرساخت های بازارچه های مرزی را مورد سنجش قرار می دهد. لازم به ذکر است که روایی پرسش نامه با کمک تحلیل عاملی و نظرات اساتید و کارشناسان تایید شده و برای روایی پرسش نامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل عاملی در جدول شماره ٤ ارائه شده است.

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه تجار، بازرگانان و پیله‌وران (گروه اول)، مسئولین و کارشناسان گمرک، اتاق بازرگانی، سازمان صنعت، معدن و تجارت و استانداری کرمانشاه (گروه دوم) می‌باشد کهجامعه آماری این تحقیق در مجموع ۱٤۰۵ نفر می باشد. نمونه آماری تحقیق حاضر بر اساس فرمول کوکران محاسبه شده استکه متناسب با نسبت وزنی هر یک از دو گروه موجود ، اعضای نمونه مورد نظر به صورت تصادفی انتخاب می شوند. که از میان آنها حدود ۲۷ نفر کارشناس و۲۷۵ نفر از نمونه آماری را تجار و پیله وران تشکیل می دهند .

جدول شماره۴ ـ خلاصه تحلیل عاملی و رتبه بندی عوامل موثر

نتایج ارزیابی متغیر	شاخص KMO	شاخص Bartlerr	عوامل استخراج شده در تحلیل عامل اکتشافی به روش مولفه‌های اصلی	مقدار ویژه عامل	درصد واریانس تبیین شده
بسترها و زیرساختها	۰/۷۴۷	۰/۰۰۰	اعتماد و امنیت	۱/۷۱۲	۲۸/۵۳۵
			فرهنگ	۱/۵۶۵	۱۹/۴۰۹
			قوانینومقررات	۱/۳۳۰	۱۷/۱۶۰
			موسسات وتجهیزات	۱/۳۱۵	۶/۲۱۰
			اطلاع رسانی	۱/۲۸۰	۵/۸۷۸
			روابط سیاسی‌ودیپلماتیک	۱/۱۱۹	۴/۶۷۲

کلیه تحلیل های آماری با استفاده از نرم افزارSPSS ویرایش ۱۸ انجام شده و همچنین برای نشان دادن موقعیت مکانی محل مورد مطالعه، نرم افزارArcGIS ویرایش ۹.۳ مورد استفاده قرار گرفته است. در تحقیق حاضر برای آزمون فرضیه های تحقیق از آزمون های پارامتری شامل t تک نمونه ای استفاده شده است .

۶ ـ یافته های تحقیق

برای بررسی وضعیت بسترها و زیر ساخت های بازارچه های مرزی استان کرمانشاه از آزمون t تک نمونه ای استفاده شده است . به منظور بررسی هرچه بهتر ابتدا برای تک تک شاخص های بعد بسترها و زیر ساخت ها، آزمون مورد نظر انجام گرفته و در نهایت به صورت کلی برای این بعد که فرضیه فرعی دوم تحقیق را تشکیل می دهد آزمون t تک نمونه ای انجام خواهد شد. فرضیه صفر در هر کدام به این صورت است که مقدار آن متغیر مساوی سه است .

برای آزمون تاثیر شاخص های مورد نظر از آزمون t تک نمونه ای استفاده شده است . در همه آزمون ها فرضیه صفر مبنی بر اینکه تاثیر این شاخص ها در بازارچه های مرزی مساوی ۳ می باشد تائید نشده است؛ و با توجه به اینکه کوچکترین و بزرگترین مقدار در هر آزمون مثبت می باشند، مشخص می شود وضعیت شاخص ها در بازارچه های مرزی مطلوب و بالاتراز ۳ می باشد و فقط میزان شاخص تجهیزات و زیربناها پائینتر از ۳ می باشد که نشان دهنده تاثیر نامطلوب آن بر تجارت مرزی با عراق دارد . نتایج این تحلیل ها در جدول ۵ آمده است .

جدول شماره ۵ : نتایج تحلیل آزمون تک نمونه ای شاخص های تشکیل دهنده بعد بسترها و زیر ساخت ها (ارزش آزمون برابر ۳)

شاخص	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای تفاوت میانگین ها	
					حد پائین	حد بالا
امنیت و اعتماد	۵۵/۲۰۱	۳۰۱	۰،۰۰۰	۳/۹۱	۳/٤۷۸٦	۳/۷٤۱٤
فرهنگ	٤۵/٤۷۵	۳۰۱	۰،۰۰۰	۳/۸۲۸	۳/٦۵۸۸	۳/۹۹۷۲
قوانین و مقررات	۳۸/۰۸٦	۳۰۱	۰،۰۰۰	۳/۳۵۵	۳/۱۷۸۰	۳/۵۳۲۰
زیربناها و تجهیزات	۳۵/۸۰۹	۳۰۱	۰،۰۰۰	۲/٤٤	۲/۳۰۳۱	۲/۵۷٦۹
اطلاع رسانی	۵٤/۹۲۳	۳۰۱	۰،۰۰۰	۳/۲۱۸٤	۳/۰۹۷۲	۳/۳۳۷٤
روابط سیاسی و دیپلماتیک	٤٤/۲٦۷	۳۰۱	۰،۰۰۰	٤/٤۸	٤/۳۷۷۱	٤/۸۸۲۹

منبع: یافته های تحقیق

پس از بررسی تک تک شاخص های مربوط به بعد بسترها و زیر ساخت ها، آن را به صورت کلی مورد آزمون قرار می دهیم.

جدول شماره ۶ : نتایج تحلیل آزمون تک نمونه ای بعد بسترها و زیرساخت ها (ارزش آزمون برابر ۳)

بعد	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای تفاوت میانگین ها	
					حد پائین	حد بالا
بسترها و زیرساخت ها	۸٤/۳۹٤	۳۰۱	۰،۰۰۰	۳/٤۸۷۹۷	۳/٤۰٤۹	۳/۵۷۱۰

منبع: یافته های تحقیق

به منظور سنجیدن تاثیر این بعد از آزمون t تک نمونه ای استفاده شده است . همان طور که مشاهده می شود فرضیه صفر مبنی بر اینکه تاثیربسترها و زیرساخت های بازارچه های مرزی بر تجارت مرزی با عراق مساوی ۳ می باشد تائید نشده است؛ و با توجه به اینکه کوچکترین و

بزرگترین مقدار هر دو مثبت می باشند، مشخص می شود وضعیت این بعد در بازارچه های مرزی و تاثیری که بر تجارت مرزی با عراق می گذارد، مطلوب و بالاتر از ۳ می باشد.

به عبارتی میانگین پاسخ های ارائه شده توسط پاسخ دهندگان ۳/۴۸۷۹۷ از ۵ می باشد که اگر این میانگین را به جامعه تعمیم دهیم با احتمال ۹۵٪ میانگین پاسخ های افراد جامعه در دامنه ۳/۴۰۴۹ تا ۳/۵۷۱۰ قرار می گیرد و از آنجا که Sig= 0.000 کوچکتر از ۰/۰۵ است ، این آزمون از نظر آماری معنی دار است . نتایج این تحلیل در جدول شماره ٦ آمده است. و بدین ترتیب فرضیه تحقیق تعریف می شود .

۷ ـ نتیجه گیری

در این پژوهش سعی شده است که به بحث امنیت در دو مقوله فیزیکی و اقتصادی پرداخته شود . بر طبق پاسخ های داده شده به سوالات این شاخص میتوان گفت که امنیت جانی در بازارچه‌ها به صورت کامل وجود دارد و سرقت از اجناس و اشیاء داخل غرفه‌ها به ندرت اتفاق می‌افتد . امنیت در مرزها به صورت کامل برقرار است و همین امر به رونق تجارت مرزی کمک شایان توجهی کرده است . در زمینه وجود امنیت اقتصادی نیز بر اساس پاسخ‌های دو گروه آزمودنی به سوالات می‌توان گفت که در بین بیشتر افراد ، معاملات بدون هیچگونه مدرک و بر اساس اعتماد فی‌مابین انجام می‌شود که البته گاهی مواقع برای تجار مشکلاتی را به وجود می‌آورد . اما در کل این شاخص تاثیر معناداری بر تجارت مرزی با عراق داشته است . این نتایج با تحقیقات محمودی(۱۳۷۸)، محمودی(۱۳۸۳)، ربانی (۱۳۸۸)، مکفرسون و مک کوئل (۲۰۰۷) همسو می‌باشد . که همگی آنها به وجود امنیت در مرزها و تاثیر آن بر تجارت مرزی تاکید دارند.

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که وجود تشابهات قومی ، فرهنگی و زبانی بین ساکنان دو سوی مرز و وجود نسبتهای خویشاوندی بین آنها فرصتی را فراهم می‌آورد تا از طریق بازارچه‌ها بتوانند به تجارت با یکدیگر بپردازند به‌گونه‌ای که در بعضی موارد هریک از تجار دو سوی مرز می‌توانند بدون تحمل هیچگونه هزینه‌ای برای اقامت در کشور مقابل ، ضمن انجام امور تجاری در منزل اقوام خود به سر ببرند . این نتایج با تحقیقات پیتر (۲۰۰۱)، نیام (۲۰۰۷) محمودی(۱۳۷۸)، محمودی (۱۳۸۳) که همگی بر تاثیر مثبت عوامل قومی و فرهنگی از جمله تشابهات زبانی، قومی، مذهبی و ... بر تجارت مرزی، تاکید دارند همسو می باشد .

نتایج پژوهش نشان از تاثیر مثبت قوانین و مقررات بر تجارت مرزی دارد . طبق پاسخ های داده شده به سوالات این شاخص ، قوانین موجود در زمینه تجارت مرزی از ثبات نسبی برخوردارانند و در زمینه رفت و آمد تجار به آنسوی مرز مقررات دست و پاگیری وجود ندارد . البته تجار و پیله‌وران ، بر لزوم وضع مقرراتی برای پیگری اموال آنان درصورتی که از طرف تجار عراقی با مشکل روبرو شوند ، تاکید داشتند . که البته تاکنون در این زمینه تمهیداتی اندیشیده نشده است . لازم به ذکر است که تلاش برای یکسانسازی قوانین مربوط به مبادلات مرزی بین دو

کشور ایران و عراق در دستور کار مسئولان سازمان صنعت ، معدن و تجارت قرار دارد . این نتایج با مطالعات محمودی(۱۳۷۸)،محمودی(۱۳۸۳) و ربانی (۱۳۸۸) غیر همسو و با مطالعه تانجا (۲۰۰۶) همسو می باشند .

طبق نتایج پژوهش وضعیت زیربناها و تجهیزات در بازارچه‌ها ، چندان رضایت بخش نیست . هر دو گروه آزمودنی به تعلل و رکود عملیات زیر ساختی در بازارچه‌های مرزی اعم از ایجاد امکانات رفاهی ، ارائه خدمات بهداشتی ، تسطیح و آسفالت محوطه بازارچه‌های مرزی توسعه فضای تخلیه و بارگیری کالا ، استقرار امکانات ذخیره‌سازی و نگهداری کالا و ... از جمله عواملی هستند که بر تجارت مرزی تاثیر منفی می‌گذارند . به طوری که در پاسخ‌های مربوط به سوالهای باز پرسشنامه (سوالدوم) ، اکثر کارشناسان بر ساخت سردخانه در اطراف بازارچه‌ها تاکید به سزائی دارند زیرا در بیشتر مواقع به خاطر جلوگیری از خراب‌شدن کالاهای فسادپذیر مانند میوه‌جات ، تجار ایرانی مجبور به فروش کالاهای خود با قیمت تعیین شده از سوی تجار عراقی می‌باشند که عملا میتوان فضای بازارچه را به یک میدان تره‌بار تشبیه کرد ؛ در حالی که با وجود سردخانه و استقرار امکانات ذخیره‌سازی و نگهداری کالا میتوان کالاهای صادراتی را با قیمت مناسب به فروش رساند . البته در زمینه توسعه ساخت و ساز بازارچه‌ها اقداماتی از سوی مسئولین و دستگاههای ذیربط انجام شده است که شرح برخی از آنها در پیوست گزارش شده است . این نتایج با مطالعات محمودی (۱۳۷۸)،کاشفی(۱۳۸۳)، ربانی(۱۳۸۸) همسو می باشد.

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که تاثیر اطلاع رسانی برتجارت مرزی با عراق تقریبا دارای تاثیر مطلوبی می‌باشد و بر طبق نتایج پژوهش اگرچه بازارچه‌های مورد نظر (به جز دفاتر مدیریت بازارچه‌ها و قسمتهای اداری) به سیستم‌های آنلاین برای دریافت و ارائه اطلاعات برخوردار نیستند ؛ اما بانک‌های اطلاعاتی در مورد تجار و پیله‌وران فعال و غیرفعال ، کارتهای بازرگانی و پیله‌وری صادر و تمدید شده در هر ماه و اطلاعات کامل در مورد نوع و میزان تمامی کالاهای صادر و وارد شده ، درگمرک و سازمان صنعت ، معدن و تجارت موجود می‌باشد . همچنین وجود نقطه تجاری در سازمان صنعت ، معدن و تجارت در زمینه ارائه اطلاعات تجاری کمک قابل توجهی به تجار در امر تجارت می‌کند . نتیجه این فرضیه با تحقیقات تانجا (۲۰۰۶) مکفرسونومککونل (۲۰۰۷) ، محمودی(۱۳۸۳) همسواست .

نتایج پژوهش نشان از تاثیر قابل توجه روابط سیاسی و دیپلماتیک بر تجارت مرزی با عراق دارد طبق نظر تجار ، پیله وران و کارشناسان در پاسخ به سوالات این شاخص ، احزاب سیاسی حاکم بر اقلیم کردستان که در امور اقتصادی و بازرگانی عراق نقش به سزائی دارند دارای روابط سیاسی مناسبی با ایران هستند که همین امر خود بر رونق تجارت با عراق و به خصوص کردستان عراق تاثیر فوق‌العاده‌ای داشته است . مطالعات پیشین از جمله محمودی(۱۳۸۷) ربانی(۱۳۸۸) مکفرسون و مک کونل(۲۰۰۷)، تیام (۲۰۰۷) به تاثیر روابط سیاسی مناسب بر تجارت مرزی تاکید دارند که مطالعه حاضر از این حیث با مطالعات مذکور همسو می باشد .

منابع و مآخذ

۱. اداره کل مقررات صادرات و واردات وزارت بازرگانی کشور(۱۳۷۱) ـ آیین نامه اجرائی بازارچه‌های مرزی .

۲. اسماعیل‌زاده ، خالد (۱۳۸۵) ـ « مطالعه انسان شناختی بازارچه های مشترک مرزی با رویکرد انسان شناسی اقتصادی » ـ مجله انسان شناسی (نامه انسان شناسی) ـ شماره ۹ صص ٦٥ ـ ۳۸ .

۳. اکبری ، حسین (۱۳۸۱) ـ « تحلیلی بر نقش و عملکرد بازارچه‌های مرزی » ـ دفتر مطالعات اقتصادی وزارت بازرگانی .

٤. ربانی ، جعفر (۱۳۸۸) ـ « بررسی فرصت ها و مشکلات صادرات ایران به عراق (مطالعه موردی کردستان عراق) » ـ پایان‌نامه کارشناسی ارشد ـ دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز ـ تبریز .

۵. رکن الدین افتخاری ، عبدالرضا و دیگران (۱۳۸۷) ـ « ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی بازتاب‌های توسعه مناطق مرزی » ـ مطالعه موردی : بازارچه مرزی شیخ صالح شهرستان ثلاث باباجانی ـ استان کرمانشاه ـ فصلنامه ژئوپلتیک ـ سال چهارم ـ شماره دوم صص ۱۰۹ ـ ۸۲ .

٦. سازمان صنعت ، معدن و تجارت استان کرمانشاه (۱۳۹۰) ـ « گزارش عملکرد بخش تجارت خارجی استان » ـ معاونت توسعه تجارت خارجی بازرگانی استان کرمانشاه .

۷. کاشفی ، حسین (۱۳۸۳) ـ « بررسی راههای توسعه بازارچه‌های مرزی استان کردستان و نقش آنها در اقتصاد استان » ـ موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی .

۸. محمدی ، حمیدرضا و علی اکبر فخر فاطمی (۱۳۸٤) ـ « نقش بازارچه های مرزی در امنیت و توسعه مناطق مرزی » ـ نمونه موردی بازارچه مرزی باجگیران ـ فصلنامه ژئوپلتیک سال اول ـ شماره اول .

۹. محمودی ، علی (۱۳۷۹) ـ « بررسی موانع و مشکلات بازارچه های مرزی » ـ مطالعه موردی شمالغرب کشور » ـ پژوهش‌نامه بازرگانی ـ شماره ۱۰ ـ صص ٦۱ ـ ۵۳ .

۱۰. محمودی ، علی(۱۳۸۳) ـ « ساختار مبادلاتی بازارچه های مرزی و نقش آن در بازرگانی و اقتصاد مناطق مرز نشین » ـ موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی .

۱۱. معاونت برنامه ریزی و بررسی های اقتصادی دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۸۱) ـ « بررسی نقش و عملکرد بازارچه‌های مرزی در اقتصاد ایران » ـ توسط ابراهیم علی رازینی و علیرضا باستانی ـ تهران .

۱۲. موسایی ، میثم (۱۳۸۷) ـ « توجیه اقتصادی ایجاد منطقه آزاد تجاری در کردستان » ـ مجله بررسی‌های بازرگانی ـ شماره ۳۲ ـ صص۸۳ ـ ۷۲ .

۱۳. هسته مطالعات و تحقیقات اداره کل بازرگانی آذربایجان غربی (۱۳۷۱) ... « کند و کاوی در آثار اقتصادی و اجتماعی بازارچه‌های مشترک مرزی » ـ توسط منوچهر خرفی و علاءالدین اسماعیلی فر

14. Chanoevwit,Worawan ,Yongyuth Chalamwong, Srawooth Paitoonpon (2004), Thailand's Cross BORDER ECONOMY, A Case Study of Sa Kaeoand Chiang Rai,Thailand Development Resource Institute(TDRI) .
15. Katabazi, Sam (1995); The Impact of Formal Cross-Balder on Food Security and Situation, UGANDA/KENYA BORDER .
16. Leebouapao,Leeber; Phonesaly Souksavath, Phetsamone Sone Souphith Darachanthara, Vanthana Norintha (2004), Cross Border Economy Case Study in Dansavanh ,Savannakhte and Houaysai Bokeo, Lao PDR, National Economic Research Institute .
17. Lesser, Caroline, Moise- Leeman, Evdokia,(2009), Informal Cross-Border Trade and Trade Facilitation Reform in Sub- Saharan Africa OECD Publishing, No 86 .
18. Macpherson ,Aland,McConnel,James, (2007), A Survey of Cross-Border Trade at a Time of Heightened Security: The Case of the Niagara Bi- National Region, American Review of Canadian Studies Valume 37, Issue 3 .
19. Mind, Issac J, Nakhumwa.T.o(1998), Unrecorded Cross-Border Between Malawi and Neighboring Countries,USAID, Office of Sustainable Development, Bureau for Africa .
20. Niebuhr,Annekatrin ; Silvia Stiller(2002), Integration Effect in Border Regions A Survey of Economic Theory and Empiricial Studies Hamburg Institute of International Economics .
21. Peter D, Little, Degage, Taka,Alemayehu, Azeze (2001), Cross-Border Livestock Trade and Food Security in Horn AFRICA,University of Kentucky and BASIS-CRSP,PP, 1-9 .
22. Singh Ghuman,Ranjit, Kumar Madan, Davinde (2006), Indo- Pakistan Trade Cooperation and SAARC, Peace and Democracy in South Asia Volume 2, No 1& 2 .
23. Speidell, Lawrence S, Krohne ,Axel(2007),The Case for Frontier Equity Markets, The Journal of Investing,Vol. 16, No. 3, pp. 12-22 .
24. Taneja, Nisha(2006), India- Pakistan Trade, working paper No.182,pp 1 – 59 .
25. Thiyam, Bharat Singh (2007), Indias Border Trade with Its Neighbouing Countries with Special Reference to Myanmar , The Journal of Applied Economic Research, no. 4, pp.359 – 382 .

بررسی تاثیر رابطه مبادله بر رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت در ایران

دکتر علیرضا کازرونی[1]، اکبر آذربایجانی[2]، حمید هشماری[3]

۱ـ مقدمه

یکی از موضوعات مهم اقتصاد کشورها، بویژه کشورهای در حال توسعه، رابطه مبادله تجاری و تاثیر آن بر متغیرهای کلان اقتصادی مانند رشد اقتصادی، تورم و بیکاری است. این تاثیر رابطه مبادله ، از انتقال درآمد واقعی کشورها به خارج و یا جذب درآمد واقعی ملل دیگر در عرصه تجارت بین الملل نشات می گیرد. نقش اساسی که رابطه مبادله در تجارت کشورها دارد به راحتی بر سطح تولید کشورها، از کانال های مختلف تاثیر گذار است. اما نقش رابطه مبادله در کشورهای در حال توسعه نفت خیز حساس تر و مهم تر به نظر می رسد. چرا که این کشورها بخش اعظم درآمدهای خود را از صادرات نفت، مواد خام اولیه و محصولات کشاورزی تامین می کنند. بنابراین تغییر قیمت نفت به شدت از طریق رابطه مبادله بر کل اقتصاد آنها تاثیر می گذارد. با توجه به تعریف عام رابطه مبادله[4] که عبارت است از نسبت شاخص قیمت صادرات به شاخص قیمت واردات، افزایش آن باعث افزایش قدرت خرید کالاهای صادراتی کشور و کاهش آن نشان دهنده ی کاهش درآمدهای صادراتی و همچنین کاهش قدرت خرید هر واحد صادرات در مقابل یک واحد واردات می باشد. از سال ۱۹۵۰ تاکنون نظریه های مختلفی در مورد مکانیسم‌های تاثیرگذاری رابطه مبادله بر رشد اقتصادی ارائه شده است. اما بطور کلی آنچه از تغییرات رابطه مبادله و تئوری‌های مرتبط با آن استنباط می شود این است که افزایش رابطه مبادله موجب افزایش درآمد و قدرت خرید کشورها می شود و امکان وسیعتر با فناوری های روز جهان از طریق واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای را فراهم نموده و بدین ترتیب ارتقا بهره وری و تسریع رشد اقتصادی را بدنبال خواهد داشت. در این راستا هدف اصلی این مطالعه بررسی تاثیر رابطه مبادله بر تولید ناخالص داخلی بدون نفت ایران در طی دوره ۱۳۵۰ ـ ۱۳۸۸ می باشد. برای نیل به این هدف، در ادامه مقاله به صورت زیر سازماندهی شده است:

---

۱ ـ نویسنده مسئول ـ استاد گروه اقتصاد دانشگاه تبریز
۲ ـ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه تبریز
۳ ـ دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه تبریز
۴ ـ انواع مختلف رابطه مبادله وجود دارد که اینجا منظور رابطه مبادله تجاری است.

در بخش دوم و سوم به ترتیب مبانی نظری و مطالعات تجربی در زمینه موضوع مرور گردیده و در قسمت چهارم به ارائه الگو و سپس در بخش پنجم به تخمین و تفسیر نتایج تجربی آن پرداخته می‌شود. بخش پایانی مقاله هم به تحلیل و نتیجه گیری یافته های تخمین و ارائه توصیه‌های سیاستی اختصاص یافته است .

۲ ـ مبانی نظری

در این بخش به بررسی ارتباط تئوریکی بین رابطه مبادله و تولید پرداخته می‌شود. تحلیلهای اولیه در مورد آثار رابطه مبادله در چارچوب توابع پس انداز ـ سرمایه گذاری کینزی توسط هاربرگر ، لارسن و متزلر[1] (۱۹۵۰) انجام گرفت. این مطالعات نشان می دهند که افزایش رابطه مبادله باعث افزایش درآمد واقعی می شود. این اثر رابطه مبادله به اثر HLM[2] مشهور است. مطالعات بعدی که توسط پرسون وآبستفلد۳ (۱۹۸۲)، اسکنسون[4] (۱۹۸۵)، سن و ترنوفسکی[5] (۱۹۸۹) انجام گرفت، نشان می دهند که اثر بهبود رابطه مبادله بر درآمد دائمی (اثر HLM) به دائمی یا زودگذر بودن تغییرات رابطه مبادله بستگی دارد. در مطالعه دیگری ژانگ و همکاران[6] (۲۰۰۶)، اثر رابطه مبادله بر رشد اقتصادی را به اثرات جانشینی و درآمدی تجزیه کردند و اثر درآمدی و جانشینی را مقابل همدیگر قرار دادند. به طوریکه اگر اثر درآمدی بزرگتر از اثر جانشینی باشد ، اثر افزایش رابطه مبادله بر رشد اقتصادی مثبت بوده و در صورت غلبه اثر جانشینی بر اثر درآمدی، اثر کل افزایش رابطه مبادله بر رشد اقتصادی منفی خواهد شد. در این قسمت به بررسی اثرات جانشینی و درآمدی رابطه مبادله بر رشد اقتصادی پرداخته می شود .

۲ ـ ۱: اثر جانشینی بهبود رابطه مبادله بر رشد اقتصادی

با بهبود رابطه مبادله، درآمدهای صادراتی جامعه افزایش می یابد. اگر این افزایش درآمد به واردات کالاهای مصرفی و نهایی اختصاص یابد، نه تنها تولید داخلی از جانب افزایش تقاضا برای کالاهای خارجی متضرر می شود، بلکه با افزایش تقاضا برای واردات و به تبع آن افزایش قیمت واردات ، رابطه مبادله نیز تنزل می کند و نرخ رشد اقتصادی را کاهش می دهد. این اثر جانشینی در سیستم نرخ ارز شناور تشدید می شود، زیرا در سیستم نرخ ارز شناور با افزایش رابطه مبادله و درآمدهای ناشی از صادرات، عرضه ارز در داخل افزایش و پول داخلی تقویت می شود. همین باعث افزایش تقاضای واردات و قیمت واردات می شود که افت رابطه مبادله و به تبع آن انقباض تولید را به همراه می‌آورد .

1 - Harberger, Laursen& Metzler (1950).
2 - Harberger&Laursen&Metzler (HLM).
3 - Person &Abstfeld (1982).
4 - Skonson (1985).
5 - Sen&Turnosky (1989).
6 - Zhang et al (2006).

۲ـ۲ : اثر درآمدی بهبود رابطه مبادله بر رشد اقتصادی

افزایش رابطه مبادله، درآمدهای صادراتی را افزایش می دهد. افزایش درآمد صادراتی می‌تواند باکمک به پیشرفت فنآوری و افزایش تقاضای کل حقیقی از جمله مخارج سرمایه‌گذاری و مخارج مصرفی رشد اقتصادی را ارتقا بخشد. تغییر رابطه مبادله بر اجزای تقاضای کل حقیقی تاثیر می گذارد به طوریکه شوکهای منفی رابطه مبادله از طریق کاهش تقاضای حقیقی و درنتیجه درآمد حقیقی باعث کند شدن رشد اقتصادی می شود . رابطه مبادله بر بخشهای مختلف تقاضای کل شامل مصرف و سرمایه گذاری می تواند تاثیرگذار باشد. در ادامه فرایند تاثیر گذاری رابطه مبادله بر رشد و تولید از طریق اجزای تقاضای کل حقیقی و پیشرفت فنآوری بررسی می شود :

الف) اثر بهبود رابطه مبادله بر مخارج مصرفی به عنوان جزیی از تقاضای کل

افزایش دائمی و پیش بینی نشده در رابطه مبادله باعث افزایش درآمد دائمی و جاری ناشی از صادرات می شود که با توجه به تئوریهای مصرف، سطح مصرف کل را افزایش می دهد (اسپاتافورا و وارنر،۱۹۹۹)[1]. الگوی بهینه یابی مصرف بین دوره ای مندوزا[2] (۱۹۹۹) نشان داده است که رشد مصرف از دوره ای به دوره ی دیگر با معادله زیر تعیین می شود :

(۱)

$$\frac{C_{t+1}}{C_t} = B_t^{\frac{1}{\theta}} R_t^{\frac{1}{\theta}} Z_t^{\frac{1}{\theta}}, \theta > 0$$

در این معادله مصرف C_t در دوره t ، B_t عامل تنزیل مربوط به دوره t ، B_t بازده مربوط به پس اندازی است که برای خرید کالاهای بادوام اختصاص می یابد ، Z_t ، تغییر در رابطه مبادله و θ درجه ریسک گریزی کشور است. وی بر اساس این رابطه استدلال می کند که افزایش رابطه مبادله باعث افزایش مخارج مصرفی می شود. بر اساس مطالعات تئوریکی، افزایش رابطه مبادله قدرت خرید جامعه (بخش خصوصی و دولتی) را افزایش می دهد که باعث افزایش تقاضای کل و رشد تولید می شود. به طور کلی تئوریها به ارتباط مثبت بین رابطه مبادله و رشد اقتصادی اعتقاد دارند .

ب) اثر بهبود رابطه مبادله بر سرمایه گذاری به عنوان جزیی از تقاضای کل

انباشت سرمایه فیزیکی موجب ارتقا بهره وری عوامل و تسریع مراحل رشد و توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه می شود. گریمز (۲۰۰۶) اذعان دارد که هر عاملی که باعث

1 - Spataforra& Warner (1999).
2 - Mendoza (1999).

رشد سرمایه گذاری داخلی و خارجی شود، رشد اقتصادی را به همراه خواهد داشت. وی یکی از مهمترین عوامل موثر بر سرمایه گذاری و در نتیجه سرمایه فیزیکی کشورها را رابطه مبادله آنها می‌داند. زیرا افزایش رابطه مبادله به منزله افزایش بازده و سود تولیدکنندگان می باشد و باعث افزایش در سرمایه گذاری و موجودی سرمایه کشورها می شود. بنابراین افزایش رابطه مبادله افزایش موجودی سرمایه و سطح تولید را در پی خواهد داشت. وارداتی بودن بیشتر کالاهای سرمایه‌ای بویژه در کشورهای در حال توسعه باعث شده است که بوسیله تغییرات رابطه مبادله سرمایه گذاری نیز دچار تغییرات شود. بطوریکه افزایش رابطه مبادله (کاهش نسبی قیمت واردات) بیانگر کاهش قیمت سرمایه بوده و باعث افزایش سرمایه گذاری می‌شود. در مقابل این نظریه اسپاتافورا و وارنر (۱۹۹۹) ادعای مبهم بودن اثر رابطه مبادله بر سرمایه گذاری را دارند. زیرا معتقد به تولید کالاهای سرمایه ای در داخل هستند. این نظریه بیشتر برای کشورهای صنعتی شده مقبول است زیرا آنها، خود به عنوان رهبران فنآوری جهان همواره در جهت تولید کالاهای سرمایه ای پیشرفته تر عمل کرده اند. با در نظر گرفتن اینکه کشورهای در حال توسعه برای پر کردن شکاف علمی فنآوری خود با کشورهای صنعتی، همواره از واردات کالاهای سرمایه‌ای از کشورهای صنعتی شده بهره‌مند می‌شوند، نظریه اشمیت ـ هیل و سرون (۱۹۹۳) برای کشورهای در حال توسعه سازگار و صحیح‌تر به نظر می رسد.

ج) اثر بهبود رابطه مبادله بر پیشرفت فنآوری

بهبود رابطه مبادله می تواند موجب پیشرفت فنآوری شده و سطح بهره‌وری را افزایش دهد زیرا افزایش رابطه مبادله از طریق افزایش درآمدهای صادراتی این امکان را فراهم می‌نماید که کالاها و خدمات ـ از جمله کالاها و تجهیزات واسطه ای با بهره وری بالا و فنآوری پیشرفته بیشتری وارد کشور شوند. ورود این تجهیزات و بکارگیری آنها در تولید داخلی از یک سو باعث افزایش بهره‌وری عامل سرمایه در فرآیند تولید می شود و از سوی دیگر امکان دستیابی به فنآوری نهفته در این تجهیزات را فراهم نموده و باعث ارتقا سطح فنآوری تولید می شود. درباره اثر رابطه مبادله بر رشد فنآوری، برونو و ساکس[1] (۱۹۸۵) معتقدند که تغییر دو رابطه مبادله همانند تغییر فنآوری خنثی (میکسی) باعث افزایش تولید می شود و موریسون و دیورت[2] (۱۹۸۶) در این باره اذعان می دارند که افزایش رابطه مبادله مانند پیشرفت فنآوری موجب افزایش محصول به ازای هر سطح معین از نهاده ها می شود و افت رابطه مبادله نیز باعث کاهش بهره وری می شود. شاید علت این امر آن است که رشد رابطه مبادله خود باعث پیشرفت فنآوری می شود.

1 - Bruno & Sachs (1985)
2 - Diewert&Morrisson (1986)

به دلیل نقش گسترده منابع طبیعی در رشد و توسعه اقتصاد جوامع برخوردار از منابع طبیعی ، زمینه پیدایش تئوریهای مخصوص کشورهای برخوردار از منابع طبیعی فراهم شده است. در زیر تئوریهای اثر رابطه مبادله بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه دارای منابع طبیعی بررسی می شود .

۲ ـ ۳ ـ اثر بهبود رابطه مبادله بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه برخوردار از منابع طبیعی

در حالت کلی در مورد ارتباط رابطه مبادله و رشد اقتصادی دو دسته تئوری وجود دارد . دسته اول، نظریه هایی هستند که در قالب بلای منابع طبیعی[1] بیانگر ارتباط منفی بین شوکهای مثبت رابطه مبادله و رشد اقتصادی هستند. دلایل مختلفی در تشریح تاثیر منفی بهبود رابطه مبادله بر رشد اقتصادی از سوی اقتصاددانان ارائه شده است. کروگر[2] (۱۹۷۴) علت اصلی این امر را وجود پدیده رانت جویی در کشورهای برخوردار از منابع طبیعی می داند. به عقیده وی با افزایش رابطه مبادله ودرآمدهای ناشی ازآن،پدیده رانت‌جویی نیز تشدید می شود و مانع رشد اقتصادی می‌شود. دلیل دیگر تاثیر منفی رابطه مبادله بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه عدم وجود قوانین مربوط به حق مالکیت است که عواید ناشی از افزایش رابطه مبادله را در شکل قرار سرمایه نصیب کشورهای پیشرفته می کند . البته در انتقال سرمایه از کشورهای صاحب منابع کمبود سرمایه انسانی متخصص در این جوامع به عنوان عامل مکمل داخلی ، نقش زیادی دارد . بطوری که افزایش درآمدهای ارزی به راحتی صرف سرمایه‌گذاری نمی‌شود و منتهی به واردات کالاهای مصرفی می شود و درآمد و سرمایه را به کشورهای صنعتی منتقل می کنند. ابتلای کشورهای دارای منابع طبیعی به بیماری هلندی، یکی دیگر از دلایل مهم در تاثیرگذاری منفی رابطه مبادله بر رشد اقتصادی است. با وجود اینکه در کشورهای صادر کننده نفت، افزایش جهانی قیمت نفت و سایر منابع طبیعی باعث افزایش رابطه مبادله و درآمد ناشی از صادرات این نوع مواد می شود، اما مسلما این افزایش درآمدها باعث افزایش تقاضا در بخش غیرقابل مبادله (برای مثال بخش ساختمان) این کشورها می شود. این موجب انتقال نیروی کار از سایر بخش‌ها به بخش غیرقابل مبادله و باعث کاهش اشتغال در بخش قابل تجارت می شود. در نتیجه رشد اقتصادی کشورهای صاحب منابع طبیعی را مختل می کند و باعث ایجاد بیماری هلندی می شود . در مقابل این تئوریها، تئوریهای دسته دوم تاثیر مثبت رابطه مبادله بر رشد اقتصادی کشورهای برخوردار از منابع طبیعی را بدین صورت توجیه می کنند که با توجه به اینکه ریشه اصلی رشد و توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه از واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای نشأت می گیرد، افزایش رابطه مبادله با ارزان تر کردن قیمت نسبی واردات باعث گسترش واردات و در

1 - Resource Cures.
2 - Kruger (1974).

نتیجه تولیدات این کشورها می شود. کوس و رایزمن (۲۰۰۱) با استفاده از یک الگوی رشد پویای دو بخشی نشان داده اند که در کشورهای در حال توسعه که از نهاده های وارداتی در هر دو بخش تولیدی و غیر تولیدی استفاده می نمایند شوکهای رابطه مبادله تاثیر مستقیم بر روی محصول دارد. باسو و مک لئود[1] (۱۹۹۲) با گسترش مدل فوق نشان داده اند که گرانتر شدن نهاده های وارداتی (کاهش رابطه مبادله) باعث کاهش کارایی و محصول این کشورها می شود. به کمک دسته دوم تئوریها انتظار افزایش تولید درکشورهای درحال توسعه باافزایش واردات ناشی ازبهبودرابطه مبادله منطقی‌تر به نظر می رسد .

مدل تجربی ارائه شده در بخش چهارم، حاصل نتیجه‌گیری از بحث‌های مبانی نظری فوق است. بطوریکه در کنار متغیر رابطه مبادله سایر متغیرهای دخیل در مدل، بر اساس پیش بینی‌های مبانی تئوریکی وارد الگو شده است. تمام نظریه های مربوط به تاثیر گذاری رابطه مبادله بر سطح تولید و همچنین تئوریهای خاص کشورهای در حال توسعه برخوردار از منابع طبیعی، درجه باز بودن اقتصاد و نرخ رشد سرمایه گذاری را عامل اصلی افزایش تولید کشورها بویژه در کشورهای در حال توسعه می دانند. یافته های نظری و تجربی باسو و مک لئود (۱۹۹۲) و کوس و رایزمن(۲۰۰۱) نشان می دهد که منشا اصلی رشد کشورهای برخوردار از منابع طبیعی، ناشی از واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای است. همچنین نرخ تورم در این کشورها می تواند عاملی برای مشوق سرمایه گذاری به حساب آید. هر سه متغیر استحکام کننده مدل هستند .

۳ - مروری بر مطالعات تجربی

مطالعات داخلی انجام گرفته در زمینه رابطه مبادله و تولید اندک بوده و بررسی سابقه پژوهش بیانگر این است که مطالعه مستقیمی پیرامون تأثیر رابطه مبادله بر سطح تولید ناخالص داخلی بدون نفت ایران ، در داخل کشور صورت نگرفته است. در این بخش مهمترین مطالعات تجربی صورت گرفته در این زمینه ارائه شده است :

مورلی[2] (۱۹۹۲)، با استفاده از روش داده های تابلویی به این نتیجه رسیده است که در کشورهای در حال توسعه رابطه مبادله تاثیر مثبت و معنی داری بر سرمایه گذاری و تولید دارد . وارنر (۱۹۹۲)، در بررسی این سوال که آیا بحران بدهی بین المللی (از سال ۱۹۸۲ آغاز شد) دلیل کاهش سرمایه گذاری و افت رشد اقتصادی در ۱٤ کشور با بدهی بالا می باشد، به این نتیجه رسیده است که علت اصلی افت سرمایه گذاری کاهش قیمت صادرات و افزایش نرخ بهره جهانی می باشد. این نتیجه نشان دهنده اهمیت رابطه مبادله در تابع سرمایه گذاری و در نتیجه رشد اقتصادی می باشد. باسو و مک لئود (۱۹۹۲) هم نشان داده اند که افزایش رابطه مبادله از

1 - Basu&Mcleod (1992)
2 - Morley (1992)

طریق افزایش وارداتکالاهای سرمایه ای و انتقال فنآوری، تاثیر مثبت قابل توجهی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه آمریکای لاتین دارد .

اسپاتافورا و وارنر(۱۹۹۹)، با استفاده از داده های ۱۸ کشور صادرکننده نفت در فاصله سالهای ۱۹٦۵ تا ۱۹۸۹ به بررسی اثر شوکهای رابطه مبادله بر متغیرهای کلان از جمله تولید ناخالص پرداخته اند. براساس نتایج این مطالعه رابطه مبادله بر نرخ ارز واقعی، پس‌انداز ، تراز تجاری ، رشد تولید ناخالص داخلی، ارزش افزوده بخش نفت تاثیر منفی و بر متغیرهایی چون مصرف خصوصی و دولتی، سرمایه گذاری و ارزش افزوده بخش غیر نفتی تاثیر مثبت دارد .

بلینی و گرینوی[1] (۲۰۰۱) ، اثر رشد رابطه مبادله و نوسانات نرخ واقعی ارز را بر سرمایه گذاری و رشد اقتصادی ۱٤ کشور آفریقایی در دوره ۱۹۸۰ ـ ۱۹۹۵ مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده اند که افزایش رابطه مبادله بر رشد و سرمایه گذاری تاثیر مثبت دارد. تارنوفسکی و چاتوپادیای[2] (۲۰۰۳) ، در یک مطالعه بین کشوری در میان ٦۱ کشور در حال توسعه و در طی سالهای ۱۹۷۵ ـ ۱۹۹۲ ، به این نتیجه رسیدند که رشد رابطه مبادله اثر مثبت و ضعیفی بر رشد اقتصادی دارد. هاداس و ویلیامسون[3] (۲۰۰۳)، نشان دادند که افزایش رابطه مبادله کشورهای صادرکننده مواد اولیه در بین سالهای ۱۸۷۰ و جنگ جهانی دوم تاثیر منفی بر رشد اقتصادی این کشورها داشته است .

یاوری و سلمانی (۱۳۸٤) در یک مطالعه بین کشوری با تخمین مدل رشد برای کشورهای صادر کننده نفت به صورت ضمنی و غیر مستقیم به این نتیجه رسیدند که رابطه مبادله تاثیری مثبت و معنی دار بر رشد اقتصادی این کشورها دارد .

بکر و مائورو[4] (۲۰۰٦)، با استفاده از الگوی پروبیت در نمونه ای شامل کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته طی دوره ۱۹۷۰-۲۰۰۱ به بررسی اثر شوکهای منفی رابطه مبادله بر رشد اقتصادی بلندمدت پرداخته اند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که کاهش ده درصدی رابطه مبادله منجر به کاهش رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه به اندازه ۲/۸ می شود. در همان سال برگ و همکاران[5] (۲۰۰٦)، در نمونه ای شامل ۱٤۰ کشور نشان دادند که افزایش رابطه مبادله به اندازه یک درصد منجر به کاهش ۳ درصدی رشد اقتصادی می شود. جرزمانوفسکی[6] (۲۰۰٦)، در مطالعه ای برای ۸۹ کشور طی دوره ۱۹٦۲-۱۹۹٤، نشان داده است که اثر منفی رابطه مبادله بر رشد اقتصادی شدیدا به عملکرد نهادهای جامعه وابسته است به گونه ای که عملکرد ضعیف نهادها باعث تشدید اثر منفی شوکهای رابطه مبادله بر رشد می شود .

1 - Bleaney& Greenway (2001).
2 - Turnovsky&Chattopadhyay (2003).
3 - Hadass& Williamson (2003).
4 - Becker & Mauro (2006).
5 - Berg, Ostry, and Zettelmeye (2006).
6 - Jerzmanowski (2006).

کوبونتوا[1](۲۰۰۷)، به بررسی اثر تغییر رابطه مبادله روسیه بر رشد تولید ناخالص ملی این کشور پرداخته و به این نتیجه رسیده است که افزایش ناگهانی رشد اقتصادی این کشور طی دوره ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۶ در کنار افزایش بهره وری کل عوامل ناشی از افزایش قیمت جهانی نفت و گاز در نتیجه رشد رابطه مبادله این کشور بوده است .

بلاتمن، هوانگ و ویلیامسون[2] (۲۰۰۷)، نشان دادند که یکی از دلایل اصلی تفاوت درآمد سرانه کشورها اختلاف آنها از لحاظ ثبات رابطه مبادله می باشد. آنها با تخمین مدل رشد برای کشورهای مختلف در فاصله سالهای ۱۹۳۹-۱۸۷۰، نشان دادند که نوسانات رابطه مبادله از طریق کاهش سرمایه گذاری تاثیر منفی بر رشد اقتصادی دارد. هوک تسن ونگ[3] (۲۰۰۹) هم در یک مطالعه موردی برای کشور کره و ژاپن با استفاده از روش همگرایی جوهانسن و جوسیلیوس و تجزیه واریانس، به این نتیجه رسیده است که نرخ رشد رابطه مبادله، تاثیر مثبت ولی غیرمعنی دار بر رشد اقتصادی این کشورها دارد، درحالی که تاثیر نوسانات رابطه مبادله بر تولید سرانه این دو کشور منفی است .

کازرونی و سجودی (۱۳۸۸)، با داده های سری زمانی ایران طی دوره ۱۳٤٦ ـ ۱۳۸۵به روش همجمعی خود رگرسیون با وقفه های گسترده (ARDL) اثر بی ثباتی رابطه مبادله را بر رشد اقتصادی ایران بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که بی ثباتی رابطه مبادله در بلندمدت تاثیر منفی بر رشد اقتصادی ایران دارد .

در جمع‌بندی مطالعات انجام شده می‌توان بیان کرد که در مطالعات داخلی به صورت مستقیم تاثیر رابطه مبادله تجاری بر تولید بدون نفت ایران بررسی نشده است. در مطالعات صورت گرفته به طور ضمنی به تاثیر رابطه مبادله بر رشد اقتصادی اشاره شده است. لذا وجه تمایز این مطالعه با سایر مطالعات صورت گرفته در بررسی تاثیر مستقیم رابطه مبادله بر تولید ناخالص داخلی بدون نفت ایران می باشد .

٤ ـ روش شناسی تحقیق

در این بخش به معرفی مدل تحقیق، پایگاه اطلاعات آماری و تکنیک‌های تخمین مدل پرداخته می‌شود .

٤ـ۱ـ معرفی مدل و پایگاه داده‌های آماری

الگوی پایه در بیشتر مطالعات تجربی به شکل زیر می باشد :

1 - Kubontwa (2007).
2 - Blatman, Hwang &Wiggiamson (2007).
3 - Hock TsenWong (2009).

(۲)

$$GGDP_t = \beta_0 + \beta_1 TOT_t + X_t + U_t$$

که در آن GGDP نرخ رشد تولید ناخالص سرانه حقیقی و TOT رابطه مبادله بوده و X سایر متغیرهای موثر بر رشد از قبیل صادرات، سرمایه گذاری، تورم، مخارج دولت، نرخ ارز درجه باز بودن اقتصاد و... می باشد. در اینتحقیق با توجه به مطالعات بارو[1] (۱۹۹۵) و بلتمن وهمکاران[2] (۲۰۰۷) و مبانی نظری ارائه شده، برای اقتصاد ایران (برخوردار از منابع طبیعی) الگوی اقتصادسنجی خطی ـ لگاریتمی به صورت زیر استفاده می شود :

(۳)

$$GDP_t = \beta_0 + \beta_1 TOT_t + \beta_2 INV_t + \beta_3 INF_t + \beta_4 OPENNESS_t + U_t$$

به طوری که :

GDP : لگاریتم طبیعی تولید ناخالص داخلی بدون نفت ایران به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶درسال t است که به عنوان معیار تولید بدون نفت اقتصاد ایران استفاده شده است .

TOT لگاریتم طبیعی رابطه مبادله تهاتری (پایاپای) خالص کشور بر اساسسال پایه ۱۳۷۶ است که برای آزمون اثر رابطه مبادله بر تولید بدون نفت وارد الگو شده است و به صورت نسبت زیر بیان می شود :

(٤)

$$TOT_n = \frac{p_x}{p_m} \times 100$$

در رابطه فوق TOT_n رابطه مبادله تهاتری خالص به شکل درصد ، P_x شاخص قیمت کالاهای صادراتی و P_m شاخص قیمت کالاهای وارداتی است. افزایش رابطه مبادله خالص به منزله افزایش قیمت نسبی صادرات و یا کاهش نسبی قیمت واردات می باشد که باعث افزایش درآمد کشورها و جابجایی درآمد بین جوامع می شود.[3]

INV : لگاریتم طبیعی سرمایه گذاری ناخالص داخلی بر اساس قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ است. سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی یکی از متغیرهای مهم و اساسی است که اغلب برای توضیح رشد اقتصادی در مدل های رشد وارد می شود و در این الگو نیز برای استحکام مدل وارد الگوی مورد مطالعه شده است .

1 - Barro (1995)
2 - Blatman and et al(2007)
۳ ـ چهار نوع رابطه مبادله مختلف وجود دارد که هریک از انواع رابطه مبادله می تواند به عنوان شاخص رابطه مبادله مورد استفاده قرار گیرد با توجه به اینکه در اکثر مطالعات تجربی از رابطه مبادله خالص استفاده شده، در این مطالعه نیز از این رویه پیروی می شود. برای مطالعه دقیق انواع رابطه مبادله به بلتمن۲۰۰۷ رجوع شود .

INF : لگاریتم طبیعی نرخ تورم شاخص قیمت مصرف کننده (CPI)براساس سال پایه ۱۳۷۶است .

OPENNESS : لگاریتم طبیعی درجه باز بودن اقتصاد است که از مجموع صادرات و واردات بر تولید ناخالص داخلی بدستمی آید. درجه باز بودن اقتصاد برای استحکام مدل وارد الگو شده است.U نیز جزء خطای مدل است .

لازم به ذکر است که کلیه داده های آماری مرتبط با مدل تحقیق، از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استخراج گردیده است .

٤ ـ ۳ ـ روش تخمین مدل

در این مطالعه برای برآورد مدل مورد مطالعه از روش همجمعی الگوی خود توضیح با وقفه های گسترده (ARDL)[1] استفاده می شود. دلیل انتخاب این روش برای بررسی رابطه همجمعی بین متغیرها، مزیت های این روش نسبت به سایر روش های همجمعی است. مهمترین مزیت این روش، قابلیت استفاده از آن برای بررسی روابط بین متغیرها صرف نظر از مانا بودن یا نبودن آنها است. همچنین روش ARDL با در نظر گرفتن پویایی های کوتاه مدت در هر دوره در حجم نمونه های کوچک هم ضرایب بدون تورش و نتایج قابل اعتمادی را ارائه می دهد . در ادامه برای بررسی وجود رابطه همجمعی بین متغیرهای مدل، از آزمون t روش بنرجی دولادو و مستر[2] (۱۹۹۲)استفاده می شود[3]. در این روش اگر مجموع ضرایب متغیر وابسته در رابطه ۵ کوچکتر از یک باشد، رابطه کوتاه مدت به تعادل بلندمدت حرکت خواهد کرد.

(۵)

$$y_t = \alpha_0 + \sum_{i=0}^{q_1} \gamma_i x_{1t-i} + \sum_{i=0}^{q_2} \gamma_i x_{2t-i} + \cdots + \sum_{i=0}^{q_z} \gamma_{ni} x_{nt-i} + \sum_{j=1}^{p} \alpha_j y_{t-j} + u_t$$

باتوجه به کوچک بودن‌دوره زمانی مطالعه (کمتر از ۱۰۰ مشاهده)، در رابطه فوق وقفه های بهینه با معیار اطلاعاتی شوارتز ـ بیزین (SBIC)[4]تعیین شده است. بنرجی، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه تعادلی را با آماره t زیر آزمون می کند :

(٦)

$$t = \frac{\sum_{i=1}^{p} \alpha_{i-1}}{\sum_{i=1}^{p} S_{\alpha_i}}$$

1 - Auto-Regressive Distributed Lag (ARDL)
2 - Banerjee, Dolado&Mestere, 1992
۳ ـ برای مطالعه دقیق این روش به کتاب محمد توفرسی (۱۳۷۸) مراجعه شود.
4 - Schwarz Bayesian Information Criterion (SBIC)

۵ ـ نتایج تجربی

در این بخش نتایج تجربی مربوط به آزمون همجمعی بنرجی و بردار همجمعی برآورد شده (بردار ضرایب بلندمدت) به روش ARDL ارئه می شود .

نتایج آزمون های ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته (ADF)[1] و فیلیپس پرون (PP)[2] برای سطح و تفاضل اول متغیرهای مدل، بیان گر وجود متغیرهای I(1) و I(0) در مدل است. هرچند که، در روش ARDL نیاز چندانی برای بررسی مانایی متغیرها وجود ندارد (نوفرستی، ۱۳۷۸). آماره آزمون t بنرجی محاسبه شده با رابطه ٦، برابر با ۳.۹۹۲۸۵- شده است. مقدار بحرانی ارائه شده توسط بنرجی، دولادو و مستر در سطح اطمینان ۹۵٪ برابر با ۳.۸۲- می باشد که از آماره t کوچکتر می باشد. بنابراین فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه تعادلی بین متغیرهای الگو به نفع پذیرش فرضیه مقابل مبنی بر وجود رابطه تعادلی بلندمدت در الگو، رد می شود. در نتیجه یک رابطه تعادلی بلندمدت در مدل وجود دارد. در جدول زیر بردار همجمعی برآورد شده به روش ARDL ، آورده شده است :

جدول ۱ : بردار ضرایب بلندمدت مدل

متغیر	ضریب متغیر	انحراف معیار	مقدار آماره t	ارزش احتمال
TOT	0.3103***	0.06375	4.8674	0.000
INV	0.4534***	0.034337	13.2063	0.000
INF	-0.4319**	0.15484	-2.79	0.011
OPENNESS	0.4487**	0.20373	2.2025	0.037

منبع : یافته های تحقیق ** معنی داری در سطح5% *** معنی داری در سطح 1%

نتایج تخمین رابطه بلندمدت در جدول ۱ نشان می دهد که :

- ضریب بلندمدت متغیر رابطه مبادله TOT برابر ۰.۳۱۰۳ و در سطح یک درصد معنی دار است. با این نتیجه رابطه مثبت و معنی دار رابطه مبادله با تولید ناخالص داخلی بدون نفت در ایران تایید می شود. به طوریکه به ازای افزایش یک درصد رابطه مبادله، تولید ناخالص داخلی بدون نفت در ایران به اندازه ۰.۳۱ درصد افزایش می یابد. این نشان می دهد که در اقتصاد ایران، اثر درآمدی تغییر رابطه مبادله بر اثر جانشینی غلبه کرده (تقسیم بندی ژانگ برای اثر رابطه مبادله بر رشد) و در کل تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی آنها دارد. بنابراین افزایش درآمدهای ناشی از

1 - Augmented Dickey - Fuller Test
2 - Philips &Perron.

بهبود رابطه مبادله منجر به افزایش تولیدات بدون نفت در ایران (برخوردار از منابع طبیعی) می‌شود . این نتیجه با یافته های طرفداران دسته دوم تئوری های کشورهای دارای منابع طبیعی مطابقت دارد .

- ضریب بلند مدت متغیر سرمایه گذاری INV معادل ۰.٤٥ است. تاثیر مثبت و معنی دار سرمایه گذاری ناخالص داخلی بر تولید بدون نفت ایران در سطح ۱٪ هم تایید می شود. افزایش یک درصدی نرخ رشد سرمایه گذاری می تواند تولید ناخالص داخلی بدون نفت را به میزان ۰.٤٥ درصد افزایش دهد .
- ضریب بلندمدت متغیر نرخ تورم INF معادل ۰.٤۳- است و تاثیر منفی و معنی دار این متغیر بر نرخ رشد اقتصادی منطقه منا در سطح ٥ درصد تایید می شود. اگرچه رشد قیمتها می تواند مشوقی برای افزایش سرمایه گذاری محسوب شود ولی رشد شدید قیمتها باعث اختلال در سیستم اقتصادی شده و منجر به فعالیت های سوداگرانه می شود. این عوامل در کنار عوامل دیگر باعث کند شدن رشد اقتصادی می شود .
- ضریب متغیر درجه باز بودن اقتصاد (OPENNESS) معادل ۰.٤٤ است. تاثیر مثبت این ضریب در سطح ٥ درصد معنی دار می باشد. این نتیجه با نتایج تجربی مطالعات داخلی خارجی و همچنین تئوری های مربوطه سازگاری دارد .
- به منظور تعیین ضریب سرعت تعدیل خطای مدل و پویایی کوتاه مدت، نتایج تخمین الگوی تصحیح خطا (ECM) در جدول ۲ ارائه شده است :

جدول ۲: نتایج برآورد مدل تصحیح خطا (ECM)

متغیر وابسته dLGDP		
متغیر توضیحی	ضریب متغیر	مقدار آماره t
dLTOT	- 0.0532*	-1.7944
dLTOT1	0.018	0.7597
dLTOT2	- 0.07872***	-3.6314
dLCPI	- 0.044***	-4.812
dLINV	0.2225***	-4.8123
dLOPENNESS	0.643**	2.7410
Ecm (-1)	- 0.1033	-3.6053

منبع : یافته های تحقیق *معنی داری در سطح 10% **معنی داری در سطح5% ***معنی داری در سطح 1%

با توجه جدول فوق ملاحظه می شود که، ضریب تعدیل خطای کوتاه مدت برابر با ۰.۱- می باشد که در سطح یک درصد معنی دار می باشد و در هر دوره ای خطای تعادلی کوتاه مدت معادل این ضریب تعدیل می شود. اما با توجه به کوچک بودن ضریب تعدیل، سرعت حرکت مدل به سمت تعادل بلندمدت نسبتا پایین است .

در ضمن با انجام آزمون های مربوط به نرمال بودن اجزا اخلال و هم بستگی سریالی آنها مشخص شد که اجزا اخلال به صورت نرمال و مستقل از هم توزیع شده اند .

۶ـ نتیجه گیری و ارائه توصیه های سیاستی

در این مطالعه ، اثر رابطه مبادله بر تولید ناخالص داخلی بدون نفت ایران در طی دوره زمانی ۱۳۵۰تا ۱۳۸۸ بررسی شد . در این راستا ، نتیجه آزمون t بنرجی ، دولادو و مستر در قالب الگوی خود توضیح با وقفه های گسترده (ARDL)، وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای الگو را اثبات کرد. نتایج تجربی بردار بلندمدت حاصل از روش ARDL حاکی از تاثیر مثبت رابطه مبادله بر سطح تولید ناخالص داخلی بدون نفت در ایران است.در بلندمدت افزایش یک درصدی رابطه مبادله ، تولید ناخالص داخلی بدون نفت را به میزان ۰.۳۱درصد افزایش می دهد . یافته های این تحقیق، به منزله رد فرضیه بلای منابع طبیعی بوده و تاییدی بر تئوریهای دسته دوم اقتصاددانان توسعه مبنی بر اثر مثبت رابطه مبادله بر رشد اقتصادی است که با نتیجه‌گیریهای تجربی افرادی مانند باسو و مک لئود (۱۹۹۲)، کوس رایزمن(۲۰۰۱)، بلینی و گرینوی (۲۰۰۱)، چاتوپادیای (۲۰۰۳)، بکر و مائورو (۲۰۰۶) و بلتمن و همکاران (۲۰۰۷) مطابقت دارد. البته اقتصاددانانی مانند تارنوفسکی و چاتوپادیای (۲۰۰۳) اثر مثبت رابطه مبادله بر رشد اقتصادی را ضعیف برآورد کرده اند و اعتقاد بر ضعیف بودن اثر مثبت رابطه مبادله بر رشد

اقتصادی کشورهای در حال توسعه دارند. پیشنهادات سیاست گذاری برای ایران ، این است که ایران می تواند از بهبود رابطه مبادله در جهت رشد و توسعه اقتصادی منتفع شده و بهره گیری نماید، بطوریکه از طریق گسترش صادرات(افزایش درآمدهای ارزی)، مبادرت به افزایش واردات کالاهای سرمایه ای تکنولوژی براز کشورهای صنعتی نمایند؛ تا علاوه بر ارتقا بهره وری و رشد ناشی از تاثیر مستقیم بکارگیری فنآوری های جدیدتر، از تاثیر غیرمستقیم آن (یادگیری علم و فنون نهفته در فنآوری خارجی، بومی سازی و جذب فنآوری خارجی) نیز برای رشد شاخه های علم و فناوری در داخل کمک بگیرد؛چنین رشدی می تواند منجر به توسعه اقتصادی شود. البته مدیریت سالم و کاراتر درآمدهای نفتی و منابع طبیعی در جهت سرمایه گذاری های استراتژیک و جلوگیری از اتلاف منابع و رانت جویی های کلان،می تواند تاثیر مثبت بهبود رابطه مبادله بر سطح تولید و ارتقا بهره وری را تسریع نماید .

منابع و مآخذ

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، اداره بررسی های اقتصادی .

۲. خدا ویسی، حسن و قره‌باغیان، مرتضی(۱۳۷٦) ـ « بررسی بیماری هلندی در اقتصاد ایران » مدرس ـ دوره دوم ـ شماره ۲ ـ صص ۲۰ ـ ۳۸ .

۳. رحیمی بروجردی ، علی رضا (۱۳۷٤) ـ « روابط تجاری و بین المللی معاصر : تئوریها و سیاستها » ـ مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی ـ تهران .

٤. ممی پور، سیاب (۱۳۸٦) ـ « بررسی وفور منابع طبیعی، سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در کشورهای صادر کننده نفت » ـ دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز ـ صص ۸٦ ـ ۸۹ .

۵. کازرونی، علیرضا و سجودی، سکینه (۱۳۷۸) ـ « بررسی بی ثباتی رابطه مبادله بر رشد اقتصادی ایران » ـ تحقیقات اقتصادی ـ شماره ۹۰ ـ صص ۱۱۹ ـ ۱۳۹ .

٦. نوفرستی، محمد (۱۳۷۸). ریشه واحد و همجمعی در اقتصادسنجی، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم، تهران.

۷. یاوری ، کاظم ، سلمانی، بهزاد (۱۳۸٤) ـ « رشد اقتصادی در کشورهای دارای منابع طبیعی مورد کشورهای صادر کننده نفت » ـ ، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی ـ شماره ۳۷ ـ صص ۱ ـ ۲٤ .

8. Barro, R.J.,Lee, J.(1993), Internatinal Comparisons of Educational Attainment, Journa of Monetary Economics,Vol.32,pp.363-394.
9. Barro, RjSala-i-Martin, X.(1995) Economic Growth, McGraw-Hill,New York.
10. Basu,P. and D. Mcleod(1985), Terms of Trade Fluctuations and Economic growth in Developing Economies, Journal of Development Economics, vol 37,pp.89-110.
11. Baltagi, B. H. (2005). Econometric analysis of panel data. Jon Wikey & Sons New York.
12. Blattman, C., Hawang, J., & Williamson, J. (2004), The Impact of the Terms of Trade on Economic Development in the Periphery, 1870 - 1939: Volatility and Secular Change, NBER Working Paper, No. 10600, Cambridge, MA: NBER.
13. Blattman, C., Hwang, J., (2007), Winners and Losers in the Commodi Lottery : The Impact of Terms of Trade Growth and avaolatility in the Periphery 1870-1939, Journal of Development Economics, Issue 1,pp.156.
14. Grimes, Arthur(2006), A Smooth Ride: Terms of Trade, Volatility and GDP Growth, Journal of Asian Economics, Vol. 17 ,pp. 583-600.

15. Harberger, A.(1950), Currency Depreciation, Income, and the Balance of Trade, Journal of Political Economy, vol .58 ,pp47-56.
16. Mark, N., and Sul, D. 2003. Cointegration Vector Estimation by panel DOLS and Long run Money Demand, Oxford Bulletin of Economics and Statistics, 65, 5 (2003) 0305-9049.
17. Mendoza, E. (1997), Terms- of-Trade Uncertainty and Economic Growth, Journal of Development Economics, Vol. 54, pp.323-356.
18. Morely, S.(1992), On the Effect of Devaluation During Stabilization programs in LDSs, Review of Economics and Statistics, vol.7421-27.
19. Schidt-Hebbel, K. and L. Serven (1993), Dynamic Responses to External Shoks in Classical and Keynesian Economies, World Bank, Mimeo.
20. Sen, P., Turnovsky, S. T.(1989), Deterioration of the Terms of Trade and Capital Accumulation: A ReExamination of the Laursen-Metzler Effect, Journal of International Economics, Vol 26,pp.227-250.
21. Singer, H.W.(1950), The Distribution of Gains Between Investing and Borrowing Countries, American Economic Review, vol 40,pp.473-485.
22. Spatafora&Warner(1999), Macroeconomic and Sectoral Effects of Terrms of Trade Shocks: The Experience of the Oil Exporting Developing Countries, IMF Working Papoer, WP/99/134.
23. Turnovsky, S.j., &Chattopadhyay, P.(2003),Volatility and Growth in Developing Economies: Some Numerical Results and Emperical Evidence, Journal of International Economics, vol 59, pp.267-295.
24. Warner, A.(1994), Mexicos Investment Collapse: Dept or Oil?, Journal of Internatinal Money and Finance, Vol. 13, pp.239-56.
25. Wong, Hock Tsen(2009), Terms of Trade and economic growth in Japan and Korea : an empirical analysis , Empir Econ, pp.1-20.
26. Zhang,Mark, Stuart Gourley and Franklin Soria(2006), Analysing the Terms of Trade Effect on GDP and Employment in the Presence of Low Real unit Labour Costs, Productivity perspectives 2006 Conference, 23 March 2006, Hyatt Hotel, Canberra, Astralia.

سنجش اثرات سیاست‌ها و متغیرهای پولی بر توسعه صادرات غیرنفتی در ایران

محمد کاوسی کلاشمی[1] ـ محمد خداوردیزاده[2]
هادی تیز هوش تابان[3] ـ حسین کاوسی[4]

مقدمه

درآمدهای حاصل از نفت و فرآورده‌های آن همواره دستخوش تغییر و ناپایداری بوده است. وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای حاصل از فروش نفت خام و محدود بودن ذخایر نفتی چرخش به سمت اقتصاد چند محصولی در صادرات را محور تلاش‌های دولتمردان در سال‌های اخیر نموده است . تحقق این امر مستلزم شناخت فرصت‌های موجود در صادرات غیرنفتی و عملیاتی نمودن آن می‌باشد . توسعه صادرات غیرنفتی، علاوه بر افزایش درآمدهای ارزی و بهبود تراز پرداخت‌ها، می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر اشتغال در کشور بگذارد . به منظور رشد و توسعه صادرات غیرنفتی در بلندمدت باید اتخاذ سیاست‌های پایه‌ای و بنیادی مد نظر برنامه‌ریزان قرار گیرد . در این راستا، در ماده ۳۳ فصل دوم سند برنامه چهارم توسعه ، هدف‌گذاری برای تحقق صادرات غیرنفتی ۵۲۸۶۳ میلیون دلاری و دستیابی به رشد متوسط ۱۰/۷ درصدی در طول این برنامه در دستور کار دولت قرار گرفت. درصد تحقق صادرات غیرنفتی طی چهار برنامه توسعه بعد از پیروزی انقلاب به ترتیب برابر با ٦٦، ۵۸، ۹۲ و ۱٤۹ درصد بوده و تنها در برنامه چهارم توسعه، بیش از هدف‌گذاری صورت گرفته عملکرد وجود داشته است .

در طول برنامه چهارم توسعه، بیشترین درصد تحقق صادرات غیرنفتی با احتساب میعانات گازی مربوط به سال ۱۳۸۷ و معادل با ۲۰۱ درصد و کمترین مقدار مربوط به سال ۱۳۸٤ و معادل با ۱۲۹ درصد می‌باشد. از سوی دیگر، بیشترین درصد تحقق صادرات غیرنفتی بدون احتساب میعانات گازی مربوط به سال ۱۳۸۸ (۱٦٦/٤ درصد) و کمترین مقدار مربوط به سال ۱۳۸٤ (۱۲۹ درصد) است. در این بین، شاید نکته کلیدی هماهنگی و انتخاب سیاست‌های بهینه پولی و مالی با سیاست‌های راهبردی تجاری به منظور تحقق این آرمان بوده، که در بند « ک » ماده ۳۳ سند برنامه چهارم به درستی به آن اشاره شده است. ارتباط بین سیاست‌های پولی و مالی و راهبردهای

---

۱ ـ دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی ، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی ، دانشگاه تهران
۲ ـ دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس
۳ ـ رئیس اتاق بازرگانی گیلان
۴ ـ مدرس دانشگاه صنعت آب و برق و مدیر کل هماهنگی و امور اقتصادی استانداری گیلان

تجاری به چگونگی اثرگذاری این سیاست‌ها بر سامانه تولید ، قیمت کالای صادراتی و قیمت کالای وارداتی بر می‌گردد . به اعتقاد بسیاری از صاحبنظران ، مهمترین مؤلفه‌های حاصل از بسته‌های سیاستی یادشده، تورم و نرخ ارز بوده که اثر قابل توجهی بر صادرات و به ویژه صادرات غیرنفتی دارند. به بیان دیگر، نقش عوامل تأثیرگذار قیمتی بر صادرات غیرنفتی، تابعی از دو متغیر نرخ ارز و نرخ تورم در نظر گرفته می‌شود .

از سوی دیگر ، در پژوهش‌های مختلف رشد و توسعه اقتصادی به عنوان عاملی اثرگذار بر صادرات معرفی شده است. با توجه به اینکه درآمدهای نفتی عامل اساسی و تعیین‌کننده در رشد و توسعه اقتصادی ایران محسوب شده، بررسی نقش و چگونگی ارتباط این متغیر با صادرات غیرنفتی می‌تواند حائز اهمیت باشد .

تسهیلات اعطایی از سوی بانک‌ها جزء اصلی تشکیل دهنده سرمایه ثابت و سرمایه در گردش در تمامی بخش‌های اقتصادی تولیدی ایران شامل کشاورزی، صنعت و خدمات محسوب می‌شود. ارائه تسهیلات ارزان قیمت و با نرخ بهره مناسب به بخش‌های تولیدی همواره یکی از چالش‌های اصلی موجود بین سیاست‌گزاران و تولیدکنندگان بوده و در اختیار داشتن منبع تأمین مالی با نرخ بهره مناسب فاکتور اصلی در توسعه ظرفیت تولیدی، خلق مزیت و توان رقابت و به تبع آن ایجاد ظرفیت صادراتی است. علاوه بر موارد مطرح شده، پژوهش‌های بسیاری در خصوص متغیرها و سیاست‌های پولی و مالی اثرگذار بر صادرات غیرنفتی صورت گرفته است. پژوهش گوگردچیان و نائینی (۱۳۹۰) نشان داد که اثر تکانه وارده بر متغیرهای مصرف سرمایه‌گذاری ، تورم ، نرخ بهره و به خصوص شاخص سیاست‌های پولی بر شاخص چرخه تجاری کشور تقریباً از دوره دوم شروع شده و اثر آن تا پایان دوره به صورت پایدار و بدون نوسان به تدریج تعدیل می‌شود، در حالی که اثر تکانه وارده بر متغیر شاخص چرخه تجاری از چرخه تجاری ، از دوره پنجم شروع شده و تا پایان دوره تعدیل می‌شود. علیجانی و همکاران (۱۳۸۹) اثر سیاست‌های اقتصادی بر صادرات کشاورزی و صنعتی ایران را مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج حاصل نشان داد که سیاست پولی اثر مثبت و معنی‌داری در کوتاه‌مدت بر صادرات صنعتی و کشاورزی دارد، در حالی که تغییرات نرخ بهره و هزینه‌های دولت به ترتیب اثر معکوس و مستقیم معنی‌دار بر صادرات صنعت و کشاورزی دارا است . سیاست تجاری نیز اثر هم جهت در بلندمدت با صادرات صنعت و کشاورزی دارد . مطالعه طاهری فرد (۱۳۸٤) با استفاده از تحلیل‌های سری زمانی، ارتباط بین صادرات غیرنفتی و نرخ ارز واقعی را مورد ارزیابی قرار داد. نتایج این پژوهش نشان داد که ارتباط مثبت و معنی‌داری بین صادرات غیرنفتی و نرخ ارز واقعی وجود دارد و اتخاذ سیاست مناسب نرخ ارز در جهت تعدیل نرخ واقعی ارز به دلیل رونق صادرات غیرنفتی می‌تواند نقش شایان توجهی در افزایش ظرفیت آینده تولید و دستیابی به رشد

اقتصادی داشته باشد. پژوهش خالافالا و وب[1] (۲۰۰٤) ارتباط صادرات غیرنفتی با رشد اقتصادی در کشور مالزی را برای سال‌های ۹۶ ـ ۱۹۶۵ مورد ارزیابی قرار داد. نتایج حاصل نشان داد که در سال‌های ۸۰ ـ ۱۹۶۵ ، رشد اقتصادی سبب افزایش صادرات محصولات صنعتی و مواد خام اولیه شده ، ولی در سال‌های ۹۶ ـ ۱۹۸۱ افزایش صادرات، سبب رشد اقتصادی این کشور شده است .

در جمع‌بندی باید گفت، پژوهش حاضر با توجه به ویژگی‌های ساختاری اقتصاد ایران و بهره‌گیری از تجارب مطالعات پیشین، ارزیابی اثرات میانگین وزنی نرخ بهره تسهیلات اعطایی بانکی به بخش‌های تولیدی، نرخ ارز حقیقی، درآمدهای نفتی حقیقی و نرخ تورم را بر ارزش صادرات غیرنفتی ایران، با استفاده از تحلیل‌های سری زمانی مدنظر قرار داده است. در این راستا تعیین ویژگی آماری متغیرهای یادشده، بررسی چگونگی ارتباط این متغیرها در بلندمدت، سنجش حساسیت و واکنش عرضه صادرات غیرنفتی نسبت به هر یک از متغیرهای فوق و بررسی روابط علی موجود بین آنها از اهداف عمده در این پژوهش می‌باشد .

مواد و روش‌ها

با توجه به اهداف پژوهش حاضر ، در گام نخست تعیین ویژگی آماری متغیرهای مورد بررسی با استفاده از آزمون‌های ریشه واحد مناسب مدنظر قرار گرفت. راهبرد کلی به کار گرفته شده ، استفاده از دو آزمون ریشه واحد با فروض صفر مختلف و جمع‌بندی نتایج حاصل از این دو آزمون به منظور تعیین درجه انباشتگی متغیرهای مورد مطالعه می‌باشد. آزمون ریشه واحد نخست با فرض صفر دارا بودن ریشه واحد برای سری زمانی مورد مطالعه، فیلیپس ـ پرون[2] (PP) است . با توجه به انتقادهای پرون از روش آزمون ریشه واحد DF ، در زمانی که شکست ساختاری در سری‌های زمانی وجود دارد ، استفاده از آزمون ریشه واحد فیلیپس ـ پرون در شرایطی که سامانه اقتصادی با تکانه‌های شدیدی مواجه بوده ، ضروری است. وجود شکست ساختاری و به کارگیری این آزمون با توجه به تحولات اقتصادی ایران، در اوایل انقلاب و با توجه به تغییرات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و تغییرات شگرف که در متغیرهای اقتصاد کلان کشور ایجاد نموده، قابل دفاع است. در شرایط اقتصادی ایران نتایج آزمون‌های ریشه واحد مانند DF تردیدآمیز بوده و برای اطمینان کامل از غیر ساکن بودن متغیرها ضروری است که از آزمون فیلیس ـ پرون استفاده شود. اگر متغیر مورد بررسی با y نشان داده شود ، با برازش رابطه زیر :

$$\Delta y_t = \alpha + \beta t + \delta y_{t-1} + \sum_{i=1}^{p} \theta_i \Delta y_{t-i} + \varepsilon_t \qquad (1)$$

1 - Khalafalla and Web
2 - Phillips-Perron

فیلیپس و پرون (۱۹۹۸) به منظور آزمون ریشه واحد برای کنترل همبستگی سریالی روش غیرپارامتریکی را پیشنهاد دادند. روش PP آزمون DF را با نسبت t تعدیل شده انجام می‌دهد. به نحوی که همبستگی سریالی توزیع مجانبی آماره t را تحت تاثیر قرار ندهد. آماره PP به شکل زیر است :

$$\hat{t} = t_\alpha \left(\frac{\gamma_0}{f_0}\right)^{0.5} - \frac{T\,(f_0 - \gamma_0)(se(\hat{\alpha}))}{2 f_0^{0.5} s} \qquad (۲)$$

که در آن $\hat{\alpha}$ ضریب تخمین زده شده AR(1) و t_α همان نسبت t برای α است . مقدار $se(\hat{\alpha})$ خطای استاندارد و s خطای استاندارد رگرسیون بوده، مقدار γ_0 تخمین سازگاری از واریانس خطاها است . جزء f_0 نیز تخمین‌زنی ازچگالی طیفی مقادیرخطادرفرکانس صفر می‌باشد. دومین آزمون ریشه واحد مورد استفاده با فرض صفر ایستا بودن سری زمانی مورد مطالعه رهیافت KPSS است. آماره این آزمون نسبت واریانس نمونه‌ای بر واریانس بلندمدت بوده که این واریانس نمونه‌ای به طور متناسب، مجموع جزئی سری مقیاس‌بندی شده می‌باشد. به منظور انجام آزمون معادله زیر برازش شده :

$$y_t = \alpha + \beta t + d \sum_{i=1}^{t} u_i + \varepsilon_t \qquad (۳)$$

که در آن ، u_i کوواریانس ایستا و دارای حافظه کوتاه‌مدت با میانگین صفر بوده و $d \in \{0,1\}$ است. آماره این آزمون به قرار زیر می‌باشد :

$$w = \frac{T^{-2} \sum_{t=1}^{T} S_t^2}{\hat{\sigma}^2} \qquad (٤)$$

پس از تشخیص ویژگی آماری متغیرهای مورد بررسی، به منظور ارزیابی وجود روابط بلندمدت از آزمون هم‌انباشتگی جوهانسن[1] استفاده شد . الگوی فوق را که تبدیلی از الگوی خودتوضیح برداری بوده ، می‌توان به صورت زیر تعریف نمود :

$$\Delta Y_t = \sum_{i=1}^{k-1} \Gamma_i \Delta P_{t-i} + \Pi_k P_{t-k} + \Phi D_t + \mu + e_t \qquad (۵)$$

در رابطه فوق ، Π_k ماتریس روابط بلندمدت بوده و در صورت وجود r رابطه بلندمدت یا r ترکیب خطی ایستا از متغیر Y می‌توان ماتریس فوق را به صورت حاصل ضرب دو ماتریس هم‌مرتبه در بردارنده روابط بلندمدت و پارامترهای تعدیل تعریف نمود. برای بررسی رتبه ماتریس

1 - Johansen Cointegration test

مذکور، دو آزمون Trace و Eigenvalue مورد استفاده قرار می‌گیرد . بیشتر بودن مقدار آماره‌های محاسباتی فوق از مقادیر بحرانی بیانگر وجود روابط بلندمدت است. با توجه به ویژگی متغیرهای مورد بررسی، الگوی VECM (p) برای بررسی اثرگذاری هر یک از متغیرها بر عرضه صادرات غیرنفتی مورد استفاده قرار گرفت. با فرض بردار متغیرهای درون‌زای Y_t با n بعد خواهیم داشت :

$$\Delta Y_t = \sum_{i=1}^{p-1} \Gamma_i \Delta Y_{t-i} + \alpha\beta' Y_{t-1} + \varepsilon_t \qquad (٦)$$

که در آن، Γ_i، α و β به ترتیب ماتریس‌هایی n×n ، n×r و n×r بوده و $0 < r < n$ می‌باشد. از سوی دیگر، $\Pi = \alpha\beta'$ بوده و زمانی که Π از مرتبه کامل نباشد (0 < r < N)، r بردار هم‌جمع یا r ترکیب خطی ایستا از Y_t وجود خواهد داشت .

به منظور بررسی رابطه علیت گرنجر[1] بین دو متغیر توضیحی X و Y برازش روابط رگرسیونی دو طرفه زیر پیشنهاد شد :

$$\Delta Y_t = \mu_1 + \sum_{i=1}^{p} \beta_1 \Delta Y_{t-i} + \sum_{i=1}^{p} \beta_2 \Delta X_{t-i} + \varepsilon_{1t}$$
$$\Delta X_t = \mu_2 + \sum_{i=1}^{p} \beta_3 \Delta X_{t-i} + \sum_{i=1}^{p} \beta_4 \Delta Y_{t-i} + \varepsilon_{2t} \qquad (٧)$$

که در آن Δ عملگر تفاضل‌گیری ، μ_1 و μ_2 عرض از مبداء و β_2 و β_4 ضرایب برآوردی بوده که مورد آزمون قرار گرفته و وقفه‌های مورد استفاده در مدل نیز با p نشان داده می‌شود .

دوره زمانی مورد بررسی در پژوهش حاضر سال‌های ۸۷ ـ ۱۳٦٤ بوده و اطلاعات مورد نیاز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان توسعه تجارت جمع‌آوری شد .

نتایج و بحث

به منظور تعیین دقیق ویژگی آماری متغیرهای مورد بررسی، راهبرد استفاده از دو آزمون ریشه واحد با فرض عدم مختلف، مدنظر قرار گرفت . آزمون نخست مورد استفاده با فرض صفر وجود ریشه واحد ، رهیافت فیلیس ـ پرون (PP) می‌باشد . نتایج حاصل از این آزمون در جدول زیر ارائه شده است.

1 - Granger Causality test

جدول ۱ ـ نتایج حاصل از آزمون PP برای متغیرهای مورد بررسی

متغیر	نوع آزمون	سطح آزمون	مقدار آماره محاسباتی	مقدار آماره بحرانی	
			پنج درصد	پنج درصد	یک درصد
IR	با عرض از مبداء	در سطح داده	-۱/۷۲	-۲/۹۹	-۳/۷۵
		تفاضل مرتبه اول	-٤/۰۳	-۳	-۳/۷۷
	با عرض از مبداء و روند	در سطح داده	-۰/۷۲	-۳/٦۲	-٤/٤۲
		تفاضل مرتبه اول	-٦/٥۹	-۳/٦۳	-٤/٤٤
ER	با عرض از مبداء	در سطح داده	-۰/۹۹	-۲/۹۹	-۳/۷٥
		تفاضل مرتبه اول	-٤/۷۲	-۳	-۳/۷۷
	با عرض از مبداء و روند	در سطح داده	-۲/۲٦	-۳/٦۲	-٤/٤۲
		تفاضل مرتبه اول	-٤/٦۲	-۳/٦۳	-٤/٤٤
PI	با عرض از مبداء	در سطح داده	-۰/٦۹	-۲/۹۹	-۳/۷٥
		تفاضل مرتبه اول	-٦/٥۳	-۳	-۳/۷۷
	با عرض از مبداء و روند	در سطح داده	-۲/۰۱	-۳/٦۲	-٤/٤۲
		تفاضل مرتبه اول	-۱۰/۹٤	-۳/٦۳	-٤/٤٤
INF	با عرض از مبداء	در سطح داده	-۳/۰۳	-۲/۹۹	-۳/۷٥
		تفاضل مرتبه اول	-۷/٦۸	-۳	-۳/۷۷
	با عرض از مبداء و روند	در سطح داده	-۳/۲۳	-۳/٦۲	-٤/٤۲
		تفاضل مرتبه اول	-۷/٥	-۳/٦۳	-٤/٤٤
NPE	با عرض از مبداء	در سطح داده	-۳/۳٥	-۲/۹۹	-۳/۷٥
		تفاضل مرتبه اول	-٥/۳٤	-۳	-۳/۷۷
	با عرض از مبداء و روند	در سطح داده	-۲/۹۹	-۳/٦۲	-٤/٤۲
		تفاضل مرتبه اول	-٥/۹۸	-۳/٦۳	-٤/٤٤

مأخذ : یافته‌های پژوهش .

در خصوص هر یک از متغیرهای مورد بررسی ، آزمون PP بر مبنای دو نوع الگوسازی با عرض از مبداء و با عرض از مبداء و روند صورت گرفت. مقدار آماره محاسباتی در هر حالت با مقادیر بحرانی در سطح پنج و یک درصد مقایسه شد و بر مبنای تجمیع تمامی نتایج حاصل برای یک متغیر، درجه انباشتگی آن تعیین شد. با توجه به نتایج حاصل می‌توان ادعا نمود که بر اساس آزمون PP تمامی متغیرهای فوق I(1) می‌باشند .

در آزمون ریشه واحد KPSS ، فرض صفر ، عدم وجود ریشه واحد یا ایستا بودن سری زمانی مورد بررسی است .

جدول ۲ ـ نتایج حاصل از آزمون KPSS برای متغیرهای مورد بررسی

متغیر	نوع آزمون	سطح آزمون	مقدار آماره محاسباتی	مقدار آماره بحرانی	
			پنج درصد	پنج درصد	یک درصد
IR	با عرض از مبداء	در سطح داده	۰/۲٤	۰/٤٦	۰/۷٤
		تفاضل مرتبه اول	۰/٤	۰/٤٦	۰/۷٤
	با عرض از مبداء و روند	در سطح داده	۰/۱۸	۰/۱۵	۰/۲۲
		تفاضل مرتبه اول	۰/۱٤	۰/۱۵	۰/۲۲
ER	با عرض از مبداء	در سطح داده	۰/٦۳	۰/٤٦	۰/۷٤
		تفاضل مرتبه اول	۰/۰۷	۰/٤٦	۰/۷٤
	با عرض از مبداء و روند	در سطح داده	۰/۱۷	۰/۱۵	۰/۲۲
		تفاضل مرتبه اول	۰/۰٦	۰/۱۵	۰/۲۲
PI	با عرض از مبداء	در سطح داده	۰/٦۷	۰/٤٦	۰/۷٤
		تفاضل مرتبه اول	۰/۱	۰/٤٦	۰/۷٤
	با عرض از مبداء و روند	در سطح داده	۰/۱۵	۰/۱۵	۰/۲۲
		تفاضل مرتبه اول	۰/۰۹	۰/۱۵	۰/۲۲
INF	با عرض از مبداء	در سطح داده	۰/٤۸	۰/٤٦	۰/۷٤
		تفاضل مرتبه اول	۰/۰۹	۰/٤٦	۰/۷٤
	با عرض از مبداء و روند	در سطح داده	۰/۲	۰/۱۵	۰/۲۲
		تفاضل مرتبه اول	۰/۰۸	۰/۱۵	۰/۲۲
NPE	با عرض از مبداء	در سطح داده	۰/۸۹	۰/٤٦	۰/۷٤
		تفاضل مرتبه اول	۰/۳۳	۰/٤٦	۰/۷٤
	با عرض از مبداء و روند	در سطح داده	۰/۲	۰/۱۵	۰/۲۲
		تفاضل مرتبه اول	۰/۰۷	۰/۱۵	۰/۲۲

ماخذ : یافته‌های پژوهش .

بر مبنای فرایند در نظر گرفته شده در آزمون PP و توجه به روند آماره‌های محاسباتی در حالت‌های مختلف سطح آزمون، تصمیم‌گیری در خصوص ویژگی آماری متغیرهای مورد بررسی در آزمون KPSS صورت گرفت. جمع‌بندی نتایج حاصل از این آزمون نیز بر I(1) بودن تمامی سری‌های زمانی مورد بررسی تأکید دارد . همانطور که نتایج جدول زیر نشان می‌دهد با توجه به درجه انباشتگی تعیین شده توسط دو آزمون ریشه واحد با فروض عدم مختلف ، نتیجه‌گیری کلی در خصوص ویژگی آماری متغیرهای مورد بررسی انجام شد .

جدول ۳ ـ مقایسه نتایج حاصل از دو آزمون ریشه واحد و نتیجه‌گیری کلی

متغیر	آزمون PP	آزمون KPSS	نتیجه کلی
IR	I(1)	I(1)	I(1)
ER	I(1)	I(1)	I(1)
PI	I(1)	I(1)	I(1)
INF	I(1)	I(1)	I(1)
NPE	I(1)	I(1)	I(1)

مأخذ: یافته‌های پژوهش

وجود درجه انباشتگی یک برای تمامی سری‌های زمانی فوق، لزوم به‌کارگیری آزمون تشخیص رابطه بلندمدت را به منظور تعیین ماهیت برهم‌کنش متغیرهای درون‌زای مختلف بر ارزش صادرات غیر نفتی (NPE_t) آشکار می‌نماید. در این راستا، با استفاده از آزمون جوهانسن وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مختلف و ارزش صادرات غیرنفتی مدنظر قرار گرفت.

جدول ۴ ـ نتایج حاصل از آزمون جوهانسن

شرح آزمون	H_0	آماره Trace	ارزش احتمالاتی	آماره Max-Eigen	ارزش احتمالاتی
IR_t , NPE_t	r = 0**	٤٣/٢٦	٠/٠٠٠١	٣٦/٧٤	٠/٠٠٠١
	r ≤ 1	٦/٥٢	٠/٣٩	٦/٥٢	٠/٣٩
ER_t , NPE_t	r = 0	١٢/٧٩	٠/١٢	١١/٦٨	٠/١٢
	r ≤ 1	١/١	٠/٢٩	١/١١	٠/٢٩
PI_t , NPE_t	r = 0**	٢٢/٧	٠/٠٠٣	١٩/٠٣	٠/٠٠٨
	r ≤ 1	٣/٦٧	٠/٠٦	٣/٦٧	٠/٠٦
INF_t , NPE_t	r = 0*	١٧/٧٤	٠/٠٢	١٥/٥٥	٠/٠٣
	r ≤ 1	٢/١٨	٠/١٤	٢/١٨	٠/١٤

* معنی‌دار در سطح پنج درصد ** معنی‌دار در سطح یک درصد مأخذ : یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از آزمون جوهانسن نشان داد که بین متغیرهای میانگین وزنی نرخ بهره بانکی (IR_t) و ارزش صادرات غیر نفتی (NPE_t) در سطح یک درصد آماری رابطه بلندمدت وجود دارد. همچنین، با توجه به مقادیر آماره‌های فوق، وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای درآمدهای نفتی (PI_t) و ارزش صادرات غیر نفتی (NPE_t) در سطح یک درصد آماری، به اثبات رسید.

از سوی دیگر، نتایج آماره‌های Trace و Max - Eigen ، وجود رابطه بلندمدت را در سطح پنج درصد آماری بین متغیرهای نرخ تورم (INF_t) و ارزش صادرات غیر نفتی (NPE_t) نشان می‌دهد .

با توجه به وجود رابطه بلندمدت بین زوج متغیرهای NPE_t -IR_t، NPE_t -PI_t و NPE_t -INF_t برازش الگوی تصحیح خطای برداری (VECM) و تفسیر نتایج حاصل از جزء تصحیح خطا ، به منظور تعیین میزان اثرگذاری هر یک از متغیرهای میانگین وزنی نرخ بهره بانکی (IR_t)، درآمدهای نفتی (PI_t) و نرخ تورم (INF_t) بر ارزش صادرات غیر نفتی (NPE_t) مدنظر قرار گرفت .

جدول ۵ ـ نتایج حاصل از برازش الگوی **VECM**

شرح	IR_t	PI_t	INF_t
ضریب متغیر	-۱/۱۹ [-۲/۷]	۰/۸۷ [۲۱/۴۴]	-۰/۲۶ [-۳/۲۴]
عرض از مبداء	۴/۳۲	-۰/۳۵	-۹/۴۹
ضریب تعدیل	-۰/۲۳ [-۲/۶۱]	-۰/۲۹ [۲/۵۳]	-۰/۰۲ [-۲/۰۲]

مأخذ : یافته‌های پژوهش .

نتایج نشان داد که افزایش یک درصدی میانگین وزنی نرخ بهره بانکی (IR_t) منجر به کاهش ۱/۱۹ درصدی ارزش صادرات غیرنفتی می‌شود. از این رو، NPE_t بالاترین حساسیت را در بین متغیرهای مورد بررسی نسبت به IR_t دارد. اثر معنی‌دار و معکوس میانگین وزنی نرخ بهره بانکی بر ارزش صادرات غیرنفتی بیانگر اهمیت سیاست‌های اتخاذ شده از سوی بانک مرکزی در خصوص تعیین نرخ بهره تسهیلات اعطایی به بخش‌های مختلف اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات) در شکوفایی و رشد صادرات غیرنفتی است. مقدار ضریب متغیر درآمدهای نفتی (PI_t) برابر با ۰/۸۷ بوده، از این رو، یک درصد افزایش ارزش درآمدهای نفتی منجر به ۰/۸۷ درصد افزایش ارزش صادرات غیرنفتی می‌شود. درآمدهای نفتی نمادی از رشد و توسعه اقتصادی کشور است. از این رو، افزایش درآمدهای نفتی با توجه به اثرات جانبی آن بر سایر بخش‌های اقتصادی منجر به توسعه و رشد تولیدات و افزایش صادرات آنها می‌شود. دیگر متغیر مورد بررسی نرخ تورم (INF_t) بوده، مقدار ضریب این متغیر نشان داد که افزایش یک درصدی مقدار این متغیر

سبب کاهش ۰/۲۶ درصدی ارزش صادرات غیرنفتی خواهد شد. اگرچه اثرگذاری این متغیر بر صادرات غیرنفتی در قیاس با دو متغیر دیگر کمتر بوده اما اثر منفی و معنی‌دار تورم بر صادرات غیرنفتی به اثبات رسید. بدیهی است که تورم با افزایش هزینه‌های تولید و کاهش قدرت خرید جامعه علائم منفی را به سامانه تولید انتقال داده و منجر به کاهش توان تولیدی و به تبع آن صادرات می‌شود. مقدار ضریب جمله تصحیح خطا یا ضریب تعدیل در الگوی VECM برای $IR_t - NPE_t$ برابر با ۰/۲۳- برآورد شده که نشان داده در هر سال ۲۳ درصد از عدم تعادل در ارزش صادرات غیرنفتی با توجه به متغیر توضیحی میانگین وزنی نرخ بهره بانکی تعدیل می‌شود. ضریب مربوط به جمله تصحیح خطا در الگوی VECM برای $PI_t - NPE_t$ معنی‌دار و علامت آن مطابق انتظار منفی است. مقدار ضریب یاد شده برابر ۰/۲۹ و بیانگر سرعت کند تعدیل ارزش صادرات غیرنفتی در قبال تغییرات درآمدهای نفتی است به عبارت دیگر ، تنها ۲۹ درصد انحرافات ارزش صادرات غیرنفتی از مقادیر دراز مدت خود، بعد از سپری شدن یک دوره از بین خواهد رفت . بنابراین ، بیش از ۳ سال طول می‌کشد تا عدم تعادل به وجودآمده در ارزش صادرات غیرنفتی رفع شود. ضریب تعدیل حاصل در الگوی VECM برای $INF_t - NPE_t$ معادل با ۰/۰۲- بوده ، که بیانگر تعدیل بسیار کند ارزش صادرات غیرنفتی با توجه به نرخ تورم است. مقادیر حاصل از ضرایب متغیرها و تعدیل در سه الگوی برآورد شده، بیانگر واکنش و حساسیت ارزش صادرات غیرنفتی نسبت به متغیرهای توضیحی مورد بررسی بوده و لزوم توجه مدیران و سیاست‌گزاران اقتصادی به ثبات و پایداری این متغیرها را به منظور بهبود و گسترش صادرات غیرنفتی نشان می‌دهد . در گام بعدی جهت علیت متغیرهای مورد بررسی و ارزش صادرات غیرنفتی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد .

جدول ۶ ـ نتایج حاصل از آزمون علیت گرنجر

فرض صفر	آماره F	سطح احتمالاتی
IR_t علیت گرنجر NPE_t نمی‌باشد	۷/۸۸	۰/۰۰۵
NPE_t علیت گرنجر IR_t نمی‌باشد	۵/۱	۰/۰۲
ER_t علیت گرنجر NPE_t نمی‌باشد	۰/۶۵	۰/۵۳
NPE_t علیت گرنجر ER_t نمی‌باشد	۵/۴۶	۰/۰۱
PI_t علیت گرنجر NPE_t نمی‌باشد	۴/۰۵	۰/۰۵
NPE_t علیت گرنجر PI_t نمی‌باشد	۱۵/۱۶	۰/۰۰۰۹
INF_t علیت گرنجر NPE_t نمی‌باشد	۲/۷۳	۰/۰۹
NPE_t علیت گرنجر INF_t نمی‌باشد	۲/۶۶	۰/۰۹

مأخذ : یافته‌های پژوهش

بررسی رابطه علیت بین دو متغیر میانگین وزنی نرخ بهره بانکی (IR_t) و ارزش صادرات غیر نفتی (NPE_t) بیانگر وجود رابطه علی دوطرفه بین این دو متغیر بوده ، چنانچه رابطه علی از IR_t به NPE_t در سطح یک درصد و رابطه علی از NPE_t به IR_t در سطح پنج درصد معنی‌دار می‌باشد. اثرپذیری دو طرفه این متغیرها از هم بیانگر ظرفیت مناسب سیاست‌گزاری برای برنامه‌ریزان است. در خصوص دو متغیر نرخ ارز (ER_t) و ارزش صادرات غیر نفتی (NPE_t) به کارگیری آزمون علیت گرنجر نشان داد که مطابق انتظار تنها رابطه علی یک طرفه از NPE_t به ER_t در سطح یک درصد آماری وجود دارد. بررسی وجود رابطه علی بین دو متغیر درآمدهای نفتی (PI_t) و ارزش صادرات غیر نفتی (NPE_t) بیانگر وجود رابطه علی دو طرفه بین آنها بوده چنانکه وجود رابطه علی در سطوح یک و پنج درصد آماری به اثبات رسید. آخرین زوج مورد بررسی ، متغیرهای نرخ تورم (INF_t) و ارزش صادرات غیر نفتی (NPE_t) است. همانطور که در جدول فوق مشاهده شده رابطه علی از INF_t به NPE_t در سطح ده درصد آماری وجود داشته و رابطه‌علی‌ازNPE_t به INF_t نیز درهمین سطح آماری مشاهده می‌شود.مقادیرحاصل‌درآزمون علیت تأکیدی بر صحت نتایج بدست آمده در بررسی روابط بلند مدت توسط آزمون جوهانسن می‌باشد.

جمع‌بندی و پیشنهادات

با عنایت به وجود رابطه بلندمدت بین درآمدهای نفتی حقیقی و ارزش صادرات غیرنفتی حقیقی و اثر مستقیم و مثبت درآمدهای نفتی بر ارزش صادرات غیرنفتی می‌توان نتیجه‌گیری نمود که رشد اقتصادی منجر به تحریک تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی شده و به تبع آن ظرفیت تولیدی و صادراتی در کشور افزایش خواهد یافت. همچنین، وجود ارتباط علی دو طرفه بین این دو متغیر بیانگر هم‌افزایی و تغییر هم‌جهت این دو متغیر می‌باشد. بسترسازی به منظور بهره‌گیری مؤثرو هدفمند از درآمدهای نفتی در راستای ارتقای توان تولیدی، خلق مزیت و ایجاد فرصت‌های شغلی یکی از مطالبات همیشگی نخبگان اقتصادی کشور تلقی می‌گردد. بدیهی است، این خواسته جزء با استفاده از خرد جمعی و ارائه راهکارها و برنامه‌های راهبردی میان‌مدت و بلندمدت، تحقق نمی‌یابد. از سوی دیگر، اثرگذاری منفی و حساسیت بالای ارزش صادرات غیرنفتی نسبت به میانگین وزنی نرخ بهره تسهیلات اعطایی بانکی بیانگر ظرفیت مناسب استفاده از این ابزار پولی در راستای رونق بخشیدن به تولید داخلی و گسترش تولید صادرات محور است. همچنان‌که بارها بر این مسئله تأکید شده، توسعه بانکداری بدون ربا و اسلامی کلید دستیابی به بسیاری از اهداف وآرمان‌های مدنظردر حوزه تأمین مالی به منظور تولید و صادرات کالا و خدمات می‌باشد. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر رابطه بلندمدت بین نرخ تورم و ارزش صادرات غیرنفتی بوده و اثر تورم را بر عرضه صادرات غیرنفتی منفی می‌داند. یافته حاصل با پژوهش‌های بسیاری از

جمله علیجانی و همکاران (۱۳۸۹) تطابق داشته و بیانگر آن است که اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی انبساطی در سال‌های اخیر منجر به هدایت حجم نقدینگی به سوی سرمایه‌گذاری و افزایش عرضه کالا و خدمات نشده است. در این راستا، ضروری است تا ضمن بازنگری بر ساز و کارهای موجود، راهبری و هدایت مؤثر حجم نقدینگی از اولویت‌های اساسی سامانه بانکی کشور تلقی شود. همچنانکه در سند راهبردی توسعه صادرات غیرنفتی اشاره شده، دولت متعهد است که با افزایش توانمندی‌های خود و بخش خصوصی ، ظرفیت‌سازی تولید صادرات محور، تحقق رقابت‌پذیری کالاها و خدمات در سطح بازارهای داخلی و خارجی و ایجاد ساز و کارهای مناسب برای رفع موانع توسعه صادرات غیرنفتی به رشد مستمر آن تحقق بخشد. بی‌شک یکی از مهمترین گام‌های دولت دراین مسیرکنترل تورم وحجم نقدینگی است . از سوی دیگر ، تحریم‌های غیرمنطقی و ناعادلانه غرب که منجر به ایجاد تورم شده ، در کنار وجود تورم دو رقمی در کشور تهدیدی برای صادرات غیرنفتی محسوب شده، در این شرایط لزوم توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی و ارائه راهکارهایی برای تعدیل و خنثی‌سازی اثرات این تهدیدها بیش از پیش احساس می‌شود .

منابع و مآخذ

۱. ابریشمی، ح. گرجی، ا. احراری، م و نجفیان، ف (۱۳۸۸) ـ « اثرات جهانی شدن بر صادرات غیر نفتی ایران » ـ فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی ـ شماره ۵۱ ـ صص ۲۴ ـ ۱ .

۲. دفتر مطالعات اقتصادی وزارت بازرگانی (۱۳۸۳) ـ « هماهنگی میان سیاست‌های مالی » پولی با سیاست‌های استراتژیک تجاری .

۳. سازمان توسعه تجارت ایران، (۱۳۸٦) ـ « خلاصه مدیریتی سند راهبردی توسعه صادرات غیرنفتی جمهوری اسلامی ایران » .

٤. شاکری، ع. (۱۳۸۳) ـ « عوامل تعیین‌کننده صادرات غیرنفتی ایران » ـ فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران ـ شماره ۲۱ ـ صص ۵۰ ـ ۲۳ .

۵. طاهری فرد، ا. (۱۳۸٤) ـ « نقش ارز در توسعه صادرات غیرنفتی در اقتصاد ایران » ـ مجله برنامه و بودجه ـ شماره ۸۹ ـ صص ۷۹ ـ ٤۷ .

٦. علیجانی، ف.، همایونی‌فر، م.، کرباسی، ع. و مظفری، م. (۱۳۸۹) ـ « اثر سیاست‌های اقتصادی بر صادرات کشاورزی و صنعتی ایران » ـ فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ـ سال دهم ـ شماره ٤ ـ صص ۱۷ ـ ۱ .

۷. گوگردچیان، ا. و س. نائینی (۱۳۹۰) ـ « نقش سیاست‌های پولی و اعتباری در مدیریت چرخه‌های تجاری کشور » ـ فصلنامه تحقیقات اقتصادی راه اندیشه ـ صص ۹۰ ـ ٦۱ .

۸. لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران .

۹. مهدوی عادلی، م.ح. نوروزی، ر و مطهری، محب الله. (۱۳۸۸) ـ « نقش سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر صادرات غیر نفتی در اقتصاد ایران » ـ مجله دانش و توسعه ـ شماره ۲۷ صص ۱۸۱ ـ ۱٦۱ .

10. Engle R.F. and Granger C.W.J. (1987). Cointegration and Error Correction: Representation, Estimation and Testing, Econometrica, 55 251-76.

11. Johansen, S. (1992). Cointegration in partial systems and the efficiency of single-equation analysis, Journal of Econometrics, 52 389 - 402.

12. Johansen, S. and Juselius, K. (1990). Maximum likelihood estimation and inference on cointegration- with application to the demand for money, Oxford Bulletin of Economics and Statistics, 52 : 169 - 210.

13. Johansen, S. and Juselius, K. (1992). Testing structural hypotheses in a multivariate cointegration analysis of the PPP and UIP for UK Journal of Econometrics, 53 : 211 – 244 .

14. Johansen, S. and Juselius, K. (1994). Identification of the long-run and the short-run structure: an application to the ISLM model, Journal of Econometrics, 63 : 7 – 36 .
15. Khalafalla, K. and Web, A. J. (2004) Exports and Economic Growth under Structural Change: A Co integration Analysis of Evidence from Malaysia, Applied Economics, Vol. 29 : 213 – 223 .
16. Phillips, P. C. B. and Perron, P. (1988). Testing for a Unit Root in Time Series Regression, Biometrika, Vol. 75 : 335 – 346 .

نقش کنسول گری ها و رایزن‌های بازرگانی در ایجاد مزیت رقابتی در بازاریابی برای صنایع در راستای افزایش صادرات غیر نفتی

علی گوهری[1] ـ حامد اسدی[2]

مقدمه

صادرات غیرنفتی از دیرباز مورد توجه همه دولت‌های پس از انقلاب اسلامی در ایران بوده است ولی به دلایلی همچون جنگ، کمبود نیروی متخصص در واحدهای تولیدی، آشنا نبودن به فنون بازاریابی و کیفیت پایین محصولات تولیدی از عوامل اصلی عدم تحقق آن می‌باشد. به طور کلی صادرات غیرنفتی برای کشورهایی که منبع اصلی درآمدشان نفت است، یک راهبرد عالی در رسیدن به توسعه پایدار می‌باشد. صادرات غیرنفتی موجب بهبود ترازهای پرداخت کشور گردیده و به دلیل ایجاد ارزش افزوده موجب حرکت جریان نقدینگی از سمت بازارهای کاذب به سمت تولید می‌گردد که در نتیجه موجب کاهش نرخ تورم، افزایش سطح رقابت پذیری و سطح رفاه و درآمد جامعه را در پی دارد. افزایش صادرات غیرنفتی از لحاظ سیاسی نیز می‌تواند موجب افزایش سطح چانه زنی سیاستمداران کشور گردیده و موجب بهبود جایگاه کشور در اذهان عمومی گردد. افزایش صادرات غیر نفتی موجب بهبود جایگاه برند کشور سازنده کالا (Made in Iran) در ذهن خریداران خارجی می‌گردد و موجب افزایش اعتماد خودباوری و سطح اعتماد به نفس نیز می‌گردد. در توسعه صادرات غیرنفتی در کشور ایران همواره نگاه به سوی کالاهای خاص همانند میعانات گازی، پتروشیمی، فرش و پسته به کشورهای مقصد همانند عراق ، کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، ترکیه، کشورهای مشترک‌المنافع و حوزه قفقاز می‌باشد و در این میان محصولات دیگر همانند فناوری اطلاعات، مواد غذایی، پوشاک و خدمات و در راستای آن‌ها کشورهای دارای پتانسیل فراوان دیگر مورد بی مهری واقع شده اند. در همین راستا بسیاری از تولیدکنندگان داخلی به دلیل عدم استفاده از راهبردهای جدید و نیروهای متخصص از توانایی کیفی، فنی و مالی برای صادرات کالاهای خود برخوردار نیستند و توجهی به تمامی عوامل تولید ، توزیع و بازاریابی کالا نمی‌نمایند به صورتی که گاه دیده می‌شود که کالاهای تولید کننده ایرانی دارای کیفیت خوب ولی بسته بندی نامناسب بوده و بالعکس و قابلیت فروش در بازارهای داخلی و خارجی را ندارند. بسیاری از تولیدکنندگان داخلی به دلیل عدم آشنایی در زمینه های تولید، فروش، بازاریابی، تأمین مالی و استفاده از ابزارهایی نظیر آمایش

---

۱ ـ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین،گروه مدیریت بازرگانی، قزوین، ایران
۲ ـ کارشناس مدیریت بازرگانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

سرزمینی کشورهای مقصد و سفارتخانه ها و رایزنی‌های بازرگانی نتوانسته اند عملکرد قابل قبولی در این زمینه داشته باشند.به طور کلی شرکت های ایرانی دارای دو دسته از مشکلات می باشند. مشکلات درون سازمانی و قابل کنترل توسط سازمان که عبارتند از :

- داشتن دانش مناسب نسبت به وضعیت و الزامات جهانی
- عدم تمایل به حضور در بازارهای جهانی
- غیر تخصصی و پراکنده بودن فعالیتهای صادراتی
- سنتی بودن شیوه های انجام فعالیت های صادراتی
- نداشتن توان و قابلیت های لازم جهت حضور در بازارهای جهانی

همچنین این شرکت‌ها دارای مشکلات برون سازمانی و غیرقابل کنترل توسط سازمان میباشند :

- نداشتن جهت گیری منسجم در بخش های اقتصادی کشور
- نداشتن مرکز جامع اطلاع رسانی در کشور
- وجود قوانین دست و پا گیر و تغییر مداوم و بی پایه آنها
- تعداد مراکز تصمیم گیری و وجود بوروکراسی در فرآیند صادرات
- ناکارآمدی سیستم های بانکی در پشتیبانی
- نداشتن پشتیبان و حمایت نهادی مناسب بیمه ای، مالی، حقوقی و ....
- ضعف در طراحی و اجرای آموزش های مورد نیاز صادرکنندگان
- ضعف در برقراری روابط اقتصادی و سیاسی مناسب با دیگر کشورها

علاوه بر مشکلات بالا باید به مشکلات دیگری نظیر عدم توانایی تولیدکنندگان داخلی در ایجاد مزیت‌های رقابتی و بازاریابی می‌باشد. تولیدکنندگان داخلی به دلیل آشنا نبودن با بازارهای جهانی حتی در صورت دارا بودن مزیت‌های نسبی در کیفیت و بسته بندی بازارهای جهانی را از دست می‌دهند. دراین راستا کنسول‌ها و رایزنان بازرگانی می‌توانند با در اختیار قرار دادن داده‌های خام و تحلیل شده از بازارهای کشورهای گوناگون و حتی مشاوره ای بازاریابی و تأمین مالی در راستای حفظ و ایجاد مزیت‌های نسبی گام بردارند. در این مقاله ما به بررسی عوامل دخیل در یک صادرات موفق و نقش کنسول‌ها، سفارت خانه ها و رایزن‌های بازرگانی در ایجاد و معرفی مزیت‌های فرهنگی ، اقتصادی و سیاسی برای تولید کنندگان جهت صادرات می نماییم .

ادبیات پژوهش

مزیت رقابتی

مجموعه‌ای از توانایی‌های منحصر به فرد یک واحد اقتصادی است که اجازه نفوذ به بازارهای دلخواه و برتری بر رقبا را برای آن واحد فراهم می‌آورد. برای تعریف مزیت رقابتی یک واحد اقتصادی، مدیریت بایستی یک ارزیابی کامل از محیط داخلی و خارجی واحد خود به عمل

آورد . زمانی که مدیر بتواند یک نقطه قوت در داخل بنگاه اقتصادی‌اش پیدا کند که هم با نیاز بازار هم‌خوانی دارد و هم یک برتری نسبی در بازار ایجاد می‌کند، می‌توان گفت که به یک مزیت رقابتی دست پیدا کرده است. شرکت‌ها در زمینه‌های تکنولوژی، مدیریت و بازاریابی می‌توانند نسبت به رقبای خود ، مزیت رقابتی داشته باشند . در واقع مفهوم مزیت رقابتی ارتباط مستقیم با ارزش‌های مورد نظر مشتری دارد به نحوی که در یک طیف مقایسه‌ای هر چه قدر ارزش‌های عرضه شده یک سازمان به ارزش‌های مورد نظر مشتری نزدیک‌تر یا با آن منطبق‌تر باشد می‌توان گفت که سازمان ، نسبت به رقبای خود در یک یا چند معیار رقابتی دارای برتری و مزیت است . مفهوم مزیت رقابتی بیانگر برتری ناشی از توانایی‌های معین یا ترکیب توانایی‌هاست که رقیب برتر منحصرا یا به مقدار زیادی نسبت به رقبا دارا است .

آمایش

آمایش ، شامل شهرسازی و توسعه ، برنامه‌ریزی و سازمان دادن به نحوه اشتغال فضا تعیین محل سکونت انسان‌ها ، محل فعالیت و تجهیزات و کنش‌های بین عوامل گوناگون نظام اجتماعی ـ اقتصادی است . این رشته برنامه‌ریزی کلان نیروهای اقتصادی ، طبیعی و انسانی را مدنظردارد . همچنین آمایش را حوزه نفوذ یک عملیات سرمایه‌گذاری را منطقه‌ای‌تعریف می‌کنیم که گرههای اسکان آن به نحوی متأثر از افزایش فعالیت‌ها در گره اصلی که سرمایه‌گذاری‌در آن واقع می‌شود گردند . به عبارت دیگر منطقه حوزه نفوذ ، منطقه‌هایی خواهد بود که به نحوی آثار سرمایه‌گذاری مزبور به طور ملموس در آن مشهود گردد . این دیدگاه در تطبیق با بسیاری از نظریات رشد و توسعه اقتصادی و همچنین نظریات توسعه منطقه‌ای قرار می‌گیرد . بدین معنی که سرمایه‌گذاری متمرکز در گره اصلی منطقه باعث می‌شود موتور رشدی در منطقه فعال شود که امواج توسعه‌های آن به حوزه نفوذ سرایت می‌کند . بحث محرک رشد یا موتور رشد از دیدگاه‌های نظریات اقتصادی به مثابه افزایش داد و ستدهای بین فعالیت‌ها و بین بخش‌های اقتصادی تلقی می‌شود که سابقه عمیقی در تحلیل‌های توسعه اقتصادی دارد .

بازاریابی

سرجیو زیمن در کتاب « پایان عصر بازاریابی سنتی » بازاریابی را این چنین تعریف می‌کند بازاریابی درباره داشتن برنامه ها و ترویج‌ها و تبلیغات و هزاران چیز دیگری است که در متقاعد کردن مردم به خرید یک محصول ، موثر واقع شوند . فیلیپ کاتلر نیز در کتاب نسل سوم بازاریابی خود بازاریابی را مجموعه ای از فعالیت‌ها، نهادها و فرآیندهایی برای خلق ، آگاه سازی رساندن و تبادل پیشنهاداتی است که برای مصرف کنندگان، مشتریان، جامعه و شرکا داری ارزش

است . بازاریابی با استفاده از چهار رکن قیمت گذاری[1] ، ترفیع[2] ، توزیع[3] ، محصول[4] و با استفاده از روندهای STP[5] سعی در دستیابی به هدف که فروش بیشتر است دارد .

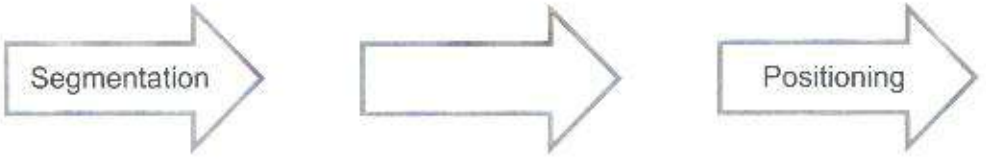

شکل ۱: روند STP در بازاریابی

بازاریابی کلیه فرآیندهای درون سازمانی و برون سازمانی را در مانند آنچه که نشان داده شده است در بر می‌گیرد :

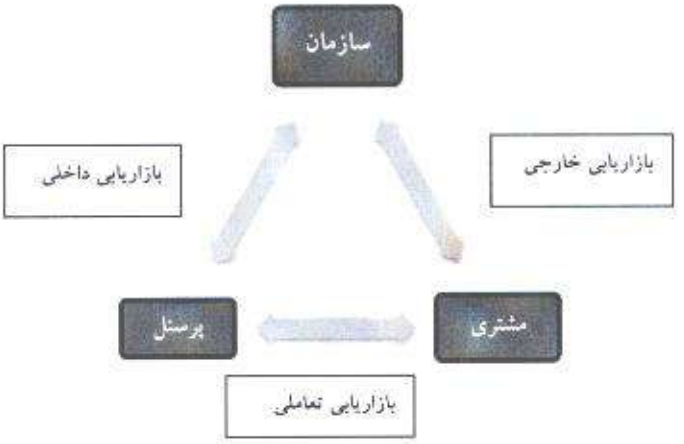

شکل۲ : فرآیندهای بازاریابی

۱ ـ مزایای صادرات غیر نفتی (کالاها و خدمات) برای یک کشور

صادرات غیرنفتی همواره به عنوان کلید توسعه و پیشرفت یک کشور عنوان می‌شود. از مزایای صادرات غیرنفتی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود :

ـ ایجاد درآمدهای ارزی گسترده و افزایش درآمدهای سرانه ؛

ـ استفاده مؤثر و کارا از منابع اقتصادی ؛

1 - Price
2 - Promotion
3 - Place
4 - Product
5 - Segmentation, Targeting, Positioning

ـ تضمین بهینه منابع و افزایش شرایط رقابتی در اقتصاد کشور ؛
ـ افزایش ظرفیت‌های تولیدی و اشتغال و کمک به توسعه صنعتی ؛
ـ بهبود وضعیت تراز پرداخت‌های خارجی کشور و تقویت ارزش پول ملی ؛

به عوامل بالا می‌توان افزایش غرور ملی و خودباوری و رشد اعتماد به نفس جامعه افزایش قدرت چانه زنی و اقتدار سیاسی در سطح بین‌الملل، نفوذ فرهنگی و اجتماعی، تبلیغ در جهت رونق گردشگری را اشاره نمود. رشد صادرات غیرنفتی موجب کارگیری موثر منابع مادی و انسانی در جهت افزایش بهره وری و بهبود ارتباطات بین الملل برای بنگاه های تولیدی و خدماتی کشور می شود و فرصت شناسایی زمینه های سرمایه گذاری مشترک و جذب سرمایه گذاری های خارجی را فراهم می آورد .

۲ ـ کنسول گری ها و ایجاد مزیت رقابتی در توسعه صادرات غیرنفتی

کنسولگری‌ها به عنوان نماینده رسمی یک دولت خارجی در کشور میزبان همواره نقش مهمی در پیشبرد امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارند و در این راستا می‌توانند اهداف کشور مبدأ را در کشور مقصد تأمین نمایند. کنسول گری ها می‌توانند با جمع آوری داده های اولیه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بروز نمودن مرتب آن‌ها این اطلاعات را در اختیار اتاق‌های بازرگانی و دستگاه‌های اقتصادی مربوطه قرار داده تا مورد استفاده شرکت‌های داخلی و فعالان بخش بازار قرار دهند. این اطلاعات می‌تواند شامل دورنمای اقتصادی و سیاسی و روابط دو کشور ، میزان تقاضا برای محصولات در بازار، بحران‌های کمبود و مازاد عرضه محصولات جهت واردات یا صادرات محصولات ایرانی، اطلاعات جمعیت شناختی نظیر میزان و سرانه درآمد و اقبال‌به محصولات‌خاص وممنوع بودن‌توزیع برخی ازمحصولات دیگر،حداقل‌استانداردها قوانین و مقررات کشور مقصد و ... باشد. بسیاری از شرکت‌های ایرانی همواره از نقش کنسولگریها در شناسایی ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی اجتماعی غافل اند و صادرات خود را محدود به یک یا چند بازار خاص نموده اند. شرکت‌های ایرانی با دسترسی به چنین اطلاعاتی بهتر می‌توانند موقعیت عرضه و تقاضای محصولات خود را در بازارهای جهانی و کشورهای مختلف با فرهنگ آیین، وضعیت اقتصادی و فرهنگی و حقوقی متفاوت آشنا گردند. اولین گام کنسولگری‌ها و رایزن‌های بازرگانی در بهبود صادرات غیرنفتی استفاده از تحلیل گران بازار، اقتصاد و خبرگان مسائل بازرگانی و بازاریابی بین‌الملل و ایجاد اتاق فکر در راستای تحلیل عوامل دخیل در این فرآیند هستند. کنسول گری ها در هر کشور می‌توانند با استفاده از این تحلیل گران در راستای جمع آوری داده ها و انتشار آن‌ها به صورت ماهنامه یا فصلنامه به توسعه صادرات غیرنفتی کمک کند. کنسول گری ها و رایزن های بازرگانی می توانند با جمع آوری اطلاعات استراتژیک بازار مذهب، فرهنگ، اقتصاد و ناحیه جغرافیایی اطلاعات مناسبی را برای بازاریابان بنگاههای داخلی جمع آوری نمایند که آنان نیز با استفاده از نقشه های استراتژیک سعی در دستیابی به بازارهای جهانی داشته باشند .

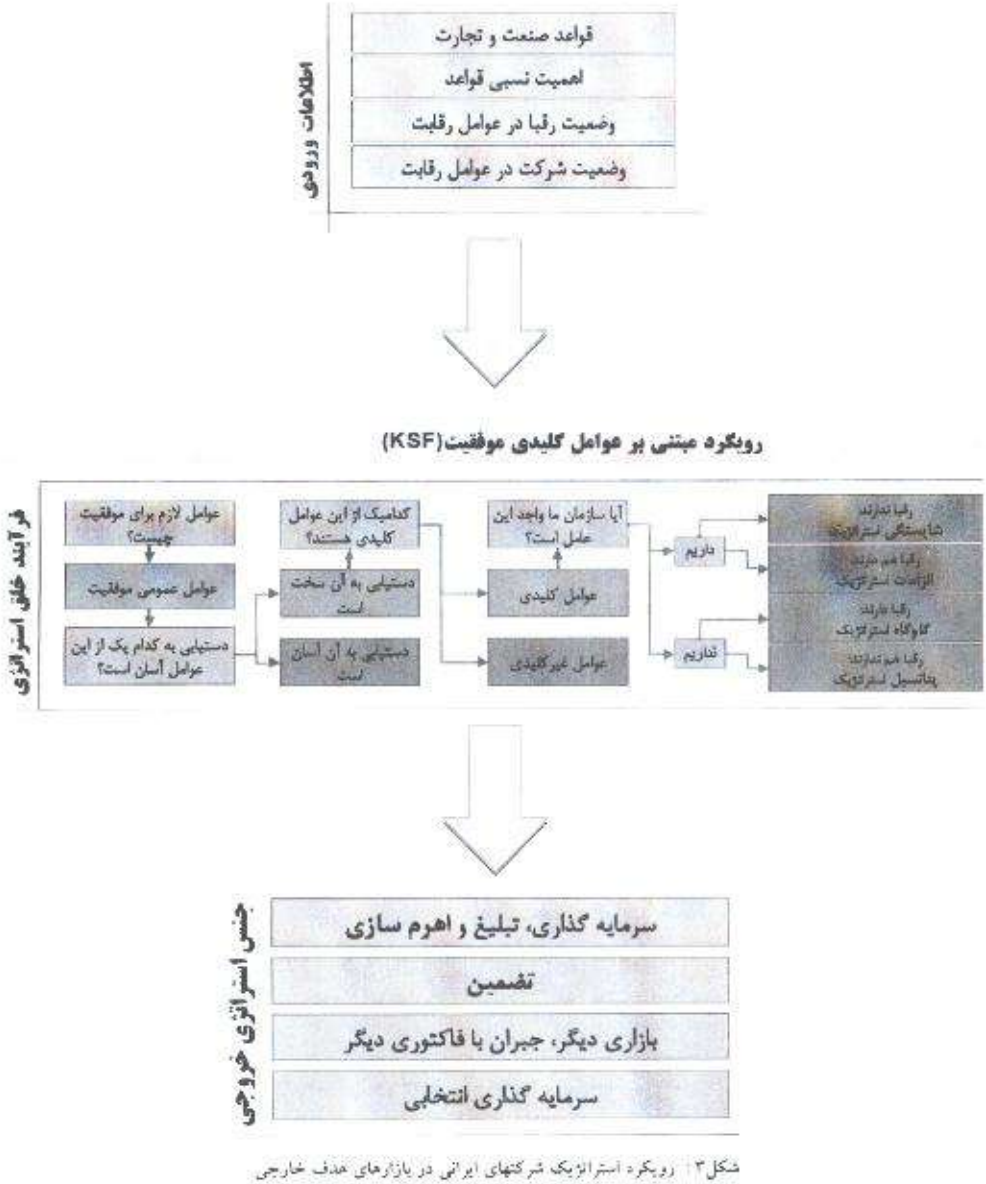

شکل۳: رویکرد استراتژیک شرکتهای ایرانی در بازارهای هدف خارجی

۱ـ۲: ایجاد هسته های بازاریابی

کنسول گری ها با ایجاد هسته های بازاریابی می توانند شرکتهای ایرانی را در جهت کسب مزیت رقابتی از طریق استقرار سیستم های مختلف ارتباط با مشتری، مدیریت دانش و مدیریت دانش مشتری، سنجش میزان وفاداری به برندهای شرکتهای ایرانی و عوامل دخیل در کاهش وفاداری تشویق نمایند. کنسول های می توانند با به کارگیری متخصصان بازرگانی کشوری که در

آن ساکن هستند و یا دانشجویان ایرانی ساکن کشورهای مبدا انجام پروژه های خود را تسریع بخشند و یا با استفاده از فارغ التحصیلانی بازرگانی، حقوق، جامعه شناسی، سیاسی و اقتصاد اتاق فکری پویا با رویکرد بازاریابی علمی ایجاد کنند. این هسته ها توانایی ارائه راهکارهایی جهت کسب مزیت رقابتی برای شرکتهای داخلی در کشور مقصد را به جهت مطالعه در بازار آن کشور دارا هستند. همچنین این هسته ها می توانند اطلاعات جمع آوری شده از کشور مبدا را به سیستم استراتژیک (شکل۳) فرصت های بازار کشور ارسال کنند تا تولیدکنندگان (به خصوص تولیدکنندگانی که با کمبود تقاضا در بازار داخلی مواجه هستند) نیم نگاهی نیز به بازارهای این کشورها جهت بهبود وضعیت فروش محصولات خود داشته باشند. شکل ۲ ترکیب اعضا و روند عملکرد هسته های بازاریابی را نشان می دهند :

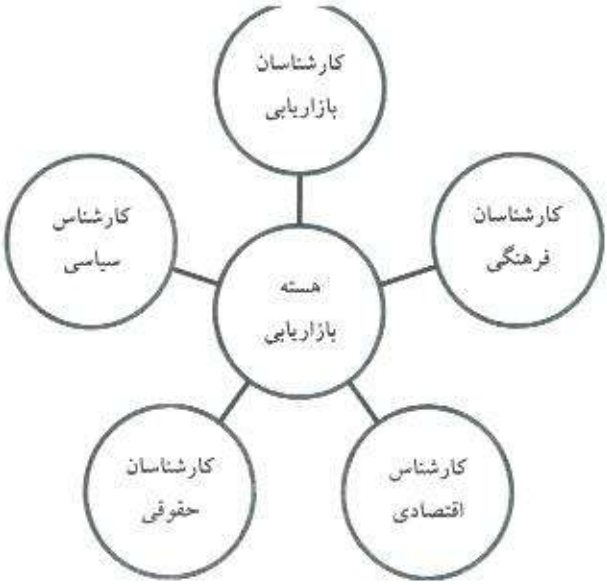

شکل ٤ : ترکیب هسته های بازاریابی در کنسول ها



شکل۵ : روند استفاده از داده های کسب شده توسط هسته های بازاریابی در سیستم مدیریت فرصت های بازار

همانطور که در شکل ۳ مشاهده میشود داده های خامی که توسط سفارت خانه از وضعیت بازار کشورها جمع گردیده است توسط متخصصان آنالیز و تجزیه و تحلیل می‌شود و در سیستم مدیریت فرصت‌های بازار خارجی که در نقش آنالیز بازار و مدیریت دانش نیز قرار دارد ثبت می‌گردد. این سیستم به مثابه معرفی فرصت های جدید در کشورهای مختلف برای تولیدکنندگان ایرانی است. سپس تولیدکننده ایرانی با مراجعه به سایت و با استفاده از داده‌های بازار سعی در بهره‌گیری از این فرصت‌هاست . برای مثال، داده های تحلیل شده در هسته بازاریابی سفارت ایران در چین حاکی از نیاز به مواد غذایی و محصولات صنایع غذایی در حوزه لبنیات در کشور چین می باشد به طوری که دامنه قیمت ها افزایشی در حدود ۱۰٪ تا ۳۰٪ قیمت ماه جاری خواهد داشت و دلیل این امر نیز خشکسالی در مزارع علوفه و نابودی محصولات و در نتیجه کمبود نهاده های تولید بخش لبنی می باشد. تولیدکنندگان ایرانی می توانند با بهره گیری از این سیستم سعی صادرات مازاد محصولات خود به این کشور نمایند و با یک قیمت گذاری استراتژیک میزان نفوذ خود را در بازار افزایش دهند و از هزینه های بازاریابی خود بکاهند. همچنین تولیدکنندگان ایرانی می توانند هزینه های ریسک ناشی عدم شناخت فرهنگ و جامعه را به بازار کشورهای گوناگون را از با استفاده اطلاعات جمعیت شناختی و بازارشناسی این پایگاه به حداقل برسانند. مثلا از توزیع کالایی همانند محصولات مشتقه از گوشت گاو در مناطقی از هند به دلیل گرایشات مذهبی خودداری کنند و یا در نظر داشته باشند که در برزیل رنگ بنفش . در مکزیک رنگ زرد، در ساحل عاج رنگ قرمز تیره رنگ عزا هستند و در توزیع محصولاتی با این رنگ ها دقت بیشتری به خرج دهند و یا از توزیع محصولاتی با نام تجاری الموت (کوهی در قزوین) به کشورهای عربی خودداری نمایند زیرا الموت در عربی به معنای مرگ است .

۲ـ۲ : استفاده از آمایش اطلس جهانی

از دیر باز کشورهای گوناگون به این نتیجه رسیده اند که هر کالای تولیدی با هر کیفیتی را نمی توان در هر منطقه ای در هر کشوری و به هر قشری از جامعه فروخت. احتمال خرید کالاها توسط شهروندان تابعی از میزان نیاز به آن کالا، درآمد خریدار، قیمت کالا، فرهنگ خریدار و ... می باشد. هرچه شرکت ها توانایی تجزیه و تحلیل بهتری از شرایط اقتصادی محیطی و منطقه‌ای داشته باشند موفقیت بیشتری در فروش محصولات صادر شده خود خواهند داشت. برای مثال کشور چین از آمایش جهانی در صادرات محصولات خود استفاده کرده است به گونه ای کشورها را به ۱۳ رده اهمیتی محصولات خود را به ٦ رده کالایی کیفی و قیمتی تقسیم نموده است که کالاهای کلاس یک تا چهار به کشورهای اروپایی، کالاهای کلاس پنج تا هفت به آمریکای مرکزی، شمال و ژاپن، کلاس هشت تا ده به آفریقا و امریکای جنوبی و کالاهای کلاس یازده تا

سیزده به کشورهای آسیایی و به خصوص خاورمیانه صادر می شود . اما سوالی که مطرح می شود این است مه دلیل آمایش جهانی محصولات صادراتی چیست؟ پاسخ این سوال را باید در میزان ارزش افزوده کسب شده از صادرات کالاهای مناسب هر منطقه جست و جو کرد. برای مثال میزان فروش خودرو در آمریکا با یک اقتصاد ١٤ هزار میلیارد دلاری با درآمد سرانه ٤٣ هزار دلاری حدود هشت میلیون دستگاه در سال با قیمت متوسط ٢٠ تا ٣٠ هزار دلار در سال بوده است که نسبت میزان فروش و متوسط قیمت در کشورهای دیگر نشانگر وجود ارزش افزوده بالایی برای خودرو سازان است. آمایش اطلس جهانی این امکان را به صادرکنندگان می دهد تا با بهینه سازی مقصد محصولات صادراتی خود ارزش افزوده بالایی را بدست آورند. در بعد جغرافیای داخلی نیز می توان با بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران می توان به آمار و اطلاعات جالبی در باره میزان درآمد و هزینه خانواده های ایرانی بدست آورد. این بررسی نشان می دهد که میزان متوسط هزینه خالص سالانه هر خانواده ایرانی در سال ١٣٨٩ برابر ٣٤.٥٤٣.٢١٨ بوده که میزان هزینه دهک اول ٣.١٢٨٤.٥٩٨ ریال و برای دهک دهم ٤٠٣.١٦٥.٧٢٥ ریال می‌باشد. میزان متوسط هزینه هر خانوار ایرانی در بخش خوراکی ها و آشامیدنی ها حدود ٣٥.٢١٣.٣٠٣ ریال می باشد که برای دهک اول ٨.٩١٨.٧٩٩ ریال و برای دهک دهم ٧٨.٩٤٦.١٩٨ ریال است. بیشترین هزینه متوسط در استان تهران با هزینه ١٨٥.٣٧٦.٩٤٥ ریال و سپس استانهای اصفهان با ١٥٣.٦٨٢.٩١٥ ریال و قزوین با ١٥٢.٦٦٨.٤٠١ ریال است و کمترین هزینه توسط خانوارهای استانهای هرمزگان با هزینه ٨٧.٣٨٢.٥٢٧ ریال و لرستان با هزینه ٩٤.٥٤٢.٨٧٥ ریال و کردستان با ٩٩.٨٥٥.٧٦٣ ریال ایجاد می‌گردد و بیشترین درآمد نیز متعلق به استان تهران با درآمد پولی خالص و ناخالص ١٨٧.٩١٣.٣٤٩ ریال و استان خوزستان با درآمد پولی خالص و ناخالص ١٤٦.٠٨٨.٢٨٦ ریال و اصفهان با درآمد پولی خالص و ناخالص ١٤٠.١٤٢.٠٧٥ ریال و کمترین در آمد پولی خالص و ناخالص نیز توسط خانوارهای استانهای خراسان شمالی با درآمد ٨١.٠٥٠.٦٠١ ریال و استان اردبیل با درآمد ١٠١.٠٢٨.٢٧٦ ریال و استان سیستان و بلوچستان با درآمد ١٠٦.٧٧٠.٨٨٢ ریال کسب می گردد . بدست آوردن چنین اطلاعاتی از مناطق مختلف جهان و کمک به تقسیم بندی و آمایش مناطق مختلف کشورها می‌تواند تاثیر بسزایی در تشخیص فرصت های بالقوه برای شرکت های داخلی داشته باشد تا با یک قیمت گذاری استراتژیک بتوانند توازن معقولی میان قیمت و کیفیت کالای خود برقرار نمایند و صادرات خود را محدود به چند کشور هم مرز ننمایند. در ایجاد یک سیستم آمایش جهانی در داخل کشور چند محله لازم است که پیموده شود :

١. شناسایی شرکت های فعال و غیر فعال تولید کننده محصولات
٢. درجه بندی کیفیت محصولات تولیدی

۳. کسب داده های لازم از طریق سفارت خانه ها، کنسول ها، اتاق ها و رایزن های بازرگانی
٤. بررسی و تجزیه و تحلیل داده های بدست آمده از هر کشور
۵. ایجاد مدل برنامه ریزی استراتژیک صادرات با در نظر گرفتن موقعیت سیاسی، اقتصادی فرهنگی و اجتماعی هر کشور
٦. ارائه داده تجزیه و تحلیل شده به تولیدکنندگان و صاحبان صنایع کسب و کار و کارآفرینان

البته بدیهی است که ایجاد چنین سیستمی برای تولیدکنندگان ایران به دلیل مواجه شدن با هزینه بالای تولید امکان پذیر نیست و این مسئولیت بر دوش دولت و بخصوص سفارت خانه‌ها و کنسول‌گریهاست تا با جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده های بدست آمده از کشورهای گوناگون گامی در راه توسعه صادرات غیر نفتی بردارند و آگاه باشند که استفاده از آمایش اطلس جهانی موجب به وجود آمدن مزیت رقابتی برای تولید کنندگان داخلی می گردد و آنان با چشمان باز و مطلع قدم به بازار کشورهای گوناگون می گذارد. این اطلاعات در واقع در حکم دانش برای شرکت هستند و همانگونه که پیتر دراکر بیان می کند « در اقتصاد دانش مدار (اقتصادی که امروزه بر جهان حاکم است) ، کسی پیروز است که خود را و توانایی ها و ارزش های پذیرفته خود را بشناسد و بداند که در چه وضعی بهترین کارکرد را دارد » و گیبرت و همکارانش آمال آرزوهای شرکت‌ها در بهره‌گیری از مدیریت دانش را « آگاه بودن از هر آنچه که خود می دانیم » را بیان کرده‌اند ، همچنین بورن و همکارانش نیز کسب مزیت رقابتی را در بهره‌گیری از مدیریت ارتباط با مشتریان که منجر به ایجاد مدیریت دانش و آن نیز منجر به خلق مدیریت دانش مشتری می‌گردد ، دانسته‌اند . البته استفاده از سفارت خانه های ایران در کشورهای دیگر برای خلق ارزش و دانش امری است که تا کنون کمتر صورت پذیرفته و بیشتر تلاش ها حول محور جمع آوری اطلاعات عمومی از کشورهای دیگر بوده است. در هر صورت دانش ایجاد شده و جمع آوری شده توسط سفارت خانه ها، کنسول ها و رایزنی های بازرگانی می تواند گام مهمی در کاهش هزینه ها و رفع مشکلات ورود به بازار کشورهای دیگر بردارد و جایگاه خود را به عنوان نقش حمایتی از صادرکنندگان و بازرگانان تثبیت نماید .

۳ ـ ۲ : شرکت های مدیریت صادرات[1] و ایجاد مزیت رقابتی با تعامل با سفارت خانه‌ها

شرکتهای مدیریت صادرات انواعی از شرکت ها هستند که وظیفه کمک به بنگاه ها در صادرات محصول خود به کشورهای دیگر را دارا می باشند. این شرکت ها می توانند در یک یا چند محصول خاص تخصص داشته باشند و توانایی طراحی و اجرای تمام پروسه بازاریابی از

1 - Export Management Company

تحقیقات بازاریابی تا رفتار و بازخورد مصرف کننده پس از خرید کالا را دارند. این بنگاه ها عموما دارای وظایفی به شرح زیر هستند :

۱. مدیریت تخصصی بازارهای هدف
۲. توسعه و تقویت ارتباط نهادهای رسمی و تخصصی
۳. دسترسی و مدیریت جریان اطلاعات تخصصی در بازار
٤. کسب دانش تخصصی محصول
۵. ارائه خدمات پشتیبانی صادراتی
٦. توسعه و تبلیغ و ترویج نام ونشان تجاری محصولات و...

این شرکت ها همچنین دارای مزایایی به شرح زیر هستند :

- صادرات به دلیل دارا بودن این شرکت ها از شبکه ای از نمایندگان فروش و توزیع کنندگان بهتر و سریعتر انجام خواهد شد .
- شرکت صادراتی زمان و منابع کافی برای امور صادراتی را دارا می باشند .
- شرکت ها می توانند از تجربیات شرکت های مدیریت صادرات جهت صادرات به کشورهای دیگر و امور بازاریابی بهره بگیرند .

همچنین این شرکت ها دارای معایبی به شرح زیر هستند :

- تولیدکننده ممکن نتواند کنترل دقیقی بر روی فرآیند صادرات انجام دهد .
- هزینه های تولید و فروش به دلیل اضافه شدن واسطه افزایش یابد .

شرکت‌های مدیریت صادرات همواره در جست و جوی راه های بهتر برای بهبود خدمات به مشتریان خودهستند.این شرکت ها می توانند در تعامل با سفارت خانه‌ها ، رایزنی‌های بازرگانی و کنسولگری از اطلاعات و دانش آنها استفاده کرده و با همکاری هسته های دانش مستقر در این نهادها به اطلاعات، دانش و تحلیل عمیق تری از شرایط بازار دست یابند. این شرکت ها می‌توانند از این طریق هزینه اولیه ورود به بازار هدف را کاهش داده و تولید کننده‌ها و ارائه دهنده‌های خدمات بیشتری را جذب نمایند و قدرت و نفوذ خود را در بازار های ناشناخته به طور مستمر و سریع تری افزایش دهند. باید این نکته را مد نظر داشت که مشارکت یک فرآیند است و یک شبه رخ نمی دهد کهبا ید در نظر داشت که مشارکت و تعامل بین سفارت خانه ها و شرکت مدیریت صادرات نیازمند پیمودن مراحلی است که در شکل ٤ به تصویر کشیده شده است :

شکل۶ : نردبان مشارکت جهت ایجاد هم افزایی و مزیت رقابتی
در شرکت های مدیریت صادرات و سفارت خانه ها



نمی‌توان از شرکت‌ها سفارت خانه انتظار داشت که بدون هیچ اطلاعی از یکدیگر و فرآیند ، مشارکت گسترده‌ای در یک موضوع داشته باشند، بلکه اول باید راجع به آن بدانند ، پس پله اول ، دانستن است. پله دوم حضور است. ممکن است به صورت حضور در جلسات باشد. پله بعدی نظر دادن است. یعنی فرد یا افراد مشارکت‌کننده شروع به نظر دادن می‌کنند. مرحله بعدی عضویت است. یعنی فرد احساس می‌کند که رابطه‌ای بین او و محله‌اش (اگر در کار محله مشارکت می‌کند) یا اجتماعش (اگر مشارکت برای بهبود وضعیت اجتماع است) وجود دارد. در پله بعدی ، مشارکت به صورت شرکت جستن در تصمیم‌گیری یا طراحی یک برنامه یا حتی اجرای آن شکل می‌گیرد . پله آخر نیز اقدام به مشارکت به صورت درگیر شدن در کار است .

برقراری روابط مناسب شرکت های مدیریت صادرات با سفارت خانه ها می تواند فصل جدیدی را در ایجاد مزیت رقابتی با به اشتراک گذاشتن اطلاعات و استفاده از تجربیات هر دو و تخصصی کردن عملیات این شرکت ها در حوزه های جغرافیایی و جمعیت شناختی ایجاد کند .

۳ ـ نتیجه گیری

با در نظر این نکته که سفارت خانه ها که فقط محلی برای انجام امور دیپلماتیک نیستند سفارتخانه ها نقش بسیار مهمی در تسهیل ورود به بازار کشورها از طریق تشویق تولیدکنندگان و بازرگانان به حضور در بازارهای خارجی از طریق تسهیل امور، ارائه اطلاعات خام و تحلیل شده به صاحبان کسب و کار، همکاری و تبادل نظر با شرکت های مدیریت صادرات دارند. سفارتخانه با ایجاد هسته های بازاریابی نه تنها به بررسی همه جوانب اجتماعی و فرهنگی موجود در جوامع می پردازند بلکه می توانند نفوذ سیاسی دولت را از طریق تسهیل در صادرات کالا و وابسته نمودن کشورها به ایران گسترش دهند. این اطلاعات جمع آوری شده توسط سفارت خانه می‌تواند در ترسیم هر چه واقع بینانه تر نقشه های استراتژیک اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور

تاثیر به سزایی داشته باشد و به تعیین صحیح جایگاه کنونی کشور در اذهان جهانی موثر باشند. متخصصان بازاریابی در سفارت خانه ها می توانند با دریافت بازخورد محصولات فروخته شده در کشورهای مقصد نقاط ضعف تولیدکنندگان ایرانی را نیز آشکار کند مشاوره هایی برای شرکتهای ایرانی ارئه دهند، برای مثال که آیا این تولیدکنندگان به برندسازی باید اهمیت دهند یا به کیفیت و قیمت محصول و اینکه دلیل فروش نرفتن و یا فروش رفتن محصول آنان چیست؟ همکاری سفارت خانه ها با تولیدکنندگان و بازرگانان داخلی موجب ایجاد مشارکت در خلق ارزش می شود و این عامل موجب کسب مزیت های رقابتی برای تولیدکنندگان داخلی می گردد. سفارت خانه می توانند بهترین راهنما برای شرکت های دانش بنیان باشند که دارای توانایی های مالی کم و محصولات جذابی برای بازارهای خارجی و داخلی می باشند. امید است تا با رفع ضعف ها خلا های موجود در ارتباط و تعاملات بین بخش های دولتی و خصوصی افزایش یابد و موجب تحرک و چابکی بیشتر این دو بخش گردد تا در سال تولید ملی توفیق هرچه بیشتر صادرات و تولیدات ملی را داشته باشیم .

٤ ـ پیشنهادات

در مقاله بالا به طور ضمن به برخی از موانع و کمبود های توسعه صادرات اشاره گردید . باید این نکته را در نظر داشت بزرگترین مشکل بنگاههای داخلی نبود نیروهای متخصص در زمینه بازاریابی و فروش است ولی نباید نقش اطلاعات را نیز نادیده گرفت و به این نکته توجه داشت که یکی از عوامل ورود نکردن بنگاه ها به مقوله صادرات ترس از فرآیند صادرات می باشد و بخشی از این ترس نیز مربوط به عدم دریافت اطلاعات به روز و مناسب از بازارهای هدف می‌باشد. ایجاد سیستم مدیریت فرصت های بازار جهت دسترسی برخط و دائم بازاریابان و صاحبان صنایع و کسب و کار در سطح وزارت خانه های صنعت معدن، تجارت و اتاق های بازرگانی می‌تواند راهگشای این نقیصه باشد. این سیستم علاوه بر تولید دانش میان اصناف می‌تواند موجب خلق فرصت های بین صنفی نیز جهت همکاری های آتی در زمینه گسترش های افقی و عمودی و توسعه محصول و بازار گردد .

منابع و مآخذ

۱. ایرانی ، حمیدرضا و اصغر رحمتی ـ « نسل سوم بازاریابی » ـ بازاریابی ۳.۰ در توسط فیلیپ کاتلر ، هرماوان کارتاجایا و ایوان ستیاوان ، ٤٠ ـ آریانا قلم ـ ۱۳۹۰ .

۲. آمار و اطلاعات گمرک جمهوری اسلامی ایران ـ بدون تاریخ ـ www.irica.gov.ir .

۳. « روش‌شناسی نظری و روش کار اجرائی در آمایش سرزمین با تأکید بر پروژه‌های سرمایه‌گذاری بزرگ منطقه‌ای در » ـ توسط بیژن بیدآباد ـ مؤسسه فرهنگی هنری گیتی ۱۳۸٤.

۴. پاکزادمنش ، پروین و سعید نوری نشاط ـ « بر کدام پله مشارکت ایستاده‌ایم؟ » ـ ۱۳۹۰ . http://bahamestan.persianblog.ir/post/15

۵. پایتختی اسکویی ، سید علی ـ « بررسی ساختاری صادرات غیر نفتی ایران » ـ اطلاعات سیاسی ، اقتصادی ـ ۱۳۸۰ ـ ۲۵۰ ، ۲۵۷ .

٦. حیدرزاده ، کامبیز و بهرام خیری ـ « ارزیابی تاثیر بین آگاهی از کشور خاستگاه مارک تجاری و تصویر ذهنی از کشور خاستگاه تولید » ـ فصلنامه پژوهشهای بازرگانی ـ زمستان ۱۳۸۷ـ ۹۷ ، ۷۵ .

۷. سازمان توسعه تجارت ایران ـ ۱۳۸٦ .
http://fa.tpo.ir/documents/document/13833/14478/portal.aspx

۸. قربانلو ، سینا و سرجیو زیمن ـ « پایان عصر بازاریابی سنتی » ـ انتشارات مبلغان ـ ۱۳۸۷ .

۹. قره‌چه ، منیژه و فیروز شمشیری ـ « مزایای استفاده شرکت های مدیریت صادرات در راهبردهای شرکتهای کوچک و متوسط » ـ مطالعات مدیریت راهبردی ـ ۱۳۸٦ ـ ۸۵ ، ٦۵ .

۱۰. محجوب ، محمد ابراهیم ـ « راهبری خویش » ـ جستارهایی در رهبری در ، توسط پیتر دراکر و و دیگران ـ ۱۳ ، ۱۵ ـ تهران ـ نشر نی ـ ۱۳۸۹ .

۱۱. مهری ، علی و سید حمید خداداد حسینی ـ « طراحی مدل مزیت رقابتی برای صنعت خودرو ایران » ـ بدون تاریخ .

۱۲. « نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران » ـ تهران ـ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ـ مدیریت کل آمارهای اقتصادی ـ اداره آمار اقتصادی ـ دایره بررسی بودجه خانوار ـ ۱۳۸۹ .

۱۳ . ویژه نامه نوروزی ۱۳۸۹ روزنامه جام جم ـ « زیر پوست اژدهای چینی چه می گذرد؟ » اسفند ۱۳۸۸ ـ ۶۸ ، ۶۹ .

14 . Anton, G. "A Study of Competitive Advantage Services." Management Information Systems, n.d.

15 . Bueren, Adrian, Ragnar Schierholz, Lutz Kolbe و ,Walter Brenner . "Customer Knowledge Management - Improving Performance of Customer Relationship Management with Knowledge Management ". 37 th Hawaii International Conference on System Sciences.Hawaii: IEEE, 2004 . 5 - 4 .

16 . Gibbert, Micheal, Marius Leibold و ,Gilbert Probst" .Five Styles Of Customer Knowledge Management,and How Smart Companies Use Them To Create Value ".European Management Journal , 462 - 461 2002 .

17 . Report of selected countries and subjected. April 1, 2012. http://www.imf.org/external/data.htm.

18 . wikipedia .www.fa.wikipedia.org/wiki.

بررسی پاسخ مولفه‌های تجاری بخش کشاورزی نسبت به شوک‌های ارزی با تأکید بر تولید و سرمایه بخش کشاورزی

حسن مافی[1] و الهام فودازی[2]

مقدمه

رشد اقتصادی، از شاخص‌های مهم توسعه به شمار می‌رود. این شاخص در هر کشوری با توجه به ساختار اقتصاد آن، متأثر از عوامل و پدیده‌های گوناگونی است. بخش خارجی اقتصاد هر کشور یکی از عوامل اثرگذار بر رشد اقتصادی است. در این میان نرخ ارز به عنوان یکی از مولفه‌های مهم اثرگذار بر تجارت همواره مورد توجه بوده است. این شاخص یکی از قیمت‌های کلیدی در تعیین کارآیی نظام اقتصادی در هر کشور است و در تعدیل و تنظیم ورود و خروج سرمایه و صادرات و واردات کالا در یک اقتصاد نقش مهمی را ایفا می‌کند، افزون بر این نرخ ارز از عوامل مهم در حفظ قدرت رقابتی اقتصاد کشور در بازارهای بین المللی و در نتیجه توان صادرات غیرنفتی کشور و عاملی مهم در رهایی از وابستگی به صادرات نفتی است. همچنین می‌تواند قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی را در برابر سیل واردات کالاهای خارجی (که به وسیله درآمدهای ارزی حاصل از نفت تامین مالی می شوند) حفظ کند .

به طورکلی ، سیاست‌های ارزی و تغییرات نرخ ارز به دو صورت حمایت از بخش کشاورزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تغییرات نرخ ارز از یک سو موجب انحراف قیمت‌های کشاورزی می‌شود که این انحرافات قیمتی به افزایش (کاهش) حمایت از قیمت بازاری تولیدکنندگان داخلی منجر خواهد شد. از سوی دیگر، تغییرات نرخ ارز، پرداخت‌های مستقیم به کشاورزان همچون کمک‌های سرمایه‌ای دولت، یارانهٔ نهاده‌ها و انتقال‌های مختلف دیگری از هزینه‌های دولت به کشاورزان و در مجموع پرداخت‌های بودجه‌ای به تولیدکنندگان را تحت تأثیر قرار می‌دهند .

سئوال اصلی این پژوهش بررسی اثر تغییرات نرخ ارز بر مولفه‌های تجاری بخش کشاورزی است. در این راستا به مسائلی از قبیل اثرات بازخورد مبادلات تجاری، موجودی سرمایه، رشد بخش کشاورزی و نرخ ارز پرداخته شده است. همچنین در این تحقیق اثر اجرای برنامه‌های توسعه در چارچوب الگوی طراحی شده بررسی شده است. آیا نرخ ارز به عنوان یک متغیر اثرگذار در رشد و توسعه بخش کشاورزی مطرح است؟ همچنین تعاملات و ساز و کار

---

۱ ـ کارشناس ارشد اقتصاد کشاورزی دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران و شرکت مهندس مشاور مهاب قدس
۲ ـ کارشناس ارشد اقتصاد کشاورزی دانشگاه پیام نور تهران

اجزای تجارت خارجی با عوامل کلان بخش کشاورزی چگونه است؟ و اثر اجرای برنامه‌های توسعه در این ساختار چگونه بوده است؟ بدین ترتیب هدف اصلی این پژوهش بررسی اثر نرخ ارز بر مبادلات تجاری در بخش کشاورزی ایران است. همچنین اثرات متقابل مبادلات تجاری سرمایه و درآمد بخش کشاورزی به عنوان یکی از مهمترین بخش‌های اقتصادی که تأمین کنندهٔ بخش قابل توجهی از صادرات غیر نفتی است، بررسی خواهد شد. از دیگر اهداف این پژوهش بررسی اثر سیاست‌های ارزی و جهت‌گیری‌های تجاری برنامه‌های توسعه بر متغیرهای الگوی تجارت خارجی در بخش کشاورزی است .

در ایران ، مزینی و یاوری (۱۳۸۳) به بررسی اثر تغییرات نرخ ارز بر بخش تجاری کشور پرداختند . نتایج بیانگر آن هستند که افزایش نرخ ارز باعث افزایش قیمت نسبی کالاهای قابل مبادله به غیر قابل مبادله می شود ، اما رابطه‌ای معنی‌دار بین نوسانات ارزی و رابطه مبادله مشاهده نمی‌شود. مصورنیا (۱۳۷٦)، بر اساس آزمون‌های ایستایی و همگرایی با تکیه بر آزمون علیت گرنجر طی دوره ۷٤ ـ ۱۳۳۸، رابطه بین نرخ ارز، رشد صادرات و رشد تولید ناخالص داخلی را بررسی کرد. کازرونی و رستمی (۱۳۸٦) به بررسی اثرات نامتقارن نوسانات نرخ ارز بر تولید واقعی و قیمت در ایران طی دوره ۸۱ ـ ۱۳٤۰ پرداختند . صمدی (۱۳۸۲) به ارزیابی تاثیر تنظیم نادرست نرخ واقعی ارز بر عرضه صادرات محصولات منتخب کشاورزی پرداخته است. وی نشان داد که متغیر انحراف نرخ واقعی ارز از مسیر تعادلی بلند مدت خود بر صادرات محصولات منتخب کشاورزی منفی است بدین معنی که این انحراف یکی از عوامل بازدارنده توسعه صادرات کالاهای کشاورزی است. هژبر کیانی و نیک اقبالی (۱۳۷۹) به بررسی اثر متغیرهای نوسانات نرخ واقعی ارز و انحراف نرخ واقعی ارز نسبت به مسیر تعادلی بلند مدت آن پرداختند. بررسی‌ها نشان می دهد که این متغیرها اثر منفی بر عرضه صادرات محصولات کشاورزی دارند. لذا تلاش در جهت تثبیت نرخ واقعی ارز و نزدیک کردن نرخ واقعی ارز به میزان تعادلی آن می تواند به گسترش و توسعه صادرات محصولات کشاورزی کمک نماید. در این پژوهش به منظور بررسی متغیرهای کمی موثر بر عرضه صادرات محصولات کشاورزی، از مدل نورالسلام و سایر امانیان (۱۹۸۹) استفاده شده است. نتایج این بررسی نشان می دهد که انحراف نرخ واقعی ارز نسبت به مسیر تعادلی بلند مدت آن، نوسانات نرخ واقعی ارز و فشار تقاضای داخلی برای کالاهای قابل صدور بر عرضه صادرات محصولات کشاورزی اثر منفی دارند و قیمت نسبی محصولات صادراتی کشاورزی و تغییرات ناگهانی در تولیدات کشاورزی و پیشرفت‌های فنی بر عرضه صادرات محصولات کشاورزی اثر مثبت دارند .

کوتانی، کاوالو و خان(۱۹۹۰)، ۲٤ کشور در حال توسعه را در نظر گرفته و با استفاده از داده‌های مقطعی که از هر یک از این کشورها طی سال‌های ۱۹۸۳ ـ ۱۹٦۰به دست آمده، رابطهٔ

بین بی ثباتی نرخ واقعی ارز و انحراف آن از مسیر تعادلی را با شاخص‌های عملکرد اقتصادی مانند نرخ رشد، صادرات، تولید کشاورزی وسرمایه گذاری، مورد بررسی قرار می دهند. در این تحقیق بی ثباتی نرخ واقعی ارز به صورت یک انحراف نامنظم در اطراف میانگین در نظر گرفته می‌شود و ابتدا میزان انحراف نرخ واقعی ارز را از روش برابری قدرت خرید و سپس با استفاده از یک روش ساختاری به دست می آورد و نشان می‌دهد که بی ثباتی نرخ واقعی ارز بر روی رشد سرانه، اثر منفی دارد. در پایان این محققان اظهار می‌دارند که نرخ واقعی ارز یک عنصر اصلی و تعیین کننده رشد اقتصادی نیست، بلکه یک متغیر برون‌زاست که شوک‌های مختلف اقتصادی (ازجمله سیاست‌های داخلی) را بر عملکرد و رشد اقتصادی منعکس می‌کند. پیک و والرلچ (۱۹۹٤) در مطالعه‌ای تحت عنوان « انحراف نرخ واقعی ارز و عملکرد صادرات کشاورزی در کشورهای در حال توسعه » به بررسی تاثیر انحراف نرخ واقعی ارز بر صادرات محصولات کشاورزی در ده کشور پرداخته است. در این مطالعه علت اصلی انحراف نرخ ارز در کشورهای در حال توسعه ـ که سبب ارزشگذاری بالاتر از ارز مقدار تعادلی نرخ ارز در این کشورها می‌شود ـ عدم امکان تعدیل نرخ رسمی ارز نسبت به تغییرات ایجاد شده در متغیرهای بنیادی اقتصاد ذکر شده است. محققان پس از محاسبه انحراف نرخ واقعی ارز و قرار دادن آن در تابع عرضه صادرات محصولات کشاورزی، به بررسی تاثیر آن بر صادرات کشاورزی پرداختند. نتایج حاصل از برآورد تابع، حاکی از وجود رابطه ای منفی و محکم بین این دو است. البته این نتیجه به لحاظ آماری تنها برای چهار کشور ، از ده کشور مورد مطالعه، معنی دار بوده است و برای بقیه کشورها نتایج معنی داری بدست نیامده است. مطالعه یامادا (۱۹۹۸) ، در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه[1] (ایالات متحده، بریتانیا، ژاپن، ایتالیا، کانادا ، با داده‌های فصلی تعدیل شده طی دوره (۲)۹۷ ـ (۱)۱۹۷۵ و در دورهٔ (۲)۹۷ ـ (٤)۱۹۷۷، برای فرانسه) با استفاده از روش VAR ، فرضیه رشد مبتنی بر صادرات بررسی می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که کشور ایتالیا، کانادا و انگستان صادرات منجر به رشد شده است. مطالعه تارنتون (۱۹۹۷)[2]، در دوره ۱۹۱۳ ـ ۱۸۵۰ نشان می‌دهد که در ایتالیا، نروژ و سوئد رشد مبتنی بر صادرات و در انگستان صادرات مبتنی بر رشد و در دانمارک و آلمان رابطه علی دو سویه بین صادرات و رشد وجود دارد. مطالعه هانانجایان و دوی (۱۹۹۷)[3]، در کشورهای سوئد، اسپانیا، فرانسه، آلمان، ایتالیا و بریتانیا اثر مثبت و معنا دار رشد اقتصادی و صادرات نشان داده می‌شود. مطالعه آفستیو و سرلتیس (۱۹۹۱) [4]، در ١٦ کشور صنعتی، با استفاده از گرنجر دو متغیره رابطه رشد مبتنی بر صادرات را در نروژ، ژاپن و کانادا و ارتباط علّی دو سویه را در ایالات متحده و عدم ارتباط علّی

1 - OECD countries
2 - Thornton (1997)
3 - Dhananjayan & Devi (1997)
4 - Afxention & Serletis (1991)

بین صادرات و GNP واقعی را در استرالیا، بلژیک، دانمارک، فنلاند، آلمان، ایسلند، ایرلند، هلند اسپانیا، سوئد، سویس و بریتانیا در دوره ۸۵ ـ ۱۹۵۰ نشان داد. ماریان (۱۹۹۲)، در آلمان، ایالات متحده و بریتانیا فرضیه رشد مبتنی بر صادرات را با استفاده از روش گرنجر چهار متغیره، ECM و VAR تأیید کرد. قاتک (۱۹۹۷)[1] در مطالعه خود با استفاده از الگوهای علیت و خودتوضیح برداری به بررسی اثر متقابل نرخ ارز واقعی، GDP ، صادرات، سرمایه‌گذاری، مخارج دولت عرضه پول و نرخ بهره در کره جنوبی پرداخت. نتایج بیانگر وجود رابطهٔ علی میان نرخ ارز، رشد اقتصادی و صادرات بوده است. جین (۱۹۹۵)[2] نیز در کرهٔ جنوبی با بکارگیری مدل VAR و سری متغیرهای لگاریتم GDP واقعی و صادرات؛ شاخص تولیدات صنعتی ، سطح قیمت جهانی کالا برای صادرات و نرخ واقعی تبدیل ارز رابطهٔ میان آن‌ها را بررسی کرد. در این مطالعه ارتباط علّی دو سویه بین متغییر صادرات و متغییر رشد اقتصادی تأیید شد. چنگ و اردن در سال ۲۰۰۶ متغیرهای بنیادی بیشتری را تعریف کردند و با استفاده از تکنیک‌های سری زمانی و روابط بلند مدت متغیرهای بنیادی را بر روی رفتار نرخ ارز واقعی بررسی کردند .

روش تحقیق

نظریه برابری قدرت خرید (PPP) یک نقطه شروع مناسب برای پرداختن به مباحث مربوط به نرخ ارز واقعی است به این دلیل که PPP اساس تعداد زیادی از مدل های نرخ ارز ساختاری و یک معیار مناسب برای مقایسه متدولوژی های پیچیده است. در این معیار از شاخص قیمت مصرف‌کننده دو کشور طرف تجاری استفاده می‌شود. این تئوری بیان می‌کند که نرخ ارز خارجی از نسبت بین قدرت خرید واقعی پول دو کشور به دست می‌آید. بنابراین طبق این نظریه سطح قیمت‌ها در دو کشور، متغیرهای مستقل و نرخ های ارز، متغیر وابسته می‌باشند. طبق این نظریه ارزش خارجی پول به قدرت داخلی آن بستگی دارد. بدین وسیله این نظریه می‌خواهد مبنایی برای ترقی و تنزل ارز در یک دوره معین به دست دهد .

به طور کلی ساختار عوامل موثر بر الگوی مورد نظر شامل :

۱. عوامل طرف عرضه داخلی (همچون اثر بالاسا ـ ساموئلسون که از رشد سریعتر بهره‌وری در بخش تجاری نسبت به بخش غیرتجاری ناشی می‌شود) ؛
۲. محیط اقتصاد جهانی، شامل نرخ بهره (یا تورم) جهانی، جریانات سرمایه و رابطه مبادله ؛
۳. سیاست‌های تجاری مانند آزادسازی تجاری و کاهش تعرفه‌های وارداتی و یارانه‌های صادراتی ؛
٤. و سیاستهای ارزی است .

1 - Ghatak (1997)
2 - Jin (1995)

شکل کلی مدل مورد استفاده که مبنای برآورد و تخمین الگوی اثر نرخ ارز بر مبادلات تجاری بخش کشاورزی است ، به صورت رابطه (۱) می‌باشد :

$$V = f[(LTOT, LCR, LAV, LS, LOil, LOpen, LTFP, LWIR), d, b, LDCR] \quad (۱)$$

که در آن :

LCR : لگاریتم نرخ ارز (واقعی)

LTOT : لگاریتم رابطه مبادله بخش کشاورزی

LOPN : لگاریتم درجه باز بودن اقتصاد

LAV : لگاریتم ارزش افزوده بخش کشاورزی (میلیارد ریال)

LTFP : لگاریتم تغییر بهره‌وری بخش کشاورزی

WIR : نرخ بهره جهانی

LPC : لگاریتم سرمایه بخش کشاورزی (میلیارد ریال)

LOil : لگاریتم درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی

d : متغیر مجازی یکسان‌سازی نرخ ارز (سال ۱۳۷۱)

b : متغییر مجازی سیاست‌های تجاری در برنامه‌های توسعه (برنامه سوم و چهارم توسعه)

LDCR : تفاوت نرخ ارز رسمی و آزاد

داده‌های این مطالعه از سایت بانک مرکزی ایران، OECD، FAO و IMF گردآوری شده و دوره مطالعه مربوط به سالهای ۸۷ ـ ۱۳۵۵ است .

در این بررسی برای تدوین الگوی مورد نظر ، از رهیافت الگوسازی سری‌های زمانی استفاده شده است . فرض کنید فرایند ایجاد داده[1] (DGP) چند بعدی سری زمانی $y_1, \ldots, y_T$ ایستاست، بنابراین می‌توان فرایند VAR را به فرم کلی زیر نشان داد :

$$y_t = A_0 + A_1 y_{t-1} + \cdots + A_p y_{t-p} + u_t \quad (۱)$$

که در اینجا ، u_t فرایند نوفه سفید با میانگین صفر، ماتریس کواریانس غیره منفرد[2] در فاصله زمانی یکسان $\sum u$ و کواریانس صفر $E(u_t, u_t') = 0$ است . $E(u_t, u_{t-h}') = 0$

رابطهٔ ۲ شکل عمومی فرایندهای VAR در حالت ایستا را نشان می‌دهند:

$$y_t = \sum_{i=1}^{\infty} \Xi_i y_{t-i} + u_t \quad (۲)$$

1 - Data Generation Process (DGP)
2 - Nonsingular

اگر فرایند ایجاد داده (DGP) ایستا نبوده ، ولی شامل برخی متغیرهای هم‌انباشته از I(۱) باشد، استفاده از سطوح داده‌ها برای برازش مدل VAR مناسب نیست. در این حالت، به ازای $z=1$، دترمینان$A(z)$ برابر با صفر است. بنابراین مدل به شکل تصحیح خطا یا تصحیح تعادلی[1](EC) با کم کردن عبارت $A_1 y_{t-1}$ از دوطرف و مرتب‌سازی مجدد به شکل زیر نشان داده می‌شود :

$$A_0 \Delta y_t = \Pi y_{t-1} + \Gamma_1 \Delta y_{t-1} + \cdots + \Gamma_p \Delta y_{t-p+1} + u_t \qquad t \in N \qquad (۳)$$

که $\Gamma_i = -(A_{i+1} + \cdots + A_p)(i = 1, \ldots, p-1)$ و $\Pi = -(A_0 - A_1 - \cdots - A_p) = A(1)$ است .

در اینجا Πy_{t-1} جمله تصحیح خطا و $r = rk(\Pi)$ مرتبهٔ همگرایی سیستم است که تعداد روابط همگرایی خطی را بین متغیرها تعیین می‌کند. بنابراین در این حالت، فرم کلی مدل EC - VAR یا VECM به شکل زیر است :

$$\Delta y_t = \Pi^* y_{t-1} + \sum_{j=1}^{l-1} \Theta_j \Delta y_{t-j} + u_t, \quad t \in n \qquad (٤)$$

شایان یادآوری است که الگوی VEC متناظر با یک الگوی VAR با همان مشخصات است . بنابراین تعداد وقفه تفاضل متغیرها در الگوی VEC نیز بر اساس تعداد وقفه‌های سطح متغیرهای الگوی VAR متناظر با آن تعیین می‌شود و به عبارتی تعداد وقفه در الگوی VEC یکی کمتر از تعداد وقفهٔ بهینه در الگوی VAR است. در این الگوها بررسی آزمون‌های مربوط به خوبی برازش همانند، ناهمسانی واریانس، همبستگی سریالی، ثبات سیستم و نرمال بودن اجرای اخلال ضروری است .

نتایج و بحث

گام نخست در زمینهٔ الگوسازی سری‌های زمانی، شناخت ماهیت آن است. بنابراین باید رفتار سری‌های شناسایی‌شده تعیین شود. انتخاب متغیرها برای الگوسازی، بر اساس مطالعات پیشین و ساختار بخش کشاورزی ایران صورت پذیرفت. پس از شناسایی بردار متغیرهای الگو باید ماهیت متغیرهای بردار برای تشخیص الگو تعیین شود. بنابرین، ابتدا باید آزمون ریشه واحد برای بررسی ایستایی متغیرهای الگو انجام شود.آزمون ریشه واحد یکی از روش‌های معتبر برای بررسی ایستایی در سری‌های زمانی است. آزمون ایستایی به منظور اجتناب از رگرسیون کاذب ضروری است. بررسی متغیرهای الگو در طی زمان، بیانگر وجود روند در سری‌های زمانی است. بر اساس نتایج، با توجه به بیشتر بودن مقدار محاسباتی از مقدار بحرانی ، متغیرهای نرخ ارز

1 - Error Correction or Equilibrium Correction (EC)

واقعی ، درجه باز بودن اقتصاد، رابطه مبادله و مخارج دولت با یک بار تفاضل‌گیری ایستا می‌شوند و متغیرهای درآمد نفتی، رشد تولیدات صنعتی و نرخ بهره جهانی در سطح ایستا هستند . پیش از آزمون همگرایی لازم است وقفه‌های بهینه، و وجود روند و عرض از مبدأ در روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت مشخص شود. برای تعیین تعداد وقفه‌های بهینه، باید نخست، الگوی خودتوضیح برداری برازش شود. معیارهای خطای پیش‌بینی نهایی، آکاییک و حنان کویین دو وقفه را برای الگو تعیین می‌کنند، اما معیارهای نسبت درستنمایی و شوارتز تنها یک وقفه را برای بررسی روابط و برازش الگو پیشنهاد می‌کند. از آنجا که حجم نمونه کوچک‌تر از ۱۲۰ مشاهده است، استفاده از معیار شوارتز مناسب‌تر است. بنابراین آزمون جوهانسن، با طول وقفهٔ صفر، برای بررسی روابط بلندمدت استفاده شد. برای اطمینان از درست‌بودن انتخاب طول وقفه، می‌بایست نرمال‌بودن اجزای اخلال، ثبات سیستم، همبستگی پیاپی و ناهمسانی واریانس میان جملات اخلال الگوی خودتوضیح برداری بررسی شود. برای این منظور از آزمون‌های LM[1]، JB[2]، پرتمنتو[3] و ثبات سیستم (AR Root) استفاده شد. تشخیص نادرست تعداد وقفه‌ها سبب ایجاد همبستگی سریالی، بی‌ثباتی الگو و نرمال‌نبودن اجزای اخلال می‌شود. براساس آزمون‌های فوق، درستی تعداد وقفهٔ تعیین‌شده بر مبنای معیار شوارتز تأیید می‌شود. نتایج نشان داد که اجزای اخلال دارای توزیع نرمال بوده و انتخاب تعداد وقفه موجب غیرنرمال‌شدن آن نشده است. فرض صفر در این آزمون نرمال‌بودن اجزای اخلال می‌باشد. همچنین فرض صفر آزمون‌های LM و پرتمنتو ، نبود همبستگی پیاپی میان جملات اجزای اخلال الگوست. بر اساس نتایج، احتمال وجود همبستگی پیاپی میان جملات پسماند الگو رد می‌شود. به عبارت دیگر، فرض صفر پذیرفته می‌شود. بنابراین ، تعداد وقفهٔ انتخاب‌شده موجب ایجاد همبستگی میان اجزای اخلال نشده است. نتایج آزمون ثبات سیستم در الگوی خودتوضیح‌برداری برازش‌شده نشان داد که تمامی ریشه‌های مشخصهٔ معکوس الگو داخل دایره به شعاع واحد قرار گرفته است که بیانگر ثبات سیستم الگوی VAR است. آزمون ناهمسانی واریانس جملات اخلال نیز برای الگوی خودتوضیح برداری برازش‌شده انجام شد. فرض صفر در این آزمون، همسانی واریانس در اجزای اخلال است. براساس نتایج، فرض صفر پذیرفته می‌شود. به عبارت دیگر، احتمال وجود ناهمسانی واریانس در جملات اخلال رد می‌شود. بنابراین، برای بررسی روابط بلندمدت میان اجزای اخلال از آزمون جوهانسن با تعداد وقفه صفر (متناظر با وقفهٔ یک در الگوی VAR) استفاده شد. با توجه به وجود روند در داده‌های این مطالعه و بر اساس آزمون جوهانسن وجود دو رابطهٔ بلندمدت در الگو تأیید شد. بر اساس آماره اثر (تریس)، حداکثر چهار رابطهٔ بلند مدت در میان متغیرهای الگو وجود دارد، اما آماره حداکثر

1 - Lagrange multiplier
2 - Jarque-Bera
3 - Portmanteau

مقدار وجود حداکثر دو رابطه بلند مدت را تأیید می‌کند. در این شرایط، آماره‌ای که کمترین تعداد رابطه بلندمدت را نشان دهد، پذیرفته می‌شود .

با توجه به این که تمامی متغیرهای الگو، انباشته از درجه یک است و همچنین تأیید وجود دو رابطهٔ بلندمدت میان آنها، الگوی تصحیح خطای برداری برای برآورد الگو انتخاب می‌شود. تعداد وقفه‌های بهینه در الگوی تصحیح خطای برداری بر اساس تعداد وقفه بهینه در الگوی خود توضیح برداری تعیین می‌شود. با توجه به این که وقفهٔ بهینه در الگوی VAR برابر با یک بوده است، وقفهٔ بهینه در الگوی VEC برابر با صفر خواهد بود. بنابراین با فرض وجود عرض از مبدأ در روابط کوتاه‌مدت و عرض از مبدأ و روند در روابط بلندمدت، الگو تصحیح خطای برداری برازش می‌شود. نتایج الگوی تصحیح خطای برداری برای الگوی نرخ ارز واقعی در جدول ۱ نشان داده شده است. همان طور که مشاهده می‌شود رابطهٔ بلندمدت در الگو معنی‌دار است. آمارهٔ F نیز در الگو، معنی‌داری ضرایب روابط بلندمدت را نشان می‌دهد. معیار شوارتز نیز برای مقایسه حالت‌های مختلف در مدل VEC می‌باشد که با توجه به کوچک بودن آن مشخص می‌شود که تعداد وقفه‌های بهینه به درستی انتخاب شده است. ضرایب تعدیل که نشان دهنده رابطه مبادله برای بخش کشاورزی است برابر با ۰/۰۳- و ۰/٤-است و به این معنی است که در صورت به وجود آمدن شوک به رابطه مبادله، ۳ درصد آن طی یک دوره تعدیل می‌شود. همچنین ٤۰ درصد اثر تکانه ارزش افزوده بر رابطه مبادله طی یک دوره تعدیل می‌شود. ضرایب بلندمدت در این رابطه به دلیل لگاریتمی بودن مدل، کشش‌های بلندمدت را نیز نشان می‌دهند .

همان طور که مشاهده می‌شود، در رابطه بلندمدت اول، اثر نرخ ارز بر رابطه مبادله بخش کشاورزی منفی است، به طوری که یک درصد افزایش در نرخ ارز واقعی موجب ٦/٤ درصد کاهش در رابطه مبادله بخش کشاورزی می‌شود که علامت منفی و معنی‌داری ضریب این متغیر نشان‌دهنده غالب بودن اثر درآمدی بر اثر جانشینی ناشی است. این در حالی است که در رابطه بلندمدت دوم، اثر نرخ ارز بر ارزش افزوده واقعی بخش کشاورزی مثبت است، به طوری که با افزایش یک درصد به نرخ ارز، ۰/۱ درصد درآمد بخش کشاورزی افزوده می‌شود. بنابراین ارزش افزوده بخش کشاورزی نسبت به تغییرات نرخ ارز کشش‌ناپذیر است .

متغیر درجه باز بودن اقتصاد به طور معنی‌داری بر رابطه مبادله بخش کشاورزی اثر مثبت دارد و ضریب آن نشان می‌دهد که اگر یک درصد درجه آزادی تجاری (اقتصاد) افزایش یابد آنگاه ۸ درصد نرخ رابطه مبادله بخش کشاورزی بهبود می‌یابد .

متغیر درآمد نفتی، بر رابطه مبادله بخش کشاورزی بی‌تاثیر است. اما اثر این متغیر بر ارزش افزوده کشاورزی منفی و معنی‌دار است، اگر یک درصد درآمد نفتی افزایش یابد، درآمد کشاورزی ۰/۱۱ درصد کاهش می‌یابد. می‌توان گفت افزایش صادرات (درآمدهای) نفتی، موجب

عدم توجه به بخش کشاورزی و کاهش درآمدهای این بخش شده، چون افزایش درآمدهای نفتی توأم با تورم و وردات بی‌رویه است و سبب افزایش هزینه تولید و عدم توان رقابت تولیدات بخش کشاورزی با محصولات مشابه خارجی است.

موجودی سرمایه بخش کشاورزی اثر مثبت و معنی‌داری بر رابطه مبادله این بخش دارد، به طوری که یک درصد افزایش در سرمایه بخش کشاورزی موجب بهبود رابطه مبادله به میزان ۲۵ درصد است. این در حالی است که اثر سرمایه بر ارزش افزوده بخش کشاورزی در این الگو مثبت و کم معنی است.

متغیر رشد بهره‌وری کل بخش کشاورزی نیز اثر مثبت و معنی‌داری بر رابطه میادله بخش کشاورزی دارد ، به طوری که یک درصد افزایش در بهره‌وری سبب افزایش ۱۱ درصدی رابطه مبادله بخش کشاورزی خواهد شد. همچنین اثر بهره‌وری بر درآمد بخش کشاورزی نیز معنی‌دار است .

با افزایش نرخ بهره جهانی نسبت به نرخ بهره در داخل کشور، جریان ورودی سرمایه به داخل کشور کاهش می‌یابد و بر این اساس موجب تضعیف ارزش ریال در مقابل دلار آمریکا می‌شود. در این بررسی اثر نرخ بهره جهانی بر رابطه مبادله منفی و معنی‌دار است. همان طور که مشاهده می‌شود، یک درصد افزایش در نرخ بهره جهانی موجب کاهش حدود ۱۲ درصدی رابطه مبادله بخش کشاورزی است. این در حالی است که اثر نرخ بهره جهانی بر درآمد بخش کشاورزی مثبت و در عین حال کشش‌ناپذیر است .

برای بهبود مدل تصحیح خطا برداری در الگو از متغیرهای برونزا و مجازی D1 (یکسان‌سازی نرخ ارز) و متغیر مجازی برنامه‌های توسعه برون‌گرا B (مقدار یک برای برنامه سوم و چهارم توسعه) استفاده شده است. همان طور که مشاهده می‌شود، اثر یکسان‌سازی نرخ ارز و سیاست‌های برون‌گرای برنامه‌های توسعه، بر مبادلات تجاری بخش کشاورزی، ارزش افزوده این بخش و نرخ ارز واقعی مثبت است. با این حال تنها اثر سیاست‌های برون‌گرا و یکسان‌سازی نرخ ارز بر نرخ ارز واقعی معنی‌دار است. بدین ترتیب می‌توان گفت که سیاست‌های تجاری برنامه‌های توسعه در بهبود رابطه مبادلهٔ بخش کشاورزی ناکارآمد بوده است .

VECجدول ۱- نتایج الگوی مبادلات تجاری بخش کشاورزی بر اساس روش

شرح	روابط همگرا و ضرایب بلندمدت	
	رابطهٔ یک	رابطهٔ دو
LOG(TOT(-1)) (رابطه مبادله بازرگانی کشاورزی)	۱/۰۰	۰/۰۰
LOG(AV(-1)) (ارزش افزوده بخش کشاورزی)	۰/۰۰	۱/۰۰
LOG(CR(-1)) (نرخ ارز واقعی)	-۶/۴۰**	۰/۱۱*
LOG(OPEN(-1)) (درجه باز بودن اقتصاد)	۸/۰۰**	-۰/۱۰**
LOG(OILGDP(-1)) (درآمد نفتی)	۰/۸۰	-۰/۱۱**
LOG(S(-1)) (سرمایه)	۲۵/۳۵*	۰/۱۲
LOG(TFP(-1)) (رشد بهره‌وری)	۱۱/۴۹*	۰/۴۲**
LOG(WIR(-1)) (نرخ بهره جهانی)	-۱۱/۷۷**	۰/۲۴**
TREND(1) (روند)	-۲/۸۸**	۰/۰۹**
C (عرض از مبداء)	-۱۱۵/۱۶	۵/۱۸

ضریب تصحیح خطا	D(LOG(TOT))	D(LOG(AV))	D(LOG(CR))
CointEq1 (ضریب تعدیل یک)	-۰/۰۳*	-۰/۰۱*	-۰/۱۴**
CointEq2 (ضریب تعدیل دو)	-/۴۰*	-۰/۴۰*	-/۶*
C (عرض از مبداء)	۰/۰۷	-۰/۰۱	-۱/۷۰**
D1 (متغیر مجازی یکسان سازی نرخ ارز)	۰/۱۲	۰/۰۸	۲/۵۴**
B (متغیر مجازی برنامه)	۰/۳۱	۰/۰۲	۱/۳۱**
LOG(DCR) (تفاوت نرخ ارز رسمی و آزاد)	-۰/۹*	۰/۰۱*	-۰/۰۰۰۷*
F-statistic	۳/۸۴*	۳/۶۹*	۲۶/۶۹**
Akaike AIC	-۲/۴۲	۱/۱۹	۰/۵۳
Schwarz SC	-۲/۱۹	۱/۴۱	۰/۷۵

** و * به ترتیب معنی‌داری در سطح پنج و ده درصد

ماخذ: یافته‌های تحقیق

برای بهبود مدل تصحیح خطا برداری در الگو از متغیرهای برونزا و مجازی D1 (یکسان‌سازی نرخ ارز)، متغیر DCR (تفاوت نرخ ارز رسمی و آزاد) و متغیر مجازی برنامه‌های توسعه برون‌گرا B (مقدار یک برای برنامه سوم و چهارم توسعه) استفاده شده است. همان طور که مشاهده می‌شود، اثر یکسان‌سازی نرخ ارز و سیاست‌های برون‌گرای برنامه‌های توسعه، بر مبادلات تجاری بخش کشاورزی، ارزش افزوده این بخش و نرخ ارز واقعی مثبت است. با این حال تنها اثر سیاست‌های برون‌گرا و یکسان‌سازی نرخ ارز بر نرخ ارز واقعی معنی‌دار است. بدین ترتیب می‌توان گفت که سیاست‌های تجاری برنامه‌های توسعه در بهبود رابطه مبادلهٔ بخش کشاورزی ناکارآمد بوده است. متغیر DCR در واقع بیانگر شکاف بین نرخ ارز رسمی و نرخ ارز آزاد است که معنی‌داری و منفی بودن ضریب این متغیر بیانگر آن است که چنانچه یک واحد شکاف بین نرخ ارز رسمی و آزاد افزایش یابد، نرخ ارز واقعی ۰/۰۰۰۷ واحد کاهش می‌یابد .

با توجه به هدف پژوهش که بررسی اثر نرخ ارز بر مبادلات تجاری بخش کشاورزی است، اثرات حاصل از تکانه‌های هشت متغیر درونزا بر سه متغیر نرخ ارز واقعی، رابطه مبادله و ارزش افزوده بخش کشاورزی با محاسبهٔ دو معیار توابع عکس‌العمل آنی (ضربه ـ پاسخ) و تجزیه واریانس، بررسی شد. نتایج نشان داد که تغییر ناگهانی در مبادلات تجاری سبب بهبود رابطه مبادله خواهد شد به طوری که پس از گذشت ۵ سال اثر تکانه کاهش می‌یابد و از بین می‌رود. همچنین عکس‌العمل آنی مبادلات تجاری نسبت به تکانهٔ وارد بر درآمد در سال‌های نخست بسیار کم است؛ مقدار اثر شوک در سال دوم منفی و در سال سوم مثبت است و پس از آن اثر شوک میرا می‌شود. همچنین واکنش رابطه مبادله نسبت به اثر تکانهٔ وارد بر آزادی تجای بسیار ناچیز است. در تمام توابع عکس‌العمل آنی، شوک با اثر میرا[1] مشاهده می‌شود که نشان می‌دهد ، در صورتی که در این سیستم تکانه‌ای وارد شود اثر آن در طول زمان از بین خواهد رفت .

همچنین تغییر ناگهانی در مبادلات تجاری سبب افزایش ارزش افزوده در ابتدای دوره خواهد شد که پس از گذشت ٤ سال اثر این تکانه منفی می‌شود و سپس از بین می‌رود. همچنین عکس‌العمل آنی درآمد نسبت به تکانهٔ وارد بر خودش به صورت نوسانی است؛ مقدار اثر شوک در سال اول مثبت، در سال دوم منفی و در سال سوم مثبت است و پس از آن اثر شوک میرا می‌شود. اثر تکانهٔ وارد بر نرخ ارز واقعی بر درآمد مثبت و بسیار کم است. همچنین واکنش درآمد نسبت به اثر تکانهٔ وارد بر آزادی تجای در سال نخست بسیار ناچیز است، اما اثر آن از سال دوم مشخص خواهد شد و پس از ۷ سال میرا می‌شود. در تمام توابع عکس‌العمل آنی، شوک با اثر میرا مشاهده می‌شود ، بنابراین در صورتی که در این سیستم تکانه‌ای وارد شود اثر آن در طول زمان از بین خواهد رفت .

1 - Transitory shocks

تغییر ناگهانی در مبادلات تجاری در ابتدای دوره اثر ناچیزی بر نرخ ارز دارد. اما پس از ۲سال بتدریج اثر این تکانه منفی می‌شود که در سال چهارم مقدار آن حداکثر است و سپس از بین می‌رود. همچنین عکس‌العمل آنی نرخ ارز نسبت به تکانهٔ درآمد بر خودش در سال نخست حداکثر است و پس از آن اثر شوک میرا می‌شود. اثر تکانهٔ وارد بر نرخ ارز واقعی بر خودش مثبت و در سال اول حداکثر است. همچنین واکنش نرخ ارز واقعی نسبت به اثر تکانهٔ وارد بر آزادی تجای در سال نخست بسیار ناچیز است، اما اثر آن از سال دوم مشخص خواهد شد و پس از ۷ سال اثر آن منفی می‌شود و به صورت پایا باقی می‌ماند .

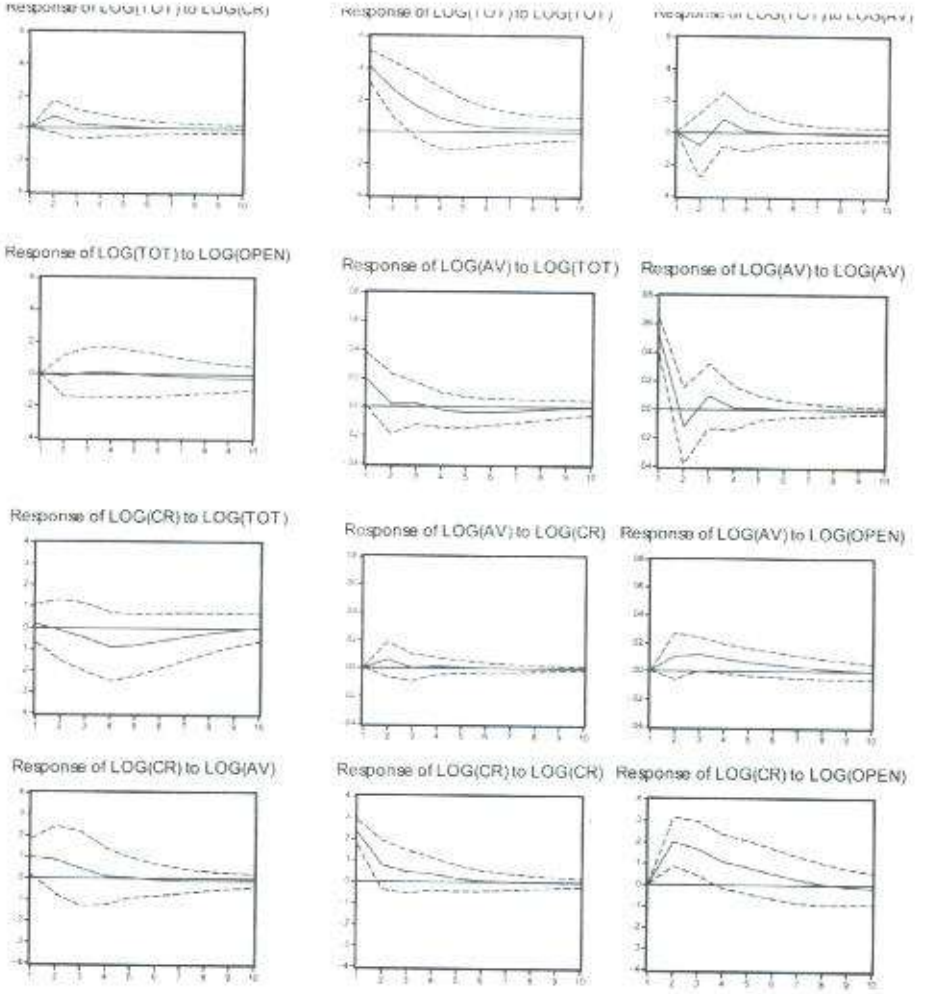

نمودار ۱ توابع عکس‌العمل آنی رابطه مبادله نسبت به تکانه‌های وارد بر متغیرهای الگو
نمودار افقی دوره‌ها بر حسب سال و محور عمودی عکس العمل آنی متغیر را به صورت لگاریتمی نشان می‌دهد.
مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۲ ، نتایج تجزیهٔ واریانس برای نرخ ارز واقعی را نشان می‌دهد که در دورهٔ نخست ۸۳ تغییرات درآمد ناشی از خود متغیر است، اما در دورهٔ دوم، ۳۷ درصد واریانس خطای پیش‌بینی ارز ناشی از خود آن، ۱۱ درصد مربوط به متغیر درآمد، ۲۵ درصد مربوط به متغیر آزادی تجاری و ۲۵ درصد آن مربوط به نرخ بهره جهانی است .

جدول ۲ ـ نتایج مربوط به تجزیهٔ واریانس متغیر نرخ ارز واقعی

دوره	S.E.	LOG(TOT)	LOG(AV)	LOG(CR)	LOG(OPEN)	LOG(OIL)	LOG(S)	LOG(TFP)	LOG(WIR)
۱	۰/۲۵	۰/۵۸	۱۵/۸٤	۸۳/۵۸	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۲	۰/٤۰	۰/۳۲	۱۰/۹٤	۳٦/۹۱	۲۵/۵۱	۰/۸۹	۰/۰۱	۰/۱٦	۲۵/۲٦
۳	۰/٤۵	۱/۲٦	۹/۳۹	۲۹/۲۷	۳۳/۳۱	۵/۷۲	۰/۳٦	۰/۱۲	۲۰/۵٦
٤	۰/٤۹	٤/۳۹	۸/۲۰	۲۵/۹۹	۳۳/۹۹	۸/۱۰	۰/٤۵	۰/۳۵	۱۸/۵۳
۵	۰/۵۱	٦/۷۱	۷/٦۱	۲٤/۱۹	۳٤/۱٤	۸/٤۱	۰/٤۱	۰/۷۲	۱۷/۸۰
٦	۰/۵۲	۷/۸٦	۷/۳۳	۲۳/۲٦	۳۳/۸۵	۸/۵۳	۰/٤۲	۰/۹۱	۱۷/۸۳
۷	۰/۵۲	۸/۳٤	۷/۲۵	۲۲/۸۰	۳۳/٤۰	۸/٤۸	۰/۵۱	۱/۰۰	۱۸/۲۲
۸	۰/۵۲	۸/٤۵	۷/۲٤	۲۲/۵۷	۳۳/۰۷	۸/٤۰	۰/٦۷	۱/۰٤	۱۸/۵۷
۹	۰/۵۳	۸/٤۲	۷/۲٤	۲۲/٤۳	۳۲/۸۷	۸/۳۷	۰/۸٦	۱/۰٤	۱۸/۷٦
۱۰	۰/۵۳	۸/۳۷	۷/۲٤	۲۲/۳۰	۳۲/۷۷	۸/۳۹	۱/۰٦	۱/۰۳	۱۸/۸۲

ماخذ: یافته‌های تحقیق

همان طور که نتایج نشان می‌دهد، درصد واریانس نرخ ارز واقعی در دوره‌های بعد کاهش و سهم دیگر متغیرها به تدریج افزایش خواهد یافت به طوری که در دورهٔ دهم، ۲۲ درصد از واریانس خطای پیش‌بینی نرخ ارز ناشی از تکانهٔ وارد بر خود این متغیر است، ۸ درصد مربوط به متغیر رابطه مبادله، ۷ مربوط به درآمد واقعی، ۳۲ درصد مربوط به آزادی تجاری، ۸ درصد آن مربوط به درآمدهای نفتی، ۱ درصد آن مربوط به موجودی سرمایه، ۱ درصد آن مربوط به رشد بهره‌وری و ۱۹ درصد آن مربوط به نرخ بهره جهانی است. بر این اساس بیشترین سهم در تجزیهٔ واریانس نرخ ارز واقعی مربوط به آزادی تجاری است و پس از آن خود متغیر، نرخ بهره جهانی درآمدهای نفتی و رابطه مبادله به ترتیب سهم قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۳، نتایج تجزیهٔ واریانس برای رابطه مبادله را نشان می‌دهد که در دورهٔ نخست تمام تغییرات رابطه مبادله ناشی از خود متغیر است، اما در دورهٔ دوم، ۸۸ درصد واریانس خطای پیش‌بینی رابطه مبادله ناشی از خود آن، ۲ درصد مربوط به متغیر درآمد، ۲ درصد مربوط به متغیر نرخ ارز واقعی، ۲ درصد آن مربوط به درآمدهای نفتی و ٤ درصد آن مربوط به رشد بهره‌وری است. همان طور که نتایج نشان می‌دهد، درصد واریانس رابطه مبادله در دوره‌های بعد کاهش و سهم دیگر متغیرها به تدریج افزایش خواهد یافت به طوری که در دورهٔ دهم، ۷٦ درصد از واریانس خطای پیش‌بینی رابطه مبادله ناشی از تکانهٔ وارد بر خود این متغیر است، ٤ درصد مربوط به متغیر درآمد، حدود ۲ مربوط به نرخ ارز واقعی، کمتر از ۱ درصد مربوط به آزادی تجاری، ۷ درصد آن مربوط به درآمدهای نفتی، ۵ درصد آن مربوط به موجودی سرمایه، ٤ درصد آن مربوط به رشد بهره‌وری و ۱/۲ درصد آن مربوط به نرخ بهره جهانی است. بر این اساس بیشترین سهم در تجزیهٔ واریانس رابطه مبادله مربوط به خود این متغیر است و پس از آن درآمدهای نفتی سهم قابل توجهی را به خود اختصاص داده است.

جدول ۳ ـ نتایج مربوط به تجزیهٔ واریانس رابطه مبادله بخش کشاورزی

دوره	S.E.	LOG(TOT)	LOG(AV)	LOG(CR)	LOG(OPEN)	LOG(OIL)	LOG(S)	LOG(TFP)	LOG(WIR)
۱	۰/٤۰	۱۰۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۲	۰/۵۱	۸۸/۵۲	۲/۲۵	۱/۹۵	۰/۰٦	۲/۱٤	۰/٦۷	٤/۲۳	۰/۱۹
۳	۰/۵۷	۸۰/۸۳	٤/۰۸	۱/۷۵	۰/۰۷	۵/۸۱	۲/٤٦	٤/۳٦	۰/٦۳
٤	۰/۵۸	۷۹/۷۹	۳/۹٦	۱/۷۵	۰/۱۱	٦/۲۱	۳/۰۹	٤/٤۷	۰/٦۱
۵	۰/۵۸	۷۸/۹٤	۳/۹۰	۱/۷۳	۰/۱۱	٦/٤٦	۳/٦۳	٤/٤۷	۰/۷۵
٦	۰/۵۹	۷۸/۲۱	۳/۸۵	۱/۷۱	۰/۱۳	٦/٦٦	٤/۰۹	٤/٤٤	۰/۹۱
۷	۰/۵۹	۷۷/۵٤	۳/۸۱	۱/٦۹	۰/۲۰	٦/۸۲	٤/٤٦	٤/٤۱	۱/۰٦
۸	۰/۵۹	۷٦/۹۳	۳/۷۹	۱/٦۸	۰/۳۳	٦/۹۸	٤/۷۵	٤/۳۸	۱/۱۵
۹	۰/٦۰	۷٦/۳۹	۳/۷۸	۱/٦٦	۰/۵۰	۷/۱۳	٤/۹۷	٤/۳۵	۱/۲۱
۱۰	۰/٦۰	۷۵/۹۵	۳/۷٦	۱/٦۵	۰/٦۷	۷/۲٦	۵/۱۳	٤/۳٤	۱/۲۳

ماخذ : یافته‌های تحقیق

جدول ٤ ، نتایج تجزیهٔ واریانس برای ارزش افزوده واقعی بخش کشاورزی را نشان می‌دهد که در دورهٔ نخست، ۸۸ تغییرات درآمد ناشی از خود متغیر است، اما در دورهٔ دوم ۸۱ درصد واریانس خطای پیش‌بینی درآمد ناشی از خود آن، ۱۱ درصد مربوط به متغیر رابطه مبادله، ۳ درصد مربوط به متغیر آزادی تجاری و ۲ درصد آن مربوط به درآمدهای موجودی است. همان طور که نتایج نشان می‌دهد، درصد واریانس درآمد بخش کشاورزی در دوره‌های بعد کاهش و سهم دیگر متغیرها به تدریج افزایش خواهد یافت .

جدول ۴ ـ نتایج مربوط به تجزیهٔ واریانس متغیر ارزش افزوده بخش کشاورزی

دوره	S.E.	LOG(TOT)	LOG(AV)	LOG(CR)	LOG(OPEN)	LOG(OIL)	LOG(S)	LOG(TFP)	LOG(WIR)
۱	۰/۰۵	۱۲/۳۰	۸۷/۷۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
۲	۰/۰٦	۱۰/۹۷	۸۱/۲٦	۱/۰۳	۳/۳۱	۰/٤۹	۲/٤۹	۰/۰۳	۰/٤۱
۳	۰/۰٦	۱۰/۲۵	۷۷/۳۵	۰/۹۵	۷/۰۷	۰/٤٦	۲/٤۸	۰/۰۳	۰/٤۰
٤	۰/۰٦	۹/۹۹	۷٤/٤۰	۰/۹٦	۸/۸۷	۱/۵۰	۲/۷۷	۰/۰٤	۱/٤٦
۵	۰/۰٦	۱۰/۱۵	۷۲/۷۷	۰/۹۵	۹/۷۵	۱/۸۵	۲/۸۰	۰/۱۱	۱/٦۱
٦	۰/۰٦	۱۰/۳٤	۷۱/۷٦	۰/۹٤	۱۰/۲۲	۲/۰۳	۲/۷۹	۰/۱۷	۱/۷٤
۷	۰/۰٦	۱۰/٤۷	۷۱/۲۱	۰/۹۳	۱۰/۳۸	۲/۱۲	۲/۷۷	۰/۲۱	۱/۹۰
۸	۰/۰٦	۱۰/۵۳	۷۰/۹٤	۰/۹۳	۱۰/٤۱	۲/۱۵	۲/۷٦	۰/۲۳	۲/۰۳
۹	۰/۰٦	۱۰/۵۵	۷۰/۸۲	۰/۹۳	۱۰/٤۱	۲/۱۵	۲/۷۷	۰/۲٤	۲/۱۲
۱۰	۰/۰٦	۱۰/۵۵	۷۰/۷٦	۰/۹۳	۱۰/٤۰	۲/۱۵	۲/۷۹	۰/۲۵	۲/۱۸

ماخذ : یافته‌های تحقیق

در دورهٔ دهم ، ۷۰ درصد از واریانس خطای پیش‌بینی درآمد ناشی از تکانهٔ وارد بر خود این متغیر است، ۱۰ درصد مربوط به متغیر رابطه مبادله، حدود ۱ مربوط به نرخ ارز واقعی ، ۱۰ درصد مربوط به آزادی تجاری، ۲ درصد آن مربوط به درآمدهای نفتی، حدود ۳ درصد آن مربوط به موجودی سرمایه، ۰/۲۵ درصد آن مربوط به رشد بهره‌وری و ۲/۲ درصد آن مربوط به نرخ بهره جهانی است. بر این اساس بیشترین سهم در تجزیهٔ واریانس ارزش افزوده مربوط به خود این متغیر است و پس از آن رابطه مبادله و درجه باز بودن اقتصاد سهم قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند .

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج نشان داد که اتخاذ سیاست‌های برون‌گرا در چهارچوب برنامه‌های توسعه سوم و چهارم توسعه ناکارامد بوده است. بنابراین بازنگری در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه در بخش‌های تجاری آن ضروری است. بر اساس نتایج بیشترین سهم در تجزیهٔ واریانس نرخ ارز واقعی مربوط به آزادی تجاری بوده است و پس از آن خود متغیر، نرخ بهره جهانی، درآمدهای نفتی و رابطه مبادله بخش کشاورزی به ترتیب سهم قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند. بر این اساس می‌توان گفت که نرخ ارز واقعی هم از عوامل داخلی و هم از عوامل خارجی متاثر است. بنابراین پیشنهاد می‌شود، سیاست‌های آزادی تجاری ملحوظ در برنامه‌های توسعه در کنار قوانین تعرفه به دقت تدوین گردد. همچنین رابطه مبادله بخش کشاورزی نیز از عوامل موثر بر نرخ ارز واقعی کشور است. بر این اساس توجه بیش از پیش به توسعه صادرات بخش کشاورزی ضروری است و با توجه به وجود اثر مثبت سرمایه بر رابطه مبادله، پیشنهاد می‌شود با سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌های بخش کشاورزی زمینه بهبود در رابطه مبادله بخش کشاورزی و به تبع آن توسعه بخش کشاورزی فراهم آید .

منابع و مآخذ

۱. ابریشمی ح. و م. مهرآرا (۱۳۸۳) ـ « انحراف نرخ ارز حقیقی تعادلی و سیاست‌های تجاری در اقتصاد ایران » ـ مجله پژوهشنامه بازرگانی ـ ۳۳ ـ ص ٥٤ ـ ۱.

۲. اقبالی ع. و همکاران (۱۳۸۲) ـ « صادرات نفت و رشد اقتصادی » ـ مجله تحقیقات اقتصادی ـ ویژنامه ـ ص ۱۲۹ ـ ۱۰۹ .

۳. برادران شرکاء ح. ر. و س. صفری (۱۳۷۷) ـ « بررسی اثرات صادرات بر رشد بخش‌های اقتصادی ایران » ـ مجله پژوهشهای بازرگانی ـ ٦ ـ ص ۳۱ ـ ۱ .

٤. پورمقیم س. ج. (۱۳۷۰) ـ « تجارت بین‌الملل و نظریه‌ها و سیاست‌های بازرگانی » ـ تهران نشر نی ـ چاپ دوم .

٥. التجانی ا. (۱۳۷۸) ـ « بررسی یک الگوی تجارت خارجی مطلوب برای ایران » ـ پایان‌نامه کارشناسی ارشد ـ دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران .

٦. صمدی ع. ح. (۱۳۸۲) ـ « ارزیابی تأثیر تنظیم نادرست نرخ واقعی ارز بر عرضهٔ صادرات محصولات منتخب کشاورزی » ـ اقتصاد ایران (۷۹ ـ ۱۳۷٤) ـ همایش کشاورزی و توسعه ملی ـ موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی ـ ص ٥۸۰ ـ ٥٦۲ .

۷. فاطمی م. (۱۳۸٤) ـ « بررسی اثر صادرات غیرنفتی بر رشد اقتصادی » ـ پایان‌نامه کارشناسی ارشد ـ دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران .

۸. قمطیری م. ع. و م. غلامی (۱۳۸۰) ـ « جهت‌گیری تجاری و رشد بخش صنعت در کشورهای در حال توسعه » ـ مجله تحقیقات اقتصادی ـ شماره ٥۹ ـ ص ۹٤ ـ ۸۳ .

۹. کازرونی ع. ر. و ن. رستمی (۱۳۸٦) ـ « اثرات نامتقارن نوسانات نرخ ارز بر تولید واقعی و قیمت در ایران » ـ پژوهشنامه اقتصادی ـ شماره ۷ ـ ص ۱۹٦ ـ ۱۷۷ .

۱۰. مزینی ا. ح. وک. یاوری (۱۳۸۳) ـ « اثر تغییرات نرخ ارز بر بخش تجاری کشور » فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ـ شماره ۱٤ـ ص ۸۹ ـ ۱۰۸ .

۱۱. مصورنیا س. (۱۳۷٦) ـ « بررسی رابطه رشد اقتصادی و رشد صادرات بر اساس آزمون علیت » ـ پایان‌نامه کارشناسی ارشد ـ دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران .

۱۲. والیانی ش. (۱۳۷۷) ـ « تحلیل رشد اقتصادی، صادرات غیرنفتی و مزیت‌های به کار گرفته نشده » ـ پایان‌نامه کارشناسی ارشد ـ دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران .

13. Thornton J. (1997) Exports and economic growth: evidence from nineteenth century Europe.Economics Letters, 55 , 235 - 40.

14. Dhananjayan, R.S. and N.S. Devi (1997) Exports and economic growth: a study of select nations in Asia and Europe during 1980-81 to 1993-94. Indian Journal of Applied Economics 6, 41 - 63.

15. Afxentiou, P.C. and A. Serletis (1991a) Exports and GNP causality in the industrial countries: 1950-1985. Kyklos 44, 167-79.
16. Ghatak S. and S. Wheatley (1997) Export Composition and Economic Growth: Cointegration and Causality Evidence for India, Journal of Weltwirtschaftliches Archiv, 1997, Vol. 133 (3).
17. Jin J.C. (1995) Export-led growth and the four little dragons. Journal of International Trade and Economic Development, 4, 203 - 15.
18. Cheng F. and D. Orden (2006) Exchange rate alignment and producer support estimates (PSEs) for India. Agricultural Economics. 36 233 – 243 .

اثرات انباشت دانش روی صادرات صنایع چرم و محصولات شیمیایی ایران در راستای حمایت از تولید ملی

دکتر محمد علی متفکرآزاد[1] ـ حسن عبدی[2] ـ هلاله احمدی[3]

۱ ـ مقدمه

نهاده اصلی الگوی اقتصاد دانایی محور که چندی است بحث محافل اقتصادی و اجتماعی شده ، دانش و کاربرد آن است به طوری که بررسی صنایع کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که فعالیت‌های صنعتی وابستگی زیادی به موجودی دانش دارند به طوری که صنایع این کشورها هر ساله مبالغ زیادی جهت انباشت دانش صرف می‌کنند. به همین دلیل صنایع این کشورها به طور مداوم در حال پیشرفت بوده و این پیشرفت‌ها به نوبه خود باعث رشد و توسعه اقتصادی می‌گردد . در مقابل ، کشورهای در حال توسعه از جمله ایران هر ساله مقادیر زیادی کالاهای سرمایه‌ای ـ واسطه‌ای (فناوری خارجی) وارد می‌کنند[4] ولی به دلیل فقدان توان استفاده از تکنولوژی ، که ناشی از عدم رشد مناسب سرمایه انسانی می‌باشد، قادر به استفاده کامل از این منابع نیستند . از سوی دیگر، علیرغم اینکه اغلب کشورهای در حال توسعه از منابع خدادادی فراوانی برخوردار هستند ولی به دلیل وجود کاستی‌های فراوان در داشتن دانش تولید مناسب فناوری و مهارت‌های لازم ، در استفاده بهینه از این منابع نیز کمبودهای فراوانی دارند، لذا افزایش سطح دانش، شرط لازم برای جبران عقب‌ماندگی این گونه از کشورها می‌باشد . در واقع ، در کشورهای در حال توسعه، بخش تحقیق و توسعه داخلی(R&D) و فناوری وارداتی در مراحل اولیه توسعه اقتصادی نقش بسیار مهمی را دارند به طوری که ترکیب این دو باعث رشد و توسعه اقتصادی کشورها می‌گردد .

اتخاذ راهبرد توسعه صادرات و متنوع کردن آن هم اکنون هدف اصلی کشورهای در حال توسعه است. در حال حاضر نیز با توجه به نوسان بهای نفت در سال‌های اخیر و تحریم‌های به وجود آمده تلاش‌های زیادی در جهت رونق صادرات غیرنفتی و گسترش کمی و کیفی کالاهایی که به نوعی کشورمان در تولید آنها از مزیت نسبی بالاتری برخوردار است، انجام گرفته است .

---

۱ ـ استاد گروه اقتصاد دانشگاه تبریز
۲ ـ کارشناس ارشد اقتصاد از دانشگاه تبریز
۳ ـ دبیر ریاضی آموزش و پرورش

۴ ـ مهمترین دلایل اهمیت وارداتِ کالاهای سرمایه‌ای-واسطه‌ای در کشورهای در حال توسعه سابل بالا بودن هزینه‌های تحقیق و توسعه (R&D) داخلی و کمبود نیروی انسانی متخصص در بخش تحقیق و توسعه می‌باشد (ساه میرزایی و همکاران، ۱۳۸۲، ص۲۱۴). به طوری که شرایط خاص این کشورها نیازمند واردات کالاهای سرمایه‌ای ـ واسطه‌ای می‌باشد

فعال شدن بخش صادرات صنعتی کشور ضمن فراهم کردن امکان دستیابی به ارز مورد نیاز جامعه به منظور تأمین منابع مالی توسعه صنعتی، می‌تواند منجر به افزایش سطح اشتغال، انتقال فناوری و دستاوردهای علمی و فنی، کاهش هزینه‌های تولید و تخصصی‌شدن نظام تولیدی و صنعتی کشور شود. با توجه به وفور نسبی عوامل و نهاده‌های تولیدی همچون منابع طبیعی، نیروی کار و ... در کشور و نیز نتایج مطالعات اخیر در زمینه مزیت نسبی در صنایع[۱] می‌توان بیان کرد که صنعت چرم و محصولات شیمیایی جزء صنایع مزیت‌دار کشور هستند . زیرگروه‌های صنعتی محصولات چرمی و شیمیایی طی سال‌های ۸۶ ـ ۱۳۷۹ ، به طور متوسط ۷/۲۱ درصد کارگاه‌های صنعتی کشور، ۷/۷۸ درصد اشتغال صنعتی، ۱۳/۳۱ درصد تولیدات صنعتی و ۱۶/۲۵ درصد ارزش افزوده صنعتی را در اختیار داشته‌اند. به همین ترتیب، مجموع صنایع چرم و محصولات شیمیایی در طول دوره مورد بررسی، به طور متوسط ۴۵/۵۱ درصد صادرات کالاهای صنعتی کارگاه‌های ده نفر کارکن وبیشتر[۲] را به خوداختصاص داده است.[۳] لذاصادرات محصولات چرمی وشیمیایی می‌تواند به عنوان منبعی قابل اتکا برای تضمین رشد تولید ملی و افزایش درآمدهای ارزی مطرح گردد .

بررسی بخش صادرات محصولات چرمی و شیمیایی کشور و یافتن نقاط قوت و ضعف آن ، مستلزم مطالعات گسترده‌ای است. در این راستا ، مطالعه حاضر به بررسی نقش انباشت دانش بر صادرات محصولات چرمی و شیمیایی ، بر حسب طبقه‌بندی بین‌المللی فعالیت‌های صنعتی (ISIC)[۴] ، طی دوره ۸۶ ـ ۱۳۷۹ می‌پردازد . با ملاحظه هرم سنی جمعیت کشور و افزایش شدید جوانان تحصیل‌کرده‌ای که چند سال آینده وارد بازار کار می‌شوند[۵] و با توجه به نقش اساسی مهارت و دانش فنی در تولید کالاهای صنعتی، جذب و ایجاد اشتغال برای این گروه از تحصیل کرده‌های دانشگاهی ، انباشت دانش و رشد تولید و صادرات صنعتی را در پی خواهد داشت . همچنین با عنایت به جهش بزرگ افزایش قیمت انرژی و در نتیجه افزایش هزینه‌های تولید باید شرایط دسترسی به دانش سرریز جهانی(فناوری برتر خارجی) و دانش داخلی(فناوری داخلی) برای بهبود فرآیند تولید بنگاه‌های صنعتی فراهم آید؛ چرا که تنها با انباشت دانش می‌توان سطح کمی و کیفی محصولات صنعتی و قابلیت رقابت آن‌ها را در داخل و خارج کشور ارتقاء داد و به تولیدات جدید براساس نیازهای جامعه و گسترش زمینه‌های شغلی جدید مبادرت کرد. بنابراین

---

۱ ـ برای مثال می‌توان به مطالعات میرجلیلی (۱۳۸۰)، آرمن و کردبچه (۱۳۸۶)، حسینی و ملک محمدی(۱۳۸۶) و نیکوقبال و ولی‌بیگی (۱۳۸۶) اشاره کرد که در مطالعات خود نشان داده‌اند که کشور در صادرات محصولات چرمی و شیمیایی از مزیت نسبی برخوردار است .

۲ ـ کارگاه صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر کارگاهی ست که متوسط تعداد کارکنانش در سال‌های مورد بررسی، ده نفر و بیشتر بوده است. علت انتخاب کارگاه‌های ده نفر کارکن و بیشتر آن است که این کارگاه‌ها بخش اعظم کارگاه‌های صنعتی در ایران را تشکیل می‌دهند و همچنین دارای آمار و اطلاعات منسجم بری زمانی می‌باشند .

۳ ـ تمامی ارقام ذکر شده از نسبت مجموع صنایع چرم و محصولات شیمیایی به کل صنعت کشور محاسبه شده ست

4 - International Standard Industrial Classification

۵ ـ درطول این سال‌ها (۸۶ ـ ۱۳۷۹)، با وجود شرایط نامناسب بازار کار و توسعه ظرفیت آموزش عالی، موج بزرگ زاد و ولد سال‌های نیمه اول دهه نمست ترجیح داده‌اند که ورود به بازار کار را به تعویق انداخته و سطح تحصیلات خود را به امید به دست آوردن فرصت شغلی بهتر در آینده ارتقاء دهند

موجودی دانش (فناوری و نیروی کار تحصیل‌کرده) برای دستیابی به رشد صادرات این محصولات به عنوان یکی از مهمترین اجزاء صادرات صنعتی، ضروری می‌باشد. این مطالعه درصدد یافتن پاسخ به این سؤال است که متغیر موجودی دانش به همراه دیگر عوامل تأثیرگذار چگونه بر توسعه صادرات زیربخش‌های صنعتی محصولات چرمی و شیمیایی تأثیر می‌گذارند. در ادامه سازماندهی مقاله بدین صورت است :

در بخش دوم به مبانی نظری و پیشینه موضوع پرداخته شده و بخش سوم به تصریح الگوی صادرات محصولات چرمی و شیمیایی اختصاص می‌یابد . در بخش چهارم به تخمین مدل و تجزیه و تحلیل یافته‌ها پرداخته می‌شود . در بخش پایانی نیز نتیجه‌گیری شده و برخی پیشنهادات سیاستی ارائه می‌گردد .

۲ ـ ادبیات تحقیق

مبانی نظری عوامل تعیین‌کننده صادرات بر اساس سه نظریه، تئوری تجارت بین‌الملل هکشر ـ اهلین، تئوری‌های جدید تجارت و تئوری‌های رشد درونزا قرار دارد. بر اساس نظریه هکشر ـ اهلین موجودی اولیه نهاده[1]، تعیین‌کننده مزیت‌های نسبی در تولید و صادرات است . نظریه‌های جدید تجارت بر نقش هزینه‌های تجارت و صرفه‌های ناشی از مقیاس یا انداز بنگاه ، به عنوان عوامل مؤثر بر صادرات اشاره دارند. از سوی دیگر هم تئوری‌های جدید تجارت و هم تئوری‌های رشد درونزا، بر اهمیت ابداعات در توسعه کالاهای جدید و ایجاد رقابت‌پذیری فناوری یک صنعت تأکید دارند . نظریه‌های معطوف به عوامل جدید سعی کردند با معرفی عوامل جدیدی همچون سرمایه انسانی ضعف نظریات سنتی را برطرف کنند، در حالی که نظریات فناوری جدید از رقابت ناقص شروع کرده و با طرح مباحثی چون شکاف فناوری و مزیت فناوری در پی افزایش قدرت توضیح‌دهندگی نظریه تجارت بین‌الملل برآمدند. در نظریه مزیت رقابتی پورتر موجودی دانش بنگاه‌ها در کاربرد عوامل، نقش تعیین‌کننده در مزیت رقابتی دارد .

طبق مدل رشد سولو ، رشد تولید و در نتیجه رشد صادرات در اثر انباشت عوامل تولید و رشد بهره‌وری حاصل می‌شود که افزایش بهره‌وری از طریق ارتقای فناوری و بالا رفتن توان و مهارت نیروی کار حاصل می‌شود. در این الگوها کار موثر معرف دانش یا فناوری می‌باشد که در توضیح تفاوت رشد در سراسر جهان اهمیت بسیار دارد. در الگوهای رشد درونزای جدید بحث اقتصاد ایده‌ها ، مهارت و دانش مطرح می‌شود و سازوکار تصمیمات مربوطه به آموزش، تشکیل سرمایه انسانی و ایجاد دانش به عنوان محرک‌های درونزا معرفی می‌شوند . در مدل‌های رشد درونزای مبتنی بر سرمایه انسانی، رشد تولید را ناشی از موجودی سرمایه انسانی می‌دانند ، که به

1 - Factor Endowments

نوبه خود ، توانایی یک کشور در نوآوری و رسیدن به پای کشورهای پیشرفته را تحت تأثیر قرار می‌دهد . در نتیجه افزایش صادرات می‌تواند به دلیل افزایش سودهای ناشی از بهره‌وری ، که خود در اثر افزایش سطح مهارت نیروی کار، سطح فناوری و سطح دانش ایجاد می‌شود ، باشد . به طوری که پیشرفت فنی و سرمایه انسانی کارایی سرمایه و بهره‌وری نیروی کار را افزایش می‌دهند و موجب افزایش تولید و صادرات می‌گردند . اسمیت معتقد است که موجودی دانش به مثابه کالایی عمومی موجب می‌شود که فعالیت بنگاه‌ها در معرض صرفه‌های اقتصادی بیرونی و بازدهی نسبت به مقیاس فزاینده بیرونی واقع شوند و تولید و صادرات افزایش می‌یابد . پیشرفت‌های فنی و تکنولوژیک ، هزینه بنگاه‌های تولیدی را کاهش داده و موجب افزایش تولید و افزایش کیفیت تولیدات صنعتی می‌گردد . به طوری که با تکیه بر انباشت دانش از طریق بهبود و ارتقاء فناوری می‌توان زمینه گسترش صادرات غیرنفتی در اقتصاد را فراهم کرد و این تنها از طریق رقابت‌پذیر شدن صنایع و بنگاه‌های اقتصادی کشور امکان‌پذیر است. رقابت‌پذیری هم در گرو ارتقاء بنیه علمی ، فنی ، مدیریتی ، منابع انسانی و فیزیکی ، بنیان‌های صنعتی و بهبود تکنولوژی و ارتقاء بهره‌وری است . طبق نظریه چرخه کالا کسب مهارت در فناوری‌های وارداتی آسان نیست و استفاده از دانش جدید به وسیله دیگران هزینه‌هایی را برای آن‌ها در بر خواهد داشت . به عبارتی دیگر اثرات مثبت خارجی ایجاد شده از طریق جریان فناوری در سطح بین‌المللی به میزان زیادی به توانایی کشور میزبان برای درک و استفاده از دانش خارجی بستگی دارد. چنین توانایی تابعی از سرمایه انسانی و سطح فناوری داخلی .

۳ ـ پیشینه تجربی

در زمینه تأثیر انباشت دانش(فناوری‌های داخلی و خارجی و سرمایه انسانی) و دیگر عوامل تأثیرگذار بر توسعه صادرات در داخل و خارج از کشور مطالعات متعددی صورت گرفته است که در زیر به اختصار مرور می‌شود .

بلینی و واکلین (۱۹۹۹)[1] عوامل درون بخشی تعیین‌کننده صادرات کشور بریتانیا را بررسی کردند. آنها نشان دادند شرکت‌هایی که از فناوری‌های داخلی و خارجی(موجودی دانش) روز استفاده می‌کنند، عملکرد صادراتی بهتری دارند. لیف‌بور و لیف‌بور (۲۰۰۱)[2] در مطالعه‌ای تأثیر واردات سرمایه‌ای، هزینه‌های تحقیق و توسعه، شدت دانش، اندازه بنگاه و ظرفیت‌های فناوری و تجاری را روی صادرات صنعتی کشور کانادا بررسی کردند. نتایج این تحقیق نشان داد که فناوری داخلی و خارجی یک عامل تأثیرگذار بوده و نیز فناوری در صنایع دانش‌بر دارای تأثیر

1 - Bleaney and Wakelin (1999)
2 - Lefebvre and Lefebvre (2001)

قویتری روی صادرات صنعتی بود. ویگناراجا (۲۰۰۲)[1] و ویگناراجا و آکیارا (۱۹۹۹)[2] رابطه بین صادرات و شاخص فناوری بنگاه‌ها را در کنیا و موریتانی بررسی کردند و در هر دو مطالعه رابطه مثبت و معنی‌دار بین صادرات و شاخص فناوری بدست آمد. آلوارز (۲۰۰۲)[3] با استفاده از روش داده‌های تابلویی به بررسی عوامل تعیین‌کننده صادرات بنگاه‌های ده نفر کارکن و بیشتر شیلی طی دوره زمانی ۱۹۹۶ ـ ۱۹۹۰ می‌پردازد. نتایج مطالعه وی نشانگر وجود تفاوت معنی‌دار بین بنگاه‌های صادرکننده دائمی و صادرکننده موقت[4] می‌باشد، به طوری که بنگاه‌های صادرکننده دائمی دارای شرکت‌های بزرگتر ، بهره‌وری و سرمایه انسانی بالاتر ، واردات فناوری برتر خارجی و میانگین دستمزدهای بیشتری نسبت به سایر بنگاه‌ها هستند . همچنین طبق نتایج این مطالعه میانگین دستمزدها[5] به عنوان شاخص سرمایه انسانی و فناوری داخلی (از طریق هزینه‌های تحقیق و توسعه) و فناوری خارجی (از طریق ورود فناوری وارداتی) به عنوان شاخص فناوری دارای اثر مثبت و معنی‌دار بر روی صادرات کشور شیلی می‌باشند. وان دیجک (۲۰۰۲)[6] در مطالعه‌ای ، با استفاده از آمار بنگاه‌های صنعتی[7] در اندونزی (سال ۱۹۹۵) به بررسی متغیرهای تأثیرگذار بر صادرات صنعتی این کشور می‌پردازد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که فناوری و هزینه عوامل تولید دو متغیر مهم اثرگذار بر صادرات این کشور می‌باشند. ردول و تئو (۲۰۰۳)[8] در مطالعه‌ای اثر انباشت و مدیریت سرمایه انسانی روی صادرات ۹۰ کارخانه استرالیا را بررسی کردند . یافته‌های تحقیق دلالت بر این دارد که انباشت دانش برای گسترش و توسعه صادرات استرالیا امری حیاتی به حساب می‌آید. مونتوبیو و رمپا (۲۰۰۵)[9] در مطالعه‌ای، اثر فناوری روی صادرات کشورهای آرژانتین، برزیل، چین، کلمبیا، هند، مالزی، مکزیک، سنگاپور و تایلند را بررسی کردند. این مطالعه رابطه مثبتی بین واردات فناوری از کشورهای پیشرفته و عملکرد صادراتی این کشورها را نشان می‌دهد. بارل و پومرانز (۲۰۰۷)[10] به بررسی اثر آزادی تجاری و پیشرفت فناوری روی صادرات در بیست کشور OECD پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که آزادی تجاری و پیشرفت فناوری به عنوان متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر صادرات در این کشورها شناخته شدند. وغیاتزاوغلو (۲۰۰۹)[11] عوامل تعیین‌کننده صادرات محصولات فناوری اطلاعات و ارتباطات[12] را در ۲۹ کشور طی دوره ۲۰۰۶ ـ ۲۰۰۰ بررسی کرد . متغیرهای هزینه‌های تحقیق و

1 - Wignaraja (2002)
2 - Wignaraja and Ikiara (1999)
3 - Alvarez (2002)

۴ ـ تولیدکنندگانی که تقاضای داخلی را جواب می‌دهند و در مواقع فزونی عرضه، موقتاً به صادرات روی می‌آورند .

۵ ـ طبق نظر آلوارز میانگین دستمزد شاغلان، شاخص نزدیکی برای سرمایه انسانی می‌باشد چون این شاخص کیفیت شاغلان بنگاه را بهتر نشان می‌دهد .

6 - Van Dijk (2002)

۷ ـ این مطالعه در سطح کدهای سه رقمی می‌باشد .

8 - Rodwell and Teo (2003)
9 - Montobbio and Rampa(2005)
10 - Barrell and Pomeranz (2007)
11 - Vogiatzoglou (2009)
12 - Information and Communication Technology (ICT)

توسعه ، سرمایه انسانی (تعداد محققان دربخش تحقیق و توسعه به ازای هر یک میلیون نفر) ، نرخ ارز ، درجه باز بودن تجارت ، ارزش افزوده در صنعت فناوری اطلاعات و ارتباطات ، اندازه صنعت فناوری اطلاعات و ارتباطات ، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تعداد خط تلفن ثابت به ازای هر نفر به عنوان عوامل مهم و تعیین‌کننده صادرات محصولات فناوری اطلاعات و ارتباطات در نظر گرفته شده است . نتایج این مطالعه به روش تخمین داده‌های تابلویی نشان می‌داد که هزینه‌های تحقیق و توسعه (شاخص فناوری) و سرمایه انسانی اثر مثبت و معنی‌داری بر صادرات محصولات فناوری اطلاعات و ارتباطات در این کشورها دارند .

در داخل به طور مستقیم در زمینه اثرانباشت دانش بر صادرات صنعتی مطالعه‌ای صورت نگرفته است . لیکن مطالعات مشابهی در کل صنعت و برخی زیربخش‌ها انجام شده است که در زیر به اختصار به آنها اشاره می‌شود :

طیبی و توکلی (۱۳۷۹) با استفاده از روش جوهانسن ـ جوسیلیوس و مکانیسم تصحیح خطا ، به بررسی تأثیر واردات واسطه‌ای ـ سرمایه‌ای بر صادرات غیرنفتی در بخش صنعتی ایران طی دوره ۷۶ ـ ۱۳۴۰ پرداخته و نشان دادند که متغیر واردات واسطه‌ای ـ سرمایه‌ای در بلند مدت دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر صادرات صنعتی بوده و در کوتاه مدت نسبت به بلند مدت تأثیر کمتری بر روی صادرات غیرنفتی در بخش صنعتی دارد . کریمی و پیراسته (۱۳۸۳) با استفاده از روش سیستم معادلات همزمان به ارزیابی و تحلیل اثرات متقابل بهره‌وری نیروی انسانی هزینه‌های تولید و صادرات کالاهای صنعتی در ایران پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌داد که آموزش و مهارت نیروی انسانی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر روی صادرات صنعتی طی دوره ۱۳۷۸ ـ ۱۳۷۳ داشته است . شاکری (۱۳۸۳) در مطالعه خود با استفاده از تکنیک ARDL[1] به بررسی عوامل تعیین‌کننده صادرات غیرنفتی در ایران با تأکید بر عوامل قیمتی نظیر نرخ ارز بازار آزاد و نرخ تورم و عوامل غیرقیمتی نظیر بهره‌وری نیروی کار و رقابت‌پذیری طی دوره ۱۳۸۰ ـ ۱۳۴۰ پرداخت . بر اساس نتایج این مطالعه، صادرات غیرنفتی به طور اساسی به وضعیت متغیرهای بهره‌وری و رقابت‌پذیری وابسته بوده است و متغیر قیمتی نرخ ارز، اگرچه بر صادرات غیرنفتی تأثیر مثبت داشته است، ولی این تأثیر قابل ملاحظه و تعیین‌کننده نبوده است. کازرونی و فشاری (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای با استفاده از روش داده‌های تابلویی، به بررسی اثر شاخص‌های قیمتی و غیرقیمتی بر صادرات زیربخش‌های صنعتی ایران طی دوره ۸۲ ـ ۱۳۷۷ پرداخته‌اند . نتایج این تحقیق نشان داده است که متغیرهای بهره‌وری نیروی کار، مزیت نسبی آشکار شده و نرخ ارز اسمی تأثیر مثبت و معنی‌دار و نرخ تورم تأثیر منفی و معنی‌دار بر صادرات زیربخش‌های صنعتی ایران داشته است. پورعبادالهان کویچ و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های

1 - Autoregressive Distributive Lag

تابلویی طی دوره ۸۶ ـ ۱۳۷۹ به بررسی تأثیر سرمایه انسانی بر صادرات صنعتی محصولات شیمیایی و فلزات اساسی ایران پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که سرمایه انسانی در کنار ارزش افزوده صنعتی دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر صادرات صنعتی محصولات شیمیایی و فلزات اساسی بوده است و تأثیر متغیر تقاضای داخلی نیز بر صادرات این زیربخش‌ها منفی و معنی‌دار بوده است. همچنین ، عوامل قیمتی (چون نرخ ارز و شاخص قیمت کالاهای وارداتی) در مقایسه با متغیرهای حقیقی (چون سرمایه انسانی، ارزش افزوده صنعتی و تقاضای داخلی) در تعیین صادرات این محصولات از نقش ضعیف‌تری برخوردار بوده‌اند. پورعبادالهان کویچ و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای به بررسی اثر انباشت سرمایه انسانی روی صادرات صنعتی استان‌های کشور پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که سرمایه انسانی در کنار ارزش افزوده صنعتی و نرخ ارز اسمی دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر صادرات صنعتی استان‌ها بوده است و تأثیر متغیر تقاضای داخلی و رابطه مبادله نیز بر صادرات صنعتی منفی و معنی‌دار بوده است .

با مرور مطالعات داخلی در این زمینه می‌توان مشاهده کرد که مطالعات انجام شده در این زمینه به بررسی اثر انباشت دانش بر صادرات صنعتی در سطح گروه‌های مختلف صنعتی مطالعه‌ای صورت نگرفته است. لذا برای پر کردن خلا موجود در این زمینه، مطالعه حاضر در سطح کدهای چهار رقمی و به روش داده‌های تابلویی انجام می‌شود .

٤ ـ معرفی الگوی تجربی تحقیق

در این بخش ابتدا مدل تجربی تحقیق معرفی و سپس متغیرهای تحقیق و منابع آماری آنها توضیح داده می‌شود . فعالیت صادراتی یک بنگاه انفرادی می‌تواند تحت تأثیر ترکیبی از عوامل اصلی در سطح بخش (صنعت) و ویژگی‌های بنگاه انفرادی قرار داشته باشد . لذا ، صادرات بنگاه i در صنعت j (Xij) تابعی از عوامل اصلی در سطح صنعت (Sj) و ویژگی‌های انفرادی شرکت (Fij) بوده و به صورت زیر بیان می‌شود :

$$X_{ij} = X(S_j, F_{ij})$$

عوامل اصلی همان عوامل تعیین‌کننده صادرات هستند که توسط مبانی نظری موضوع بیان می‌شوند و ویژگی‌های خاص شرکت، عواملی از قبیل اندازه شرکت، عمر شرکت، سرمایه انسانی شرکت، بهره‌وری عوامل تولید شرکت، سرمایه فیزیکی شرکت، سطح تحقیق و توسعه داخلی سطح تکنولوژی وارداتی خارجی و ... را شامل می‌شود . بطور کلی مطالعاتی که عملکرد صادرات را در سطح بنگاه در کشورهای در حال توسعه، به مانند شیلی ، موریتانی ، غنا و اندونزی بررسی کردند به این نتیجه رسیدند که بهره‌وری ، اندازه بنگاه ، سرمایه انسانی ، فناوری خارجی و داخلی و سرمایه‌گذاری خارجی اثر مثبتی روی عملکرد صادراتی بنگاه‌ها دارند. به

طوری که امروزه انباشت دانش به اندازه‌ی متغیرهای قیمتی در توضیح صادرات مهم است . بر این اساس و نیز با توجه مطالعات تجربی صورت گرفته در این زمینه به ویژه آلوارز (۲۰۰۲) ردول و تئو (۲۰۰۳) ، لیف‌بور و لیف‌بور (۲۰۰۱) و وغیاتزاوغلو (۲۰۰۹) ، مدل تجربی این تحقیق به صورت زیر معرفی می‌شود :

$$EX_{it} = \beta_0 + \beta_1 KNOW_{it} + \beta_3 VAD_{it} + \beta_4 NER_t + \beta_5 CPI_t + U_{it}$$

که در آن، اندیس‌های i و t به ترتیب بیانگر زیر گروه صنعتی محصولات چرمی و شیمیایی و سال بوده و متغیرهای مورد استفاده و منبع آماری آنها به صورت زیر تعریف می‌شوند :

EX : نشان‌دهنده ارزش صادرات محصولات چرمی و شیمیایی کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر به میلیارد ریال و به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ که اطلاعات آن از پایگاه اطلاعاتی مرکز آمار ایران جمع آوری شده است.

KNOW : شاخص موجودی دانش(شامل دو متغیر نیروی کار تحصیل‌کرده و سطح فناوری) در زیربخش‌های صنعتی محصولات چرمی و شیمیایی کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر که اطلاعات آنها از پایگاه اطلاعاتی مرکز آمار ایران جمع آوری شده است .

VAD : ارزش افزوده محصولات چرمی و شیمیایی کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر به میلیارد ریال و به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ که اطلاعات آن از پایگاه اطلاعاتی مرکز آمار ایران جمع آوری شده است .

NER : نرخ ارز اسمی (حساب‌های ملی بانک مرکزی) .

CPI : شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی داخلی (حساب‌های ملی بانک مرکزی) .

انباشت دانش نتیجه کوشش آگاهانه (نیروی کار تحصیل‌کرده و تحقیق و توسعه) یا ناآگاهانه بنگاه‌ها[1] می‌باشد . نیروی کار تحصیل‌کرده به عنوان دانش نهادینه شده در نیروی انسانی و فناوری به عنوان دانش نهادینه شده در روش‌ها، فرآیندها و مصنوعات تعریف می‌شود .

اشتغال نیروی کار دارای تحصیلات عالی به معنی استخدام نیروی کار با تخصص و با کیفیت بالاتر و به عبارت دیگر به معنی به کارگیری سرمایه انسانی می‌باشد . در این مطالعه سرمایه انسانی به طور خلاصه دانش نهادینه شده (به وسیله آموزش عالی) در انسان تعریف می‌شود و به منظور یافتن شاخص سرمایه انسانی در زیربخش‌های صنعتی محصولات چرمی و شیمیایی کشور ، آن دسته از شاغلانی که از تحصیلات عالی برخوردار بوده و بالقوه عامل تغییر و نوآوری می‌باشند مورد توجه قرار می‌گیرند[2]. در این مطالعه متغیر نیروی کار تحصیل‌کرده ، کل شاغلان با سطح تحصیلات عالی حداقل کارشناسی ارشد در بخش‌های تولیدی می‌باشد .

---

۱ ـ اثر جانبی کار با فناوری وارداتی یا فناوری داخلی(نتیجه تحقیق و توسعه داخلی) که به آن فراگیری یا انجام کار می‌گویند.

۲ ـ به عنوان نمونه Gerdne (2005) در مطالعه خود از شاغلان با حداقل سه سال تحصیلات عالی و بورعبادالهان کویچ و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه خود از شاغلان با حداقل دو سال، شاغلان با حداقل چهار سال و شاغلان با حداقل شش سال تحصیلات عالی به عنوان شاخص سرمایه انسانی استفاده کرده‌اند .

تحقیق و توسعه، کار خلاقی است که بطور منظم و سیستماتیک جهت افزایش ذخیره علمی و دانش فنی انجام می‌شود و از این دانش در اختراع و ابداع استفاده می‌شود. در این تحقیق از هزینه تحقیقات و آزمایشگاه به عنوان R&D داخلی بنگاه استفاده می‌شود، که اطلاعات آن از پایگاه اطلاعاتی مرکز آمار ایران جمع آوری شده است. فناوری در مفهوم عام دانش فنی افزایش تولید است که در ماشین متبلور می‌شود. در حقیقت دانش فکری و یا سطح اندیشه‌های فنی تخصصی نیروی انسانی را فناوری می‌نامند (ابونوری، ۱۳۸۱، ص۵۵). به مجموع ارزش پولی واردات سرمایه‌ای[1] و واسطه‌ای[2]، واردات فناوری اطلاق می‌شود . تحقیق و توسعه در کشورهای صنعتی همواره مورد توجه بوده و اهمیت آن پیوسته در حال فزونی است. با وجود این ، بنگاه‌های صنعتی کشورهای در حال توسعه قادر به سرمایه‌گذاری بیشتر در تحقیق و توسعه نیستند ، لذا در مراحل اولیه توسعه علاوه بر تحقیق و توسعه داخلی، واردات فناوری نیز می‌تواند یکی از عوامل مهم مؤثر بر صادرات صنعتی باشد. لذا متغیر موجودی دانش به صورت دو متغیر سرمایه انسانی(نیروی کار تحصیل‌کرده دانشگاهی)(H) و فناوری(TECH) که شامل تحقیق و توسعه داخلی بنگاه و میزان خرید فناوری خارجی(دانش سر ریز جهانی) بنگاه تعریف می‌شود و انتظار می‌رود که این دو متغیر که شاخص موجودی دانش بنگاه می‌باشند دارای اثر مثبتی روی صادرات صنعتی باشند .

بر مبنای ادبیات موضوع ، صادرات بنگاه تحت تأثیر ذخیره سرمایه ثابت بنگاه قرار می‌گیرد ، ولی از آنجا که موجودی سرمایه بخشی از ظرفیت تولیدی بنگاه‌های اقتصادی را نشان می‌دهد ، در نتیجه فرض می‌شود که ارزش افزوده صنعتی به عنوان شاخص ذخیره سرمایه ثابت می‌تواند صادرات بنگاه را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو در مطالعات تجربی اغلب از تولید یا ارزش افزوده صنعتی به جای ذخیره سرمایه ثابت بنگاه به عنوان عامل مؤثر مثبت بر صادرات استفاده می‌کنند[3] .

بر طبق تئوری‌های تجارت بین‌الملل، نرخ ارز یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر روند صادرات یک کشوراست. چنانچه نرخ ارز افزایش یابد، به دلیل ارزانتر شدن کالاهای داخلی نسبت به کالاهای مشابه خارجی و افزایش قدرت رقابت‌پذیری کالاهای داخلی، میزان صادرات افزایش می‌یابد . بر مبنای ادبیات موضوعی و تئوری‌های تجارت بین‌الملل، شاخص قیمت کالاهای داخلی به عنوان یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر صادرات معرفی شده است. به طوری که افزایش شاخص قیمت کالاهای داخلی به معنی کاهش قدرت رقابتی کالاهای صادراتی و کاهش صادرات است .

---

۱ ـ منظور ارزش اموال سرمایه‌ای است که به‌صورت نو یا مستعمل از خارجیان خریداری می‌شود (مرکز آمار ایران) .

۲ ـ عبارت است از مواد خام یا کالاهای نیمه‌ساخته‌ای که به منظور بکارگیری در عملیات بعدی کالا (تکمیل، تغییر شکل و مونتاژ)، از خارج کشور وارد می‌شوند (مرکز آمار ایران)

۳ ـ برای تایید مطلب فوق می‌توان به منابع زیر اشاره کرد : توفرسی و عرب‌مازار (۱۳۷۳)، علیبی و مصری‌نژاد (۱۳۸۱)، پورعبادالهان کویچ و همکاران (۱۳۸۸) و پورعبادالهان کویچ و همکاران (۱۳۹۰) .

۵ ـ یافته‌های تجربی تحقیق

با توجه به مطالعات تجربی می‌توان مشاهده کرد که در مطالعاتی که به صورت بین صنعتی صورت می‌گیرد ، بیشتر از داده‌های مقطعی یا داده‌های تابلویی[1] استفاده می‌شود. در تحقیق حاضر نیز با توجه به مزایای روش داده‌های تابلویی[2] و نوع اطلاعات مورد استفاده در این مطالعه از روش داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. قبل از ورود به بحث بررسی و تفسیر نتایج مدل ابتدا لازم است آزمون شود که آیا زیربخش‌های صنعتی ۱۲گانه مورد بررسی همگن هستند یا خیر؟ در این آزمون، که به آزمون اثرات مقطعی معروف است و به وسیله آماره F صورت می‌گیرد ، فرضیه صفر دال بر همگن بودن صنایع مورد بررسی می‌باشد. از این روی عدم رد فرضیه صفر بیانگر استفاده از روش حداقل مربعات معمولی تجمیع شده[3] و رد فرضیه صفر مبین استفاده از روش داده‌های تابلویی می‌باشد. با ملاحظه نتایج به دست آمده برای کلیه مدل‌های تخمین زده شده که در انتهای جدول گزارش شده است ، می‌توان گفت که آماره آزمون F بیانگر استفاده از روش داده‌های تابلویی به جای استفاده از روش حداقل مربعات معمولی است .

در مرحله بعد باید از بین دو روش موجود برای تخمین داده‌های تابلویی ، روش اثرات ثابت[4] و روش اثرات تصادفی[5]، یکی انتخاب شود. برای این منظور از آماره آزمون هاسمن[6] استفاده می‌شود. بر اساس این آزمون، رد فرضیه صفر بیانگر استفاده از روش اثرات ثابت بوده و عدم رد آن مبین استفاده از روش اثرات تصادفی می‌باشد. نتایج آماره آزمون هاسمن ارائه شده در سطر آخر جدول بیانگر رد فرضیه صفر و در نتیجه انتخاب روش اثرات ثابت برای کلیه مدل‌ها می‌باشد. نتایج تخمین مدل به روش اثرات ثابت در جدول زیرارائه شده است .

1 - Panel Data

۲ ـ برای مطالعه مزایای روش داده‌های تابلویی به منبع (Baltagi, 2005, pp.4-7) مراجعه شود.

3 - Pooled Least Squares
4 - Fixed Effects
5 - Random Effects
6 - Hausman Test

نتایج برآورد مدل به روش اثرات ثابت

متغیر	مدل(۱)	مدل(۲)	مدل(۳)	مدل(٤)
C	-۷۵۷/۷۲ (-۱/۲۳)	-۳۱۸/۱۹ (-۱/۲٦)	-۱۲۵/٤۲ (-۳/۱۲)*	-۱۵۱/۸۸ (-۱/۸۵)**
TECH	۰/۷۰ (۸/۲۵)*	۰/۷۰ (۸/۲۵)*	۰/۷۰ (۸/۲۵)*	۰/۷۰ (۸/۲۱)*
H	۱/۳٦ (۲/۸۰)*	۱/۳۲ (۲/۷٤)*	۱/۳۷ (۲/۸۷)*	۱/۳٤ (۲/۷٦)*
VAD	۰/۳۷ (۸/۲٤)*	۰/۳٦ (۸/۲۲)*	۰/۳۷ (۸/۵۵)*	۰/۳۷ (۸/۲۵)*
NER	۰/۰۹ (۰/۹۹)	۰/۰۲ (۰/۷۷)	-	-
CPI	-۰/٦۱ (-۰/۷۸)	-	-	-
PIM	-	-	-	۱۷/۱۷ (۰/۳۷)
R^2	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۸
F(1)	۳۰۵/۸۳*	۳۲۷/۷۷*	۳۵۲/۸۵*	۳۲۵/۸۳*
تعداد مشاهدات	۹٦	۹٦	۹٦	۹٦
آماره‌ی F(2)	۵/۱*	٤/۹۱*	٤/۹۳*	٤/۸۷*
آماره‌ی هاسمن	۵۱/۷۵*	۳۳/٤۵*	۳۳/٤٦*	۳۳/۱٦*

منبع : محاسبات تحقیق اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده آماره t می‌باشند.

*، ** و *** به ترتیب نشانگر معنی‌داری در سطح ۱، ۵ و ۱۰ درصد است.

(۱) آماره ازمون معنی‌دار بودن کلی رگرسیون (۲) آماره آزمون اثرات مقطعی

در مدل (۱) جدول فوق ملاحظه می‌شود که نتایج به دست آمده دلالت بر آن دارند که تمامی ضرایب متغیرهای توضیحی مورد استفاده دارای علامت مطابق با انتظارات تئوریکی می‌باشند و متغیرهای سرمایه انسانی (شاغلان با سطح تحصیلات عالی حداقل کارشناسی ارشد) و فناوری(مجموع R&D داخلی و واردات فناوری) در سطح یک درصد معنی‌دار هستند . مطابق نتایج جدول، به ازای یک واحد افزایش در شاخص فناوری و شاخص سرمایه انسانی ، میزان صادرات صنعتی محصولات چرمی و شیمیایی به ترتیب ۰/۷۰ و ۱/۳٦ واحد افزایش می‌یابد همچنین نتایج مدل (۱) در جدول فوق نشان می‌دهد که متغیر ارزش افزوده صنعتی در سطح یک

درصد معنی‌دار است به طوری که به ازای یک واحد افزایش در ارزش افزوده صنعتی میزان صادرات محصولات چرمی و شیمیایی ۰/۳۷ واحد افزایش خواهد یافت. همچنین با توجه به نتایج بدست آمده در مدل (۱)، علامت ضرایب مربوطه به متغیر نرخ ارز اسمی و شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی داخلی با نظریات اقتصادی سازگار بوده ولی به لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشند. لذا ابتدا متغیر شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی داخلی از مدل (۱) حذف و مدل (۲) به چهار متغیر توضیحی تعدیل گردیده است و سپس در مدل (۳) هر دو متغیر نرخ ارز اسمی و شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی داخلی از مدل (۱) حذف و مدل اولیه به سه متغیر توضیحی تعدیل شده است. نتایج به دست آمده در مدل‌های (۲) و (۳) جدول فوق نشان می‌دهند که علامت ضرایب مربوط به متغیرهای توضیحی شاخص فناوری، شاخص سرمایه انسانی و ارزش‌افزوده صنعتی با تئوری‌های اقتصادی سازگار بوده و به لحاظ آماری در سطح یک درصد معنی‌دار هستند و همچنین مقدار ضرایب آنها تقریباً همانند مدل (۱) می‌باشد .

در مرحله بعد به منظور بررسی استحکام نتایج، متغیر شاخص قیمت کالاهای وارداتی (PIM) به جای متغیرهای قیمتی وارد مدل می‌گردد و انتظار بر این است که این متغیر دارای تأثیر مثبت بر صادرات زیربخش‌های صنعتی محصولات چرمی و شیمیایی باشد. بر اساس نتایج به دست آمده در جدول برای مدل (۵) ملاحظه می‌شود که ضرایب مربوط به متغیرهای توضیحی شاخص فناوری، نیروی کار تحصیل‌کرده دانشگاهی و ارزش‌افزوده صنعتی با تئوری‌های اقتصادی سازگار بوده و به لحاظ آماری در سطح یک درصد معنی‌دار هستند، و همچنین مقدار ضرایب آنها تقریباً همانند مدل‌های قبلی می‌باشد. همخوانی این نتایج در تمامی مدل‌های تخمینی فوق، بیانگر استحکام نتایج مبنی بر نقش و اهمیت موجودی دانش بر صادرات زیربخش‌های صنعتی محصولات چرمی و شیمیایی کشور می‌باشد. همچنین در مدل (۵) شاخص قیمت کالاهای وارداتی دارای تأثیر مثبت ولی معنی‌دار نمی‌باشد .

اثر مثبت موجودی دانش شامل فناوری و نیروی کار تحصیل‌کرده دانشگاهی بر صادرات زیربخش‌های صنعتی محصولات چرمی و شیمیایی در تخمین‌های فوق را می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که فناوری و سرمایه انسانی اغلب شرایط نوآوری. ارتقاء بهره‌وری نیروی انسانی و کاهش هزینه‌های تولید را فراهم می‌سازد و از این طریق می‌تواند منجر به ارتقای کیفیت نهاده‌های تولید و رشد صادرات صنعتی محصولات چرمی و شیمیایی شوند. یافته‌های تجربی این تحقیق با نتایج مطالعات مونتوبیو و رمپا (۲۰۰۵) ، آلوارز (۲۰۰۲) ، وغیاتزاوغلو (۲۰۰۹) ، چوانگ (۲۰۰۰) طیبی و توکلی (۱۳۷۹)، طیبی و همکاران(۱۳۸۳) و پورعبادالهان کویچ و همکاران (۱۳۹۰) سازگار می‌باشد .

همچنین بر اساس نتایج بدست آمده می‌توان گفت که با افزایش ارزش افزوده صنعتی محصولات چرمی و شیمیایی، صادرات زیربخش‌های صنعتی محصولات چرمی و شیمیایی به طور معنی‌داری افزایش داشته است. این یافته‌ها نیز با مبانی نظری و مطالعات تجربی انجام گرفته در این زمینه سازگار می‌باشد. با افزایش ارزش افزوده صنعتی و در نتیجه افزایش سودآوری بنگاه‌ها انگیزه تولیدکنندگان کارگاه‌ها به تولید و صادرات کالاها و خدمات افزایش می‌یابد.

معنی‌دار نبودن نرخ ارز اسمی، شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی داخلی و متغیر شاخص قیمت کالاهای وارداتی نشانگر آن است که عوامل قیمتی، در مقایسه با متغیرهای حقیقی (همچون موجودی دانش و ارزش افزوده صنعتی)، در تعیین صادرات زیربخش‌های صنعتی محصولات چرمی و شیمیایی، از نقش ضعیف‌تری برخوردار بوده و صادرات این محصولات واکنش معنی‌داری به متغیرهای قیمتی از خود نشان نمی‌دهند. بنابراین، با در نظر گرفتن نتایج به دست آمده می‌توان استدلال کرد که ساختار این صنایع و صادرات آنها به گونه‌ای است که صادرات محصولات چرمی و شیمیایی تحت تأثیر یک سری متغیرهای حقیقی همچون موجودی دانش ، سرمایه انسانی و ارزش افزوده قرار می‌گیرد و در مقابل زمینه لازم برای تحت تأثیر قرار دادن صادرات این محصولات از طریق متغیرهایی همچون نرخ ارز، شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی داخلی و شاخص قیمت کالاهای وارداتی هنوز فراهم نبوده و اتکا به این متغیرها توفیق چندانی در مسیر توسعه صادرات آنها نخواهد داشت .

۵ ـ نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

با توجه به اینکه امروزه یکی از نهاده‌های اصلی اقتصاد مبتنی بر دانایی، دانش و کاربرد آن است و همچنین با توجه به اهمیت و سهم عمده صادرات محصولات چرمی و شیمیایی در سبد صادرات کالاهای صنعتی، هدف اصلی این تحقیق شناخت عوامل مؤثر بر صادرات زیربخش‌های صنعتی محصولات چرمی و شیمیایی با تأکید بر نقش انباشت دانش در صنایع ده نفر کارکن و بیشتر ایران، با استفاده از داده‌های تابلویی، طی دوره زمانی ۸۶ ـ ۱۳۷۹ بوده است . نتایج به دست آمده دلالت بر این دارد که موجودی دانش در سطح بنگاه بر عرضه صادرات زیربخش‌های صنعتی محصولات چرمی و شیمیایی تأثیر مثبت و معنی‌دار دارد. به عبارت دیگر ، یافته‌های تجربی تحقیق بیانگر آن است که برای دستیابی به توسعه صادرات محصولات چرمی و شیمیایی و از طریق آن رشد اقتصادی بیشتر، توجه به سرمایه‌گذاری مناسب در عوامل تعیین‌کننده انباشت دانش یک ضرورت جدی است . چرا که سرمایه‌گذاری در انباشت دانش که به مفهوم تولید دانش جدید می‌باشد، می‌تواند با بالا بردن سطح دانش بنگاه، موجب ارتقاء کیفیت تولید شده و به افزایش کارآیی استفاده از سرمایه‌های مادی و به کارگیری بهینه آنها منجر شود. در این راستا تأکید این مطالعه بر تحول بخش صادرات محصولات چرمی و شیمیایی با تغییر سطح و کیفیت

موجودی دانش در کشور می‌باشد. افزایش سطح دانش بنگاه‌ها نیز از طریق تحقیق و توسعه داخلی ، فناوری وارداتی و افزایش نیروی کار تحصیلکرده دانشگاهی، ممکن می‌باشد .

همچنین ، با توجه به نوسانات شدید قیمت نفت و اثرات زیانبار اقتصادی آن از یک سو و پایان‌پذیر بودن منابع نفتی از سوی دیگر، توصیه می‌شود که به منظور کاهش هر چه بیشتر وابستگی به درآمدهای حاصل از صادرات نفت و حرکت به سمت رشد صادرات غیرنفتی جهت تأمین نیازهای ارزی کشور، ضروری است از طریق گسترش کمی و کیفی دانش‌های جدید زمینه‌های ایجاد خلاقیت و مهارت نیروی انسانی فراهم آید. به این ترتیب، سرمایه‌گذاری در انباشت دانش زمینه بهبود بهره‌وری عوامل تولید را فراهم می‌آورد و موجب افزایش کمی و کیفی تولیدات زیربخش‌های صنعتی محصولات چرمی و شیمیایی می‌گردد. کمیت و کیفیت برتر تولیدات نیز منجر به ایجاد مزیت نسبی در گروه کالاهای صادراتی شده و زمینه رقابت در بازارهای جهانی را فراهم می‌آورد. که این اقدام می تواند از مصادیق عینی حمایت از تولید ، کار و سرمایه ایرانی در راستای رفع وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای حاصل از نفت تلقی شود .

منابع و مآخذ

۱. ابونوری ، عباسعلی (۱۳۸۱) ـ « اقتصاد خرد » ـ انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی ـ جلد اول ـ چاپ اول ـ تهران .

۲. آرمن ، سید عزیز و ناهید کرد زنگنه (۱۳۸٦) ـ « ارزیابی مزیت نسبی و دخالت دولت در فعالیت‌های صنعتی ـ موردمنطقه خوزستان » ـ فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران ـ شماره ۳۰ ـ صص۱۱۸ ، ۹۳ .

۳. برانسون ، ویلیام اچ. (۱۳۸۵) ـ « تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان » ـ ترجمه : عباس شاکری ـ نشر نی ـ چاپ نهم ـ تهران .

٤. پورعبادالهان ، محسن و حسین اصغر پور ، فیروز فلاحی و حسن عبدی (۱۳۹۰) ـ « اثر انباشت سرمایه انسانی روی صادرات صنعتی استان‌های کشور » ـ مجله نامه مفید (سیاستهای اقتصادی) ـ شماره ۲ ـ جلد ۷ ـ صص۱۳۰ ، ۱۱۱ .

۵. پورعبادالهان ، محسن و حسین اصغر پور ، فیروز فلاحی و حسن عبدی (۱۳۸۸) ـ « نقش سرمایه انسانی درصادرات زیربخش‌های صنعتی محصولات شیمیایی وفلزات اساسی ایران » مجله سیاست‌گذاری اقتصادی ـ سال اول ـ شماره ۲ ـ صص ۱۲۲ ، ۹۹ .

٦. تقوی، مهدی و حسین محمدی (۱۳۸۵) ـ « تاثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران » پژوهش‌های اقتصادی ایران ـ شماره ۳ ـ صص ٤۳ ، ۱۵ .

۷. حسینی ، سید شمس‌الدین و مریم ملک‌محمدی چهل‌خانه (۱۳۸٦) ـ « سنجش مزیت نسبی و رقابت صنعت چرم ایران در بازارهای جهانی » ـ فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی ـ شماره ٤٤ ـ صص ۲٦۵ ، ۲۳۵ .

۸. رومر، دیوید (۱۳۸۳) ـ « اقتصاد کلان پیشرفته » ـ ترجمه مهدی تقوی ـ جلد اول انتشارات دانشگاه آزاد ـ تهران .

۹. سوری ، علی و نادر مهرگان (۱۳۸٦) ـ « نقش سرمایه اجتماعی در تشکیل سرمایه انسانی » فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی ـ شماره ٤۲ ـ صص۲۱۹ ، ۲۰۷ .

۱۰. شاکری ، عباس(۱۳۸۹) ـ « اقتصاد خرد ۲ » ـ نشر نی ـ چاپ پنجم ـ تهران .

۱۱. شاکری ، عباس (۱۳۸۹) ـ « نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصاد کلان » ـ انتشارات پارس نویسا جلد اول ـ چاپ دوم ـ تهران .

۱۲. شاکری ، عباس (۱۳۸۳) ـ « عوامل تعیین‌کننده صادرات غیرنفتی ایران » ـ فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ـ شماره ۲۱ ـ صص ۵۰ ، ۲۳ .

۱۳ . شاه میرزایی، علیرضا و همکاران (۱۳۸۳) ـ « از سیاست اقتصادی تا سیاست صنعتی ـ نقد طرح استراتژی توسعه صنعتی کشور » ـ کانون تحلیل‌گری سیاست صنعتی مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف ـ نشر استیری ـ تهران .

۱٤ . طیبی ، سید کمیل و شیرین مصری‌نژاد (۱۳۸۱) ـ « بررسی رابطه تعاملی کوتاه‌مدت و بلندمدت تورم و عرضه صادرات غیرنفتی در ایران » ـ مجله تحقیقات اقتصادی ـ شماره ٦۱ صص۲۲ ، ۱ .

۱۵ . طیبی ، کمیل و اکبر توکلی (۱۳۷۹) ـ « یک چارچوب تحلیلی از تعامل بین واردات واسطه‌ای ـ سرمایه‌ای و صادرات غیرنفتی در بخش صنعتی اقتصاد ایران (۱۳۷٦ ـ۱۳٤۰) » پژوهشنامه بازرگانی ـ فصلنامه ۱۵ ـ ج٤ ـ صص۲٤ ، ۱ .

۱٦ . فرجادی ، غلامعلی (۱۳۸۸) ـ « اشتغال و بیکاری » ـ مؤسسه مطالعات اندیشه ـ تهران .

۱۷ . کازرونی ، علیرضا و مجید فشاری (۱۳۸۷) ـ « تاثیر شاخصهای رقابتی قیمتی و غیرقیمتی بر صادرات زیربخشهای صنعتی ایران (۱۳۸۲ ـ ۱۳۷۷) » ـ فصلنامه بررسی‌های اقتصادی دوره پنجم ـ شماره ۱ ـ صص ٤٦ ، ۲۷ .

۱۸ . کریمی ، فرزاد و حسین پیراسته (۱۳۸۳) ـ « ارزیابی و تحلیل تاثیرات متقابل بهره‌وری نیروی انسانی ـ هزینه‌های تولید و صادرات کالاهای صنعتی در ایران (۱۳۷۸ ـ ۱۳۷۳) » مجله تحقیقات اقتصادی ـ شماره ٦۵ ـ صص۷۵ ، ۳۳ .

۱۹ . مرکز آمار ایران (۱۳۸۵ ـ ۱۳۷۹) ـ « نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر » ـ سایت مرکز آمار ایران .

۲۰ . میرجلیلی ، سید حسن (۱۳۸۰) ـ « نظریه ، سیاست استراتژیک و کاربرد آن در توسعه صادرات صنعتی ایران ، پایان‌نامه دکتری علوم اقتصادی » ـ راهنما دکتر اکبر کمیجانی دانشکده اقتصاد ـ دانشگاه امام صادق .

۲۱ . نیکواقبال ، علی اکبر و حسن ولی‌بیگی (۱۳۸٦) ـ « رقابت‌پذیری صنایع ایران در روند الحاق به سازمان تجارت جهانی » ـ تحقیقات اقتصادی ـ شماره ۷۹ ـ صص۲۱۱ ـ ۱۹۳ .

۲۲ . نوفرستی ، محمد و عباس عرب‌مازار (۱۳۷۳) ـ « یک الگوی اقتصادسنجی کلان برای اقتصاد ایران » ـ فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی ـ شماره ۱ .

23 . Alvarez, R. (2002), Determinants of Firm Export Performance in Less Developed Country, Estudies de Economia, vol. 29, pp. 53-78.

24 . Awokuse, T. O. (2007), "Causality between Exports, Imports, and Economic Growth: Evidence from Transition Economies", Economic Letters, vol. 94, no. 3, pp. 389-395. 202.

25 . Baltagi, B. (2005), Econometrics Analysis of Panel Data, Third Edition, John Wily and sons Ltd, USA.

26 . Barrell Ray and Olga Pomerantz (2007), Globalization and Technology Intensity as Determinants of Exports, ESRC MMF Workshop in Trinity College, Cambridge.
27 . Bleany, M and K. Wakelin (1999), Sectoral and Firm-Specific Determinants of Export Performance: Evidence from the United Kingdom, Centre for Research on Globalization and Labor Markets Research Paper, 99/12.
28 . Cohen, W.M. and D.A. Levinthal (1990), Absorptive Capacity: A New Perspective on Learning and Innovation, Administrative Science Quarterly, vol.35, no.1, pp.128-152.
29 . Egert, B. and A. Morales (2005), Exchange Rate Regimes, Foreign Exchange Rate Volatility and Export Performance in Central and Eastern Europe: Just another Blur Project? BOFIT Discussion Papers pp. 1-37.
30 . Gerdne, Therese (2005), The Importance of Human Capital in Export Performance, Jonkoping International Business School, Jonkoping University.
31 . Hall, J. and G.M. Scobie (2006), The Role of R&D in Productivity Growth: The Case of Agriculture in New Zealand: 1927 to 2001, New Zealand Treasury Working Paper, no. 06/01.
32 . Hasan, R. (2000), The Impact of Imported and Domestic Technologies Productivity: Evidence from Indian Manufacturing Firms, East-West Center Working Papers, no. 6.
(http://www.eastwestcenter.org/fileadmin/stored/pdfs/ECONwp006.pdf)
33 . Hasan, R. (2002), The Impact of Imported and Domestic Technologies on the Productivity of Firms: Panel Data Evidence from Indian Manufacturing Firms, Journal of Development Economics, vol. 69, pp. 23 – 49 .
34 . Khan, M.S. and M.D. Knight. (1988), Import Compression and Export Performance in Developing Countries, Review of Economics and Statistics, vol. 70, pp. 315 - 321.
35 . Konya, L. (2006), Exports and Growth: Granger Causality Analysis on OECD Countries a Panel Data Approach, Economic Modeling, vol. 23 pp. 978 – 992 .
36 . Kondo, M. (2001), Technology Acquisition and Mastering for Development , UNIDO Industrial Development Forum (General Conference of UNIDO), Ninth Session-Vienna,
(http://www.unido.org/fileadmin/import/userfiles/timminsk/9gcforumkondo.pdf).
37 . Lefebvre, Elisabeth and Louis A. Lefebvre (2001), "Innovative Capabilities as Determinants of Export Performance and Behavior: A longitudinal Study of Manufacturing SMEs" in Innovation and Firm Performance: Econometric Explorations of Survey Data, Palgrave (MacMillan Press), London et Basingstoke.

38 . Montobbio, Fabio and Francesco Rampa (2005), "The Impact of Technology and Structural Change in Export Performance in Developing Countries", World Development, vol. 33, no. 4, pp. 527 - 547.
39 . Rodwell, J.J and S.T.T Teo (2003), The Need to Accumulate Human Capital across Levels of Export Intensity: Activating Resources that are Increasingly Difficult to Mobilize", Research and Practice in Human Resource Management, vol. 11, no. 2, pp. 17 - 31.
40 . Sarpong, Daniel and Susana Wolf (2004), Export Performance and Investment Behavior of Firms in Ghana, A Paper Presented at the ISSER/Cornell University Conference on Ghana's Economy at the Half Century.
41 . Svensson, R. (2008), Growth through Research and Development What Does the Research Literature Say?, VINNOVA-Swedish Governmental Agency for Innovation Systems, (http://www.vinnova.se/upload/EPiStorePDF/vr-08-19.pdf).
42 . Tariq Majeed, M. and E. Ahmad (2006), Determinants of Export in Developing Countries. The Pakistan Review, vol. 45, no. 4, pp. 1265 - 1276.
43 . Van Dijk, M. (2002), The Determinants of Export Performance in Developing Countries: The Case of Indonesian Manufacturing, Eindhoven Centre for Innovation Studies Working Paper, 02/01.
44 . Vogiatzoglou, K. (2009), Determinants of Export Specialization in ICT Products: A Cross Analysis, International Network for Economic Research Working Paper, 2009.3.
45 . Wignaraja, G. and G Ikiara (1999), Adjustment, Technological Capabilities and Entreprise Dynamics in Kenya, in S Lall (ed), The Technological Response to Import Liberalization in Subsahran Africa, London Macmillan Press Ltd, pp. 57-111.
46 . Wignaraja, Ganeshan (2002), Firm Size, Technological Capabilities and Market-oriented Policies in Mauritius, Oxford Development Studies, vol. 30, no. 1.

بسترهای تحقق تولید ملی ، حمایت از کار و سرمایه ایرانی و تبیین استراتژی مناسب در جهت نیل به توسعه صادرات غیر نفتی

یوسف محمدزاده موسی‌کندی[1] ـ دکتر حسین میرزایی[2]

۱ ـ مقدمه

تولیدملی[3] به ارزش پولی همه کالاها و خدماتی که در دوره معینی، معمولاً یک سال ، در کشوری تولید شده، گفته می‌شود. به این اعتبار تولید ملی یک جریان در واحد زمان است و معمولاً بر حسب دلار در سال، پوند در سال، و مانند اینها بیان می‌شود. درآمد ملی به ارزش پولی تمامی درآمدهایی که در دوره معینی در کشوری، در جریان تولید، کسب شده گفته می‌شود .

بخشی از سخنان گرانقدر رهبر معظم انقلاب در مورد سال تولید ملی ، حمایت از کار و سرمایه انسانی ، شعار امسال «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ی ایرانی» است . ما باید بتوانیم از کار کارگر ایرانی حمایت کنیم؛ از سرمایه سرمایه دار ایرانی حمایت کنیم؛ و این فقط با تقویت تولید ملی امکان پذیر خواهد شد. سهم دولت در این کار، پشتیبانی از تولیدات داخلی صنعتی و کشاورزی است. سهم سرمایه داران و کارگران، تقویت چرخه ی تولید و اتقان در کار تولید است و سهم مردم که به نظر من از همه‌ی اینها مهمتر است مصرف تولیدات داخلی است. ما باید عادت کنیم ، برای خودمان فرهنگ کنیم ، برای خودمان یک فریضه بدانیم که هر کالائی که مشابه داخلی آن وجود دارد و تولید داخلی متوجه به آن است ، آن کالا را از تولید داخلی مصرف کنیم و از مصرف تولیدات خارجی بجد پرهیز کنیم .[4]

اگر نگاهی به نام‌گذاری‌های سال‌های گذشته که سوی مقام معظم رهبری انجام شده بیندازیم یک نگاه مشترک را در آن نام‌گذاری‌ها خواهیم دید . سال ۸۸ با عنوان سال اصلاح الگوی مصرف شروع شد و بعد از آن نیز سال همت مضاعف و کار مضاعف عنوانی بود که سال ۸۹ به خود گرفت و در آخر نیز سال ۹۰ که مزین به سال جهاد اقتصادی شد .

---

۱ ـ دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

۲ ـ هیات علمی دانشگاه پیام نور تبریز

3 - National product

۴ ـ بخشی از پیام نوروزی مقام معظم رهبری (سال ۱۳۹۱)

این سلسله نام‌گذاری‌ها از یک سو و نام گذاری دهه آتی به نام « پیشرفت و عدالت[1] » از سوی دیگر تاکید بر همان نگاه خاص بود . اگر سه سال گذشته را مورد بررسی قرار دهیم شاهد خواهیم بود که هریک نگاهی اقتصادی دارند و نوعی زمینه‌سازی و زمینه چینی است برای امری مهم‌تر است و نام‌گذاری این سه سال به صورت زنجیروار به یکدیگر متصل هستند .

اگر نگاهی غیرشعاری به نام‌گذاری سال اصلاح الگوی مصرف بیندازیم شاهد ارتباط معنادار آن با سال همت مضاعف و کار مضاعف خواهیم شد.چرا که اگر در بعد مصرف کالاها تجدید نظر شد و در عرصه اجتماعی نیز با همت و کار مضاعف جدی به کار نگریسته شود عملاً دو گام اصلی در جهش اقتصادی را برداشته ایم یعنی مدیریت مصرف و کار در دوسال که کاملاً با همدیگر در ارتباط هستند .

سه سال گذشته رابطه‌ای معنا دار از لحاظ اقتصادی داشته‌اند و آن نام‌گذاری‌ها را باید یک حرکت زنجیروار دانست. لذا با پذیرش این فرض حلقه دیگر این زنجیره اقتصادی با نام تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی کامل می شود. اهمیت تولید ملی بر کسی پوشیده نیست اما نکته مهم این نام گذاری که بار اصلی را به دوش می‌کشد حمایت از کار و سرمایه ایرانی است چرا که جز بها دادن به این موارد امکان تولید ملی میسر نخواهد بود. نکته دیگری که در این نامگذاری وجود دارد یک نه بزرگ به اندیشمندان و یا معتقدان به صنعت وارداتی و یا مونتاژ است چرا که از دید این افراد کشورهای پیرامون و یا نیمه پیرامون می‌توانند با جذب سرمایه‌های خارجی و در واقع صنعت مونتاژ راهی سریع به سمت صنعتی شدن را بپیمایند حرکتی که از سوی دولت های قبلی صورت گرفت و عملا به شکست انجامید و نکته دیگر این است که به درستی به پتانسیل‌های داخلی کشور از سوی مسئولین نگاه نشده است .

۲ ـ اهمیت موضوع

خرید و حمایت از تولیدات و محصولات ساخت داخل کشور در ابعاد بین المللی، ملی و محلی می‌تواند آثار مثبت اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی ، سیاسی ، فنی ، قانونی ، علمی و تحقیقاتی فراوانی را برجا گذارد :

الف : مزایای اقتصادی ناشی از تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی

- حفظ مشاغل موجود در بخشهای تولیدی ، بنابراین حفظ وضع موجود اشتغال درکشور
- گسترش وایجاد مشاغل جدید به واسطه فراهم شدن تقاضای جدیدبرای محصولات موجود وخدمات جدید و در نتیجه کاهش نرخ بیکاری

---

۱ ـ مقام معظم رهبری دهه چهارم انقلاب را دهه پیشرفت و عدالت نامیدند.

- گسترش چرخه های تولید به صورت مستقیم وغیر مستقیم بنابراین تقویت بنیان های امنیتی و دفاعی کشور
- افزایش توان پولی، مالی و اعتباری کشور و افزایش قدرت وام دهی به سایر کشورها
- افزایش درآمد های ناشی از مالیات و افزایش منافع جمعی مردم
- سالم سازی و تقویت فرآیند های تولید، توزیع و مصرف کشور
- صرفه جویی های اقتصادی بواسطه استفاده بهینه از تجهیزات تولید و صرفه جویی های ناشی از مقیاس تولید
- کاهش قیمت تمام شده محصولات بواسطه تولید انبوه
- رقابتی شدن فضای کسب و کار و بدنبال آن افزایش منافع مردم
- تقویت بورس اوراق بهادار به واسطه افزایش قدرت تولیدی و مالی شرکت ها
- استفاده و بکارگیری سرمایه های خرد و کلان آحاد جامعه و امکان سرمایه گذاری آن در بخشهای تولیدی
- جلوگیری از انتقال سرمایه ها به خارج ازکشور بواسطه فراهم شدن زمینه های بکارگیری سرمایه ها در فرآیند تولیدات داخلی
- جذب سرمایه های خارجی به دلیل صرفه اقتصادی برای سرمایه گذاران
- کاهش وابستگی ارزی به کشور های بیگانه وتقویت پول ملی واتکاء به آن در معاملات و مبادلات اقتصادی
- حرکت بخش های اقتصادی به سمت تجارت واقعی و کاهش واسطه گری های زائد
- کاهش حجم و وزن اقتصادزیر زمینی وحرکت به سمت شفافیت اقتصادی
- افزایش درآمدهای مردم وانگیزه بخش خصوصی برای سرمایه گذاری های مطمئن
- کمک به مثبت شدن تراز تجاری کشوربه دلیل کاهش نیازهای وارداتی
- مقابله با تحریم های اقتصادی کشورهای دیگر و افزایش توان اقتصادی و بالا رفتن قدرت چانه‌زنی در معاملات بین المللی
- کاهش وابستگی به درآمد های نفتی در مصارف جاری کشور و زمینه‌سازی سرمایه‌گذاری در آمدهای نفتی برای طرح‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری‌های کلان
- کاهش صادرات مواد خام و بسترسازی ایجاد و افزایش ارزش افزوده بر روی مواد خام در کشور
- افزایش درآمد های دولت بواسطه افزایش فعالیت های اقتصادی و تولیدی کشور
- کاهش نقش تصدی گری دولت بواسطه فعال شدن بخش های خصوصی و تعاونی و بنابراین شکل گیری ساختارهای نظارتی دولت به عنوان وظیفه اصلی حوزه حاکمیت

- کاهش تورم به واسطه افزایش تولید و ایجاد تعادل در عرضه و تقاضا
- تخصیص بهینه منابع مالی و سرمایه ای و سازوکارهای تولید، توزیع و مصرف در کشور
- جلوگیری از انتقال ارز بواسطه تامین نیازها از تولیدات داخلی و تقویت صادرات و کسب مزیت رقابتی در جهان
- کاهش مشکلات مربوط به حمل و نقل و گمرک ناشی از واردات کالا و کاهش تورم ناشی از کمبود عرضه بواسطه افزایش تولید
- امکان حضور واقعی در مناطق آزاد تجاری جهان بواسطه افزایش تولیدات داخلی و بالا رفتن قدرت رقابت جهانی و تقویت صنایع دستی و بستر سازی جذب گردشگر خارجی
- بازسازی وبهسازی سیاست های مالی و پولی کشور بواسطه ضرورت های اجتناب ناپذیر
- برقراری‌روابط منطقی درتقاضاو عرضه محصولات بنابراین تعادل قیمت ها و تأمین منافع جامعه

ب : مزایای فرهنگی و اجتماعی ناشی از تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی

- گسترش و تقویت همبستگی های فرهنگی و اجتماعی داخل کشور بواسطه مصرف محصولات ملی و محلی
- افزایش اعتماد به نفس و تقویت باورهای فرهنگی و اجتماعی و کاهش آثار تحریم های جهانی در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، روحی و روانی جامعه
- تقویت باورهای اسلامی– ایرانی و ملی و کاهش وابستگی های فرهنگی و اجتماعی به بیگانه و احساس همزاد پنداری از طریق مصرف کالاهای ایرانی در بین مردم
- جلوگیری از آثار مخرب مصرف کالاهای خارجی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بواسطه مصرف تولیدات ملی
- حفظ آثار فرهنگی جامعه برا ی نسل حاضر و نسل های آینده و فرهنگ سازی کار و تلاش و خدمت به کشور
- دفع فرهنگ بیگانه و تأثیر گذاری بر فرهنگ بیگانه از طریق انتقال تکنولوژی و صادرات به کشورهای دیگر
- خنثی سازی حملات فرهنگی دشمن در جنگ نرم و کاهش ناهنجاری های اجتماعی بواسطه کاهش تورم و بیکاری
- نهادینه کردن استقلال فرهنگی و اجتماعی به واسطه استقلال تولیدی و اقتصادی
- محصولات تولید شده به دست مردم مسلمان کشور و بنابراین اطمینان به رعایت الزامات اعتقادی در فرآیندهای تولید که فقدان آنها می تواند اثرات وضعی نامطلوب بر مصرف کننده بر جا گذارد
- احساس هویت ملی بنابراین تلاش در جهت تکریم ایرانی بودن و غرور ملی

- ارائه الگوئی عینی و عملیاتی برای سایر کشورهای مسلمان جهان از طریق دستیابی به اهداف مختلف فرهنگی ، اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی بواسطه حمایت و مصرف تولیدات داخل
- تقویت فرهنگ شیعه ـ مسلمان و ایرانی به جای تقویت فرهنگ های بیگانه و الحادی
- کاهش مشکلات فرهنگی بواسطه‌ی کاهش جابجایی‌های غیرضروری نیروی انسانی در بخشهای تولیدی
- فرهنگ سازی مصرف تولیدات ایرانی و انتقال سینه به سینه این فرهنگ به نسل های آینده

ج : مزایای علمی ، آموزشی و پژوهشی ناشی از تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی

- بومی شدن تکنولوژی های مختلف در حوزه تولید از طریق آزمون و مهندسی معکوس
- بومی شدن علوم مختلف از طریق بکارگیری آن ها در عرصه تولید و عمل
- آزمون نظریه های علمی در صحنه تولید و استخراج نتایج علمی و کاربردی از آن ها و در نتیجه تبدیل آن ها به متون علمی مورد نیاز بخش های مختلف دانشگاهی کشور
- آزمون تجارب جدید در حوزه تولید و به دنبال آن افزایش توانمندی های علمی و کاربردی
- برقراری ارتباط واقعی بین صنعت و دانشگاه بواسطه احساس نیاز اجتناب ناپذیر هر دوی آنها به همدیگر
- امکان تبدیل شدن دانش به ثروت و تجاری شدن علوم مختلف
- شکوفا شدن استعدادهای فردی، جمعی و سازمانی در فرآیندهای تولید
- عدم ترس از شکست و تلاش برای کسب تجربه از شکست ها برای موفقیت های آینده در عرصه تولید
- آموزش ویادگیری علمی ـ تجربی نیروهای انسانی در فرآیندهای تولید، توزیع و مصرف
- توسعه نیروی انسانی و افزایش توانمندی ها و مهارت های مورد نیاز آن ها در عرصه‌های مختلف تولید
- فراهم شدن و امکان اصلاح و بازسازی ساختارهای خرد و کلان مدیریتی کشور بواسطه نیازهای اجتناب‌پذیر
- استفاده بهینه از منابع انسانی وتحقق شایسته سالاری در فرآیندهای مختلف تولید و برقراری عدالت سازمانی در حوزه نیروی انسانی
- صادرات دانش بومی وتوانمندی های تکنولوژیکی به سایر کشورها
- تخصصی شدن تولیدات بنابراین تقویت مبانی علمی و کاربردی حوزه تولید در کشور
- افزایش کیفیت و کمیت تولید با استمرار آن و کشف و اجرای راه حل های بهتر در تولید
- افزایش اعتماد مردم به تولیدات بواسطه ورود متخصصان به عرصه های تولید کشور

د : مزایای محلی و استانی ناشی از تولید ملی و حمایت از کا ر و سرمایه ایرانی

- جلوگیری از مهاجرت افراد به شهرهای دیگر به واسطه فراهم شدن زمینه های تولید محلی و استفاده بهینه ازظرفیت ها وامکانات محلی و استانی در کشور
- جلوگیری از فرار مغزها به سایر کشورها بواسطه فراهم شدن امکان بکارگیری تخصص‌ها در بخش‌های مختلف تولیدی کشور
- استفاده از نیروهای انسانی متخصص محلی بنابراین کاهش قیمت تمام شده محصولات
- افزایش جذب گردشگران اقتصادی، فنی و فرهنگی به کشور بواسطه افزایش قدرتمندی های تولیدی و اقتصادی کشور
- بستر سازی توسعه پایدار در ابعاد خرد و کلان در بخش های ملی و محلی

ر : مزایای سیاسی و قانونی ناشی از تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی

- تقویت قدرت چانه زنی نظام و کشور در عرصه های بین المللی در حوزه مسائل سیاسی امنیتی
- کاهش فشارهای سیاسی بیگانگان و تنظیم شدن قواعد بازی های سیاسی در جهان به نفع کشور
- بستر سازی تحقق برنامه های پنج ساله و چشم انداز بیست ساله کشور
- ارائه چهره مثبت سیاسی در عرصه های جهانی بواسطه قدرت تولیدی بنابراین افزایش اعتبارات جهانی و افزایش قدرت پول ملی
- اصلاح و بازسازی قوانین حوزه های اقتصاد و تولید به واسطه احساس نیاز کشور به آن ها
- وضع قوانین، آئین نامه و دستورالعمل های مورد نیاز در بخش های مختلف تولیدی و اقتصادی کشور به دلیل ضرورت های اجتناب ناپذیر
- ایجاد ابزارها و ساختارهای نظارتی کارآمد بر عملکرد بخش های تولیدی و تلاش مسئولین برای آسان سازی فرآیندهای تولیدی و اقتصادی کشور
- رعایت شرایط احراز افراد و سازمان ها برای ورود به بخش‌های تولیدی و اقتصادی بر اساس الزامات و شرایط مورد نیاز و به هنگام

ز : مزایای بازاریابی و بازارداری ناشی از تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی

- دسترسی راحت به خدمات پس از فروش در عرصه های مختلف تولید
- دسترسی تولیدکنندگان به نیازهای واقعی مردم
- تنوع تولیدات و تأمین نیازهای آحاد جامعه و طراحی محصولات جدید متناسب با نیازهای روز جامعه
- کاهش زمینه های رانت خواری و دریافت پورسانت های کلان بواسطه خریدهای غیر ملی

- نوسازی و بازسازی خطوط تولید و به روز شدن آن ها و بنابراین کاهش قیمت تمام شده محصولات
- مصرف محصولات داخلی و انتقال نقطه نظرات مصرف کننده به بخش تولید باعث بسترسازی اصلاح و رفع معایب کالا می گردد
- ارائه محصولات براساس سلیقه مصرف کنندگان بنابراین رعایت اصول بسته بندی و ظاهر زیبا
- اصلاح و بازسازی مستمر تولیدات بنابراین دستیابی به کیفیت مورد نیاز، مشابه و بهتر از کالاهای خارجی
- تکریم و حمایت واقعی از مصرف کننده به جهت تأمین شرایط آن ها
- فراهم شدن رضایت مشتری بنابراین وفاداری به خرید و تکرار آن
- فراهم شدن زمینه تبلیغات دهان به دهان بواسطه مصرف تولیدات ملی
- جهانگرایانه شدن محصولات ایرانی و حضور و نفوذ در بازارهای جهانی
- افزایش قدرت چانه زنی کشور در ورود به سازمان تجارت جهانی
- حذف بخش های زائد اداری و تلفیق و ترکیب بخش های موازی در ساختارهای اداری و تولیدی
- کاهش مشکلات کارگری در بخش های تولیدی
- افزایش قدرت پاسخگوئی بخش های اداری و دولتی بواسطه درخواست های مستمر و دائمی بخش های تولید
- تقویت و گسترش ارتباطات درون و برون سازمانی

۳ ـ چشم انداز اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۱ با ملاحظات بودجه سال ۱۳۹۱

طی سال‌های اخیر تحولات اتفاق افتاده در طول و عرض نظام بودجه‌ریزی کشور باعث شده وقتی درباره لایحه بودجه صحبت می‌شود گویی به تقریب درباره کل اقتصاد صحبت می‌شود . به ویژه هنگامی که به این واقعیت تلخ و غم‌انگیز توجه می‌شود که طی سال‌های اخیر میزان مداخله دولت در اقتصاد از مرز ۸۰ درصد عبور کرده است .

در دوران شکوفایی و جهش اخیر قیمت نفت در بازارهای جهانی به طور مشخص به واسطه ضعفها در مدیریت توسعه ملی در سال‌های ۸۸ و ۸۹ به حدود نسبت ۸۳ و ۸٤ درصدی از مداخله دولت در اقتصاد رسیده‌ایم که این نسبت حتی در میان کشورهای سوسیالیستی سابق هم یک رکورد محسوب می‌شود .

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۰ یک پدیده شدت یافته، نگران‌کننده و غیرمتعارفی وجود داشت که از ناحیه نهادهای نظارتی جدی گرفته نشد. صورت مسئله از این قرار بود که حجم

بودجه منعکس شده در لایحه آن سال از خوشبینانه‌ترین برآوردها در حوزه تولید ناخالص داخلی (GDP[1]) همان سال هم بالاتر بود. این مسئله اشکال فاحشی را منعکس می‌کرد که چندان جدی گرفته نشد. به قاعده اعداد و ارقام انعکاس یافته در لایحه بودجه سال ۱۳۹۰ وزن یک جزء از GDP کشور از کل GDP برآورد شده بیشتر نشان می‌داد .

در اواخر سال ۱۳۹۰ نیز دولت با تأخیر لایحه بودجه‌ای را برای سال ۱۳۹۱ ارائه داد که به نظر می‌رسد وضعیت نامناسب‌تری از بودجه ۹۰ دارد. از طرف دیگر ، دولت قانوناً ملزم به ارائه تصویری از چشم‌انداز اقتصاد ایران به ضمیمه بودجه هر سال است ، که متاسفانه در قانون بودجه ۱۳۹۱ کمتر بدان نزدیک شده است .

استمرار همراه با شدت یافتن عدم شفافیت‌ها در بودجه ۹۱، نکته بعدی است که البته مقتضای یک اقتصاد رانتی و بقای آن عدم شفافیت است. به عنوان مثال؛ در مورد طرز رفتار دولت در زمینه یارانه‌ها به کلی سند بودجه مسکوت است و اعداد و ارقام اختصاص یافته به سازمان هدفمندی یارانه‌ها در حد هزینه‌های اداره خود این سازمان است. حجم ارقامی که سال گذشته از این بابت در بودجه وجود داشته و امسال وجود ندارد حدود ٥٤ هزار میلیارد تومان است و کمیسیون تلفیق مجلس هم رقم مورد نظر اما پنهان شده توسط دولت فقط در این زمینه بالغ بر ۱۳۰ هزار میلیارد تومان اعلام داشته است. در لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها اصلاً بحثی از گام دوم وجود نداشته و دولت کاری که قرار بوده طی ٥ سال انجام دهد را با یک شوک قیمتی یکباره انجام داده و حالا به دنبال گام دوم است .

یکی دیگر از مسائل مسکوت در لایحه بودجه تحریم‌هاست و به اثرات تحریمها توجهی نداشته است. ضمن آن که در مورد تولید نفت هم زیاده‌گویی قابل توجهی در آن مشاهده می‌شود. نکته مهم دیگری که از بودجه ۹۱ قابل استنباط است، این است که حتی از تجربه‌های سال‌های اخیر خود دولت هم استفاده‌ای نشده است. در این سند بندی وجود داردکه از مجلس خواسته شده به قاعده پیش‌بینی قیمت نفت به دولت اجازه داده شود هرقدر به این درآمدها اضافه شد تمامی این مازاد در همان سال ۹۱ خرج شود یعنی بی‌اعتنایی به پدیده نفرین منابع و خسارت‌هایی که از این ناحیه طی سال‌های اخیر به کشور وارد شده در بند دیگری نیز از مجلس مجوز خواسته شده تابه هر دلیل اگر نرخ ارز گران‌تر شد همه اضافه درآمد ناشی از آن در همین سال خرج شود.

این مثالها و نمونه‌ها نه دید انتقادی بلکه یک دید هشداری برای آمادگی و انجام اصلاحات مقتضی آورده شده است. چهار نکته دیگر وجود دارد که به اختصار بیان می‌شود اما آنها هم هرکدام ارزش واکاوی مستقل و دقیق‌تر در تحقیقات دیگر برایشان قابل تصور است :

1 - Gross domestic product

۱. طرح‌های عمرانی : تعداد طرح‌های عمرانی معوق ملی و منطقه‌ای در ایران بالغ بر چند ده هزار شده است (بیش از ۳۰ هزار) و این یکی از کانون‌های مهم آسیب‌پذیر کردن اقتصاد ایران و در زمره مهمترین موانع توسعه ملی است. در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس از این زاویه تصریح شده است که طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۱، تأخیر در اتمام طرح‌های عمرانی چیزی حدود ٦۰ هزار میلیارد تومان به دولت و توسعه ملی اضافه هزینه تحمیل کرده است اگر بحث خود را در این زمینه فقط به سال ۱۳۹۰ محدود کنیم در قانون بودجه سال ۱۳۹۰ قرار بوده ۷٤٦ طرح به اتمام برسد اما در بودجه ۹۱ برای ٦۵۲ طرح از طرح‌های مذکور باز هم بودجه در نظر گرفته شده و اعلام شده که این طرح‌ها در سال‌های پس از ۹۱ نیز همچنان نیاز به دریافت بودجه دارند. بنابراین، معلوم می‌شود در سال ۱۳۹۰، دولت تنها توانسته ۹٤ طرح را به اتمام برساند. اما دولت باز هم در لایحه بودجه ۱۳۹۱، مشاهده می شود که ٤۳٦ طرح ملی جدید را معرفی کرده است.

۲. بودجه شرکت‌ها : بودجه شرکت دولتی سازمان هدفمندی که در سال ۹۰، حدود ۵۰۰ هزار میلیارد ریال بوده، در لایحه ۹۱، به ۳۱ میلیارد رسیده است و گفته شده که رقم مورد نظر دولت که به صورت غیررسمی به مجلس گفته شده بالغ بر ۱۳۰ هزار میلیارد تومان است. در لایحه بودجه سال ۹۰ ادعا شده بود که تعداد شرکت‌های زیان‌دیده در حد صفر است و همه شرکت‌ها در حال سوددهی هستند. اما در راستای سیاست تشدید عدم شفافیت‌ها مشاهده شد که در ردیف های متفرقه منابعی برای جبران زیان این شرکت‌ها در نظر گرفته شده است .

۳. نکته مهم دیگر این است که براساس لایحه بودجه ۱۳۹۱ ، مجموع رقم وام‌های داخلی و خارجی شرکت‌های دولتی حدود ٦۱۰ هزار میلیارد ریال است که نسبت به لایحه بودجه ۹۰ حدود ۱۱٤ هزار میلیارد ریال بیشتر است. اما رشد تسهیلات و وام بانکی در نظر گرفته شده برای اینها نسبت به سال قبل ۹۹ درصد افزایش یافته است که به معنای از میدان به در شدن بخش خصوصی هم هست واز این ناحیه نیازمند بحث وتعمق به مراتب بیشتری خواهد شود .

٤. در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا دی ماه سال ۱۳۹۰، مجموع واگذاری‌های سهام شرکت‌های دولتی بیش از ۸۵ هزار میلیارد تومان شده است. این در حالی است که در دوره ۱٦ سال پیش از آن فقط کمتر از ۳ هزار میلیارد تومان واگذاری داشته‌ایم، اما با وجود این افراط در واگذاری رشد اندازه دولت بسیار شدیدتر از قبل است .

۵. در سال‌های جنگ همواره سهم بودجه عمومی بیشتر از بودجه شرکت‌های دولتی بوده است و پس از آن با وجود خصوصی‌سازی‌های گسترده همواره سهم بودجه شرکت‌ها از بودجه کل افزایش و سهم بودجه عمومی کاهش یافته است به طوری که طی سال‌های اخیر نسبت سهم آن دو به ترتیب به حدود ۷۰ در برابر ۳۰ درصد رسیده است. هر قدر سهم بودجه عمومی

بیشتر باشد نشان دهنده اهتمام دولت به امور زیربنایی و ارتقای سرمایه‌های انسانی است و این جای شگفتی و سؤال دارد که چرا در دوره پس از جنگ اهتمام دولت در این زمینه تحت‌الشعاع اشتهای سیری‌ناپذیر برای افزایش تصدی‌گری بوده و این کارها با شعار و عمل آزادسازی و خصوصی سازی همراه بوده است .

٦. از منظر اقتصاد سیاسی یک علت این مسئله می‌تواند این باشد که به طور نسبی کنترل و نظارت روی بودجه شرکت‌ها بسیار کمتر از بودجه عمومی است و این روند می‌تواند با زمینه‌های فساد و عدم شفافیت رابطه داشته باشد .

نکته مهم دیگر مسئله بحران بدهی‌های دولت است . در سند بودجه ۹۱ پیش‌بینی شده که فقط در سال ۱۳۹۱، حدود ۱٦۲ هزار میلیارد تومان بر حجم بدهی‌های دولت افزوده شود و این افزایش از کانال‌های زیر صورت گرفته است :

۱) انتشار اوراق مشارکت در یک ابعاد بی‌سابقه

۲) استقراض از شبکه بانکی داخلی

۳) وام‌های خارجی

توجه به رقم مزبور به خوبی نشان می‌دهد که طی سال‌های اخیر دولت یک ساختار مالیه‌ای ایجاد کرده که در سال ۹۱ میزان وامی که نیاز دارد ۲/٤ برابر کل سهم درآمدهای نفتی در بودجه عمومی دولت است و این وام‌ها یعنی وجود یک اراده جدی برای پیش خور کردن درآمدهای آتی. با وجود همه عدم شفافیت‌هایی که اعداد و ارقام بودجه از آن در رنج است همین چیزی که در سند مزبور انعکاس یافته گویای بسیاری مسائل است .

در جمع‌بندی از مباحث مطرح شده و به منظور ارائه یک تصویر از فضای کلان اقتصاد ایران در سال ۹۱ ، باید گفت همه کارشناسان و مسئولانی که در این مدت درباره تصویر کلان اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۱ بحثی ارائه کرده‌اند روی این مسئله اتفاق‌نظر دارند که ایران با تشدید روندهای رکود تورمی مواجه خواهد بود. آنچه که ایجاد مسئولیت می‌کند این است که مسئله رکود تورمی و آثار اقتصادی ـ اجتماعی ناشی از آن به اندازه کافی نزد مسئولان و عامه مردم روشن نیست .

اما سؤال این است که در شرایط رکود تورمی شدت یافته راه نجات چیست؟ اگر فرض کنیم که مخاطبان این سؤال از پیچیدگی‌ها و درهم تنیدگی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی امر تولید آگاهی دارند، پاسخ این مسئله تولید محوری است. اما تولید محوری تنها زمانی تحقق خواهد یافت که ساختار نهادی و نظام پاداش‌دهی و ترتیبات اجرایی کشور مشوق سرمایه‌گذاری مولد باشند. در عرصه نظری، برخی رویکردهای اقتصاد سیاسی تصریح می‌کنند که تولید محوری و تشویق سرمایه‌گذاری‌های مولد تنها زمانی اتفاق می‌افتد که نهادها قدرت حاکمان

را محدوده کرده و اجازه رفتارهای خودسرانه غیرمترقبه و غیراندیشیده، ثبات‌زدا و فرابرنامه‌ای را به آن‌ها ندهند و در ادامه تصریح می‌کنند برای اینکه محدودیت قدرت حاکمان تبلور عینی یابد در کلی‌ترین وجه دو مؤلفه کلیدی باید در مرکز توجه قرار گیرد :

الف) کارآمدسازی حقوق مالکیت

ب) کاستن از هزینه مبادله

ترکیب این دو مؤلفه یک مسئله تمام عیار شبیه نیل به توسعه ملی البته با رویکرد اقتصاد سیاسی است یعنی این مسئله تحت تأثیر میزان حق انتخاب و نظارت مردم و تحت تأثیر وضعیت فساد مالی نخبگان و کیفیت مشارکت مردم و سطح بلوغ نظام تصمیم‌گیری ملی قرار دارد . بنابراین ، علاوه بر تجربه‌های بیشمار، مبانی نظری هم مشخص می‌کند که ارتقای بهینه‌ی تولید ملی یک امر صرفاً اقتصادی نیست. اما روی این مسئله که ایجاد ثبات در کلان اقتصاد و سیاست‌های اقتصادی دولت مهمترین پیش‌نیاز آن است، اتفاق نظر وجود دارد .

از منظر قاعده‌های سیاست‌گذاری برای برون‌رفت از رکود تورمی که فوری‌ترین و حادترین موانع اقتصادی ـ اجتماعی تولیدمحوری را شکل می‌دهد، باید توجه داشت که ترکیب رکود و تورم منشأ فلاکت می‌شود و شاخص فلاکت از طریق جمع نرخ رشد تورم و بیکاری اندازه‌گیری می‌شود. گام اول برای مهار فلاکت در عرصه سیاست‌گذاری توقف شوک درمانی است .

جدی گرفتن مسئله بهره‌وری از دیگر نکات مهم است، گرچه شاخص‌هایی که در اقتصاد ایران برای سنجش بهره‌وری وجود دارد شاخص‌های اغواگر و دورکننده از فهم واقعی میزان بهره‌وری است. اما باید توجه داشته باشیم که اصل بهره‌وری رابطه درهم‌تنیده‌ای با توسعه دارد توجه به پیچیدگی بهره‌وری و ترتیبات نهادی مترتب بر آن نیز بسیار پراهمیت است .

٤ ـ تدوین استراتژی اقتصادی برای تحقق شعار سال در جهت توسعه صادرات غیر نفتی اقتصاد مقاومتی ـ کیفیت تولید ملی ـ کاهش فروش مواد اولیه و خام فروشی

آیا افزایش تولید و فروش نفت (حتی با فرض اینکه مشکلی در مسیر آن پیش نیاد) می‌تواند شاخص درستی برای ارزیابی بهبود یا وضعیت اقتصادی ایران به شمار آید؟ این سوال کیفیت تولید ملی را مورد چالش قرار می‌دهد. آیا نرخ رشد اقتصادی می‌تواند ملاک درستی برای سنجش توسعه و پیشرفت یک اقتصاد باشد؟ در این باره نمی‌توان چشم را در برابر برخی از واقعیتها بست ، طبق گزارش صندوق بین المللی پول ، ایران در بین ۱۰ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا از بالاترین نرخ تورم (۲۱ درصدی) و در همان حال از پایین‌ترین نرخ رشد اقتصادی (٤ دهم درصدی) در سال جاری برخوردار خواهد شد. این پیش‌بینی چنانچه به واقعیت بپیوندد بدترین حالتی است که می‌توان برای اقتصاد کشور متصور بود .

نکته مهم دیگر در این زمینه این مورد است که ایجاد وابستگی سایر کشورهای به تولیدات ملی درمواد خام بسیار کم ولی در محصولات نهایی بسیار زیاد است. با توجه به مساله تحریم‌های صادرات نفتی و واردات تکنولوژی و تجهیزات پیشرفته این مساله از اهمیت بسزایی برخوردار می‌شود. همواره جایگزینهایی زیادی برای منابع خام مثل نفت می‌توان پیدا کرد ولی تنها کشورهای با توان علمی و تکنولوژی بالا می‌توانند محصولات پتروشیمی استراتژیک تولید کنند. اهمیت توجه به این مقوله زمانی‌که بدانیم ذخایر منابع خام در حال اتمام بوده و دیر یا زود باید شاهد ته کشیدن این منابع در کشور باشیم، بیشتر خود را نمایان می‌سازد .

برخی از کشورهای عمده صادر کننده نفت از رشد بالای اقتصادی برخوردارند ، اما این نرخ رشد مرهون خام فروشی است، در صورتی که نرخ رشد کشورهای توسعه یافته مرهون تولید صنایع مدرن «های تک» و دارای ارزش افزوده بیشتری است، از این منظر هر چند رشد اقتصادی دو کشور از نظر کمی یکی و مساوی باشد، اما مهمترین شاخص این است که تولید چه نوع کالاهایی متغییر مناسبی برای سنجش بهبود و پیشرفت اقتصادی محسوب می‌شود، اینجاست که توجه به شعار امسال یعنی «تولید ملی،حمایت ازکاروسرمایه ایرانی» بیش ازگذشته اهمیت می‌یابد.

بنابر این باید به دنبال گمشده اقتصاد کشور باشیم و بررسی کنیم که پیشرفت و توسعه در کشور چه جایگاهی دارد. در حقیقت بالا و پایین بودن نرخ رشد اقتصادی به معنای توسعه و پیشرفت نیست . اگر رشد اقتصادی مرهون افزایش تولید نفت و خام فروشی یا کالاهای سنتی باشد قابل قبول نیست و نمی‌تواند شاخص توسعه محسوب شود. اگر رشد کمی در بطن خود کیفیت و شاخص کیفی را به همراه داشته باشد قابل قبول است، به عنوان مثال چنانچه رشد اقتصادی ناشی از تولید و ارزش افزوده مثلاً ۱۰۰ شرکت دانش بنیان باشد و خروجی تنها یک شرکت آن اختراع و کشف فلان واکسن یا کالاهای نوین و مدرن باشد این رشد دارای اهمیت است .

اگر دانش تولید شود و این تولید دانش به تولید ثروت بینجامد آن موقع دیگر در مورد اقتصاد نگرانی وجود نخواهد داشت. بنابراین دربخش تولید نباید هرتولیدی را با توجه به منابع محدود به نام حمایت از تولید احیا کنیم، اگر منابع به سمت تولیدات «های تک[1]» یا مدرن سوق داده نشود بی گمان این منابع پراکنده و بدون ارایه خروجی مهم سرگردان می‌شود .

در کنار توجه کیفی به تولیدات باید نرخ ارز متناسب با تحولات اقتصادی اصلاح شود همچنین باید نظام مالیاتی بانکی ، گمرکی و تعرفه ای و فرهنگی نیز از تولید بیشتر حمایت کند البته تولید کالایی که مشخصه های آن در بالا ذکر شد . باید نوع فعالیتها طبقه بندی شود، زیرا دیگر این قابل توجیه نیست که روی سیمان سرمایه‌گذاری و سپس به عراق و افغانستان صادر

1 - High Tech

شود ، باید راهبرد تولید روی چند محصول متمرکز ودر این حوزه به قدری شفاف‌سازی شود که سرمایه گذاران خارجی جذب شوند. اگر به تولید با این رویکرد توجه شود هم تورم کاهش پیدا می‌کند و هم در تولید برخی از محصولات مدرن « های‌تک » پیشتاز خواهیم بود .

توریسم ـ مسیرهای نوین جذب گردشگری

صنعت گردشگری پس از نفت و خودرو ، سومین صنعت بزرگ جهان به شمار آمده و در گردش مالی کشورها جایگاه ویژه‌ای دارد و در آینده نیز به حتم یکی از صنایع نخست جهان خواهد بود. به مرور زمان و با بهبود صنعت ارتباطات و حمل و نقل ، کالای گردشگری جایگاه ویژه‌ای در سبد مخارج خانوارها پیدا کرده است. با این حال، اهداف همه گردشگران از مسافرت یکسان نبوده و هرکدام هدفهایی خاصی در مسافرت‌هایشان دنبال می‌کنند .

چالشهای گردشگری در ایران

با اینکه صنعت گردشگری از مهمترین منابع تولید ملی کشورها می‌باشد ، صنعت گردشگری ایران باچالشهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منحصر به فردی روبرو می‌باشد ، ماهیت این چالشها طوری است که با ماهیت گردشگری که توسط مسئولین کشوری هدفگیری می‌شود تناقض ماهوی دارد. مثلا در ایران با توجه به این محدودیتها جذب گردشگران خارجی با هدف تفریح هرگز گسترش نخواهد یافت. توجه به اماکن تاریخی هم که بیشتر مورد توجه مسئولین می‌باشد تنها مشتریان محدود و خاص خود را دارد. با توجه به این چالشها همواره تلاش برای تبدیل کردن ایران به قطب گردشگری در طول زمان شکست خورده و ایران هرگز نتوانسته است جایگاه مناسب از این صنعت برای خود پیدا کند و تمام تصمیمات و برنامه‌ها در حد شعار و ارائه غیر عملی در مجامع مختلف بوده است .

لذا برای رهایی از این بن‌بست باید مسیر متفاوتی را در پیش گرفت . در طول سالهای قبل صنعت گردشگری شکلی عمومی داشت، ولی با گذشت زمان و گسترش این صنعت ، کم کم زیر شاخه‌های تخصصی فراوانی همچون شهرگردی، گردشگری فرهنگی و مذهبی، آثار باستانی طبیعت گردی ، گردشگری ورزشی ، گردشگری علمی و اخیرا گردشگری سلامت به آن اضافه شد. بنابراین برخی برای برخورداری از سلامت اقدام به سفر به شهر یا کشور دیگری می‌کنند، که این افراد جزء گروه گردشگری سلامت قرار می‌گیرند. بین ٤ تا ٧ درصد گردشگران خارجی را گردشگران سلامت تشکیل می‌دهند ، با کمی بررسی انواع گردشگری از لحاظ هدف مسافر می‌توان گفت بهترین نوع گردشگری که ایران باید گسترش و رونق آن را هدف قرار دهد گردشگری سلامت است. با توجه به اینکه اولا، سلامتی فرد مهمترین دارایی مادی یک انسان بشمار می‌آید ، فرد برای اکتساب آن یا رفع مشکل سلامتی، بدون توجه به معادلات سیاسی

فرهنگی و گردشگری اقدام به مسافرت می‌کند؛ ثانیا گردش مالی چنین مسافرتی در سالهای اخیر بسیار نجومی بوده است و پیش‌بینی می‌شود در آینده رونق و رشد سرسام‌آوری داشته باشد و ثالثا ایران دارای ظرفیت‌های متعدد جذب توریسم سلامت، از طب سنتی(انواع گیاهان دارویی) و منابع طبیعی(آبهای گرم ومعدنی) گرفته تانیروهای متخصص پزشکی وبهداشتی وهمچنین مراکز پیشرفته درمانی(همچون درمان ناباروری، دندانپزشکی، جراحی قلب، جراحی زیبایی و غیره) می‌باشد .

مالکیت فکری (حمایت از فکر و خلاقیت نیروی کار ایرانی)

حمایت از کار و سرمایه ایرانی مستلزم توجه عمیق و راهگشا به مساله مالکیت فکری می‌باشد و در واقع این مساله حمایت از نیروی فکری و خلاقیت نیروی کار را نشان می‌دهد. حق اختراع (یا پتنت) سندی است که از طرف موسسات دولتی هر کشور صادر و به دارنده آن انحصار استفاده از اختراع ثبت شده را می‌دهد. قوانین ثبت اختراع به صورت ملی است و فقط در کشور مربوطه اعتبار دارد و نظام ثبت بین‌المللی اختراع وجود ندارد،البته دراین میان معاهدات بین‌المللی وجوددارندکه روند ثبت اختراع (پتنت) را برای شهروندان کشورهای امضا کننده آن قرارداد، در سایر کشورها تسهیل می کند .

بخش کشاورزی برای حمایت از تولید کشاورزی برای تحقق تولید ملی ۱۰ راهکار پیشنهاد می‌شود :

۱. زنجیره تولید ایجاد شود .
۲. سیاست‌گذاری تامین نهاده‌های تولید به عهده بخش تولید قرار گیرد .
۳. صنایع تبدیلی و تکمیلی به عنوان بخشی از تولید در کنار تولید قرار گیرد .
٤. آمایش صنعتی انجام و متناسب با تولید ، صنایع مرتبط ساماندهی شود .
٥. شهرک‌های اختصاصی صنایع تبدیلی و تکمیلی ایجاد شود .
٦. سیاست‌گذاری بازار و بازارسانی محصول در کنار تولید قرار گیرد .
۷. تشکل‌های مرتبط اعم از تولید فرآوری و توزیع ساماندهی شود .
۸. مدیریت واردات و صادرات با اتکاء به بخش غیردولتی ساماندهی شود .
۹. واردات وصادرات به‌گونه‌ای انجام شود که به عنوان ابزار حمایت از تولید به کار گرفته شود.
۱۰. نظام بازار و بازارسانی متحول و براساس شیوه‌های علمی برنامه‌ریزی و ساماندهی شود.

بخش خدمات ، دو نکته بسیار مهم در اصلاح و ترقی بخش خدمات برای تحقق شعار تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی وجود دارد :

الف: ارتقای بهره‌وری در بخش خدمات و

ب : ارائه و ایجاد خدمات علم‌محور و پژوهش‌محور می‌باشد.

در گذشته اتکای فعالیتهای مربوط به بهره وری، بر عملیات تولیدی بوده است. اما امروزه خدمات ازنظر هزینه (برای حفظ قابلیت رقابت) و از نظر بهره وری کارگـــران خدماتی ، به عنوان عامل مهمی برای موفقیت شرکت مد نظر قرار می گیرد . در حقیقت ، رشد بهره‌وری کارگران خدماتی و بخش خدمات، زیربنای سلامت کل اقتصاد را با فراهم آوردن نیروی لایق برای بخش تولید وتقاضا برای محصولات آن، محکم می سازد. مدیران ژاپنی باتشخیص این نکته توجه خود را به طور روز افزون برتامین نیروهای لایق وکارآمد در بخشهای اداری و بهبود فرایند های کار در عملیات دفتری معطوف داشته اند. این تلاشها، مکمل سرمایه گذاری روزافزونی است که در اتوماسیون اداری و مدرنیزه کردن امکانات صورت می‌پذیرد .

بخش خدمات در کشور ما نیز رشد قابل ملاحظه ای داشته است. طبق برآوردهای صورت گرفته درسال ۲۰۰۱میلادی ، سهم این بخش از کل تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور ٥٦٪ بوده و بدین ترتیب بزرگترین بخش اقتصادی کشور را تشکیل می دهد. گسترش بخش خدمات ،به این معنا است که عملکـرد آن ، تاثیر بسزا و روزافزونی روی اقتصاد خواهد داشت. رشد ضعیف بهره‌وری در این بخش، بهره‌وری اقتصاد در سطح کلان را به طور اجتناب ناپذیری تنزل می‌بخشد. علاوه بر این ، فقدان یک بخش خدماتی کارآمد که از دانش و تکنولوژی بالایی برخوردار باشد ، تلاشهای خردگرایانه در بخش تولید را ضعیف خواهدکرد . بنابراین ، لازم است مسئولان و سیاستگذاران اقتصادی کشور ، توجه بیشتری به بخش خدمات کرده و بهبود بهره وری در این بخش را در اولویت قرار دهند .

از طرف دیگر ذکر این نکته بسیار جالب توجه است که اقتصاد ایران در سال‌های اخیر همواره در تجارت خارجی در بخش خدمات دارای تراز منفی بوده است (واردات خدمات ایران بیشتر از صادرات بوده است). به‌عبارت دیگر اگرچه صادرات کالاهای غیرنفتی در سال‌های اخیر برای ایران موفقیت‌هایی را به‌همراه داشته ولی در مورد صادرات خدمات چنین موفقیت‌هایی کمتر بوده است و همواره ایران درمجموع واردکننده خدمات محسوب می‌شده است. جدول زیر وضعیت ترکیب واردات خدمات ایران را در مقایسه با برخی از کشورهای دیگر نشان می‌دهد .

ترکیب واردات خدمات ایران در مقایسه با برخی از کشورهای دیگر

درصد واردات از کل / کشور	حمل و نقل	مسافرت	بیمه و خدمات مالی	خدمات بازرگانی
ایران (۱۹۹۵)	٤٣	١١	١٠	٣٦
چین (۲۰۰۸)	٣٢	٢٣	٨	٣٧
کره (۲۰۰۸)	٤٠	١٩	٢	٣٩
هند (۲۰۰۸)	٢٤	١٧	٨	٥٠
مالزی (۲۰۰۸)	٣٨	٢٢	٣	٣٦
روسیه (۲۰۰۸)	١٧	٣٣	٤	٤٥
ترکیه (۲۰۰۸)	٤٦	٢٢	١٥	١٧
عربستان (۲۰۰۸)	٣٢	٣١	٧	٣٠
آمریکا (۲۰۰۸)	٢٩	٢٣	١٧	٣١
متوسط جهانی (۲۰۰۸)	٣١	٢٥	٩	٣٧
متوسط خاورمیانه و شمال آفریقا (۲۰۰۸)	٤٧	٢٠	١١	٢٢

حمل و نقل

منظور کلیه هزینه‌های حمل‌ونقل دریایی، زمینی و هوایی است که شامل بار و مسافر نیز می‌شود و توسط ایران به کشورهای دیگر پرداخت شده است.

مسافرت

منظور کلیه هزینه‌های مسافرین ایرانی در مسافرت‌های کمتر از یکسال به خارج است که بابت خرید یا استفاده از خدمات کشورهای دیگر مثل هتل پرداخت می‌شود .

بیمه و خدمات مالی

منظور هزینه‌هایی است که ایران به کشورهای دیگر بابت استفاده از خدمات مالی و بیمه آنان می‌پردازد. خدمات بازرگانی: منظور هزینه‌هایی است که بابت خرید اطلاعات، استفاده از شبکه مخابرات کشورهای دیگر و همچنین استفاده از خدمات کامپیوتری کشورهای دیگر توسط ایران پرداخت می‌شود .

مجموع هزینه ایران بابت استفاده از خدمات خارجی که در سال ۸۱ حدود ۸.۵ میلیارد دلار بود ، در سال‌های اخیر به حدود ۲۰ میلیارد دلار رسیده است (به اندازه صادرات کالاهای غیرنفتی ایران) و هم‌اکنون با رشد حدود ۲۵ درصد در سال ادامه دارد. پدیده جالبی که در مورد واردات خدمات (استفاده از خدمات خارجی) ایران اتفاق افتاده این است که سهم پرداختی بابت

هزینه‌های حمل‌ونقل و مسافرت که در سال ۱۹۹۵ به‌ترتیب ٤۲ درصد و ۱۱ درصد بوده در سال‌های اخیر کاملاً جابه‌جا شده است و در حال حاضر حدود ٤۳ درصد هزینه‌های واردات خدمات به ایران مربوط به مسافرت بوده، درحالی‌که سهم هزینه‌های حمل‌ونقل خارجی به حدود ۱۰.۳درصد کاهش یافته است. لازم به توضیح است که افزایش هزینه‌های مسافرت، مربوط به افزایش مسافرت ایرانیان به خارج از کشور است (هم سفرهای زیارتی و هم تورهای گردشگری) درحالی‌که کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل ریشه از طریق توسعه ناوگان دریایی و زمینی ایران عملی شده است .

در مجموع در سال‌های اخیر تفاوت دریافتی صادرات خدمات ایران به خارج و پرداختی بابت واردات خدمات از خارج، همواره به ضرر ایران بوده است و از ۳.۵۰- میلیارد دلار در سال ۸۱ به ۱۱- میلیارد دلار در سال ۸۹ رسیده است (تراز منفی) برای حل مشکل تراز منفی صادرات خدمات، ایران بایستی طی برنامه‌های متنوع نسبت به افزایش ورود گردشگران خارجی به ایران اقدام نماید . وجود جاذبه‌های تاریخی، طبیعی و مذهبی ایران، قابلیت فراوانی برای جذب خارجیان برای دیدار از ایران ایجاد می‌کند. راه دیگر این است که رشد بی‌رویه هزینه‌های مسافرت ایرانیان به خارج نیز متناسب با ظرفیت‌های داخلی کشور تنظیم شود. اهمیت هزینه‌های تقاضای مسافرت خارجی در اینجاست که تعیین‌کننده نرخ ارز با شاخص خیابان فردوسی نیز شده است .

بخش انرژی

صنعت نفت ایران حیاتی‌ترین صنعت کشور وبدون شک، منحصر به فردترین ، حجیم‌ترین و بزرگ‌ترین بخش اقتصاد کشور است. به موازات آورنده ارز خارجی ، ریشه نهایی واردات منشاء ذخایر خارجی و ثروت جاری کشور ، امانت‌دار بزرگ‌ترین ثروت ساختاری ـ پس از نیروی انسانی ـ صنعت نفت است . با این همه صنعت نفت ایران هیچ‌گاه در طول تاریخ حیاتش به توان بالقوه خود نرسیده است. اتفاقاً برعکس از دیدگاهی صنعت نفت کشور هزار مشکل دارد و به خاطر اینکه حیاتی‌ترین صنعت کشور است این مشکلات دردآورترند . نگاه کنید به نمونه‌هایی از مشکلات عمده این صنعت :

هنوز خام فروشی نفت ادامه دارد و این صنعت که بزرگ‌ترین منبع درآمد ارزی کشور است اشتغال بسیار ناچیزی ایجاد کرده است ، در حالی که جوانان ما بیکارند . در واقع خام فروشی بدون ارزش افزوده موجب رشد ناچیز بیکاری و توسعه‌نیافتگی می‌شود . صنعت نفت ما درحال حاضر حدود ۲۲ درصد تولید کشور را شامل می‌شود ولی اشتغال آن زیر ۷ درصد است .

اقتصاد بسته و دولتی

با آنکه در ۱۵ سال گذشته کاهش حجم تصدی‌گری دولت و واگذاری امور اقتصادی به بخش خصوصی مدنظر بوده و این سیاست در کلیه برنامه‌ها به صراحت اعلام شده است ، ولی روند خصوصی‌سازی در صنعت نفت ، بیش از حد کسالت‌بار است . سوال این است که چرا صنعتی که سنگ بین‌المللی بودن را به سینه می‌زند، اینرسی و تنبلی درونی‌اش بیشتر از سایر بخش‌ها و صنعت‌هاست ؟

چرا یک شرکت ایرانی خصوصی قابل ملاحظه در صنعت نفت ایران وجود ندارد ؟ خصوصی‌سازی صنعت نفت آن‌قدر مهم است که به ازای هر روز تاخیر در اجرای آن ، شرکت ملی نفت ایران بیشتر عقب خواهد افتاد . بر اساس شواهد اخیر ، شرکت‌های عظیم بین‌المللی نفتی خصوصی در حال رسیدن به رقبای دولتی خود در عرصه رقابت جهان هستند .

فرهنگ مصرف داخلی (استراتژی جایگزینی واردات)

همانطور که در بیانات مقام معظم رهبری در مورد شعار « تولید ملی ، حمایت از کار و سرمایه ایرانی » بدرستی بیان شد ، تحقق چنین هدفی تنها با مشارکت همه اقشار جامعه میسر خواهد بود . این وظیفه نه تنها به عملکرد دولت، نهادها و کارگزاران اقتصادی مختلف دارد، بلکه مردم نیز وظیفه و نقش مهمی در تحقق این شعار دارند و آن وظیفه این است که به توسعه فرهنگ مصرف محصولات تولید داخلی از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی به نوبه خود حمایت کنند که بدون همکاری مردم بدین صورت ، عملا تحقق این شعار عقیم خواهد ماند .

در مقابل چنین انتظاری از مردم ، منطقا باید دولت و تولیدکنندگان داخلی نیز زمینه‌های لازم برای ایجاد این انتظارات را تحقق دهند. بی‌شک برای اینکه از مردم انتظار داشته باشیم تا محصولات داخلی مصرف نمایند، باید کیفیت محصولات داخلی حداقل به خوبی محصولات خارجی بوده و حداکثر به همان قیمت ارائه شوند مگرنه انتظار داشتن از اقتشار مردم برای مصرف کالای بی کیفیت با قیمت بالا مثل انواع خودروهای تولیدی در داخل کشور، انتظار عبسی بوده و تنها با زور و محدودیتها می توان مردم را مجاب به چنین انتخابهایی نمود که اگر چنین محدودیتهای اجباری باشد، جلب اعتماد مردم و مصرف سایر کالاهایی که در انتخاب آن آزادند میسر نخواهد بود .

ثبات بازار ارز

اهمیت جلوگیری از مزمن شدن التهاب چند ماهه‌ی بازار ارز کشور ، بر هیچ یک از کارشناسان اقتصادی پوشیده نیست . تلاطم بازار ارز ضربه مهلکی بر پیکره سرمایه و سرمایه‌داران ایرانی می‌زند و بنابرین اگر این بازار به ثبات نرسد شاید تمام تلاشهای مسئولین برای حمایت از سرمایه ایرانی تلف گردد .

هم‌اکنون بیش از چند ماه از ایجاد شکاف بین قیمت‌های رسمی و بازار آزاد دلار می‌گذرد و بدون شک وجود شکاف قیمتی بالغ بر ۵۰ درصدی موجود بین قیمت دلار فروخته‌شده از سوی بانک‌مرکزی و قیمت دلار در بازار آزاد، بستر بالقوه‌ای را برای انواع فسادهای مالی فراهم می‌کند.

حمایت از کارفرمایان و پیمانکاران و صادرکنندگان: با توجه به اینکه بکارگیران نیروی کارو سرمایه و تولید کنندگان ، کارفرامایان و پیمانکاران می‌باشد، بنابرین بدون حمایت از این دو گروه، حمایت از کار و سرمایه و تحقق تولید ملی نیز مسیر روشن و مقصد مفیدی نخواهد داشت.

در حال حاضر پیمانکاران مطالبات زیادی از دولت دارند که بدلیل عدم پرداخت به موقع از طرف روند تولیدی بسیاری از صنایع کشور مثل صنعت برق دچار مشکل شده است که این مساله ضربه محکمی به تولید ملی خواهد زد، لذا لازم است که دولت قبل از ارائه طرحهای جدید مطالبات مانده پیمانکاران را پرداخت نماید که به منزله حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی است .

همچنین کارفرمایان به عنوان افرادی که سرمایه‌های ایرانی را به سمت تولید و همچنین اشتغال هدایت می‌کنند لازم است این گروه مورد حمایت و توجه ویژه قرار گیرد. این حمایت می‌تواند بصورت حمایتهایی مثل معافیتهای مالیاتی، ارائه وامها و کمک کردن برای تامین مالی پروژه‌ها ، اصلاح قوانین و مقررات دست و پا گیر، ارائه مجوز برای ورود به بخشهای مختلف اقتصادی و غیره باشد .

اصلاح قوانین و مقررات

وجود برخی قوانین دست و پاگیر بر سر راه تولیدکنندگان و عدم‌امکان حمایت و پشتیبانی‌های لازم از سوی مسئولان ، عدم توسعه بخش خصوصی منطبق بر نیازهای واقعی جامعه وجود ظرفیت‌های خالی بخش‌های تولیدی ، بی‌توجهی به مبحث آموزش نیروی انسانی و عدم‌توان رقابت‌پذیری با کالاهای خارجی موجب شده که تولید آنگونه که بایسته است به رشد و بالندگی دست پیدا نکند . بنابراین تسهیل قوانین و مقررات ، حمایت از تولید کننده ، فرهنگسازی و نهادینه‌کردن خرید تولید ملی و کالاهای داخلی و همچنین تولید کالاهای با کیفیت بالا و قیمت

مناسب ، تشکیل واحدهای تحقیق و توسعه به‌ویژه در کنار بخش‌های تولیدی که زمینه را جهت تولید بهره‌ور ، دانش محور و مجهز به فناوری روز دنیا فراهم می‌کند و جذب نیروهای متخصص و ماهر در کنار مدیریت واردات می‌تواند در رسیدن به آرمان‌ها و اهداف اقتصادی مثمرثمر باشد.

۵ ـ خلاصه و نتیجه‌گیری

در این مقاله با بررسی اهمیت بحث « تولید ملی ، حمایت از کار و سرمایه ایرانی » آغاز گشته و در ادامه به بررسی وضعیت کنونی اقتصاد ایران بررسی اجمالی پرداخته شد . در حال حاضر اقتصاد ایران به نوعی دچار تورم رکودی بوده و تلاطم نرخ ارز و همچنین آثار هدفمندی یارانه‌ها و انتظارات تورمی بالاتر در ماهها و دوره‌های بعدی باعث ایجاد وضعیت بحرانی در اقتصاد ایران گشته است ، از سوی دیگر فشار غرب و تحریمهای مضاعف کشور که یک امر غیر قابل اغماض می‌باشد بر شدت این بحران افزوده و مشکلات عدیده‌ای زیادی را ایجاد کرده است. راه برون رفت این وضعیت و تحقق شعار مقام معظم رهبری ، تدوین استراتژی جامع و کامل در مورد بخشهای مختلف اقتصادی ایران است که مجموعا باعث برون رفت و بهبود وضعیت اقتصادی و تحقق توسعه اقتصادی خواهد شد . مسلما بدون این دین جامع و توجه موردی و سطحی به مسائل و مسیرها ، تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی را در سطح یک شعار زیبا برای کنفرانسها و همایشها باقی خواهد گذاشت. چرا که توسعه یک مفهوم همه جانبه داشته و بدون اصلاح تمامی مسیرها تواما و همزمان، نمی‌توان منتظر بهبود اقتصاد و رسیدن به سطح توسعه یافتگی بالاتر نشت .

بنابر این در این مقاله سعی شده است تا حد امکان تمامی جوانب و ابعاد و بخشهای اقتصاد مورد توجه قرار گرفته و ضمن اشاره به مشکلات و اهمیت آنها مسیرهای صحیح اصلاح و بهبود آنها مرود بررسی و تحلیل قرار بگیرد تا سندی باشد برای مسئولین دلسوزی که تحقق شعار « تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی »را سرلوحه اهداف و فعالیت های خود قرار داده‌اند. استراتژی تحقق تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی مستلزم توجه به اصلاح بخش خدمات بسوی تولید علم‌محور ، بخش کشاورزی دارای مزیت نسبی و مطلق ، اصلاح سیاست جذب توریسم، ثبات بازار ارز، توجه به سرمایه انسانی، اصلاح و جامعیت بیمه بیکاری، حمایت از کارآفرینان و پیمانکاران تولیدی، اصلاح قوانین و مقرارات دست و پا گیر، کاهش تصدی‌گری دولت در اقتصاد، حمایت ار بخش خصوصی و تحقق اصل ٤٤، اصلاح قوانین مالکیت فکری مبارزه با پدیده قاچاق، کاستن از فعالیتهای دلالی غیر مولد در اقتصاد، کاستن از خام فروشی بین‌المللی و گذار از صادرات مواد خام به محصولات تبدیلی مثل پتروشیمی و تکنولوژی محور و سایر مباحثی که در مقاله اشاره گردید ، می‌باشد .

۶ ـ منابع و مآخذ

۱ . شاکری، عباس(۱۳۹۰) ـ « اقتصاد کلان ـ نظریه‌ها و سیاستها (دوره دوجلدی)» ـ انتشارات پارس نویسا ـ تهران .

۲ . رحمانی، تیمور (۱۳۸۸) ـ « اقتصاد کلان (دوره دو جلدی) » ـ انتشارات برادران ـ تهران .

۳ . محمدزاده ، یوسف (۱۳۹۱) ـ « اقتصاد ایران » ـ انتشارات مدرسان شریف ـ تهران .

٤ . مفتخری ، علیرضا (۱۳۹۱) ـ « تولید ملی ، حمایت از کار و سرمایه ایرانی » ـ مؤسسه قرآنی ندای ملکوت .

۵ . رضایی ، مریم و پیشوایی ، مریم (۱۳۹۱) ـ « راهنمای ویژه تولید ملی ـ حمایت از کار و سرمایه ایرانی » ـ نشر قم .

٦ . فصلنامه مطالعات اقتصاد بین الملل دانشگاه اصفهان .

۷ . مرکز اسناد انقلاب اسلامی .

۸ . مرکز آمار ایران .

۹ . آمارهای بانک مرکزی

۱۰ . متن بودجه سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱

۱۱ . متن قانون برنامه پنجم توسعه

۱۲ . روزنامه دنیای اقتصاد

۱۳ . سایت تحلیلی اقتصاد ایران ـ رستاک

14 . Business monitor international journal 2013.

اثر سیاست پولی و نرخ ارز در توسعه صادرات غیر نفتی با تاکید بر اهداف برنامه پنجم توسعه در اقتصاد ایران

حمید محمدی [1] ـ وحید دهباشی [2] ـ محمد جواد مهدی‌زاده [3]

مقدمه

مشکلات ناشی از اقتصاد تک محصولی و اتکای بیش از حد به درآمدهای نفتی ، اقتصاد کشور را به شدت تحت تأثیر عوامل خارجی از جمله نوسانات بهای جهانی نفت قرار داده است . کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی در بعضی مواقع به روشنی اثرات منفی اتکای بیش از حد اقتصاد کشور به درآمدهای نفت را نشان داده و در واقع هشدارهای صاحب‌نظران اقتصادی کشور را برجسته ساخته است . بی‌تردید عدم تحقق درآمدهای پیش بینی شده دولت از محل صادرات نفت نه تنهابر اجرای طرح‌های مختلف و اقتصاد کشور تأثیر خواهد گذاشت، بلکه بر آینده اقتصاد و برنامه‌ها و طرح‌ها اثرات منفی مضاعفی خواهد داشت. و در نتیجه موجب بروز مشکلات عدیده در بخش‌های مختلف اقتصاد کشور خواهد گردید. از طرفی یکی از عوامل مهم دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار، رونق صادرات است که مهم‌ترین هدف سیاست‌گذاری در بخش تجارت خارجی را تشکیل می‌دهد. در اقتصاد ایران با توجه به اهمیت کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت خام، نقش صادرات غیر نفتی در کاهش این وابستگی و نیزجایگاه آن در برنامه پنجم توسعه اقتصادی کشور، بررسی عوامل تعیین کننده صادرات غیرنفتی و ارائه راهکارهای لازم برای توسعه آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بدین منظور کنترل تغییرات نرخ ارز به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده صادرات غیر نفتی در جهت رونق صادرات غیر نفتی گامی مهم در مسیر رشد و توسعه اقتصادی کشور تلقی می‌گردد. از طرفی بر پایه بسیاری از مطالعات انجام شده آشفتگی و نوسان در رفتار نرخ واقعی ارز تأثیر منفی بر دیگر بخش‌های اقتصادی از جمله صادرات دارد. از این رو در تحلیل رفتار نرخ واقعی ارز و بررسی عوامل تعیین کننده آن برای تعدیل این شاخص به منظور افزایش درجه رقابت بین‌المللی کشور و در نتیجه رونق صادرات همواره بخش قابل توجهی از مطالعات اقتصادی را به خود اختصاص داده است .

---

۱ ـ استادیار گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه زابل.
۲ ـ مربی گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه زابل
۳ ـ دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی دانشگاه زابل

بر این اساس در این مقاله سعی شده است که ارتباط بین صادرات غیر نفتی، حجم نقدینگی به عنوان سیاست پولی و نرخ ارز در جهت تحقق اهداف برنامه پنجم توسعه در زمینه صادرات غیر نفتی مورد بررسی قرار گیرد .

اهداف بنیادین برنامه پنجم توسعه در زمینه صادرات غیر نفتی :

۱ . دستیابی به سبد صادراتی و تنوع کالاها و خدمات و پایداری توسعه صادرات اقلام موجود .
۲ . ماندگاری و حفظ سهم در بازارها. دستیابی به تنوع بازارهای صادراتی.
۳ . دستیابی به جایگاه بالاتر در تجارت خارجی منطقه و سهم بالاتر تجارت ایران از جهان.
٤ . دستیابی به سهم متوازن، عادلانه و متناسب با مزیت‌ها در صادرات استان‌های کشور.
٥ . محیط مساعد صادرات کالاها و خدمات در سطح ملی.
٦ . ارتقاء سطح رقابت‌مندی کالاها و خدمات صادراتی.
۷ . دستیابی به خدمات پیشرفته و رقابتی پشتیبانی صادرات.
۸ . دستیابی به بنگاه‌های شایسته صادراتی و در کلاس جهانی.
۹ . تلاش جهت تحقق اهداف کمی تعیین‌شده در برنامه پنجم.

نقش تجارت خارجی و صادرات در رشد و توسعه اقتصادی

از گذشته های بسیار دور، به ویژه در سال‌های بعد از انقلاب صنعتی، تجارت خارجی همواره مسئله ای مهم در اقتصاد کشور های جهان محسوب شده است. پس از جنگ جهانی دوم که موضوع رشد و توسعه اقتصادی کشورهای تازه استقلال یافته و در حال توسعه مورد توجه کارشناسان اقتصادی قرار گرفت،توجه محققین وکارشناسان به این مهم جلب شده که آیا رابطه‌ای بین صادرات و نرخ رشد اقتصادی کشورها وجود دارد ؟

بسیاری از محققین در زمینه رشد و توسعه اقتصادی به این باور رسیده‌اند که افزایش صادرات موجب رشد اقتصادی کشور یا کشورهای مربوطه می‌شود. به عنوان مثال نتایج حاصل از بررسی میکائیلی[1] بالاسا[2] تایلر[3] و دیگران در مطالعات جداگانه خود به این نتیجه رسیدند که رشد صادرات موجب افزایش نرخ رشد تولید ناخالص ملی می‌شود. در مقابل، گروهی از پژوهشگران بر این عقیده هستند که نمی‌توان صادرات را موتور رشد اقتصادی تلقی کرد، زیرا یک کشور باید به سطحی از رشد اقتصادی رسیده باشد که بتواند کالاهای صنعتی صادر نماید.

شایان توجه است که درجریان بحران بزرگ اقتصادی آمریکا ودیگرکشورهای سرمایه‌داری در دهه ۱۹۳۰، صادرات کشورهای آمریکای لاتین که عمدتاً مواد اولیه بود، به شدت کاهش پیدا

1 - Micaely
2 - Balassa
3 - tyler

کرد. این کاهش به نوبه خود، درآمدهای ارزی و به دنبال آن توان واردات این کشورها را فوق‌العاده کاهش داد. برای رهایی از این مشکل، کشورهای آمریکای لاتین به ویژه آرژانتین برزیل و مکزیک بر آن شدند تا از طریق ایجاد و گسترش واحدهای تولیدی در کشورهای آمریکای لاتین این مسئله را حل کنند که تدریجاً به مدلی معروف شد که به آن مدل ، صنعتی شدن از طریق جایگزینی واردات گفته می‌شود .

اگر چه در دهه های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ میلادی این مدل صنعتی شدن تا حدی موفق قلمداد می‌شد، ولی در دهه ۱۹۶۰ به تدریج آشکار گردید که فرآیند صنعتی شدن از طریق جایگزینی واردات ، با موانع و مشکلات ساختاری روبروست. راه برون رفت از مشکل چه بود؟ بسیاری از پژوهشگران بر این عقیده بودند که کشورهای آمریکای لاتین و کشورهای نظیر می‌توانند با « توسعه صادرات » کالاهای صنعتی سطح اشتغال داخلی، تقاضای کل و درآمدهای ارزی خود را افزایش دهند . افزایش درآمدهای ارزی ، به نوبه خود ، می‌توانست واردات و در نتیجه امکان سرمایه‌گذاری آن‌ها را افزایش دهد و در نهایت، تولید ناخالص داخلی در رشد اقتصادی این کشورها را افزایش یابد .

بر اساس این استدلال ، به ظاهر دو راهبرد «جایگزینی واردات» و «توسعه صادرات» در مقابل هم قرار گرفتند و کشورهای در حال توسعه می‌توانستند برای صنعتی کردن خود یکی از این دو راهبرد را قبول و اعمال نمایند. ولی واقعیت این است که در هیچ یک از کشورهای موفق هیچ یک از این دو راهبرد به تنهایی اعمال نشده است. تجربیات رشد و توسعه اقتصادی تقریباً تمام کشورهای موفق جهان، نشان می‌دهد که بحث انتخاب این دو راهبرد فاقد اعتبار است، زیرا دو راهبرد «جایگزینی واردات » و «توسعه صادرات» نه در عرض یکدیگر بلکه در طول یکدیگر قرار دارند. کشورهای در حال توسعه باید مراحل معینی را طی نمایند تا امکان حضور آن‌ها در بازارهای جهانی فراهم آید .

توجه به این نکته ضروری است که منظور از توسعه صادرات گسترش صادرات کالاهای تولیدی است ، نه مواد اولیه . تجربه کشور های در حال توسعه نشان می‌دهد که با افزایش صادرات مواد اولیه ، تولید (درآمد) ملی کشور افزایش می‌یابد. ولی سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود ، این است که آیا می‌توان با افزایش مواد اولیه به رشد پایدار اقتصادی دست یافت ؟

مجدداً ، تجربیات اکثر کشورهای در حال توسعه گواه بر این است که رابطه معنی داری بین افزایش صادرات مواد اولیه و رشد پایدار اقتصادی وجود ندارد. البته، شرط لازم برای تحقق این مهم آن است که در کشور، ساختار مناسب اقتصادی، اجتماعی، ثبات اقتصادی سیاسی و مهارت‌های مناسب در سطوح و صنایع مختلف وجود داشته باشد. در واقع تحت این شرایط امکان گسترش صادرات کالاهای غیرنفتی توسط بخش دولتی و خصوصی و حضور کشور در عرصه تجارت جهانی تسریع می‌شود ، که به نوبه خود بازار ارز از انحصار دولت خارج و به

شرایط رقابتی نزدیک‌تر می‌شود، تا تولید کنندگان داخلی بتوانند هر چه بیشتر از ظرفیت واحدهای تولیدی خود استفاده نمایند . واردات نیز به موازات گسترش صادرات،افزایش یابد، تولیدکنندگان داخلی برای حفظ و افزایش توان رقابت خود در بازارهای داخلی و خارجی نسبت به بهبود و ارتقای سطح فن‌آوری مورد استفاده خود تلاش بیشتری انجام دهند. در ایران، به دلیل وجود درآمد ارزی نسبتاً کافی ناشی از صادرات نفت، هیچ‌گاه صادرات کالاهای غیر نفتی جدی تلقی نشده است. آمار و اطلاعات موجود نشان از این است که هر وقت درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت افزایش یافته، توجه به صادرات کالاهای غیر نفتی کاهش یافته است. شاید دلیل عمده این بی توجهی مسئولین به صادرات غیر نفتی، ناشی از این بوده است که فقط درآمدهای ارزی مورد توجه آن‌ها بوده است، نه اثراتی که صادرات کالاهای غیر نفتی می‌تواند بر ساختار اقتصاد کشور داشته باشد .[۱]

درصد قابل ملاحظه ای از کالاهای سرمایه ای، نیمه ساخته و مواد اولیه مورد نیاز از خارج وارد می‌شود . بدیهی است که توان واردات این کالاها و کالاهای مصرفی مورد نیاز بستگی به درآمدهای ارزی کشور داشته که خود متأثر از نوسانات بهای نفت در بازارهای بین‌المللی است . در نتیجه می‌توان گفت که کل اقتصاد کشور متأثر از نوسانات بهای نفت می‌باشد که دولت تقریباً هیچ کنترلی بر آن ندارد .

در مقایسه ، دولت و بخش خصوصی کنترل بیشتری بر صادرات کالای غیر نفتی دارند. دولت می‌تواند با اعمال سیاست‌های صحیح ارزی و غیر ارزی حجم صادرات کالاهای غیر نفتی و در نتیجه درآمدهای ارزی را افزایش دهد. بدون شک، هر چه درآمدهای ارزی حاصل از صادرات کالاهای غیر نفتی، بیشتر افزایش یابد، به همان نسبت وابستگی اقتصاد به درآمدهای نفتی کاهش خواهد یافت و روند رشد و توسعه اقتصادی کشور از ثبات بیشتری برخوردار خواهد شد.

نکته ای که قابل ذکر است این می‌باشد که تا به حال سیاست‌های ارزی کشور عمدتاً انفعالی و در بسیاری از موارد مقطعی بوده است. بدین ترتیب که مقامات ذی‌ربط پولی ـ ارزی کشور متناسب با تغییرات درآمدهای ارزی ناشی از نوسانات بهای نفت، تغییراتی در سیاست‌های ارزی کشور اعم از تخصیص ارز و نرخ‌گذاری آن، اعمال نموده‌اند. از جمله سیاست‌هایی که توسط کشورهای در حال توسعه و همچنین ایران به منظور توسعه صادرات غیر نفتی اعمال می‌شود ، کاهش ارزش پول ملی است. ولی تجربیات تقریباً تمام کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که این سیاست زمانی می‌تواند موثر واقع شود که شرایط لازم در کشور فراهم باشد ، در غیر این صورت کاهش ارزش پول ملی موجب می‌شود تورم داخلی تشدید شود و اثرات اولیه کاهش ارزش پول ملی را خنثی نماید .

---

۱ ـ فتحی ، ۱۳۷۷ ، پژوهشنامه بازرگانی

پیشینه پژوهش

مطالعات انجام شده در زمینه موضوع مورد بررسی را می‌توان به دو گروه خارجی و داخلی تقسیم کرد. از جمله مطالعات خارجی می‌توان به مطالعات هاتاکر و مگی[1]، خان و نایت[2] باند[3]، سوژو[4]، سکات و وارودا‌کیس[5] و سینق[6] اشاره کرد. همچنین در بخش داخلی مطالعات شهشهانی (۱۳۵۷)، عسلی (۱۳۷۵)، عبدا ... میلانی و همکاران (۱۳۷۵)، ولدخانی (۱۳۷٦)، فتحی (۱۳۷۷) و نیلی (۱۳۸۳) را می‌توان معرفی نمود.

وانگ و بارت اثر تغییرات نرخ ارز بر صادرات کالاهای هشت بخش اقتصادی تایوان به امریکا با استفاده از داده‌های ماهانه دوره ۱۹۸۹ ـ ۱۹۹۸ بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که تغییرات نرخ ارز اثر یکسانی بر تمام بخش‌ها ندارد، بخش کشاورزی بیشترین تأثیرپذیری را داشته است در حالی که ریسک نرخ ارز بر سایر بخش‌ها اثر ناچیزی دارد.

بولسو به بررسی تأثیر نرخ ارز بر صادرات و واردات محصولات کشاورزی از امریکا به کشورهای عمده طرف تجاری با روش پنل دیتا و برای دوره ژانویه ۱۹۸۹ تا نوامبر ۲۰۰٤ پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که صادرات و واردات نسبت به نرخ ارز با کشش می‌باشند.

ویلسون و تات) با استفاده از داده‌های فصلی دوره (۱۹٦٦ ـ ۱۹۷۰) اقدام به بررسی تأثیرات نرخ ارزبرتراز تجاری میان دو کشور سنگاپور و کانادا کردند. نتایج تحقیق آن‌ها حاکی از بی اثری نوسانات ارزی بر تراز تجاری این دو کشور است.

سرگی ری با استفاده از داده‌های فصلی ۲۰۰۲ ـ ۱۹۷۰ به بررسی بی ثباتی نرخ موثر ارز اسمی و واقعی شش کشور عضو منا به پانزده عضو اتحادیه اروپا می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که صادرات در بلند مدت برای کشورهای الجزایر، مصر، تونس مراکش و ترکیه با شاخص بی ثباتی نرخ ارز رابطه‌ی منفی و برای کشور مصر رابطه‌ی مثبت دارد.

بلانگر و همکاران در بررسی خود در مورد تأثیر نرخ ارز بر تراز تجاری بین دو کشور کانادا و آمریکا در پنج بخش مختلف، به این نتیجه رسیدند که اثر تغییر نرخ ارز بر میزان تجارت بین دو کشور بی معنی است.

امانوئل تامبی در مقاله‌ای که در سال ۱۹۹۹ ارائه داد، با استفاده از مدل هم انباشتگی و مکانیسم تصحیح خطا به بررسی تأثیر تغییرات نرخ ارز بر صادرات سه محصول عمده صادراتی

1 - Hautakker and magee (1969)
2 - Khan and Knight (1989)
3 - Bond (1987)
4 - Suzhou(1995)
5 - Sekkat and varoudakis (2000)
6 - Singh(2002)

بخش کشاورزی کامرون یعنی کاکائو، قهوه و پنبه پرداخته و به این نتیجه رسیده است که تغییر در نرخ ارز بر صادرات قهوه تأثیر مثبت و بر صادرات کاکائو و پنبه تأثیر منفی دارد .

جبل عاملی و بی ریا (۱۳۸۵) با ترکیبی از داده‌های سری زمانی و مقطعی به بررسی عوامل موثر بر صادرات پسته، زعفران و خرما در سبد صادرات غیر نفتی پرداختند. این دو محقق با استفاده از روش اثرات ثابت نتیجه گرفتند که قیمت‌های داخلی و قیمت‌های صادراتی رابطه معکوس ، نرخ ارز و تولید ، رابطه مثبت با صادرات دارند .

ولدخانی (۱۳۷۶) در مطالعه‌ای صادرات را به عنوان تابعی از متغیرهای نرخ ارز بازار آزاد مجموع ارزش افزوده بخش کشاورزی ، صنعت و معدن و حمل و نقل و ارتباطات و درجه باز بودن اقتصاد در نظر گرفت . نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که رابطه بلند مدتی بین صادرات کالاهای غیر نفتی و متغیرهای مذکور وجود دارد، به طوری که این متغیرها تأثیر مثبت بر صادرات غیر نفتی دارند .

فتحی (۱۳۷۷) در مطالعه‌ای کشش پذیری صادرات غیر نفتی نسبت به تغییرات نرخ ارز را بررسی کرده است ، در این مطالعه صادرات غیر نفتی تابعی از نرخ موثر ارز، تولید ناخالص داخلی ، شاخص قیمت کالاهای صادراتی ، شاخص قیمت عمده فروشی و صادرات غیر نفتی دوره قبل در نظر گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد که کشش صادرات غیر نفتی نسبت به تغییرات نرخ ارز تنها در صادرات صنعتی بیش از واحد می‌باشد .

عبدا... میلانی و همکارانش (۱۳۷۵) در مطالعه‌ای ، با بهره‌گیری از روش هم تجمعی رابطه بلندمدت بین نرخ ارزو برخی متغیرهای کلان را طی دوره ۱۳۷۲ـ ۱۳۳۸ بررسی کرده است نتایج این تحقیق بیانگر عدم رابطه بلند مدت بین نرخ ارز و تولید است .

مواد و روش‌ها

به کارگیری روش‌های متداول اقتصادسنجی نظیر روش حداقل مربعات معمولی (OLS)[1] همواره متضمن این فرض است که متغیرهای مورد مطالعه ایستا هستند. از میان آزمون‌های متعدد مطرح شده برای بررسی ایستایی متغیرها ، آزمون دیکی ـ فولر تعمیم یافته (ADF)[2] با شکل کلی زیر در عمل کاربرد بیشتری دارد :

$$\Delta Y_t = \alpha + \beta_t + \rho Y_{t-1} + \sum_{i=1}^{p} \theta_i \Delta y_{t-1} + \varepsilon_t \qquad (1)$$

1 - Ordinary Least Squares
2 - Augmented Dickey Fuller Test

Y_t سری مورد نظر، Δ عملگر تفاضل مرتبه اول ، t روند خطی و ε_t جز اخلال تصادفی است. معادله فوق را بدون وارد کردن جز روند نیز می‌توان بکار برد. چنانچه فرض $H_0 : \rho = 1$ رد شود در آن صورت سری مورد نظر ایستا می‌باشد و در غیر این صورت سری ناایستا است .

تعیین طول وقفه بهینه مدل

تعداد وقفه‌های مناسب متغیر وابسته در این آزمون، به منظور خوش رفتارسازی جملات اخلال حاصل از رگرسیون ، را می‌توان با استفاده از معیارهای آکائیک (AIC) ، شوارتز ـ بیزین (SBC) و یا حنان ـ کوئین (HQC) بدست آورد .

معیار AIC

معیار اطلاعات آکائیک به صورت زیر تعریف می‌گردد :

(۲)

$$AIC(m) = T \log \hat{\sigma}_m^2 + 2m$$

که در آن T تعداد مشاهدات موثرو $\hat{\sigma}_m^2$ برآوردگر ML از واریانس جمله خطا ($\hat{\sigma}_m^2 = \frac{\hat{\varepsilon}' \hat{\varepsilon}}{T}$) است.

معیار SBC

معیار اطلاعات شوارتز-بیزین به صورت زیر تعریف می‌گردد :

(۳)

$$SBC(m) = T \log \hat{\sigma}_m^2 + m \log T$$

که در آن $\hat{\sigma}_m^2$ (= $\hat{\sigma}_\varepsilon^2$) واریانس نمونه باقیمانده‌هاست که از تخمین حداکثر درست نمایی $\hat{\sigma}_\varepsilon^2$ حاصل می‌شود. m تعداد پارامترهای الگو و T تعداد مشاهدات موثر بوده که هم ارز تعداد جملات باقی مانده‌ای است که از تخمین الگو به دست می‌آید و L حداکثر مقدار تابع درست نمایی است. معیار فوق به صورت زیر تعریف می‌شود :

(٤)

$$SBC(m) = -\log L + \frac{1}{2} m \log T$$

معیار HQC

معیار حنان ـ کوئین به صورت زیر تعریف می‌گردد :

(۵)

$$HQC(m) = \log \hat{Q}_m^2 + (\frac{2 \log \log}{T})m$$

برای مدل‌هایی که به روش حداکثر درست نمایی برآورد می‌شوند معیار مذکور را به صورت زیر نیز می‌توان تعریف کرد :

(٦)

$$HQC(m) = -\log L + (\log \log T)m$$

در میان سه معیار AIC ، SBC ، HQB معیار SBC ساده‌ترین مدل (یعنی مدلی با کمترین پارامترهای برآورد شده) را انتخاب می‌کند. اما AIC کمترین اهمیت را به سادگی مدل می‌دهد . HQC از این لحاظ بین دو معیار فوق قرار می‌گیرد. معمولاً SBC در تعداد وقفه‌ها صرفه جویی می‌کند و در این تحقیق تعداد وقفه های بهینه بر اساس SBC انتخاب می‌شود .

بررسی‌های تجربی نشان می‌دهد که اغلب سری‌های زمانی در اقتصاد ناایستا هستند و در صورت استفاده از روش OLS برای تخمین روابط بین متغیرها به احتمال زیاد رگرسیون کاذب بروز خواهد کرد که در چنین شرایطی استفاده از آماره های معمول f و t گمراه کننده بوده و اعتبار لازم را از دست خواهند داد. انگل و گرنجر در سال ۱۹۸۷ نشان داده‌اند چنانچه دو سری y_t و x_t دارای رابطه همگرایی باشند آنگاه می‌توان به برآوردهای روش OLS از معادله $y_t = \alpha + \beta x_t + \mu_t$ اطمینان کرد، چرا که در صورت رابطه همگرایی برآورد ضریب β به روش OLS برآوردی سازگار است و برای این کار یک روش دو مرحله‌ای را پیشنهاد کرده‌اند. با وجود اینکه این روش ساده است ولی در عمل دارای برخی نقاط ضعف جدی است .

لازم به ذکر است که در این قسمت کلیه متغیرها به صورت واقعی می‌باشند . به منظور بررسی اثر سیاست پولی و نرخ ارز بر صادرات غیر نفتی می‌توان از مدل خود توضیح برداری (VAR) و مدل خود توزیع با وقفه‌های گسترده (ARDL) استفاده نمود. در این تحقیق از مدل خود توضیح برداری (VAR) استفاده شد. Johanson and Joselius در سال ۱۹۹۰ با فرموله کردن روشی برای همگرایی برداری، که در آن تعیین بردار همگرایی از طریق روش حداکثر راست نمایی صورت می‌گیرد ، توانستند نقایص روش انگل ـ گرنجر را رفع کنند . شکل کلی الگوی (VAR) به صورت زیر خواهد بود :

(۷)

$$Y_t = A_1 Y_{t-1} + ... + A_p Y_{t-p} + u_t$$
$$u_t \approx IN(0, \varepsilon)$$

که در آن Y_t وقفه‌های مدل و همچنین ، u_t بردارهای k.1 جمله‌های خطا و A_tها (i=1,2,3,...p) ماتریس‌های k.k ضرایب الگو هستند زیرا هر متغیر در Y_t بر اساس وقفه‌های خود آن متغیر و وقفه‌های سایر متغیرهای درون الگو توضیح داده می‌شود، و الگوی تصحیح خطا برداری (VECM)[1] متناظر با معادله (۱) به صورت زیر است :

(۸)

$$\Delta Y_t = \sum_{i=1}^{p-1} \Gamma \Delta Y_{t-i} + \pi Y_{t-p} + \mu + \varepsilon_t$$

که Δ عملگر تفاضل مرتبه اول بوده و Γ_iو π به صورت زیر تعریف می‌شوند :

$$\Gamma_i = -\left(I - \sum_{i=1}^{i} \pi_i\right) \quad و \quad \pi = \left(I - \sum_{I=1}^{p} \varphi_i\right) \qquad (۹)$$

در این روابط متغیرهای Y_t غیر ساکن بوده و $\Delta Y_t \approx I(0)$ فرض می‌شود. در صورتی که رابطه تعادلی بلند مدتی وجود نداشته باشد $\pi=0$ خواهد بود. ماتریس π دارای ابعاد $n \times n$ است. چنانچه تنها یک رابطه بلند مدت وجود داشته باشد، آنگاه رتبه ماتریس π برابر واحد است یعنی این ماتریس تنها یک سطر مستقل خواهد داشت. و عناصر هر سطر، ترکیبی از سطرهای دیگر می‌باشد. به همین ترتیب اگر r رابطه بلند مدت وجود داشته باشد رتبه ماتریس π برابر r خواهد بود. ماتریس π را ماتریس تأثیر گویند که حاوی اطلاعات مربوط به روابط بلند مدت است و از رتبه π می‌توان اطلاعاتی را در مورد روابط بلندمدت بین Y_tها بدست آورد. چنانچه رتبه ماتریس فوق را برابر r و $r < n$باشد (r تعداد بردار همگرا است) در آن صورت می‌توان نوشت: $\pi = \alpha.\beta$ که β همان ماتریس حاوی پارامترهای بلند مدت همگرایی و α ماتریس حاوی بردارهای تصحیح خطا است. ستون‌های ماتریس β بردارهای همگرایی را تشکیل می‌دهند. با داشتن ماتریس π و رتبه آن (r) می‌توان ماتریس‌های α و β را محاسبه کرد همواره $r \leq n-1$ است . روش یوهانسون ـ جوسیلیوس ارائه دهنده دو آزمون نسبت راست نمایی (LR)[2] برای تشخیص بردارهای همگرایی است. بدین ترتیب که با رگرسیون‌های مختلفی که

1 - Vector Error Correction Model
2 - Likelihood Ratio Test

انجام می‌گیرد ماتریس تأثیر π برآورده شده و ریشه های مشخصه آن پیدا می‌شود، آنگاه با آماره‌هایی که ساخته شد، تشخیص داده می‌شود که چه تعداد از این ریشه‌های مشخصه از نظر آماری مخالف صفر هستند که تعداد مزبور رتبه ماتریس π و نهایتاً تعداد بردارهای همگرایی را مشخص می‌کند. آماره‌هایی که یوهانسون و جوسیلیوس می‌سازند عبارتند از: آماره آزمون اثر و آماره آزمون حداکثر مقدار ویژه که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌کنیم :

آماره آزمون اثر:

$$\lambda_{trace} = -2\ln(Q) = -T\sum_{i=r+1}^{k}\ln(1-\lambda_i) \quad \text{و} \quad r = 0,1,2,\ldots,k-1 \qquad (۱۰)$$

آماره آزمون حداکثر مقدار ویژه:

$$\lambda_{\max} = -2\ln(Q) - T\ln(1-\lambda_{r+1}) \quad \text{و} \quad r = 1,2,\ldots,k-1 \qquad (۱۱)$$

که در روابط فوق λ برآورد ریشه مشخصه حاصل از تخمین ماتریس π و T تعداد مشاهدات است. آزمون اثر به بررسی این فرضیه (فرضیه صفر) می‌پردازد که تعداد بردارهای همگرایی حداکثر برابر r بردار می‌باشد. فرضیه مقابل بدین صورت است که بیش از r بردار همگرایی وجود دارد. در سطح اطمینان معین، اگر کمیت آماره آزمون از مقدار بحرانی آن بزرگ‌تر باشد فرضیه صفر رد می‌شود. آزمون حداکثر مقدار ویژه، فرض صفر مبنی بر وجود r بردار همگرایی را در مقابل فرض وجود $r+1$ بردار همگرایی بررسی می‌کنند. در سطح اطمینان مشخص ، چنانچه کمیت محاسبه شده $\lambda_{\max}$ از مقدار بحرانی آن بیشتر باشد فرضیه صفر رد می‌شود . همچنین، با استفاده از الگوی سیستمی می‌توان روابط تعادلی و بلند مدت بین متغیرها را مورد بررسی قرار داد و ضرایب بلند مدت را بدست آورد. همچنین، تأثیر تکانه‌ها (شوک‌ها) را به صورت زمان‌بندی شده مورد ارزیابی قرار داد. برای این کار، از معیار تابع واکنش ضربه‌ای استفاده می‌کنیم. با استفاده از این معیار، می‌توان مدت زمان تأثیر شوک و بیش‌ترین تأثیر شوک را پس از وقوع شوک مشخص نمود. سپس می‌توان از معیار تجزیه واریانس نیز جهت تعیین سهم هر متغیر در خطای پیش‌بینی سایر متغیرهای الگو استفاده نمود. همچنین، می‌توان رابطه علت و معلولی بین متغیرها را نشان داد .

بنابراین با در نظر گرفتن مطالب مذکور و نیز مطالعه تجربی ارائه شده، تابع صادرات به صورت کلی زیر قابل ارائه است :

$$X = F(R,L) \qquad (۱۲)$$

با توجه به رابطه بالا متغیرها به شرح زیر می‌باشند :

X = صادرات غیر نفتی
R = نرخ ارز
L = حجم نقدینگی

معرفی مدل

یک مدل هیچ‌گاه قادر به توصیف دقیق واقعیت (آن طور که هست) نمی‌باشد . برای توصیف واقعیت نباید مدل پیچیده ای ارائه شود که فاقد ارزش علمی باشد. ساده سازی و تجزیه و تحلیل در هر مدل برای دستیابی به نتایج منطقی امری ضروری است. در این رابطه اصل « قلت متغیرهای توضیحی » حکم می‌کند که یک مدل تا حد امکان ساده در نظر گرفته شود .

از سوی دیگر لازم است برای جلوگیری از خطای تورش ناشی از حذف متغیرهای مهم و وارد کردن متغیرهای غیر ضروری، متغیرهای کلیدی و مهم را بر مبنای چارچوب تئوریک و تحلیل نظری در مدل وارد نمود و تمام اثرات تصادفی و جزئی را به جزء اخلال مدل (Ut) محول کرد .

با توجه به مبانی نظری بررسی شده در بخش گذشته، در این قسمت برای بررسی ارتباط صادرات غیر نفتی با نرخ ارز و حجم نقدینگی به عنوان یک سیاست پولی ابتدا فرم تابعی مدل مورد نظر معرفی شده و سپس با مرور اجمالی بر مباحث اقتصاد سنجی موجود در این ارتباط مدل مورد نظر برازش می‌گردد .

برای آنکه رابطه بین متغیرهای موجود را بررسی کنیم، صادرات غیر نفتی را تابعی از نرخ ارز و حجم نقدینگی در نظر گرفته شده است. علاوه بر تأثیر این عوامل بر صادرات غیر نفتی متغیرهای دیگری با توجه به ماهیت و شرایط ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی معنی پیدا می‌کنند که همواره بر مقدار صادرات غیر نفتی تأثیر گذار هستند .

از آنجا که با جریانی دو طرفه از رابطه علّی بین متغیرهای اقتصادی مواجه می‌باشیم و متغیر صادرات غیر نفتی را به عنوان متغیر وابسته و دو متغیر دیگر را مستقل در نظر گرفته‌ایم ، لذا برای تخمین مدل از روش خود رگرسیون برداری (VAR) استفاده شده است .

از طرفی تخمین مدل با استفاده از لگاریتم طبیعی متغیر های طرفین تساوی انجام شده است که درصد تغییرات و رشد عوامل مستقل را که نرخ ارز و حجم نقدینگی می‌باشند بر عامل وابسته که صادرات غیر نفتی می‌باشد نشان می‌دهد از عوامل موثر و معنی دار بر صادرات غیرنفتی کشور وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران طی سال‌های ٦٧ ـ ۱۳۵۹ است. این دو حادثه ضمن اینکه فعالیت برخی از واحدهای تولیدی و صنعتی را به رکود و تعطیلی کشاند، مبلغ هنگفتی از سرمایه‌ها و درآمدهای کشور را به خود

اختصاص داد. بعلاوه با شروع و ادامه جنگ سیاست گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی با اولویت‌های حل مسائل و مشکلات جنگ اعمال گردید و با شروع جنگ سرمایه گذاری در بخش دولتی و خصوصی به حالت تعطیل درآمد. ناامنی سیاسی و اقتصادی و تحریم‌های اقتصادی منجر به کاهش تولید و عدم انجام سرمایه گذاری‌های جدید باعث کاهش صادرات غیر نفتی گردید که حتی صادرات نفتی نیز در آن دوران با اختلالات و نوسانات زیادی مواجه گردید.

جنگ و انقلاب همچون دیگر عوامل و متغیرهای موثر قابل تقویم به مقادیر کمی نیست از طرفی پیامدهای آن ، اعم از نتایج اقتصادی و غیر اقتصادی، مستقیم یا غیر مستقیم از عوامل تعیین کننده بر صادرات غیر نفتی محسوب می‌گردند. جو ناامنی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و در نتیجه عدم اطمینان در انعقاد قراردادهای تجاری و ناتوانی در تهیه کالاهای سرمایه ای و رابطه ای مورد نیاز و در نتیجه کمبود سرمایه. عوامل موثر بر رکود و کاهش صادرات غیر نفتی در این دوران می‌باشند.

لذا در مدل مورد بررسی بر حسب مورد عامل جنگ و انقلاب را که از عوامل تأثیر گذار و مهم می‌باشند را به عنوان متغیرهای مجازی در مدل وارد کرده و معنی داری آن را بررسی می‌کنیم، قابل ذکر است که چون تأثیر این عامل به صورت کمی وجود ندارد آن را به صورت مجازی (متغیر دامی) وارد کرده‌ایم.

این نکته حائز اهمیت می‌باشد دوره زمانی مورد مطالعه سال‌های ۱۳۹۰ ـ ۱۳۳۸ تعیین شده است که متغیرها با توجه به معرفی مدل صادرات غیر نفتی، نرخ ارز و حجم نقدینگی می‌باشند.

برآورد مدل

مدل سازی اقتصاد سنجی با استفاده از سری‌های زمانی، روش‌های سنتی و معمول، مبتنی بر فرض ایستایی[1] متغیرهای سری زمانی مدل است. بر اساس این فرض میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان ثابت بوده و مستقل از زمان می‌باشد. همچنین کوواریانس بین هر دو مقدار از متغیر سری زمانی تنها بستگی به فاصله زمانی بین آن دو دارد و اندیس زمان دو مقدار فی نفسه مهم نیست.

حال چنانچه متغیرهای سری زمانی مورد استفاده در برآورد پارامتر های مدل ناایستا باشند احتمال اینکه رگرسیون بدست آمده جعلی باشد بسیار بالاست که در این صورت استفاده از آمارهای t و f گمراه کننده خواهد بود. مطالعات محققان نشان داده است که در صورت عدم تحقق فرض ایستایی، احتمال اینکه نتایج بدست آمده تنها یک رگرسیون جعلی بوده و هیچ‌گونه رابطه اقتصادی واقعی و تعادل وجود نداشته باشد، افزایش می‌یابد.

---

۱ ـ در این مقاله اصطلاح ایستا برای واژه (stationary) در مقابل ناایستایی انتخاب شده است. واژه های دیگر از قبیل ساکن و غیر ساکن، پایدار و ناپایدار ، مانا و نامانا برای این واژه بکار رفته است.

ایستایی و آزمون ریشه واحد

همان طور که عنوان گردید از روش‌های معمول اقتصاد سنجی در کارهای تجربی مبتنی بر فروض ایستایی متغیرهای مورد مطالعه می‌باشد. از طرف دیگر اکثر سری‌های زمانی اقتصاد کلان ناایستا می‌باشند. از این رو قبل از استفاده از متغیرهای سری زمانی لازم است نسبت به ایستایی و ناایستایی آن اطمینان حاصل کرد. برای اطمینان از ایستایی و ناایستایی متغیرهای سری زمانی مورد استفاده در مدل از آزمون‌های دیکی فولر تعمیم یافته و آزمون شکست ساختاری برون استفاده می‌شود . در این قسمت برای اطمینان از ایستایی و یا ناایستایی متغیرهای مورد استفاده در مدل مورد نظر، کلیه متغیرهای استفاده شده بر اساس آزمون دیکی – فولر تعمیم یافته مورد بررسی قرار می‌گیرد. آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته به صورت‌های مختلف و ممکن و بر اساس معنی دار بودن هر یک از عوامل جبری (مقادیر ثابت و روند) و معنی دار بودن متغیرهای وابسته با وقفه داده برای کلیه متغیرهای موجود در مدل آزمون گردید. جدول ۱ نشان دهنده نتایج آزمون دیکی فولر تعمیم یافته برای متغیرهای مورد نظر می‌باشد.

جدول (۱) آزمون دیکی فولر تعمیم یافته برای سطح متغیرهای مورد نظر

متغیر	آماره ADF	مقدار بحرانی در سطح ۱٪	مقدار بحرانی در سطح ۵٪	مقدار بحرانی در سطح ۱۰٪
LOGX	۰/۹۸۴۲	۳/۵۶۵	۲/۹۱۹	۲/۵۹۷
LOGR	۲/۰۷۳	۳/۵۶	۲/۹۲	۲/۵۹۸
LOGL	۱/۱۱۶	۳/۵۶۸	۲/۹۲۱	۲/۵۹۸

ماخذ : یافته‌های تحقیق

همان طور که ملاحظه می‌شود با توجه به اینکه قدر مطلق آماره دیکی ـ فولر تعمیم یافته از مقادیر بحرانی برای کلیه متغیرها کوچک‌تر می‌باشد، لذا این چنین نتیجه گیری می‌شود که کلیه متغیرهای مورد مطالعه در سطح ناپایا بوده و فرض مبنی بر وجود ریشه واحد متغیرهای مزبور در سطح بالایی از درجه اطمینان مورد نظر رد نمی‌شود .

حال در این قسمت برای تشخیص درجه هم انباشتگی متغیرهای مورد نظر آزمون دیکی ـ فولر تعمیم یافته را برای تفاضل مرتبه اول متغیرها تکرار می‌کنیم . نتایج این آزمون در جدول (۲) ارائه شده است .

جدول (۲) ـ آزمون دیکی فولر تعمیم یافته برای تفاضل مرتبه اول متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	آماره ADF	مقدار بحرانی در سطح ۱٪	مقدار بحرانی در سطح ۵٪	مقدار بحرانی در سطح ۱۰٪
LOGX	۵/۵۴۹	۳/۵۶۸	۲/۹۲۱	۲/۵۹۸
LOGR	۷/۴۰۴	۳/۵۷۱	۲/۹۲۲	۲/۵۹۹
LOGL	۶/۰۷۴	۳/۵۷۱	۲/۹۲۲	۲/۵۹۹

مأخذ : یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون دیکی ـ فولر تعمیم یافته برای تفاضل مرتبه اول متغیرها نشانگر این است که کلیه متغیرها با یک‌بار تفاضل‌گیری پایا می‌باشند. چرا که قدر مطلق آماره دیکی ـ فولر تعمیم یافته برای تفاضل مرتبه اول کلیه متغیرهای مورد نظر بزرگ‌تر از مقادیر بحرانی مربوطه در سطح یک درصد است. لذا می‌توان ادعا کرد که کلیه متغیرها انباشته از درجه یک می‌باشد .

تعیین وقفه بهینه در مدل VAR

پس از اطمینان از پایا بودن متغیرهای مورد استفاده در مدل VAR سؤالی که مطرح می‌شود تعداد وقفه‌های بهینه است که باید انتخاب شود. طبق ایده سیمز (Sims) در مدل VAR، باید به اصل صرفه جویی (Over Parameterized) تکیه کرد . برای تعیین تعداد وقفه‌های بهینه ، معیارهای مختلفی از جمله معیارهای نسبت درست نمایی، آکائیک، شوارتز بیزین و همچنین حنان کوئین وجود دارد. با توجه به مطالب گفته شده وقفه بهینه توسط معیارهای آکائیک، شوارتز بیزین و حنان کوئین تعیین می‌گردد. معمولاً SBC در تعداد وقفه‌ها صرفه جویی می‌کند و در این تحقیق تعداد وقفه های بهینه بر اساس SBC انتخاب می‌شود که وجود یک وقفه ، وقفه بهینه در این مدل می‌باشد.

جدول(۳) ـ تعیین وقفه با استفاده از سه معیار آکائیک ، شوارتز ، حنان کوئین

وقفه	آزمون نسبت درستنمایی (LR)	آکائیک (AIC)	شوارتز بیزین (SBC)	حنان کوئین (HQC)
۰	NA	۷/۲۹	۷/۴۸	۷/۳۶
۱	۴۲۷/۵۶	-۱/۸۴	*-۰/۶۷	-۱/۴۰
۲	۵۴/۳۸	-۲/۲۷	-۰/۱۲	-۱/۴۶
۳	۲۷/۷۹	-۲/۱۰۰	۱/۰۱	-۰/۹۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق

برآورد مدل هم انباشتگی یوهانسون ـ جوسیلیوس

برای برآورد مدل هم انباشتگی یوهانسون ـ وسیلیوس ابتدا باید فرضیه بهینه متغیرهای مورد نظر ارائه شود. که برای تعیین وقفه بهینه مدل مربوط ابتدا باید مدل خود همبستگی برداری را برآورد نموده و وقفه بهینه آن مدل را به عنوان وقفه بهینه مدل یوهانسون یوسیلیوس انتخاب کرد . برآورد مدل خود همبستگی برداری برای متغیرهای مورد نظر نشانگر این است که وقفه بهینه برای این مدل یک می‌باشد. نتایج حاصل از برآورد الگوی خود همبستگی برداری در ادامه مقاله ارائه شده است. بعد از تعیین وقفه بهینه باید مدل یوهانسون ـ یوسیلیوس را برای برآورد رابطه بلندمدت بکارگرفت . همان طورکه اشاره گردید برای انجام هم انباشتگی یوهانسون ـ یوسیلیوس از آزمون‌های اثر و حداکثر مقدار ویژه استفاده می‌شود. پس از تشخیص تعداد بردارهای هم انباشتگی با استفاده از آزمون‌های مذکور بردارهای معمولی و نرمال استخراج می‌شوند و معنی دار بودن ضرایب مورد بررسی قرار می‌گیرد .
نتایج حاصل از برآورد آزمون یوهانسون ـ یوسیلیوس در جدول ۳ ارائه شده است.

آزمون اثر

جدول (۴) ـ آزمون اثر

سطح بحرانی ۹۵٪	آماره آزمون	فرضیه مقابل	فرضیه صفر
۶۰/۰۶	۷۸/۷۱	R>0	R=0*
۴۰/۱۷	۵۲/۷۰	R>1	R=1*
۲۴/۲۷	۲۷/۸۵	R>2	R=2*
۱۲/۳۲	۸/۱۱	R>3	R=3

مأخذ : یافته‌های تحقیق

آزمون حداکثر مقدار ویژه

جدول(۵) ـ آزمون حداکثر مقدار ویژه

سطح بحرانی ۹۵٪	آماره آزمون	فرضیه مقابل	فرضیه صفر
۳۰/۴۳	۲۶/۰۰۷	R>0	R=0*
۲۴/۱۵	۲۴/۸۴	R>1	R=1*
۱۷/۷۹	۱۹/۷۴	R>2	R=2*
۱۱/۲۲	۶/۵۹	R>3	R=3

مأخذ : یافته‌های تحقیق

بر اساس مقادیر جداول (٤) و (٥)، وجود دو رابطه تعادلی بلند مدت تایید می‌شود و اطلاعات مفیدی در خصوص ارتباط بلند مدت میان حجم نقدینگی، صادرات غیر نفتی، نرخ ارز جنگ و انقلاب ارائه می‌کند. رابطه اول سازگاری بیشتری با تئوری‌های اقتصادی دارد. این بردار در واقع نتیجه نهایی آزمون هم انباشتگی می‌باشد که در آن تمام متغیرهای مستقل به سمت راست منتقل شده‌اند .

$$LogX_t = 0.4426\,LogR_t + 0.5364\,LogL + 2.72\,DumE - 1.80\,DumW$$

ضریب متغیر نرخ ارز به صادرات غیر نفتی ($LogR_t$) نشان‌دهنده این نکته است که در بلند مدت با تأثیر این نسبت به اندازه یک واحد ، میزان صادرات غیر نفتی به اندازه ۰/٤٤ درصد افزایش می‌یابد . در حالی که ضریب متغیر حجم نقدینگی به صادرات غیر نفتی ($LogL_t$) نشان‌دهنده این نکته است که در بلند مدت با تغییرات این نسبت به اندازه یک واحد ، میزان صادرات غیر نفتی به اندازه ۰/۵۳ درصد افزایش می‌یابد که در بلند مدت رابطه مثبت‌تر و معنی داری را نشان می‌دهد. همچنین ضریب متغیر مجازی انقلاب که با DumE نشان داده شده است یک رابطه بلند مدت مثبت و معنی داری را ایجاد کرده است و ضریب متغیر مجازی جنگ که با DumW نشان داده شده است یک رابطه بلند مدت منفی و معنی‌داری را ایجاد کرده است .

با توجه به جدول (٥) که بر اساس آن هر دو آماره اثر و حداکثر مقدار ویژه وجود حداقل یک رابطه بلند مدت بین متغیرهای تابع صادرات غیر نفتی را تایید می‌کند. لازم است تا این رابطه تحت الگوی تصحیح خطای برداری برآورد شود. برای برآورد الگوی تصحیح خطای برداری اولین مرحله تعیین وقفه مناسب برای تفاضل متغیرها در الگو است. اما از آنجا که تعداد وقفه‌های الگوی VECMدر تفاضل متغیرها با تعداد وقفه‌های سطح متغیرها در الگوی VAR مرتبط است با آگاهی از تعداد وقفه در این الگو تعداد وقفه تفاضل متغیرها نیز در الگوی VECM شناسایی می‌شود. از آنجا که وقفه بهینه الگوی VAR یک انتخاب شده بنابراین وقفه تفاضل متغیر در الگوی VECM یک خواهد بود. در واقع الگوی تصحیح خطای برداری مربوط به ارزش افزوده بخش کشاورزی با وجود یک رابطه بلند مدت، برآورد شد که در رابطه زیر مشاهده می‌شود :

$$\Delta V_t = \beta_0 (V_{t-1} - \beta_1 LogR_{t-1} - \beta_2 LogL_{t-1} - \beta_3 DumE - \beta_4 DumW)$$

جدول (۶) ـ نتایج برآورد رابطه بلند مدت الگوی VECM مربوط به صادرات غیر نفتی

ضریب	شرح متغیر	ضریب	آماره t
β_1	نرخ ارز	۰/۳۲۸۹	٦/٦۹
β_2	حجم نقدینگی	۰/۷٤٤۰	۱۸/۰۵
β_3	انقلاب	۱/۷۵	۹/۷۳
β_4	جنگ	-۱/۸۷	۱٦/۹۹
β_0	ضریب تعدیل	-۰/۲۵۸۳	۳/۰٦

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول (٦) نشان می‌دهد که در بلند مدت نرخ ارز رابطه مثبت با میزان صادرات غیر نفتی داشته و با افزایش یک درصدی آن میزان صادرات غیر نفتی ۰/۳۲۸۹ درصد افزایش می‌یابد. ضریب حجم نقدینگی مثبت و برابر ۰/۷٤٤۰ است. ضریب متغیر انقلاب نیز اثر مثبت و کاملاً معناداری بر میزان صادرات غیر نفتی دارد. ضریب مربوط به متغیر جنگ نشان دهنده اثر منفی این متغیر بر میزان صادرات غیر نفتی در طول زمان است. ضریب تصحیح خطا در این الگو برابر ۰/۲۵۸۳- است. علامت این ضریب تایید کننده وجود رابطه بلند مدت بین متغیرهای الگو است. همچنین مقدار آن نشان می‌دهد که ۰/۲۵۸۳- عدم تعادل از رابطه بلند مدت در یک دوره تعدیل می‌شود .

نتایج حاصل از تجزیه واریانس تعمیم یافته

جدول شماره (۷) ، تفکیک خطای پیش‌بینی شده صادرات غیر نفتی برای ۱۰ دوره را نشان می‌دهد از آنجایی که تجزیه واریانس متعامد به ترتیب قرار گرفتن متغیرها حساس است از تجزیه واریانس تعمیم یافته استفاده می‌شود. منتهی در این روش سهم تکانه‌های مختلف در توضیح خطای پیش‌بینی یک متغیر، برابر واحد نیست .

نتایج حاصل از تجزیه واریانس به سه دوره، دوره کوتاه مدت (سال اول)، دوره میان مدت (سال دوم تا پنجم) و بلند مدت (سال ششم به بعد) تقسیم شده است. نتایج حاصل از تجزیه واریانس نشان می‌دهد که در کوتاه مدت، نوسانات هر متغیر عمدتاً توسط تکانه‌های مربوط به خود ان متغیر توضیح داده می‌شود. اما در افق‌های زمانی دورتر، سهم سایر متغیرهای مدل در پیش‌بینی رفتار یک متغیر با توجه به اهمیت آن در افزایش می‌یابد. یعنی درکوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت ارزش صادرات غیر نفتی بیشترین قدرت توضیح دهندگی از نوسانات صادرات غیرنفتی را دارا می‌باشد. بعد از صادرات غیر نفتی نقش نرخ ارز در توضیح خطای پیش بینی برجسته‌تر می‌شود .

جدول (۷) ـ تجزیه واریانس تعمیم صادرات غیر نفتی

دوره	SE	صادرات غیرنفتی	نرخ ارز	نقدینگی	جنگ	انقلاب
۱	۰/۲۲۷۸	۱۰۰	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۰۰۰
۲	۰/۳۰۷۶	۹۷/۲۹	۰/۶۵۱۱	۰/۳۰۵۵	۱/۷۴۷۱	۰/۰۰۴۷
۳	۰/۳۷۳۸	۹۳/۳۶	۲/۲۴۷۱	۰/۵۹۹۶	۳/۵۴۰۲	۰/۲۵۰۵
۴	۰/۴۳۵۷	۸۹/۳۹	۴/۱۴۷۲	۰/۸۰۵۵	۴/۷۸۷۴	۰/۸۶۳۵
۵	۰/۴۹۴۷	۸۵/۹۱	۵/۸۶۲۱	۰/۹۴۶۰	۵/۵۶۷۳	۱/۷۰۹۶
۶	۰/۵۵۱۲	۸۳/۰۴	۷/۲۲۲۰	۱/۰۴۷۶	۶/۰۴۸۴	۲/۶۴۰۹
۷	۰/۶۰۵۰	۸۰/۷۲	۸/۲۳۱۷	۱/۱۲۶۳	۶/۳۵۳۷	۳/۵۶۷۷
۸	۰/۶۵۶۶	۷۸/۸۵	۸/۹۵۴۷	۱/۱۸۹۹	۶/۵۵۶۲	۴/۴۴۷۱
۹	۰/۷۰۶۱	۷۷/۳۳	۹/۴۶۰۴	۱/۲۴۱۹	۶/۶۹۷۳	۵/۲۶۲۹
۱۰	۰/۷۵۳۹	۷۶/۰۹	۹/۸۰۷۳	۱/۲۸۳۸	۶/۸۰۰۱	۶/۰۱۱۱

ماخذ : یافته‌های تحقیق

جدول (۸) ـ تجزیه واریانس تعمیم یافته نرخ ارز

دوره	SE	صادرات غیرنفتی	نرخ ارز	نقدینگی	جنگ	انقلاب
۱	۰/۴۵۷۶	۱/۱۷۴۰	۹۸/۸۲۵۹	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۰۰۰	۰٫۰۰۰۰
۲	۰/۵۴۵۳	۰/۹۰۸۸	۹۸/۰۷۲۹	۰/۳۵۸۳	۰/۰۷۷۰	۰/۵۸۲۸
۳	۰/۵۸۳۷	۱/۸۴۳۱	۹۵/۱۸۴۲	۰/۲۳۷۷	۰/۲۱۳۰	۱/۵۲۱۸
۴	۰/۶۰۷۷	۳/۸۰۳۶	۹۰/۸۶۶۶	۲/۵۵۶۲	۰/۳۷۴۴	۲/۳۹۸۹
۵	۰/۶۲۷۶	۶/۳۶۶۳	۸۵/۹۷۶۲	۴/۱۳۶۲	۰/۵۳۵۷	۲/۹۸۵۴
۶	۰/۶۴۶۳	۹/۱۰۱۹	۸۱/۱۶۷۵	۵/۷۹۶۴	۰/۶۸۱۳	۳/۲۵۲۷
۷	۰/۶۶۴۴	۱۱/۷۰۱۰	۷۶/۸۱۱۵	۷/۴۰۱۴	۰/۸۰۳۶	۳/۲۸۲۲
۸	۰/۶۸۱۸	۱۳/۹۸۹۷	۷۳/۰۵۸۲	۸/۸۷۰۰	۰/۹۰۰۹	۳/۱۸۰۹
۹	۰/۶۹۸۲	۱۵/۸۹۷۳	۶۹/۹۲۵۰	۱۰/۱۶۳۷	۰/۹۷۴۵	۳/۰۳۹۲
۱۰	۰/۷۱۳۳	۱۷/۴۱۸۴	۶۷/۳۶۳۶	۱۱/۲۷۲۹	۰/۰۲۷۳	۲/۹۱۷۵

ماخذ : یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول (۸) نتایج حاصل از تجزیه واریانس نرخ ارز نشان می‌دهد که در کوتاه مدت ، میان مدت و بلند مدت نرخ ارز بیشترین قدرت توضیح دهندگی از نوسانات این متغیر را دارا می‌باشد . بعد از نرخ ارز ، صادرات غیر نفتی بیشترین خطای پیش‌بینی نرخ ارز را توضیح می‌دهد .

جدول (۹) ـ تجزیه واریانس تعمیم یافته حجم نقدینگی

دوره	SE	صادرات غیرنفتی	نرخ ارز	نقدینگی	جنگ	انقلاب
۱	۰/۱۰۹۶	۰/۱۸۳۰	۱/٤۲۲٥	۹۸/۳۹٤۳	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
۲	۰/۱٥٦۸	۰/۰۹۲٦	۱/۲۱٥۹	۹٦/٦٦۷۹	۰/٤۱٥۱	۱/٦۰۸٤
۳	۰/۱۹٤۸	۰/۲۲۷٤	۱/۰۱۳۸	۹۲/۸٤۱٦	۰/۹۲۰۷	٤/۹۹٦۲
٤	۰/۲۲۸۹	۰/۸۳۳٦	۰/۸٤۷۷	۸۷/٥۹۰۲	۱/٤۰۱٤	۹/۳۲٦۹
٥	۰/۲٦۱۱	۱/۹۷۸۱	۰/۷۱۱۹	۸۱/٥۹۰۲	۱/۸٤٤۷	۱۳/۸۷٤۹
٦	۰/۲۹۲۳	۳/٦۳۸۷	۰/٥۹٦۹	۷٥/۳۳٥۰	۲/۲٥۷۹	۱۸/۱۷۱۲
۷	۰/۳۲۲۹	٥/۷٥٥۳	۰/٤۹۸۰	٦۹/۱۳٤۷	۲/٦٤۸۸	۲۱/۹٦۳۰
۸	۰/۳٥۳٤	۸/۲٥۱٥	۰/٤۱٦۲	٦۳/۱٦۹۷	۳/۰۲۱٤	۲٥/۱٤۰۹
۹	۰/۳۸۳۸	۱۱/۰٤۳۹	۰/۳٥٦۹	٥۷/٥۳۹۹	۳/۳۷۷۰	۲۷/٦۸۲۰
۱۰	۰/٤۱٤٤	۱٤/۰٤۷٥	۰/۳۲۷۷	٥۲/۲۹۷٤	۳/۷۱٤۸	۲۹/٦۱۲٥

ماخذ : یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول (۹) نتایج حاصل از تجزیه واریانس حجم نقدینگی نشان می‌دهد که در کوتاه مدت ، میان مدت و بلند مدت حجم نقدینگی بیشترین قدرت توضیح دهندگی از نوسانات این متغیر را دارا می‌باشد. بعد از نقدینگی، وقوع انقلاب بیشترین خطای پیش‌بینی نقدینگی را توضیح می‌دهد .

نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات

با توجه به مباحث مقاله و نتایج آن می‌توان به این نکات اشاره کرد :

۱ . برآورد الگوی صادرات غیر نفتی در دوره ۱۳۹۰ ـ ۱۳۳۸ نشان می‌دهد که متغیرهای نرخ ارز و حجم نقدینگی مهم‌ترین عوامل تعیین کننده صادرات غیر نفتی می‌باشد . این نتایج نشان

می‌دهد که تأثیر این دو متغیر بر صادرات غیـر نفتـی ، مثبـت و تـأثیر معنـی داری بـر روی آن است .

۲ . در دوره مورد بررسی رابطه مثبتی بین صادرات غیر نفتی و نرخ ارز وجود داشته است. ایـن بدین معنی‌است که افزایش نرخ ارز(کاهش ارزش‌پولی ملی) منجربه افزایش‌صادرات غیرنفتی شده است.

۳ . صادرات غیر نفتی تغییرات هم سویی با تغییرات حجم نقدینگی کشور دارد، بدین معنـی کـه رشد اقتصادی در هر دوره می‌تواند با افزایش توانمندی‌ها و امکانات اقتصادی کشور ، زمینـه افزایش صادرات غیر نفتی را فراهم نماید .

٤ . اگر چه سیاست‌های ارزی می‌تواند بر صادرات غیر نفتی موثر واقع شود، ولی این اثر، تعیـین کننده و در خور اهمیت صادرات غیر نفتی نمی‌باشد. تغییر نرخ ارز به خـودی خـود شـانس موفقیت در برقراری تعادل در بخش خارجی اقتصاد و توسعه صادرات غیر نفتی را ندارد لذا ضروری است که ضمن استفاده از سیاست‌هـای ارزی جهـت حمایـت و تشـویق صـادرات غیر نفتی ، دیگر سیاست‌های کلان اقتصادی کشور نیز مورد توجه قرار گیرد .

۵ . ایجاد شرایط مناسب و ثبات اقتصادی موجب کاهش ریسک، تشویق سـرمایه گـذاری و در نتیجه افزایش تولیدات و صادرات می‌گردد .

٦ . با توجه به ویژگی‌های بارز کشور باید محور صادرات به خصوص ارکان سیاست‌ها در حوزه بنگاه داری تقویت شود در آن صورت ضمن افزایش سرمایه، زمینه تقویت فرهنگی در کشور ترویج می‌شود و بر این اساس است که می‌توان نگرش‌ها و تحلیل‌هـا را بـه سـمت اهـداف ١٤١٤ رساند.

۷ . نظام اطلاع رسانی موجود میان دولت و صاحب‌نظران و صادر کنندگان باید تقویت شود تا بر پایه اعتماد ، قانونمندی و همکاری راه توسعه پایدار هموارتر گردد .

۸ . تأمین نقدینگی ، ایجاد امکانات، ثبات در سیاست‌های اقتصادی، تثبیـت مقـررات صـادراتی اختصاص ارز حاصل از صادرات به صادر کنندگان، جلوگیری از قاچـاق کالاهـا و کـاهش بوروکراسی اداری تا حد زیادی می‌تواند مشکل گشای بخـش صـادرات در جهـت افـزایش صادرات غیر نفتی باشد .

۹ . با توجه به مطالب گفته شده تحقق اهداف تعیین شده برای صادرات غیر نفتی در برنامه پنجم توسعه و همچنین تحقق اهداف بلندمدت چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در بخش صادرات غیر نفتی در سال ١٤٠٤ با تلاش و کوشش و همت همه دست‌اندرکاران این بخش می‌تواند میسر شود .

منابع و مآخذ

۱. عبدا... میلانی ، مهنوش، همکاران (۱۳۷۵) ـ « بررسی رابطه نرخ ارز بـا برخـی متغیرهـای کلان اقتصادی در ایران » ـ مجله برنامه و بودجه ـ سال اول ـ شماره ۱۰ .

۲. فتحی ، یحیی (۱۳۷۷) ـ « بررسی کشش پذیری صادرات غیر نفتی نسبت به تغییرات نـرخ ارز » ـ پژوهشنامه بازرگانی ـ شماره ۸ .

۳. ولد خانی ، عباس (۱۳۷٦) ـ « عوامل تعیین کننده صادرات غیر نفتی در ایران با اسـتفاده از روش‌های همگرایی انگل ـ گرنجر و یوهانسن (۱۳۷٤ ـ ۱۳۳۸) » ـ مجله برنامه و بودجـه سال دوم ـ شماره ۲۲ و ۲۳ .

٤. بی ریا، سهیلا و جبل عاملی، فرخنده (۱۳۸۵) ـ « عوامل موثر بر صادرات پسته ، زعفران خرما در سبد کالاهای صادرات غیر نفتی ایران » ـ اقتصاد کشاورزی و توسعه ـ شماره ٥٤ ، ۱۰ ، ۸۵ .

٥. ابریشمی، ح. (۱۳۸۱) ـ « اقتصاد سنجی کاربردی (رویکردهای نوین) » ـ انتشارات دانشگاه تهران ـ ص ۳٤۸ .

٦. ابریشمی، ح. و مهر آرا، م. (۱۳۸۹) ـ « اقتصاد سنجی کاربردی » ـ موسسه انتشارات دانشگاه تهران ـ چاپ دوم ـ ص ۱۲۵ ، ۱۲۳ .

۷. مهرابی بشرآبادی، ح. (۱۳۷۹) ـ « تاثیر سیاست‌های ارزی و تجاری بر بخش کشاورزی » رساله دوره دکتری ـ ص ۳۲۵ .

۸. نوفرستی، م. (۱۳۷۸) ـ « ریشه واحد و همجمعی در اقتصاد سنجی » ـ موسسه خدمات فرهنگی رسا ـ چاپ اول ـ تهران ـ ص ۱۸۵ .

۹. فرهادی، ع. (۱۳۸۰) ـ « بررسی عوامل موثر بر صادرات غیر نفتی ایران (مطالعه موردی بخش کشاورزی) » ـ پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد ـ گروه اقتصاد کشاورزی ـ دانشکده کشاورزی ـ دانشگاه تربیت مدرس .

۱۰. شیرین بخش، ش. و خوانساری، ز. (۱۳۸۲) ـ « کاربرد Eviews در اقتصادسنجی » پژوهشکده امور اقتصادی .

11 . Bolkesjo, Torjus (2006) Short and long run exchange rate effects on forest prodct trade: Evidence from panel data; Journal of Forest Economics, 11: 205 – 221 .

12 . Wilson, p. & Tat, K. C. (2001) Exchange rates and the trade balance the case of Singapore 1970 to 1996; Journal of Asian Economics, 12 47 – 63 .

13 . Rey, Serge (2006) «Effective Exchange Rate Volatility and MENA Countries' Exports to the EU», Journal of Economic Development, Vol 31, Number 2 .

14 . Belander, D.; Gutierrez, S.; Racette, D.: Raynauld, J. (1992) The impact of exchange rate variability on trade flows: Further results on sectoral U.S.imports from Canada; Journal of Economics and Finance, 3: 61 – 82 .
15 . Tambi, E. (1999) Cointegration and error correction modelling of agriculture export supply in Cameron; Agriculture Economics, 20 57 – 67 .
16 . Wang,Kai-Li; Barret Christopher B. (2007)«A New Look at the Trade Volume EffectsofReal Exchange Rate Risk»,Forthcoming in Journal of Agricultural and Resource Economics.
17 . Johansen, S. and Juselius, K. 1990. Maximum likehood estimation and inference on cointegration with application to the demand for money. Oxford bulletin of economics and statistics, 52: 169-210.
18 . Nachane, D.M. and Ranade, B.S. 1998. Indian's trade balance in the 1980s, an economic analysis. Applied Economics, 30 : 761 – 774 .

حمایت از تولید ملی با تأکید بر نقش بهره وری عوامل تولید فناوری اطلاعات و ارتباطات و سرمایه گذاری مستقیم خارجی در جهت توسعه ی صادرات غیرنفتی ایران

محمدرضا ناهیدی [۱] ـ مهناز حسین پور [۲]

مقدمه

توسعه صادرات غیرنفتی، علاوه بر این که سبب افزایش درآمدهای ارزی و غیرنفتی و بهبود تراز پرداخت های ارزی می شود ، میتواند تاثیر زیادی بر اشتغال در کشور بگذارد . اما واقعیت این است که در ایران معمولا زمانی به رشد و توسعه صادرات غیرنفتی توجه می شود که صادرات نفتی و درآمدهای حاصل از فروش آن دچار رکود شده باشد . در این مقاطع زمانی معمولا یکسری سیاست های تشویقی و کوتاه مدت نظیر کاهش و یا حذف تعرفه های صادراتی اعطای جوایز صادراتی ، ... اجرا می شود که در کوتاه مدت موجب افزایش صادرات غیرنفتی می شود . اما باید توجه داشت که در جهت رشد و توسعه صادرات غیرنفتی در بلندمدت باید سیاست گذاریهای پایه‌ای و بنیادی صورت گیرد .

از طرف دیگر در دنیای خارج ، پدیده ای تحت عنوان جهانی شدن در حال شکل گرفتن است که با رشد تجارت، سرمایه گذاری مستقیم خارجی، رشد جریان سرمایه در سطح بین‌المللی ، رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات و ارتقا بهره وری اقتصاد کشورهای مختلف را تحت تاثیر قرار داده است .

مطالعات صورت گرفته نشان می دهد که سرمایه گذاری مستقیم خارجی از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات و بهره وری کل عوامل تولید به صورت مستقیم و غیرمستقیم می تواند بر صادرات کشور میزبان موثر باشد . در فرآوری و صادرات مواد خام، بنگاه های خارجی ممکن است به خاطر مهارت های بازاریابی، تماس های وسیع تر با بنگاه های خارجی و فن آوری بالاتر نسبت به بنگاه های داخلی، از پتانسیل بیشتری برخوردار باشند . همچنین بنگاهها در کشورهای در حال توسعه بدنبال آن هستند که صادرات شان را به بازارهای جهانی گسترش دهند. البته قرارگرفتن در شبکه های پخش جهانی و حفظ و نگهداری بازار با تغییرات سریع در سلیقه مشتریان و استانداردهای ایمنی و شکل جدید تولید بسیار مهم بوده که به مهارت هایی

---

۱ ـ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز
۲ ـ کارشناس ارشد علوم اقتصادی

نظیر طراحی ، بسته بندی ، توزیع و خدمات پس از فروش نیاز دارد . نبود چنین مهارت‌هایی ، از موانع مهم ورود به بازارهای جهانی برای صادرات کشورهای در حال توسعه است . شرکتهای چند ملیتی ممکن است با انتقال این فن آوری به صادرات کشورهای در حال توسعه برای ورود به بازارهای جهانی کمک نمایند .

علاوه براین بنگاه های خارجی می توانند به راه های مختلفی بر ساختارهای صادراتی کشور میزبان موثر باشند. برای مثال. بنگاه های داخلی ممکن است با مشاهده فعالیت صادراتی شرکت های چندملیتی و همچنین استفاده از زیرساخت هایی مانند حمل و نقل، ارتباطات و خدمات مالی که این شرکت ها برای فعالیت صادراتی تدارک دیده اند ، صادراتشان را گسترش بدهند .

با توجه به محدودیت منابع ، امکان رشد اقتصادی از طریق استفاده بیشتر از مقادیر عوامل تولید محدود است و بهبود بهره وری بهترین روش برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار است . افزون بر این ، بهبود بهره‌وری به افزایش رقابت پذیری بنگاهها و بقای آنها در بازارهای جهانی کمک می‌کند . در این ارتباط ، در ماده ۵ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مقرر شده است که در طول برنامه، سهم بهره وری کل عوامل در رشد تولید ناخالص داخلی باید حداقل به ۳۱/۳ درصد برسد، در حالی که در برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹ ـ ۱۳۸۳) متوسط رشد سالانه بهره وری کل عوامل در ایران ۰/۸ درصد بوده و سهم آن در تأمین رشد اقتصادی ۱۵/۱ درصد بوده است.۲ در این برنامه به منظور تحقق بخشیدن به هدف یاد شده، ارتقای شاخصهای آموزشی ، پژوهشی و فناوری مورد توجه قرار گرفته است . به لحاظ نظری ، دو عامل سرمایه انسانی و تحقیق و توسعه، نقش اساسی در رشد بهره وری دارند . سرمایه انسانی شامل ابعاد متفاوتی چون آموزش، تخصص و مهارت، تجربه و سلامتی است . شایان ذکر است . فناوری از دو منبع داخلی و خارجی ارتقا می یابد . منبع داخلی ارتقای فناوری هزینه‌های تحقیق و توسعه‌ای است که بنگاهها صرف تحقیقات می‌کنند و از طریق آن سطح فناوری را ارتقا می‌دهند . منبع خارجی به اثرات سرریز هزینه‌های تحقیق و توسعه از کشورهای پیشرفته به داخل کشور گفته می شود .

کشورهای پیشرفته سطح فناوری بالاتری دارند که اثراتش از طریق تجارت یا واردات کالاهای سرمایه ای یا سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI)[3] به کشور وارد می شود. FDI علاوه براینکه یک منبع تأمین سرمایه است ، می تواند منبع تکنولوژی‌های جدید ، مهارتهای

1 - Haddad & Harrison, (1993)

۲ ـ معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری ـ ۱۳۸۶

3 - Foreign Direct Investment (FDI)

مدیریتی و سازماندهی و شبکه های بازاریابی نیز باشد و مانند کانالی عمل می کند که تکنولوژی را در سطح بین المللی منتشر می سازد .

با توجه به اهمیت نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در انتقال فناوری ، روشهای مدیریتی و ارتقای بهره وری کل عوامل و مانند اینها ، در این پژوهش به بررسی نقش این عوامل در جهت توسعه ی صادرات غیر نفتی ایران پرداخته‌ایم .

به این منظور پس از بررسی ادبیات موضوع ، اشاره کوتاهی به پژوهشهای متعدد خارجی و داخلی که ارتباط بین فناوری اطلاعات و ارتباطات ، بهره وری کل عوامل تولید ، ورود سرمایه گذاری مستقیم خارجی و صادرات کشور میزبان را مورد بحث قرار داده اند ، خواهیم داشت . در ادامه ، با معرفی یک الگو برای صادرات غیرنفتی ایران ، بر اساس الگوی خود توضیح برداری (VAR) به بررسی میزان تاثیر بلندمدت و کوتاه مدت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات غیرنفتی خواهیم پرداخت . در پایان ، خلاصه و نتایج آورده شده است .

۱ـ ۱: مبانی نظری

یکی از مولفه‌های توسعه اقتصادی دستیابی به رشد اقتصادی مثبت و پایدار است و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از متغیرهای اثرگذار بر روند رشد اقتصادی پایدار است . جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند از طریق اثرات مثبتی مانند کسب دارایی ، انتقال فناوری و تکنولوژی ، گسترش اندازه بازار و فواید صادراتی ، ایجاد صنایع فرعی، معرفی فرآیندهای جدید ، تقویت توان مدیریتی، آموزش نیروی انسانی و دسترسی به بازارهای خارجی باعث تسریع در روند رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای میزبان شود .

سرمایه به عنوان موتور محرک رشد و توسعه اقتصادی ایفای نقش می‌کند و از آنجا که کشورهای در حال توسعه اغلب با کمبود سرمایه مواجه هستند. این خلاء را معمولاً با استقراض خارجی جبران می‌کنند که این روش به دلیل بحران‌های ناشی از باز پرداخت، جای خود را به روش سرمایه گذاری مستقیم خارجی داده است .

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی علاوه بر تامین مالی پروژه‌ها، اثرات مثبت اقتصادی دیگری بر شاخص‌های کلان اقتصادی دارد از جمله افزایش کیفیت کالاهای داخلی، کاهش بیکاری کاهش ریسک سرمایه‌گذاری (به سبب ایجاد تنوع در دارایی‌ها و ایجاد تنوع مکانی) ، کاهش سطح قیمت‌ها، کاهش هزینه نهایی سرمایه و افزایش هزینه‌های D&R و هم افزایش تولید و رشد اقتصادی ، آموزش و افزایش بهره وری سرمایه انسانی، افزایش صادرات و ارتقای فناوری . از آنجایی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت مجموعه‌ای از سرمایه ارزان، مدیریت کارا تکنولوژی پیشرفته، دستیابی راحت‌تر به بازارهای بین‌المللی و... تعریف می‌شود، می‌تواند بر رشد اقتصادی تاثیر مثبت داشته باشد. در واقع جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی از طریق اثرات

مثبتی مانند کسب دارایی، انتقال تکنولوژی، معرفی فرآیندهای جدید، تقویت توان مدیریتی آموزش کارکنان و دسترسی به بازارهای خارجی می‌تواند باعث افزایش تولید و رشد اقتصادی در کشورهای میزبان شود .

با ورود تکنولوژی به کشور جابه جایی نیروی کار هم اتفاق می‌افتد به این صورت که نیروی کار از خارج به شرکت‌های داخلی منتقل می‌شود و باعث افزایش بهره وری و تولید و در نتیجه رشد اقتصادی می‌شود .

افزایش سرمایه گذاری مستقیم خارجی از طرف دیگر می‌تواند باعث افزایش ذخایر ارزی به عنوان اجزا اصلی پایه پولی و در نتیجه افزایش اعتبارات به بخش خصوصی شود و به این ترتیب باعث افزایش تولید در این بخش و در نتیجه کل اقتصاد شود .

علاوه براین، افزایش سرمایه گذاری مستقیم خارجی می‌تواند منجر به صادرات بخشی از تولیدات حاصل از آن شود و به توسعه صادرات و بهبود تراز بازرگانی یک کشور کمک کرده و باعث افزایش درآمدهای ارزی و در نتیجه رشد و توسعه کشور شود .

۱ـ۲: رابطهٔ بین سرمایه گذاری مستقیم خارجی و صادرات ـ چند نظریه

۱ـ۲ـ۱: نظریهٔ بازدهی متفاوت سرمایه

در نظریهٔ مزیت نسبی ریکاردو ، تفاوت بازدهی کار ، عامل تجارت به شمار می آید . اما در نظریهٔ هکچراوهلین ، تفاوت در فراوانی و میزان عوامل تولید موجود در یک کشور ملاک عمل قرار می گیرد . در این نظریه ، دو عامل کار و سرمایه در نظر گرفته می شوند . بر اساس نظریهٔ هکچر اوهلین ، کشوری که از نظرعامل تولید سرمایه غنی است به صادرات کالاهای سرمایه بر و کشو ری که از نظر عوامل تولید کار غنی است ، به صادرات کالاهای کاربر می پردازد . حال اگر عوامل تولید بین دو کشور تحرک داشته باشند ، در این صورت ممکن است علاوه بر انتقال کالای سرمایه بر از کشور اول به کشور دوم، اصل سرمایه نیز به دلیل تفاوت در قیمت آن ، به کشور دوم م نتقل شود، به طوری که منجر به تولید کالاهای سرمایه بر در این کشور شود .

۱ـ۲ـ۲: نظریهٔ چرخهٔ تولید ورنون

ورنون (۱۹۶۰)[1] ، سرمایه‌گذاری خارجی را نتیجهٔ چرخهٔ تولید می‌داند . تولید اولیهٔ هر کالایی ابتدا در کشور ابداع کننده انجام می‌گیرد . آن گاه بعد از عرضهٔ محصولات در بازار داخلی ، به تدریج محصول به کشورهای دیگر صادر می شود و به مرور زمان با افزایش صادرات در برخی کشورها ، تولید این محصول نسبت به صادرات آن برای تولیدکننده مقرون به صرفه

1 - Vernon , R (1960)

می‌شود ، زیرا هزینه های توزیع کم تر می‌شود . در این مرحله ، کشور نوآور امکان تأ سیس یک واحد تولیدی در مکان خارجی را بررسی می کند و در صورتی که شرایط مساعد باشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام می پذیرد .

۱ـ۲ـ۳ : نظریهٔ بنگاه

با توجه به نظریهٔ چرخهٔ تولید ورنون، این سؤال مطرح می شود که اصلاً چرا شرکت های خارجی اقدام به سرمایه گذاری مستقیم خارجی می کنند ، در حالی که می توانند مجوز استفاده از تکنولوژی را به کشورهای خارجی بدهند . این سؤال از طریق نظریه بنگاه پاسخ داده می‌شود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به شرکت ها اجازه می دهد که بتوانند از مزیت‌هایی نظیر دسترسی به تکنولوژی ، مهارت های مدیریتی ، صرفه‌های ناشی از مقیاس ، توانایی در بازاریابی و ... استفاده کنند .

۱ـ۲ـ٤: نظریهٔ درونی کردن

نظریهٔ بنگاه ، در مورد این که چرا بنگاه ها از مزیت های ذکر شده در کشور خودشان استفاده نکرده و اقدام به صادرات نمی کنند ، توضیحی ارائه نمی دهد . هم چنین این نظریه قادر به بیان این که چه کشوری به عنوان مقصد سرمایه گذاری پذیرفته می شود، نیز نیست . از این رو ، نظریهٔ درونی کردن از سوی افرادی نظیر کاسن (۱۹۷۹)[1]، برنتون و وینترز (۱۹۸۷)[2] مطرح شد . براساس این نظریه ، FDI به واسطه تلاش‌های بنگاه برای جایگزین کردن مبادلات بازاری با مبادلات داخلی ، انجام می گیرد . در حقیقت ، با ایجاد یک بنگاه جدید ، برخی از هزینه‌ها نظیر وقفهٔ زمانی ، چانه زنی و عدم اطمینان ، قابل صرفه جویی است و بنابراین بنگاه FDI را به صادرات ترجیح می دهد .

۱ـ۲ـ۵: نظریهٔ ترکیبی دانینگ[3]

براساس تئوری دانینگ، برای این که بنگاه اقدام به FDI کند ، سه شرط باید تأمین شود :

۱. باید در دارایی های غیرمشهود[4] مزیت داشته باشد (مزیت مالکیتی) .
۲. استفاده از این مزیت‌ها با صرفه تر از فروش یا اعطای آن ها باشد (مزیت درونی سازی) .
۳. استفاده از این مزیت‌ها با ترکیبی از عوامل تولید در کشور میزبان برای بنگاه باصرفه تر باشد (مزیت مکانی) .

1 - Casson (1979).
2 - Brenton P. and Winters A. (1987).
3 - Dunning
4 - Intangible Asset.

برای انجام FDI ، باید هر سه مزیت مکانی ، مالکیتی و درونی سازی وجود داشته باشد و هنگامی که یک شرکت خارجی اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کند مجموع این مزیت‌ها از مجموع هزینه‌های سرمایه‌گذاری در خارج (نظیر هزینهٔ ارتباطات و اطلاعات) ، بالاتر است .

به هر حال ، در تمامی نظریه های ذکر شده ، سرمایه گذاری مستقیم خارجی به عنوان جانشین و جایگزینی برای صادرات و تجارت خارجی در نظر گرفته شده است .

۱ـ۲ـ۶: تئوری های جدید سرمایه گذاری مستقیم خارجی

امروزه بیش از گذشته این نظر میان اقتصاددانان جای باز کرده ، که FDI می تواند مانند تجارت درخدمت رشد و توسعهٔ یک کشور قرار گیرد . صرف نظر از تأثیرات مستقل FDI و تجارت بر رشد کشورها ، روابط متقابلی میان این دو وجود دارد ، که هنوز به طور کامل شناخته نشده اند .یکی از دلایل این امر ، آن است که تئوری های تجارت و FDI ، مستقل از یکدیگر شکل گرفته‌اند .

تئوری‌های جدید ، FDI تنها مزیت مکانی و مالکیتی رابرای ایجاد انگیزهٔ سرمایه گذاری کافی می دانند . این تئوری ها رفتار شرکت ها در قالب مدل های تعادل عمومی ، که سعی در توضیح چگونگی وضعیت تجاری این شرکت در صحنهٔ تجارت بین المللی دارد را، در نظر می گیرند . در چنین وضعیتی، اگر سرمایه گذاری به عنوان جایگزینی برای صادرات و تجارت باشد ، با کاهش محدودیت های تجاری که به دلیل یکپارچگی های اقتصادی به وجود می آیند کاهش می یابد . چنین حالتی برای FDI افقی[1] (که در آن شرکت‌های خارجی ، کالا یا خدمت مشخصی را به طور یکسان در بازارهای خارجی تولید می‌کنند) ، قابل مشاهده است . اما اگر FDI ، مکمل صادرات و تجارت باشد ، با ایجاد یکپارچگی اقتصادی و افزایش تجارت ، ما بین کشورهای عضو یکپارچگی ، منجر به افزایش آن نیز خواهد شد . این حالت برای FDI عمودی[2] که در آن شرکت ها مراحل مختلف فعالیت تولیدی خود را بر اساس مزیت های نسبی که ناشی از قیمت های متفاوت عوامل تولید بین کشور هاست، تقسیم می کنند، اتفاق می افتد . بنابراین ارتباط ما بین یکپارچگی های اقتصادی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی به نوع سرمایه گذاری خارجی بستگی خواهد داشت، به طوری که مطابق با ادبیات جدید ، تعامل بین آن ها زمینه ساز آثار متنوع در هم گرایی سرمایه گذاری و تجارت است .

1 - Horizontal FDI
2 - Vertical FDI

۲ ـ ۱: تحلیل روند صادرات غیر نفتی

تا پیش از تکانه‌ی نفتی سال ۵۳ ـ ۱۳۵۲ ، صادرات غیر نفتی ایران از نرخ رشد در خور قابل توجهی برخوردار بود . طی دوره‌ی ۵۲ ـ ۱۳۳۹، صادرات غیر نفتی ایران به قیمت ثابت سالیانه ۹/۱ درصد رشد داشت که اگر این رشد در سال های پس از سال ۱۳۵۲ ادامه می‌یافت امروز صادرات غیر نفتی ایران از صادرات آن فزونی می گرفت . نرخ رشد صادرات غیر نفتی ایران تا پیش از تکانه ی نفتی ، ۲/۲ واحد بیشتر از ترکیه و بیش از ۲ برابر نرخ رشد اندونزی و نزدیک به ۳ برابر نرخ رشد صادرات پاکستان بود. طی همین دوره، نرخ رشد صادرات کشورهای دور به قیمت ثابت تنها ٦/۸ درصد بوده که ۲/۳ واحد کمتر از ایران می باشد. اما این تصویر پس از تکانه ی نفتی سال ۱۳۵۳ و افزایش ٤ برابر قیمت نفت و درآمد نفتی ایران طی سال های ٥٦ ـ ۱۳۵۲ به کلی تغییر کرد و در دوره ای که حجم تجارت در جهان بطور کلی بهبود می‌یافت و نرخ رشد صادرات اغلب کشورهای جهان افزایش داشت ، صادرات غیر نفتی ایران دچار رکود گردید تا آنجا که میزان آن به قیمت ثابت در طی سال های ٦۳ ـ ۱۳٦۰ به حدود ۱/٤ سال ۱۳۵۲ تقلیل یافت و سپس در سال های ۷۰ ـ ۱۳٦۹ یعنی پس از گذشت ۱۷ یا ۱۸ سال به قبل از تکانه نفتی رسید. میزان صادرات غیر نفتی ایران در فاصله سال های ۷٤ و ۷۷ حدود ۳ میلیارد دلار بود اما از سال ۷۸ به بعد به تدرج روند صادرات غیر نفتی کشور رشد فزاینده ای به خود گرفت و در سال ۸۰ این رقم به ۳ میلیارد و ٤۲۲ میلیون دلار رسید. اما در سال ۸۲ صادرات غیر نفتی کشور از مرز ٦ میلیارد دلار گذشت. ضمن اینکه این رقم در سال ۸۲ نیز رقمی معادل ۱۰ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار را تجربه کرد و از سال ۸٤ به بعد صادرات غیر نفتی برای نخستین بار از پیش بینی برنامه ی چهارم فراتر رفت و به حدود ۱۲ میلیارد دلار رسید .

این وضعیت نشان می‌دهد که صادرات در بستر توسعه در حال خیزش بوده و سیاستهای دولت نیز تاثیر مثبت را در روند صادرات گذاشته است .

۳ ـ پیشینه تحقیق

در حیطه‌ی مطالعاتی که در رابطه با موضوع مورد نظر صورت گرفته پیشینه‌های نزدیک به صورت زیر می باشد :

۳ ـ ۱: مطالعات انجام شده در داخل

سید نورانی (۱۳۷٤) با استفاده از روش OLS و استفاده از داده های حقیقی به بررسی اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر صادر ات کشور برای دوره زمانی٥٤ ـ ۱۳٤۲ می‌پردازد .

نتایج این مطالعه نشان می دهد که سرمایه گذاری مستقیم خارجی با یک وقفه پنج ساله بر صادرات تاثیر مثبتی می گذارد .

شاه آبادی (۱۳۸۲) نشان می دهد که انباشت سرمایه تحقیق و توسعه داخلی و خارجی سرمایه انسانی ، سرمایه فیزیکی سرانه اثر قوی‌تری نسبت به باز بودن، رابطه مبادله ، ذخایر بین‌المللی بر بهره‌وری کل در ایران دارند و تأثیر نرخ تورم و نرخ ارز واقعی بر بهره وری کل منفی است .

حسینی نسب و غوچی (۱۳۸٦) در مطالعه‌ای به بررسی اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی روی رشد اقتصادی ایران برای سالهای ۱۳۸۱ ـ ۱۳۵۷ با استفاده از داده‌های سری زمانی پرداخته‌اند . با توجه به متغیرهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی ، سرمایه گذاری داخلی، سرمایه انسانی و درصد باز بودن اقتصاد یک الگوی اقتصادسنجی پایه تدوین و در الگوی دوم به ترتیب اثر توأم سرمایه گذاری مستقیم خارجی با سرمایه داخلی، سرمایه انسانی با تجارت خارجی و در الگوی سوم اثر تورم ، مالیات و مخارج دولت به عنوان شاخصهایی از ساختار اقتصادی نیز بررسی شده است . نتایج این الگو بیانگر تأثیر مثبت سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر روی رشد اقتصادی می باشد و بیانگر آن است که سرمایه انسانی اثر آن را نیز تقویت می کند و از سوی دیگر، افزایش نرخ تورم، مالیات و مخارج دولتی بر رشد اقتصادی درایران اثر منفی دارند .

رحمانی و حیاتی (۱۳۸٦) با استفاده از روش داده‌های پنل برای 69 کشور در دوره زمانی۲۰۰۳ ـ ۱۹۹۳ به این نتیجه رسیده‌اند که تنها تولید کالای فاوا باعث افزایش در رشد TFP[1] نمی‌شود . سرمایه‌گذاری ، مخارج و استفاده از کالاهای فاوا نیز باعث افزایش رشد TFP می شود . همچنین اثرهای سرریز استفاده از کالاهای فاوا با گذشت زمان افزایش می‌یابد .

عادلی و همکاران (۱۳۸۸) نقش سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر صادرات غیرنفتی با استفاده از الگوی خودتوضیح با وقفه های توزیعی(ARDL) و داده‌های سالیانه برای دوره زمانی ۸٤ ـ ۱۳٤۲ دراقتصاد ایران موردبررسی قرار گرفته است . نتایج نشان می دهد که سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر صادرات غیرنفتی در بلندمدت و کوتاه مدت تاثیر مثبت دارد . علاوه بر این افزایش نرخ ارز واقعی و کاهش شاخص جذب داخلی منجر به افزایش صادرات غیرنفتی می‌شود . نتایج برآورد مدل پویا نیز وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای توضیحی و صادرات غیرنفتی را تایید می کند .

محمودزاده (۱۳۸۸) در مطالعهای به این نتیجه رسیده که سرمایهٔ فاوا بر رشد بهره‌وری کل در ایران مؤثر بوده . هر چند اثرگذاری آن در مقایسه با سرمایه غیرفاوا کمتر است . محمودزاده (۱۳۸۹) اثرهای زیرساخت و کاربری را بر رشد بهره وری کل عوامل در کشورهای

1 - Total Factor Productivity (TFP)

در حال توسعه طی دوره ۱۹۹۵ ـ ۲۰۰۳ ارزیابی کرده و به این نتیجه رسیده که زیرساخت فاوا کاربری فاوا و عواملی از قبیل سرمایهٔ انسانی ، باز بودن اقتصاد و نرخ پس‌انداز بر رشد بهره‌وری در این کشورها مؤثر بوده است .

۳ ـ ۲ : مطالعات انجام شده در خارج

زنگ و فلمین قام (۲۰۰۱)[1] در بخش اول مطالعه خود بر پایه داده های آماری ماهیانه برای دوره ۹۹ ـ ۱۹۸٦ و با روش همگرایی بلندمدت و الگوهای تصحیح خطا (ECM) به بررسی ارتباط علّی بین ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات درکشور چین می‌پردازند . نتایج نشان می‌دهد که ارتباط سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات یک رابطه دوطرفه است . در بخش دوم مطالعه خود با استفاده از روش داده‌های پانل برای شهرها و مناطق مختلف به بررسی ارتباط متغیرهای مذکور می پردازد . نتایج نشان می‌دهد که در مناطق با جریان بالای ورود سرمایه گذاری مستقیم خارجی مناطق ساحلی و جریان پایین ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (مناطق غربی) یک رابطه علّی دو طرفه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات وجود دارد در حالی که در بقیه مناطق چنین رابطه ای برقرار نیست .

لیو و شو (۲۰۰۳)[2] تعیین کننده‌های صادرات چین را با استفاده ا ز متغیرهای ورود FDI هزینه نیروی کار و اندازه بنگاه بر اساس داده های مقطعی در سطح صنعت بررسی کردند . نتایج نشان می‌دهد که صادرات چین در سطح بخشی به طور معنی داری تحت تاثیرمتغیرهای مستقل است .

پسوا (۲۰۰۵)[3] ، در پژوهش اثر FDI برTFP را برای ۱٦ کشور عضو OECD (استرالیا، بلژیک، کانادا، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایرلند، ایتالیا، هلند، ژاپن، پرتغال، اسپانیا سوئد، انگلیس و آمریکا) در سال‌های ۲۰۰۲ ـ ۱۹۸۲ مورد بررسی قرار داده است . او متغیرهای FDI (از طریق دانش و اثرات سرریز) ، R&L (حق امتیاز و هزینه مجوز) و متغیری شامل تحصیلات ، R&D، زیرساختها ، کیفیت مدیریت و کار فرمایی و نهادهای مناسب ٤ را بر بهره وری کل عوامل مؤثر می داند . برای برآورد تأثیر هر یک از متغیرها برTFP از روش داده‌های تابلویی استفاده شده است . نتایج نشان می‌دهد که ورود FDI اثر مثبت بر بهره‌وری کل عوامل کشور میزبان دارد که ممکن است به این دلیل باشد که FDI مسیری است که تکنولوژی از طریق آن در سطح بین المللی منتشر می شود .اثر منفی R&L بر بهره وری کل عوامل که نشان دهنده رابطه عکس بین سطح پیشرفت بهر ه وری و R&L است ، کمک می کند تا کم

1 - Zhang & Felmingham, (2001)
2 - Liu, and Shu,(2003)
3 - Pessoa, (2005)

بودن حق امتیاز در کشورهای کمتر توسعه یافته را و در نتیجه کم بودن تکنولوژی تولید و صادرات آنهاتوضیح داده شود.اثرمنفی R&L به دلیل رفتار شرکتهایی است که سرمایه گذاریهای بسیار سنگین روی ماشین آلات و ابزار می‌کنند و توجه کمتری به اندیشه ها یا ایده های جدید دارند . متغیر سوم که جمعی از عوامل مؤثر بر TFP را یکجا مورد بررسی قرار داده است رابطه متقابل با سطح توسعه یافتگی کشورها دارد .

لی و همکاران (۲۰۰۵)[1] با استفاده از تابع تولید کاب داگلاس ، رابطه علیت بین تولید ناخالص داخلی و فاوا و بین جز اخلال سولو و فاو ا را برای ۲۰ کشور (توسعه یافته و در حال توسعه) با استفاده از داده های ۲۰۰۰ ـ ۱۹۸۰ بررسی کرده اند . نتایج نشان می‌دهد کشورهای در حال توسعه بر خلاف کشورهای توسعه یافته و صنعتی جدید از سرمایه‌گذاری فاوا نمی‌توانند در بهبود بهره‌وری استفاده نمایند .

جرگنسون و موتوهاشی (۲۰۰۵)[2] منابع رشد اقتصادی ژاپن و آمریکا را در دوره ۲۰۰۳ ـ ۱۹۷۵ با تأکید بر نقش فاوا بررسی کرده اند . نتایج نشان می‌دهد سهم فاوا از رشد بهره وری کل پس از ۱۹۹۵ در این کشورها افزایش یافته است .

شیو و حشمتی (۲۰۰۶)[3] برخی متغیرها از قبیل سرمایه‌گذاری فاوا را بر ۳۰ استان در چین طی دوره زمانی ۲۰۰۳ ـ ۱۹۹۳ با استفاده از داده‌های تلفیقی ارزیابی کرده‌اند . نتایج نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه گذاری اثرات مثبت و معنادار بر رشد بهره وری کل دارد . یک درصد افزایش سرمایه گذاری فاوا ، بهره وری کل را ۰/٤٦ درصد افزایش می دهد در حالی که سرمایه گذاری مستقیم خارجی ، ۰/۹۸ درصد افزایش می دهد .

هشیائو و هشیائو (۲۰۰٦)[4] با استفاده از رگرسیونهای سری زمانی و داده‌های پانل به بررسی آزمون علّیت گرنجر بین سرمایه گذاری مستقیم خارجی و صادرات در کشورهای چین کره، تایوان، هنگ کنگ، سنگاپور، مالزی، فیلیپین و تایلند برای دوره زمانی ۲۰۰٤ ـ ۱۹۸٦ می‌پردازند . آنها ابتدا با استفاده از مدل VAR برای هر کدام از کشورهای فوق رابطه علّیت را بررسی می‌کنند که رابطه علّیت برای هر کشور نتایج مختلفی را نشان می‌دهد . سپس با استفاده از یک مدل پانل دیتا برای همه کشورهای فوق و به روش های اثرات ثابت و تصادفی به برآورد یک رابطه پانل دیتا VAR برای آزمون علّیت گرنجر پرداخته است . نتایج آزمون علّیت داده‌های پانل نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت غیرمستقیم بر صادرات این کشورها موثر است .

1 - Lee et al (2005)
2 - Jorgenson & Motohashi (2005)
3 - Shiu, Heshmati, (2006)
4 - Hsiao & Hsiao, (2006)

لال (۲۰۰٤)[1] نشان می دهد که با تغییر سیاست دولت هند در دهه ۱۹۹۰ و حرکت به طرف روش‌های اقتصاد نئوکلاسیکی و گشودن بازار هند به روی شرکت های خارجی و از طرف دیگر توجه به سیاست های صادراتی موجب شده تا صنایع فناوری اطلاعات هند رشد ۵۳/۸ درصدی در زمینه صادرات نرم افزار طی دوره ۱۹۹۵-۱۹۹٤ را تجربه کرده و سهم صادرات نرم افزار از ۲/٤ درصد در سال ۱۹۹۵ ـ ۱۹۹٤ به ٤/۵ درصد در ۱۹۹۹ ـ ۱۹۹۸ برسد .

جانسون (۲۰۰٦)[2] در مقاله خود به بررسی ارتباط بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات ۸ کشور جنوب شرقی آسیا، هنگ کنگ، سنگاپور، مالزی، تایوان، اندونزی، کره، تایلند و چین با استفاده از دو روش رگرسیون های سری زمانی برای هر کدام از کشورها و داده‌های پانل برای همه کشورهای مذکور در دوره زمانی ۲۰۰۳ ـ ۱۹۸۳ می‌پردازد . نتایج مطالعه نشان می‌دهد که جریان ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر مثبتی بر صادرات کشور میزبان دارد . همچنین آزمون علّیت گرنجر نشان می دهد که یک رابطه علّی از سرمایه گذاری مستقیم خارجی به صادرات وجود دارد .

٤ ـ بررسی تجربی و ارائه مدل

در این بخش به بررسی اثرات سرمایه گذاری مستقیم خارجی ، فناوری اطلاعات و ارتباطات و بهره وری کل عوامل تولید بر صادرات غیرنفتی ایران در سالهای ۱۳۸۷ ـ ۱۳۵۰ می‌پردازیم . تجزیه و تحلیل های اقتصادسنجی با استفاده از نرم افزار Eviews به انجام رسیده است .

٤ ـ ۱: برآورد مدل ارائه شده

فرم عمومی مدل مورد استفاده به صورت زیر است :

NOIL=f (FDI,ICT,TFP,DUM1,DUM2)

مدل تخمینی ما بصورت نیمه لگاریتمی می باشد :

$$NOIL=\alpha 0+\alpha_1 LFDI+\alpha_2 LICT+\alpha_3 LTFP+\alpha_4 DUM1+\alpha_5 DUM2$$

می‌باشد که در آن :

NOIL : نشان دهنده صادرات غیر نفتی

LFDI : نشان دهنده لگاریتم سرمایه گذاری مستقیم خارجی

LICT : نشان دهنده لگاریتم سهم فناوری اطلاعات و ارتباطات در تولید ناخالص داخلی

1 - Lall (2004)
2 - Johnson , (2006)

LTFP : نشان دهنده لگاریتم بهره وری کل عوامل تولید
DUM1 : نشان دهنده متغیر مجازی افزایش درآمدهای نفتی در طی سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵٤
DUM2 : نشان دهنده متغیر مجازی سالهای جنگ

داده‌های مورد نیاز این مطالعه شامل صادرات غیر نفتی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی فناوری اطلاعات و ارتباطات و بهره وری کل عوامل تولید می باشد که از مجموعه سری‌های زمانی‌بانک مرکزی ومرکز مطالعات آماری، اقتصادی و اجتماعی کشورهای سلامی (SESRIC) طی سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۷ جمع آوری شده است .

٤ـ۲ـ تخمین مدل به روش VAR

از آنجاکه سری‌های زمانی در اقتصاد ، غالباً ناپایا هستند به کار گیری روشهای متداول اقتصادسنجی مانند روش حداقل مربعات معمولی (OLS) برای سری های زمانی ناپایا در موارد بسیاری به تفسیر نادرست نتایج منجر می شود .

از این رو در این تحقیق از تجزیه و تحلیل رگرسیونی با استفاده از الگوی خود توضیح برداری(VAR) به روش هم جمعی یوهانسن ـ جوسیلیوس برای برازش و تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است .

٤ـ۲ـ۱: آزمون پایایی متغیّرهای الگو

برای آزمون پایایی متغیرهای الگو آزمون دکی فولر تعمیم یافته (ADF) استفاده شده است .

جدول (۱) ـ آزمون ریشه واحد[1] در سطح متغیرها (آزمون دکی فولر تعمیم یافته)

متغیر	عرض از مبدا	روند زمانی	آماره ADF	ارزش بحرانی در سطح ۰/۰۱	ارزش بحرانی در سطح ۰/۰۵	ارزش بحرانی در سطح ۰/۱	نتیجه
NOIL	دارد	دارد	3.34	- 4.24	- 3.54	- 3.2	ناپایا
LFDI	ندارد	ندارد	0.28	- 2.63	- 1.95	- 1.61	ناپایا
LICT	دارد	دارد	- 2.38	- 4.22	- 3.53	- 3.2	ناپایا
LTFP	دارد	ندارد	- 1.48	- 3.64	- 2.94	- 2.61	ناپایا

منبع : یافته های تحقیق

1 - Unit root test

جدول (۲) ـ آزمون ریشه واحد با تفاضل مرتبه اول متغیرها (آزمون دکی فولر تعمیم یافته)

متغیر	عرض از مبدا	روند زمانی	آماره ADF	ارزش بحرانی در سطح ۰/۰۱	ارزش بحرانی در سطح ۰/۰۵	ارزش بحرانی در سطح ۰/۱	نتیجه
Dnoil	دارد	دارد	- 4.53	- 4.37	- 3.60	- 3.23	پایا
DLFDI	ندارد	ندارد	- 7.31	- 2.63	- 1.95	- 1.61	پایا
DLICT	دارد	دارد	- 4.76	- 3.62	- 2.94	- 2.61	پایا
DLTFP	دارد	ندارد	- 4.57	- 3.63	- 2.94	- 2.61	پایا

منبع : یافته های تحقیق

نتایج آزمون دیکی فولر تعمیم یافته بدین صورت است که تمامی متغیرها پس از یکبار تفاضل گیری و با درجه همگرایی یک ساکن می شوند .

٤ـ۲ـ۲ : انتخاب الگوی مناسب برای صادرات غیر نفتی

در زمینه ی بررسی و تعیین روابط تعادلی بلندمدت بین چند متغیّر اقتصادی سری زمانی از روش یوهانسن ـ جوسیلیوس استفاده خواهیم کرد . در این روش تعیین برآورد بردارهای هم جمعی بین متغیّرها با استفاده از ضرایب الگوی خود توضیح برداری (VAR) بین آن متغیّرها صورت می گیرد . ارتباط بین الگوی VAR و همجمعی این امکان را فراهم می کند تا به سادگی بردارهای هم جمعی را از روی ضرایب الگوی خود توضیح برداری به دست آورد . روش فوق تعداد روا بط بلندمدت را آزمون و شناسایی می کند و برآوردهای سازگاری از عوامل به دست می دهد .

به منظور برآورد تعادل بلندمدت به روش یوهانسن ـ جوسیلیوس ، ابتدا مرتبه ی جمعی بودن متغیّرها تعیین می شود . سپس ، برای تعیین تعداد وقفه‌ی بهینه از معیار آکاییک و شوارتز ـ بیزین استفاده می شود . برای تعیین تعداد بردارهای هم جمعی از آزمون اثر[1] و آزمون حداکثر مقدار ویژه[2] استفاده خواهد شد .

1 - λtrace
2 - λmax

٤ـ۲ـ۳: تعیین مرتبه ی جمعی بودن متغیّرهای الگو

خلاصه‌ی نتایج آزمون دکی فولر که در جدول (۲) آمده است، نشان می دهد که متغیّرهای الگو جمعی از مرتبه‌ی یک هستند .

٤ـ۲ـ٤: تعیین تعداد وقفه ی بهینه

تحلیل‌های هم جمعی به روش یوهانسن، مستلزم تعیین طول وقفه ی بهینه (P) در الگوی VAR است. تخمین های روابط بلند مدت به طول وقفه ی انتخاب شده برای VAR خیلی حساس هستند. وقفه ها را نباید بیش از حد بزرگ انتخاب کرد. وقفه باید به اندازه‌ای انتخاب شود که مشکل همبستگی پیاپی وجود نداشته باشد . نتایج این آزمون در جدول (۳) آمده است .

جدول (۳) ـ تعیین تعداد وقفه های بهینه در الگوی تابع صادرات غیر نفتی

تعداد وقفه	شوارتز ـ بیزین	آکاییک	نتیجه
0	19.93988	19.39569	-
1	15.86404*	14.59428*	تایید
2	16.78235	14.78701	-

منبع: یافته های تحقیق

از آنجا که معیارهای آکاییک و شوارتز ـ بیزین، حداکثر خود را به ازای طول وقفه یک دارند ، بنابراین بر اساس هر دو معیار فوق طول وقفه ی بهینه یک تعیین می شود .

٤ـ۲ـ۵: تعیین تعداد بردارهای هم جمعی

آزمون‌های ریشه واحد انجام شده بر روی متغیرها ی فوق این مسأله را تایید می کنند که تمامی آنها انباشته از مرتبه یک هستند. بدین ترتیب با تعیین مرتبه انباشتگی متغیرها، اولین قدم در بکارگیری روش جوهانسن برداشته شده است. در روش مورد استفاده، الگوی کوتاه مدت، فاقد روند زمانی بوده و تنها دارای عرض از مبدأ می باشد. این عرض از مبدأ سبب خواهد شد تا روابط بلند مدت از روند برخوردار شوند. اما فرض بر این است که عرض از مبدأ روابط بلند مدت، توسط عرض از مبدأ روابط کوتاه مدت خنثی شده اند، به گونه ای که در نهایت تنها عرض از مبدأ برای الگوی کوتاه مدت باقی مانده است .

حال بردارهای هم انباشته بین متغیرهای تابع صادرات غیر نفتی ایران به روش جوهانسن برآورد می شوند که مطابق آن نتایج آزمون های اثر و حداکثر مقادیر ویژه در جداول (٤) و (٥) ارائه شده است .

جدول (۴) ـ تعیین تعداد بردارهای همگرا براساس آزمون اثر

فرضیه صفر	فرضیه مقابل	مقدار آماره آزمون	مقدار بحرانی در سطح ۹۵٪
$r = 0$	$r \geq 1$	72.81	63.87
$r \leq 1$	$r \geq 2$	43.2	42.92
$r \leq 2$	$r \geq 3$	20.47	25.87
$r \leq 3$	$r \geq 4$	8.20	12.52

منبع: یافته های تحقیق

براساس نتایج جدول می توان وجود دو (r=2) بردار همگرا را برای آزمون اثر پذیرفت. چرا که مقدار آماره آزمون در این رابطه ۲۰/٤۷ می باشد که از مقادیر بحرانی ۲۵/۸۷ در سطح ۹۵٪ کمتر می باشد .

جدول (۵) ـ تعیین تعداد بردارهای همگرا براساس آزمون حداکثر مقادیر ویژه

فرضیه صفر	فرضیه مقابل	مقدار آماره آزمون	مقدار بحرانی در سطح ۹۵٪
$r = 0$	$r = 1$	29.61	32.12
$r \leq 1$	$r = 2$	22.73	25.82
$r \leq 2$	$r = 3$	12.28	19.39
$r \leq 3$	$r = 4$	8.20	12.52

منبع : یافته های تحقیق

مطابق نتایج جدول (۵)، وجود صفر (r=0) بردار همگرا برای آزمون حداکثر مقادیر ویژه تایید می‌شود . زیرا کمیت آماره آزمون ۲۹/٦۱ کمتر از مقدار بحرانی ۳۲/۱۲ در سطح ۹۵٪ می باشد .

٤ـ ۲ـ ۶: بردارهای همجمعی و تعیین رابطه ی بلندمدت

روابط بلند مدت برآورد شده در جدول (٦) آمده است . هر یک از روابط هم جمعی بدست آمده مبین یک رابطه تعادلی بلند مدت است . بنابراین مشکلی که وجود دارد شناسایی روابط تعادلی بلندمدتی است که از نظر اقتصادی با مفهوم هستند و این کار امکان پذیر نخواهد بود مگر آن که اطلاعات اضافی دیگری خارج از الگو در اختیار داشته باشیم . چنین مسأله‌ای تعجب آور نیست ، زیرا هم جمعی یک مفهوم کاملاً آماری بر مبنای ویژگی های منغیرهای سری زمانی است . چون هم جمعی فاقد مبانی نظری اقتصادی است، روابطی که همجمع هستند ، لزوماً دارای مفهوم اقتصادی نیستند .

جدول (۶) ـ نتایج رابطه بلند مدت بین متغیرهای مدل

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	مقدار آماره t استیودنت
NOIL	1	---------	---------
LFDI	12535.17	2358.00	9.23
LICT	47948.11	20483.5	2.34
LTFP	48949.68	23016.8	2.13
TREND	1440.442	304.501	4.73

منبع : یافته های تحقیق

بر اساس جدول (٦) تابع صادرات غیر نفتی را می توان بصورت زیر نوشت :

NOIL=12535.17 LFDI + 47948.11 LICT + 48949.68 LTFP
SE: (2358.00) (20483.5) (23016.8)

در این الگو ، صادرات غیر نفتی در ایران رابطه‌ی مستقیم و معنی‌داری با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد به گونه ای که یک ریال افزایش در سرمایه گذاری مستقیم خارجی ، به طور متوسط صادرات غیر نفتی ایران را ۱۲۵۳۵/۱۷ ریال افزایش می دهد .

همچنین صادرات غیر نفتی در ایران رابطه‌ی مستقیم و معنی داری با فناوری اطلاعات و ارتباطات دارد به گونه ای که یک ریال افزایش در فناوری اطلاعات و ارتباطات ، به طور متوسط صادرات غیر نفتی ایران را ٤٧٩٤٨/١١ ریال افزایش می دهد .

بهره‌وری کل عوامل تولید نیز با صادرات غیر نفتی ایران رابطه مستقیم و معنی داری دارد به گونه‌ای که یک ریال افزایش در بهره وری کل عوامل تولید، به طور متوسط صادرات غیر نفتی ایران را ٤٨٩٤٩/٦٨ ریال افزایش می دهد .

۵ـ نتیجه گیری

از آنجایی که صادرات غیرنفتی می تواند اثرات مختلفی بر تولید ملی یک کشور داشته باشند ، پس توجه به عوامل تأثیرگذار بر صادرات غیرنفتی اهمیت و ضرورت بیشتری دارد، لذا همانطور که در این تحقیق هم ملاحظه گردید ، اثرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و فناوری اطلاعات و ارتباطات و بهره وری کل عوامل تولید بر صادرات غیرنفتی ایران قابل توجه بود به اینصورت که براساس تصریح مدل، جهت برآورد اقتصادسنجی، که از روش خود توضیح‌برداری استفاده شد نتایج برآوردها نشان داد که صادرات غیر نفتی در ایران رابطه ی مستقیم و معنی‌داری با سرمایه گذاری مستقیم خارجی، فناوری اطلاعات و ارتباطات و بهره وری کل عوامل تولید دارد . پس می توان این طور نتیجه گرفت که می توان با جذب سرمایه گذار خارجی فناوری را در قالب «آورده غیر نقدی» و به صورت ماشینها و تجهیزات، دانش فنی را به ایران وارد کرده بهره وری عوامل تولید را بهبود بخشیده و تولید ملی را تقویت کرد .

۶ـ پیشنهادات

برای افزایش تولید ملی از روزنه صادرات غیرنفتی و با استفاده از سرمایه گذاری خارجی فناوری و ارتقا بهره وری مهمترین اقدام، ایجاد قانونی با عنوان«قانوان انتقال فناوری» است که باید در این قانون همه موارد جذب فناوری بالا، بهره گیری از آموزشهای سرمایه گذاران بهره‌گیری از خدمات تخصصی و مدیریتی همراه با سرمایه گذاری خارجی، واردات فناوری و بومی کردن آن و بهره گیری از فناوری پیشرفته برای ورود به بازارهای جهانی و بدست آوردن جایگاه ویژه در آن پرداخته شود، پیشنهاد می گردد .

منابع و مآخذ

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۷) ـ نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی .

۲. حسینی نسب ، ابراهیم و رضا، غوچی. (۱۳۸٦) ـ « تجارت خارجی و رشد بهره وری در صنایع کارخانه ایران » ـ فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ـ سال هفتم ـ شماره اول .

۳. داودی، پرویز؛ شاهمرادی، اکبر (۱۳۸۳) ـ « بازشناسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در اقتصاد ایران و ٤٦ کشورجهان درچارچوب یک الگوی تلفیقی » فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران ـ شماره ۲۰ ـ ص ۱۱٤ .

٤. رحمانی، تیمور و حیاتی، سارا (۱۳۸٦) ـ « بررسی اثرات فناوری اطلاعات و ارتباطات بررشد بهره وری کل عوامل تولید » ـ مطالعه بین کشور ـ فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی ایران ـ سال نهم ـ شماره ۳۳ ـ ص ۵۱ ـ ۲۵ .

۵. شاه‌آبادی ، ابوالفضل (۱۳۸۲) ـ « بررسی عوامل تعیین کننده بهره‌وری کل عوامل اقتصادی در ایران » ـ مجله نامه مفید ـ شماره ۳۸ ـ ص ۵۸ ، ۲۷ .

٦. عادلی، محمدحسین، نوروزی، روح الله، مطهری، محب الله (۱۳۸۸) ـ « نقش سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر صادرات غیر نفتی ایران » ـ مجلهٔ دانش و توسعه ـ سال شانزدهم شمارهٔ ۲۷ ـ تابستان ۱۳۸۸ .

۷. محمودزاده، محمود (۱۳۸۸) ـ « اثرات فناوری اطلاعات و ارتباطات بر بهره‌وری کل عوامل تولید در ایران » ـ پژوهشنامه‌ی مدیریت اجرایی ـ سال نهم ـ شماره‌ی ۲ (پیاپی۳٦) نیمه‌ی دوم ۱۳۸۸ .

۸. معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (۱۳۸٦) ـ « گزارش اقتصادی سال ۱۳۸٤ و نظارت بر عملکرد سال اول برنامه چهارم توسعه » ـ جلد اول ـ حوزه‌های فرابخشی فصل بیستم .

۹. نورانی، محمدرضا (۱۳۷٤) ـ « تجزیه و تحلیل اقتصادی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اقتصاد ایران » ـ پایان نامه دوره دکتری ـ دانشگاه تربیت مدرس .

۱۰. نوفرستی، محمد ـ « ریشه واحدو همجمعی در اقتصادسنجی » ـ تهران ـ مؤسسه خدمات فرهنگی رسا ـ ۱۳۷۸.

۱۱ . هادی ذوالنوز، بهروز (۱۳۷۹) ـ « سرمایه‌گذاری خارجی در ایران » ـ تهران ـ نشر و پژوهش فرزان روز .

12 . Brenton P. and Winters A, (1987), estimating the international trade effects of 1992: West Germany, Journal of Common Market Studies N.30, pp. 143-156.

13 . Casson, T. (1976) The Future of the Multinational Firm, Landon: Mac Millan , Zed .

14 . Haddad, M., & Harrison, A. (1993), Are There Positive Spillovers from Direct Foreign Investment? Journal of Development Economics, 42 51 - 74 .

15 . Helpman, E, (1984), A Simple Theory of Trade with Multinational Corporations, Journal of Political Economy, No92, pp 451 – 71 .

16 . Hsiao, F.S.T. & Hsiao, M.C.W. (2006), FDI, Exports, and GDP in East and Southeast Asia — Panel Data Versus Time-Series Causality Analyses, Journal of Asian Economics. No, 17 pp 1082- 1106.

17 . Johansen, S. (1988) « Statistical Analysis of Cointegration Vectors» Journal of Economic Dynamic and control, Vol 12, No 3,p 213 – 257 .

18 . Johnson, A. (2006) FDI and Exports: the Case of the High Performing East Asian Economies, Working Paper Series in Economics and Institutions of Innovation with number 57.

19 . Jorgenson, D.W. , Motohashi, K. (2005); "Information Technology and the Japanese Economy", NBER Working Paper, No. 11801.

20 . Lail, K. (2004) Information Technology and Exports: A Case Study of Indian garments manufacturing enterprises, ZEF Discussion Papers on Development Policy, Bonn.

21 . Lee, Sang-Yong Tom, R. Gholami, and T.Y., Tong (2005); "Time Series Analysis in the Assessment of ICT Impact at the Aggregate Level- Lessons and Implications for the New Economy", Information and Management, Vol. 42, pp.1009 – 1022 .

22 . Liu, X. H. and Shu, C. (2003), Determinants of Export Performance: Evidence from Chinese Industries, Economics of Planning, 36 (1), pp. 45 – 67 .

23 . Moosa, I (2002), On the Determinants of FDI: Evidence from East and Southest Asia, World Development, No.21(3) , PP 391 – 406 .

24 . Pessoa, A (2005). FDI and TFP in OECD countries: evidence from aggregate data. FEP working papers, n.188

25 . Statical, Economic and Social Research and Training Centre for Islamic countries (sesric).

26 . Shiu A and Heshmati A (2006); "Technical Change and Total Factor Productivity Growth for Chinese Provinces: a Panel Data Analysis" Ratio Working Papers 98, Ratio Institute. Stockholm.

27 . UNCTAD, (2000) World Investment Report, Geneva.

28 . UNCTAD, (2006): Information Economy Report: The Development Perspective, United Nations, New York and Geneva .
29 . Vernon, R, (1960), International Investment and International Trade in Product Cycle, The Quarterly Journal of Economics, No. 80. pp . 128 – 231 .
30 . Zhang, K. H & Song, H. (2000), Promoting exports The Role of Inward FDI in China, China Economic Review, 11, pp, 385 – 396 .
31 . Zhang, Q. & Felmingham, B. (2001),The Relationship Between Inward Direct Foreign Investment and China's Provincial Export Trade, China Economic Review , No , 12. pp , 82 – 99 .

نقش سیاستهای اقتصادی وزارت امورخارجه و کنسولگریها و رایزنیهای بازرگانی در تحقق اهداف حمایت از تولید ملی کار و سرمایه ایرانی

نغمه یزدان کریمی [1] ـ کامران صحت [2]

۱ ـ مقدمه

یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه تجارت در کشورها وجود اطلاعات بازارهای هدف و شناسایی چگونگی ورود به آنها است که نقش سفارتخانه‌ها، رایزن‌های بازرگانی و مسئولان اقتصادی آنها بسیار حائز اهمیت است؛ از این‌رو سازمان توسعه وتجارت ایران در اقدامی جدید با بازنگری در اعزام این گروه‌های تأثیرگذار و باز گرداند رایزن‌های کم کار، نویدبخش تحول جدیدی در این عرصه شده است. بی تردید ارتباطات در روابط داخلی و خارجی بقدری گسترده و وسیع شده است که عنوان عصر ارتباطات ازعناوین واسامی برای نام گذاری قرن گذشته و حاضر بکار برده می شود که جزو وظایف وزارت امور خارجه می باشد.دراین میان لزوم برقراری ارتباط و تقویت روابط و مناسبات مختلف از اولویت وجایگاه خاصی برخورداراست بطوری که یکی از شاخص های عمده ارزیابی پیشرفت و توسعه جوامع سطح مناسبات و ارتباط بین المللی آن کشور درنظر تحلیل گران و ناظران می باشد. در ادامه سعی شده است به چگونگی نقش سیاستهای اقتصادی وزارت امورخارجه و کنسولگریها و رایزنیهای بازرگانی در تحقق اهداف حمایت از تولید ملی کار و سرمایه ایرانی پرداخت شود .

۲ ـ بیان مساله

در بررسی انسجام و همبستگی درونی جوامع وکشورها نیز میزان علایق و ارتباطات در مناطق مختلف یک جامعه و متغیرهای تأثیر گذار این موضوع مانند سیستم حمل ونقل، تکنولوژی ارتباطی ، وضعیت جاده ها و زیرساختهای مرتبط با آن مانند بنادر، راهها، راه آهن، بزرگ راهها وامثال آن از عوامل مهم و تأثیر برسطوح مختلف انسجام وپیوستگی جوامع محسوب می شوند. لذا باعنایت به جایگاه روز افزون نقش ارتباطات درزندگی فردی واجتماعی و درسطوح مختلف ملی، منطقه ای و بین المللی برای کشورها تردیدی باقی نمی ماند که به میزان برخورداری هر ملتی از شاخصه های مذکور توسعه و رفاه بیشتری نصیب آن ملت خواهد شد. با توجه به اینکه از یک طرف در روابط اقتصادی خارجی کشور که عملاً توسط ارگانها وسازمان‌های مختلف دولتی

---

۱ ـ کارشناس ارشد مدیریت اجرایی ، مدیر عامل شرکت آرمان اندیشان هزاره ، عضو اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز
۲ ـ دکترای مدیریت بازرگانی

و انقلابی طرح و اجرا می‌شود ناهماهنگی‌به چشم می‌خورد واز طرف دیگر روابط مذکور متناسب با سیاست خارجی جمهوری اسلامی حرکت نمی‌کند و درنتیجه داشتن یک برداشت و تحلیل عینی ازروابط و سیاست‌های اقتصادی خارجی را دشوارمی‌سازد و اجرای سیاست خارجی کشور را که باید براساس مکتب و در برگیرنده همه جوانب باشد مواجه با اشکال می‌سازد لذا اتخاذ یک مکانیسم هماهنگ کننده ضرورت پیدا می‌کند. قبل از تاسیس سازمان توسعه تجارت ایران، امور مربوط به رایزنان بازرگانی توسط وزارت امور خارجه انجام می شد و این وزارتخانه، امور تجاری را از طریق وابستگان اقتصادی خود در سایر کشورها هماهنگ می کرد، اما بعد از تاسیس سازمان توسعه تجارت ایران، این مساله با همفکری و تعامل دو وزارتخانه بازرگانی و امور خارجه انجام شده و این دو نهاد اجرایی در کنار هم نسبت به اعزام رایزنان بازرگانی اقدام می‌کنند . صادرکنندگان و واردکنندگان ایرانی سال ها است که با کشورهایی مراوده داشته و در طی زمان سعی کرده‌اند مشکلات خود را مرتفع کنند. در مورد این کشورها وابستگان اقتصادی وزارت امور خارجه می توانند نقش رایزنان بازرگانی را ایفا کرده و ماندگاری در یک بازار را با مذاکرات با مقامات عالی رتبه آن کشور از طریق وزارت امور خارجه و هماهنگی با وزارت صنعت، بازرگانی و معدن تضمین کنند اعزام رایزنان به کشورهای مختلف نمی تواند از یک رویه واحد پیروی کند و نمی توان رایزن بازرگانی یک کشور را برای کشور دیگر مناسب تشخیص داد، بلکه لازم است فکر و ذهن رایزن بازرگانی را معطوف به یک کشور خاص کرده تا با دارا بودن فرصت کافی بتواند در خصوص کشور موردنظر مطالعه کرده و با تجار و بازرگانان پیرامون روابط تجاری با کشور موردنظر هم فکری کند. در شرایط فعلی اقتصادی داخلی و خارجی بازارسازی و یافتن بازارهای جدید جهت تولید ملی و سرمایه ایرانی رسالتی است که لازم است رایزنان بازرگانی به جدیت آن را دنبال کنند و برای نیل به این هدف، به مولفه هایی چون فرصت کافی، عدم هرج و مرج و اطلاعات نیازمندند. بنابراین رسالت وزارت صنعت، تجارت و معدن و وزارت امور خارجه در این خصوص بسیار مهم جلوه گر می کند .

۳ ـ ستاد هماهنگی روابط اقتصادی خارجی در وزارت امور خارجه

به‌منظور هماهنگ‌کردن مجموع سیاست‌هاوروابط اقتصادی خارجی کشوربا جهت‌گیری‌های سیاست خارجی و برای انسجام و همگونی میان خط‌مشی‌ها، الگوها و طرز عمل ارگانهای مختلف در روابط خارجی خود و ارشاد و راهنمایی آنها در موارد لزوم و پی‌گیری هر چه مؤثرتر اجرای مفاد یادداشت‌های تفاهم،پروتکل‌ها و موافقت‌نامه‌های همکاری‌های اقتصادی بازرگانی و صنعتی و استفاده از قدرت مجتمع و هماهنگ امتیازات اقتصادی سازمان‌های مختلف به عنوان‌اهرمی در پیشبرد اهداف عالیه جمهوری اسلامی ایران ستادی به نام ستاد هماهنگی روابط اقتصادی خارجی

در وزارت امور خارجه تشکیل می‌شود تا این‌وزارتخانه را در ایفای بهتر نقش و اجرای وظایف قانونی خود یاری دهد. تشکیل اتاق های مشترک با کشورهای دوست با هماهنگی وزارت بازرگانی و وزارت امور خارجه انجام می گیرد که جزو سیاست های مربوطه است .

٤ ـ وظایف ستاد هماهنگی روابط اقتصادی خارجی در حیطه تولید ملی

۱. تبادل نظر و ایجاد هماهنگی در روابط اقتصادی ، بازرگانی و صنعتی خارجی کشور با تولیدات داخلی
۲. تحلیل مهمترین تحولات در مجموع روابط اقتصادی خارجی کشور و ارایه پیشنهادات لازم به شورای اقتصاد
۳. هماهنگ نمودن خط مشی‌ها و سیاست‌های خارجی ارگان‌ها و سایر سازمان‌های دولتی در خصوص تولید و صادرات غیر نفتی
٤. هماهنگی کار اعزام افراد و هیأت‌هایی که مأمورینشان در رابطه با امور اقتصادی بازرگانی و صنعتی خارجی کشور بوده و پیگیری اجرای مفاد اسناد امضا شده‌در این رابطه و ارایه پیشنهادات لازم
۵. بحث و تبادل نظر نسبت به همکاری‌های اقتصادی، بازرگانی فنی و صنعتی ایران با سایر کشورهای جهان در چهارچوب کمیسیون‌های مشترک‌وزیران و اظهارنظر نسبت به چگونگی توسعه آن و ارایه پیشنهادات لازم به هیأت‌ها و سازمان‌های ایرانی
٦. بحث و تبادل نظر و هماهنگ نمودن امور مربوطه به یادداشت‌های تفاهم ، صورت جلسه مذاکرات ، پروتکل‌ها و موافقت‌نامه‌های مربوط به مجموع روابط اقتصادی خارجی ایران با سایر کشور ها درباره صادارات کالاهای ایرانی
۷. انجام وظایف محول شده از سوی شورای اقتصاد به این ستاد در مورد سیاستهای اقتصادی وزارت امورخارجه

۵ ـ انجمن دوستداران ایران و ایرانیان خارج از کشور

در دوران سازندگی ، یک نگرش جدید درجهت دعوت از ایرانیان مقیم خارج از کشور بداخل شکل گرفت که در پاره‌ای موارد نتایج ثمربخشی هم بدنبال داشت . ظرفیت مناسب کارآمدی و تخصص نیروی انسانی فعال ایرانی خارج از کشور ، جذب و جلب آنان به سوی وطن انگیزه‌ها و عواملی بوده و هستند که دولتمردان و صاحبنظران کشور را به فکر چاره‌جویی و تدبیراندیشی برای فراهم نمودن شرایط حضور مجددآنها درداخل کشور واداشت . تدابیر و اقدامات صورت گرفته دراین رابطه موجبات رفت و شدهای زیادی بین ایرانیان مقیم خارج ازکشور با داخل گردیده و درکنار آن انگیزه هـای سرمایه گذاری و جلب امکانات و سرمایه

هموطنان خارج ازکشور در اولویت کاری برنامه ریزان قرارگرفت. یکی از راههای مختلف برای جلب و جذب ایرانیان به داخل کشور ، تثبیت اوضاع سیاسی اجتماعی وبهاء دادن به مسئله سرمایه‌گذاری از طریق وضع قانون و مقررات مربوطه و سامان یافتن وضعیت دستگاه قضایی و امنیتی و اطمینان یافتن متقاضیان ورود به کشور ازثبات نسبی اوضاع در داخل بوده است که در افزایش سرمایه ملی موثر است. برای فعالیت مفیدتر دراین عرصه تشکل ها روزبروز بایستی راهکارهای جدیدتر و کارآمدتری راپیشنهاد نمایند و با تنوع بخشیدن به سطح فعالیت خود انگیزه‌های بیشتری درمخاطبان خود درجهت ایجاد رابطه و آشنایی بیشتر با جامعه ایران را فراهم سازند . شناساندن چهره درست و واقعی از زوایای مختلف درون جامعه مخصوصا مطالعه پیرامون مسایلی که مورد علاقه ایرانیان خارج نشین است به یقین درتوفیق این انجمن ها اثرگذاری بهتری خواهد داشت دراین موضوع جادارد که زمینه های سرمایه گذاری درمناطق و بخش‌های مختلف کشور شناسایی ، جمع بندی و شناسایی شوند و بمنظور رسیدن به این هدف بایستی در وهله اول نیازمندیهای استانها و مناطق مختلف از خوداین مناطق دریافت شود ، زیرا که ایرانیان مقیم خارج از کشور از اهالی مناطق و استانهای مختلف کشور بوده و علاقه به وطن و مرز و بوم در میان هر انسان ایرانی جدا از علاقه به زادگاه و پرورشگاه نمی‌باشد. شماری از جمعیت ایرانیان نیز از سال‌های گذشته در سالهای مختلف جهان اقامت گزیده‌اند. این عده از ایرانیان بنا به دلایل مختلف از قبیل تحصیل ، کار یا فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های در امور مورد علاقه خود در خارج از کشور به سر می‌برند. اغلب این افراد به ایران و هویت ایرانی خود عشق می‌ورزند و با وجود سال‌ها اقامت در سرزمینهای دیگر. ذره‌ای از عشق آنان به میهن کاسته نشده است . بازگشت افرادی از استانهای مختلف کشور ایران و با خدمت به مردم منطقه و استان خودشان گواه این مدعاست برای آگاهی از نیازمندیها ، توانمندیها و ظرفیت های موجود دراستانهای مختلف و مناطق دوردست کشوربایستی سراغ استانهاراگرفت ولیست طرحهای مورد نیاز استانها و زمینه‌های موجود سرمایه گذاری درآنها را از مراکز سازمانهای مدیریت وبرنامه ریزی استانها و مخصوصا استانداری ها جویا شد. بالاخص استانهای مختلف کشور درسالهای اخیر برای ایجاد ارتباط با کشورهای همجوار و حتی کشورهای دوردست اروپا و آسیا درصددبرقراری ارتباط و مراوده بمنظور جلب سرمایه گذاری برآمده اند . از طرف دیگر فلسفه حضور و فعالیت نمایندگیهای سیاسی و کنسولی درکشورهای دیگر شناسایی محل مأموریت و شناساندن کشورخود به دیگران به منظور تقویت ارتباطات دوجانبه و چندجانبه باملل و اقوام و کشورهای مختلف بوده و هست . انجمن دوستداران ایران با تدوین برنامه مناسب نسبت به ایجاد رابطه وکسب اطلاعات لازم بمنظور ارائه آن به مخاطبان خود و کسانیکه با اشتیاق بدنبال این معلومات و اطلاعات هستند اقدام نموده و همکاری نهادهای زیر راجلب نمایند :

۱. نمایندگیها و کنسولگریها ی مقیم خارج از کشور
۲. استانداریهای سراسر کشور
۳. سازمانهای مدیریت و برنامه ریزی درمراکز استانها
٤. تعیین و انتخاب حداقل یک نفر نماینده از استانها که علاقمند بوده و داوطلبانه با انجمن همکاری داشته باشند .
۵. انتخاب گروههای کاری و علاقمنددرقالب گروههای سه نفره و اعزام به مناطق مختلف کشور برای تحقق ارتباط با استانها، مشابه بازدیدی که عده ای از اعضای افتخاری انجمن درتابستان گذشته از استان همدان بعمل آوردند .

۶ ـ نمایندگیها و کنسولگریهای

از آنجا که نمایندگیها و کنسولگریهای کشورمان در مناطق مختلف دنیا استقرار داشته و وظیفه و مسئولیت اصلی آنها تقویت روابط سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی با ملل مختلف دنیا می‌باشد . اطلاعات ومعلومات دقیقی از کشورهای محل مأموریت خود جمع آوری نموده و این اطلاعات رابه کشورمان و سرمایه گذاران ارسال کنند. نحوه اقدام وهمکاری متقابل با این مراکز از طریق انعقاد قرارداد همکاری انجمن با بخش مرتبط وزارت امورخارجه و معرفی این انجمن از سوی وزارتخانه به سفارتخانه ها و کنسولگریهای ایران درخارج از کشور برای همکاری مستمر و مؤثر در راستای برآورده شدن اهداف انجمن و افزایش تولید ملی می تواند مفید واقع گردد .

۷ ـ استانداری ها

استانداریهای سراسر کشور از لحاظ کارکردی که در مجموعه مدیریت داخلی کشور بیشترین و موثرترین همکاری را درارتباط با معرفی و شناساندن مجموعه قابلیت ها و ظرفیت های موجود مناطق مختلف کشور می توانند داشته باشند. مناسبترین کانال برای ارتباط کیفی با سراسر کشور از طریق استانداریها امکان پذیراست استانداریها دقیق ترین اخبار از زمینه های موجود سرمایه گذاری پروژه های مهم واساسی واستعدادها و نیازهای مناطق خودشان رامطالعه نموده و در دست دارند و درصورت نیاز به فراهم آوردن شرایط جدید می توانند اقدام نمایندار طرف دیگر علاقه استانداران به جلب سرمایه گذاری داخلی و خارجی برای سرمایه گذاری و حضور در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی استان انگیزه بالایی برای همکاری استانداری‌ها با انجمن می‌تواند در این ارتباط داشته باشد . نحوه همکاری انجمن با استانداری‌ها از طریق قرارداد همکاری انجمن با وزارت کشور واز این طریق معرفی انجمن به استانداریها ی سراسر کشور یا از طریق مراجعه مستقیم انجمن به استانداران برای عقد قرارداد همکاری دوطرفه زمینه برای توسعه همکاری‌های

بعدی می‌تواند مهیا کند همچنین حضور انجمن دراستانها وارتباطی که با استانداران سراسر کشور می تواند داشته باشند زمینه های مناسبی برای جمع بندی اطلاعات خوب جهت اطلاع رسانی به هموطنان خارج از کشور و ایجاد انگیزه لازم برای حضور ایرانیان درداخل کشور می تواند باشد .

۸ ـ نقش وزارت امور خارجه و سفارت‌خانه‌های ایران

در این میان نقش وزارت امور خارجه و سفارت‌خانه‌های ایران در کشورهای دیگر بیش از سایر دستگاهها خواهد بود. بانک‌های ایرانی مستقر در کشورهای خارجی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است و این بانک‌ها می‌توانند در ارتباط گسترده ایرانیان با سفارت‌خانه‌ها نقش پررنگی داشته باشند نقشی که در حال حاضر کمرنگ به نظر می‌رسد.سفارت‌خانه‌های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای خارجی و در نهایت وزارت امور خارجه باید با برنامه‌ریزی مدون ترتیبی اتخاذ کنند که رفت و آمد ایرانیان مقیم هر کشور با سفارت خانه‌ها گسترش یابد. رفت و آمد مستمر ایرانیان مقیم خارج از کشور باعث می‌شود تا شناخت صمیمی از مسائل اقتصادی اجتماعی و فرهنگی ایران پیدا کنند چون اغلب آنها تحت تاثیر رسانه‌های پرنفوذ دنیا هستند و تصویری از مسایل اقتصادی اجتماعی ایران در ذهن آنان نقش بسته است یا واقعیت‌های جامعه ایران فاصله‌ای طولانی دارد. پررنگ شدن نقش بانک ایرانی در خارج از کشور بیشتر وظایف بانک‌های ایرانی مستقر در کشورهای خارجی به دولتی که از ایران به آن کشورها اعزام شده‌اند اختصاص یافته است. اکثر قریب به اتفاق ایرانیان مقیم کشورهای خارجی با بانک‌های ایرانی مستقر در آن کشورها مراوده دارندودر جذب سرمایه‌گذاری که منجر به افزایش تولید ملی گردد بانک ها و حمایت وزارت امود خارجه نقش بسزایی دارد . به عنوان مثال بیش از ۱۴۰۰ ایرانی در بورس دوبی سرمایه‌گذاری کرده‌اند .آمار نشان می‌دهد که ۱۰ تا ۲۰ درصد خرید و فروش املاک را ایرانیان انجام می‌دهند مطبوعات امارات با تبلیغات وسیعی سعی در تشویق ایرانیان برای سرمایه‌گذاری در این امیرنشین دارند. زیرا آنان از توان فکری و اقتصادی ایرانیان به خوبی آگاهی دارند. هم اکنون نه تنها مغزهای ایرانی در بسیاری از مراکز معتبر علمی و اقتصادی جهان مشغول فعالیت بلکه این مراکز را اداره می‌کنند و به عبارت دیگر مغزهای ایرانیان اقتصاد بسیاری از کشورها را اداره می‌کند . سود ایرانیان در فعالیت‌های تجاری جهان باعث افتخار و سربلندی کشور خواهد بود. به شرطی که این سود به داخل کشور نیز برگردد و سهم مغزهای علمی و اقتصادی در چرخه اقتصاد داخلی افزایش یابد و چرا نباید در کشور اجرا شود که موجب ایجاد اشتغال ایرانی و تولید ملی گردد !

۹ ـ رایزن بازرگانی

رایزن کسی است که در سفارت امورات مربوط به بازرگانی و تجارت را انجام میدهد که بین کشور مبدا و مقصد را بررسی می کندو با هدف انجام معامله بین دو کشور را هماهنگ کند و کلیه امور مربوطه به تجارت را انجام دهد .نقش رایزن های بازرگانی برای رسیدن به هدف تولید ملی اهمیت دارد . به عنوان مثال فرش یک کالای ایرانی و جزو صادرات غیر نفتی محسوب می شود ، حال رایزن کشور آلمان باید فرش ایرانی را درآلمان تبلیغ و معرفی کند تا آلمانیها بدانند که در دنیا فرش ایران مرغوب است و جهت کاخ ها و منازل از فرش ایرانی استفاده کنند. در دنیای جدید ، دولت‌ها اطلاعات خود را دربارهٔ کشورهای دور و نزدیک طبقه‌بندی کرده و از منابع مختلفی می‌گیرند. دستگاه دیپلماتیک و سرویس‌های اطلاعاتی فقط بخش کوچکی از اطلاعات را که به موارد سیاسی و امنیتی مربوط می‌شود فراهم می‌سازند و بخش اعظم اطلاعات را که به معیشت کلی و اقتصاد جوامع همسایه اختصاص دارد و از منابع فراوان علنی کسب می‌گردد توسط رایزن های بازرگانی تأیید می‌کنند. آنها همچنین میل خود را به توسعه روابط اقتصادی با تصویب قوانین تسهیل‌کننده و تقویت نمایندگی‌های بازرگانی برآورده می‌سازند. رایزن‌های بازرگانی تحقیقات بازاریابی را انجام میدهند ، آنها با بررسی و نیاز سنجی کالاهای صادراتی و بازارهای هدف جهت فروش کالاهای ایرانی این امر میسر می گردد که در نهایت منجر به افزایش تولید ملی و سرمایه ایرانی می باشد و نوعی فعالیت ایجادکننده ارزش است . منظور از ارزش مجموع منافع ارائه شده به طرف‌های ذی‌نفع، منهای هزینه‌های این منافع برای جامعه بازرگانی و دولت است. بنابراین خدمات دیپلماسی بازرگانی را می‌توان به عنوان زنجیره‌ای از ارزش تلقی کرد که به فعالیت‌های استراتژیک ذی‌ربط تقسیم می‌شود. این خدمات شامل دو نوع فعالیت متمایز است :

- فعالیت‌های اولیه و اصلی در رابطه با تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی، پژوهش و فناوری گردشگری و دفاع از بازرگانان
- فعالیت‌های حمایتی که منابع مورد نیاز برای فعالیت‌های اولیه را فراهم می‌کنند (شامل اطلاعات، ارتباطات، عملیات تبلیغی و ایجاد تصویر مثبت تجاری، پشتیبانی از مذاکرات تجاری، اجرای قراردادها و حل مسایل و مشکلات

فعالیت‌های اولیه یا اصلی دیپلمات‌های بازرگانی اصولا جنبه بازاریابی دارد. وقتی از یک رایزن بازرگانی باتجربه نیوزیلندی درخواست شد که شغل خود را تعریف کند، آن را هدایت رابطه میان فروشندگان و خریداران توصیف کرد. توسعه تجارت شامل وظایفی مثل مشارکت در

نمایشگاه‌های تجاری، همکاری در اعزام یا پذیرش هیات‌های تجاری، برگزاری همایش‌ها و عملیات تبلیغ و نشان تجاری ، برند ملی است .

فعالیت حمایتی اصلی دیپلماسی بازرگانی در زمینه اطلاعات است که شامل جست‌وجوی اطلاعات و رسیدگی به پرسش‌های تجاری است که بنگاه‌های کشور میهمان و میزبان مطرح می‌کنند . اطلاعات گردآوری شده از سوی دیپلمات‌های بازرگانی بیشتر شامل گزارش فرصت‌های مناقصه ، طرح‌های توسعه ، یا نیازهای مشتریان صنعتی مهم، اطلاعات مربوط به تغییرات در قوانین و مقرراتی که بر صادرکنندگان تاثیر می‌گذارد .

۱ـ۹: نقش دیپلماسی بازرگانی (رایزن بازرگانی)

دیپلماسی بازرگانی نقش مهمی در تجارت جهانی ، سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های تحقیق و توسعه دارد و یکی از عوامل توسعه تجارت بین‌المللی است که در واقع نقش رایزن بازرگانی را ایفا میکند . دیپلماسی بازرگانی معمولا به عنوان ابزار اصلی سیاست خارجی که امکان مدیریت روابط خارجی دولت را از طریق ارتباط با مقامات و جوامع خارجی و همچنین از طریق فرآیند مذاکرات و برقراری روابط فراهم می‌کند، تعریف می‌شود. دیپلماسی بازرگانی نوعی خدمات دولتی به جامعه بازرگانی است که هدف آن توسعه روابط تجاری بین‌المللی سودمند برای جامعه است. دیپلمات‌های بازرگانی اصولا فعالیت‌های اصلی خود را در کشور میزبان انجام می‌دهند و معمولا از اعضای هیات‌های دیپلماتیک یا سازمان توسعه تجارت، سازمان توسعه سرمایه‌گذاری کشور خود هستند. مجموع تعداد دیپلمات‌های بازرگانی در سراسر دنیا در حدود ۲۰۰ هزار نفر برآورد شده است. برای آشناسازی بنگاه‌های نوپا به ویژه در حوزه فناوری پیشرفتهباید با صاحبان سرمایه که مایل به سرمایه‌گذاری هستند یا با شرکای دیگر، ارتباطاتی برقرار شود. روابط عمومی برای توسعه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اهمیت استراتژیک دارد و ممکن است مستلزم تماس‌های سفیران با مدیران شرکت‌های بزرگ و حضور در همایش‌های تجاری در کشور میزبان باشد. دیپلمات‌های بازرگانی کشورهای انگلستان، برزیل، کانادا، چین و سوئیس به‌ویژه برای کمک به برقراری ارتباط در حوزه مسایل تجاری و نیز در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی فعالانه عمل می‌کنند که منجر به افزایش سرمایه ملی گردد .

۲ـ۹: اصطلاح دیپلماسی بازرگانی

اغلب برای دو نوع فعالیت نسبتا متفاوت به کار برده می‌شود:

۱. فعالیت‌های مربوط به سیاست‌گذاری تجاری (به عنوان مثال مذاکرات تجاری چندجانبه رایزنی‌های تجاری و حل و فصل اختلافات)
۲. فعالیت‌های مربوط به پشتیبانی تجاری

حمایت از بنگاه‌های کشور خود در مذاکرات با مقامات یا شرکت‌های کشور میزبان، نوع خاصی از پشتیبانی است که از سوی خدمات دیپلماسی بازرگانی عرضه می‌شود. هدف اصلی فعالیت‌های روابط‌عمومی دیپلمات بازرگانی، حفظ روابط مناسب با رهبران و مقامات تجاری و اقدامات دفاعی برای حمایت از منافع بازرگانان کشور خود در جریان دادرسی‌ها یا رایزنی‌ها در بحث‌های قانون‌گذاری می باشد. دیپلمات‌های انگلستان، استرالیا، کانادا و اتحادیه اروپا به اهمیت تاثیری که ممکن است تماس‌های سفیر برای توسعه سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی داشته باشد، به خوبی آگاه هستند. یکی از بازرگانان استرالیایی گفته است بدون تماس نزدیک سفیر با مدیران ارشد شرکت‌های عمده خارجی، سرمایه‌گذاری‌های خاص هرگز تحقق پیدا نمی‌کرد . دیپلمات‌های بازرگانی در مذاکرات برای عقد قراردادها به عنوان مشاور عمل کند، به حل مشکلات بازرگانان و مسایل موجود در روابط شرکت‌ها با دولت یاری رسانند، و در حل و فصل اختلافات مشارکت کنند تا موجب ایجاد معامله گردد .

دروزارت امورخارجه انگلستان، بین دیپلماسی سطح بالا و دیپلماسی بازرگانی ، پیوندهای بسیار نزدیکی وجود دارد و حتی تقریبا ۳۰ درصد وقت سفیر صرف رسیدگی به مسایل تجاری و سرمایه‌گذاری می‌شود .

عوامل برون‌زا که در ایفای وظایف آنها نقش دارند عبارتند از ویژگی‌های کشور میزبان مانند اندازه و پتانسیل بازار آن، شیوه تجارت و نوع هدایت آن، ویژگی‌های کشور مبدا (مثل سطح توسعه اقتصادی، تحرک مدیران، استفاده از فناوری اطلاعات و نگرش نسبت به تجارت) و ماهیت روابط دوجانبه میان کشور مبدا و کشور میزبان .

۳ ـ ۹ : ویژگی‌های کشور میزبان درراستای افزایش سرمایه

ازلحاظ دیپلماسی بازرگانی اندازه وپتانسیل بازار کشور میزبان، مهم‌ترین عامل تعیین کننده سرمایه‌گذاری است . در واقع کشورهای هدفی که بازارهای بزرگ و به سرعت در حال رشد دارند ، مثل برزیل، چین، هند، روسیه و کشورهای اروپای شرقی و مرکزی، گرایش بیشتری برای جلب فعالیت دیپلماسی بازرگانی دارند تا کشورهایی که بازار آنها کوچک است و از رشد محدودتری برخوردارند. چنین بازارهایی را در کشورهایی دارای فرهنگ ناآشنا می‌توان یافت که در آنها نفوذ در بازار شامل فرآیند تدریجی یادگیری از طریق اجرا و در عمل است .

٤ ـ ۹ : ویژگی‌های کشور مبدا درراستای افزایش سرمایه

دیپلمات‌های بازرگانی به منظور تشریح اصلاحات در سیاست‌های کشور خود برای جلب بازرگانان خارجی ، به تبلیغ نشان تجاری و برند کشور خود، فعالیت‌های جلب گردشگر و سرمایه‌گذاران احتمالی می‌پردازند . باید امکانات سفر بازرگانان و سیاستمداران کشور خود را به

کشور میزبان فراهم نمایند و برای ترغیب مشارکت بازرگانان در نمایشگاه‌های بازرگانی گوناگون شرکت در مناقصه‌ها و غیره کمک ارائه کنند. در مورد برخی از کشورهای در حال توسعه، این کمک ممکن است شامل اقدام برای دریافت روادید یا مجوزهای کار موقت در کشور موردنظر باشد.رویکرد دولت به تجارت در کشورهای گوناگون بسیار متفاوت است و بر دیپلماسی بازرگانی به شدت تاثیر می‌گذارد .

۱۰ ـ طرف‌های ذی‌نفع دیپلماسی و بازرگانی

بیشتر خدمات دیپلماسی بازرگانی بر بنگاه‌های کوچک و متوسط متمرکز است . بنگاه‌های کوچک و متوسط و هم به شرکت‌های بزرگ‌تر کمک می‌کنند، در مورد بنگاه‌های بزرگ ، بر برقراری ارتباط با دولت و شخصیت‌های بخش خصوصی کشور میزبان تاکید می‌شود . خدمات عرضه شده به بنگاه‌های کوچک و متوسط، جنبه فنی و متنوع دارد و کمتر متکی بر روابط است . روابط گسترده آنان با سازمان‌های توسعه تجارت، اهمیت نقش آنان را در ترویج تجارت برجسته‌تر می‌کند .

۱۱ ـ شیوه دیپلماسی بازرگانی

به طور کلی سه نوع دیپلمات بازرگانی وجود دارد :

۱ ـ ترویج‌کننده تجارت

در زمینه ترویج و توسعه تجارت فعالیت می‌کند، عمدتا دارای جهت‌گیری تجاری و عمل‌گرایی است که درصدد مساعدت به شرکت‌ها است. نقش اصلی این دیپلمات‌ها ارائه خدمات مشاوره‌ای موردنیاز به بنگاه‌های تجاری است.آنان به واسطه آشنایی با جامعه تجاری و مدیران آن، از دانش فنی و رویکرد کارآفرینی قابل ملاحظه‌ای برخوردارند. آنها معمولا در مرکز اقتصادی کشور میزبان مستقر هستند و باید توانایی ایجاد معامله را داشته باشند .

۲ ـ کارمند دولت

توانایی‌آنها برقراری‌ارتباط میان بازرگانان ووزارت بازرگانی است تا تشویق فعالیت تجاری

۳ ـ دیپلمات بازرگانی عمومی

ارتباط با سفیر و فعالیت‌های دیپلماسی بازرگانی را در سطح گسترده‌تری از برنامه‌های کمک خارجی و دیپلماسی ملی قرار می‌دهند .

۱۲ ـ شکاف میان مشتری و تامین‌کننده در دیپلماسی بازرگانی

میان آنچه بازرگانان به آنها نیاز دارند و آنچه دیپلماسی عرضه می‌کند شکاف قابل توجهی وجود دارد. آنچه بازرگانان از دیپلمات‌های بازرگانی می‌خواهند انجام اقدامات از نوع ترویج تجارت است. این به معنی جهت‌گیری بیشتر به سوی بازرگانان و رویکرد عمل‌گرایانه، کارکنان کارآزموده‌تر و دیدگاه کارآفرینی فعالانه‌تر در هدایت فعالیت‌های دیپلمات بازرگانی است . بازرگانان انتظار دارند که دیپلمات‌های بازرگانی در دفاع و حمایت از جامعه بازرگانان حضور فعالانه‌تری داشته و در انجام معاملات مشارکت کنند .

۱۳ ـ تاثیر بازارهای پیرامونی در صادرات غیرنفتی

فعال بودن ایران در عرصه‌های اقتصادی در سطح منطقه و جهان به معنای افزایش روابط اقتصادی و تجاری ایران با کشورهای جهان به ویژه کشورهای همسایه است که وزارت امور خارجه در این راستا نقش بسزایی دارد در میان کشورهای مشترک‌المنافع همسایه ایران، سهم کشورهای آسیای میانه بیشتر از بقیه کشورهای مشترک‌المنافع است. متنوع سازی کالاهای صادراتی و سهم بیشتر کالاهای صنعتی و فرآوری شده در این بازارها و سایر بازارهای جهانی به رشد و توسعه بیشتر صادرات غیر نفتی ایران منجر خواهد شد که باید مورد هدف برنامه‌های توسعه اقتصادی و تجاری ایران قرار گیرد که وظیفه و عملکرد کنسولگریها و رایزن های بازرگانی جهت معرفی کالاهای ایرانی به آن کشور ها اهمیت دارد.بیش از نیمی از صادرات غیر نفتی ایران به کشورهای همسایه است .

۱٤ ـ نتیجه گیری

از آنجا که عزت و اقتدار اتاقهای بازرگانی در گرو حضور هیأت نمایندگان پرتوان و رایزن های بازرگانی با دارای دانش، تجربه، مقبولیت، شجاعت، انگیزه و داشتن توان انجام فعالیتهای تیمی است، با عملکردی شفاف و روشن با حمایت وزارت امورخارجه عهد و پیمان بسته اند تا در جهت تداوم توسعه و ارتقاء صادرات غیر نفتی کشور و با همکاری اکثر تشکل ها انجمن‌ها، اتحادیه‌ها ، سندیکاها، بنگاههای اقتصادی و شرکتهای بزرگش و کوچک سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان در راستای رسیدن به هدف حمایت از تولید ملی کار و سرمایه ایرانی اقدام کنند . بر این اساس هر یک از رایزنان بازرگانی دارای شرح وظایفی هستند که می‌توان به اطلاع‌رسانی به صادرکنندگان کالاها و خدمات ایرانی و واردکنندگان بالقوه کالا و خدمات از ایران ، ارائه خدمات مشورتی درباره اقتصاد و بازرگانی ایران به متقاضیان مستقر در بازار هدف ، ارائه اطلاعات درخصوص ویژگی‌های بازار محل استقرار نمایندگی یا شعب سازمان به تجار و

صنعتگران ایرانی و سازمان‌های اقتصادی ذیربط، راهنمایی سرمایه‌گذاران خارجی که درصدد سرمایه‌گذاری در ایران هستند و بالعکس، ارسال مناقصه‌های ذی‌ربط برای صادرکنندگان یا تولیدکنندگان ایرانی، در اسرع وقت. کمک به معرفی و تبلیغ کالاها و خدمات صادراتی ایران و ارائه نظرات مشورتی در این زمینه به صادرکنندگان ایرانی، تسهیل مسافرت هیأت‌های اقتصادی یا بازرگانی عازم ایران یا هیأت‌های بازرگانی و اقتصادی که از جمهوری اسلامی ایران به کشور محل فعالیت شعبه یا نمایندگی سازمان اعزام می‌شوند و ارائه نظر مشورتی درخصوص ترکیب و ویژگی‌های آنها است. سیاست گذاری و تعیین خط مشی های کلی و نظارت عالی بر اجرای صحیح آنها در قالب قوانین و مقررات مربوطه و نحوه انتخاب رایزنان و حتی سفیران در انجام این وظایف نقش بسزایی دارند. با توجه به محدودیت‌های در نظر گرفته شده برای انتخاب رایزنان بازرگانی از سوی دستگاه‌های مربوطه و معرفی آنان به وزارت امور خارجه، انتخاب افراد کاری بسیار مشکل و زمان‌بر است و همین امر سبب طولانی شدن اعزام افراد به کشورهای هدف شده است . با رویکرد سیاستهای حمایتی وزارت امورخارجه درراستای تولید و کار و سرمایه ملی می‌تواند کمکی در جهت تأمین امنیت اقتصادی و سرمایه گذاری در کشور در جهت ایجاد فضای مناسب کسب و کار باشد. همکاری وزارت امور خارجه با اتاق‌های بازرگانی و رایزن‌های بازرگانی و کنسولگریها دراصلاح ساختارهای کشور نقش مهمی دارد افزایش توانمندیها و دانائیهای بخش خصوصی و رشد و توسعه اقتصادی را موجب می گردد که به پیوند اقصاد ملی به اقتصاد بین الملل است و تغییر و تحول فکری در بخش اقتصادی کشور را ایجاد می کند . ایجاد هماهنگی و همکاری بین بازرگانان و صاحبان صنایع و معادن و کشاورزی در اجرای قوانین مربوطه و مقررات جاری مملکتی و ارتباط با اتاق سایر کشورها و تشکیل اتاق های مشترک و کمیته های مشترک با آنها براساس سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران می تواند جزو سیاستهای وزارت امور خارجه در راستای افزایش تولید و کار ملی باشد. در نهایت کوشش در راه شناسایی بازار کالاهای صادراتی ایران در خارج از کشور و تشویق و ترغیب سرمایه گذاری داخلی در امور تولیدی بالاخص تولید کالاهای صادراتی غیر نفتی که دارای مزیت نسبی باشند از جمله سیاستهای وزارت امور خارجه و رایزن های بازرگانی می باشد .

۱۵ ـ پیشنهادات

۱ . دیدگاه نسبت به فعالیت رایزنان بازرگانی بایدتغییرکند.باید به گزارش‌های ارسالی آنان بیش از هرزمان توجه کرد و چکیده گزارشات را در اختیار فعالان بخش خصوصی قرار دهد.

۲ . جهت تسهیل فعالیت‌های تجاری شماره‌های تماس، ایمیل و دیگر مشخصات لازم رایزن‌های بازرگانی را روی سایتهای مربوطه قرارگیرد تا تجار به‌طور مستقیم با آنان در تماس باشند و

آخرین اطلاعات تجاری مورد نظر خود را از رایزنان بازرگانی دریافت کنند که ارتباط تنگاتنگ با رایزت ها تاثیر بسزایی در انجام معامله دارد که منجر به افزایش سرمایه ملی و توسعه صادرات غیر نفتی می گردد .

۳ . رایزنان بازرگانی در کشورهای هدف فعالیت دارند و آنان نقشی را در جهت توسعه مبادلات اقتصادی ایفا کنند .

٤ . افرادی را برای رایزن بازرگانی انتخاب کنند که اطلاعات اقتصادی، تجاری و صنعتی دارد و می‌توانند در جهت رشد اقتصاد کشور حرکتی را صورت دهند .

٥ . میان معاونان اقتصادی در سفارتخانه‌ها با رایزنان بازرگانی همکاری وجود داشته باشد تا تجار و فعالان بخش خصوصی بتوانند اطلاعات درست را از سفارتخانه‌ها دریافت کنند .

٦ . افزایش حجم صادرات غیرنفتی ایران با کمک رایزنان بازرگانی ایجاد گردد .

۷ . نقش رایزنان بازرگانی را در کشور بطور واضح و شفاف مشخص شود .

۸ . توازن بین اهداف و امکانات در نمایندگیهای خارج از کشور برقرار شود .

۹ . تقویت روابط نمایندگیهای تجاری و اتاق بازرگانی، تأکیدشود.

۱۰ . رایزنی‌های بازرگانی ارتباط خودرا با مجموعه اتاق از طریق معاونت بین الملل تقویت کنند.

۱۱ . مبادلات تجاری با قرارداد و تحت نظارت کامل رایزن بازرگانی صورت گیرد .

۱۲ . هر نمایندگی بازرگانی باید هماهنگی سیاسی و اقتصادی داشته باشد.

۱۳ . بیشترین ارتباط رایزنان تجاری با اتاق بازرگانی در ارتباط با هیأتهای تجاری باشد و آنها ترغیب نماید .

۱٤ . ارتقای صادرات غیر نفتی اولین وظیفه اتاق بازرگانی و رایزنان ها است .

۱٥ . اعزام هیأتهای تخصصی با برنامه ریزی و سازماندهی لازم به کشور های مورد نظر جهت صادرات غیر نفتی .

۱٦ . کسب اطلاعاتی در خصوص سرمایه گذاریها، وضعیت کشورها پس از بحران جهانی فرصتهای تجاری و اقتصادی کشورها انجام گیرد .

۱۷ . رایزن های ، کالاهای ایرانی را در کشور های مستقر معرفی کنند و مزیت آنها را بیان کنند تا سبب صادرات آن کالا ها به کشور های مقصد گردند .

۱۸ . بررسی بازارهای بالقوه و معرفی آنها به تجار و سرمایه گذاران ایرانی در سایر کشور ها توسط رایزن ها و کنسولگیری ها انجام شود .

۱۹ . راه اندازی اتاق بازرگانی ایرانیان خارج از کشور به صورت مجازی و اینترنتی جهت تسهیل ارائه خدمات به بازرگانان و تولیدکنندگان .

۲۰ . ایجاد دفاتر نمایندگی استان ها با توجه به همسایگی بودن هر استان جهت ارائه مشاوره و خدمات به سرمایه داران ، بازرگانان ، تولیدکنندگان در کشور های مقصد . به عنوان مثال استان آذربایجان شرقی که با کشور ترکیه ، اذربایجان ، گرجستان از لحاظ مسافت نزدیکتر از سایر استان های دیگر کشور است و با توجه به امکانات هر استان می تواند ارتباط نزدیک تری با آن کشور ها ایجاد کند و دارا بودن دفتر بازرگانی استان درآن کشور ها می‌تواند نقش بسزایی در توسعه صادرات و سرمایه گذاری ایفا کند و هم در تسهیل کردن و کاهش حجم کاری در امورمربوطه کمک فراوانی به وزارت امور خارجه می شود .

۲۱ . برگزاری نمایشگاههای کالاهای صادرات و خدمات و توانمندیها توسط اتاق بازرگانی ایران و با همکاری وزارت امور خارجه .

۲۲ . اطلاعات سریعتر و مستقیم تر به رایزنان بازرگانی برسد .

۲۳ . ایجاد نمایشکده دائمی از محصولات ایرانی در کشورها برقرار شود که مرتبط با نیازهای آن کشور باشد .

۲٤ . مشکلات LC و مسائل مربوط به بانک و ضمانت بانکی در کشور های مقصد توسط وزارت امورخارجه حل گردد .

۲۵ . ارائه بانک اطلاعاتی صادراتی و تولیدی و حل اختلافات تجاری ، توسط کنسولگیری هاو رایزن های تجاری ارائه گردد .

۲٦ . شورای مشترک ایران و سایر کشور ها و ایجاد پیوند دوستی و مودت در جهت توسعه صادرات غیر نفتی و افزایش تولید ملی که موجب افزایش رفاه و اشتغال در کشور می گردد تشکیل شود .

۲۷ . تسهیل قوانین وارداتی مواد اولیه برای تولیدکنندگان کشور موجب افزایش تولید ملی و سرمایه ایرانی می گردد .

۲۸ . خط هوایی و حمل و نقل از مراکز استان های کشورما به مراکز استان های کشور مقصد میسر گردد تا تولید کنندگان و سرمایه گذاران به راحتی بتوانند رفت و آمد کنند .

۲۹ . امکانات لازم در دفتر رایزنان بازرگانی را تقویت کنند تا بتوانند وظایف تعریف شده به درستی انجام دهند .

۳۰ . تقویت نیروی پرسنلی مجرب و آشناکردن و آموزش آنان در کنسولگریها و رایزن های مربوطه موجب آگاهی و آشنا شدن آنان با قوانین تجاری می گردد که در ارائه دادن مشاور و اطلاعات صحیح کمک می کند .

۳۱ . ایجادواحدی مستقل بنام تجارت وبازرگانی در کنسولگری‌های مستقر در خارج از کشورها موجب ارتباط وسیعتر می گردد .

۳۲ . ایجادارتباطات قوی با سرمایه‌گذاران داخلی وخارجی و تولیدکنندگان همگی در شکل‌گیری افزایش تولید ملی ، کار و سرمایه ایرانی دخیل هستند .
۳۳ . بازدیدهای دوره ای از فعالیتها و توانمندی های اعضاء و بنگاه های اقتصادی .
۳٤ . برگزاری جلسات سالانه به منظور ارائه گزارش به اعضاء اتاقهای بازرگانی در خصوص عملکرد سالانه .
۳۵ . افزایش تعامل دو جانبه اعضاء اتاق از طریق مجله ماهانه اتاق و ارتباطات الکترونیکی .
۳٦ . افزایش توان رقابتی اعضا از طریق توسعه منابع انسانی با انجام آموزش‌های تخصصی به ویژه در بخش بازاریابی .
۳۷ . اعزام‌کارشناسان‌ونیروهای‌ماهربه‌خارج‌ازکشورجهت‌گذراندن‌دوره‌های کوتاه مدت تخصصی .
۳۸ . افزایش توان چانه‌زنی اعضاء در مذاکرات و مراودات ملی و بین‌المللی از طریق تهیه و ارائه لوایح قانونی وپیشنهادهای مورد نیاز به مراجع ذیصلاح (ایفای نقش مؤثردرتصمیم سازیها .
۳۹ . ایجادوجذب منابع ارزان قیمت برای اعضاءکه بتوانند به راحتی در حرفه خود فعالیت کنند .
٤۰ . کاهش هزینه های معاملات و مبادلات تجاری با ایجاد ارتباطات توسط وزارت امور خارجه با سایر کشورها .
٤۱ . شناخت رقبای خارجی توسط کنسولگریها و رایزنیهای بازرگانی .
٤۲ . ایجاد توازن تجاری میان واردات و صادرات غیر نفتی از جمله مهترین سیاستهای حمایت وزارت امور خارجه می باشد .
٤۳ . ایجاد پایگاه تحقیقاتی در داخل کشور و خارج از کشور توسط وزارت امورخارجه با هدف افزایش تولید ملی و صادرات غیر نفتی .
٤٤ . شناخت و معرفی مزیتهای نسبی هر استان می تواند کمک بسزایی در افزایش کار و سرمایه ایرانی کند .
٤۵ . شناسایی‌بازارهای هدف ومعرفی به اعضاتوسط اتاق‌بازرگانی باهمکاری رایزن‌های بازرگانی.
٤٦ . جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی به منظور سرمایه گذاری های اقتصادی از طریق کاهش هزینه های نقل و انتقال سرمایه، که موجب افزایش سرمایه ملی گردد .
٤۷ . شناسایی و بررسی پروژه های ملی و استانی به منظور کشف فرصتهای سرمایه گذاری و بهره گیری از آنها .
٤۸ . تلاش در جهت تأمین امنیت اقتصادی و سرمایه گذاری توسط وزارت امور خارجه .
٤۹ . همکاری ومراودات دوجانبه با سایر رایزن های بازرگانی و کنسولگریها (داخلی و خارجی).
۵۰ . ایجاد دفاتر و انجن های دوستی کشور هایی که کالاهای ایرانی در بازار آنان جایگاه ویژه‌ای دارند در مراکز استانهای کشور ما .

منابع و مآخذ

۱. « هیأت وزیران، توسعه بازرگانی خارجی و نقش رایزنان بازرگانی (هماهنگی روابط خارجی اقتصادی وزارت امور خارجه و امور بین‌المللی ، سازمانهای دولتی ، واردات و صادرات و وزارت امور خارجه) » ـ ۱۳۶۰/۹/۲۹ .

۲. « قانون اتاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران » ـ مصوب پانزدهم اسفندماه ۱۳۶۹ با اصلاحات پانزدهم آذرماه ۱۳۷۳ .

۳. « ترابران ، رایزن بازرگانی ، سفیر جنگ تجاری است یا سفیر حسن‌نیت ؟ » ـ ماهنامه اقتصادی ترابران ـ ۱۳۹۰/۱/۲۱ ـ http://www.tarabaranmag.ir .

٤. لطفی ، توکل ، ـ « انجمن دوستداران ایران و ایرانیان خارج از کشور »
http://www.topiranian.com/maghalat/archives/001489.html

۵. فتح اله‌مهدی ـ « بررسی وضعیت صادرات غیرنفتی در بازارهای پیرامونی » ـ دنیای اقتصاد

٦. « بررسی وضعیت صادرات غیرنفتی در بازارهای پیرامونی » ـ دنیای اقتصاد
http://itema.ir/fa-IR/article/38

۷. « مقاله سهم ایرانیان خارج از کشور را در اقتصاد داخل افزایش دهیم » ـ نام منبع ـ مجله امید نو .

۸. دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه ـ http://ipis.ir

۹. « توسعه بازرگانی خارجی و نقش رایزنان بازرگانی » ـ وب سایت تبیان مرکز زنجان .
http://tebyan-zn.ir

۱۰. رحمانی ، میترا ـ « بررسی وضعیت صادرات غیرنفتی در بازارهای پیرامونی در دهه ۱۳۸۰ » عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی .
http://www.itsr.ir/NewsDetail.aspx?InfoID=1850

۱۱. بیدی ، محسن ـ « بازنگری در کارکردهای اقتصادی سفارتخانه‌ها و دیپورت رایزنان بازرگانی کم کار به کشور » ـ ۱۳۸۹/٤/۱ .
http://www.basirat.ir

۱۲. وزارت امور خارجه www.mfa.gov.ir

۱۳. اقتصاد ایران در قرن بیستم؛ چشم‌انداز جهانی(۲)
http://www.donya-e-eqtesad.com/Default_view.asp?@=155303

۱٤. تفرشی ، مجید ـ « ایران ۱۹۸۱ در اسناد تازه‌یاب بریتانیایی » ـ تحولات اقتصاد داخلی ایران مقاله پانزدهم .

http://mtafreshi.persianblog.ir

15. www.topiranian.com/maghalat/.../008747.htm
16. fa.tpo.ir/pdf/ray3.pdf
17. http://ec.europa.eu
18. http://www.iranattache-afghan.ir/activity
19. www.econews.ir
20. www.rasekhoon.net
21. http://www.madannews.ir/?code=6924
22. http://www.irfurnitureunion.ir/

یادداشت :

یادداشت :

یادداشت :